



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

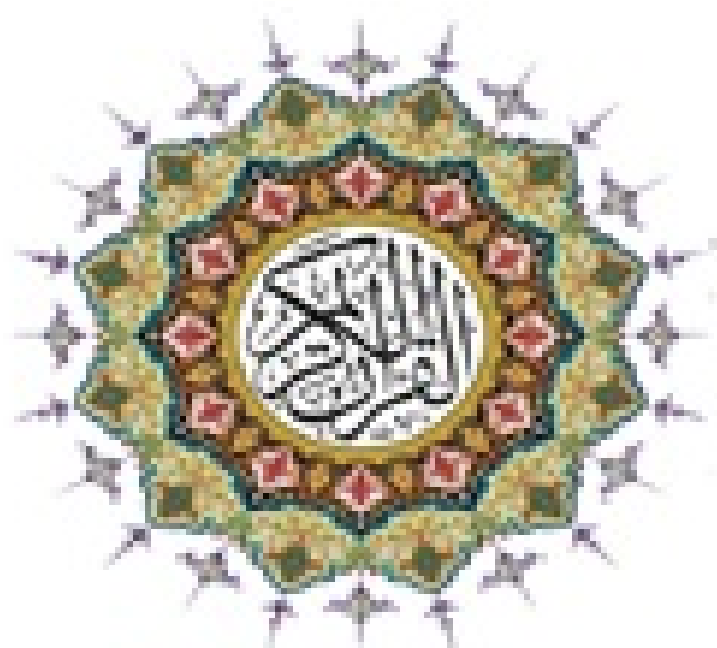
.com

.org

.net

.ir

علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۲۲

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 22

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۴۸	علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۲۲
۴۸	مشخصات کتاب
۴۸	۱- بازگشت به خدا
۴۸	۱- بازگشت به خدا
۸۸	۲- آثار بازگشت به خدا
۹۲	۳- آثار ذکر بازگشت به خدا
۹۴	۴- اهمیت بازگشت به خدا
۹۶	۵- ایمان به بازگشت به خدا
۹۸	۶- بازگشت به خدا
۱۰۰	۷- تلاش برای بازگشت به خدا
۱۰۰	۸- حتمیت بازگشت به خدا
۱۰۶	۹- دلایل بازگشت به خدا
۱۰۶	۱۰- ذکر بازگشت به خدا
۱۰۶	۱۱- زمان بازگشت به خدا
۱۰۸	۱۲- زمینه بازگشت به خدا
۱۱۲	۱۳- شرایط بازگشت به خدا
۱۱۲	۱۴- فلسفه بازگشت به خدا
۱۱۳	۱۵- موانع بازگشت به خدا
۱۱۴	۱۶- موجبات بازگشت به خدا
۱۱۴	۱۷- نشانه های بازگشت به خدا
۱۱۴	۱۸- وعده بازگشت به خدا
۱۱۴	۱۹- وقت بازگشت به خدا
۱۱۷	۲- بازی

- ۱- آثار اجتماعی همجنس بازی ۱۱۷
- ۲- آثار بازی با دین ۱۱۷
- ۳- آثار همجنس بازی ۱۱۷
- ۴- آثار همجنس بازی قوم لوط ۱۱۹
- ۵- ابراهیم(ع) و بازی ۱۲۰
- ۶- بازی با آفرینش ۱۲۰
- ۷- بازی با آیات خدا ۱۲۲
- ۸- بازی با دین ۱۲۲
- ۹- بازی با عقیده قوم ابراهیم ۱۲۴
- ۱۰- بازی با قرآن ۱۲۴
- ۱۱- بازی با وحی ۱۲۴
- ۱۲- بازی در چمنزار ۱۲۶
- ۱۳- بازی در کودکی ۱۲۶
- ۱۴- بازی منافقان با دین ۱۲۶
- ۱۵- بازی یوسف(ع) ۱۲۶
- ۱۶- پلیدی همجنس بازی ۱۲۸
- ۱۷- حرمت بازی با دین ۱۲۸
- ۱۸- خروس بازی در قوم لوط ۱۲۸
- ۱۹- زمینه بازی با دین ۱۲۸
- ۲۰- ظلم همجنس بازی ۱۳۰
- ۲۱- عوامل بازی با دین ۱۳۰
- ۲۲- کیفر بازی با دین ۱۳۰
- ۲۳- گناه همجنس بازی ۱۳۱
- ۲۴- مبارزه با همجنس بازی ۱۳۲
- ۲۵- منشأ همجنس بازی ۱۳۲
- ۲۶- ناپسندی همجنس بازی ۱۳۴

- ۲۷- نیاز به بازی ۱۳۴
- ۲۸- همجنس بازی در قوم لوط ۱۳۴
- ۲۹- همجنس بازی قوم لوط ۱۳۶
- ۳- باستان شناسی ۱۳۹
- ۱- آثار باستان شناسی ۱۳۹
- ۲- اهمیت باستان شناسی ۱۳۹
- ۳- تشویق به باستان شناسی ۱۴۰
- ۴- باطل ۱۴۱
- ۱- آثار آرزوی باطل ۱۴۱
- ۲- آثار اخروی عقیده باطل ۱۴۱
- ۳- آثار اصرار بر عقیده باطل ۱۴۲
- ۴- آثار اعلام شکست باطل ۱۴۲
- ۵- آثار ایمان به معبودان باطل ۱۴۲
- ۶- آثار باطل گرای کافران ۱۴۲
- ۷- آثار بینش باطل ۱۴۴
- ۸- آثار پیروی از باطل ۱۴۴
- ۹- آثار تبلیغ باطل ۱۴۴
- ۱۰- آثار تقلید باطل ۱۴۶
- ۱۱- آثار دوستی باطل ۱۴۶
- ۱۲- آثار ذکر عجز معبودان باطل ۱۴۶
- ۱۳- آثار ذکر معبودان باطل ۱۴۶
- ۱۴- آثار زوال باطل ۱۴۸
- ۱۵- آثار سخنان باطل کافران ۱۴۸
- ۱۶- آثار سنت های باطل ۱۴۸
- ۱۷- آثار سنتهای باطل قوم سبأ ۱۴۸
- ۱۸- آثار شناخت باطل ۱۵۰

- ۱۹- آثار عجز معبودان باطل ۱۵۰
- ۲۰- آثار عقیده باطل ۱۵۰
- ۲۱- آثار عقیده باطل کافران ۱۵۴
- ۲۲- آثار عقیده باطل مشرکان ۱۵۶
- ۲۳- آثار عقیده باطل نیاکان ۱۵۶
- ۲۴- آثار گرایش به باطل ۱۵۶
- ۲۵- آثار گرایشهای باطل ۱۵۷
- ۲۶- آثار گمراهگری معبودان باطل ۱۵۸
- ۲۷- آثار مجادله باطل ۱۵۸
- ۲۸- آثار نفی باطل ۱۵۸
- ۲۹- آثار اعراض از باطل ۱۵۹
- ۳۰- آرزوهای باطل منافقان ۱۶۰
- ۳۱- آرزوی باطل ۱۶۰
- ۳۲- آرزوی باطل کافران ۱۶۲
- ۳۳- آرزوی باطل کافران صدراسلام ۱۶۲
- ۳۴- آگاهی از عقیده باطل خود ۱۶۲
- ۳۵- ابطال عقیده باطل ۱۶۲
- ۳۶- اجتناب از باطل ۱۶۴
- ۳۷- اجتناب از باطل در حج ۱۶۴
- ۳۸- اجتناب از سخن باطل ۱۶۴
- ۳۹- اجتناب از عقیده باطل ۱۶۴
- ۴۰- اجتناب از معبودان باطل ۱۶۶
- ۴۱- احتجاج باطل ۱۶۶
- ۴۲- اختلاف در باطل ۱۶۶
- ۴۳- ادعاهای باطل کافران صدراسلام ۱۶۸
- ۴۴- ادعای باطل ۱۶۸

- ۱۷۰ ----- ۴۵- ادعای باطل مشرکان
- ۱۷۰ ----- ۴۶- ادعای برتری معبودان باطل
- ۱۷۰ ----- ۴۷- ارزیابی معبودان باطل
- ۱۷۲ ----- ۴۸- استغاثه از معبودان باطل
- ۱۷۲ ----- ۴۹- استفاده از باطل
- ۱۷۲ ----- ۵۰- استمداد اخروی از معبودان باطل
- ۱۷۲ ----- ۵۱- استمداد از معبودان باطل
- ۱۷۶ ----- ۵۲- استهزای عقیده باطل
- ۱۷۶ ----- ۵۳- اصرار بر عقیده باطل
- ۱۷۶ ----- ۵۴- اضرار معبودان باطل
- ۱۷۸ ----- ۵۵- اضلال معبودان باطل
- ۱۷۸ ----- ۵۶- اطاعت از عقیده باطل
- ۱۷۸ ----- ۵۷- اعراض از عقیده باطل
- ۱۷۸ ----- ۵۸- اعراض از معبودان باطل
- ۱۸۰ ----- ۵۹- اعلام شکست باطل
- ۱۸۰ ----- ۶۰- افشای عجز معبودان باطل
- ۱۸۰ ----- ۶۱- اقرار معبودان باطل
- ۱۸۲ ----- ۶۲- الوهیت معبودان باطل
- ۱۸۲ ----- ۶۳- امتحان معبودان باطل
- ۱۸۲ ----- ۶۴- امداد به معبودان باطل
- ۱۸۳ ----- ۶۵- امداد معبودان باطل
- ۱۸۴ ----- ۶۶- انفاق باطل
- ۱۸۴ ----- ۶۷- اهل باطل در قیامت
- ۱۸۵ ----- ۶۸- اهمیت اعراض از باطل
- ۱۸۶ ----- ۶۹- اهمیت تبری از عقیده باطل
- ۱۸۶ ----- ۷۰- اهمیت تبیین باطل

- ۷۱- اهمیت تشخیص باطل ----- ۱۸۶
- ۷۲- اهمیت موضعگیری علیه عقیده باطل ----- ۱۸۸
- ۷۳- ایمان به باطل ----- ۱۸۸
- ۷۴- باطل در قیامت ----- ۱۸۸
- ۷۵- باطل نمایی حق ----- ۱۹۰
- ۷۶- بشارت شکست باطل ----- ۱۹۰
- ۷۷- بطلان عقیده به معبودان باطل ----- ۱۹۰
- ۷۸- بطلان معبودان باطل ----- ۱۹۲
- ۷۹- بنی اسرائیل و معبودان باطل ----- ۱۹۲
- ۸۰- بی ارزشی مالکیت معبودان باطل ----- ۱۹۴
- ۸۱- بی تأثیری استمداد از معبودان باطل ----- ۱۹۴
- ۸۲- بی تأثیری درخواست از معبودان باطل ----- ۱۹۴
- ۸۳- بی تأثیری عبادت معبودان باطل ----- ۱۹۶
- ۸۴- بی ثمری عقیده باطل ----- ۱۹۸
- ۸۵- بی ثمری معبودان باطل ----- ۱۹۸
- ۸۶- بی شعوری معبودان باطل ----- ۱۹۸
- ۸۷- بی عقلی معبودان باطل ----- ۱۹۸
- ۸۸- بی منطقی معبودان باطل ----- ۲۰۰
- ۸۹- بی یآوری معبودان باطل ----- ۲۰۰
- ۹۰- بینش باطل ----- ۲۰۰
- ۹۱- بینش باطل فرعون ----- ۲۰۴
- ۹۲- بینش باطل مشرکان ----- ۲۰۴
- ۹۳- بینش باطل مکذبان معاد ----- ۲۰۶
- ۹۴- بینش باطل منافقان ----- ۲۰۶
- ۹۵- بینش باطل ولید بن مغیره ----- ۲۰۸
- ۹۶- پاداش اجتناب از سخن باطل ----- ۲۰۸

- ۹۷- پراکندگی باطل ۲۰۸
- ۹۸- پرسش از عقیده باطل ۲۱۰
- ۹۹- پرسش از معبودان باطل ۲۱۰
- ۱۰۰- پرسش درباره معبودان باطل ۲۱۲
- ۱۰۱- پشیمانی از عقیده باطل ۲۱۳
- ۱۰۲- پندار باطل ۲۱۴
- ۱۰۳- پوچی باطل ۲۱۶
- ۱۰۴- پوچی عقیده به معبودان باطل ۲۱۶
- ۱۰۵- پوچی معبودان باطل ۲۱۸
- ۱۰۶- پیروزی بر باطل ۲۲۲
- ۱۰۷- تبری اخروی معبودان باطل ۲۲۲
- ۱۰۸- تبری از باطل ۲۲۴
- ۱۰۹- تبری از عقیده باطل ۲۲۴
- ۱۱۰- تبری از معبودان باطل ۲۲۴
- ۱۱۱- تبری معبودان باطل ۲۲۸
- ۱۱۲- تبعیت از قدرت باطل ۲۲۸
- ۱۱۳- تبلیغ شکست باطل ۲۳۰
- ۱۱۴- تبیین حق و باطل ۲۳۰
- ۱۱۵- تبیین حقیقت معبودان باطل ۲۳۰
- ۱۱۶- تبیین عقیده باطل ۲۳۰
- ۱۱۷- تحقیر عقیده باطل ۲۳۲
- ۱۱۸- تحمیل باطل بر حق ۲۳۲
- ۱۱۹- ترس از معبودان باطل ۲۳۲
- ۱۲۰- ترس معبودان باطل ۲۳۲
- ۱۲۱- ترک عبادت معبودان باطل ۲۳۴
- ۱۲۲- تزیین باطل شاعران گمراه ۲۳۴

- ۱۲۳- تزیین عقیده باطل ۲۳۴
- ۱۲۴- تشبیه باطل ۲۳۵
- ۱۲۵- تشبیه درخواست از معبودان باطل ۲۳۶
- ۱۲۶- تشبیه معبودان باطل ۲۳۶
- ۱۲۷- تشخیص باطل ۲۳۸
- ۱۲۸- تشخیص حق و باطل ۲۴۰
- ۱۲۹- تضاد حق و باطل ۲۴۲
- ۱۳۰- تظاهر به عقیده باطل ۲۴۲
- ۱۳۱- تعدد راه باطل ۲۴۴
- ۱۳۲- تعدد راههای باطل ۲۴۴
- ۱۳۳- تعدد معبودان باطل ۲۴۵
- ۱۳۴- تعدد معبودان باطل مشرکان صدراسلام ۲۴۸
- ۱۳۵- تقرب معبودان باطل ۲۴۸
- ۱۳۶- تقلید از پیروان عقیده باطل ۲۴۸
- ۱۳۷- تکبر رهبران باطل ۲۴۸
- ۱۳۸- تکذیب اخروی معبودان باطل ۲۵۰
- ۱۳۹- تکذیب عبادت معبودان باطل ۲۵۰
- ۱۴۰- تکذیب معبودان باطل ۲۵۰
- ۱۴۱- تکذیبهای معبودان باطل ۲۵۲
- ۱۴۲- تلاش معبودان باطل ۲۵۲
- ۱۴۳- تمایلات باطل ۲۵۲
- ۱۴۴- تمیز حق و باطل ۲۵۲
- ۱۴۵- تمییز باطل ۲۵۴
- ۱۴۶- تمییز حق و باطل ۲۵۴
- ۱۴۷- تنفر از عقیده باطل ۲۵۷
- ۱۴۸- تنهایی اخروی معبودان باطل ۲۵۸

- ۱۴۹- توقع از معبودان باطل ----- ۲۵۸
- ۱۵۰- جادوگران و حکومت‌های باطل ----- ۲۵۸
- ۱۵۱- جدایی حق و باطل ----- ۲۶۰
- ۱۵۲- جهل معبودان باطل ----- ۲۶۰
- ۱۵۳- حتمیت زوال باطل ----- ۲۶۲
- ۱۵۴- حتمیت شکست باطل ----- ۲۶۲
- ۱۵۵- حتمیت ورود معبودان باطل به جهنم ----- ۲۶۲
- ۱۵۶- حسابرسی از معبودان باطل ----- ۲۶۲
- ۱۵۷- حشر معبودان باطل ----- ۲۶۴
- ۱۵۸- حق و باطل ----- ۲۶۴
- ۱۵۹- حقیقت باطل ----- ۲۶۶
- ۱۶۰- حقیقت معبودان باطل ----- ۲۶۶
- ۱۶۱- حکومت باطل و علما ----- ۲۶۸
- ۱۶۲- حمایت از معبودان باطل ----- ۲۶۸
- ۱۶۳- خالق معبودان باطل ----- ۲۶۸
- ۱۶۴- خدا و باطل ----- ۲۶۸
- ۱۶۵- درخواست از معبودان باطل ----- ۲۷۰
- ۱۶۶- درخواست تبیین حقیقت معبودان باطل ----- ۲۷۰
- ۱۶۷- درخواست معبودان باطل ----- ۲۷۰
- ۱۶۸- دشمنان اخروی معبودان باطل ----- ۲۷۲
- ۱۶۹- دشمنی اخروی معبودان باطل ----- ۲۷۲
- ۱۷۰- دشمنی با معبودان باطل ----- ۲۷۲
- ۱۷۱- دشمنی حق و باطل ----- ۲۷۴
- ۱۷۲- دشمنی معبودان باطل ----- ۲۷۴
- ۱۷۳- دشنام به معبودان باطل ----- ۲۷۶
- ۱۷۴- دلایل بطلان معبودان باطل ----- ۲۷۶

- ۱۷۵- دلایل پوچی معبودان باطل ۲۷۶
- ۱۷۶- دلایل عجز معبودان باطل ۲۷۸
- ۱۷۷- رازقیت معبودان باطل ۲۷۸
- ۱۷۸- رد الوهیت معبودان باطل ۲۷۸
- ۱۷۹- رد خالقیت معبودان باطل ۲۷۹
- ۱۸۰- رد شفاعت معبودان باطل ۲۸۰
- ۱۸۱- رد عبادت معبودان باطل ۲۸۰
- ۱۸۲- رد قداست معبودان باطل ۲۸۰
- ۱۸۳- رد معبودان باطل ۲۸۲
- ۱۸۴- روش ابطال عقیده باطل ۲۸۲
- ۱۸۵- روش تشخیص باطل ۲۸۳
- ۱۸۶- روش مبارزه با باطل ۲۸۴
- ۱۸۷- روش مبارزه با رسوم باطل ۲۸۴
- ۱۸۸- روش مبارزه با عقیده باطل ۲۸۴
- ۱۸۹- زمینه باطل ۲۸۶
- ۱۹۰- زمینه شکست باطل ۲۸۶
- ۱۹۱- زمینه عقیده باطل ۲۸۸
- ۱۹۲- زوال باطل ۲۸۸
- ۱۹۳- زیادی پیروان باطل ۲۹۰
- ۱۹۴- زیان استمداد از معبودان باطل ۲۹۰
- ۱۹۵- زیان رسانی معبودان باطل ۲۹۰
- ۱۹۶- زیانکاری اهل باطل ۲۹۲
- ۱۹۷- زیانکاری مؤمنان به باطل ۲۹۲
- ۱۹۸- سختی اجتناب از سخن باطل ۲۹۲
- ۱۹۹- سخن باطل ۲۹۲
- ۲۰۰- سرزنش اصرار بر عقیده باطل ۲۹۴

- ۲۰۱- سرزنش سهم المال معبودان باطل ----- ۲۹۴
- ۲۰۲- سرزنش عقیده به رازقیت معبودان باطل ----- ۲۹۴
- ۲۰۳- سنت نابودی باطل ----- ۲۹۵
- ۲۰۴- سهم المال معبودان باطل ----- ۲۹۶
- ۲۰۵- شرایط تشخیص باطل ----- ۲۹۷
- ۲۰۶- شرایط کیفر معبودان باطل ----- ۲۹۸
- ۲۰۷- شعور معبودان باطل ----- ۲۹۸
- ۲۰۸- شعیب(ع) و معبودان باطل ----- ۳۰۰
- ۲۰۹- شفاعت معبودان باطل ----- ۳۰۰
- ۲۱۰- شکایت از معبودان باطل ----- ۳۰۴
- ۲۱۱- شکست باطل ----- ۳۰۴
- ۲۱۲- شکست ناگهانی باطل ----- ۳۰۶
- ۲۱۳- شگفتی ایمان به باطل ----- ۳۰۷
- ۲۱۴- شگفتی عقیده به معبودان باطل ----- ۳۰۸
- ۲۱۵- صبر در اجتناب از سخن باطل ----- ۳۰۸
- ۲۱۶- ضعف معبودان باطل ----- ۳۰۸
- ۲۱۷- ظلم تبلیغ باطل ----- ۳۱۰
- ۲۱۸- ظلم شعر باطل ----- ۳۱۰
- ۲۱۹- ظلمت معبودان باطل ----- ۳۱۲
- ۲۲۰- عبادت معبودان باطل ----- ۳۱۲
- ۲۲۱- عبودیت معبودان باطل ----- ۳۱۴
- ۲۲۲- عجز اخروی معبودان باطل ----- ۳۱۴
- ۲۲۳- عجز معبودان باطل ----- ۳۱۶
- ۲۲۴- عجز معبودان باطل مشرکان ----- ۳۳۸
- ۲۲۵- عذاب اخروی معبودان باطل ----- ۳۳۸
- ۲۲۶- عذاب استیصال اهل باطل ----- ۳۴۰

- ۲۲۷- عظمت معبودان باطل ۳۴۰
- ۲۲۸- عقیده باطل ۳۴۰
- ۲۲۹- عقیده باطل بت پرستان ۳۹۰
- ۲۳۰- عقیده باطل بنی اسرائیل ۳۹۰
- ۲۳۱- عقیده باطل در دوران اصحاب کهف ۳۹۲
- ۲۳۲- عقیده باطل در قیامت ۳۹۲
- ۲۳۳- عقیده باطل درباره خدا ۳۹۲
- ۲۳۴- عقیده باطل ظالمان ۳۹۴
- ۲۳۵- عقیده باطل فرعون ۳۹۴
- ۲۳۶- عقیده باطل قوم ثمود ۳۹۴
- ۲۳۷- عقیده باطل قوم سبأ ۳۹۴
- ۲۳۸- عقیده باطل قوم عاد ۳۹۶
- ۲۳۹- عقیده باطل کافران ۳۹۶
- ۲۴۰- عقیده باطل کافران صدراسلام ۳۹۶
- ۲۴۱- عقیده باطل مشرکان ۳۹۸
- ۲۴۲- عقیده باطل مشرکان جاهلیت ۴۰۶
- ۲۴۳- عقیده باطل مشرکان صدراسلام ۴۰۶
- ۲۴۴- عقیده باطل مشرکان مقارن بعثت ۴۰۸
- ۲۴۵- عقیده باطل مصریان باستان ۴۰۸
- ۲۴۶- عقیده باطل مکذبان انفاق ۴۱۰
- ۲۴۷- عقیده باطل مکذبان معاد ۴۱۰
- ۲۴۸- عقیده باطل یهود ۴۱۰
- ۲۴۹- عقیده به امداد معبودان باطل ۴۱۲
- ۲۵۰- عقیده به تدبیر معبودان باطل ۴۱۲
- ۲۵۱- عقیده به شعور معبودان باطل ۴۱۲
- ۲۵۲- عقیده به شفاعت معبودان باطل ۴۱۴

- ۲۵۳- عقیده به معبودان باطل ۴۱۴
- ۲۵۴- عقیده به ولایت معبودان باطل ۴۱۶
- ۲۵۵- عقیدهء باطل مشرکان مکه ۴۱۶
- ۲۵۶- علاقه به معبودان باطل ۴۱۸
- ۲۵۷- عمل باطل ۴۱۸
- ۲۵۸- عنصر معبودان باطل ۴۱۸
- ۲۵۹- عوامل اصرار بر باطل ۴۱۹
- ۲۶۰- عوامل انقراض باطل ۴۲۰
- ۲۶۱- عوامل تبیین باطل ۴۲۰
- ۲۶۲- عوامل زوال باطل ۴۲۰
- ۲۶۳- عوامل شکست باطل ۴۲۱
- ۲۶۴- عوامل علاقه به معبودان باطل ۴۲۲
- ۲۶۵- عوامل گرایش به باطل ۴۲۲
- ۲۶۶- عوامل مبارزه غلط با باطل ۴۲۲
- ۲۶۷- عوامل نابودی باطل ۴۲۴
- ۲۶۸- عوامل نشر عقیده باطل ۴۲۴
- ۲۶۹- غفلت از معبودان باطل ۴۲۴
- ۲۷۰- فراموشی معبودان باطل ۴۲۶
- ۲۷۱- فرجام باطل ۴۲۶
- ۲۷۲- فرجام معبودان باطل ۴۲۶
- ۲۷۳- فلسفه عبادت معبودان باطل ۴۲۸
- ۲۷۴- قدرت معبودان باطل ۴۲۸
- ۲۷۵- قرآن و باطل ۴۳۰
- ۲۷۶- قضاوت باطل ۴۳۰
- ۲۷۷- قضاوت بین حق و باطل ۴۳۰
- ۲۷۸- قیاس باطل ۴۳۲

- ۲۷۹- کافران و عقیده باطل ۴۳۴
- ۲۸۰- کافران و معبودان باطل ۴۳۴
- ۲۸۱- کتمان عقیده باطل ۴۳۶
- ۲۸۲- کری معبودان باطل ۴۳۶
- ۲۸۳- کفر به معبودان باطل ۴۳۶
- ۲۸۴- کوردلی معبودان باطل ۴۳۶
- ۲۸۵- کیفر شعر باطل ۴۳۸
- ۲۸۶- کیفر عقیده باطل ۴۳۸
- ۲۸۷- گرایش به باطل ۴۳۸
- ۲۸۸- گرایش به معبودان باطل ۴۴۰
- ۲۸۹- گرایشها به باطل ۴۴۰
- ۲۹۰- گفتگوی مشرکان با معبودان باطل ۴۴۰
- ۲۹۱- گمراهگری معبودان باطل ۴۴۰
- ۲۹۲- مبارزه اجتماعی با باطل ۴۴۲
- ۲۹۳- مبارزه با باطل ۴۴۲
- ۲۹۴- مبارزه با عقیده باطل ۴۴۲
- ۲۹۵- مبارزه با معبودان باطل ۴۴۲
- ۲۹۶- مبارزه حق و باطل ۴۴۴
- ۲۹۷- مبین حق و باطل ۴۴۶
- ۲۹۸- مثالهای باطل دشمنان قرآن ۴۴۶
- ۲۹۹- مثالهای باطل دشمنان محمد(صلی الله علیه و آله) ۴۴۶
- ۳۰۰- مثالهای باطل کافران ۴۴۶
- ۳۰۱- مجادله با معبودان باطل ۴۴۸
- ۳۰۲- مجادله باطل ۴۴۸
- ۳۰۳- مجسمه معبودان باطل ۴۴۸
- ۳۰۴- مجعول بودن معبودان باطل ۴۵۰

- ۳۰۵- محمد(صلی الله علیه و آله) و سخنان باطل ۴۵۲
- ۳۰۶- مخلوق بودن معبودان باطل ۴۵۲
- ۳۰۷- مخلوقیت معبودان باطل ۴۵۲
- ۳۰۸- مخلوقیت معبودان باطل مشرکان ۴۵۴
- ۳۰۹- مراد از معبودان باطل ۴۵۴
- ۳۱۰- مردگی معبودان باطل ۴۵۶
- ۳۱۱- مشرکان صدر اسلام و معبودان باطل ۴۵۶
- ۳۱۲- مشرکان و ذکر معبودان باطل ۴۵۶
- ۳۱۳- مشرکان و معبودان باطل ۴۵۸
- ۳۱۴- معامله باطل ۴۶۲
- ۳۱۵- معبودان باطل بنی اسرائیل ۴۶۲
- ۳۱۶- معبودان باطل در جهنم ۴۶۴
- ۳۱۷- معبودان باطل در قیامت ۴۶۷
- ۳۱۸- معبودان باطل قوم ثمود ۴۷۴
- ۳۱۹- معبودان باطل قوم عاد ۴۷۴
- ۳۲۰- معبودان باطل مشرکان ۴۷۶
- ۳۲۱- معبودان باطل و آسمانها ۴۸۰
- ۳۲۲- معبودان باطل و اجابت دعا ۴۸۰
- ۳۲۳- معبودان باطل و امدادهای مشرکان ۴۸۲
- ۳۲۴- معبودان باطل و تأمین نیاز ۴۸۲
- ۳۲۵- معبودان باطل و تبدیل زبان ۴۸۲
- ۳۲۶- معبودان باطل و جلب منفعت ۴۸۲
- ۳۲۷- معبودان باطل و خالقیت ۴۸۴
- ۳۲۸- معبودان باطل و خلقت ۴۸۵
- ۳۲۹- معبودان باطل و خلقت آفرینش ۴۸۶
- ۳۳۰- معبودان باطل و دفع زبان ۴۸۶

۴۸۸	۳۳۱- معبودان باطل و رازقیت
۴۸۸	۳۳۲- معبودان باطل و عرش
۴۸۸	۳۳۳- معبودان باطل و قضاوت
۴۹۰	۳۳۴- معبودان باطل و مالکیت
۴۹۰	۳۳۵- معبودان باطل و مرگ
۴۹۰	۳۳۶- معبودان باطل و منفعت رسانی
۴۹۰	۳۳۷- معبودان باطل و نجات از عذاب
۴۹۲	۳۳۸- مقایسه حق و باطل
۴۹۲	۳۳۹- مکذبان اخروی معبودان باطل
۴۹۲	۳۴۰- مکر معبودان باطل
۴۹۴	۳۴۱- ملاک ارزیابی باطل
۴۹۴	۳۴۲- ملاک تشخیص باطل
۴۹۴	۳۴۳- ملاک سخن باطل
۴۹۶	۳۴۴- ملاکهای تشخیص باطل
۴۹۶	۳۴۵- مملوکیت معبودان باطل
۴۹۶	۳۴۶- ممیز حق و باطل
۵۰۰	۳۴۷- منشأ پیروزی باطل
۵۰۱	۳۴۸- منشأ سخن باطل
۵۰۲	۳۴۹- منشأ شکست باطل
۵۰۲	۳۵۰- منشأ عقیده باطل
۵۰۴	۳۵۱- منشأ قضاوت باطل
۵۰۶	۳۵۲- منفعت رسانی معبودان باطل
۵۰۶	۳۵۳- موارد باطل
۵۰۷	۳۵۴- موارد شکست باطل
۵۰۸	۳۵۵- موانع عقیده باطل
۵۰۸	۳۵۶- موضعگیری علیه باطل

- ۳۵۷- نابودی باطل ----- ۵۰۸
- ۳۵۸- ناپایداری عقیده باطل ----- ۵۱۲
- ۳۵۹- ناپسندی ایمان به باطل ----- ۵۱۲
- ۳۶۰- ناپسندی مجادله باطل ----- ۵۱۲
- ۳۶۱- نشانه های پوچی معبودان باطل ----- ۵۱۲
- ۳۶۲- نفع رسانی معبودان باطل ----- ۵۱۴
- ۳۶۳- نفی باطل در تبلیغ ----- ۵۱۴
- ۳۶۴- نقش باطل ----- ۵۱۴
- ۳۶۵- نقش معبودان باطل ----- ۵۱۶
- ۳۶۶- نوح(ع) و معبودان باطل ----- ۵۲۰
- ۳۶۷- وحدت راه باطل ----- ۵۲۰
- ۳۶۸- ولایت باطل ----- ۵۲۰
- ۳۶۹- ولایت معبودان باطل ----- ۵۲۰
- ۳۷۰- ویژگیهای حشر معبودان باطل ----- ۵۲۲
- ۳۷۱- ویژگیهای رهبران باطل ----- ۵۲۲
- ۳۷۲- یوسف(ع) و معبودان باطل ----- ۵۲۲
- ۵- باغ ----- ۵۲۴
- ۱- آثار نزول بلا بر باغ سوخته ----- ۵۲۴
- ۲- آثار ویرانی باغ سوخته ----- ۵۲۴
- ۳- ارزش باغ های اخروی ----- ۵۲۵
- ۴- ارزش باغ های دنیوی ----- ۵۲۵
- ۵- امکان باغ برای محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۵۲۵
- ۶- باغ انار ----- ۵۲۵
- ۷- باغ انگور ----- ۵۲۶
- ۸- باغ زیتون ----- ۵۲۷
- ۹- برداشت میوه باغ سوخته ----- ۵۲۷

- ۱۰- پیدایش باغ انگور ۵۲۷
- ۱۱- تبدیل باغ ها به بیابان ۵۲۷
- ۱۲- تعدد باغ بهشت ۵۲۹
- ۱۳- ثمردهی باغ نمونه ۵۲۹
- ۱۴- جایگزینی باغ سوخته ۵۲۹
- ۱۵- خالق باغ ها ۵۳۱
- ۱۶- درخواست باغ برای محمد(صلی الله علیه و آله) ۵۳۲
- ۱۷- زمینه پیدایش باغ ها ۵۳۳
- ۱۸- زمینه نابودی باغ ها ۵۳۳
- ۱۹- زیبایی باغ ها ۵۳۳
- ۲۰- قصه باغ سوخته ۵۳۵
- ۲۱- کم ارزشی باغ های دنیوی ۵۴۲
- ۲۲- مکان باغ سوخته ۵۴۳
- ۲۳- منشأ پیدایش باغ ها ۵۴۳
- ۲۴- میوه های باغ سوخته ۵۴۴
- ۲۵- نابودی باغ باغدار متکبر ۵۴۵
- ۲۶- نابودی باغ سوخته ۵۴۵
- ۲۷- نابودی میوه های باغ سوخته ۵۴۷
- ۲۸- نزول بلا بر باغ سوخته ۵۴۷
- ۲۹- نشانه های باغ نمونه ۵۴۷
- ۳۰- نعمت باغ ۵۴۷
- ۳۱- نقش باغ ها ۵۴۹
- ۳۲- نقش شادایی باغ ها ۵۴۹
- ۳۳- واژگونی باغ باغدار متکبر ۵۴۹
- ۳۴- وقت نزول بلا بر باغ سوخته ۵۵۱
- ۳۵- وقت ویرانی باغ سوخته ۵۵۱

- ۳۶- ویرانی باغ سوخته ۵۵۱
- ۳۷- ویژگیهای باغ های دنیوی ۵۵۳
- ۳۸- ویژگیهای نزول بلا بر باغ سوخته ۵۵۳
- ۶- بت ۵۵۴
- ۱- آثار بت پرستی ۵۵۴
- ۲- آثار بت پرستی اجداد قوم ابراهیم ۵۵۷
- ۳- آثار بت پرستی قوم ابراهیم ۵۵۷
- ۴- آثار تبری از بت پرستی ۵۵۷
- ۵- آثار عجز بت ها ۵۵۹
- ۶- ابراهیم(ع) و بت پرستان ۵۵۹
- ۷- اجتناب از بت ها ۵۵۹
- ۸- اجتناب از قربانی بت ها ۵۵۹
- ۹- احکام بت ۵۶۱
- ۱۰- استمداد از بت ها ۵۶۱
- ۱۱- استهزای بت ها ۵۶۱
- ۱۲- اصرار بر بت پرستی ۵۶۳
- ۱۳- اضلال بت پرستان ۵۶۳
- ۱۴- اضلال بت ها ۵۶۳
- ۱۵- اعمال بت پرستان ۵۶۳
- ۱۶- اقرار اخروی بت ها ۵۶۵
- ۱۷- امداد به بت پرستان ۵۶۵
- ۱۸- امداد به بت ها ۵۶۵
- ۱۹- امیدواری بت پرستان ۵۶۵
- ۲۰- انحراف بت پرستی ۵۶۷
- ۲۱- انگیزه بت پرستی ۵۶۷
- ۲۲- انگیزه بت پرستی مشرکان ۵۶۷

- ۲۳- انگیزه های بت پرستان ۵۶۹
- ۲۴- اهانت به بت ۵۶۹
- ۲۵- اهمیت مبارزه با بت پرستی ۵۶۹
- ۲۶- بازجویی از بت بزرگ قوم ابراهیم ۵۷۱
- ۲۷- بت بزرگ قوم ابراهیم ۵۷۱
- ۲۸- بت پرستان دوران موسی(ع) ۵۷۱
- ۲۹- بت پرستان و بت شکنی ابراهیم(ع) ۵۷۱
- ۳۰- بت پرستی آزر ۵۷۳
- ۳۱- بت پرستی اجداد قوم ابراهیم ۵۷۷
- ۳۲- بت پرستی اهل بابل ۵۷۷
- ۳۳- بت پرستی اهل مکه ۵۷۹
- ۳۴- بت پرستی بنی اسرائیل ۵۷۹
- ۳۵- بت پرستی پس از نوح(ع) ۵۷۹
- ۳۶- بت پرستی در اهل کتاب ۵۷۹
- ۳۷- بت پرستی در جاهلیت ۵۸۱
- ۳۸- بت پرستی در دوران ابراهیم(ع) ۵۸۳
- ۳۹- بت پرستی در دوران اصحاب کهف ۵۸۴
- ۴۰- بت پرستی در دوران مقارن بعثت ۵۸۵
- ۴۱- بت پرستی در دوران موسی(ع) ۵۸۵
- ۴۲- بت پرستی در مکه ۵۸۵
- ۴۳- بت پرستی قوم ابراهیم ۵۸۷
- ۴۴- بت پرستی قوم الیاس ۵۹۲
- ۴۵- بت پرستی قوم ثمود ۵۹۳
- ۴۶- بت پرستی قوم عاد ۵۹۳
- ۴۷- بت پرستی قوم نوح ۵۹۵
- ۴۸- بت پرستی کافران ۵۹۷

- ۴۹- بت پرستی مردم جزیره العرب ۵۹۷
- ۵۰- بت پرستی مردم دوران ابراهیم(ع) ۵۹۷
- ۵۱- بت پرستی مردم مقارن بعثت ۵۹۷
- ۵۲- بت پرستی مشرکان ۵۹۹
- ۵۳- بت پرستی مشرکان صدراسلام ۶۰۱
- ۵۴- بت پرستی مشرکان مکه ۶۰۱
- ۵۵- بت پرستی نیاکان قوم ابراهیم ۶۰۱
- ۵۶- بت تراشی قوم ابراهیم ۶۰۳
- ۵۷- بت تراشی مشرکان ۶۰۳
- ۵۸- بت شکنی ابراهیم(ع) ۶۰۵
- ۵۹- بت شکنی در قوم ابراهیم ۶۱۱
- ۶۰- بت شکنی قصه ابراهیم(ع) ۶۱۲
- ۶۱- بت ها در جهنم ۶۱۳
- ۶۲- بت ها در قیامت ۶۱۳
- ۶۳- بت ها و اقرار به توحید ۶۱۵
- ۶۴- بت ها و اقرار به علم خدا ۶۱۵
- ۶۵- بت ها و تکلم ۶۱۵
- ۶۶- بت ها و خوردن ۶۱۷
- ۶۷- بت ها و شفابخشی ۶۱۸
- ۶۸- بت ها و نجات از عذاب ۶۱۹
- ۶۹- بطلان بت پرستی ۶۱۹
- ۷۰- بعل ۶۱۹
- ۷۱- بنی اسرائیل و بت پرستان ۶۲۱
- ۷۲- بی احترامی بت ۶۲۱
- ۷۳- بی تأثیری بت پرستی ۶۲۲
- ۷۴- بی ثمری بت پرستی ۶۲۳

- ۶۲۳-----۷۵- بی ثمری بت ها
- ۶۲۳-----۷۶- بی حرمتی بت ها
- ۶۲۳-----۷۷- بی عقلی بت پرستان
- ۶۲۵-----۷۸- بی منطقی بت پرستی
- ۶۲۷-----۷۹- فی الجحیم
- ۶۲۹-----۸۰- بی منطقی بت پرستی قوم ابراهیم
- ۶۲۹-----۸۱- بینش بت پرستان
- ۶۲۹-----۸۲- پرسش از بت پرستی
- ۶۳۰-----۸۳- پرسش از بت ها
- ۶۳۱-----۸۴- پرسش از شنوایی بت ها
- ۶۳۱-----۸۵- پلیدی بت پرستان
- ۶۳۱-----۸۶- پلیدی بت ها
- ۶۳۳-----۸۷- پوچی بت پرستی
- ۶۳۳-----۸۸- پیشنهاد بت پرستی به محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۶۳۵-----۸۹- تاریخ بت پرستی
- ۶۳۹-----۹۰- تبری از بت پرستان
- ۶۴۰-----۹۱- تبری از بت پرستی
- ۶۴۱-----۹۲- تبلیغ بت پرستی
- ۶۴۱-----۹۳- تبیین پوچی بت پرستی
- ۶۴۳-----۹۴- تحصیل عزت از بت پرستی
- ۶۴۳-----۹۵- تحقیر بت پرستی
- ۶۴۳-----۹۶- تحقیر بت ها
- ۶۴۵-----۹۷- تداوم بت پرستی قوم ابراهیم
- ۶۴۵-----۹۸- تعقل در بطلان بت پرستی
- ۶۴۵-----۹۹- تکلم بت ها با مشرکان
- ۶۴۷-----۱۰۰- تکلم بت ها در قیامت

- ۱۰۱- تنبه بت پرستان قوم ابراهیم ----- ۶۴۷
- ۱۰۲- توصیه به ترک بت پرستی ----- ۶۴۷
- ۱۰۳- جوارح بت ها ----- ۶۴۷
- ۱۰۴- جواز بت شکنی ----- ۶۴۹
- ۱۰۵- چشمهای بت ها ----- ۶۵۱
- ۱۰۶- حقیقت بت پرستی ----- ۶۵۱
- ۱۰۷- خبائت قربانی بت ها ----- ۶۵۳
- ۱۰۸- درخواست از بت ها ----- ۶۵۴
- ۱۰۹- درخواست مصونیت از بت پرستی ----- ۶۵۵
- ۱۱۰- دشمنی بت ها ----- ۶۵۵
- ۱۱۱- دعوت به بت پرستی ----- ۶۵۷
- ۱۱۲- دفاع از بت پرستان ----- ۶۵۷
- ۱۱۳- دلایل بت پرستی مشرکان ----- ۶۵۷
- ۱۱۴- دلایل بطلان بت پرستی ----- ۶۵۷
- ۱۱۵- دلایل پوچی بت پرستی ----- ۶۵۹
- ۱۱۶- دلایل مقهوریت بت ها ----- ۶۵۹
- ۱۱۷- رنجهای بت پرستان ----- ۶۵۹
- ۱۱۸- رهبران بت پرست ----- ۶۶۱
- ۱۱۹- رهبران بت پرستی ----- ۶۶۱
- ۱۲۰- رهبران شرک و بطلان بت پرستی ----- ۶۶۱
- ۱۲۱- زمینه بت پرستی ----- ۶۶۱
- ۱۲۲- زیان بت پرستی ----- ۶۶۳
- ۱۲۳- زیان رسانی بت ها ----- ۶۶۳
- ۱۲۴- سرزنش بت پرستی ----- ۶۶۳
- ۱۲۵- سرزنش درخواست از بت ها ----- ۶۶۵
- ۱۲۶- شعور بت ها در قیامت ----- ۶۶۵

- ۱۲۷- شفاعت بت ها ۶۶۷
- ۱۲۸- شگفتی بت پرستی ۶۶۷
- ۱۲۹- شومی مولای بت پرستان ۶۶۸
- ۱۳۰- شومی همدم بت پرستان ۶۶۹
- ۱۳۱- ظلم بت پرستی ۶۶۹
- ۱۳۲- عجز بت پرستی ۶۷۱
- ۱۳۳- عجز بت ها ۶۷۱
- ۱۳۴- عدم ادراک بت ها ۶۷۹
- ۱۳۵- عذاب بت پرستان ۶۷۹
- ۱۳۶- عقیده باطل بت پرستان ۶۷۹
- ۱۳۷- عقیده به بت پرستی ۶۸۱
- ۱۳۸- علاقه به بت ۶۸۱
- ۱۳۹- عوامل بت پرستی قوم ابراهیم ۶۸۱
- ۱۴۰- فرجام بت پرستان ۶۸۳
- ۱۴۱- فرزندان ابراهیم(ع) و بت پرستی ۶۸۳
- ۱۴۲- فساد بت پرستی ۶۸۳
- ۱۴۳- فلسفه ابقای بت بزرگ قوم ابراهیم ۶۸۵
- ۱۴۴- فلسفه بت پرستی قوم ابراهیم ۶۸۵
- ۱۴۵- فلسفه بت پرستی مشرکان ۶۸۵
- ۱۴۶- فلسفه بت پرستی مشرکان صدر اسلام ۶۸۷
- ۱۴۷- قربانی بت ۶۸۷
- ۱۴۸- قربانی بت ها ۶۸۸
- ۱۴۹- قیاس بت ها با عیسی(ع) ۶۸۹
- ۱۵۰- کری بت ها ۶۸۹
- ۱۵۱- کفر بت پرستان ۶۹۱
- ۱۵۲- کیفر بت پرستان ۶۹۱

- ۱۵۳- کیفیر بت شکنی ابراهیم(ع) ----- ۶۹۱
- ۱۵۴- کیفراجتناب از بت پرستی ----- ۶۹۳
- ۱۵۵- کیفیت بت شکنی ابراهیم(ع) ----- ۶۹۳
- ۱۵۶- گمراهی بت پرستی ----- ۶۹۳
- ۱۵۷- گناه بت پرستی ----- ۶۹۵
- ۱۵۸- گواهان بت ها ----- ۶۹۷
- ۱۵۹- مالکیت بت ----- ۶۹۷
- ۱۶۰- مبارزه با بت پرستان دوران ابراهیم(ع) ----- ۶۹۷
- ۱۶۱- مبارزه با بت پرستی ----- ۶۹۷
- ۱۶۲- مخلوقیت بت ها ----- ۶۹۹
- ۱۶۳- مراتب بت ها ----- ۷۰۱
- ۱۶۴- مشرکان و بت پرستی ----- ۷۰۱
- ۱۶۵- مغضوبیت بت پرستان ----- ۷۰۱
- ۱۶۶- منشأ بت پرستی ----- ۷۰۲
- ۱۶۷- منشأ بت پرستی مشرکان مکه ----- ۷۰۵
- ۱۶۸- منفعت رسانی بت ها ----- ۷۰۵
- ۱۶۹- موجبات اجتناب از بت پرستی ----- ۷۰۵
- ۱۷۰- موجبات بت پرستی ----- ۷۰۵
- ۱۷۱- نشانه های بی ثمری بت پرستی ----- ۷۰۷
- ۱۷۲- نفرین بر بت پرستان ----- ۷۰۷
- ۱۷۳- نقش بت بزرگ قوم ابراهیم ----- ۷۰۷
- ۱۷۴- نقش بت ها ----- ۷۰۸
- ۱۷۵- نگرانی از گسترش بت پرستی ----- ۷۰۹
- ۱۷۶- نوح(ع) و بت پرستی ----- ۷۰۹
- ۱۷۷- نهی از بت پرستی ----- ۷۱۰
- ۱۷۸- وضوح بطلان بت پرستی ----- ۷۱۱

- ۱۷۹- ویژگیهای بت پرستی ----- ۷۱۱
- ۱۸۰- هدایت بت پرستان ----- ۷۱۱
- ۱۸۱- هلاکت بت پرستان ----- ۷۱۳
- ۱۸۲- هواپرستی بت پرستان ----- ۷۱۳
- ۱۸۳- یأس از هدایت بت پرستان ----- ۷۱۳
- ۱۸۴- یوسف(ع) و بت ----- ۷۱۳
- ۱۸۵- بت پرستان ----- ۷۱۵
- ۱۸۶- ابراهیم(ع) و بت پرستان ----- ۷۱۷
- ۱۸۷- اضلال بت پرستان ----- ۷۱۷
- ۱۸۸- اعمال بت پرستان ----- ۷۱۸
- ۱۸۹- امداد به بت پرستان ----- ۷۱۹
- ۱۹۰- امیدواری بت پرستان ----- ۷۱۹
- ۱۹۱- انگیزه های بت پرستان ----- ۷۱۹
- ۱۹۲- بت پرستان دوران موسی(ع) ----- ۷۱۹
- ۱۹۳- بت پرستان و بت شکنی ابراهیم(ع) ----- ۷۲۱
- ۱۹۴- بنی اسرائیل و بت پرستان ----- ۷۲۱
- ۱۹۵- بی عقلی بت پرستان ----- ۷۲۳
- ۱۹۶- بینش بت پرستان ----- ۷۲۳
- ۱۹۷- پلیدی بت پرستان ----- ۷۲۳
- ۱۹۸- تبری از بت پرستان ----- ۷۲۵
- ۱۹۹- تنبه بت پرستان قوم ابراهیم ----- ۷۲۵
- ۲۰۰- دفاع از بت پرستان ----- ۷۲۶
- ۲۰۱- رنجهای بت پرستان ----- ۷۲۷
- ۲۰۲- شومی مولای بت پرستان ----- ۷۲۷
- ۲۰۳- شومی همدم بت پرستان ----- ۷۲۷
- ۲۰۴- عذاب بت پرستان ----- ۷۲۷

- ۲۰۵- عقیده باطل بت پرستان ۷۲۹
- ۲۰۶- فرجام بت پرستان ۷۲۹
- ۲۰۷- کفر بت پرستان ۷۲۹
- ۲۰۸- کیفر بت پرستان ۷۳۱
- ۲۰۹- مبارزه با بت پرستان دوران ابراهیم(ع) ۷۳۱
- ۲۱۰- مغضوبیت بت پرستان ۷۳۱
- ۲۱۱- نفرین بر بت پرستان ۷۳۱
- ۲۱۲- هدایت بت پرستان ۷۳۳
- ۲۱۳- هلاکت بت پرستان ۷۳۳
- ۲۱۴- هواپرستی بت پرستان ۷۳۳
- ۲۱۵- یأس از هدایت بت پرستان ۷۳۳
- ۲۱۶- آثار بت پرستی ۷۳۴
- ۲۱۷- آثار بت پرستی اجداد قوم ابراهیم ۷۳۸
- ۲۱۸- آثار بت پرستی قوم ابراهیم ۷۳۹
- ۲۱۹- آثار تبری از بت پرستی ۷۳۹
- ۲۲۰- اصرار بر بت پرستی ۷۳۹
- ۲۲۱- انحراف بت پرستی ۷۳۹
- ۲۲۲- انگیزه بت پرستی ۷۴۱
- ۲۲۳- انگیزه بت پرستی مشرکان ۷۴۱
- ۲۲۴- اهمیت مبارزه با بت پرستی ۷۴۱
- ۲۲۵- بت پرستی آزر ۷۴۳
- ۲۲۶- بت پرستی اجداد قوم ابراهیم ۷۴۷
- ۲۲۷- بت پرستی اهل بابل ۷۴۷
- ۲۲۸- بت پرستی اهل مکه ۷۴۹
- ۲۲۹- بت پرستی بنی اسرائیل ۷۴۹
- ۲۳۰- بت پرستی پس از نوح(ع) ۷۴۹

- ۲۳۱- بت پرستی در اهل کتاب ۷۴۹
- ۲۳۲- بت پرستی در جاهلیت ۷۵۱
- ۲۳۳- بت پرستی در دوران ابراهیم(ع) ۷۵۳
- ۲۳۴- بت پرستی در دوران اصحاب کهف ۷۵۴
- ۲۳۵- بت پرستی در دوران مقارن بعثت ۷۵۵
- ۲۳۶- بت پرستی در دوران موسی(ع) ۷۵۵
- ۲۳۷- بت پرستی در مکه ۷۵۵
- ۲۳۸- بت پرستی قوم ابراهیم ۷۵۷
- ۲۳۹- بت پرستی قوم الیاس ۷۶۲
- ۲۴۰- بت پرستی قوم ثمود ۷۶۳
- ۲۴۱- بت پرستی قوم عاد ۷۶۳
- ۲۴۲- بت پرستی قوم نوح ۷۶۵
- ۲۴۳- بت پرستی کافران ۷۶۷
- ۲۴۴- بت پرستی مردم جزیره العرب ۷۶۷
- ۲۴۵- بت پرستی مردم دوران ابراهیم(ع) ۷۶۷
- ۲۴۶- بت پرستی مردم مقارن بعثت ۷۶۷
- ۲۴۷- بت پرستی مشرکان ۷۶۹
- ۲۴۸- بت پرستی مشرکان صدراسلام ۷۷۱
- ۲۴۹- بت پرستی مشرکان مکه ۷۷۱
- ۲۵۰- بت پرستی نیاکان قوم ابراهیم ۷۷۱
- ۲۵۱- بطلان بت پرستی ۷۷۳
- ۲۵۲- بی تأثیری بت پرستی ۷۷۳
- ۲۵۳- بی ثمری بت پرستی ۷۷۴
- ۲۵۴- بی منطقی بت پرستی ۷۷۵
- ۲۵۵- بی منطقی بت پرستی قوم ابراهیم ۷۷۸
- ۲۵۶- پرسش از بت پرستی ۷۷۹

- ۲۵۷- پوچی بت پرستی ۷۷۹
- ۲۵۸- پیشنهاد بت پرستی به محمد(صلی الله علیه و آله) ۷۷۹
- ۲۵۹- تاریخ بت پرستی ۷۸۱
- ۲۶۰- تبری از بت پرستی ۷۸۵
- ۲۶۱- تبلیغ بت پرستی ۷۸۷
- ۲۶۲- تبیین پوچی بت پرستی ۷۸۷
- ۲۶۳- تحصیل عزّت از بت پرستی ۷۸۷
- ۲۶۴- تحقیر بت پرستی ۷۸۹
- ۲۶۵- تداوم بت پرستی قوم ابراهیم ۷۸۹
- ۲۶۶- تعقل در بطلان بت پرستی ۷۸۹
- ۲۶۷- توصیه به ترک بت پرستی ۷۹۱
- ۲۶۸- حقیقت بت پرستی ۷۹۱
- ۲۶۹- درخواست مصونیت از بت پرستی ۷۹۳
- ۲۷۰- دعوت به بت پرستی ۷۹۳
- ۲۷۱- دلایل بت پرستی مشرکان ۷۹۵
- ۲۷۲- دلایل بطلان بت پرستی ۷۹۵
- ۲۷۳- دلایل پوچی بت پرستی ۷۹۵
- ۲۷۴- رهبران بت پرستی ۷۹۶
- ۲۷۵- رهبران شرک و بطلان بت پرستی ۷۹۷
- ۲۷۶- زمینه بت پرستی ۷۹۷
- ۲۷۷- زیان بت پرستی ۷۹۷
- ۲۷۸- سرزنش بت پرستی ۷۹۹
- ۲۷۹- شگفتی بت پرستی ۷۹۹
- ۲۸۰- ظلم بت پرستی ۸۰۱
- ۲۸۱- عجز بت پرستی ۸۰۳
- ۲۸۲- عقیده به بت پرستی ۸۰۳

- ۲۸۳- عوامل بت پرستی قوم ابراهیم ۸۰۳
- ۲۸۴- فرزندان ابراهیم(ع) و بت پرستی ۸۰۵
- ۲۸۵- فساد بت پرستی ۸۰۵
- ۲۸۶- فلسفه بت پرستی قوم ابراهیم ۸۰۵
- ۲۸۷- فلسفه بت پرستی مشرکان ۸۰۷
- ۲۸۸- فلسفه بت پرستی مشرکان صدر اسلام ۸۰۷
- ۲۸۹- کیفراجناب از بت پرستی ۸۰۷
- ۲۹۰- گمراهی بت پرستی ۸۰۸
- ۲۹۱- گناه بت پرستی ۸۰۹
- ۲۹۲- مبارزه با بت پرستی ۸۱۱
- ۲۹۳- مشرکان و بت پرستی ۸۱۳
- ۲۹۴- منشأ بت پرستی ۸۱۳
- ۲۹۵- منشأ بت پرستی مشرکان مکه ۸۱۵
- ۲۹۶- موجبات اجتناب از بت پرستی ۸۱۵
- ۲۹۷- موجبات بت پرستی ۸۱۶
- ۲۹۸- نشانه های بی ثمری بت پرستی ۸۱۷
- ۲۹۹- نگرانی از گسترش بت پرستی ۸۱۷
- ۳۰۰- نوح(ع) و بت پرستی ۸۱۷
- ۳۰۱- نهی از بت پرستی ۸۱۸
- ۳۰۲- وضوح بطلان بت پرستی ۸۱۹
- ۳۰۳- ویژگیهای بت پرستی ۸۱۹
- ۳۰۴- آثار عجز بت ها ۸۱۹
- ۳۰۵- اجتناب از بت ها ۸۲۱
- ۳۰۶- اجتناب از قربانی بت ها ۸۲۱
- ۳۰۷- استمداد از بت ها ۸۲۱
- ۳۰۸- استهزای بت ها ۸۲۲

- ۳۰۹- اضلال بت ها ۸۲۳
- ۳۱۰- اقرار اخروی بت ها ۸۲۳
- ۳۱۱- امداد به بت ها ۸۲۴
- ۳۱۲- بت ها در جهنم ۸۲۵
- ۳۱۳- بت ها در قیامت ۸۲۵
- ۳۱۴- بت ها و اقرار به توحید ۸۲۷
- ۳۱۵- بت ها و اقرار به علم خدا ۸۲۷
- ۳۱۶- بت ها و تکلم ۸۲۷
- ۳۱۷- بت ها و خوردن ۸۲۹
- ۳۱۸- بت ها و شفاعت ۸۲۹
- ۳۱۹- بت ها و نجات از عذاب ۸۳۱
- ۳۲۰- بی ثمری بت ها ۸۳۱
- ۳۲۱- بی حرمتی بت ها ۸۳۱
- ۳۲۲- پرسش از بت ها ۸۳۱
- ۳۲۳- پرسش از شنوایی بت ها ۸۳۳
- ۳۲۴- پلیدی بت ها ۸۳۳
- ۳۲۵- تحقیر بت ها ۸۳۳
- ۳۲۶- تکلم بت ها با مشرکان ۸۳۵
- ۳۲۷- تکلم بت ها در قیامت ۸۳۵
- ۳۲۸- جوارح بت ها ۸۳۵
- ۳۲۹- چشمهای بت ها ۸۳۷
- ۳۳۰- خبثت قربانی بت ها ۸۳۹
- ۳۳۱- درخواست از بت ها ۸۳۹
- ۳۳۲- دشمنی بت ها ۸۳۹
- ۳۳۳- دلایل مقهوریت بت ها ۸۴۱
- ۳۳۴- زیان رسانی بت ها ۸۴۱

- ۳۳۵- سرزنش درخواست از بت ها ۸۴۱
- ۳۳۶- شعور بت ها در قیامت ۸۴۳
- ۳۳۷- شفاعت بت ها ۸۴۳
- ۳۳۸- عجز بت ها ۸۴۳
- ۳۳۹- عدم ادراک بت ها ۸۵۱
- ۳۴۰- قربانی بت ها ۸۵۲
- ۳۴۱- قیاس بت ها با عیسی(ع) ۸۵۳
- ۳۴۲- کری بت ها ۸۵۳
- ۳۴۳- گواهان بت ها ۸۵۳
- ۳۴۴- مخلوقیت بت ها ۸۵۵
- ۳۴۵- مراتب بت ها ۸۵۵
- ۳۴۶- منفعت رسانی بت ها ۸۵۵
- ۳۴۷- نقش بت ها ۸۵۷
- ۷- بخل ۸۵۸
- ۱- آثار بخل ۸۵۸
- ۲- آثار بخل منافقان صدر اسلام ۸۶۵
- ۳- آثار ترک بخل ۸۶۵
- ۴- آمران به بخل ۸۶۵
- ۵- اجتناب از بخل ۸۶۷
- ۶- اعلام بخل مشرکان ۸۶۷
- ۷- بخل اصحاب الجنه ۸۶۷
- ۸- بخل انسان ۸۶۹
- ۹- بخل ثعلبه بن حاطب ۸۷۱
- ۱۰- بخل در انفاق ۸۷۲
- ۱۱- بخل در خیر ۸۷۳
- ۱۲- بخل دشمنان دین ۸۷۳

- ۱۳- بخل فخر فروشان ۸۷۴
- ۱۴- بخل قوم لوط ۸۷۵
- ۱۵- بخل متکبران ۸۷۵
- ۱۶- بخل مدعیان انفاق ۸۷۶
- ۱۷- بخل مشرکان ۸۷۶
- ۱۸- بخل منافقان ۸۷۶
- ۱۹- بخل منافقان مدینه ۸۷۸
- ۲۰- بخل یهود ۸۷۸
- ۲۱- تنزیه از بخل ۸۸۰
- ۲۲- تهمت بخل به محمد(صلی الله علیه و آله) ۸۸۰
- ۲۳- حرمت بخل ۸۸۱
- ۲۴- دعوت به بخل ۸۸۲
- ۲۵- روش درمان بخل ۸۸۳
- ۲۶- زشتی بخل ۸۸۴
- ۲۷- زمینه اجتناب از بخل ۸۸۴
- ۲۸- زمینه بخل ۸۸۶
- ۲۹- زیان بخل ۸۸۶
- ۳۰- سرزنش بخل ۸۸۷
- ۳۱- سرزنش بخل در صدقات ۸۹۰
- ۳۲- سرزنش دعوت به بخل ۸۹۰
- ۳۳- عوامل بخل ۸۹۰
- ۳۴- عوامل زوال بخل ۸۹۲
- ۳۵- کیفر بخل ۸۹۳
- ۳۶- گناه بخل ۸۹۴
- ۳۷- مبارزه با بخل ۸۹۴
- ۳۸- مبعوضیت آمران به بخل ۸۹۶

- ۳۹- محمد(صلی الله علیه و آله) و بخل ----- ۸۹۶
- ۴۰- مصونیت از بخل ----- ۸۹۶
- ۴۱- معرضان از بخل ----- ۸۹۷
- ۴۲- منشأ بخل ----- ۸۹۸
- ۴۳- منشأ دعوت به بخل ----- ۹۰۰
- ۴۴- موارد بخل ----- ۹۰۰
- ۴۵- موانع بخل ----- ۹۰۲
- ۴۶- مؤاخذه بر بخل ----- ۹۰۶
- ۴۷- مؤمنان و بخل ----- ۹۰۶
- ۴۸- ناپسندی بخل ----- ۹۰۶
- ۴۹- بخیل ----- ۹۰۸
- ۵۰- اتفاق بخیل ----- ۹۰۸
- ۵۱- بخیل در قیامت ----- ۹۰۸
- ۵۲- بخیل و شیطان ----- ۹۱۰
- ۵۳- تهدید بخیل ----- ۹۱۰
- ۵۴- ثروتمندان بخیل ----- ۹۱۰
- ۵۵- رسوایی بخیل ----- ۹۱۲
- ۵۶- ریاکاری بخیل ----- ۹۱۲
- ۵۷- زراندوزان بخیل ----- ۹۱۲
- ۵۸- سرزنش بخیل ----- ۹۱۴
- ۵۹- سرزنش نمازگزاران بخیل ----- ۹۱۴
- ۶۰- سرمایه بخیل ----- ۹۱۴
- ۶۱- صفات بخیل ----- ۹۱۶
- ۶۲- عذاب بخیل ----- ۹۱۶
- ۶۳- عقیده بخیل ----- ۹۱۶
- ۶۴- فرجام بخیل ----- ۹۱۶

- ۶۵- کفر بخیل ۹۱۸
- ۶۶- کیفر بخیل ۹۱۸
- ۶۷- کیفر منافقان بخیل ۹۲۰
- ۶۸- محرومیت بخیل ۹۲۰
- ۶۹- بخیلان ۹۲۱
- ۷۰- اتمام حجت با بخیلان ۹۲۳
- ۷۱- بی تأثیری ثروت بخیلان ۹۲۴
- ۷۲- بی لیاقتی بخیلان ۹۲۴
- ۷۳- تشبیه بخیلان ۹۲۴
- ۷۴- حتمیت هلاکت بخیلان ۹۲۶
- ۷۵- رد خواسته های بخیلان ۹۲۶
- ۷۶- سرزنش بخیلان ۹۲۶
- ۷۷- فرجام بخیلان ۹۲۸
- ۷۸- فرجام سخت بخیلان ۹۲۸
- ۷۹- فرجام شوم بخیلان ۹۳۰
- ۸۰- مبعوضیت بخیلان ۹۳۰
- ۸۱- محرومیت بخیلان ۹۳۰
- ۸۲- منشأ سختی بخیلان ۹۳۰
- ۸۳- منشأ فرجام شوم بخیلان ۹۳۲
- ۸۴- نفرین بر بخیلان ۹۳۲
- ۸۵- هلاکت اخروی بخیلان ۹۳۲
- ۸۶- هلاکت دنیوی بخیلان ۹۳۴
- ۸- بدعت ۹۳۵
- ۱- بدعت ۹۳۵
- ۲- آثار بدعت ۹۳۵
- ۳- آگاهی از عمل بدعت گزاران ۹۳۶

۹۳۸	۴- احکام بدعت
۹۳۸	۵- اضلال بدعت گزاران
۹۳۸	۶- اعراض از بدعت
۹۳۹	۷- بدعت در پیشینیان
۹۴۰	۸- بدعت در دین
۹۴۲	۹- بدعت در مسیحیان
۹۴۲	۱۰- بدعت در یهود
۹۴۲	۱۱- بدعت رسوم ناپسند
۹۴۴	۱۲- بدعت رهبانیت
۹۴۴	۱۳- بدعت ظهار
۹۴۴	۱۴- بدعت علمای مسیحیت
۹۴۴	۱۵- بدعت علمای یهود
۹۴۶	۱۶- بدعت عمل ناپسند
۹۴۶	۱۷- بدعت فرزندخواندگی
۹۴۶	۱۸- بدعت لواط
۹۴۶	۱۹- بی ارزشی منافع بدعت
۹۴۸	۲۰- بی اعتباری بدعت
۹۴۸	۲۱- بی منطقی بدعت گزاران
۹۴۸	۲۲- تجاوزگری بدعت گزاران
۹۴۸	۲۳- تشخیص بدعت گزاران
۹۵۰	۲۴- تشویق به بدعت
۹۵۰	۲۵- تهدید بدعت گزاران
۹۵۰	۲۶- جرم بدعت
۹۵۰	۲۷- جهل در بدعت
۹۵۲	۲۸- حرمت بدعت
۹۵۴	۲۹- حقیقت بدعت

- ۳۰- خطر پیروی از بدعت گزاران ۹۵۴
- ۳۱- دنیاطلبی بدعت گزاران ۹۵۶
- ۳۲- دوستان بدعت گزاران ۹۵۶
- ۳۳- زمینه اجتناب از بدعت ۹۵۶
- ۳۴- زیان بدعت ۹۵۶
- ۳۵- سرزنش بدعت ۹۵۸
- ۳۶- سرزنش بدعت گزاران ۹۵۸
- ۳۷- شرایط آموزش بدعت ۹۵۸
- ۳۸- ظلم بدعت ۹۵۸
- ۳۹- ظلم بدعت گذاری ۹۶۰
- ۴۰- ظلم بدعت گزاران ۹۶۱
- ۴۱- عذاب بدعت ۹۶۲
- ۴۲- عذاب بدعت گزاران ۹۶۲
- ۴۳- عوامل بدعت ۹۶۲
- ۴۴- عوامل بدعت در جاهلیت ۹۶۴
- ۴۵- کسب با بدعت ۹۶۴
- ۴۶- کفران بدعت ۹۶۶
- ۴۷- کیفر اخروی بدعت ۹۶۶
- ۴۸- کیفر بدعت ۹۶۶
- ۴۹- کیفر بدعت گذاری ۹۶۸
- ۵۰- گمراهی بدعت ۹۶۸
- ۵۱- گناه بدعت ۹۶۸
- ۵۲- گناه بدعت گزاران ۹۷۰
- ۵۳- مبارزه با بدعت ۹۷۰
- ۵۴- محرومیت بدعت گزاران ۹۷۲
- ۵۵- معبودان دروغین بدعت گزاران ۹۷۲

- ۹۷۲ ۵۶- منشأ بدعت
- ۹۷۴ ۵۷- موارد بدعت
- ۹۷۴ ۵۸- موانع بدعت
- ۹۷۴ ۵۹- نهی از بدعت
- ۹۷۶ ۶۰- هشدار به بدعت گزاران
- ۹۷۶ ۶۱- بدعت گذاری
- ۹۷۶ ۶۲- ظلم بدعت گذاری
- ۹۷۶ ۶۳- کیفر بدعت گذاری
- ۹۷۸ ۶۴- بدعت گزاران
- ۹۸۰ ۶۵- اضلال بدعت گزاران
- ۹۸۰ ۶۶- بی منطقی بدعت گزاران
- ۹۸۰ ۶۷- تجاوزگری بدعت گزاران
- ۹۸۱ ۶۸- تشخیص بدعت گزاران
- ۹۸۲ ۶۹- تهدید بدعت گزاران
- ۹۸۲ ۷۰- خطر پیروی از بدعت گزاران
- ۹۸۲ ۷۱- دنیاطلبی بدعت گزاران
- ۹۸۲ ۷۲- دوستان بدعت گزاران
- ۹۸۴ ۷۳- سرزنش بدعت گزاران
- ۹۸۴ ۷۴- ظلم بدعت گزاران
- ۹۸۴ ۷۵- عذاب بدعت گزاران
- ۹۸۴ ۷۶- گناه بدعت گزاران
- ۹۸۶ ۷۷- محرومیت بدعت گزاران
- ۹۸۶ ۷۸- معبودان دروغین بدعت گزاران
- ۹۸۶ ۷۹- هشدار به بدعت گزاران
- ۹۸۸ ۹- بدکاران
- ۹۸۸ ۱- بدکاران

- ۹۸۸ ۲- آموزش بدکاران
- ۹۸۸ ۳- اتمام حجت با بدکاران
- ۹۸۹ ۴- استهزاگری بدکاران
- ۹۸۹ ۵- القای بدکاران در جهنم
- ۹۸۹ ۶- انذار بدکاران
- ۹۹۱ ۷- بدکاران در قیامت
- ۹۹۱ ۸- بدکاران کافر
- ۹۹۱ ۹- بینش بدکاران
- ۹۹۲ ۱۰- پندار بدکاران
- ۹۹۳ ۱۱- ترس بدکاران
- ۹۹۳ ۱۲- تکذیبگری بدکاران
- ۹۹۳ ۱۳- تهدید بدکاران
- ۹۹۵ ۱۴- حتمیت عذاب بدکاران
- ۹۹۵ ۱۵- سرزنش بدکاران
- ۹۹۵ ۱۶- سوزاندن صورت بدکاران
- ۹۹۶ ۱۷- عذاب بدکاران
- ۹۹۷ ۱۸- عذاب دنیوی بدکاران
- ۹۹۷ ۱۹- عمل ناپسند بدکاران
- ۹۹۷ ۲۰- فرجام بدکاران
- ۹۹۹ ۲۱- کیفر اخروی بدکاران
- ۹۹۹ ۲۲- کیفر بدکاران
- ۱۰۰۱ ۲۳- کیفر عمل بدکاران
- ۱۰۰۱ ۲۴- منشأ کیفر بدکاران
- ۱۰۰۱ ۲۵- هلاکت بدکاران
- ۱۰۰۱ ۲۶- هلاکت تدریجی بدکاران
- ۱۰۰۳ ۲۷- یأس اخروی بدکاران

- ۱۰- بدگویان ۱۰۰۴
- ۱- اعراض از بدگویان ۱۰۰۴
- ۲- بدگویان در جهنم ۱۰۰۴
- ۳- بشارت شکست بدگویان محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۰۰۵
- ۴- روش برخورد با بدگویان ۱۰۰۵
- ۵- عذاب بدگویان ۱۰۰۵
- ۶- مهلت به بدگویان محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۰۰۵
- ۷- بدگویی از ظالمان ۱۰۰۷
- ۸- ترک بدگویی با دشمنان ۱۰۰۷
- ۹- زشتی بدگویی ۱۰۰۸
- ۱۰- سرزنش بدگویی ۱۰۰۹
- ۱۱- بدن ۱۰۱۰
- ۱- آثار تلاشی اعضای بدن ۱۰۱۰
- ۲- آثار عقیده به نظارت اعضای بدن ۱۰۱۰
- ۳- استتار زشتی بدن ۱۰۱۰
- ۴- استحکام بدن انسان ۱۰۱۱
- ۵- استعدادهاى بدن انسان ۱۰۱۱
- ۶- اضرار به بدن ۱۰۱۲
- ۷- اعضای بدن ۱۰۱۳
- ۸- اهمیت بدن ۱۰۱۳
- ۹- بدن اصحاب کهف ۱۰۱۳
- ۱۰- بدن انسان ۱۰۱۵
- ۱۱- بدن پس از مرگ ۱۰۱۷
- ۱۲- بدن جهنمیان ۱۰۱۷
- ۱۳- بدن در بهشت ۱۰۱۷
- ۱۴- برتری بدن اخروی انسان ها ۱۰۱۷

- ۱۵- تبدیل بدن به آهن ۱۰۱۹
- ۱۶- تبدیل بدن به سنگ ۱۰۱۹
- ۱۷- تجزیه بدن ثروت اندوزان ۱۰۲۱
- ۱۸- تجزیه بدن جهنمیان ۱۰۲۱
- ۱۹- تجزیه بدن در جهنم ۱۰۲۲
- ۲۰- تجزیه بدن عیب جویان ۱۰۲۳
- ۲۱- تجزیه بدن غیبت کنندگان ۱۰۲۳
- ۲۲- تشبیه بدن اصحاب فیل ۱۰۲۳
- ۲۳- تکلم اخروی اعضای بدن ۱۰۲۵
- ۲۴- تلاشی بدن در قبر ۱۰۲۵
- ۲۵- تلاشی بدن قوم ثمود ۱۰۲۵
- ۲۶- حقیقت بدن ۱۰۲۷
- ۲۷- خدانشناسی اعضای بدن ۱۰۲۷
- ۲۸- خلقت بدن انسان ۱۰۲۷
- ۲۹- خون بدن ذبیحه ۱۰۲۹
- ۳۰- روش استفاده از اعضای بدن ۱۰۲۹
- ۳۱- سفیدی بدن حورالعین ۱۰۲۹
- ۳۲- سفیدی بدن همسران بهشتی ۱۰۲۹
- ۳۳- سلامت بدن اصحاب کهف ۱۰۳۱
- ۳۴- شعور اعضای بدن ۱۰۳۱
- ۳۵- عوامل مؤثر در بدن ۱۰۳۱
- ۳۶- غفلت از گواهی اعضای بدن ۱۰۳۳
- ۳۷- فناپذیری بدن انسان ۱۰۳۳
- ۳۸- گردش بدن اصحاب کهف ۱۰۳۳
- ۳۹- گواهی اخروی اعضای بدن ۱۰۳۳
- ۴۰- گواهی اعضای بدن ۱۰۳۵

- ۴۱- منشأ تجزیه بدن اصحاب فیل ۱۰۳۷
- ۴۲- منشأ تکلم اعضای بدن ۱۰۳۷
- ۴۳- نقش اعضای بدن ۱۰۳۷
- ۴۴- نقش بدن ۱۰۳۸
- ۴۵- ویژگیهای اخروی بدن انسان ۱۰۳۹
- ۱۲- بدهکاران ۱۰۴۰
- ۱- اهمیت تأمین بدهکاران ۱۰۴۰
- ۲- پرداخت بدهی بدهکاران ۱۰۴۰
- ۳- صدقه به بدهکاران ۱۰۴۱
- ۴- احکام بدهی ۱۰۴۱
- ۵- اهمیت پرداخت بدهی ۱۰۴۷
- ۶- بدهی میت ۱۰۴۷
- ۷- پرداخت بدهی بدهکاران ۱۰۴۹
- ۸- سند در بدهی ۱۰۵۱
- ۹- عفو بدهی ۱۰۵۳
- ۱۰- کتابت بدهی ۱۰۵۴
- ۱۱- گواهی در بدهی ۱۰۵۵
- ۱۲- وصیت به بدهی ۱۰۵۵
- ۱۳- بدی ۱۰۵۶
- ۱- آثار بدی فرزندان ۱۰۵۶
- ۲- آداب تبیین بدی ها ۱۰۵۶
- ۳- افشای بدی ۱۰۵۷
- ۴- امکان بدی فرزندان ۱۰۵۷
- ۵- بدی آل فرعون ۱۰۵۷
- ۶- تعلیم بدی ۱۰۵۷
- ۷- خوبی در مقابل بدی ۱۰۵۹

- ۸- دعوت به بدی ۱۰۵۹
- ۹- سختی بدی ۱۰۶۰
- ۱۰- عفو از بدی ۱۰۶۱
- ۱۱- قیاس خوبی با بدی ۱۰۶۱
- ۱۲- کيفر بدی ۱۰۶۱
- ۱۳- نعمت شناخت بدی ۱۰۶۱
- ۱۴- وضوح بدی ۱۰۶۳
- ۱۵- وضوح تفاوت خوبی و بدی ۱۰۶۳
- ۱۶- آداب تبیین بدی ها ۱۰۶۳
- درباره مرکز ۱۰۶۴

مشخصات کتاب

نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد 22

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

1- بازگشت به خدا

1- بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 28 - 7،8

7 - خداوند فرجام سیر انسانهاست و همگان، تنها به سوی او باز خواهند گشت.

ثم إليه ترجعون

8 - بازگشت انسان ها به سوی خدا، پس از زنده شدن به حیات اخروی است.

يحييكم ثم إليه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 46 - 1،3،5،6

1 - انسان ها به ملاقات خدا خواهند رفت و تنها به سوی او باز خواهند گشت.

أنهم ملقوا ربهم وأنهم إليه رجعون

3 - کسانی که « بازگشت به خدا » را قبول دارند، مردمی فروتن و منزّه از خود بزرگ بینی هستند.

إلا على الخشعين. الذين يظنون... أنهم إليه رجعون

5 - گمان به لقای خدا و بازگشت به او، در ایجاد روحیه خشوع و فروتنی کافی است.

الذين يظنون أنهم ملقوا ربهم وأنهم إليه رجعون

به کارگیری «یظنون» (گمان دارند) در مسأله رجوع به خداوند - که هر مسلمانی باید اعتقاد جزمی به آن داشته باشد - اشاره به این دارد که: حتی گمان به قیامت و رجوع به خداوند نیز در زایل ساختن خود بزرگ بینی تأثیر بسزایی داشته و مایه فروتنی خواهد شد.

6 - خاشعان ، خویشان را در محضر خداوند و در حال بازگشت به او می بینند .

الذین یظنون أنهم ملقوا ربهم وأنهم إليه رجعون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: زمان «ملاقوا ربهم» و نیز زمان «إلیه راجعون» را زمان حال بدانیم نه زمان مستقبل

ص: 1

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 6

6 - بازگشت به خدا با توبه به درگاه او ، وظیفه ای ضروری بر عهده گنهکاران

إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل فتوبوا إلی بارئکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 156 - 2,4,5

2 - انسان و همه شوون او از خداوند نشأت گرفته است و به سوی او باز خواهد گشت .

قالوا .. إنا إلیه رجعون

«رجوع» به معنای: بازگشتن به چیزی است که منشأ و مبدأ بوده است و مقصود از «نا» در «إنا» انسان و متعلقات اوست. بنابراین «إنا إلیه رجعون» حکایت از آن دارد که: آدمی و همه آنچه به او تعلق دارد از خداوند نشأت گرفته و همه به او باز می گردند.

4 - باور به مالکیت خدا و بازگشت به او ، آسان کننده تحمل مصیبت ها و مشکلات

الذین إذا أصبتهم مصیبه قالوا إنا لله و إنا إلیه رجعون

5 - جهان بینی مؤمنان صابر (از خدا بودن و به سوی او بازگشتن) دلیل صبر و استقامت آنان در برابر دشواری های راه ایمان

الذین إذا أصبتهم مصیبه قالوا إنا لله و إنا إلیه رجعون

«الذین .. قالوا ...» علاوه بر بیان اوصاف و ویژگی صابران، حکایتگر دلیل و علت صبر آنان نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 245 - 14,15

14 - خداوند ، مبدأ همه انسانهاست و بازگشت آنان تنها به سوی اوست .

و الیه ترجعون

«رجوع»، یعنی بازگشت شخص به آنجا که بوده است.

15 - ایمان به بازگشت و رجعت آدمی به سوی خداوند ، برانگیزاننده انسان ها به پیکار در راه او و انفاق

وقاتلوا فی سبیل اللّٰه . . . من ذا الذی یقرض اللّٰه . . . و الیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 281 - 3,7

3 - قیامت ، روز بازگشت انسان ها به سوی خداوند .

و اتّقوا یوماً ترجعون فیہ الی اللّٰه

7 - پاداش و کیفر کامل اعمال انسان ها ، پس از بازگشت به سوی خداوند در قیامت

و اتّقوا یوماً ترجعون فیہ الی اللّٰه ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت

برخی مفسّرین برآنند که مضاف از کلمه «ما کسبت» حذف شده است؛ یعنی پاداش و کیفر اعمال خویش را دریافت می کنند، نه خود اعمال و کردار را.

ص: 2

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 109 - 5

5 - بازگشت همه امور ، تنها به سوی خداست .

و الى الله ترجع الامور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 105 - 12،13،14،19

12 - خداوند ، آغاز و فرجام همه انسانها

إلى الله مرجعكم جميعاً

«مرجع» به معنای بازگشتن است و به کار بردن این کلمه در بیان سیر انسان به سوی خداوند می رساند که او مبدأ انسانها نیز بوده است.

13 - بازگشت همه آدمیان - چه هدایت یافتگان و چه اهل کفر - تنها به سوی خداست .

إلى الله مرجعكم جميعاً

14 - قیامت ، عرصه بازگشت آدمیان به سوی خداست .

إلى الله مرجعكم جميعاً

19 - باور به قیامت و بازگشت به خدا و حسابرسی کردار ها زمینه ساز مراقبت بر ایمان و پرهیز از عوامل گمراهی

عليكم انفسكم .. فينبئكم بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 36 - 9

9 - بازگشت تمامی انسانها به سوی خداوند است.

ثم إليه يرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 38 - 11،12

11 - خداوند تنها غایت تمامی جنبندگان است و همگی به سوی او در حرکتند.

ثم إلی ربهم یحشرون

مفاد حرف «إلی» بیان انتهای غایت است. بنابراین «إلی ربهم» یعنی غایت حشر و نشر جنبندگان برای وصول به «رب» است و غیر از او غایتی نیست. از همین رو «إلی ربهم» بر «یحشرون» مقدم گشته و مفید حصر باشد.

12 - حرکت تمامی موجودات به سوی پروردگارشان، تکاملی است. *

ثم إلی ربهم یحشرون

با توجه به کلمه «رب»، که تربیت کنندگی را می‌رساند، و کلمه «إلی» که حرکت به سوی هدف و مقصدی را می‌رساند، برداشت فوق به دست آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 3

5 - انعام - 6 - 61 - 2

2 - خوابانیدن و بیدار کردن تا زمان اجل و سپس بازگشت به خداوند و محاسبه اعمال، نشانه تسلط خداوند بر امور بندگان است.

هو الذی یتوفکم باللیل . . . و هو القاهر فوق عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 62 - 1

1 - آدمیان پس از مرگ، به سوی خداوند (مولای حقیقی خود) بازمی گردند.

ثم ردوا إلی الله مولیهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 72 - 5,6

5 - حشر آدمیان، در بستر تاریخ تا قیامت، فقط به سوی خداوند است.

و هو الذی إلیه تحشرون

6 - باور به اینکه حشر آدمی تنها به سوی خداست، برانگیزاننده او به تسلیم در برابر خداوند و پروا از اوست.

و أمرنا لنسلم لرب . . . و اتقوه و هو الذی إلیه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 73 - 4

4 - حشر آدمیان به سوی خداوند، نشانه ای از حقانیت آفرینش و راه نداشتن بیهودگی در آن است.

و هو الذی إلیه تحشرون. و هو الذی خلق السموت و الأرض بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 94 - 1

1 - انسان در پی مرگ، مانند آفرینش نخستین خویش، تنها نزد خداوند حضور می یابد.

و لقد جئتمونا فردی کما خلقنکم أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 108 - 16، 17، 18

16 - بازگشت تمامی آدمیان، با هرگونه باور و عمل، به سوی خداوند است.

كذلك زينا لكل امة عملهم ثم إلى ربهم مرجعهم

17 - بازگشت همگان به سوی خداوند و آگاهی یافتن آنان از حقیقت کرده های خویش در قیامت، پرتوی از ربوبیت الهی است.

ثم إلى ربهم مرجعهم فينبئهم بما كانوا يعملون

18 - خداوند مبدأ انسان و مرجع نهائی اوست.

ثم إلى ربهم مرجعهم

واژه «مرجع» از رجوع است و راغب می گوید: «الرجوع العود إلى ما كان منه البدء». رجوع برگشت به جایی است که شروع از

ص: 4

آنجا بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 164 - 8,9

8 - بازگشت انسانها تنها به سوی خداوند است.

ثم إلی ربکم مرجعکم

تقدیم «إلی ربکم» بر متعلق خود «مرجعکم» دلالت بر حصر دارد.

9 - برپایی قیامت و بازگشت انسانها به خدا، پرتوی از ربوبیت خدا بر انسانها و برای تدبیر امور آنان است.

ثم إلی ربکم مرجعکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 125 - 2,3,5,6

2 - ساحران در پاسخ فرعون و تهدید های وی اظهار کردند که با کشته شدن به سوی خدای خویش باز خواهند گشت .

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

«إلی ربنا» متعلق به «منقلبون» است و کلمه «انقلاب»، در صورتی که به «إلی» متعدی شود، به معنای بازگشتن است.

3 - ساحران مؤمن به موسی (ع) ، معتقد به معاد و بازگشت به خدا پس از سپری کردن حیات دنیا

إنا إلی ربنا منقلبون

5 - مؤمنان با کشته شدن در راه خدا به جوار او بار خواهند یافت .

إنا إلی ربنا منقلبون

6 - باور به معاد و بازگشت به خدا پس از مرگ ، عامل نهراسیدن ساحران مؤمن از مجازات ها و شکنجه های فرعون

إنا إلی ربنا منقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 4 - 1

1 - بازگشت همه انسان ها (مؤمنان و کافران) تنها به سوی خداوند است .

إليه مرجعكم جميعاً

«مرجع» - که مصدر میمی و به معنای بازگشتن است - مبتدا و «إليه» خبر آن است. تقدیم خبر بر مبتدا مفید حصر می باشد. مخاطب ضمیر در «مرجعکم» به قرینه جمله «لیجزی الذین آمنوا...» هر دو گروه مؤمن و کافر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 30 - 8

8 - قیامت ، روز رجوع و بازگشت همه انسان ها به خداوند است .

وردوا إلى الله مولیهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 5

7 - یونس - 10 - 56 - 3,4,5

3 - بازگشت همه انسان ها ، تنها به سوی خداست .

وإليه ترجعون

4 - بازگشت به خداوند ، غایت و نهایت حیات و مرگ انسانهاست .

هو یحی و یمیت و إلیه ترجعون

5 - انسان ها ، با مرگ از بین نمی روند ؛ بلکه به سوی خدا باز می گردند .

هو یحی و یمیت و إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 70 - 4

4 - عالم پس از مرگ ، عرصه بازگشت انسان ها به سوی خداوند است .

متع فی الدنیا ثم إلینا مرجعهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 104 - 12

12 - مرگ ، جدایی حقیقت آدمی از بدن و رجوع آن به خداوند است نه نیستی کامل .

و لكن أعبد الله الذی یتوفیکم

«توفی» و «استیفاء» از ماده «وفاء» به معنای دریافت کامل و بی کم و کاست چیزی است؛ مثل «توفیت المال» (همه مال را دریافت کردم). بنابراین مرگ به معنای دریافت کامل انسان است و چون بدن انسان دریافت شدنی نیست قهراً مقصود حقیقت انسان - که عبارت از روح او است - دریافت خواهد شد و در نزد خدا جاوید خواهد ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 3 - 15

15 - جبران نکردن گناهان با استغفار و بازماندن از حرکت به سوی خدا ، موجب گرفتار شدن به عذاب قیامت است .

وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ . . . وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 4 - 1

1- انسانها، از ناحیه خدایند و فقط به سوی او باز می گردند .

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ

«رجوع» به معنای بازگشتن به چیزی است که شروع نیز از آن بوده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 34 - 13، 14

13- بازگشت انسان ها به سوی خداوند است .

ص: 6

وإليه ترجعون

14- بازگشت انسان ها به خدا ، پرتوی از ربوبیت اوست .

هوربکم و إليه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 52 - 2

2- طلب بخشایش گناهان از خداوند ، حرکت به سوی او و استغفار از شرک ، از توصیه ها و پیام های هود (ع) به مردم خویش

و يقوم استغفروا ربکم ثم توبوا إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 61 - 18,20

18- لزوم حرکت به سوی خداوند و تقرب به درگاه او

ثم توبوا إليه

عطف جمله «توبوا إليه» بر «استغفروه» بیانگر این است که از توبه، معنایی غیر از استغفار اراده شده است. با توجه به معنای لغوی توبه (رجوع کردن) می توان گفت: مراد از توبه در آیه شریفه، حرکت کردن به سوی خدا با اطاعت از اوامر و نواهی اوست.

20- طلب بخشایش گناهان از خدا ، حرکت به سوی او و استغفار از شرک ، توصیه ها و پیام های صالح (ع) به قوم ثمود

قال يقوم . . . فاستغفروه ثم توبوا إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 88 - 25,28,29

25- شعيب (ع) تنها خداوند را مرجع خویش می دانست و فقط به درگاه او روی می آورد .

و إليه أُنِيب

«انابه» (مصدر أُنِيب) به معنای رجوع و اقبال است.

28- لزوم توجه به خدا و روی آوردن به درگاه او

29- کارساز نبودن هیچ نیرویی جز خداوند در موفق ساختن آدمی ، دلیل لزوم توکل بر او و روی آوردن به درگاه اوست .

ما توفیقی إلاّ بالله علیه توکلت و إلیه أُنیب

جمله های «علیه توکلت و إلیه أُنیب» به منزله نتیجه ای برای «ما توفیقی . . .» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 90 - 3،4

3- شعیب (ع) ، مردم مدین را به استغفار از گناهان ، حرکت به سوی خدا و تقرب یافتن به درگاه او فراخواند .

واستغفروا ربکم ثم توبوا إلیه

4- ایمان به یکتایی خدا ، پرستش او و آمرزش گناهان (شرکوری ، فساد و بی عدالتی در مبادلات) مقدمه هایی لازم برای حرکت به سوی خدا و تقرب به درگاه اوست .

واستغفروا ربکم ثم توبوا إلیه

برداشت فوق، با توجه به حرف «ثم» - که جمله «توبوا إلیه» را بر «استغفروا ربکم» عطف کرده است - استفاده می شود. گفتنی است متعلق استغفار به قرینه آیات پیشین، گناه شرکورزی و بی عدالتی در مبادلات اقتصادی و نیز فسادگری و مخالفت با پیامبران الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 112 - 6

6- پذیرش توحید بازگشت به خداست .

و من تاب معک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 30 - 16

16- بازگشت انسان ها فقط به خداوند است .

و إلیه متاب

«متاب» مصدر میمی از «تاب» و به معنای بازگشتن است. کسره باء در آن حاکی از حذف یای متکلم می باشد و تقدیم «إلیه» بر آن دلالت بر حصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 36 - 12

12- بازگشت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نیز سایر انسان ها فقط به خداوند است .

و إلیه متاب

«متاب» به معنای بازگشت است و کسره «متاب» در آیه شریفه ، حاکی از حذف «یاء» متکلم می باشد. بنابراین «متاب» یعنی متابی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 87 - 14، 9

9- آخرت ، زمان بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه خداوند و حساب رسی کردار آنها است .

ثُمَّ يَرُدُّ إِلَى رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ

14- « عن أمير المؤمنين (ع) : . . . « أَمَا مِنْ ظَلَمٍ » و لم يؤمن برّبه « فسوف نعدّبه » في الدنيا بعذاب الدنيا « ثُمَّ يَرُدُّ إِلَى رَبِّهِ » في مرجعه « فَيُعَذِّبُهُ عَذَاباً نَكِراً » ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده که (مقصود آیه این است) «اما کسی که ستم کرده» و به پروردگارش ایمان نیاورده است «به زودی» در دنیا، به عذاب دنیوی «اورا عذاب خواهیم کرد، سپس در معاد خویش به سوی پروردگارش بازگشت داده می شود و خدا، او را به عذابی سخت گرفتار خواهد کرد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 8

4- همه آدمیان به سوی خداوند بازگردانده خواهند شد .

و إلینا یرجعون

از مجهول بودن «یرجعون» استفاده می شود که انسان ها - چه بخوانند و چه نخوانند - به خداوند رجوع داده خواهند شد.

5- بازگشت تمام مخلوقات زمینی به خداوند است .

و من علیها و إلینا یرجعون

مراد از «من علیها» می تواند همه موجودات روی زمین باشد و به کار بردن واژه «من» از باب تغلیب عاقلان بر غیر آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 35 - 5

5- بازگشت تمامی انسان ها به سوی خدا است .

و إلینا ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 93 - 3,4

3- بازگشت تمامی انسان ها به سوی خداوند است .

كُلُّ إلینا رجعون

4- قیامت و بازگشتن تمامی انسان ها به پروردگار واحد ، مقتضی پرهیز از اختلاف و پراکندگی در دین است .

أُمَّه وَحده و أَنَا رَبُّكُمْ فاعبدون . و تقطعوا أمرهم بینهم كَلُّ إلینا رجعون

جمله «كُلُّ إلینا رجعون» مستأنفه بیانی است؛ یعنی، بیانگر پاسخ سؤال مقدر است که عاقبت این پراکندگی چیست؟ تذکر و یادآوری این نکته می تواند هشدار و تعریضی باشد به غافلان از قیامت که به اختلاف در دین پرداخته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 48 - 6

6- بازگشت تمامی انسان ها ، تنها به سوی خدا است .

وإلى المصير

«مصیر» مصدر میمی و به معنای بازگشتن است. تقدیم «إلى» (خبر) بر «مصیر» (مبتدا) مفید حصر است؛ یعنی، «لیس الرجوع إلاّ إلى».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤنون - 23 - 79 - 3,4

3- بازگشت قهری همه انسان ها ، به سوی خدا است .

وإليه تحشرون

4- خدا ، مبدأ آغازین و مرجع نهایی انسان ها

و هو الذی ذرأکم . . . وإليه تحشرون

ص: 9

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 115 - 3,6,7

3 - بینش غلط نسبت به هدف آفرینش (بازگشت به سوی خدا) ، ریشه انحرافات بشر و عامل دوزخی شدن وی

قالوا ربنا غلبت علينا شقوتنا .. أفحسبتم أنما ... لا ترجعون

6 - انسان ، در حرکت و بازگشت به سوی خدا است .

و أنکم إلینا لا ترجعون

7 - معاد ، بازگشت انسان به خدا و حضور در محضر او است .

و أنکم إلینا لا ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 42 - 4

4 - تنها خداوند ، مقصد و منت های حرکت تمامی موجودات جهان است .

وإلی الله المصیر

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: 1- تقدم خبر (إلی الله) بر مبتدا (المصیر) مفید حصر می باشد. 2- «مصیر» به معنای

«مرجع» است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 64 - 6,7

6 - بازگشت انسان به سوی خدا است .

یوم یرجعون إلیه

7 - خداوند ، آگاه به زمان بازگشت انسان به سوی او (زمان رستاخیز) است .

قد یعلم ما أنتم علیه و یوم یرجعون إلیه

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که «و یوم..» عطف بر «ما أنتم...» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 71 - 1

1 - هرکس که توبه کند و کار نیک انجام دهد، در حقیقت رو به خدا کرده و به سوی او بازگشته است.

و من تاب و عمل صلحاً فإنه يتوب إلى الله متاباً

«متاباً» (مصدر میمی) به معنای توبه و بازگشت و مفعول مطلق برای «یتوب» است؛ که در آیه شریفه، برای تأکید آمده است؛ یعنی، توبه و بازگشت کامل و حقیقی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 50 - 10

10 - مرگ، بازگشت به سوی خدا در بینش یکتاپرستان

ص: 10

لأصلبّنكم أجمعين . قالوا لا ضير إنّا إلى ربّنا منقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 39 - 7

7 - بازگشت به خداوند و دریافت کیفر یا پاداش او در سرای آخرت ، فرجام قطعی انسان ها است .

و ظنّوا أنّهم إلینا لایرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 70 - 9،10

9 - بازگشت همه انسان ها ، تنها به سوی خداوند است .

وإلیه ترجعون

10 - جهان آخرت ، عرصه بازگشت آدمیان به سوی خداوند

له الحمد فی الأولى و الآخره . . . و إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 88 - 12

12 - بازگشت همگان تنها به سوی خداوند است .

وإلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 8 - 10،11

10 - بازگشت همه انسان ها ، تنها ، به سوی خداوند است .

إلیّ مرجعکم

تقدیم خبر (إلیّ) بر مبتدا (مرجعکم)، افاده حصر می کند.

11 - مبدأ و مرجع انسان ها ، خداوند است .

رجوع، به معنای «بازگشت به جایی است که آغاز، از آن جا بوده است.».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 17 - 19، 15

15 - هشدار حضرت ابراهیم (ع) به قوم اش با اعلام بازگشت همگان به سوی خدا

و ابرهیم إذ قال لقومه .. اعبدوه ... إليه ترجعون

19 - نفی بت پرستی، توحید عبادی، توحید افعالی، شکر پروردگار، عقیده به معاد، بازگشت نهایی انسان ها به سوی خدا، از تعالیم حضرت ابراهیم (ع)

و ابرهیم إذ قال لقومه .. إنما تعبدون من دون الله أوثناً... فابتغوا عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 21 - 5

5 - بازگشت همه انسان ها ، تنها ، به خداوند است .

و إليه تقلبون

«قلب» (ریشه «تقلبون») به معنای «بازگرداندن چیزی از جهتی به جهتی» است. با توجه به معنای لغوی آن، «تقلبون»، به معنای «ترجعون» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 8 - 13

13 - انسان ها ، در پی سپری شدن عمر جهان ، در محضر خداوند حضور می یابند .

ما خلق الله .. إلا بالحقّ وأجل مسمّى ... وإنّ كثيراً من الناس بلقاء ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 11 - 5,7

5 - انسان ها ، پس از باز آفرینی در عالم آخرت ، به سوی خداوند باز می گردند .

الله يبدؤا الخلق ثمّ يعيده ثمّ إليه ترجعون

7 - خداوند ، مبدأ انسان ها و مرجع نهایی آنها است .

الله يبدؤا الخلق ثمّ يعيده ثمّ إليه ترجعون

کلمه «ترجعون» از ریشه «رجوع» است و طبق گفته راغب، رجوع، بازگشت به جایی است که مبدأ و شروع بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 31 - 1

1 - پابندی به فطرت دینی ، همراه با انابه و بازگشت همواره به سوی خداوند ، امری لازم است .

فطرت الله الّتی . . . منیبین إليه

«منیبین» حال برای ضمیر فاعلی فعل امر محذوف، یعنی «الزموا» است. لازم به ذکر است که انابه، به معنای «رجوع مکرر در مکرر و مداوم» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 14 - 17،19

17 - تنها خداوند، فرجام حرکتِ عالم آفرینش است.

إِلَى الْمَصِيرِ

19 - توجه دادن انسان به فرجام حیات خویش (حضور در پیشگاه خداوند) زمینه پیدایش تعهد برای عمل به وصایای الهی است.

ووصینا الإنسن . . . أن اشکرلی و لولدیک إِلَى الْمَصِيرِ

ذکر «إِلَى الْمَصِيرِ» پس از چند توصیه به انسان، از سوی خداوند، می تواند به منظور ایجاد انگیزه برای عمل به آن سفارش باشد.

ص: 12

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 15 - 16، 14، 12

12 - بازگشت به خداوند ، همراه با توبه و عمل ناب و خالص ، امری پسندیده و شایسته است .

و اتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ

سفارش به پیروی از منیبان، نشان دهنده اهمیت انابه است. گفتنی است که «الإنابة إلى الله» رجوع به خداوند با توبه و اخلاص عمل معنا شده است (مفردات راغب).

14 - آغاز و بازگشت انسان ها ، خداوند است .

ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ

«رجوع» در لغت، به معنای بازگشت به جایگاهی است که شروع از آن جا بوده است (مفردات راغب).

16 - انسان ها ، پس از مرگ ، در پیشگاه خداوند درباره اعمال دنیوی شان ، مؤاخذه خواهند شد .

إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

20 - قیامت ، عرصه بازگشت انسان ها به سوی خداوند است .

ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

مراد از بازگشت به خداوند، و آن گاه آگاه شدن از کردار خویش، حضور در صحنه قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 23 - 10، 4

4 - خداوند ، تنها مبدأ و مرجع انسان ها است .

إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ

از تقدیم خبر، حصر استفاده می شود. لازم به ذکر است که آیه، اگرچه درباره کافران است، اما کافران، در مورد بازگشت شان به خدا خصوصیتی ندارند و این بازگشت، برای همه انسان ها است. گفتنی است از واژه «مرجع» (بازگشتن) به دست می آید که مبدأ نیز خداوند است.

10 - توجه به بازگشت حتمی کافران به سوی خداوند ، زداینده اندوه پیامبر (صلی الله علیه و آله) است .

و من كفر فلا يحزنك كفره إلینا مرجعهم فننبئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 5 - 6,7

6 - بازگشت نهایی عالم هستی در پایان جهان ، به سوی خدا است .

ثم يعرج إليه فی يوم كان مقداره ألف سنه

7 - خداوند ، مبدأ و منت های همه امور جهان است .

خلق الله السموت و الأرض . . . يدبر الأمر . . . ثم يعرج إليه فی يوم كان مقداره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 10 - 8,11

ص: 13

8 - بازگشت به سوی پروردگار و ملاقات با او ، جلوه ربوبیت وی در مسیر تکامل انسان است .

بل هم بلقاء ربهم كفرون

11 - معاد ، عرصه رجوع و حضور در محضر خدا است .

أءآآ لفی خلق جدید بل هم بلقاء ربهم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 11 - 8,9,10,11

8 - مرگ ، بر خلاف تصور کافران نابودی نیست ، بلکه رخدادی هدف دار و به منظور حضور انسان ها در پیشگاه پروردگار است .

وقالوا أءآآ ضللنا فی الأرض . . . قل یتوفیکم ملک . . . ثمّ إلی ربکم ترجعون

9 - بازگشت انسان به سوی پروردگار ، پس از مرگ و پایان حیات دنیوی ، قهری است .

یتوفیکم . . . ثمّ إلی ربکم ترجعون

فعل مجهول «ترجعون» (بازگشت داده می شوید) حکایت از بازگشت قهری دارد.

10 - پروردگار ، مبدأ و منت های حرکت انسان ها است .

ثمّ إلی ربکم ترجعون

«رجوع» در جایی اطلاق می شود که سابقه ای داشته باشد.

11 - ربوبیت خداوند ، مقتضی بازگشت انسان ها به سوی او پس از اتمام حیات دنیوی است .

ثمّ إلی ربکم ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 21 - 7

7 - راه بازگشت حتی بر روی فاسقان هم باز است .

ولنذیقنهم . . . لعلهم یرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - در احاطه آسمان و زمین بر انسان ها ، از آیه های خداوند برای هر بنده اهل انابه ای است .

إن فی ذلک لآیه لکلّ عبد منیب

مشارالیه «ذلک» «ما بین ایدیهم و ما خلفهم من السماء و الأرض» است. گفتنی است که «إنابه» (مصدر «منیب») به معنای رجوع کننده است و «عبد منیب» کسی است که پیوسته رو به خدا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 4 - 6

6 - بازگشت همه امور تنها به خداوند است .

وإلی اللّٰه ترجع الأمور

ص: 14

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 18 - 16، 15

15 - بازگشت انسان ها ، تنها به سوی خداوند است .

وإلى الله المصير

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که آیه شریفه تنها ناظر به بازگشت انسان ها باشد. گفتنی است تقدیم خبر (إلى الله) بر مبتدا (المصير)، مفید حصر می باشد.

16 - تنها خداوند ، مقصد و منتها الیه حرکت تمامی موجودات جهان است .

وإلى الله المصير

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که آیه شریفه، ناظر به حرکت و بازگشت همه موجودات باشد. گفتنی است «مصیر» به معنای «مرجع» است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 22 - 6

6 - بازگشت انسان ها به سوی خدا است .

وإليه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 51 - 4

4 - انسان ها پس از زنده شدن از قبر ها ، به سوی پروردگار خویش خواهند شتافت .

فإذا هم من الأجداث إلى ربهم ينسلون

«نسلان» (مصدر «ینسلون») به معنای گام برداشتن سریع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 53 - 2

2 - همه انسان ها در قیامت ، تنها با یک صیحه عظیم زنده و به پیشگاه پروردگارشان حاضر خواهند شد .

إن كانت إلا صيحة واحدة فإذا هم جميع لدينا محضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 83 - 6, 5

5 - بازگشت همگان ، به سوی خدا است .

وإليه ترجعون

6 - حاکمیت و مالکیت خداوند بر همه چیز و بازگشت همه انسان ها به سوی او ، دلیل و نشانه توانایی او بر برپا کردن قیامت و احیای مجدد انسان ها

فسبحن الذی بیده ملکوت کلّ شیء و إلیه ترجعون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات قیامت و ارائه جلوه های قدرت

ص: 15

خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 17 - 10

10 - داوود (ع)، در همه امور زندگی به خدا روی می آورد و همواره او را مرجع خود می دانست .

إِنَّهُ أُوَّابٌ

«أُوَّابٌ» (از ماده «أُوَّبٌ») صیغه مبالغه و به معنای «رجوع» است؛ یعنی، داوود(ع) بسیار مراجعه کننده به خدا و متوجه او بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 30 - 5

5 - سلیمان (ع)، در همه امور زندگی به خدا روی آورده بود و همواره او را مرجع امور خود می دانست .

إِنَّهُ أُوَّابٌ

«أُوَّابٌ» صیغه مبالغه (از ماده «أُوَّبٌ») و به معنای «رجوع» است؛ یعنی، سلیمان بسیار مراجعه کننده به خدا و همواره متوجه او بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 44 - 12

12 - ایوب (ع)، در همه امور زندگی به خدا روی می آورد و همواره او را مرجع امور خود می دانست .

إِنَّهُ أُوَّابٌ

«أُوَّابٌ» صیغه مبالغه (از ماده «أُوَّبٌ») و به معنای «رجوع» است؛ یعنی، ایوب(ع) بسیار مراجعه کننده به خدا و همواره متوجه او بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 7 - 14، 15

14 - خداوند، مرجع و فرجام سیر انسان ها است .

ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ

15 - قیامت، روز بازگشت انسان ها به خدا و فرجام سیر آنان

ثم إلى ربكم مرجعكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 17 - 4

4 - توبه و بازگشت به خدا، از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خداوند است .

و أنابوا إلى الله

«إنابه» (مصدر «أنابوا») به معنای رجوع است و «أنابوا إلى الله»؛ یعنی، بازگشت به خدا با توبه و اخلاص (مفردات راغب).

ص: 16

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 44 - 8

8 - بازگشت همه انسان ها پس از مرگ تنها به سوی خدا است .

ثم إليه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 3 - 40 - 11

11 بازگشت همگان تنها به سوی خداوند است .

إليه المصير

«مصیر» به معنای بازگشت است و تقدیم «إليه» مفید حصر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 13 - 40 - 8

8 - تنها کسانی که با توبه و اخلاص به سوی خدا روی می آورند ، شایسته درس آموختن و هوشیار شدن از آیات الهی اند .

هو الذی یریکم ءایته . . . و ما یتذکر إلا من ینیب

«إنابه» (مصدر «ینیب») به معنای رجوع است و انابه به درگاه خداوند، به معنای بازگشت به او با توبه و اخلاص است (بر گرفته از مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 43 - 40 - 5

5 - بازگشت همه انسان ها ، به سوی خدا است .

و أن مردنا إلى الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 77 - 6

6 - مشرکان و کافران حق ستیز ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم راه فراری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نگران کننده نیست .

فَأَمَّا نَرِيكَ بِعِضِّ الذِّبْنِ نَعْدَهُمْ أَوْ تَتَوَقَّئِكَ فَأَلَيْنَا يَرْجِعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 21 - 14، 11

11 - بازگشت انسان ها ، تنها به سوی خداوند است .

و إليه ترجعون

تقديم «إليه» بر «ترجعون» می تواند برای افاده حصر باشد.

14 - آگاهی و شهادت اعضا و جوارح آدمی در قیامت به آفریدگاری خداوند و بازگشت همگان به سوی او

ص: 17

قالوا . . . و هو خلقكم أول مرّة و إليه ترجعون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله «و هو خلقکم . . .» ادامه گفتار اعضا و جوارح انسان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 15 - 30

30 - بازگشت همه انسان ها به سوی خدا است .

و إليه المصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 53 - 8,9,12

8 - بازگشت تمامی موجودات به سوی خداوند است .

ألا إلى الله تصير الأمور

9 - همه امور در جهان هستی ، به سوی الهی شدن در حرکت است .

ألا إلى الله تصير الأمور

با توجه به ماده «صیورت» برداشت یاد شده به دست می آید.

12 - « الله » ، هدف نهایی « صراط مستقیم »

إلى صراط مستقیم . . . ألا إلى الله تصير الأمور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 14 - 3,4

3 - معاد و بازگشت به سوی خداوند ، لازمه ربوبیت مدبرانه او نسبت به انسان و جهان

وإنا إلى ربنا لمنقلبون

از آیه قبل استفاده شد که هماهنگی طبیعت با نیازهای انسان یک اتفاق نیست؛ بلکه براساس تدبیر و ربوبیت خاص و عالمانه شکل یافته است. اکنون در این آیه نتیجه می گیرد که وجود همان ربوبیت حسابگر و آگاه، مستلزم آن است که حرکت انسان در طبیعت، بی فرجام

نباشد و از حیثه تدبیر و ربوبیت خداوند خارج نشود؛ بلکه به سوی او بازگردد و در حلقه فرمان الهی تداوم یابد.

4- خداوند ، منت های حرکت و سیر وجودی انسان است .

وإنا إلى ربنا لمنقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 85 - 11

11 - حقیقت قیامت ، بازگشت انسان ها به سوی خداوند است .

وعنده علم الساعة وإليه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 15 - 8

ص: 18

8 - بازگشت همه انسان ها (نیک کرداران و بدکاران) به سوی پروردگار

من عمل صلحاً . . . و من أساء ... ثم إلى ربكم ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 43 - 4,7

4 - بازگشت و حرکت تمامی موجودات ، تنها به سوی خداوند است .

و إلینا المصیر

7 - مرگ ، همانند حیات ، مرحله ای از تحوّل و شدن انسان به سوی خداوند است .

إنا نحن نحیی و نمیت و إلینا المصیر

از این که خداوند پس از «نمیت»، سخن از حرکت و شدن انسان به سوی خویش به میان آورده؛ استفاده می شود که مرگ فنا و پایان کار نیست؛ بلکه مرحله ای از مراحل حرکت هستی، به سوی اهداف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 50 - 5

5 - کافر ، هر لحظه در معرض انتقام الهی و نیازمند بازگشت هر چه سریع تر به سوی خداوند

فقرّوا إلى الله

در آیات پیشین انتقام الهی در مورد اقوام کفرپیشه مطرح شده بود. احتمال دارد مخاطب آیه شریفه، کافران باشند که شدیداً در معرض کیفر الهی قرار دارند و نیازمند آن هستند که در اولین فرصت به سوی خداوند شتاب گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 5 - 3

3 - بازگشت امور عالم ، تنها به سوی خداوند است .

و إلى الله ترجع الأمور

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از «الأمر»، کارهای مربوط به همه جهان باشد. گفتنی است که تقدیم جار و مجرور (إلی الله) بر «ترجع» بیانگر حصر است؛ یعنی، «وإلی الله لا إلى غیره ترجع أمور العالم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 4 - 30

30 - حرکت همه مظاهر هستی ، به سوی خدای یگانه

وإلیک المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 3 - 9،10

9 - بازگشت نهایی تمامی امور و همه چیز ها ، به سوی خداوند است .

وإلیه المصیر

ص: 19

10 - جهان آفرینش، در حال حرکت است و خدا منت ها الیه این حرکت می باشد .

و إليه المصير

«ال» در «المصير» برای جنس است؛ یعنی، هر تحوّل و حرکتی در جهان هستی، تنها به سوی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 15 - 7

7 - برانگیخته شدن و رستاخیز انسان ها در قیامت ، تنها به سوی خداوند است .

و إليه النشور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 30 - 1,4

1 - انسان پس از مرگ به سوی دادگاه عدل الهی ، هدایت و سوق داده می شود .

إلى ربك يومئذ المساق

4 - « عن أبي جعفر (ع) محمد بن عليّ الباقر (ع) أنّه سئل عن قول الله عزّ وجلّ : « و قيل من راق » قال : ذاك قولُ ابن آدم إذا حضره الموتُ قال : هل من طيبب ، هل من راق ، قال : « و ظنّ أنّه الفراق » يعني فراق الأهل و الأحبّه ، عند ذلك قال : « و التفت الساق بالساق » قال : التفت الدنيا بالآخره قال : « إلى ربك يومئذ المساق » إلى رب العالمين يومئذ المصير ;

از امام باقر(ع) روایت شده که از آن حضرت درباره سخن خدای عزّوجلّ: «و قيل من راق» سؤال شد، فرمود: این سخن فرزند آدم است که وقتی مرگش فرا رسد، گوید: آیا طیبی هست؟ آیا شفا دهنده ای هست؟ مقصود از [جدایی در آیه «و ظنّ أنّه الفراق»] جدایی از اهل، عیال و دوستان است. از این جا است که خداوند می فرماید: «و التفت الساق بالساق»؛ یعنی، دنیا به آخرت پیچیده است و نیز فرمود: «إلى ربك يومئذ المساق»؛ یعنی، در این روز بازگشت همه به سوی پروردگار عالمیان است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 6 - 2

2 - مرگ انسان ، رجوع به خداوند است .

إنك كادح إلى ربك كدحًا

مراد از «كدح»، حرکت و تلاشی است که در دنیا انجام می گیرد و با مرگ پایان می پذیرد. تعبیر «إلى ربك» - که ناظر به منتهای تلاش

انسان است - بیان می‌دارد که مرگ انسان، مصادف با حضور او نزد خداوند است. آیات بعد دلالت دارد که مراد از حضور در نزد خداوند، آماده شدن برای حسابرسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 25 - 3 - 1

1 - بازگشت همه انسان‌ها به سوی خداوند است .

إِنَّا إِلَيْنَا يَا بَهُم

«ایاب»، از ریشه «أوب» و به معنای رجوع است.

3 - بازگشت همگان به خداوند در قیامت ، از بین برنده هرگونه راه‌گریز از عذاب آخرت

ص: 20

فِيْعَذِّبُهُ .. إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 8 - 6، 5، 2، 1

1 - بازگشت هر موجودی به خداوند است .

إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرُّجْعَى

2 - خداوند ، مرجع و مقصد نهایی همه انسان ها است .

إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرُّجْعَى

آیات پیشین، نشان می دهد که مصداق بارز «رجعی» بازگشت انسان ها است.

5 - بازگشت انسان ها به خداوند و به کیفر رسیدن طغیان گران ، جلوه های ربوبیت خداوند و در راستای تدبیر امور انسان ها است .

رَبِّكَ

ضمیر خطاب در «رَبِّكَ»، ممکن است خطاب به هر کس باشد که سخن را می شنود.

6 - بازگشت انسان ها به خداوند ، دلیل نیازمندی آنان به او است .

أَنْ رَّءَاهُ اسْتَغْنَى . إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرُّجْعَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اخلاص - 112 - 2 - 10

10 - خداوند ، هدف حرکت همه موجودات

اللَّهُ الصَّمَدُ

«صَمَدٌ»، با فعل «صَمَدَ إِلَيْهِ» (او را قصد کرد)، هم خانواده و «فَعَلَ» به معنای «مفعول» است؛ یعنی، مضمودُ إِلَيْهِ و خداوند «صمد» است؛ یعنی، مقصود و مقصد نهائی موجودات است. حذف متعلقات «صمد» نشانه عموم است و مقصود بودن خداوند را به تمام موجودات و مقاصد آنها تعمیم می دهد.

2- آثار بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 3 - 7

7- یکتاپرستی ، پذیرش رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، استغفار از شرک و گناه و حرکت به سوی خدا ، موجب جلب عنایت خدا و دستیابی به معیشتی نیکو در دنیا است .

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ . . . وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ يَمْتَعِكُمْ مَتَعًا حَسَنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 21 - 9

ص: 21

9 - بازگشت انسان خطاکار به درگاه خدا ، مایه مصونیت وی از عذاب اخروی است .

ولنذيقنهم من العذاب الأدنى دون العذاب الأكبر لعلهم يرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 22 - 5

5 - معاد و بازگشت انسان ها به سوی خدا ، مقتضی عبادت کردن او است .

و ما لی لا أعبد الذی .. إلیه ترجعون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله «إلیه ترجعون» بر جمله «فطرنی» عطف باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 17 - 13، 12

12 - رجوع و توجه همواره داوود (ع) به خداوند در زندگی ، موجب قدرت و توانمندی او شد .

داود ذالآید إله أواب

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله «إله أواب» در مقام تعلیل برای «ذالآید» است؛ یعنی، چون داوود(ع) بسیار متوجه خدا و پر مراجعه به او بود، صاحب قدرت و توانمند بود.

13 - توجه بسیار به خدا و مراجعه همیشگی به او در زندگی ، موجب قدرت و توانمندی انسان

داود ذالآید إله أواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 30 - 6، 7

6 - رجوع و توجه همواره سلیمان (ع) به خدا در زندگی ، موجب دستیابی او به مقام عبودیت الهی

نعم العبد إله أواب

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله «إله أواب» در مقام تعلیل برای «نعم العبد» است؛ یعنی، چون سلیمان بسیار متوجه خدا و پر مراجعه به او بود؛ بهترین عبد شناخته شد و به این مقام دست یافت.

7- رجوع و توجه همواره به خدا در زندگی ، موجب دستیابی انسان به مقام والای عبودیت الهی

نعم العبد إله أواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 44 - 14، 13

13- رجوع و توجه همواره ایوب (ع) به خداوند در زندگی ، موجب دستیابی او به مقام عبودیت الهی

نعم العبد إله أواب

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله «إله أواب» در مقام تعلیل برای «نعم العبد» است؛ یعنی، چون ایوب(ع) بسیار متوجه خدا و پر مراجعه به او بود؛ عبد شایسته شناخته شد و به این مقام دست یافت.

14- رجوع بسیار و توجه همواره به خدا در زندگی ، موجب دستیابی انسان به مقام والای عبودیت الهی

نعم العبد إله أواب

ص: 22

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 17 - 6

6 - سعادت و نیک بختی انسان در عرصه دنیا و آخرت ، در گرو اجتناب از عبادت طاغوت و اطاعت سردمداران ضلالت و توبه و روی کرد به خداوند است .

و الذین اجتنبوا الطغوت . . . لهم البشری

مقصود از بشارت در آیه شریفه، بشارت به بهشت و سعادت بشری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 54 - 5

5 - توبه از گناهان و بازگشت به سوی خداوند ، نخستین گام برای جلب غفران الهی

و أنیبوا إلی ربکم و أسلموا له

از تقدم «أنیبوا» بر «أسلموا..» می توان برداشت بالا را به دست آورد.

3- آثار ذکر بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 17 - 20

20 - توجه به بازگشت انسان ها به خدا ، برانگیزاننده آنان به توحید عبادی و شکر به درگاه خدا است .

و اعبدوه و اشکروا له إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 23 - 16

16 - توجه به بازگشت به خدا و در نتیجه ، آگاه شدن از عمل خویش ، مانع پافشاری بر کار خلاف است .

إلینا مرجعهم فننبّئهم بما عملوا

در فراز «إلینا مرجعهم فننبّئهم..» اگر چه روی سخن با پیامبر(صلی الله علیه و آله) و دلداری دادن به آن حضرت است، اما بیان تفصیلی

آن به این که خداوند، اعمال آنان را در قیامت، به رُخ شان خواهد کشید، می تواند به منظور بازداشتن آنان از ایستادگی بر کفرشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 4 - 7

7 - توجه به اعتقاد به بازگشت همه امور به خداوند ، موجب پایداری و استقامت در راه خدا

و إن یكذبوک .. و إلى الله ترجع الأمور

یاد آوری این حقیقت که همه امور به خدا بازمی گردد - پس از بیان تکذیب رسالت پیامبران از سوی کافران و استقامت و پایداری آنان - می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

ص: 23

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 53 - 11

11 - توجه به فرجام امور و بازگشت تمامی موجودات به سوی خداوند ، موجب طرد مکاتب انحرافی و روی آوری به دین الهی است .

صرط الله .. ألا إلى الله تصير الأمور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 8 - 4

4 - توجه به بازگشت انسان ها به خداوند ، زمینه ترک طغیان

إنّ الإنسان ليطغى .. إنّ إلى ربك الرجعى

4- اهمیت بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 3 - 4

4- ضرورت حرکت به سوی خداوند و تقرب به درگاه او

استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه

مفسران، در عطف «توبوا إلیه» بر «استغفروا ربکم» - که به ظاهر مآلی واحد دارند - چند توجیه بیان کرده اند. آنچه به نظر قریب می رسد، این است که مراد از توبه در این جا، بازگشت به خدا و حرکت به سوی اوست نه توبه کردن از گناهان. گفتنی است که حرکت به سوی خدا، به این است که اوامر او اطاعت شود و از نهیهای او پرهیز گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 52 - 5

5- لزوم حرکت به سوی خدا و تقرب به درگاه او

ثم توبوا إلیه

عطف «توبه» بر «استغفار» نشانه مغایرت آن دو است که با توجه به معنای توبه (رجوع) می توان گفت: «توبوا إلیه»؛ یعنی ، [با اطاعت از خداوند] به سوی او تغییر جهت دهید.

18- لزوم حرکت به سوی خداوند و تقرب به درگاه او

ثم توبوا إليه

عطف جمله «توبوا إليه» بر «استغفروه» بیانگر این است که از توبه، معنایی غیر از استغفار اراده شده است. با توجه به معنای

ص: 24

لغوی توبه (رجوع کردن) می توان گفت: مراد از توبه در آیه شریفه، حرکت کردن به سوی خدا با اطاعت از اوامر و نواهی اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 90 - 2,3

2- لزوم حرکت به سوی خدا و تقرب به درگاه او

ثم توبوا إليه

دلیل برداشت فوق را می توانید در «آیه 36» ذیل برداشت شماره 4، ملاحظه کنید.

3- شعیب (ع)، مردم مدین را به استغفار از گناهان، حرکت به سوی خدا و تقرب یافتن به درگاه او فراخواند.

واستغفروا ربکم ثم توبوا إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 54 - 1

1 - لزوم توبه و بازگشت همه گنه کاران به سوی پروردگار

الذین أسرفوا علی أنفسهم .. و أنیبوا إلی ربکم

«إنابه» (مصدر «أنابوا») به معنای رجوع است و «أنیبوا إلی ربکم»؛ یعنی، بازگشت به خدا با توبه و اخلاص (مفردات راغب).

5- ایمان به بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 157 - 3

3 - مؤمنانی که از سر باور به «از خدا بودن و به او بازگشتن» مصایب راه ایمان را تحمل می کنند، از مقامی والا در پیشگاه خداوند برخوردارند.

قالوا إنا لله و إنا إليه راجعون. أولئک علیهم صلوات من ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 4 - 3

3- باور و توجه انسان ها به اینکه « رجوعشان تنها به سوی خداست » آنان را از پرستش غیر او ترسان و به یکتاپرستی وامی دارد .

فإني أخاف عليكم عذاب يوم كبير. إلی الله مرجعکم

جمله «إلی الله مرجعکم» به منزله تعلیلی است برای «وإن تولّوا فإني أخاف . . .»؛ یعنی، علت نگرانی پیامبر برای مشرکان، این است که آنان به خدا باز می گردند و به خاطر شرکشان عذاب می شوند. بنابراین هر کس این حقیقت را بپذیرد که بازگشت او تنها به خداست، هرگز به غیر او نمی گردد و به شرک روی نمی آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 25

8- باور به بازگشت همه امور به خدا و منشأ بودن او برای همه کارها، آدمی را به عبادت وی و توکل کردن بر او، وامی دارد.

وإليه يرجع الأمر كله فاعبده و توکل علیه

در برداشت فوق جمله «اعبده و توکل علیه» در ارتباط با «إليه يرجع . . .» معنا شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 30 - 17

17- اعتقاد به ربوبیت خدا و یکتایی او، زمینه ساز باور آدمی به اینکه به سوی خدا در حرکت است و به او باز می گردد.

هوربی . . . إليه متاب

«إليه متاب» نیز مانند «علیه توکلت» به منزله نتیجه ای است برای اعتقاد به ربوبیت خدا و یکتایی او.

6- بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 203 - 7

7 - حشر (برانگیخته شدن) همگان، تنها به سوی خداوند است.

واعلموا انکم الیه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 210 - 10

10 - توجه به بازگشت همه چیز به سوی خداوند، زمینه تسلیم شدن در برابر او و پرهیز از پیروی شیطان

و لا تتبعوا خطوات . . . و الی الله ترجع الامور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 83 - 12, 13

12 - بازگشت قهری تمامی موجودات به سوی خداوند

13 - توجّه به رجوع قهری تمامی موجودات به سوی خداوند، زمینه ای برای پذیرش دین خداوند

افغیر دین الله .. و الیه یرجعون

جمله «و الیه ..» به منزله دلیلی است برای لزوم پذیرش دین خداوند، که از جمله «افغیر دین ...» به دست می آید.

7- تلاش برای بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 6 - 1

1 - انسان ها ، با شتابی طاقت فرسا به سوی خداوند در حرکت اند .

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا

حرف «ال» در «الإنسان»، برای جنس است. بنابراین «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ» خطاب به یکایک انسان ها است. «كدح»؛ یعنی، تلاش کردن و به زحمت افتادن (مفردات راغب) و به قرینه حرف «إلى»، معنای «سیرکردن» نیز در آن ملحوظ است. از جمله معانی این کلمه خدشه وارد کردن است (لسان العرب)، ممکن است گفته شود: در آیه از لغت «كدح» - به منظور مبالغه در تلاش - معنای «خدشه وارد کردن» اراده شده است؛ یعنی، تلاشی شدید که گویا شخص به آن وسیله به خود آسیب می رساند.

8- حتمیت بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 94 - 15

15 - بازگشت قهری همه انسان ها به سوی خداوند آگاه به نهان و آشکار

ثم تردون إلى علم الغيب والشهده

مجهول آمدن «تردون» ممکن است اشاره به بازگشت قهری باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 105 - 7

7 - بازگشت همه انسان ها به سوی خدا ، امری قطعی و اجتناب ناپذیر است .

وستردون إلى علم الغيب والشهده

«سین» در «ستردون» می تواند برای تأکید بر تحقق فعل «تردون» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 70 - 3

3- کافران و مشرکان ، از بازگشت به سوی خداوند مفرّی ندارند .

متع فی الدنيا ثم إلینا مرجعهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 34 - 15

15- بازگشت انسان ها به خدا ، قهری و اجتناب ناپذیر است .

و إلیه ترجعون

برداشت فوق ، از مجهول بودن فعل «ترجعون» استفاده شده است.

ص: 27

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 95 - 3

3- حتمی بودن بازگشت امت های هلاک شده به سوی خدا برای مجازات در قیامت

كُلُّ الْاِیْنَا رَجْعُونَ . . . و حرم علی قریه اهلکنها اَنَّهُمْ لایرجعون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «حرام» خبر مقدم و مصدر مؤول (رجوع) در «اَنَّهُمْ لایرجعون» مبتدای مؤخر باشد و هم چنین «لا» در «لایرجعون» برای نفی و مقصود از رجوع به قرینه (كُلُّ الْاِیْنَا راجعون) بازگشت به آخرت باشد؛ یعنی، بازنگشتن اقوام هلاک شده به آخرت، ممکن نیست؛ بلکه حتماً بازمی گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 17 - 17

17 - بازگشت انسان ها ، به سوی خداوند و نه غیر او ، امری قهری و گریز ناپذیر است .

إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 21 - 6

6 - بازگشت انسان ها به خدا ، قهری و گریز ناپذیر است .

وإلیه تقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 57 - 4

4 - بازگشت انسان ها به خداوند ، قهری و حتمی است .

ثُمَّ اِیْنَا رَجْعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 11 - 8

8- بازگشت قهری تمامی آدمیان ، به سوی خدا است .

ثمّ إليه ترجعون

مجهول آورده شدن فعل «ترجعون» (بازگشت داده خواهید شد) می تواند اشاره به قهری بودن بازگشت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 23 - 8

8- بازگشت به خداوند ، گریزناپذیر است .

إلینا مرجعهم

از این که از بازگشت به خدا، با جمله اسمی و مصدر [میمی] - که بر ثبات و در نتیجه، بر قطعیت دلالت می کند - تعبیر شده،

ص: 28

نکته یاد شده را می توان استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 21 - 12

12 - معاد و بازگشت انسان به سوی خداوند ، امری قهری و خارج از اختیار و انتخاب آدمی است .

و إليه ترجعون

برداشت یاد شده از مجهول آمدن فعل «ترجعون» استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 85 - 7

7 - بازگشت حتمی و قهری آدمیان ، به سوی فرمانروای هستی (خداوند)

و إليه ترجعون

مجهول آمدن «تُرجعون»، قهری بودن معاد را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 15 - 10

10 - بازگشت آدمیان به زندگی در عالم آخرت ، بازگشتی قهری و بدون اختیار

ثم إلى ربكم ترجعون

مجهول آمدن فعل «تُرجعون»، نشانگر آن است که آدمیان بدون اختیار و انتخاب، ناگزیر به حیات اخروی اند و کافران برخلاف تمایلشان، به صحنه آخرت احضار خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 5 - 5

5 - بازگشت به خداوند جهت محاسبه اعمال ، امری گریزناپذیر است .

وإلى الله ترجع الأمور

به کارگیری فعل مجهول (ترجع) بیانگر آن است که مسأله بازگشت به محضر خداوند، دل بخواهی نبوده و انسان ها - چه بخواهند و چه نخواهند - به حضور او بازگشت داده خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 8 - 3

3 - بازگشت به سوی خدا و حضور در دادگاه قیامت ، برای محاسبه و مجازات ، امری حتمی و غیر قابل اجتناب است .

ثم تردون إلى علم الغيب

ص: 29

9- دلایل بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 6 - 3

3 - مالک و مدبر بودن خداوند برای انسان ها ، دلیل رجوع تمام حرکت ها و تلاش های آنها به خداوند است .

کادح إلی ربّک

10- ذکر بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 94 - 17

17 - توجه انسان به بازگشت قهری خود به سوی خداوند آگاه ، هشدار است برای او .

ثم تردون إلی .. فینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 22 - 8

8 - توجه به بازگشت همه امور به خداوند ، برانگیزاننده انسان به تسلیم شدن کامل در برابر او است .

و من یسلم وجهه إلی اللّٰه .. و إلی اللّٰه عقبه الأُمور

ذکر «و إلی اللّٰه عقبه الأُمور» پس از بیان نتیجه تسلیم همراه احسان (فقد استمسک ..)، می تواند به منظور ایجاد انگیزه در انسان باشد تا او، برای به دست آوردن عاقبت پسندیده، به دنبال مقام تسلیم برود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 4 - 31

31 - توجه به حرکت همه هستی به سوی خداوند ، مقتضی روی آوری و انابه انسان به درگاه او

و إلیک أنبنا و إلیک المصیر

11- زمان بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 4 - 2

2- روز قیامت ، روز بازگشت انسان ها به خداوند است .

فإني أخاف عليكم عذاب يوم كبير. إلى الله مرجعكم

ص: 30

12- زمینه بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 3 - 5

5- پرستش خدا، بیزاری از شرک، پذیرش رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و استغفار از گناهان، مقدمه هایی لازم برای حرکت به سوی خدا و تقرب به درگاه او

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ... وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ

ظاهر این است که «توبوا إليه» عطف به همه جمله های سابق «أَلَّا تَعْبُدُوا...»، «إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ...» و «أَنْ اسْتَغْفِرُوا...» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 52 - 6, 5

5- لزوم حرکت به سوی خدا و تقرب به درگاه او

ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ

عطف «توبه» بر «استغفار» نشانه مغایرت آن دو است که با توجه به معنای توبه (رجوع) می توان گفت: «توبوا إليه»؛ یعنی، [با اطاعت از خداوند] به سوی او تغییر جهت دهید.

6- استغفار از گناهان، گرایش به توحید و پرستش خدا، مقدمه هایی لازم برای حرکت به سوی خداوند و تقرب به درگاه او

و يَقُومُوا اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ

برداشت فوق، با توجه به کلمه «ثُمَّ» - که جمله «توبوا إليه» را بر «استغفروا ربکم» عطف کرده - به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 90 - 4

4- ایمان به یکتایی خدا، پرستش او و آمرزش گناهان (شرکوری، فساد و بی عدالتی در مبادلات) مقدمه هایی لازم برای حرکت به سوی خدا و تقرب به درگاه اوست.

وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ

برداشت فوق، با توجه به حرف «ثُمَّ» - که جمله «توبوا إليه» را بر «استغفروا ربکم» عطف کرده است - استفاده می شود. گفتنی است

متعلق استغفار به قرینه آیات پیشین، گناه شرکوری و بی عدالتی در مبادلات اقتصادی و نیز فسادگری و مخالفت با پیامبران الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 57 - 8

8 - ربوبیت خداوند ، مقتضی حرکت انسان به سوی او و برگزیدن راه الهی (دین)

إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 50 - 5

5 - ربوبیت یگانه خدا بر هستی ، مستلزم بازگشت انسان ها به سوی او و پایان نیافتن حیات در زندگی دنیایی است .

ص: 31

قالوا ءامنا بربّ العلمين .. إنا إلى ربنا منقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 22 - 7

7- معاد و بازگشت به سوی خدا، لازمه خالقیت خدا نسبت به انسان ها است .

و ما لی لا أعبد الذی فطرنی و إلیه ترجعون

ذکر خالقیت خدا نسبت به انسان ها در آغاز آیه و بیان معاد آنان پس از آن، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 54 - 3

3- ربوبیت خداوند، مقتضی توبه و بازگشت گنه کاران به سوی او و تسلیم شدنشان در برابر او است .

و أنیبوا إلی ربکم و أسلموا له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 48 - 11

11 - ابتلا به مصائب و سختی ها، زمینه ساز توبه و بازگشت انسان ها به سوی حق

و أخذنهم بالعذاب لعلهم یرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 12 - 3

3- نقش بلا ها، در بیرون آمدن انسان، از غفلت و بازگشت به سوی خداوند

ربنا اکشف عنا العذاب إنا مؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 27 - 5

5- خداوند، فراهم آورنده زمینه های توبه و بازگشت انسان، با نمایاندن آیات گوناگون به او

وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 8 - 7

7 - نقش سازنده امید ، در انگیزش انسان به توبه و رجوع به درگاه الهی

توبوا إلى الله توبه نصوحًا عسى ربكم أن يكفر عنكم سيئاتكم ويدخلكم جنّات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 32 - 6.7

ص: 32

6 - ظلم و طغیان و نپرداختن سهم بینویان از اموال خویش ، سبب زوال نعمت ها و توبه و امید به خداوند ، زمینه ساز بازگشت آنها است .

أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ . . . إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ... إِنَّا كُنَّا طٰغِينَ . عسى

7 - گرفتاری و از دست دادن نعمت ها ، بر اثر کیفر گناهان و خطا ها ، سبب توبه و روی آوری انسان ها به سوی خدا

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ . . . إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رٰغِبُونَ

13- شرایط بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 17 - 7

7 - اجتناب از عبادت طاغوت و اطاعت از سران ضلالت ، شرط توبه و رویکرد به خداوند است .

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّغُوتَ أَن يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ

تقدم طرح مسأله اجتناب از طاغوت، بر موضوع توبه و رویکرد به خداوند، می تواند گویای برداشت بالا باشد.

14- فلسفه بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 77 - 12

12 - همه انسان ها ، برای کیفر و پاداش به سوی خدا باز می گردند .

فَالْيُنَا يَرْجِعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 3 - 11

11 - معاد و بازگشت انسان ها ، به پیشگاه عدل الهی برای کیفر و پاداش ، مقتضای آفرینش به حق و هدفمند جهان است .

خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ . . . وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

ذکر معاد انسان ها - پس از بیان آفرینش جهان بر پایه حق و هدفمندی - می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

15- موانع بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 17 - 8

8 - عبادت طاغوت و اطاعت از سران ضلالت ، مانع توبه و باریافتن به درگاه الهی است .

ص: 33

و الذين اجتنبوا الطغوت أن يعبدوها و أنابوا إلى الله

16- موجبات بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 15 - 9

9- ربوبیت خداوند نسبت به انسان ها ، مقتضی بر پا ساختن قیامت و بازگرداندن آنان به سوی خویش

ثم إلى ربكم ترجعون

کاربرد وصف «رب» در آیه شریفه، گویای این نکته است که ربوبیت الهی نقشی عمده در رجعت آدمیان و حیات اخروی آنان دارد؛ یعنی، از آن جهت که خداوند، پروردگار و رشددهنده خلق است، می بایست حیات را در جهان آخرت تداوم بخشد تا خلق به کمال خویش برسند.

17- نشانه های بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 71 - 2

2- توبه و انجام عمل صالح ، وسیله تقرب به خدا و نشان روی کرد حقیقی به او است .

و من تاب و عمل صلحاً فإنه یتوب إلى الله متاباً

18- وعده بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 4 - 2

2- معاد و بازگشت انسان ها به سوی خدا ، وعده الهی است .

إلیه مرجعکم جمیعاً وعد الله

19- وقت بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 64 - 6,7,8

6- بازگشت انسان به سوی خدا است .

یوم یرجعون إلیه

ص: 34

7 - خداوند ، آگاه به زمان بازگشت انسان به سوی او (زمان رستاخیز) است .

قد يعلم ما أنتم عليه و يوم يرجعون إليه

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که «و یوم. ..» عطف بر «ما أنتم...» باشد.

8 - مالکیت خداوند بر جهان هستی ، نشان آگاهی او از زمان رجعت و بازگردانیده شدن انسان به سوی او (زمان رستاخیز) است .

ألا إن لله ما فی السموت و الأرض قد يعلم ما أنتم علیه و يوم يرجعون إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 57 - 7

7 - بازگشت به خدا ، بلافاصله پس از مرگ نیست ، بلکه پس از گذشت مدتی طولانی خواهد بود .

كلّ نفس ذائقة الموت ثمّ إلینا ترجعون

«ثمّ» حرف عطف تراخی دلالت بر نکته بالا می کند.

ص: 35

2- بازی

1- آثار اجتماعی همجنس بازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 74 - 5

5- جوامع مبتلا به انحرافات جنسی و همجنس بازی ، در معرض نابودی و عذاب الهی

و جاء أهل المدينة .. قال إن هؤلاء ضیفی فلا تفضحون ... فأخذتهم الصیحه ... فجعلن

2- آثار بازی با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 70 - 16

16 - بازیچه قرار دادن دین موجب تباهی و محرومیت از خیر و ثواب می شود.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا . . . و ذکر به أن تبسل نفس

در آیه قبل سخن از بازیگری با دین بود و جمله «ذکر به . . .» در مقام هشدار و بیان نتیجه کار آنان است.

3- آثار همجنس بازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 21

21- همجنس بازی ، مخالف تقوا و خداترسی و ناسازگار با رشد و فهمیدگی است .

فاتقوا الله . . . ألیس منکم رجل رشید

ص: 36

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 68 - 8

8- عمل شنیع و ناپسند لواط و همجنس بازی ، مایه رسوایی و شرمساری است .

قال إن هؤلاء ضیفی فلا تقضحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 69 - 5

5- عمل شنیع و ناپسند همجنس بازی ، مایه ذلت و خواری

قال إن هؤلاء ضیفی . . . و اتقوا الله و لاتخزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 74 - 6

6- انحرافات جنسی و همجنس بازی ، جرمی بزرگ و در پی دارنده عذاب است .

فأخذتهم الصیحه . . . فجعلنا علیها سافلها و أمطرنا علیهم حجارة من سجّیل

از اینکه قوم لوط به خاطر گناه لواط و همجنس بازی دچار عذاب و نابودی شدند، استفاده می شود که این گناه بسیار بزرگ و در صورت توبه نکردن، نابخشودنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 79 - 3

3- رواج فحشا (لواط و همجنس بازی) و ظلم و بیدادگری ، زمینه ساز انتقام الهی است .

و إن كان أصحاب الأیكه لظلمین . فاتتقنا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 166 - 7

7- هم جنس بازی و لواط ، تجاوز به حریم ارزش ها است .

أتأتون الذکران . . . بل أنتم قوم عادون

4- آثار همجنس بازی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 74 - 3

3- عمل لواط و همجنس بازی قوم لوط ، زمینه ساز نزول عذاب بر آنها و نابودی شهر و دیار و هلاکت خودشان گردید .

و جاء أهل المدینه . . . قال إن هؤلاء ضیفی فلاتقضحون . . . فأخذتهم الصیحه مشرقین .

ص: 37

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 79 - 2

2- آلودگی قوم لوط به فحشا و انحراف جنسی (لواط و همجنس بازی) و ظلم و بیدادگری مردم «ایکه»، موجب انتقام الهی از آنان شد.

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلاء آل لوط ... وإن كان أصحاب الأيكة لظلمين . فا

5- ابراهیم (ع) و بازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 55 - 5

5- مردم بت پرست، حضرت ابراهیم (ع) را فردی بازیگر که عقیده آنان رابه شوخی و بازی گرفته است، می پنداشتند.

أجئتنا بالحقّ أم أنت من اللّٰعین

6- بازی با آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 16 - 6

6- بی هدف پنداشتن جهان، به معنای بازیچه و بیهوده دانستن آفرینش است.

و ما خلقنا السماء والأرض و ما بینهما لعبین

از به کار بردن تعبیر «لاعین» به جای «مبطلین»، استفاده می شود که باطل و بی هدف دانستن جهان، مساوی با لعب و بازیچه پنداشتن آفرینش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 9 - 2

2- جدی نگرفتن حقایق و برخورد بازیگرانه با هستی، ریشه حق ناپذیری منکران وحی و رسالت

بل هم فی شکّ یلعبون

تعبیر «یلعبون» بیانگر این نکته است که کافران، علاوه بر سست اندیشی، گرفتار نوعی بازیگری و دلبستگی کودکانه به مظاهر مادی و جدی نگرفتن حقایق هستند.

7- بازی با آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 2 - 2

2- برخورد ناشایست و بازی گرانه مشرکان با آیات الهی، نشانگر اوج غفلت و بی خبری آنان است.

و هم فی غفله معرضون . مایاتیهم من ذکر من ربهم

جمله «مایاتیهم من ذکر...» یا بیان برای جمله پیشین است و یا در حکم تعلیل برای آن. در هر صورت بیانگر چگونگی و چرایی غفلت و بی خبری عمیق مشرکان است.

8- بازی با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 70 - 23, 6, 9, 5, 2

2 - گروهی از مردم نابخردانه دین خدا را بازیچه و سرگرمی برای خود قرار داده اند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

مراد از «دینهم» می تواند آیین الهی باشد که برای آنان نازل گشته، ولی آنان به جای تمسک آن را بازیچه خویش قرار داده اند.

5 - مغالطه گرایان و خوض کنندگان در اسلام و قرآن و استهزاکنندگان آن، دین خدا را بازیچه و سرگرمی خود قرار داده اند.

الذین یخوضون فی ءایتنا... یخوضوا فی حدیث غیره... و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا

مراد از «الذین...»، به قرینه آیات پیشین، همان خوض کنندگان در آیات هستند.

6 - رها کردن و بی اعتنایی به کسانی که دین خدا را بازیچه و سرگرمی انگاشته اند، وظیفه پیامبر(صلی الله علیه و آله) و مؤمنان است.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

9 - کسانی که دین را بازیچه و سرگرمی قرار می دهند، فریب خوردگان دنیا و دلبسته به آنند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا و غرتهم الحیوه الدنیا

23 - بازیچه قرار دادن دین، کفر است و بازیچه قراردهندگان آن کافرند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعباً و لهواً .. بما كانوا یکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 51 - 5، 2، 1

1 - تبدیل دین خدا به مجموعه ای از امور واهی و بازدارنده از سعادت و کمال ، ویژگی کفرپیشگان

حرمهما علی الکفرین. الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً

الف: مراد از «دینهم» دین الهی است و اضافه آن به مردم اشاره به این حقیقت دارد که منفعت برنامه های دینی و قوانین شریعتهای الهی به خود انسانها می رسد. ب: «اتخذوا» از افعال تصییر است. یعنی: بدلوا دین الله لهوا و لعباً. و تبدیل دین خدا به لهو و لعب به این است که پیرایه هایی را بر دین ببندند تا دین مجموعه ای از لهو و لعب جلوه کند.

2 - ضرورت پرهیز از آلوده سازی دین خدا به امور باطل ، خرافی و بازدارنده از سعادت واقعی انسان

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً

ص: 39

5- سرگرمی و بازیچه گرفتن دین و فریفته شدن به زندگانی دنیا ، موجب محرومیت از بهشت و مواهب آن

إن الله. حرهما علی الکفرین. الذین اتخذوا... و غرتهم الحیوه الدنیا

توصیف کافران دوزخی به «الذین اتخذوا...» بیانگر علت گرفتاری آنان به آتش جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 65 - 7

7- به بازی گرفتن ارزش های دینی ، نشانه نفاق و از شیوه منافقان است .

یحذر المنفقون... ليقولن إنما كنا نخوض ونلعب... كنتم تستهزون

9- بازی با عقیده قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 55 - 5

5- مردم بت پرست ، حضرت ابراهیم (ع) را فردی بازیگر که عقیده آنان رابه شوخی و بازی گرفته است ، می پنداشتند .

أجئتنا بالحقِّ أم أنت من اللّٰعین

10- بازی با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 2 - 1

1- مشرکان ، نزول وحی و پیام جدید پروردگار (قرآن) را ، سرسری گرفته و بازی گرانه به آن گوش می سپارند .

ما یأتیهم من ذکر من ربّهم... و هم یلعبون

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از «ذکر» هر نوع وحی و یا خصوص قرآن کریم است و جمله «و هم یلعبون» حال برای فاعل «استمعوه» می باشد؛ یعنی، آنان در حالی که به لعب و بازی مشغول اند به آیات الهی گوش می دهند و به طور جدی و شایسته آن را استماع نمی کنند.

11- بازی با وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- برخورد ناشایست با وحی و بازی با آن ، از مصداق های ظلم و ستم

و هم یلعبون . لاهیة قلوبهم ... الذین ظلموا

ص: 40

12- بازی در چمنزار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 12 - 7

7- حضور در مراتع و بازی و گردش ، از نیاز های طبیعی کودکان

و إنا له لنصحنون. أرسله معنا غداً يرتع و يلعب

13- بازی در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 5

5 - اقتضای دوران کودکی انسان بازی است .

أتما الحيوه الدنيا لعب

14- بازی منافقان با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 65 - 5

5 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور توبیخ منافقان ، به خاطر بازیچه شمردن دین و استهزای ارزش های الهی

قل أبالله و ءایته و رسوله کنتم تستهزءون

15- بازی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 12 - 11

11- « عن أبي جعفر (ع) : . . . فقالوا كما حكى الله عزوجل « . . . أرسله معنا غداً يرتع و يلعب » أي یرعی الغنم و يلعب ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است: . . . برادران یوسف همان گونه که خداوند حکایت فرموده، گفتند: «...أرسله معنا غداً يرتع و يلعب» ؛ یعنی، او را با ما بفرست تا گوسفندها را بچراند و بازی کند».

16- پلیدی همجنس بازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 9

9- لواط و همجنس بازی ، روشی پلید و ناپاک در اطفای غریزه جنسی

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لكم

17- حرمت بازی با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 65 - 6

6 - بازیچه قرار دادن ارزش های دینی ، حرام است .

ليقولن إنما كنا نخوض ونلعب قل أبالله و آيته و رسوله كنتم تستهزون

18- خروس بازی در قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 29 - 17

17 - « عن الصادق (ع) (فی قوله تعالى) « و تأتون فی نادیکم المنکر » یعنی الخذف بالحصى و التصفيق بالحمام . . . و مناقره الديوک . . . و الجنق فی المجالس و لبس المعصفرات . . . »

از امام صادق(ع) درباره این سخن خدای تعالی «و تأتون فی نادیکم المنکر» روایت شده که فرمود : مقصود از «منکر» پرتاب سنگ ریزه در مجالس و کف زدن برای پرواز دادن کبوتر . . . و به جنگ وادار کردن خروس ها ... و شرطه در مجالس و پوشیدن لباس های معصفر (لباس هایی که با عصفر، به رنگ زرد درآمده) است.»

19- زمینه بازی با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 2 - 9

9- غفلت از قیامت ، زمینه ساز بی اعتنایی به وحی و بازیچه قراردادن دین است .

وهم فى غفله معرضون . ما يأتىهم ... وهم يلعبون

ص: 42

20- ظلم همجنس بازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 83 - 8

8- همجنس بازی، ظلم است و جوامع مبتلا به آن، در معرض عذاب های دنیوی اند.

و ما هی من الظلمین ببعید

مصدق مورد نظر برای «الظالمین» به قرینه آیات گذشته، همجنس بازان می باشد.

21- عوامل بازی با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 70 - 8

8 - فریفتگی و دل بستگی به دنیا موجب یاوه گویی، بازیچه شمردن دین و بیهوده گویی درباره آن است.

و ذر الذین اتخذوا دینهم . . . و غرتهم الحیوه الدنیا

عطف جمله «غرتهم» از نوع عطف سبب بر مسبب است. یعنی سبب اینکه برخی دین را بازیچه گرفته اند، فریفتگی به زندگی دنیاست.

22- کیفر بازی با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 70 - 19، 20، 22

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) وظیفه دار بی اعتنایی به کسانی که آیین آنها بازی و سرگرمی است.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

19 - هیچ فدیة ای از بازیچه قرار دهندگان دین، برای رهایی آنان از عذاب پذیرفته نمی شود.

اتخذوا دینهم لعبا . . . و إن تعدل کل عدل لا یؤخذ منها

20 - گرفتاری به عذاب و محرومیت از شفاعت، نتیجه بازیچه قرار دادن دین است.

الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا . . . أولئک الذین أبلوا بما کسبوا

22 - نوشیدنی سوزان و عذاب دردناک قیامت در انتظار بازیچه قراردهندگان دین است.

أولئك الذين أفسلوا .. لهم شراب من حميم وعذاب أليم

23- گناه همجنس بازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 43

4- لواط و همجنس بازی، گناهی بزرگ و به منزله گناهانی بسیار است.

و من قبل كانوا يعملون السيئات

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «ال» در «السیئات» عهد ذهنی باشد. در این صورت مقصود از «السیئات» لواط است. اطلاق «سیئات» به صورت جمع بر یک گناه، اشاره به برداشت فوق دارد.

24- مبارزه با همجنس بازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 167 - 4

4 - تلاش پیگیر و مجدّدانه لوط (ع)، در مبارزه با انحراف (هم جنس گرایی) قوم خویش

قالوا لئن لم تنته يلوطن لتكوننّ من المخرجين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 168 - 3

3 - لوط پیامبر، دوست مردم و تنها در ستیز با کردار ناشایست آنان

قال إني لعملكم من القالين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که لوط(ع) خود را از عمل قومش، بیزار معرفی کرد و نه از خود آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 28 - 10

10 - لوط (ع) برای منصرف کردن قوم اش از آزمایش با مردان، آن را بی سابقه و زشت معرفی کرد.

إنكم لتأتون الفحشه ما سبقكم بها من أحد من العلمين

25- منشأ همجنس بازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- همجنس گرایی و لواط، ناشی از بی فرهنگی و نادانی

لتأتون الرجال شهوه .. بل أنتم قوم تجهلون

ص: 44

26- ناپسندی همجنس بازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 166 - 4

4- هم جنس گرایی و ارضای غریزه جنسی ، بیرون از چارچوب ازدواج مردان با زنان ، راهی غیرطبیعی و بر ضد منافع و مصالح انسان ها است .

أتأتون الذکران . . . و تذرون ما خلق لکم ربکم من أزوجکم

27- نیاز به بازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 12 - 5,7

5- نیاز یوسف (ع) به گردش و بازی و استفاده از خوراکی های مراتع ، بهانه برادرانش برای بردن او به صحرا و جدا ساختنش از یعقوب (ع)

أرسله معنا غداً یرتع و یلعب

7- حضور در مراتع و بازی و گردش ، از نیاز های طبیعی کودکان

و إنا له لنصحون. أرسله معنا غداً یرتع و یلعب

28- همجنس بازی در قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 67 - 4

4- انحرافات جنسی (لواط و همجنس بازی) عملی رایج و علنی در میان قوم لوط

و جاء أهل المدینه یستبشرون

تصريح به آمدن «اهل مدینه» که شامل همه یا عموم مردم می شود، حاکی از نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 71 - 9

9- قوم لوط علی رغم وجود راه های مشروع و طبیعی (ازدواج با زنان) بر عمل شنیع لواط و همجنس بازی ، اصرار داشتند .

قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلمین

جمله «إن کنتم فاعلمین» به منزله جمله «إن فعلتم ما أقول لکم و ما أظنکم تفعلون» است؛ یعنی، اگر به نصیحت و پیشنهادم ترتیب اثر دهید که گمان نمی کنم چنین باشید.

ص: 45

29- همجنس بازی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 2

2- قوم لوط ، مردمی تبه کار و مبتلا به عمل شنیع لواط (همجنس بازی) بودند .

و من قبل کانوا یعملون السیئات

از مصداقهای بارز برای «السیئات» - به مناسبت مورد - لواط و همجنس بازی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 79 - 5، 3، 2

2- ترک ازدواج و اطفای غریزه جنسی از طریق لواط ، به صورت یک سنت و اخلاق اجتماعی در میان قوم لوط بروز کرده بود .

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و إنک لتعلم ما نرید

از آن جا که قوم لوط ، ازدواج با دختران او را امری نابخشودنی شمردند، معلوم می شود: ازدواج با زنان را ممنوع می دانستند و یا اخلاق جنسی آنان از سیر 8 طبیعی خود خارج شده بود به گونه ای که تمایل به جنس مخالف نداشتند.

3- گرایش به لواط و همجنس بازی و عدم اشتیاق به زنان ، دلیل های قوم تبهکار لوط برای نپذیرفتن پیشنهاد حضرت لوط (ازدواج با دختران او و تعرض نکردن به مهمانان)

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و إنک لتعلم ما نرید

5- لوط (ع) ، آگاه به رسوخ خوی همجنس گرایی در اخلاق و رفتار قوم خویش

و إنک لتعلم ما نرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 67 - 3

3- قوم لوط انحرافات جنسی (لواط و همجنس بازی) را ، کاری خوب می پنداشتند و به آن علاقه و تمایل شدیدی داشتند .

و جاء أهل المدینه یستبشرون

از اظهار شادمانی و شادباش گویی قوم لوط به هنگام باخبر شدن از مهمانان حضرت لوط(ع)، استفاده می شود که آنان از تجاوز جنسی خوشحال و آن را امری پسندیده می انگاشتند. گفتنی است که طبق آیه 78 «هود» و نیز اشاراتی که در آیات بعد (68، 69 و 71) آمده است، آنان مردمانی آلوده به انحراف جنسی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 165 - 3،5

3 - لواط و همجنس بازی ، انحرافی ابداع شده توسط قوم لوط

أتأتون الذکران من العلمین

فید «من العالمین» می تواند متعلق به «تأتون» باشد؛ یعنی، «أتأتون أنتم من بین العالمین الذکران؛ آیا از میان مردم جهان، شما با مردان می آمیزید؟» مقصود این است که در دنیا، هیچ قومی را نمی یابید که چنین رویه زشتی را برگزیده باشد.

5 - هم جنس گرایی ، بارزترین نمود بی تقوایی قوم لوط

فأتقوا الله . . أتأتون الذکران من العلمین

ص: 46

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 28 - 4,5

4 - لواط (آمیزش با مردان) ، در میان قوم لوط رواج داشت .

إنکم لتأتون الفحشه

«فاحشه» به هر «کردار زشت» اطلاق می شود و به قرینه آیه بعد، منظور از آن، لواط است.

5 - لوط (ع) قوم خود را به خاطر همجنس بازی (لواط) ، مورد سرزنش قرار داد .

ولو طًا إذ قال .. إنکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد

ص: 47

3- باستان شناسی

1- آثار باستان شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 36 - 12

12 - جامعه شناسی ، باستان شناسی و تاریخ ، زمینه ساز شناخت سنت های الهی و ره یابی به واقعیت پیام وحی

و کم اهلکنا قبلهم من قرن هم اشدّ منهم بطشاً . . . هل من محیص

2- اهمیت باستان شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 11 - 3,5

3 - پهنه زمین دارای آثاری عبرت آموز از ملت های پیشین

قل سیروا فی الأرض ثم انظروا کیف کان عقبه المکذبین

5 - نقش ارزنده مطالعه در تاریخ امتهای و آثار پیشینیان و عبرت گرفتن از آن در تربیت و هدایت انسان

قل سیروا فی الأرض ثم انظروا کیف کان عقبه المکذبین

بنابراین که مراد از سیر در زمین، مطالعه و سیر در تاریخ امتهای باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 76 - 3

3- مطالعه در آثار گذشتگان و تمدن های پیشین و شناخت آنها (باستان شناسی) ، به منظور درس آموزی و خداشناسی ، امری

شایسته و بایسته

فأخذتهم الصیحه . . . فجعلنا علیها سافلها . . . إن فی ذلک لآیت . . . و إنهما لبسیل م

ص: 48

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 79 - 6

6- حفظ آثار گذشتگان و تمدن امت های پیشین و شناخت آنها (باستان شناسی) ، به منظور درس آموزی و خدانشناسی ، امری شایسته و بایسته

و أمطرنا عليهم حجارة من سجيل . إن في ذلك لآيت ... لآيه ... فانتقمنا منهم وإنه

خداوند پس از هلاک کردن «قوم لوط» و «ایکه» آثار شهرهای تخریب شده آنان را بر سر راهی دایر حفظ کرده و این آثار را آیت و عبرت مؤمنان دانسته است. از این استفاده می شود که حفظ آثار گذشتگان و تمدن پیشینیان برای درس آموزی و عبرت گیری، امری بجا و بایسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 128 - 9

9- لزوم تحقیق و مطالعه در آثار عبرت آموز به جای مانده از امت های گذشته و ریشه یابی عوامل هلاکت آنان

کم أهلكنا .. إن في ذلك لآيت

مقتضای آیت بودن تاریخ گذشتگان و آثار آنان، قابلیت آن برای رهنمون شدن انسان به هدایت ها و درس های مهم و ارزنده است.

3- تشویق به باستان شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 9 - 12

12 - کاوش های باستان شناسانه به منظور عبرت آموزی ، مورد ترغیب و تشویق خداوند است .

أولم يسيروا في الأرض فينظروا كيف كان عقبه الذين كانوا أشد منهم قوه و آثاروا

ص: 49

4- باطل

1- آثار آرزوی باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 3 - 10

10- سرگرم شدن به آرزوهای واهی ، مانع هدایت پذیری و تسلیم شدن در برابر حق است .

ربما یوّد الذین کفروا لو کانوا مسلمین . ذرهم ... ویلهم الأمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 25 - 8,9

8- وسوسه ، تزئین و القای آرمان های دروغین ، ابزار شیطان در منحرف ساختن انسان ها

إنّ الذین ارتدّوا .. الشیطن سوّل لهم و أملى لهم

مفهوم «أملی» ممکن است به معنای ایجاد آمل و آرزو باشد.

9- وسوسه ها و آرمان های شیطانی ، قفل اندیشه و قلب آگاهان حق گریز *

أم علی قلوب أفعالها .. الشیطن سوّل لهم و أملى لهم

برداشت بالا بدان احتمال است که «إنّ الذین ارتدّوا ..» در مقام تبیین و توضیح ذیل آیه قبل باشد (أم علی قلوب أفعالها). در این صورت

وسوسه ها و آمل شیطانی منطبق بر «أفعالها» می شود.

2- آثار اخروی عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 26 - 9

9 - نتیجه و پیامد اصلی عقاید باطل و رفتار زشت انسان ، در قیامت ظهور و بروز پیدا خواهد کرد .

ص: 50

و لعذاب الأخره أكبر لو كانوا يعلمون

«عذاب» نتیجه طبیعی عقاید باطل و کردار ناپسند انسان است. بر این اساس بزرگ تر بودن عذاب اخروی در مقایسه با عذاب دنیایی، بیانگر این حقیقت است که نتیجه اصلی عقاید و رفتار زشت، در آخرت ظاهر خواهد شد و آنچه در دنیا مشاهده می شود تنها ظهور بخشی از آن است.

3- آثار اصرار بر عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 42 - 5

5- صبر و پافشاری بر اندیشه و گرایش باطل ، از موانع پیشبرد اهداف و آرمان های برگزیده و به حق

إن كاد ليضلننا عن ءالھتنا لولا أن صبرنا علیھا

4- آثار اعلام شکست باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 81 - 7

7- اعلام پیروزی قطعی حق بر باطل ، مایه امید مؤمنان و یأس مشرکان و باطل گرایان

و قل جاء الحقّ و زھق البطل إن البطل كان زھوقاً

اعلام صریح بر شکست قطعی باطل، در پی بیان تلاشهای کافران جهت اخراج پیامبر(صلی الله علیه و آله) از مکه، می تواند برای تقویت بنیه روانی مؤمنان و ایجاد یأس در دل مشرکان باشد.

5- آثار ایمان به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 21 - 4

4- باور به معبودهایی غیر از خدای یکتا ، باوری واهی و مایه خسران و تباهی است .

أولئك الذین خسروا أنفسهم و ضلّ عنهم ما كانوا یفترون

6- آثار باطل گرایی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 22 - 6

ص: 51

6- رسوخ باطل در روح کافران ، مایه به تمسخر گرفتن جدی ترین هشدارها

قالوا .. فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصدقین

تعبیر «لتأفکنا عن آلهتنا»، نشانگر رسوخ بت پرستی و شرک در روح قوم عاد و درخواست عذاب، در حقیقت سخنی از روی استهزا و ناباوری است.

7- آثار بیش باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 6 - 5

5- نارسایی های معنوی و باور های نادرست ، مانع درس آموزی انسان از الگو های شایسته

أسوه حسنه لمن كان یرجوا الله و الیوم الآخر

تصریح به «لمن كان یرجوا..» در حقیقت می رساند که هر چند ابراهیم(ع)، الگویی برای همگان است؛ اما تنها کسانی از این الگو درس می گیرند که از روح معنویت (امید به رحمت حق) و ایمان به قیامت برخوردار باشند و اشخاصی که چنین نباشند؛ بهره ای نخواهند برد.

8- آثار پیروی از باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 4 - 3

3- پیروی کافران از باطل ، مستلزم امان ندادن به آنان ، آن گاه که به جنگ جبهه ایمان و نبردی رویاروی آمده اند .

الذین كفروا اتبعوا البطل .. فإذا لقیتم الذین كفروا فضرب الرقاب

برداشت بالا بنا بر این نکته است که «فإذا لقیتم» تفریع بر «الذین كفروا اتبعوا الباطل» باشد؛ یعنی، چون کافر بر باطل است، زمانی که به جنگ تو آمد در کشتن او تردید نداشته باش.

9- آثار تبلیغ باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 227 - 14

14 - ترویج باطل و مبارزه با دین در قالب شعر ، ظلم بوده و دارای عقوبتی سخت است .

وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ . . . وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ

ص: 52

10- آثار تقلید باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 166 - 9

9- دوستی ها و پیروی های انسان بر محور باطل ، در پی دارنده دشمنی و اختلاف در قیامت است .

إذ تبرأ الذين اتبعوا من الذين اتبعوا

11- آثار دوستی باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 166 - 9

9- دوستی ها و پیروی های انسان بر محور باطل ، در پی دارنده دشمنی و اختلاف در قیامت است .

إذ تبرأ الذين اتبعوا من الذين اتبعوا

12- آثار ذکر عجز معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 76 - 4

4- توجه به ناتوانی معبود های ادعایی و عقیده به قدرت مطلق خداوند ، موجب تسلی خاطر و دل گرمی مبلغان اسلام و مدافعان عقیده توحیدی

و اتّخذوا من دون الله ءالهه لعلّهم ينصرون . لا يستطيعون نصرهم... فلا يحزنك قولهم

جمله «فلا يحزنك قولهم» جواب برای شرط مقدر است؛ یعنی، «اذا كان هذا حالهم مع ربهم حيث اتّخذوا رجاء النصر ءالهه من دون الله لا يقدرون نصرهم فلا تحزن بسبب قولهم...»؛ وقتی وضعیت آنان چنین است که به امید یاری، معبودهای دیگری جز خدا را - که توانای بر یاری رسانی ندارند - برگزیدند، پس تو از سخنان شان محزون مباش...».

13- آثار ذکر معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 45 - 5

5 - انبساط خاطر و شادمانی مشرکان به هنگام یاد شدن نام معبودهایی جز خداوند (معبود های ادعایی آنان)

و إذا ذكر الذين من دونه إذا هم يستبشرون

ص: 53

14- آثار زوال باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 81 - 6

6- ناپایداری و شکست پذیری جریان باطل ، دلیل و نشان پیروزی قطعی جریان حق . به هنگام ظهور و بروزش در صحنه پیکار

جاء الحقّ و زهق البطل إن البطل كان زهوقاً

از اینکه خداوند ناپایداری و شکست پذیری را ذاتی باطل معرفی کرد (إن الباطل كان زهوقاً) استفاده می شود که خود همین ناپایداری، دلیل پیروزی حق است.

15- آثار سخنان باطل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 39 - 3

3 - گفتار ناروای کافران علیه دین ، مایه رنج و اذیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فاصبر علی ما یقولون

16- آثار سنت های باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 43 - 3

3 - عادات و رفتار رسوخ یافته در وجود روح انسان ، مانع گرایش وی به حق آشکار

و أوتینا العلم من قبلها. .. و صدّها ما كانت تعبد من دون الله

عبارت «کانت تعبد» ماضی استمراری و بیانگر دوام و رسوخ است؛ یعنی، خو کردن بلقیس بر رفتار شرک آلود (پرستش خورشید) مانع از آن شده بود که وی علی رغم آگاهی یافتن به حقیقت، به آن بازگردد.

17- آثار سنتهای باطل قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 43 - 1

1 - محیط و عادت های شرک آلود ، مانع هدایت بلقیس به راه راست و یکتاپرستی در گذشته عمر وی

و صدّها ما کانت .. إنّها کانت من قوم کفرین

«صَدَّ» (مصدر «صَدَّ») به معنای منع و بازداشتن است. متعلق «صَدَّ» محذوف و به تقدیر «صدّها عن السبیل» می باشد. برداشت یاد شده بدان احتمال است که آیه یاد شده ناظر به پاسخ این پرسش باشد که بلقیس چرا پیش از این ماجرا (ماجرای

ص: 54

میان او و سلیمان(ع)) با فراستی که داشت، از راه راست منحرف شده بود.

18- آثار شناخت باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 38 - 8

8- رسیدن به حق، در گرو شناخت باطل و نفی آن است.

إني تركت ملّة قوم لا يؤمنون .. واتبعت ملّة اباي ابراهيم

19- آثار عجز معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 99 - 1

1- عجز و ناتوانی معبود های مشرکان در گریز از جهنم، دلیل عدم الوهیت آنان است.

ماتعبدون من دون الله حصب جهنم .. لو كان هؤلاء الهه ما وردوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 22 - 6

6- عدم توانایی بر پاسخ گویی به خواسته های مشرکان، دلیل بطلان خدایان ادعایی آنان است.

قل ادعوا الذين زعمتم من دون الله لا يملكون مثقال ذرّة

20- آثار عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 80 - 6

6- اندیشه باطل یهود (عذاب نشدن یهودیان جز روزی چند) بازدارنده آنان از ایمان آوردن به اسلام

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم .. وقالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة

جمله «وقالوا ..» عطف بر «قد كان فريق» در آیه 75 است و لذا حاکی از آن است که چنین عقیده و پنداری، مانع از آن شده که یهودیان

ایمان آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 64 - 9

ص: 55

9- ناتوان پنداشتن خداوند بر تدبیر جهان ، موجب گرفتار شدن به لعنت و دور ماندن از رحمت وی

وقالت اليهود یدالله مغلوله . . . و لعنوا بما قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 49 - 6

6- عدول از حق در بینش و اعتقادات، زمینه تکذیب آیات الهی

و الذین کذبوا بآیتنا یمسهم العذاب بما کانوا یفسقون

جمله «بما کانوا یفسقون» می تواند بیان علت تکذیب منجر به عذاب باشد. یعنی چون آنان فاسق بودند، تکذیب می کردند. و چون سوره انعام مکی است و آیات قبل هم بحث از اعتقادات می باشد، به نظر می رسد این فسق، فسق اعتقادی باشد، نه فسق عملی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 94 - 6

6- مغرور شدن به داراییها و توهم برخورداری از شفاعت از سوی معبودهای خیالی از عوامل غفلت انسان و دوری او از واقعیتهاست.

و ترکتم ما خولنکم وراء ظهورکم و ما نری معکم شفعاءکم الذین زعمتم

روی سخن آیه با مشرکان و حکایت حال آنان پس از مرگ است، جمله های «و ترکتم . . .» و «ما نری ...» بیان دو عامل عمده گمراهی و سوء عاقبت مشرکان است که یکی از آنها مغرور شدن به دنیا و دیگری توهم برخورداری از شفاعت از سوی معبودهای خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 137 - 3

3- اعتقاد مشرکان به بتها و معبودهای پنداری، عامل زیبا جلوه نمودن فرزندکشی در نظر ایشان

و کذلک زین . . . قتل أولدهم شرکاً و هم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 105 - 4

4- عمل فاسد ، زاییده عقیده باطل است .

إنما يفتري الكذب الذين لا يؤمنون بأيت الله

«افترا» عمل فاسدی است که نشأت یافته از عقیده باطل کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 104 - 11

11- داوری وارونه و دور از حقیقت درباره عملکردها، از پی آمدهای نابسامانی فکری و عقیدتی است.

الذین كانت أعینهم فی غطاء... یحسبون أنهم یحسنون صنعاً

ص: 56

مجموع چند آیه، در آغاز، فقدان بینش را در کافران مطرح ساخت، آنگاه برگزیدن معبودانی جز خدا را به عنوان یکی از دستاوردهای آن مطرح کرد (أفحسب) و در این آیه، آنان را به عنوان (أخسرین) و کسانی که اعمال پوچ خود را کارهایی نیک می بینند، معرفی کرد. مقتضای ربط بین آیات مورد بحث، برداشت بالا، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 103 - 2

2 - عقاید باطل و کردار های بد ، مایه وارد شدن زیان به سرمایه های وجودی انسان

و من خفت موزینه فأولئك الذين خسروا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 115 - 3

3 - بینش غلط نسبت به هدف آفرینش (بازگشت به سوی خدا) ، ریشه انحرافات بشر و عامل دوزخی شدن وی

قالوا ربنا غلبت علينا شقوتنا .. أفحسبتم أنما ... لا ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 11

11 - مشرکان ، به خاطر انتخاب عقیده شرک آلود ، در قیامت پشیمان شده و آن را پنهان خواهند کرد .

و لو ترى إذ الظالمون موقوفون عند ربهم .. وأسروا الندامة لما رأوا العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 7 - 10

10 - اعتقاد باطل ، زاینده عمل و رفتار ناصحیح *

وویل للمشرکین . الذین لایؤتون الزکوه

برداشت بالا بدان احتمال است که تقدم لفظی شرک بر عدم انفاق زکات، بیانگر تأثیر و سببیت آن باشد.

21- آثار عقیده باطل کافران

1- ناکامی و پوجی اعمال کافران بازتاب طبیعی باطل گرایبی آنان

الذین کفروا .. أضلّ أعمالهم ... ذلک بأنّ الذین کفروا اتّبعوا البطل

«ذلک» اشاره به فرجام پوچ و اعمال بی ثمر کافران است (أضلّ أعمالهم).

22- آثار عقیده باطل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 23 - 5

5 - خسارت و زیان کاری مشرکان ، نتیجه پندار های ناروای آنان درباره خداوند

ذلکم ظنکم . . فأصبحتم من الخسرین

23- آثار عقیده باطل نیاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 23 - 3

3 - تأثیر عقاید و باور های خرافی نیاکان ، در گرایش های انحرافی آیندگان *

سمّیتموها أنتم وءاباؤکم

برداشت یاد شده بدان احتمال که ذکر «آباؤکم» اشاره به این داشته باشد که مشرکان، تحت تأثیر عقاید خرافی نیاکان خویش، به بت پرستی گرویدند.

24- آثار گرایش به باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 12 - 2

2 - باطل گرایی و سرگرم شدن به پوچی ها ، عامل اصلی تکذیب وحی و قیامت

الذین هم فی خوض یلعبون

از این که «الذین هم...» به عنوان تنها وصف «المکذبین» آمده است؛ نقش اصلی آن در تکذیب حق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 44 - 4

4 - کفر و باطل گرایی و پوچی در زندگی ، موجب ذلت و خواری شدید در روز قیامت

فذرهم يخوضوا ويلعبوا... ترهقهم ذلّ ذلك اليوم الذي كانوا يوعدون

25- آثار گرایشهای باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 24 - 3

ص: 58

3- گرایش های شرک آلود و انکار حقانیت قرآن ، نشانه ناشنوایی ضمیر و کوری دل است .

مثل الفریقین کالأعمی والأصمّ والبصیر والسمیع

26- آثار گمراهگری معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 163 - 1

1 - گمراه گری مشرکان و معبودهایشان ، تنها در کسانی مؤثر خواهد بود که راه دوزخ را برگزینند .

ما أنتم علیه بفتنین . إلا من هو صال الجحیم

«صال» اسم فاعل و به معنای «لازم» است (اصل آن «صالی» می باشد); یعنی، کسی که ملازم و هم راه دوزخ است و دست از این راه دوزخی بر نمی دارد. گفتنی است: صیغه اسم فاعل هرگاه در مورد موجود عاقل به کار رود، به مفهوم انجام کاری از روی اختیار و انتخاب است.

27- آثار مجادله باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 57 - 9

9- جدال به باطل در برابر حق و به استهزا گرفتن آیات الهی ، زمینه ساز اعراض از آن و بی اثر ماندن رهنمود های الهی است .

و یجدل الذین كفروا بالباطل لیدحضوا به الحق . . . و من أظلم ممن ذكر بآیت ربّه

ارتباط آیه مورد بحث با آیه قبل را می توان این چنین تصویر کرد که اعراض کنندگان از آیات الهی ، همان مجادلگرانی هستند که با جدال باطل و استهزای آیات الهی ، خود را از فیض آن محروم می سازند.

28- آثار نفی باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 38 - 8

8- رسیدن به حق ، در گرو شناخت باطل و نفی آن است .

إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون . . . واتبعت ملّه ءاباءئیرھیم

29- آثار اعراض از باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 59

4 - صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا در ترک محرمات الهی چون اسراف و یا تنگ گیری، شرک، زنا، آدم کشی و سخن باطل، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا... و لایزنون... و الذین لایشهدون الزور... أول-

30- آرزوهای باطل منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 14 - 9,10

9 - منافقان، مغرور و فریفته آمال و آرزوهای باطل خویش

و غرتکم الأمانی

10 - مغرور و فریفته شدن منافقان، در برابر آمال و آرزوهای پوچ، عامل بدبختی و شقاوت اخروی آنان

قالوا بلی و لکنکم... و غرتکم الأمانی

31- آرزوی باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 167 - 14

14 - آرزوی بازگشت از سرای قیامت به دنیا، آرزویی پوچ که هرگز تحقق نخواهد یافت.

لو أن لنا کره... و ما هم بخرجین من النار

«و ما هم بخارجین...» در حقیقت پاسخی است به اظهار آرزوی مشرکان مبنی بر بازگشت به دنیا. جمله مذکور بیان می دارد که آنان نه تنها به دنیا باز نمی گردند، بلکه از آتش دوزخ نیز رهایی نخواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 119 - 21

21 - انحراف در تفکر و ایجاد آرزوهای باطل و سپس تحت فرمان گرفتن، راه و روش شیطان برای اغوای مردم و سرپرستی آنان

و لاضلنهم و لامنینهم... و لا مرنهم فلیغیرن خلق الله و من یتخذ الشیطن ولیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 15 - 1

1 - نجات مجرمان با پرداخت فدیة از عذاب الهی در قیامت - هر چند بسیار و نامحدود - آرزویی واهی و ناممکن است .

یوّد المجرم لو یفتدی من عذاب یومئذ ببنیه . . . کلاً

ص: 60

32- آرزوی باطل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 3 - 5

5- خوردن، لذت بردن و برخوردار شدن از متاع‌ها و لذت‌های دنیوی و غوطهور شدن در آرزوهای واهی، هدف و مقصد اعلای کافران است.

ذره‌م یا کلووا و یتمتّعوا و یلههم الأمل

33- آرزوی باطل کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 3 - 9

9- کافران هدایت‌ناپذیر صدراسلام، سرگرم آرزوهای واهی بودند.

ذره‌م... و یلههم الأمل

34- آگاهی از عقیده باطل خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 21 - 5

5- کافران، به پوچی و بی‌اساس بودن بافته‌های دروغین و عقاید واهی خویش، پی خواهند برد.

و ضلّ عنهم ما كانوا یفترون

35- ابطال عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 78 - 5

5 - تظاهر به عقیده‌ای باطل برای ابطال آن در مقام مجادله مجاز است.

قال هذا ربی هذا أكبر

36- اجتناب از باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 30 - 18

18 - لزوم اجتناب از دروغ گویی و باطل سرایی

و اجتنبوا قول الزور

37- اجتناب از باطل در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 30 - 19

19 - اجتناب از هر گونه بیهوده گویی و باطل سرایی در مراسم حج ، توصیه خدا به اهل ایمان

و اجتنبوا قول الزور

38- اجتناب از سخن باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 171 - 2

2 - قرآن ، فراخوان اهل کتاب به خودداری از گفتار باطل درباره خداوند

يا اهل الكتب . . . لا تقولوا على الله الا الحق

39- اجتناب از عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 63 - 10

10 - نیل انسان ها به تقوا و پرهیزشان از عقاید ناصواب و اعمال ناروا ، از اهداف نزول کتاب های آسمانی است .

خذوا ما آتینکم بقوه و اذکروا ما فیہ لعلکم تتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - ضرورت پرهیز از پندارهای جاهلانه و به دور از علم درباره خداوند

و خرقوا له بنین و بنت بغیر علم سبحنه

ص: 62

40- اجتناب از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 70 - 1

1 - هود با ابلاغ مأموریت خویش از جانب خداوند، مردمش را به توحید، عبادت خداوند و ترک پرستش معبودان دروغین فراخواند.

أَجْتَنَّا لِنُعْبِدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذِرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 85 - 4

4- پرهیز از شرک‌ورزی و پرستش معبودهای باطل، نمودی کامل از تقوا است.

وَاتَّخِذُوا مِن دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً... يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ

چون محور بحث در آیات گذشته، در باره شرک و پرستش معبودهای گوناگون بود؛ مناسبت چنین اقتضا دارد که مراد از «متَّقین» در این آیه، کسانی باشند که از شرک‌ورزی و پرستش معبودهای باطل پرهیز می‌کنند.

41- احتجاج باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 17 - 4

4 - استبعاد و بعید شمردن، در برابر برهان و دلیل روشن در امور علمی و اعتقادی، امری ناپسند و مردود است.

فَاسْتَفْتِهِمْ أَهْمُ أَشَدَّ خَلْقًا أَمْ مَن خَلَقْنَا... أَوْ ءَابَاؤُنَا الْأُولُونَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند در آیات پیشین، دلایل اثبات معاد را بیان فرمود و آیه و معجزه ای انکارناپذیر و قاطع برای آن ارائه کرد؛ ولی مشرکان به صرف استبعاد مسأله برپایی قیامت، از عقیده به آن امتناع ورزیدند. خداوند در این آیه به شدت درصدد محکوم کردن مشرکان به سبب اتخاذ این مواضع غیر اصولی است.

42- اختلاف در باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 257 - 14، 5

من الظّلمات الی النّور

مفرد آوردن کلمه «نور»، حاکی از وحدت نور و حقّ و در مقابل، جمع آوردن کلمه «ظلمات»، حاکی از تعدّد و تَشْتت ظلمت و

ص: 63

باطل است.

14 - اتحاد اهل ایمان به عِلّت ولایت واحد الهی و تشتت صفوف اهل کفر ، به لحاظ حاکمیت اولیای متعدد طاغوتی بر آنان

اللّه ولیّ الذین امنوا .. و الذین کفروا اولیاءهم الطّاغوت

چون مؤمنان از یک «ولی» برخوردارند، پس به وحدت می رسند، و در مقابل، کافران دارای اولیایی متعددند و در نتیجه متشتت خواهند شد.

43- ادعاهای باطل کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 48 - 11

11 - قرآن و تورات ، دو جادوی پشتیبان یکدیگر ، در ادعای کافران صدراسلام

قالوا سحران تظھرا

44- ادعای باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 78 - 3

3- کفر را موجب دستیابی به مال و فرزند دانستن ، سخنی بی مبنا و ادعایی پوچ است .

کفر بأیتنا .. أطلع الغیب أم اتّخذ عندالرحمن عهداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 150 - 6

6 - ادعای بدون دلیل و شاهد در مسائل اعتقادی و معارف الهی ، مردود و محکوم است .

أم خلقنا الملئکه إنّثا و هم شهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 17 - 10

بَلِ اللّٰهِ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ اَنْ هَدَيْكُمْ لِلْاِيْمَانِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ

تعبیر «اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ» در حقیقت ایمان اعراب را زیر سؤال برده است؛ یعنی، شما صادق نیستید و چنان که قبلاً یادآور شدیم، شما تنها تسلیم شده اید؛ ولی ایمان نیاورده اید. بر فرض که واقعاً ایمان آورده باشید، شایسته این است که خدا بر شما منت نهد؛ نه شما بر او.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 87 - 3

3- ادعای در کار نبودن پاداش و کیفر پس از مرگ ، ادعایی دروغین و بی اساس است .

فلولا إن كنتم غير مدینین . ترجعونها إن كنتم صدقین

خطاب در «إن كنتم صادقین»، متوجه کسانی است که منكر پاداش و کیفر در سرای دیگر بودند.

45- ادعای باطل مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 62 - 7,8

7- ادعای خوش عاقبتی مشركان برای خویش ، ادعایی دروغ و دور از واقعیت

و تصف ألسنتهم الكذب أن لهم الحسنى

«أن لهم الحسنى» بدل برای «الكذب» است.

8- مشركان مدعی بودند بهشت ، از آن آنان است .

و تصف ألسنتهم الكذب أن لهم الحسنى

احتمال دارد مراد از «أن لهم الحسنى»، به قرینه فراز بعدی (أن لهم النار) بهشت باشد.

46- ادعای برتری معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 58 - 1

1 - مجادله مشركان مکه با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در مقایسه معبود های خویش با عیسی (ع)

و قالوا ألهتنا خیر أم هو

47- ارزیابی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- درخواست پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مشرکان ، برای نمایاندن هویت و جایگاه خدایانشان به او ، جهت ارزیابی حقانیت آنان

قل أرونی الذین ألحقتهم به شركاء

ص: 65

48- استغاثه از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 73 - 5

5 - استغاثه و فریادخواهی مشرکان از خدایان خود

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

49- استفاده از باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 181 - 3

3 - هدایتگران الهی با روش ها و وسایل حق ، نه با وسایل باطل ، دیگران را به هدایت رهنمون می سازند .

و ممن خلقنا أمه يهدون بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که «باء» در «بالحق» بای استعانت باشد.

50- استمداد اخروی از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 64 - 3,5,6

3 - فراخواندن مشرکان از سوی خداوند ، برای یاری خواستن از معبودهایشان در قیامت .

وقيل ادعوا شركاءكم

5 - نصرت طلبی مشرکان در روز رستاخیز از معبودهایشان

فدعوهم فلم يستجيبوا لهم

6 - بی جواب ماندن فریاد یاری خواهی مشرکان از معبودهایشان در قیامت

فدعوهم فلم يستجيبوا لهم

51- استمداد از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 22 - 8

8 - مشرکان، غوطهور در پندارهای بی اساس خویش و امیدوار به کمکهای خدایان دروغین در قیامت

این شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون

ص: 66

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 101 - 7

7- مشرکان به هنگام نزول عذاب های الهی ، از بت ها و خدایان دروغین استمداد می کنند و برای رفع آن ، از آنها یاری می جویند .

فما أغنت عنهم آلهتهم التي يدعون من دون الله من شيء لما جاء أمر ربك

مراد از «أمر ربك» عذاب الهی است. اغناء (مصدر أغنت) به معنای کفایت کردن و برطرف ساختن است. «من شيء» مفعول برای «ما أغنت» می باشد و مقصود از آن عذاب است. بنابراین «فما أغنت عنهم آلهتهم ... من شيء»؛ یعنی، خدایانشان آنان را کفایت نکردند و حتی مقدار اندکی از عذاب را از ایشان، برطرف نساختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 52 - 7، 1

1- خداوند ، در قیامت ، به مشرکان فرصت خواهد داد تا از معبود های پنداری خویش استمداد کنند .

نادوا شركاءى الذين زعمتم

2- مشرکان ، در قیامت ، به پندار توان مندی معبودان شان بر یاری آنان ، عجلولانه ، از آنان استمداد خواهند کرد .

و يوم يقول نادوا .. فدعوهم

«فای تعقیب» در «فدعوهم» بر بی درنگ بودن کار آنان دلالت می کند. کاربرد فعل ماضی، برای کاری که در قیامت انجام می گیرد (دعوهم) نشانه آن است که - به مجرد فرصت یافتن مشرکان - باید استمداد را انجام یافته تلقی کرد.

7- مشرکان ، حتی در قیامت هم دل بسته یاری معبودان شان اند .

فدعوهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 74 - 4، 5، 6

4- مشرکان و بت پرستان ، امیدوار به یاری رسانی معبود های خویش

واتخذوا من دون الله آلهة لعلهم ينصرون

5- مشرکان و بت پرستان ، معتقد به توانایی بت ها و معبود های خویش برای یاری رسانی

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً لَعَلَّهُمْ يَنْصُرُونَ

6- حمایت و یاری شدن ، انگیزه و دلیل مشرکان و بت پرستان ، برای روی آوردن به آیین شرک و بت پرستی

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً لَعَلَّهُمْ يَنْصُرُونَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این اساس است که «لعلّ» در آیه شریفه برای تعلیل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 3 - 5

5 - مشرکان ، معبود ها را یار و یاور خود می دانستند .

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ

«ولی» (مفرد «أولياء») در لغت به سه معنا آمده است: محب، صدیق و نصیر (قاموس المحيط و مفردات راغب). در آیه شریفه - به

ص: 67

قرینه جمله بعد (ما نعبدهم إلا ليقربونا إلى الله) در معنای سوم به کاررفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 197 - 1

1 - یاری جستن از بت ها و معبودان ، هدف مشرکان از پرستش آنها

و الذین تدعون من دونه لایستطیعون نصرکم

52- استهزای عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 92 - 4

4 - تمسخر مظاهر شرک و عقاید باطل و خرافی ، امری جایز است .

فراغ إلى الهتهم فقال ألا تأكلون . ما لكم لاتنطقون

53- اصرار بر عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 3 - 6

6- مجادله و پافشاری بر عقاید موهوم و غیر علمی ، پیروی از شیطان است .

ومن الناس من یجدل . . . ویتبع کل شیطن مرید

54- اضرار معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 109 - 5

5- معبود های اهل شرک ، ارمغانی جز خسارت و تباهی برای پرستشگران خویش ندارند .

فلاتک فی مریه مما یعبدهؤلاء ما یعبدون إلا کما یعبدهاؤهم

چنان چه «کما» در آیه شریفه برای تشبیه باشد، جمله «فلاتک . . .» به ضمیمه «إنا لموفوهمم . . .» می رساند که: روا نبودن شک و تردید به

این جهت است که همان طور که معبودهای مشرکان پیشین، دستاوردی جز خسارت و تباهی برای پرستش کنندگان خود نداشتند (و ما زادوهم غیر تتیب، آیه 101) معبودهای اهل شرک در زمان تو نیز این چنینند.

ص: 68

55- اضلال معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 17 - 2،3

2 - خداوند به روز رستاخیز ، خواستار پاسخ گویی معبود های مشرکان در باره علت گمراهی مشرکان و نقش آنان در این گمراهی

و یوم یحشرهم و ما یعبدون من دون الله فیقول ءانتم أضللتم عبادى هولاء

3 - خداوند ، به روز رستاخیز ، خواهان توضیح و پاسخ گویی معبود های باطل در باره نقش خود مشرکان در گمراهی خویش

فیقول ءانتم أضللتم عبادى هولاء أم هم ضلّوا السبیل

56- اطاعت از عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 77 - 13

13 - پیروی از افکار و عقاید بدون دلیل و مبتنی بر تمایلات نفسانی ، امری نکوهیده و مورد نهی خداوند

و لا تتبعوا الهواء قوم قد ضلوا

57- اعراض از عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 7 - 3

3 - لزوم پرهیز از ادعا های نادرست و توجه به آگاهی خداوند از رفتار ها و نیت های انسان

یقول .. أیحسب أن لم یره أحد

توییح مستفاد از همزه استفهام در «أیحسب»، ممکن است ناظر به دروغ بودن گفتاری باشد که در آیه قبل از مدعیان انفاق نقل شد.

58- اعراض از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 36 - 3

3- اجتناب از هرگونه معبود باطلی ، از دعوت های روشن همه انبیای الهی

فهل على الرسل إلاّ البلغ المبین. ولقد بعثنا فی کلّ أمة رسولا أن اعبدوا الله

«طاغوت» در لغت عبارت از هر معبود و مورد پرستشی جز خداوند است.

ص: 69

59- اعلام شکست باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 81 - 8، 1

1- فرمان خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای اعلام غلبه حتمی حق و اضمحلال قطعی باطل، به مشرکان مکه

و قل جاء الحقّ و زهق البطل

8- تبلیغ و اعلان ناپایداری و شکست پذیری جریان باطل، روشی برای بازداشتن مردم از روی کرد به باطل و تلاشی جهت مبارزه با آن

و قل جاء الحقّ و زهق البطل إن البطل كان زهوقاً

تعلیل شکست قطعی باطل، به اینکه ماهیت باطل شکست پذیر است، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

60- افشای عجز معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 73 - 11

11 - بر ملا شدن ضعف و ناتوانی معبود ها (اصنام) و جهل و نادانی پرستندگان آنها با ضرب المثل خداوند، برای همگان

ضعف الطالب و المطلوب

«صَدِّعَافَهُ» (مصدر «ضعف») به معنای ناتوان شدن است؛ یعنی، طالب و مطلوب هر دو ناتوان شدند. ظاهراً مقصود این است که با دلایل

قاطع و غیرقابل انکاری که ارائه شد، نه تنها ضعف و ناتوانی بت ها؛ بلکه جهل و نادانی پرستندگان آنها نیز بر همگان آشکار شد.

61- اقرار معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 18 - 3، 1

1 - اعتراف معبود های مشرکان به روز رستاخیز و در پیشگاه خداوند، به منزله بودن او از داشتن هر گونه شریک

و یوم یحشرهم و ما یعبدون من دون الله... قالوا سبحنک

3 - معبود های مشرکان در روز رستاخیز، اظهار می دارند که حق برگفتن سرپرستانی جز خدا را نداشته و سزاوار این کار نبوده اند.

قالوا سبحنک ما کان ینبغی لنا أن نتخذ من دونک من أولیاء

«أولیاء» می تواند از «وَلَا یَت» (به فتح «واو») به معنای سرپرست باشد و هم می تواند از وِلَا یَت (به کسر «واو») به معنای «نصرت» باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای اول است.

ص: 70

62- الوهیت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 99 - 1

1- عجز و ناتوانی معبود های مشرکان در گریز از جهنم ، دلیل عدم الوهیت آنان است .

ماتعبدون من دون الله حصب جهنم ... لو كان هؤلاء الهه ما وردوها

63- امتحان معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 194 - 6

6 - خداوند از مشرکان خواست تا برای آزمون توانایی معبودانشان ، نیاز های خود را از آنان درخواست کنند .

فادعوهم فليستجيبوا لكم

64- امداد به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 43 - 3

3- معبود های مشرکان از یاری رساندن به خود ناتوان و از یاری خدا محروم اند .

لايستطيعون نصر انفسهم ولا هم مئا يصحبون

«يصحبون» (از ریشه «صَحِبَ») به معنای «عاشَر» است و لازمه این معنا، نصرت و تأیید است؛ زیرا همنشین از دیگر همنشینان حمایت خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 25 - 1

1 - ناتوانی مشرکان و هم فکران و معبود های آنان از یاری یکدیگر

احشروا الذين ظلموا و أزوجهم ... ما لكم لاتناصرون

65- امداد معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 71

5- باور مشرکان، به یاری رسانی معبودهایشان در سختی ها و هلاکت ها

این ما کنتم تعبدون . من دون الله هل ينصرونکم او ينتصرون

زیر سؤال رفتن توانایی معبودها بر یاری رسانی، حاکی از این است که مشرکان بر این باور بودند که معبودهایشان به آنان یاری خواهند رساند.

66- انفاق باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 39 - 1

1 - مالی که نه به قصد تقرب به خدا، بلکه برای افزون شدن اموال داده می شود، در پیشگاه خداوند، بی پاداش است .

وما اتیتم من رباً لیربوا فی أموال الناس فلا یربوا عندالله

«ربا» در لغت، به معنای زیادی است و به قرینه مقابله با آیه قبل، مالی است که برای جلب رضای خدا داده نمی شود.

67- اهل باطل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 21 - 1

1 - قیامت، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان آنان است .

هذا یوم الفصل

«فصل» به معنای فاصله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 40 - 3

3- قیامت، روز جدایی حق از باطل و تمایز حق مداران از باطل گرایان

إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

مراد از «فصل»، ممکن است جدا شدن صفوف حق و حق مداران، از باطل و باطل گرایان باشد.

68- اهمیت اعراض از باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 72

16- لزوم استوار سازی عقاید ، بر میزان حق و عدل و پرهیز از هرگونه گرایش به باطل

لن ندعوا من دونه إلهًا لقد قلنا إذا شططًا

در آیه شریف و در گفتار اصحاب كهف، سخنی که متمایل به باطل و دور از حق باشد، محکوم و مردود شمرده شده است. این بیان، در حقیقت، برای گزینش عقاید ملاکی را ارائه کرده است.

69- اهمیت تبری از عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 67 - 2

2- لزوم اظهار تنفر و انزجار از مشرکان و عقاید انحرافی و باطل آنها و ارائه راه هدایت به آنان

إذ قال لأبيه .. أف لكم ولما تعبدون

70- اهمیت تبیین باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 70 - 17

17 - کیفر انسان ها ، قبل از تبیین حق و باطل برای آنان ، ظلم و دور از ساحت قدس خداست .

أتتهم رسلهم بالبينت فما كان الله ليظلمهم

نفی ظلم از خدا و متفرع شدن آن بر وجود بینات، بیانگر این نکته است که: در صورت ارائه نشدن دلایل روشن، به هلاکت رساندن انسانها ظلم می باشد.

71- اهمیت تشخیص باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 20 - 8

8 - ارتباط همیشگی با خداوند ، نیرومندی ، حکمت ، توانایی بر فیصله دادن به امور و داشتن منطق قوی در جداسازی حق از باطل ، از شرایط لازم رهبران و مدیران جامعه در نگاه وحی

واذکر عبدنا داود ذا الأید إله أواب . . و شددنا ملکه وءاتینه الحکمه و فصل الخ

برداشت یاد شده از مجموع اوصافی که خداوند برای داوود(ع) به عنوان حاکم و فرمانروا ذکر کرده است، به دست می آید.

ص: 73

72- اهمیت موضعگیری علیه عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 26 - 6

6 - لزوم موضع گیری قاطعانه در برابر عقاید و باور های غلط جامعه ، حتی در برابر نزدیک ترین خویشاوندان

و إذ قال إبراهيم لأبيه و قومه إئني براء مما تعبدون

73- ایمان به باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 52 - 12

12 - ایمان به باطل ، امکان پذیر است .

و الذین ءامنوا بالباطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 67 - 5,7

5 - مشرکان مکه ، به خاطر ایمان به باطل ، از سوی خداوند سرزنش شدند .

أولم یروا أننا جعلنا حرمًا ءامنًا .. أفتالبطال یؤمنون

7 - ایمان به باطل و پوچی ، امکان دارد .

أفتالبطال یؤمنون

74- باطل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 13 - 1,2

1 - قیامت ، روز جداسازی میان خلائق و داوری میان حق و باطل است .

لیوم الفصل

«فصل» به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود (قاموس المحيط). روز قیامت - چنان که مفسران گفته اند - از این رو «یوم الفصل» نامیده شده که در آن روز، میان خلائق جدایی ایجاد شده و حق از باطل تمیز داده خواهد شد و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

2- جداسازی میان خلائق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

لیوم الفصل

توصیف روز قیامت به «یوم الفصل»، در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

ص: 74

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 14 - 1

1 - شناخت ژرفای حقیقت و عظمت روز قیامت (روز داوری میان اهل حق و باطل) ، بس دشوار و دست نیافتنی برای بشر

و ما أدریک ما یوم الفصل

از تعبیر «و ما أدراک..» (چه چیز آگاه ساخت تو را...) استفاده می شود: قیامت، حقیقتی بس بزرگ و عمیق است که کسی به درستی و شایستگی از آن آگاه نیست و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

75- باطل نمایی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 56 - 8

8- خارج کردن حق از صحنه، با باطل نشان دادن چهره آن، از شیوه های تبلیغاتی کفرپیشگان است .

و یجدل الذین کفروا بالباطل لیدحضوا به الحق

«إدحاض» به معنای «ابطال» و «إزاله» است. «لیدحضوا به الحق» یعنی: «کفرپیشگان، با مجادله باطل، سعی در ابطال و ازاله حق دارند.» روشن است که حق، قابل ابطال نیست، لذا تعبیر «خروج از صحنه» و «باطل نمایی» در برداشت به کار رفته است.

76- بشارت شکست باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 17 - 17

17- نوید خداوند به پیروزی حق و استقرار آن در زمین و شکست باطل و رخت بر بستن آن

فأما الزبد فیزهب جفاءً و أما ما ینفع الناس فیمکث فی الأرض

77- بطلان عقیده به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 6

6- موجودات دست ساز و فاقد هرگونه قدرت آفرینشگری، لیاقت الوهیت ندارند و هرگونه عقیده ای به خدایی آنان، باطل است .

و الذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً وهم يخلقون

ص: 75

78- بطلان معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 22 - 7

7 - قیامت، روز استهزای مشرکان و نمایاندن ناتوانی و بطلان خدایان دروغین آنهاست.

و یوم نحشرهم جميعا ثم نقول للذین أشركوا این شركاؤکم الذین کنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 24 - 3

3 - ظهور بطلان شرک و پوچی معبودهای دروغین در قیامت

و ضل عنهم ما كانوا یفترون

از کاربردهای فعل «ضل» جایی است که چیزی از بین رفته است و باطل شود. در لسان العرب آمده است: «ضل الشيء إذا ضاع»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 40 - 11

11 - اگر مشرکان در ادعاهای پوچ و شرک آمیز خود صادق هستند، باید به هنگام سختی متوجه معبودهای خود شوند.

أغیر الله تدعون إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 27 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور ابلاغ پیام الهی به مشرکان درباره باطل بودن خدایان ادعایی شان

قل أرونی الذین ألحقتهم به شركاء

79- بنی اسرائیل و معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 138 - 15

15 - بی توجهی قوم موسی به نعمت های خدا و گرایش آنان به پرستش غیر او ، برخاسته از جهالت دامنه دار آنان بود .

و جوزنا ببنی إسرئیل البحر . . . قالوا یموسی . . . قال إنکم قوم تجهلون

چنانچه از آیه استفاده می شود، گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا پس از عبورشان از دریا و تحقق این نعمت بزرگ الهی بوده است. بنابراین می توان گفت موسی این جهت را نیز در نظر داشته و آنان را جاهل خوانده است. یعنی این بی خردی است که انسان نعمتهای الهی را ببیند و در عین حال به غیر او گرایش پیدا کند. فعل مضارع «تجهلون» بر دامنه داری این بی خردی دلالت می کند.

ص: 76

80- بی ارزشی مالکیت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 11

11 - معبود های ادعایی مشرکان ، فاقد هرگونه مالکیت ؛ حتی به مقدار پوست هسته خرما

و الذین تدعون من دونه ما یملکون من قطمیر

«قطمیر» به معنای لُفافه و پوست میان خرما و هسته آن است (لسان العرب) البته این تعبیر در آیه شریفه، کنایه از بسیار ناچیز بودن است.

81- بی تأثیری استمداد از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 52 - 4,5

4- بی نتیجه بودن کمک خواهی مشرکان از معبودان خویش ، هشدار خداوند به اهل شرک و پذیرندگان ولایت شیاطین است .

و یوم یقول نادوا شرکاءى . . . فلم یتجیبوا لهم

5- صحنه بیهوده بودن استمداد مشرکان از معبود های خود در قیامت ، صحنه ای شایان فراگیری و به خاطر سپردن است .

و یوم یقول نادوا شرکاءى . . . فلم یتجیبوا لهم

«یوم» مفعول برای فعل مقدری مانند «أذکروا» است ؛ یعنی ، «به یاد آن روز باشید که . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 54 - 3

3- سرگذشت رفاه مند مغرور ، عصیان ابلیس و بی پاسخ ماندن استمداد مشرکان از معبودان خویش در قیامت ، نمونه هایی از مثال های

هدایت گر قرآن است .

واضرب لهم مثلاً رجلین . . . ولقد صرفنا فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل

این آیه، به منزله نگاهی است کلی به آیات گذشته از سی و دوم با پنجاه و سوم.

82- بی تأثیری درخواست از معبودان باطل

2- خواندن معبود های دروغین و درخواست کردن از آنها ، کرداری بیهوده و باطل است .

له دعوه الحق

تقدیم «له» بر «دعوه الحق» حاکی از حصر است ؛ یعنی ، دعوت حق تنها از آن اوست نه از آن غیر او. و مراد از غیر او به قرینه جمله بعد معبودهایی است که مشرکان آنان را می خواندند و می پرستیدند.

ص: 77

7- درخواست کفرپیشگان از معبود های دروغین و دعا به پیشگاه آنان ، همواره تباه و بی ثمر است .

و ما دعاء الکفرین إلاّ فی ضلل

از معانی «ضلال» تباهی و نابودی است. تباهی و نابودی را به صورت ظرفی برای دعا قرار دادن (فی ضلال) برای رساندن این معناست که: آن دعا کاملاً از میان رفته و نابود شده است. گویا نابودی همه جوانب آن را فرا گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 74 - 1

1 - اعتراف مشرکان حق ناپذیر و ستیزه جو ، به بی فایده بودن کامل عبادت غیرخدا و حاجت خواهی از معبود های ادعایی خویش

این ما کنتم تشرکون . من دون الله قالوا ضلّوا عنّا بل لم نکن ندعوا من قبل شیئاً

جمله «ضلّوا عنّا» (از نظر ما ناپدید شدند و آنان را گم کردیم) کنایه از بطلان و پوچی آیین شرک و بی اثر بودن معبودهای ادعایی در عرصه قیامت است. گفتنی است جمله «بل لم نکن ندعوا...» می تواند به معنای بی اثر بودن حاجت خواهی از معبودها باشد؛ زیرا چیزی که بی فایده است مانند این است که وجود ندارد. هم چنین می تواند گویای انکار عبادت معبودها باشد که از سرِ ناچاری و اضطراب به آنها متوسل شده باشند. احتمال نخست مؤید برداشت یاد شده است.

83- بی تأثیری عبادت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 3 - 23

23 - تقرب آفرین بودن عبادت معبود ها (بت و . . .) عقیده ای است دروغین .

و الذین اتّخذوا من دونه اولیاء ما نعبدهم إلاّ ليقربونا إلى الله زلفی . . . إنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 43 - 2

2 - مؤمن آل فرعون قومش را از نقش نداشتن معبود های ادعایی در سعادت دنیوی و اخروی و نیز بی ثمر بودن عبادت آنها آگاه ساخت .

لاجرم أنّما تدعوننی إلیه لیس له دعوه فی الدنیا و لا فی الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - اعتراف مشرکان حق ناپذیر و ستیزه جو، به بی فایده بودن کامل عبادت غیرخدا و حاجت خواهی از معبود های ادعایی خویش

این ما کنتم تشرکون . من دون الله قالوا ضلوا عتبا بل لم نکن ندعوا من قبل شیئا

جمله «ضَلُّوا عَتَبًا» (از نظر ما ناپدید شدند و آنان را گم کردیم) کنایه از بطلان و پوچی آیین شرک و بی اثر بودن معبودهای ادعایی در عرصه قیامت است. گفتنی است جمله «بل لم نکن ندعوا...» می تواند به معنای بی اثر بودن حاجت خواهی از معبودها باشد؛ زیرا چیزی که بی فایده است مانند این است که وجود ندارد. هم چنین می تواند گویای انکار عبادت معبودها باشد که از سرِ

ص: 78

ناچاری و اضطراب به آنها متوسل شده باشند. احتمال نخست مؤید برداشت یاد شده است.

84- بی ثمری عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 26 - 6

6- عقاید باطل و ناحق ، بی ثمر است .

مثل کلمه خبیثه کَشَجْرَه خَبِيثَه اجْتَنَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ

به قرینه مقابله با آیه قبل که در آن آمده بود: شجرهء طیبه هر لحظه ثمر می دهد، ولی شجره خبیثه به بی ریشه و ناپایدار بودن توصیف شده است، برداشت فوق به دست می آید.

85- بی ثمری معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 71 - 1

1 - پرستش معبودهای واهی، سود واقعی برای آدمیان ندارند.

قُلْ أَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا

86- بی شعوری معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 10 - 27

27- معبود های اقوام کافر ، موجوداتی فاقد شعور و درک بودند .

عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا

به کار بردن «ما» ی موصول، که اغلب برای موجود فاقد شعور استعمال می شود، در معرفی معبودهای آنان، می تواند برای بیان نکته یاد شده باشد.

87- بی عقلی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - معبود ها و شفيعان مشركان عصر پيامبر (صلی الله عليه و آله) ، فاقد هرگونه توانایی و تعقل

ص: 79

قل أولو كانوا لا يملكون شيئاً ولا يعقلون

88- بی منطقی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 102 - 3

3- گزینش اولیا و معبودان باطل از سوی کافران ، حرکتی بی پایه و متکی بر اوهام است .

أفحسب الذين كفروا أن يتخذوا عبادي من دوني أولياء

محتمل است «أن يتخذوا...» جانشین دو مفعول برای «حسب» باشد. در این صورت، معنا چنین می شود: «آیا کافران گمان می کنند که غیر مرا ولیّ می گیرند؟!»، یعنی، آنان، تنها، در اوهام خود غوطهورند و با حقایق فاصله بسیار دارند.

89- بی یاوری معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 43 - 3

3- معبود های مشرکان از یاری رساندن به خود ناتوان و از یاری خدا محروم اند .

لا يستطيعون نصر أنفسهم ولا هم متاّيصبون

«يصبون» (از ریشه «صَجَبَ») به معنای «عاشَر» است و لازمه این معنا، نصرت و تأیید است؛ زیرا همنشین از دیگر همنشینان حمایت خواهد کرد.

90- بینش باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 115 - 2

2- گزاف و بی هدف شمردن آفرینش انسان ، پنداری غلط و ناروا

أفحسبتم أنّما خلقنكم عبثاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 28 - 6

6 - کافران زشتکردار عصر جاهلی از سر جهل، انجام کارهای زشت و ناپسند را اجرای فرمان خدا می پنداشتند.

وإذا فعلوا فحشاً قالوا .. الله أمرنا بها

ص: 80

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 2 - 1

1 - آسوده داشتن خاطر ، از ناحیه خداوند ، به صرف اظهار ایمان ، و پندار آزمون نشدن از سوی او ، خیالی باطل است .

أحسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمنا وهم لا يفتنون

استفهام در «أحسب..» برای انکار ابطالی است و منظور از آن، مردود دانستن پندار کسانی است که احساس می کنند، به صرف اظهار ایمان زبانی، رها خواهند شد و آزموده نخواهند گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 4 - 2

2 - پندار بدکاران در سیطره و غلبه بر دین خدا ، پنداری خام و باطل است .

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا

بنابراین احتمال که مراد از «سبقت از خدا»، پشت سر نهادن دین خدا باشد که کنایه از مغلوب ساختن آن است، نکته بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 39 - 6

6 - برتری پسران و مردان بر دختران و زنان ، اندیشه ای پوچ و فاقد دلیل و برهان قطعی و روشن

فليات مستمعهم بسلطن مبين . أم له البنت و لكم البنون

یادآوری برتر دانستن پسر بر دختر از سوی مشرکان، پس از بیان پوچی و بی پایگی عقاید آنان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 10 - 21

21 - برابر دانستن مؤمنان مجاهد و انفاق گر قبل از فتح مکه ، با مجاهدان و انفاق گران بعد از آن ، از نظر مقام و منزلت در پیشگاه خداوند ، پنداری باطل است .

لايستوى منكم من أنفق من قبل الفتح و قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 1 - 21

21 - پندار تأمین بعضی منافع از طریق روابط سرّی با دشمنان دین ، پنداری باطل و بی فرجام *

و من یفعله منکم فقد ضلّ سواء السبیل

برداشت یاد شده با توجه به شأن نزول آیه شریفه است؛ یعنی، برقراری ارتباط برخی از مسلمانان با دشمن، به انگیزه حفظ منافع؛ نه خیانت به مسلمانان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 81

10 - خودپسندی و احساس شرافت مندی بر اثر ثروت ، حالتی نکوهیده و ناشایست است .

فیقول ربی اکرمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکاثر - 102 - 3 - 1

1 - ثروت و منزلت ، نشانه برتری نیست و برتر پنداشتن خویش بر دیگران به جهت آن ، پنداری ناروا است .

کلاّ

حرف «کلاّ»، مطالب قبل خود را منتفی می داند و مخاطب را از باور داشتن آن باز می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - همزه - 104 - 4 - 1

1 - مؤثر دانستن ثروت ، در جاودانگی و رهایی از نابودی و مرگ ، پنداری نادرست و ناروا است .

أخلده . کلاّ

حرف «کلاّ»، مخاطب را از پذیرش گفتارهای بیان شده در جملات پیش ، باز می دارد.

91- بینش باطل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 53 - 1

1 - آراسته نبودن موسی (ع) به دستبند های زرین ، دلیل بطلان رسالت او از نظر فرعون

فلولا ألقى علیه أسوره من ذهب

«أسوره» (جمع «سوار») به معنای دستبندها است.

92- بینش باطل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - پندار باطل مشرکان ، در امتیاز آنان بر دیگران و بی نیازی از هدایت و ارشاد *

أم خلقوا من غیر شیء

معنای «أم خلقوا من غیر شیء»، می تواند این باشد که آیا مشرکان مکه، خود را تافته جدا بافته ای در آفرینش می بینند که دیگران نیاز به هدایت دارند و اینان بی نیازند؟! بر این مبنا تقدیر آیه شریفه چنین می شود: «أم خلقوا من غیر شیء خلق منه غیرهم».

ص: 82

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 19,20

19 - خداوند هستی ، منزّه از پندار های ناروا و نادرست مشرکان درباره او

سَبِّحْ لِلَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

20 - مشرکان ، دارای پندار های نادرست و غلط از خداوند و صفات او

سَبِّحْ لِلَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

93- بینش باطل مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 11 - 1

1 - انسان در دیدگاه منکران معاد ؛ پس از مرگ نابود شده و از او چیزی جز استخوان های پوسیده باقی نمی ماند .

أَءِذَا كُنَّا عِظْمًا نَّخْرَةً

«نَخْرَةً»؛ یعنی، صدای بینی و «نخره» به استخوان کهنه و پوسیده ای گفته می شود که با اندک تماسی از هم بپاشد و چنانچه قدری از آن باقی باشد - به گونه ای که با وزش باد به صدا درآید - به آن «ناخر» می گویند. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 12 - 2

2 - منکران معاد ، حیات دوباره انسان ها را پس از مرگ ، حیاتی بی ثمر و سراسر زیان وانمود می کنند .

قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ

«کَرَّةٌ»؛ یعنی، رجوع. نسبت دادن زیان کاری به رجوع - نه رجوع کنندگان - مبالغه در ترسیم زیان کاری است.

94- بینش باطل منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 18 - 8

8 - منافقان می پندارند ، در قیامت نیز می توان از سوگند دروغ بهره جست و خود را از مهلکه نجات داد .

فیحلفون له . . . و يحسبون أنهم علی شیء

کلمه «شیء» در «أنهم علی شیء» موصوف صفت محذوف است و تقدیر آن «علی شیء نافع» می باشد؛ یعنی، منافقان می پندارند که چیز مفیدی در اختیار دارند (مقصود سوگند دروغ است).

ص: 83

95- بینش باطل ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 24 - 3

3 - قرآن ، در دیدگاه غرض آلود ولیدبن مغیره ، سحری برگرفته شده از ساحران پیشین بود .

فقال إن هذا إلا سحر یؤثر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که «یؤثر» از ماده «أثر» (روایت و مطلب نقل شده از پیشینیان) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 25 - 1

1 - قرآن ، در نظر غرض آلود ولیدبن مغیره ، ساخته و پرداخته انسان است .

إن هذا إلا قول البشر

96- پاداش اجتناب از سخن باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 76 - 2

2 - فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ،

آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هوناً .. و الذین لایشهدون الزور ... أولئک یجزون الغرفه

97- پراکندگی باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 43 - 7

7 - راه های باطل ، پراکنده و مختلف ، و راه حق ، یکی است .

لیخرجکم من الظلمت إلى النور

مراد از «ظلمت» و «نور» در این آیه، معنوی است و منظور از آن دو - به قرینه این که خداوند، با اعطای رحمت، خواسته است تا مؤمنان را از ظلمت ها به نور رهنمون سازد - بردن آنان از باطل و بی راهه ها به حق و راه خدا است. لازم به ذکر است که جمع آورده شدن «ظلمات» دلالت بر تعدد راه های باطل، و مفرد آورده شدن «نور»، دلالت بر یکی بودن راه حق می کند.

98- پرسش از عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 21 - 6

6- بازخواستن و زیر سؤال بردن اندیشه و عقیده باطل ، روشی در هدایت و بیان عقیده و اندیشه درست .

أم اتَّخِذُوا ءالِهه من الأرض هم ینشرون

برداشت یاد شده از جمله استفهامیه «هم ینشرون» استفاده می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 24 - 3

3- بازخواست و زیر سؤال بردن عقیده و اندیشه باطل ، روشی در هدایت و بیان عقیده و اندیشه درست .

أم اتَّخِذُوا من دونه ءالِهه

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که «أم» منقطعه، بر استفهام توبیخی دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 7

7- زیر سؤال بردن اندیشه ها و باور های باطل و بیان ضعف ها و نقص های آنها ، روش هدایتی و تبلیغی قرآن

و اتَّخِذُوا من دونه ءالِهه لایخلقون شیئاً و هم یخلقون . . . و لایملکون موتاً و لایحیو

جمله «و اتَّخِذُوا من دونه آلهه. . .» هر چند به صورت خبریه است، ولی مقصود از آن اخبار نیست؛ زیرا همگان به مضمون آن آگاه بودند؛ بلکه مقصود زیر سؤال بردن عقاید مشرکان و بیان ضعف های فکری آنان و اظهار شگفتی از چنین باورهایی است.

99- پرسش از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 22 - 5

5- پرسش از موقعیت و جایگاه معبودهای پنداری مشرکان، از صحنه های محاکمه آنان در قیامت

ثم نقول للذين أشركوا أين شركاؤكم الذين كنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 17 - 3, 2

2 - خداوند به روز رستاخیز ، خواستار پاسخ گویی معبود های مشرکان در باره علت گمراهی مشرکان و نقش آنان در این گمراهی

ویوم یحشرهم و ما یعبدون من دون الله فیقول ءأنتم أضللتم عبادی هولاء

3 - خداوند ، به روز رستاخیز ، خواهان توضیح و پاسخ گویی معبود های باطل در باره نقش خود مشرکان در گمراهی خویش

فیقول ءأنتم أضللتم عبادی هولاء أم هم ضلّوا السبیل

ص: 85

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 18 - 6

6 - معبود های مشرکان در پاسخ به سؤال خداوند در قیامت ، عامل انحراف و گمراهی مشرکان را ، برخوردارى آنان و پدرانشان از رفاه بسیار و از یاد بردن خدا خواهند دانست .

و لكن متعتهم و اباؤهم حتى نسوا الذكر

«لكن» - که در استدراک به کار می رود - در آیه شریفه برای رد این اتهام است که معبودها در گمراهی مشرکان مؤثر بودند و نیز برای بیان علت های واقعی این انحراف است که در این آیه، به دو عامل اشاره شده است: 1- رفاه (که موجب فراموشی خدا است) (متعتهم.. الذکر). 2- رفتار هلاکت بار آنان (و كانوا قوماً بوراً).

100- پرسش درباره معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 62 - 4

4 - پرسش تحقیر آمیز خداوند از مشرکان ، درباره معبود های آنان در قیامت

فیقول این شرکاءى

استفهام در «این شرکاءى» برای تهکّم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 74 - 4

4 - پرسش تحقیر آمیز خداوند در قیامت از مشرکان درباره معبودهایشان

و یوم ینادیهم فیقول این شرکاءى

استفهام در «این شرکائی» برای تهکّم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 73 - 3

3 - پرسش عتاب آمیز خداوند از مشرکان حق ستیز و لجوج ، درباره معبود های ادعایی آنان

ثمّ قيل لهم أين ما كنتم تشركون

101- پشیمانی از عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 10،11

10 - ستمگران با دیدن عذاب الهی در قیامت ، از انتخاب عقیده کفرآلود ، پشیمان شده و آن را مخفی خواهند کرد .

ص: 86

و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربهم . . . و أسروا الندامه لَمَّا رأوا العذاب

11 - مشرکان ، به خاطر انتخاب عقیده شرک آلود ، در قیامت پشیمان شده و آن را پنهان خواهند کرد .

و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربهم . . . و أسروا الندامه لَمَّا رأوا العذاب

102- پندار باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 7 - 2

2- منافات داشتن پیامبری با بشر بودن ، پندار باطل مشرکان

هل هذا إلا بشر مثلكم . . . ما أرسلنا قبلك إلا رجالاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 8 - 4

4- بی نیازی پیامبران از تغذیه و جاودانگی آنان در دنیا ، پندار باطل مشرکان

و ما جعلنهم جسداً لایأکلون الطعام و ما کانوا خلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 2 - 6

6 - پندار مبتلا نشدن به سختی ، به صرف ایمان آوردن ، پنداری باطل است .

أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا ءامناً و هم لایفتنون

«فتن» به دو معنای «اختبار و آزمون» و «گرفتاری در شدت و سختی» آمده است (مفردات راغب). برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 4 - 4, 3, 1

1 - پندار بدکاران در گریز از مجازات الهی ، پنداری باطل است .

أم حسب الذین یعملون السيئات أن یسبقونا

«أم» در «أم حسب» منقطعه و به معنای «بل اضراب» است و معنای انتقال را می‌هد. انتقال، از «انکار پندار آزموده نشدن، به مجرد ایمان» به «انکار عدم مجازات»، است. مراد از «سبقت از خدا» یا کنایه از «مغلوب ساختن دین خدا» است و یا «گریز از خدا». به قرینه این که در آیه، سخن از گناه است، «گریز از عذاب خدا» مراد است و برداشت بالا، مبتنی بر همین احتمال است.

3- پندار کافران در غلبه بر دین خدا، پنداری خام و باطل است.

أم حسب الذین یعملون السيئات أن یسبقونا

به قرینه آیات قبل که در آنها از مدعیان ایمان و پندارشان سخن گفته شده است، مراد از «یعملون السيئات» می‌تواند «کافران» باشد.

ص: 87

4- پندار کفران برای رهایی از کیفر الهی، پنداری خام و باطل است.

أم حسب الذین یعملون السيئات أن یسبقونا

9- پندار امکان گریز از مجازات الهی، پنداری ناشایست است.

أم حسب الذین یعملون السيئات أن یسبقونا ساء ما یحکمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 3 - 2

2- پندار عدم توانایی خداوند بر جمع آوری استخوان های مردگان و زنده کردن آنها، باطل و بی اساس است.

أیحسب الإنسان أن نجمع عظامه

103- پوچی باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 17 - 13

13- باطل ناچیز، سبک، توخالی و پفکی است.

فاحتمل السیل زبدًا رابيًا .. كذلك یضرب الله الحق و البطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 18 - 7

7- حق، دارای صلابت و استحکام و باطل، پوچ و سست است.

بل نقذف بالحق علی البطل فیدمغه فإذا هو زاهق

از این که خداوند «حق» را از بین برنده و درهم کوبنده باطل دانسته، صلابت حق استفاده می شود. و از این که باطل ناگهان و بلافاصله از بین رفته است، میان تهی و پوچ بودن آن به دست می آید. گفتمی است تعبیر «قذف» - که به معنای انداختن با قدرت و قوت است - مؤید برداشت یاد شده است.

104- پوچی عقیده به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- برگزیدن معبود های گوناگون و فاقد هر گونه توانایی ، به جای خداوندِ توانای بی همتا و آفریننده عالم هستی ، عملی غیر منطقی و شگفت آور

الذی له ملک السموت و الأرض و لم یتَّخذ ولداً و لم یکن له شریک . . . و اتَّخذوا من

ص: 88

105- پوچی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 71 - 10، 9

9- مشرکان، پرستشگر معبودانی اعتباری و متکی به خدایانی پوچ و واهی

اتجدلوننی فی أسماء سمیتموها أنتم وءاباؤکم

10 - هود، گرفتار جدال و کشمکش مدام قوم عاد درباره معبودان بی اساسشان

اتجدلوننی فی أسماء سمیتموها أنتم وءاباؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 40 - 2

2- هر معبودی جز خداوند، تنها دارای نامی از خدایی و خالی از هنر و حقیقت آن

ما تعبدون من دونه إلاّ أسماء سمیتموها

مقصود از «أسماء سمیتموها» (نامهایی که شما بر معبودها نهاده اید) این است که این نامها، الفاظی اند که مصداقی در خارج ندارند. اسمهایی بی مسمی و نامهایی بی نشانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 27 - 8

8- در قیامت، پوچی و بطلان خدایان مشرکان بر ملا می شود.

يقول این شرکاء الذین کنتم تشقون فیهم

از اینکه خداوند در قیامت در مؤاخذه مشرکان، از آنها می پرسد: خدایان ادعایی تان کجاست؟ و آنان جوابی نمی دهند، حکایت از آشکار شدن پوچی معبودهای مشرکان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 56 - 1، 2

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به اعلام خیالی بودن خدایان برگزیده مشرکان و ناتوانی کامل آنها در رفع هرگونه بیچارگی و درماندگی از مشرکان

قل ادعوا الذین زعمتم من دونه فلا یملکون کشف الضرّ عنکم

2- هر معبودی جز خدا، نیرویی خیالی و برای رفع بیچارگی و بدبختی مردم، فاقد قدرت است .

قل ادعوا الذین زعمتم من دونه فلا یملکون کشف الضرّ عنکم و لا تحویلاً

«الضرّ» به معنای بدحالی درونی و یا جسمانی است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 14 - 1

ص: 89

1 - یگانگی خداوند و حقیقت نداشتن هیچ معبودی جز او، سرلوحه وحی الهی به موسی (ع) در وادی طوی بود.

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 62 - 3

3 - هر معبودی به جز خدا، موهوم است و باطل.

وَأَنْ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَطْلُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 13 - 5

5 - شریکانی که مشرکان برای خدا قائل بودند ساخته و پرداخته خودشان بود.

وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِنْ شُرَكَائِهِمْ شَفْعُوًا

اضافه شدن «شركاء» به ضمیر «هم» - که مرجع آن، مشرکان است - اشعار دارد به این که آنان، خود چنین شریکانی را ساخته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 30 - 5

5 - خدایان مشرکان، باطل و پوچ محض اند.

وَأَنْ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَطْلُ

«باطل» متضاد «حق» است. «حق» به معنای «ثابت و پایدار» آمده است. بنابراین، باطل، به معنای «پوچ و بی ثبات» خواهد شد. (مفردات راغب) لازم به ذکر است، در صورتی که «ما» در «مایدعون» موصول باشد، دلالت می کند بر این که آنچه مشرکان به عنوان معبود و خدا انتخاب کرده اند، باطل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 22 - 2

2 - خدایان مشرکان، معبودهایی پنداری اند.

قل ادعوا الذين زعمتم من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 21، 23

21 - تمامی معبودها - جز الله - معبودهایی ساختگی و دروغین

لا إله إلا هو

23 - آفرینش جهان (آسمان، زمین و انسان)، دلیل یکتایی خدا و پوچی معبودهای دیگر

خلق السموت والأرض... خلقكم من نفس وحده... لا إله إلا هو

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که جمله «لا إله إلا هو» - که پس از بحث از خلقت جهان آمده است - به منزله نتیجه و

ص: 90

جمع بندی آن بحث باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 4 - 2

2- قرآن ، درصدد تحریک مشرکان ، برای اندیشیدن به پوچی و ناتوانی معبود های دروغینشان

قل أریتم ما تدعون من دون الله أرونی ماذا خلقوا

تعبیر «أریتم» چه به معنای «أخبرونی» باشد و چه به معنای سؤال از نگریستن؛ دعوت برای اندیشیدن در ماهیت پوچ بت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 28 - 6

6- ظهور پوچی و بی اثری معبود های مشرکان ، به هنگام نزول عذاب الهی

بل ضلّوا عنهم

«ضلّوا عنهم» کنایه از وجود بی خاصیتی است که معدوم به شمار می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 23 - 1

1 - خدایان دروغین مشرکان ، پوچ و بی بهره از هر گونه هویت واقعی

إن هی إلاّ أسماء سمّیتوها

106- پیروزی بر باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 23 - 17

17 - پیروزی حق بر باطل ، در گرو کوشش و تلاش صاحبان حق *

فاذا دخلتموه فانکم غلبون

107- تبری اخروی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 14 - 4

4 - حضور معبودها در قیامت و انکار و تبری آنان از شرکوزی مشرکان

و یوم القیمه یکفرون بشرکم

ص: 91

108- تبری از باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 41 - 2

2 - دعوت کنندگان به سوی حق در صورت مواجه شدن با پافشاری مردم بر انکار حق ، باید با اعلان تبری از باطل ، آنان را به حال خود رها کنند .

وإن كذبوك فقل . . . وانا برىء مما تعملون

109- تبری از عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 54 - 7

7- اعلام انزجار از عقاید باطل و خرافی ، گامی ضروری برای مبلغان دین

قال إني أشهد الله . . . أني برىء مما تشركون

110- تبری از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 19 - 23، 24

23 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، مأمور به اعلام یگانگی خداوند و اظهار بیزاری از شرک و معبودهای مشرکان

قل إنما هو إله وحد و إني برىء مما تشركون

24 - لزوم پایداری در عقیده توحیدی و اعلام صریح بطلان شرک و بیزاری از معبودهای مشرکان

قل لا أشهد قل إنما هو إله وحد و إني برىء مما تشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 78 - 9، 11

9 - ابراهیم (ع) در پی ابطال مستدل عقاید شرک آمیز قوم خویش، به صراحت از معبودهای آنان بیزاری جست.

فلما رء الشمس . . . إني برىء مما تشركون

چنانچه «ما» در «مما تشركون» موصول باشد، مضمون جمله چنین است: «برىء من الذى تشركون به». یعنی از چیزهاییکه به آن شرک میورزید بیزارم.

11 - ضرورت بیزاری جستن از معبودهای مشرکان و عقاید شرک

ص: 92

ینی برء مما تشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 54 - 5,6

5- هود (ع) به مشرکان اعلان کرد که از معبودهایشان بیزار است و آنها را منشأ هیچ تأثیری نمی داند و شایسته پرستش نمی شمارد .

قال .. اشهدوا انی بریء مما تشرکون

بیزاری و تنفر هود(ع) از بتها و معبودهای اهل شرک، به معنای منشأ اثر ندانستن آنها و شایسته عبادت نشمردنشان است. از اینکه هود(ع) در خطاب به مردم نگفت: «اشهدکم»، ولی در گواه خواهی از خداوند گفت: «أشهد الله» معلوم می شود مراد از «واشهدوا»، مجرد اعلان است نه شاهد گرفتن مردم.

6- هود (ع) ، خداوند را بر بی تأثیر دانستن معبود های اهل شرک و اعلان بیزاری از آنان ، گواه گرفت .

قال انی أشهد الله واشهدوا انی بریء مما تشرکون

اشهاد (مصدر اشهد) به معنای گواه گرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 55 - 6

6- ناتوانی بت ها برای از میان بردن هود (ع) ، علی رغم بیزاری جستن علنی او از آنها ، نشانه حقیقت نداشتن ادعای قوم عاد (ابتلای هود به جنون از ناحیه بت ها)

إن نقول إلاّ اعتراضك بعض الهتنا بسوء .. فکیدونی جميعاً ثم لاتنظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 6 - 4,6

4- بیزاری معبود های باطل در قیامت ، از پرستش عبادت گران خود

و كانوا بعبادتهم كفرين

ضمير «كانوا» به معبودها و ضمير «بعبادتهم» به عبادت گران مشرک باز می گردد.

6- اظهار دشمنی و بیزاری مشرکان ، نسبت به معبود های دروغین خود در قیامت *

كانوا لهم أعداء و كانوا بعبادتهم كفرين

فاعل «كانوا»، ضمیری است که ممکن است به «الناس» برگردد و مرجع ضمیر «هم» نیز ممکن است معبودهای مشرکان باشد که در آیه قبل، به عنوان معبودهای غیر الهی از آنها یاد شده است. بر اساس این دو احتمال، نکته یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 2 - 5

5 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور ابلاغ تباین معبود خود با معبود های مشرکان و تصریح به ناهماهنگی کامل ، بین شرک و توحید

قل . . لا أعبد ما تعبدون

ص: 93

111- تبری معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 82 - 2

2- معبود های مشرکان در قیامت ، بطلان و بیهودگی عبادت های مشرکان را برملا کرده و از آن براءت خواهند جست .

سیکفرون بعبادتهم و یکنونون علیهم ضدًا

در مورد ضمیرهای موجود در آیه، احتمالاتی ذکر شده است؛ از جمله آن که ضمیر «یکفرون» و «یکنونون» به «ءالهه» باز می گردد و ضمیر «بعبادتهم» و «علیهم» به مشرکان. برداشت یاد شده مبتنی بر این وجه است. گفتنی است که «کفر» در معانی مختلفی از جمله انکار و براءت استعمال شده است (لسان العرب). در این آیه نیز به قرینه «و یکنونون علیهم ضدًا» به معنای براءت جستن و سلب مسؤولیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 18 - 4,5

4 - معبود های مشرکان در قیامت ، خود را از داشتن هر گونه نقشی در گمراهی مشرکان ، تبرئه کرده و آن را تکذیب خواهند کرد .

ءأنتم أضللتم عبادی .. قالوا سبحنک ما کان ینبغی لنا أن نتخذ من دونک من أولیاء

5 - اظهار شگفتی و اعلام انزجار معبود های مشرکان در قیامت ، از معبود قرار گرفتن خودشان از سوی مشرکان و یا نقش داشتن آنان در گمراهی دیگران

فیقول ءأنتم أضللتم عبادی هولاء .. قالوا سبحنک

جمله «سبحانک» و یا «سبحان الله» در دو مورد به کار می رود: 1- آن گاه که سخن شگفت آوری شنیده شود و شنونده بخواهد اظهار شگفتی کند. 2- آن گاه که سخنی بسیار زشت و ناروایی شنیده شود و شنونده بخواهد از آن اعلان براءت و اظهار انزجار کند و واکنش منفی از خود نشان دهد (برگرفته از لسان العرب).

112- تبعیت از قدرت باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 166 - 6

6 - پیروی از قدرت های باطل در مقابل فرمان های خدا شرک است . *

و من الناس من یتخذ من دون الله أنداداً یحبونهم .. إذ تبرأ الذین اتبعوا

113- تبلیغ شکست باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 81 - 8

8- تبلیغ و اعلان ناپایداری و شکست پذیری جریان باطل ، روشی برای بازداشتن مردم از روی کرد به باطل و تلاشی جهت مبارزه با آن

و قل جاء الحقّ و زهق البطل إن البطل كان زهوقاً

تعلیل شکست قطعی باطل، به اینکه ماهیت باطل شکست پذیر است، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

114- تبیین حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 33 - 5

5 - تعالیم دین و قرآن ، حاوی بهترین راه کشف حقیقت و تفسیر درست جریان حق و باطل

إلاّ جنك بالحقّ و أحسن تفسیراً

115- تبیین حقیقت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 27 - 9

9 - مشرکان ، ناتوان از ارائه تصویری درست و قابل قبول از حقیقت و جایگاه خدایان ادعایی خود

قل أرونی الذین ألحقتم به شركاء کلاً بل هو اللّٰه

از این که جوابی از سوی مشرکان نقل نشده و خود خداوند زعم و پندار آنان را رد کرده است، به دست می آید که آنان به خوبی می دانستند که حقیقت خدایان ادعایی شان قابل ارائه نیست.

116- تبیین عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 7

7- زیر سؤال بردن اندیشه ها و باور های باطل و بیان ضعف ها و نقص های آنها ، روش هدایتی و تبلیغی قرآن

و اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَّا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَ هُمْ يُخْلَقُونَ . . . وَ لَّا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَ لَّا حَيَاةً

جمله «و اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً . . .» هر چند به صورت خبریه است، ولی مقصود از آن اخبار نیست؛ زیرا همگان به مضمون آن آگاه بودند؛ بلکه مقصود زیر سؤال بردن عقاید مشرکان و بیان ضعف های فکری آنان و اظهار شگفتی از چنین باورهایی است.

ص: 95

117- تحقیر عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 96 - 5

5 - شکستن اَبَهِت و تقدس عقاید باطل و خرافی ، نخستین گام در مبارزه با آن عقاید

فقال ألا تأكلون . . . فراغ عليهم ضرباً باليمين ... و الله خلقكم و ما تعملون

118- تحمیل باطل بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 17 - 11

11- باطل بر محور حق خودنمایی کرده و بر آن تحمیل می شود .

فاحتمل السيل زبداً رابياً

119- ترس از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 81 - 1

1 - نترسیدن از پیامد شرک به خدای یگانه و در هراس بودن از شریکان موهوم او، کاری شگفت و نابخردانه است.

و كيف أخاف ما أشركتم و لاتخافون أنكم أشركتم بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 51 - 9

9- معتقدان به خدایان متعدد (مشرکان) ، از معبود های خویش هراسان بودند .

لاتتخذوا إلهين اثنين . . . فإيـى فارهبون

«فا» در «فإيای» جواب شرط مقدر است و آوردن آن بر سر مفعول مقدم - که مفید حصر است - می تواند حکایت از نکته یاد شده بکند.

120- ترس معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 96

9- معبود های مشرکان ، خود ترسان از عذاب خدا و امیدوار به رحمت او هستند .

یرجون رحمته و یخافون عذابه

121- ترک عبادت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 71 - 2

2- نپرستیدن معبودهای واهی هیچ زیان واقعی در پی ندارد.

أندعوا من دون الله ما لا ینفعنا و لا یضرنا

این برداشت بر این اساس است که جمله شرطیه «إن دعوناهم» پس از «لا ینفعنا»، و «إن ترکنا دعوتهم» پس از «لا یضرنا» به قرینه صدر آیه منظور شده باشد.

122- تزیین باطل شاعران گمراه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 225 - 2

2- توسن سرگشته کلام شاعران خیال پرداز ، رها شده در هر وادی بی حاصل

ألم تر أنهم فی کلّ واد یهیمون

مقصود از برداشت یاد شده این است که شاعران گزافه گوی و بی ملاک، در هر زمینه ای بی تأمل شعر می ساریند؛ زیبا را زشت و زشت را زیبا می کنند؛ حق را باطل و باطل را حق جلوه می دهند و ...

123- تزیین عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 25 - 5

5- زیبا جلوه دادن اعمال زشت و باور های نادرست ، شیوه اغواگران و رهزنان ایمان مردم

فزینوا لهم ما بین ایدیههم و ما خلفهم

124- تشبیه باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 97

7- حق در تشبیه مانند باران و سیلاب است و باطل همسان کف های پف کرده بر روی آن

أنزل من السماء ماء فسالت أودية بقدرها فاحتمل السيل زبداً رابياً . . . كذلك يضرب ا

8- حق در تشبیه همانند فلزات گداخته شده و ذوب گشته است و باطل بسان کف های ایجاد شده بر روی آن

و مما يوقدون عليه في النار . . . زيد مثله كذلك يضرب الله الحق و البطل

22- همانندی حق با آب فرود آمده از آسمان و نیز با فلزات ذوب شده و همسانی باطل با کف سیلاب ها و کف فلزات ذوب شده ، از ضرب المثل های قرآن است .

كذلك يضرب الله الحق و البطل . . . كذلك يضرب الله الأمثال

125- تشبیه درخواست از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 14 - 6

6- مثل درخواست کننده از خدایان دروغین مثل تشنه ای است که از راه دور دستان خود را به طرف آب دراز می کند تا آب ، خود به کام او برسد که هرگز چنین نمی شود .

إلّا كبسط كفيه إلى الماء ليبلغ فاه و ما هو بيلغه

برخی عبارت «إلّا كبسط» را استثنا از استجابت گرفته اند و گفته اند تقدیر کلام چنین است: «لايستجيبون بشيء من الأستجابة إلّا استجابة كإستجابة الماء لبسط كفيه إلى الماء». و برخی آن را استثنا از «الذين يدعون» دانسته اند و گفته اند تقدیر کلام چنین می شود: «الذين يدعون من دونه ليسوا إلّا كبسط كفيه إلى الماء». قابل ذکر است که ضمیر در «ليبلغ» به «الماء» و ضمیر در «فاه» (دهانش) به «بسط» برمی گردد. و ضمیر «هو» به «الماء» و ضمیر در «ببالغه» به «فاه» ارجاع می شود.

126- تشبیه معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 28 - 1

1 - معبودان باطل و جعلی ، در مقایسه با خداوند ، همانند بردگان زرخرید در برابر مالک خویش اند .

هل لكم من ما ملكت أيمانكم من شركاء في ما رزقنكم فأنتم فيه سواء

مثلی که در آیه آورده شده است، به قرینه آیات سابق - که درباره اثبات خداوند و وحدانیت بود - برای نفی معبودانی است که مشرکان، آنان را در برابر خداوند، انتخاب کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 75 - 3

3 - معبود های ادعایی به روز رستاخیز ، در حالی که همچون سپاه آماده به خدمت برای مشرکان اند ، از هرگونه یاری رسانی به

ص: 98

آنان ناتوان خواهند بود .

لايستطيعون نصرهم و هم لهم جند محضرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که ضمیر «هم» به معبودها و ضمیر «لهم» به مشرکان بازگردد و این جمله حال برای ضمیر غایبی در «لايستطيعون» باشد. بر این اساس، این ترکیب از باب مبالغه آمده است؛ زیرا متمرکز کردن تمامی نیروها در قالب یک سپاه آماده به خدمت و در عین حال ناتوان بودن از یاری رسانی، نشان دهنده اوج ناتوانی معبودها می باشد. گفتنی است بر اساس این نظر، آیه شریفه ناظر به روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 29 - 5

5 - شباهت خدایان ادعایی شرک پیشگان ، به شریکان ناسازگار و سخت گیر

ضرب الله مثلاً رجلاً فیه شرکاء متشکسون

127- تشخیص باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 29 - 2،3

2 - رعایت تقوا و ترس از خداوند ، موجب بهره مند شدن از بصیرتی ویژه و خدادادی برای شناخت حق و باطل

يأيها الذين ءامنوا إن تتقوا الله يجعل لكم فرقانا

نکره آمدن کلمه «فرقانا» حکایت از آن دارد که این بصیرت خدادادی بصیرتی ویژه و غیر از عقل و فطرت و مانند آن است که خداوند به عموم انسانها عطا فرموده است.

3 - انسان های بی تقوا ، محروم از دستیابی به بصیرت ویژه الهی برای تمییز حق و باطل و شناخت حقایق

إن تتقوا الله يجعل لكم فرقانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 41 - 15،16

15 - جنگ بدر ، میدان رویارویی جبهه ایمان و کفر ، صحنه تمایز حق و باطل و ثبوت حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ال در «الفرقان» برای عهد است و اشاره به جنگ بدر دارد. و فرقان یعنی چیزی که به وسیله آن بین دو یا چند چیز تمایز داده می شود. خداوند از آن رو جنگ بدر را فرقان نامید که در آن نبرد، علی رغم وجود شرایط پیروزی برای مشرکان، مسلمانان پیروز شدند و این نشانه ای بود برای حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دین اسلام.

16 - تمایز حق از باطل با امداد های ویژه خداوند در جنگ بدر نمودی از قدرت مطلقه او

یوم الفرقان یوم التقی الجمعان و الله علی کل شیء قدیر

برداشت فوق بر این مبناست که جمله «و الله . . .» ناظر به «یوم الفرقان» بودن جنگ بدر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 48 - 3

3- حضرت موسی و هارون (ع)، از قدرت تشخیص حق و باطل در پرتو لطف خدا برخوردار بودند.

و لقد آتینا موسی و هرون الفرقان

با توجه به معنای لغوی «فرقان» (شیء جدا کننده و متمایز ساز میان حق و باطل) برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 20 - 7

7 - خداوند به داوود (ع)، منطقی نیرومند در شناساندن حق و باطل و نیز توانایی بر فیصله دادن به نزاع ها و خصومت ها اعطا کرد.

و آتیناه .. فصل الخطاب

«فصل» مصدر و به معنای چیزی را از چیز دیگری جدا کردن و نیز فیصله دادن نزاع ها و خصومت ها آمده است. اگر مراد آیه معنای اول باشد، کلمه «خطاب» به معنای سخن بوده و مقصود از «فصل خطاب» سخن جدا کننده حق از باطل و شناساننده صواب از ناصواب خواهد بود. و اگر معنای دوم مراد باشد، واژه «خطاب» به معنای خصومت و نزاع بوده و مقصود از «فصل خطاب» رفع خصومت ها و فیصله دادن به نزاع ها خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 21 - 10

10 - قیامت، «کلمه فصل» الهی و صحنه نهایی جداسازی حق و باطل

الذین یمارون فی الساعه .. و ما له فی الآخره من نصیب ... و لولا کلمه الفصل لقصی

از آن جا که محور این چند آیه، مسأله ایمان به قیامت و محاسبه آن در معادلات رفتاری و اعتقادی است، عنوان «کلمه الفصل» بر این معنا منطبق است؛ یعنی، اگر قیامتی نبود می بایست دنیامداران در همین دنیا به کیفر کفرشان می رسیدند؛ ولی چون قیامت هست، عذاب دردناک آنان به آخرت وانهاده شده است.

128- تشخیص حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 68 - 8

8 - جامعه داستان پرداز و افسانه گرا، دارای ذهنیتی ناتوان و مغشوش در تشخیص حق و باطل

إن هذا إلا أسطير الأولین

کافران عقیده به معاد را «أسطوره» می پنداشتند و این پندار نشانگر رواج افسانه ها در میان جوامع پیشین و ذهنیت مغشوش است که در نتیجه شیوع خرافات، پدید آمده بود و براساس آن هر سخن تازه ای را حکایتی ساخته و پرداخته افراد تلقی می کردند.

ص: 100

129- تضاد حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 4 - 3

3 - التزام به دو امر حق و باطل ، در یک زمان ، ممکن نیست .

و لا تطع الكفرین . . . و اتبع ما یوحی إليك من ربك ... ما جعل الله لرجل من قلبی

احتمال دارد ذکر «ما جعل الله لرجل . . .» برای تبیین امر لزوم تبعیت از وحی و نهی از اطاعت از کافران و منافقان باشد؛ یعنی، آیه می گوید تبعیت همزمان از تعالیم وحی و خواسته های کافران، قابل جمع نیست؛ چون انسان دارای دو قلب نیست که با یکی، این و با دیگری، آن را قبول کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 24 - 12

12 - راه حق و باطل ، غیرقابل جمع باهم

و اِنَّا اَوْ اِيَّاكُمْ لَعَلٰی هُدٰى اَوْ فِى ضَلٰلٍ مّبِیْنٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 49 - 6

6 - حق و باطل ، باهم قابل جمع نیستند .

قل جاء الحقّ و ما یبدئ البطل و ما یعید

130- تظاهر به عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 76 - 4,5

4 - تظاهر به عقیده ای باطل برای ابطال آن مجاز است.

راء کوکبا قال هذا ربی

5 - اظهار همراهی با عقیده ای باطل و سپس پرداختن به ابطال آن، روشی در تبلیغ و تربیت است.

راء كوكبا قال هذا ربي

با توجه به مجموعه آیات همین سوره، روشن است که ابراهیم(ع) برای احتجاج و ابطال پندارهای قوم خویش به اظهار ستاره پرستی و .. پرداخت. از همین جا بر می آید که چنین کاری مجاز بود و شیوه ای در تبلیغ می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 77 - 5

5 - تظاهر به عقیده ای باطل، برای رد آن مجاز است.

فلما رء القمر بازغا قال هذا ربي

ص: 101

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 78 - 5

5 - تظاهر به عقیده ای باطل برای ابطال آن در مقام مجادله مجاز است.

قال هذا ربي هذا أكبر

131- تعدد راه باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 20 - 4

4 - راه حق و هدایت ، یکی است و راه باطل و گمراهی متعدد و گوناگون .

ولا الظلمت ولا النور

جمع آوردن «ظلمات» و مفرد آوردن «نور»، گویای برداشت یاد شده است.

132- تعدد راههای باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 16 - 11

11 - تعدد راه های گمراهی و باطل ، و یکتایی راه هدایت و حق

و يخرجهم من الظلمت إلى النور

برداشت فوق با توجه به جمع بودن «ظلمات» و مفرد بودن «نور» استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 18

18 - راه حق یکی است و بیراهه های باطل متعدد است .

أم هل تستوی الظلمت والنور

جمع آوردن «ظلمات» و در مقابل مفرد آوردن «نور» گویای برداشت فوق است.

133- تعدد معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 8

ص: 102

8- مشرکان ، معبود ها و خدایان متعددی برای خود داشتند .

و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئاً و هم یخلقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 21 - 5

5- مشرکان ، خدایان متعددی برای خود داشته اند .

أموت غیر أحياء و ما یشعرون أیّان یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 21 - 2

2- مشرکان در عصر بعثت ، چندگانه پرست و معتقد به خدایان و معبود ها متعدد بودند .

أم اتّخذوا ءالهه من الأرض

«آلهه» جمع «إله» به معنای خدایان و معبودها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 2

2- مشرکان ، دارای معبود های متعدد بودند .

و اتّخذوا من دونه ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 42 - 4

4- مشرکان ، به هنگام طلوع خورشید اسلام ، به معبود های متعددی اعتقاد داشتند .

لیضلّنا عن ءالهتنا

«إله» مفرد «آلهه» به معنای معبود است و جمع آمدن آن حاکی است که مشرکان به چند معبود اعتقاد داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - مشرکان ، دارای معبود های متعدد

أئنا لتاركوا الهتنا

«إله» (مفرد «الهه») به معنای معبود است و جمع آمدن آن، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 3 - 11

11 - مشرکان ، دارای معبود های متعدد

أولياء ما نعبدهم

ص: 103

134- تعدد معبودان باطل مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 81 - 1

1- مشرکان عصر بعثت، معبودهایی متعدد را به عنوان «الهه» می پرستیدند.

واتخذوا من دون الله ءالهه

135- تقرب معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 42 - 8

8- در صورت وجود معبودهایی جز خدای صاحب عرش در عالم، همه آنها در جست و جوی راهی برای قرب به خداوند و بندگی در برابر او خواهند بود.

لو كان معه . . . إذا لابتغوا إلى ذی العرش سبيلاً

برداشت فوق، بر این اساس است که مقصود از راه یابی به خداوند، درگیری و نزاع نباشد؛ بلکه مقصود، راه تقرب به او باشد. آیه 44 که می فرماید: «همه موجودات و پدیده های جهان هستی، تسبیح گوی خداوندند، ولی شما درک نمی کنید» نیز قرینه بر این نکته است.

136- تقلید از پیروان عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 139 - 2

2 - تقلید از پیروان آیین فاسد و انجام دهندگان اعمال بی نتیجه نشانه جهل و نابخردی است.

إنکم قوم تجهلون. إن هؤلاء متبر ما هم فیه

جمله «إن هؤلاء» به منزله تعلیلی برای «إنکم قوم تجهلون» است. یعنی شما به این دلیل مردمی نابخرد هستید که خواهان پیروی از آیین فاسد می باشید.

137- تکبر رهبران باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

37- پندار مزیت های بی جا برای خود و ناهنجار دیدن سیمای بی نوایان ، از ویژگی های رهبران نالایق و مایه بی ارزشی رهنمود های آنان است .

و لاتطع من . . . کان أمره فرطًا

138- تکذیب اخروی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 25 - 12

12 - قوم ابراهیم ، در قیامت ، معبودان خود را مورد انکار و کفر قرار می دهند .

ثمّ يوم القيمة يكفر بعضكم ببعض

برداشت بالا- بنابراین اساس است که «یکفر» به همان معنای رایج اش بوده و مفعول آن «ببعض» باشد که مراد از آن معبودان مشرکان است.

139- تکذیب عبادت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 74 - 3

3 - مشرکان حق ناپذیر و ستیزه جو ، از سرِ ناچاری و اضطراب به انکار عبادت کردن معبود های ادعایی خویش می پردازند .

بل لم نكن ندعوا من قبل شيئًا

140- تکذیب معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 13 - 7

7 - مشرکان ، در قیامت ، الوهیت معبودان خویش را انکار می کنند .

و لم يكن لهم من شركائهم شفعاؤا و كانوا بشركائهم كفرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 84 - 2

2 - اقوام قدرتمند محکوم شده به عذاب استیصال ، هنگام مشاهده آثار فرود آن ، توبه کنان به خدای یکتا ایمان آورده و به انکار معبود های ادعایی خویش می پرداختند .

فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَحَدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ

ص: 105

141- تکذیبهای معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 86 - 6

6- ادعای مشرکان در قیامت مبنی بر شریک بودن معبودها برای خدا، از سوی خود معبودها تکذیب خواهد شد.

فَأَلْقُوا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ

شکوائیه مشرکان از معبودهایشان در قیامت (قالوا هؤلاء... ..)، ممکن است به این خاطر باشد که آنان معبودها را عامل گمراهی خود قلمداد می کنند. از این رو تکذیب معبودها می تواند مربوط به همین ادعا باشد.

142- تلاش معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 57 - 1

1- معبودهای مشرکان، خود در جست و جوی وسیله و راهی برای تقرب بیشتر به خدا هستند.

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ

مشارالیه «أُولَئِكَ»، «الذين زعمتم» در آیه قبل است که مقصود از آن معبودهای مشرکان می باشد.

143- نمایلات باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 50 - 5

5- امیال و خواسته های انسان دو گونه است: برخی موافق با حق و هدایت الهی و برخی مخالف با آنها.

و من أضلّ ممّن اتّبع هویه

ضمیر «بغیر هدای من الله» به اصطلاح می تواند احترازی باشد؛ یعنی، آن دسته از هواپرستان گمراه اند که خواسته های آنان برخلاف هدایت الهی باشد؛ وگرنه گمراه نخواهند بود؛ زیرا برخی از خواهش های نفسانی مطابق با هدایت است.

144- تمیز حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- قیامت ، روز داوری و تمیز حق از باطل و سره از ناسره

ص: 106

إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

145- تمییز باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 57 - 19

19 - شناخت دقیق مرزهای حق و باطل، مقدمه ضروری برای حرکت در مسیر حق

يقص الحق وهو خير الفصلين

146- تمییز حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 2 - 5

5 - انسان ، موجودی انتخاب گر و توانا بر تشخیص حق از باطل و پیمودن راه آن

فمنكم كافر و منكم مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 1 - 6

6 - جن ، دارای شعور و قدرت شنوایی و آشنا به زبان انسان ها و تشخیص دهنده حق از باطل در معارف الهی و دینی

استمع نفر من الجن فقالوا إنا سمعنا قرءاناً عجباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 13 - 7

7 - جن ، دارای قدرت شنوایی و تشخیص حق از باطل در معارف الهی

و آتانا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى ءَامَنَّا بِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 38 - 1,2

1 - قیامت ، روز جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل است .

هذا یوم الفصل

«فصل» به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود (قاموس المحيط). روز قیامت، از این رو «یوم الفصل» نامیده شده که در آن روز، میان خلاق جدایی خواهد افتاد و حق از باطل تمیز داده شده و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

ص: 107

2 - جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

هذا يوم الفصل

توصیف روز قیامت به «یوم الفصل» در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 17 - 2

2 - متمایز شدن حق از باطل ، فلسفه برپایی قیامت

يوم الفصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 13 - 4، 2، 1

1 - قرآن ، کلامی است که حق و باطل را به طور کامل متمایز می سازد .

إنه لقول فصل

از سیاق مطالب به دست می آید که مرجع ضمیر «إنه» قرآن است. «فصل»؛ یعنی، جدا ساختن دو چیز از یکدیگر، به گونه ای که بین آن دو فاصله افتد (مفردات راغب). تعبیر «فصل» - که مصدر است - در معنای فاصل، مبالغه آمیز است و بر کمال جدایی دلالت دارد. برخی گفته اند: مراد از ضمیر در «إنه»، گفته های خداوند درباره معاد است که آیات پیش گویای آن بود. در این احتمال نیز «قول فصل» بودن آن آیات، به اعتبار قرآن بودن آنها است.

2 - خداوند ، با سوگند به آسمان و زمین ، بر فارق بودن قرآن بین حق و باطل ، تأکید ورزیده است .

و السماء .. و الأرض ... إنه لقول فصل

4 - « [فی مجمع البیان فی قوله تعالی] « إنه لقول فصل » یعنی إن القرآن يفصل بين الحقّ و الباطل بالبیان عن کلّ واحد منهما و روی ذلك عن الصادق (ع) ؛

[در مجمع البیان در تفسیر قول خدای تعالی] «إنه لقول فصل» [آمده است]: یعنی قرآن با بیان حقّ و باطل، آن دو را از یکدیگر جدا می سازد و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 4 - 2

2- پرنندگان حملهور به اصحاب فیل، دارای شعور و قدرت تمییز بین نیروهای حق و باطل *

ترمیهم بحجاره من سجیل

انتخاب سپاه ابرهه از بین مردمی که در آن منطقه حضور داشتند، بیانگر قدرت تشخیص پرنندگان است.

147- نفر از عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 26 - 3

ص: 108

3- عقیده حق ، دلپذیر و مطابق طبع آدمی بوده و عقیده باطل منفور است .

مثلاً کلمه طیبه کسجهره طیبه . . . و مثل کلمه خبیثه کسجهره خبیثه

«طیب» در لغت به چیزی معنا شده است که مطابق طبع و میل آدمی می باشد و «خبث» چیزی است که مورد کراهت و نفرت می باشد. برداشت فوق، با توجه به معنای یاد شده، بنابر احتمالی است که مراد از «کلمه طیبه» عقیده حق و «کلمه خبیث» عقیده باطل باشد.

148- تنهایی اخروی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 95 - 3,4

3- معبود های باطل (فرزند پنداشته شدگان خداوند) و پرستندگان آنها ، همه یکه و تنها در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

دعوا للرحمن ولدًا .. و کلّهم آتیه یوم القیمه فردًا

«کلّهم» شامل تمامی موجودات ذی شعور آفرینش (من فی السموات والأرض) می گردد و از جمله آنها کسانی اند که برخی از مردم; آنان را فرزند خدا می پنداشتند (مانند: ملانکه، حضرت عیسی و عزیر(ع)).

4- تنهایی و بی کسی موجودات شعورمند آفرینش (معبود های پنداری و عبادت کنندگان آنها) در صحنه قیامت ، تجلی مملوکیت همه آنها در برابر خداوند است .

إلّا آتی الرحمن عبداً. .. و کلّهم آتیه یوم القیمه فردًا

149- توقع از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 56 - 7

7- مشرکان ، از خدایان خویش توقع داشتند مشکلات و گرفتاری های آنان را حل کرده و یا آن را به خوشی تبدیل کنند .

ادعوا الذین زعمتم من دونه فلا یملکون کشف الضرّ عنکم و لا تحویلاً

150- جادوگران و حکومت های باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 113 - 6

6 - خدمت فن سحر و ساحران به حکومت های باطل

و جاء السحره فرعون

ص: 109

151- جدایی حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 59 - 3

3- قیامت ، روز جدایی صف اهل حق و باطل است .

و امتزوا الیوم ایها المجرمون

برداشت فوق از آن جا است که جدا شدن صف مجرمان از مؤمنان به دلیل باطل و حق بودن آن دو صف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 40 - 3

3- قیامت ، روز جدایی حق از باطل و تمایز حق مداران از باطل گرایان

إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

مراد از «فصل»، ممکن است جدا شدن صفوف حق و حق مداران، از باطل و باطل گرایان باشد.

152- جهل معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 21 - 3، 2

2- خدایان مشرکان ، هیچ اطلاعی از زمان وقوع قیامت و رستاخیز خود ندارند .

و ما یشعرون ایان یبعثون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مرجع ضمیر فاعلی در «یشعرون» و «یبعثون» معبودهای باطل باشد که در آیه قبل از آنها سخن به میان آمده است.

3- معبود های مشرکان ، بی اطلاع از زمان رستاخیز پرستش کنندگان خویش

و ما یشعرون ایان یبعثون

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر «یبعثون» پرستشگران اصنام باشد که همان ضمیر فاعلی «یدعون» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 56 - 4

4- معبود های مشرکان ، موجوداتی ناآگاه و بی خبر

و يجعلون لما لا يعلمون نصیباً

احتمال دارد مرجع ضمیر، «یعلمون»، «إلهه» باشد که از «ما» به دست می آید. بنابراین، جمله «لا يعلمون» در بیان توصیف «ما» است.

ص: 110

153- حتمیت زوال باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 81 - 1

1- فرمان خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای اعلام غلبه حتمی حق و اضمحلال قطعی باطل ، به مشرکان مکه

و قل جاء الحقّ و زهق البطل

154- حتمیت شکست باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 21 - 2

2- غلبه حق بر باطل ، قانون مکتوب الهی است .

كتب الله لأغلبنّ أنا ورسلي

155- حتمیت ورود معبودان باطل به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 98 - 4

4- ورود همه مشرکان و معبودهایشان به جهنم ، حتمی است .

إنّکم و ماتعبدون من دون الله حصب جهنّم أنتم لها وردون

جمله «أنتم لها واردون» تأکید برای جمله «إنّکم و ماتعبدون...» است.

156- حسابرسی از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 23 - 5

5- خدایان پنداری مشرکان (مقربان و فرشتگان) خود مورد محاسبه و بازخواست قرار خواهند گرفت .

لايسل عمّا يفعل و هم يسلون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که ضمیر «هم» به «من عنده» بازگردد؛ که از آنان به مقربان درگاه الهی و مصداق بارز آن «فرشتگان»
تعبیر می شود.

ص: 111

157- حشر معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 28 - 5

5 - حشر مشرکان در قیامت ، به همراه معبود های مورد پرستش آنان خواهد بود .

ثم نقول للذین أشركوا مکانکم انتم و شرکاؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 17 - 1

1 - در روز قیامت ، مشرکان به همراه معبود های خویش ، محشور خواهند شد .

و یوم یحشرهم و ما یعبدون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 22 - 1

1 - گرد آمدن مشرکان ستم پیشه و هم فکران و معبود های آنان ، در عرصه قیامت به فرمان خداوند

احشروا الذین ظلموا و أزوجهم و ما كانوا یعبدون

«ازواج» می تواند به معنای «اقران» (هم نشینان و هم فکران) باشد و نیز می تواند جمع «زوج» (به معنای همسر) باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 6 - 3

3- حشر تمامی انسان ها و نیز معبود های دروغین مشرکان ، در قیامت

یدعوا من دون الله ... و إذا حشر الناس كانوا لهم أعداء

از عبارت «كانوا لهم أعداء» استفاده می شود که معبودهای مشرکان نیز همانند مردم، محشور می شوند و در آن رویارویی، عداوت ها صورت می گیرد.

158- حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 53 - 4

4 - تورات ، وسیله ای کارآمد برای تشخیص حق از باطل

و إذ آتینا موسى الكتب والفرقان

«فرقان»؛ یعنی، وسیله تمییز و تشخیص و مراد از آن - به مناسبت مورد - چیزی است که بتوان به وسیله آن، حق را از باطل در

ص: 112

محدوده احکام و معارف الهی، متمایز ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 81 - 12

12 - شکست نهایی در جنگ بین حق و باطل، سرنوشت محتوم حق ستیزان و باطل مداران مفسد است.

إن الله سيبطله إن الله لا يصلح عمل المفسدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 51 - 15

15 - باطل نمی تواند برای همیشه پوشاننده حق باشد.

الئن حصحص الحق أنا رودته عن نفسه

159 - حقیقت باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 81 - 5

5 - اضمحلال و ناپایداری، نهفته در متن طبیعت و ماهیت باطل

إن البطل كان زهوقاً

160 - حقیقت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 194 - 1,3,5

1 - معبودان دروغین، موجوداتی همسان با نیایشگران آن معبودها

إن الذين تدعون من دون الله عباد أمثالكم

3 - همگان، چه معبودان و چه پرستش کنندگان، بنده خدا و مملوک او هستند.

إن الذين تدعون من دون الله عباد أمثالكم

«عباد»، جمع «عبد»، و به معنای بندگان و مملوکان است.

5 - توجه دادن اهل شرک به همسانی آنان با معبودانشان در ناتوانی و نیازمندی، زمینه ساز باور آنان به بطلان شرک و شایسته نبودن معبودان برای پرستش

إن الذين تدعون من دون الله عباد أمثالكم

ص: 113

161- حکومت باطل و علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 113 - 5

5 - بهره گیری حکومت های باطل از عالمان ، برای مقابله با حق

و جاء السحرة فرعون

162- حمایت از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 27 - 5

5- مشرکان ، از معبود های ادعایی خویش به سختی دفاع کرده و با یکتاپرستان درباره آنها به منازعه می پرداختند .

این شرکاءى الذين كنتم تشقون فيهم

«تشافون» (از مصدر شقاق) به معنای مخالفت است به گونه ای که شخصی در یک طرف و شخص دیگری در طرف دیگر باشد. فعل «تشافون» از باب مفاعله است که برای فعلهای دو جانبه استفاده می شود و به قرینه مقام طرف درگیر با مشرکان، کسانی اند که معتقد به خدای واحد بودند و از آنها به موحدان تعبیر شده است.

163- خالق معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 25

25- خداوند آفریننده چیزهایی که اهل شرک آنها را معبود ها و خدایان خویش پنداشته اند .

أم جعلوا لله شركاء .. قل الله خلق كل شيء

از مصداقهای مورد نظر برای «شیء» معبودهای اهل شرک است.

164- خدا و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 114 - 3

3 - خداوند ، حق محض است و هیچ باطلی در او راه ندارد .

فتعلی الله الملك الحقّ

«حقّ» نقطه مقابل باطل است (لسان العرب).

ص: 114

165- درخواست از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 193 - 5

5- درخواست کردن از معبودان دروغین برای درخواست کننده بی ثمر و بابل فرو بستن از درخواست مساوی است .

سواء علیکم ادعوتموهم أم أنتم صمتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 22 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور فراخوان مشرکان به آزمودن ناتوانی خدایانشان از طریق دعای خود

قل ادعوا الذین زعمتم من دون الله لایملکون مثقال ذرّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 14 - 2

2- دعا و درخواست مشرکان از معبود های خویش

و الذین تدعون من دونه . . . إن تدعوهم لایسمعوا دعاءکم

166- درخواست تبیین حقیقت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 27 - 3

3- درخواست پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مشرکان ، برای نمایاندن هویت و جایگاه خدایانشان به او ، جهت ارزیابی حقانیت آنان

قل أرونی الذین ألحقتم به شرکاء

167- درخواست معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 43 - 1

1 - معبود های ادعایی مشرکان - نه در دنیا و نه در آخرت - هرگز برای انسان ها پیامی نداشته ، آنان را به عبادت خویش فرا نخوانده اند .

لاجرم أنما تدعونني إليه ليس له دعوة في الدنيا ولا في الآخرة

مقصود از «دعوت» معبودهای ادعایی در آیه شریفه، دو چیز می تواند باشد: 1- داشتن پیام برای انسان ها و فراخواندن به عبادت

ص: 115

خود؛ 2- استجاب دعوت و یا دعای مستجاب شده؛ یعنی، به تقدیر کلمه ای باشد مانند: «استجابه دعوه او دعوه مستجاب» . برداشت یادشده مبتنی بر معنای نخست است.

168- دشمنان اخروی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 82 - 8

8- مشرکان در قیامت ، پرستش و بندگی معبود های ساختگی را انکار کرده و با آنها به ستیز و دشمنی خواهند پرداخت .

سیکفرون بعبادتهم و یکنونون علیهم ضدًا

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر «یکفرون» و «یکونون» مشرکان و مرجع ضمیر «بعبادتهم» و «علیهم» الهه دانسته شده و کفر نیز به معنای انکار گرفته شده است.

169- دشمنی اخروی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 82 - 3

3- معبود های مشرکان در قیامت ، به ستیز و دشمنی با پرستشگران خود خواهند پرداخت .

و یکنونون علیهم ضدًا

170- دشمنی با معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 82 - 9

9- قرآن پیشاپیش از سرخوردگی سریع مشرکان و ناکامی آنان در رسیدن به آرزوی عزّت و ثروت ، و ضدیت آنان با معبود های موهوم خویش ، خبر داده است .

سیکفرون بعبادتهم و یکنونون علیهم ضدًا

قرینه ای وجود ندارد که موجب انصراف آیه به وضعیت قیامت مشرکان باشد؛ بنابراین بعید نیست مراد آیه، اخبار از آینده نزدیک مشرکان مکه و روگردانی آنان از شرک و بت پرستی باشد. در این برداشت، ضمیر فاعلی «سیکفرون» و «یکونون» به مشرکان بازگشت داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 6 - 6

ص: 116

6- اظهار دشمنی و بیزاری مشرکان ، نسبت به معبود های دروغین خود در قیامت *

كانوا لهم أعداء و كانوا بعبادتهم كافرين

فاعل «كانوا»، ضمیری است که ممکن است به «الناس» برگردد و مرجع ضمیر «هم» نیز ممکن است معبودهای مشرکان باشد که در آیه قبل، به عنوان معبودهای غیر الهی از آنها یاد شده است. بر اساس این دو احتمال، نکته یاد شده استفاده می شود.

171- دشمنی حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 89 - 28

28 - وانهادن داوری نهایی به خداوند برای فیصله دادن به خصومت های طرفداران حق و باطل ، مصداقی از توکل بر اوست .

على الله توكلنا ربنا افتح بيننا و بين قومنا بالحق

172- دشمنی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 83 - 9

9- تحریک کافران از سوی شیاطین و گمراهی فزون تر آنان ، نشانه ای روشن از سودمند نبودن معبود ها و ضدیتشان با پرستشگران خویش

و یكونون علیهم ضداً . ألم تر أننا أرسلنا الشیطين

استفهام در «آلم تر» برای استشهاد و تأیید محتوای آیه قبل است و دلالت بر واضح بودن شاهد دارد به گونه ای که ندیدن و توجه نکردن به آن تعجب دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 86 - 3

3- رانده شدن ذلیلانه مشرکان به سوی دوزخ ، نمودی از بی ثمر بودن شرک و ضدیت معبودهایشان با آنهاست .

و یكونون علیهم ضداً . . . یوم نحشر ... و نسوق المجرمین

در آیات پیشین، سخن از بی ثمر بودن پرستش های شرک آلود مشرکان و تأثیر منفی آن بر فرجام اخروی آنان بود؛ در این آیه نیز می تواند بیان مصداقی از همان معنا باشد؛ خصوصاً اگر «یوم» در «یوم نحشر» متعلق به «یکونون» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 6 - 1

1- موجودات مورد پرستش مشرکان ، دشمن ایشان در صحنه رستاخیز

وإذا حشر الناس كانوا لهم أعداء

ص: 117

173- دشنام به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 108 - 22

22 - عن أبي عبدالله(ع): .. كان المؤمنون يسبون ما يعبد المشركون من دون الله و كان المشركون يسبون ما يعبد المؤمنون فنهى الله المؤمنين عن سب آلهتهم لكي لايسب الكفار إله المؤمنين ... فقال: «و لا تسبوا الذين يدعون من دون الله فيسبوا الله عدوا بغير علم».

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. مؤمنان، معبودهای غیر خدا را که مورد پرستش مشرکان بود، دشنام می دادند و مشرکان نیز معبود مؤمنان را ناسزا می گفتند، پس خداوند مؤمنان را از دشنام دادن به معبودهای مشرکان نهی فرمود، تا کفار نیز معبود مؤمنان را دشنام ندهند و آیه فوق را در این مورد نازل کرد.

174- دلایل بطلان معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 40 - 8

8 - توجه نکردن به معبودی غیر از خدا به هنگام مشکلات، دلیل پوچی تمامی معبودهای دروغین

قل أرءیتکم .. إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 22 - 6

6 - عدم توانایی بر پاسخ گویی به خواسته های مشرکان ، دلیل بطلان خدایان ادعایی آنان است .

قل ادعوا الذین زعمتم من دون الله لایملکون مثقال ذرّه

175- دلایل پوچی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 62 - 4

4 - گردش شب و روز در سایه تدبیر خدا ، آیتی روشن بر بطلان مرام شرک و پوچی خدایان دیگر

بأنّ الله یولج الیل فی النهار .. وأنّ ما یدعون من دونه هو البطل

176- دلایل عجز معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 109 - 4

4- مطالعه در تاریخ اقوام مشرک و توجه به فرجام شوم آنان ، راهی برای پی بردن به بطلان شرک و نبود توان و نیرو در معبود های ساختگی است .

فلاتک فی مریه مما یعبد هؤلاء

177- رازقیت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 56 - 12، 13

12- دخیل دانستن معبود های باطل در امر روزی رسانی به بندگان ، افتزایی بیش نیست .

و یجعلون لما لایعلمون نصیباً ممّا رزقنهم تالله لتسئلنّ عمّا کنتم تقفرون

ممکن است متعلق «تقفرون»، «جعل نصیب» برای معبودهای باطل از سوی مشرکان باشد و مراد از سهم قرار دادن برای معبودها، دخیل دانستن آنها در امر روزی رسانی است.

13- افترا بستن به خدا (مبنی بر شریک داشتن خداوند در امر روزی) کار دائمی معتقدان به شرک ربوبی

برّیهم یشرکون . . . و یجعلون لما لایعلمون نصیباً ممّا رزقنهم . . . کنتم تقفرون

احتمال دارد مراد از «تقفرون» همان نکته ای باشد که در آیه آمده است و آن دخالت دادن و سهیم دانستن معبودها و یا اسباب و عوامل در امر روزی دهی و یا نجات است.

178- رد الوهیت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 23 - 5

5- عجز و ناتوانی مشرکان ، از ارائه هرگونه دلیل و سند الهی ، بر خداوندگاری معبود های خویش

ما أنزل الله بها من سلطان

«سلطان»، به معنای حجت و دلیل است.

179- رد خالقیت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 56 - 10

ص: 119

10- خالق نبودن بت ها و معبود های مشرکان ، دلیل ناشایستگی آنها برای عبادت و تقدیس انسان ها

ما هذه التماثيل . . . قال ربكم رب السموت والأرض الذى فطرهنّ

حضرت ابراهیم(ع)، برای ابطال عقیده مشرکان و بت پرستان و اثبات توحید ربوبی برای خداوند، به خالقیت او تمسک کرد. نکته یاد شده بیانگر این حقیقت است که تنها خالق جهان، شایسته تقدیس و عبادت است، نه چیز دیگر.

180- رد شفاعت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 23 - 11

11 - ناتوانی معبود ها از شفاعت کردن به پیشگاه خداوند و نجات دادن پرستندگان خویش به هنگام گرفتاری ، دلیل ناشایستگی آنها برای پرستش

ءالـهه إن یردن الرحمن بضرّ لاتغن عنّی شفعتهم شیئاً و لاینقذون

برداشت یاد شده به جهت این نکته است که جمله «إن یردن الرحمن...» در مقام تعلیل برای جمله «ءأتخذ من دونه» می باشد.

181- رد عبادت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 40 - 5

5- خداوند ، هیچ رخصتی برای پرستش معبود های اهل شرک نداده است .

ما أنزل الله بها من سلطان

برداشت فوق، ناظر به این مطلب است که مراد از «سلطاناً»، حجت و دلیل نقلی باشد.

182- رد قداست معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 56 - 10

10- خالق نبودن بت ها و معبود های مشرکان ، دلیل ناشایستگی آنها برای عبادت و تقدیس انسان ها

ما هذه التماثيل . . . قال ربكم رب السموت والأرض الذى فطرهنّ

حضرت ابراهیم(ع)، برای ابطال عقیده مشرکان و بت پرستان و اثبات توحید ربوبی برای خداوند، به خالقیت او تمسک کرد. نکته یاد شده بیانگر این حقیقت است که تنها خالق جهان، شایسته تقدیس و عبادت است، نه چیز دیگر.

ص: 120

183- رد معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 2 - 1

1 - رد معبود های کافران و امتناع از عبادت آنها در تمام عمر خویش ، خط مشی ارائه شده از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در گفتوگو با کافران

لا أعبد ما تعبدون

184- روش ابطال عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 76 - 4,5

4 - تظاهر به عقیده ای باطل برای ابطال آن مجاز است.

راء کوکبا قال هذا ربی

5 - اظهار همراهی با عقیده ای باطل و سپس پرداختن به ابطال آن، روشی در تبلیغ و تربیت است.

راء کوکبا قال هذا ربی

با توجه به مجموعه آیات همین سوره، روشن است که ابراهیم(ع) برای احتجاج و ابطال پندارهای قوم خویش به اظهار ستاره پرستی و .. پرداخت. از همین جا برمی آید که چنین کاری مجاز بود و شیوه ای در تبلیغ می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 77 - 2,5

2 - ابراهیم(ع) در مقام مجادله با تظاهر به ماه پرستی به ابطال آن پرداخت.

فلما رء القمر بازغا قال هذا ربی فلما أفل

5 - تظاهر به عقیده ای باطل، برای رد آن مجاز است.

فلما رء القمر بازغا قال هذا ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام- 6- 78- 2

2- ابراهیم(ع) در مقام مجادله و برای ابطال عقاید شرک آمیز قوم خویش تظاهر به خورشیدپرستی کرد.

فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربي

185- روش تشخیص باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 121

5- مقایسه بین عقاید حق و باطل ، روشی برای تشخیص حق و رهنمودی کاربردی برای تعیین مسیر حرکت آدمی است .

مثلاً کلمه طیبه کشجره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء .. و مثل کلمه خبیثه

بی شک منظور از تشبیهات در قرآن، و از جمله موارد یاد شده در آیه های فوق، تبیین دقیق آن دسته از معارفی است که فهم آنها مشکل می باشد و فلسفه چنین روشنگری ای نیز، قطعاً ارائه راه روشن برای انسان است.

186- روش مبارزه با باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 81 - 4،8

4- معرفی حق و ارائه ارزش های واقعی ، راه مبارزه با ضد ارزش ها و جریان های باطل

و قل جاء الحقّ و زهق البطل

از تقدم «جاء الحق» می توان استفاده کرد که باطل در پرتو ظهور حق، رنگ می بازد و در صورتی که راه صحیح و حق ارائه نگردد، باطل همچنان میدان دار خواهد بود.

8- تبلیغ و اعلان ناپایداری و شکست پذیری جریان باطل ، روشی برای بازداشتن مردم از روی کرد به باطل و تلاشی جهت مبارزه با آن

و قل جاء الحقّ و زهق البطل إن البطل کان زهوقاً

تعلیل شکست قطعی باطل، به اینکه ماهیت باطل شکست پذیر است، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

187- روش مبارزه با رسوم باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 88 - 6

6- محدود کردن آزادی انسان ها و فروپاشاندن عقاید و رسوم آنان ، باید متکی به دلیل و برهانی روشن باشد .

أصلوتک تأمرک .. قال یقوم أریتم إن کنت علی بیّنه من ربی

188- روش مبارزه با عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- محدود کردن آزادی انسان ها و فروپاشاندن عقاید و رسوم آنان ، باید متکی به دلیل و برهانی روشن باشد .

أصلوتک تأمرک . . قال یقوم أریتم إن کنت علی بیّنه من ربی

ص: 122

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 96 - 6, 5

5 - شکستن آیهت و تقدس عقاید باطل و خرافی ، نخستین گام در مبارزه با آن عقاید

فقال ألا تأكلون . . . فراغ عليهم ضرباً باليمين ... و الله خلقكم و ما تعملون

6 - لزوم همراه کردن منطق و دلیل ، با مبارزه عملی برای نابودی عقاید باطل و خرافی

فراغ عليهم ضرباً باليمين . . . قال أتعبدون

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که ابراهیم(ع) به دو نوع مبارزه علیه شرک دست زد: 1- شکستن بت ها، 2- گفتگوی خردبرانگیز با مشرکان درباره آیین شرک.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 157 - 7

7 - زیر سؤال بردن عقاید باطل و ضد منطق ، روش قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مبارزه با آنها

فاستفتهم الربك البنات و لهم البنون . . . أم لكم سلطان مبين . فأتوا بكتبكم إن كن

189- زمینه باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 49 - 5

5 - با نبود حق ، باطل امکان ظهور و تجلی می یابد .

قل جاء الحق و ما يبدئ البطل و ما يعيد

190- زمینه شکست باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 18 - 5

5- نابودی باطل و اندیشه های نادرست ، در گرو حضور اهل حق در میدان مبارزه با باطل است .

«باء» در «بالحقّ» برای استعانت است. براین اساس معنای آیه چنین می شود: «ما به کمک حق بر باطل می کوییم و نابودش می سازیم». این معنا می رساند که حق باید در صحنه کارزار با باطل، حضور داشته باشد تا به وسیله آن بتوان باطل و اندیشه های نادرست را نابود کرد. گفتنی است خداوند نابود ساختن باطل را به خود نسبت نداده؛ بلکه حق را نابود کننده باطل دانسته است (فیدمغه)، این نکته مؤید همین برداشت است.

191- زمینه عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 5 - 10

10- روی آوردن به عقاید بی اساس و دور از حقیقت و واقعیت ، پی آمد اتکا به روش های غیرعالمانه است .

ما لهم به من علم ولا لأبائهم .. إن يقولون إلا كذباً

کلمه «لأبائهم» اشاره به این معنا دارد که تقلید از کسانی که عقیده شان از سوی علم و دانش نیست، یک روش غلط و ناروا در رسیدن به عقاید دینی است و ذیل آیه، پی آمد آن را، عقیده ای سخیف و دور از حقیقت، بیان کرده است. از این، می توان نتیجه گرفت که روش های غیرعالمانه، خطر دور شدن از حقیقت و واقعیت را در پی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 8

8 - تأثیر تبلیغات منحرفانه در آسیب زدن به آیین درست و جای گزین کردن اعتقاد باطل به جای آن

وقال الذين استضعفوا للذين استكبروا .. تأمرونا أن نكفر بالله ونجعل له أنداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 7 - 6

6 - کسانی که خداوند را ناظر بر نیت ها نمی دانند و گشاده دستی های خود را به رخ دیگران می کشند ، گرفتار پنداری موهوم و ناروایند .

يقول أهلكت مالا لبداً . أychسب أن لم يره أحد

در برداشت یاد شده، گوینده «أهلكت مالا لبداً» کسی فرض شده که بذل و بخشش های فراوانی داشته ولی در آنها نیت خالصانه نداشته است. این آیه بخششهای او را فاقد ارزش معرفی کرده است.

192- زوال باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 81 - 5، 2

2- دین اسلام و راه پیامبر (صلی الله علیه و آله) حق ، و هر جریانی به جز آن باطل و نابود شونده است .

وقل جاء الحقّ وزهق البطل

به دلیل مکی بودن سوره - چنان که مفسّران نیز گفته اند - احتمال دارد مراد از حق دین اسلام و شریعت محمدی و مراد از باطل عقاید موجود در آن عصر باشد.

5- اضمحلال و ناپایداری ، نهفته در متن طبیعت و ماهیت باطل

إن البطل كان زهوقاً

ص: 124

193- زیادی پیروان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 26 - 12

12 - کثرت و انبوهی عناصر فاسق و طرفدار باطل در طول تاریخ

فمنهم مهتد و کثیر منهم فسقون

194- زیان استمداد از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 101 - 15

15- استمداد از خدایان دروغین نه تنها سودی برای استمداد کنندگان ندارد؛ بلکه بر خسارت و تباهی آنان نیز می افزاید.

و ما زادوهم غیر تتیب

در جمله «و ما زادوهم . . .» نسبت افزودن خسارت به بتها داده شده است؛ ولی از آن جا که بتها بر خسارت زدن ناتوانند، مراد از «ما زادوهم . . .» به قرینه «التي يدعون . . .» این است که: اعتقاد به بتها مایه خسارت است و خواندن آنها و استمداد از آنها به هنگام نزول عذاب الهی، موجب افزایش خسارت استمداد کنندگان خواهد شد.

195- زیان رسانی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 4، 1

1 - مشرکان، در عصر بعثت، موجوداتی را می پرستیدند که از رساندن نفع و یا دفع ضرر، ناتوان بودند.

و يعبدون من دون الله ما لا ينفعهم ولا يضرهم

4- معبود های مشرکان، ناتوان از سودرساندن و یا دور کردن زیان از عبادت کنندگان خویش

و يعبدون من دون الله ما لا ينفعهم ولا يضرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 42 - 1

1 - در روز قیامت معبود های مشرکان ، نمی توانند هیچ سود و زیانی را برای کسی عهده دار شوند .

فالیوم لایملک بعضکم لبعض نفعاً و لا ضرراً

ص: 125

196- زیانکاری اهل باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 78 - 13، 12

12 - قیامت ، روز کشف زیان کاری اهل باطل

و خسر هنالک المبطلون

13 - خسارت و زیان باری اهل باطل ، به هنگام نزول عذاب استیصال

و خسر هنالک المبطلون

197- زیانکاری مؤمنان به باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 52 - 10، 9

9 - باطل باوران و کافران به خدا ، قطعاً ، زیان کارند .

و الذین ءامنوا بالبطل و کفروا باللّٰه اولئک هم الخسرون

10 - ایمان به باطل و کفر به خدا ، خسارتبار است .

و الذین ءامنوا بالبطل .. اولئک هم الخسرون

198- سختی اجتناب از سخن باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 75 - 8

8 - فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن

باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هوناً .. و الذین لایشهدون الزور ... أول-

199- سخن باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 93 - 26، 24

24 - دروغ بستن به خداوند و به دروغ مدعی دریافت وحی شدن و ادعای آوردن مانند برای قرآن، سخنانی باطل و ناحق است.

ممن افتری علی الله کذبا أوقال . . . بما کنتم تقولون علی الله غیر الحق

ص: 126

26 - استکبار زمینه سخن ناحق گفتن درباره خداوند است.

بما كنتم تقولون على الله غير الحق و كنتم عن آياته تستكبرون

200- سرزنش اصرار بر عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 3 - 3

3- پافشاری بر عقاید باطل و فاقد مبانی علمی ، امری نکوهیده و مورد سرزنش خداوند

و من الناس من يجدل في الله بغير علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 8 - 3

3 - جلد و پافشاری بر عقاید باطل و فاقد مبانی علمی ، امری است نکوهیده در پیشگاه خداوند .

و من الناس من يجدل في الله بغير علم

201- سرزنش سهم المال معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 56 - 8

8- اختصاص دادن بخشی از روزی خدادادی به معبود های باطل ، مورد نکوهش خداوند

و يجعلون لما لا يعلمون نصيبًا مما رزقنهم تالله لتسئلنّ

202- سرزنش عقیده به رازقیت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 56 - 7

7- سهم دانستن معبود های باطل در روزی دهی ، مورد سرزنش خداوند

و يجعلون لما لا يعلمون نصيبًا مما رزقنهم تالله لتسئلنّ

203- سنت نابودی باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 127

10 - محو باطل و تثبیت حق ، سنت الهی است .

و یمح الله البطل و یحقّ الحقّ بکلمته

از فعل مضارع «یمح» و «یحقّ» - که دلالت بر استمرار دارد - سنت الهی استفاده می شود.

14 - استمرار و گسترش دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آموزه های قرآن ، با توجه به سنت خداوند بر محو باطل ، نشان دهنده حقانیت اسلام و قرآن است .

أم یقولون افتری علی الله . . . و یمح الله البطل و یحقّ الحقّ بکلمته

204- سهم المال معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 137 - 9

9 - تعیین سهمی در اموال برای خداوند و سهمی برای شریکان موهوم او و تجویز مصرف سهم خداوند برای شریکان، کارهایی زیبا و شایسته از دیدگاه مشرکان عصر جاهلیت

و جعلوا لله مما ذرأ من الحرث . . . کذلک زین لکثیر من المشرکین

اسم اشاره «کذلک» به آیه قبل اشارت دارد و مفاد «کاف» تشبیه در آن، بیان شباهت تزیین در این کار (قتل فرزندان) با تزیین در آیه قبل (تعیین سهام و . . .) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 56 - 3،6

3- مشرکان ، بخشی از درآمد خود را برای معبود های خود اختصاص می دادند .

و یجعلون لما لایعلمون نصیباً ممّا رزقنهم

برداشت فوق، مبتنی بر این اساس است که فاعل «لایعلمون» «ما» بوده و مراد از آن بتها باشد که مفعول آن حذف شده است. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: مشرکان قرار می دهند سهمی را بر موجوداتی که چیزی نمی دانند.

6- اختصاص دادن مقداری از اموال خویش برای معبود های باطل ، از بدعت های مشرکان

و يجعلون لما لا يعلمون نصيبًا مما رزقنهم تالله لتسئلنّ

205- شرایط تشخیص باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 48 - 4

4- انسان ، در تشخیص میان حق و باطل ، نیازمند به رهنمود های خدا است و بدون این رهنمود ، در تشخیص خویش دچار خطا خواهد شد .

ص: 128

و لقد آتینا موسی و هرون الفرقان

از این که پیامبران، قدرت تشخیص خود را از خدا گرفته اند، به طریق اولی انسان ها نیز نیازمند این جهت می باشند.

206- شرایط کیفر معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 29 - 5

5- کسانی که به خدایی برگرفته شده، ولی خود مدعی آن نیستند، گنه کار نبوده و کیفر نمی شوند.

و من یقل منهم ائی إله .. نجزیه جهنم

برداشت بالا از مفهوم شرط استفاده شده است؛ یعنی، خداوند تنها کسانی را که مدعی خدایی هستند عذاب می کند، نه کسانی که خود هیچ ادعایی در باره خدا بودن خویش ندارند.

207- شعور معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 52 - 11

11- در میان معبودان مشرکان، موجودات شعوردار نیز وجود دارد.

شركاءى الذین زعمتم فدعوهم

با توجه به واژه «الذین» و ضمیر «هم» که برای ذوی العقول است، چنین برمی آید که معبودهای مشرکان، صرفاً بت و یا موجودات فاقد شعور دیگر نیستند، بلکه موجوداتی با شعور مانند ملائکه جن و .. نیز در بین آن ها وجود دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 3 - 12

12 - برخی از معبود های مشرکان، از موجودات دارای شعور اند.

أولیاء ما نعبدهم

با توجه به آمدن ضمیر «هم» - که در مورد موجودات شعورمند به کار می رود - برداشت یادشده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- برخی از معبود های مشرکان ، در شمار موجودات شعورمند

ما تدعون من دون الله . . . ماذا خلقوا ... أم لهم شرك

به کار رفتن ضمایر ذوی العقول در مورد معبودهای دروغین مشرکان، می تواند از آن جهت باشد که در میان آنها، عناصری شعورمند نیز وجود داشته است.

ص: 129

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 5 - 8

8- وجود موجودات شعورمند ، در میان معبود های مشرکان

من لا يستجيب له إلى يوم القيمة و هم عن دعائهم غفلون

208- شعيب (ع) و معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 88 - 18

18- شعيب (ع) هرگز تمایلی به اجحاف و بی عدالتی در داد و ستد و گرایشی به عبادت معبود های دروغین نداشت .

و ما أريد أن أخالفكم إلى ما أنهيكم عنه

209- شفاعت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 94 - 4,6,7,8

4 - مشرکان می پنداشتند پس از مرگ مورد شفاعت معبودهای خویش قرار خواهند گرفت.

و ما نرى معكم شفعاءكم الذين زعمتم أنهم فيكم شركوا

6 - مغرور شدن به داراییها و توهم برخورداری از شفاعت از سوی معبودهای خیالی از عوامل غفلت انسان و دوری او از واقعیتهاست.

و ترکتم ما خولنکم وراء ظهورکم و ما نرى معكم شفعاءکم الذين زعمتم

روی سخن آیه با مشرکان و حکایت حال آنان پس از مرگ است، جمله های «و ترکتم ..» و «ما نرى ...» بیان دو عامل عمده گمراهی و سوء عاقبت مشرکان است که یکی از آنها مغرور شدن به دنیا و دیگری توهم برخورداری از شفاعت از سوی معبودهای خویش است.

7 - شریک پنداشتن برای خداوند و پندار شفاعت آنها، امری خیالی و موهوم است.

الذین زعمتم أنهم فيکم شرکوا

8 - با فرارسیدن مرگ، مشرکان بر پوچی پندار خویش در مورد شفاعت معبودهای خود پی خواهند برد.

و ما نرى معكم شفعاءكم الذين زعمتم أنهم فيكم شركوا . . و ضل عنكم ما كنتم تزعمون

در لسان العرب آمده که یکی از معانی «ضل»، پنهان و غایب شد است. بنابراین معنی جمله «و ضل عنکم ...»، یعنی آنچه را شما می پنداشتید پس از مرگ شفاعت شما را خواهند کرد، غایب و پنهان گشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 130

2- معبود های پنداری مشرکان ، از شفاعت در قیامت ناتوانند .

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً... لایملکون الشفعه

چنان که برخی از مفسران گفته اند، مرجع ضمیر در «لایملکون» می تواند «الهه» در آیات پیشین باشد. در این صورت رد پندار شفاعتی است که مشرکان آن را از معبودهای خود توقع داشتند. در این وجه استثنا منقطع و مفاد آن چنین خواهد بود: هر کس به عهده نزد خداوند دست یافته باشد، توان شفاعت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 23 - 2

2- عقیده مشرکان به شفاعت خدایانشان در پیشگاه خدا برای آنان

قل ادعوا الذين زعمتم من دون الله لایملکون مثقال ذره... و لاتنفع الشفعه عنده

ذکر عدم فایده شفاعت شفاعت کننده ای در پیشگاه خداوند به جز شفاعت کسانی که خود خدا به آنان اذن داده است؛ می رساند که مشرکان اعتقاد داشته اند که خدایان ادعایی آنان نقش شفاعت کننده دارند. خداوند نیز درصدد رد آن گمان و پندار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 23 - 6

6- مردم انطاکیه ، معتقد به شفاعت کردن معبودهایشان به پیشگاه خداوند

ءالهه... لاتغن عنى شفعتهم شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 43 - 2، 1

1 - اعتقاد مشرکان ، به شفاعت و وساطت کردن معبود ها در پیشگاه خداوند

أم اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ

2- شفاعت و واسطه شدن معبود ها ، هدف و انگیزه مشرکان از عبادت کردن آنها

أم اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 41 - 3

3 - مشرکان ، ناتوان از اثبات توانایی معبود های ادعایی خویش ، بر شفاعت و تضمین سعادت اخروی برای آنان

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فليأتوا بشركائهم إن كانوا صدقین

امر در «فليأتوا» برای تعجیز است؛ یعنی، مشرکان ناتوان از این کاراند.

ص: 131

210- شکایت از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 86 - 2

2- مشرکان ، در قیامت با خداوند سخن می گویند و از معبودهایشان شکایت می کنند .

قالوا ربنا هؤلاء شركاؤنا

جمله «فألقوا إليهم القول . . .» می تواند قرینه باشد بر اینکه سخن مشرکان (قالوا . . .) به عنوان شکایت ادا می شود.

211- شکست باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 34 - 17

17 - جبهه گیری در برابر حق و مبارزه با رسالتهای الهی محکوم به شکست است.

ولقد كذبت رسل من قبلك فصبروا . . . حتى أتتهم نصرنا ولا مبدل لكلمت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 7 - 14

14 - پیروزی حق و شکست باطل ، هدفی بس والاتراز رسیدن به ثروت دنیا در بینش الهی

تودون أن غير ذات الشوكه تكون لكم و يريد الله . . . و يقطع دابر الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 51 - 15

15- باطل نمی تواند برای همیشه پوشاننده حق باشد .

الن حصحص الحق أنا رودته عن نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 18 - 3، 2، 1

1- در نزاع میان جبهه حق و باطل ، پیروزی نهایی از آن حق مداران است .

بل نقذف بالحق علی البطل

2- پیروزی عقیده و جهان بینی حق بر عقیده و جهان بینی باطل ، سنت الهی است .

و ما خلقنا السماء .. لعین ... بل نقذف بالحق علی البطل فیدمغه

خداوند در آیه قبل، از هدفمند بودن آفرینش جهان و نیز بطلان عقیده به بیهوده بودن خلقت طبیعت سخن به میان آورده است. این سخن قرینه بر این است که مقصود از حق و باطل در آیه شریفه، عقیده و جهان نگرى حق و باطل است. گفتنی است که ذیل همین آیه (و لکم الویل ممّا تصفون) که در باره نسبت ناروا به خداوند و توصیف او به امور نادرست است، مؤید برداشت یاد شده است.

ص: 132

3- پیروزی حق بر باطل ، جلوه ای از هدف داری نظام آفرینش است .

و ما خلقنا السماء.. بل نقذف بالحق علی البطل فیدمغه

خداوند در آیه قبل، سخن از آفرینش جهان براساس حق و هدفمند به میان آورد و در این آیه، پیروزی حق بر باطل را یادآور شد. ارتباط میان این دو گفتار بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 98 - 8

8- پیروزی نهایی در عرصه مبارزه حق و باطل ، از آن جبهه حق خواهد بود .

إذ قال لأبيه وقومه ماذا تعبدون .. قالوا ابنوا له نبیناً فألقوه فی الجحیم . ف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 11 - 2

2- جبهه کفر و باطل ، در مصاف با جبهه ایمان و حق ، محکوم به شکست است .

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 21 - 1

1- در جنگ حق و باطل ، غلبه با حق است .

كتب الله لأغلبن أنا ورسلي

212- شکست ناگهانی باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 18 - 6

6- نابودی ناگهانی باطل در شرایط غیر قابل انتظار

بل نقذف بالحق علی البطل فیدمغه فإذا هو زاهق

از آمدن «إذا»ی فجائیہ - کہ معنای ناگهانی و به دور از انتظار بودن را افاده می کند - برداشت یاد شده به دست می آید.

213- شگفتی ایمان به باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 61 - 5

5- انکار آیات خدا و ایمان به باطل ، از سوی مشرکان ، به رغم باور آنان بر خالقیت خدا و تسخیر خورشید و ماه از سوی او ، امری

ص: 133

شگفت آور است .

و ما يجحد بآيتنا إلا الكفرون . . . وقالوا لولا أنزل عليه آيت ... و الذين ءا

214- شگفتی عقیده به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 8

8- برگزیدن معبود های گوناگون و فاقد هر گونه توانایی ، به جای خداوند توانای بی همتا و آفریننده عالم هستی ، عملی غیر منطقی و شگفت آور

الذی له ملک السموت و الأرض و لم یتخذ ولداً و لم یکن له شریک . . . و اتّخذوا من

215- صبر در اجتناب از سخن باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 75 - 8

8- فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هوناً . . . و الذین لایشهدون الزور ... أول-

216- ضعف معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 117 - 1

1 - هر معبودی - جز خداوند - موجودی ضعیف و مقهور حوادث

ان یدعون من دونه الا انثاً

«اناث» جمع «انثی»، به معنای موجود ضعیف و تأثیر پذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 13

13 - پذیرش ولایت معبودانی نیازمند و ناتوان از رفع نیاز دیگران، نشانه بی خردی است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

استفهام انکاری همراه با توییخ و تعجب در «قل أغیر الله» حکایت از آن دارد که پذیرش ولایت غیر خدا توجیه صحیحی ندارد و

ص: 134

کاری ست دور از منطق و خرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 17 - 9

9 - توانایی بتها و معبودهای خیالی در دفع شر و رساندن خیر، پندار ناروای مشرکان
و إن یمسسک الله بضر فلا کاشف له إلا هو و إن یمسسک بخیر فهو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 22 - 7

7 - قیامت، روز استهزای مشرکان و نمایاندن ناتوانی و بطلان خدایان دروغین آنهاست.

و یوم نحشرهم جمیعا ثم نقول للذین أشركوا این شركاؤکم الذین کنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 23 - 2

2 - بی پناهی مشرکان در قیامت و ناتوانی معبودهای آنان از کمک رساندن به آنها

این شركاؤکم . . . ثم لم تکن فتنتم إلا أن قالوا و الله ربنا ما کنا مشرکین

این آیه و آیه پیش ترسیمی از چهره مشرکان در قیامت است. در آیه پیش خطاب به مشرکان شده که: «این شركاؤکم»؟ و در این آیه در ماندگی و بیچارگی و عجز آنان از پاسخ و دفاع را بیان داشته است.

217- ظلم تبلیغ باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 227 - 14

14 - ترویج باطل و مبارزه با دین در قالب شعر، ظلم بوده و دارای عقوبتی سخت است.

و الشعراء یتبعهم الغاون . . . و سيعلم الذین ظلموا أیّ منقلب ینقلبون

218- ظلم شعر باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 227 - 14

14 - ترویج باطل و مبارزه با دین در قالب شعر ، ظلم بوده و دارای عقوبتی سخت است .

و الشعراء يتبعهم الغاؤون . . . و سيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون

ص: 135

219- ظلمت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 17

17- خداوند، حقیقتی بصیر و پرفروغ است و معبودهای اهل شرک کور و تاریکند.

قل هل یتوی الأعمی والبصیر أم هل تستوی الظلمت والنور

برداشت فوق بر این مناسبت که «أعمی» و «ظلمات» اوصاف معبودهای اهل شرک و «بصیر» و «نور» وصف خداوند باشد.

220- عبادت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 71 - 9

9- مشرکان، پرستشگر معبودانی اعتباری و متکی به خدایانی پوچ و واهی

اتجدلوننی فی أسماء سمیتموها أنتم وءاباؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 195 - 5

5- پرستش چیزی ناتوانتر از پرستنده آن، نابخری و مایه شگفتی است.

ألهم أرجل یمشون بها .. أم لهم ءاذان یسمعون بها

استفهام در جمله «ألهم ..» به انگیزه تعجب ایراد شده و منشأ تعجب به مناسبت مورد، نابخردی پرستشگران بتهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 73 - 6

6- پرستش عناصر بی تأثیر و ناتوان، نشان کوتاه نظری و ناآگاهی مشرکان است.

و یعبدون من دون الله ما لایملک لهم رزقاً .. و لایستطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - مشرکان نسبت به یاد کردن خدا به همراه یاد دیگر معبود ها و نیز عبادت مشترک خدا و معبود ها ، حساس نبوده و مخالفت نمیورزیدند .

و إذا ذکر اللّٰه وحده اشمأزت .. و إذا ذکر الذین من دونه إذا هم یستبشرون

از آیه شریفه به روشنی استفاده می شود که مشرکان نسبت به یاد کردن خدا به تنهایی حساس بوده و از یاد شدن معبودهای خود بدون یاد شدن خدا خوشحال می شدند؛ ولی در این آیه از واکنش و حساسیت مشرکان در صورتی که نام خدا و معبودها با هم و

ص: 136

مشترکاً یاد شوند، سخنی به میان نیامده است. بنابراین یاد نشدن آن، می تواند حاکی از مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 71 - 1

1 - پرستش معبودهای واهی، سود واقعی برای آدمیان ندارند.

قل أندعوا من دون الله ما لا ینفعنا

221- عبودیت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 42 - 8

8- در صورت وجود معبودهایی جز خدای صاحب عرش در عالم ، همه آنها در جست و جوی راهی برای قرب به خداوند و بندگی در برابر او خواهند بود .

لو کان معه . . . إذا لآبتغوا إلی ذی العرش سبیلاً

برداشت فوق، بر این اساس است که مقصود از راه یابی به خداوند، درگیری و نزاع نباشد؛ بلکه مقصود، راه تقرب به او باشد. آیه 44 که می فرماید: «همه موجودات و پدیده های جهان هستی، تسبیح گوی خداوندند، ولی شما درک نمی کنید» نیز قرینه بر این نکته است.

222- عجز اخروی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 92 - 3

3- ناتوانی معبود های مشرکان از نجات گمراهان ، از دوزخ و دفاع از آنان در برابر عذاب

و برزت الجحیم للغاوبین . و قیل لهم این ما کنتم تعبدون

پرسش از مکان معبودها - به قرینه آیه قبل که سخن از رخ نمودن دوزخ برای گمراهان است - پرسش از موقعیت آنها برای نجات گمراهان از دوزخ و هرگونه دفاع از آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 93 - 3

3- عناصر مورد اتکای مشرکان ، خود گرفتار در قیامت و ناتوان از یاری رساندن به دیگران و دفاع از خویش

هل ینصرونکم أو ینتصرون

«نصر» (مصدر «ینصرون») برای دفاع از دیگران و «انتصار» (مصدر «ینتصرون») به معنای دفاع از خود به کار می رود. ضمیرهای فاعل در دو فعل یاد شده، به معبودها بازمی گردد.

ص: 137

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبا - 34 - 42 - 1

1 - در روز قیامت معبود های مشرکان ، نمی توانند هیچ سود و زیانی را برای کسی عهده دار شوند .

فالیوم لایملک بعضکم لبعض نفعاً ولا ضرراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 75 - 3

3 - معبود های ادعایی به روز رستاخیز ، در حالی که همچون سپاه آماده به خدمت برای مشرکان اند ، از هرگونه یاری رسانی به آنان ناتوان خواهند بود .

لایستطیعون نصرهم و هم لهم جند محضرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که ضمیر «هم» به معبودها و ضمیر «لهم» به مشرکان بازگردد و این جمله حال برای ضمیر غایبی در «لایستطیعون» باشد. بر این اساس، این ترکیب از باب مبالغه آمده است؛ زیرا متمرکز کردن تمامی نیروها در قالب یک سپاه آماده به خدمت و در عین حال ناتوان بودن از یاری رسانی، نشان دهنده اوج ناتوانی معبودها می باشد. گفتنی است بر اساس این نظر، آیه شریفه ناظر به روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 48 - 1,3

1 - معبود های مشرکان ، محو و ناپیدا و فاقد کارایی در صحنه قیامت

و ضلّ عنهم ما كانوا یدعون من قبل

«ضلّ» هرگاه با «عن» متعدی شود، به معنای گم شدن خواهد بود. گفتنی است که در آیه کنایه از سودمند نبودن و کارایی نداشتن می باشد.

3 - ناکارآمدی معبود های مشرکان در قیامت ، گواه نادرستی کرنش و عبادت در برابر آنها در دنیا

و ضلّ عنهم ما كانوا یدعون من قبل

223- عجز معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اگر خداوند نعمت بینایی، شنوایی و ادراکی انسان را سلب کند، معبودهای باطل قدرت بازگرداندن آنها را ندارند.

إن أخذ الله سمعكم . . . من إله غير الله يأتيكم به

13 - عن أبي جعفر (ع) في قوله: «قل أرأيتم إن أخذ الله سمعكم وأبصاركم وختم على قلوبكم» يقول: إن أخذ الله منكم الهدى من إله غير الله يأتيكم به . . .

ص: 138

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 191 - 1

1 - مشرکان ، موجوداتی را شریک خدا می پنداشتند که از آفرینش کمترین چیزی ناتوان بودند .

ایشرکون ما لایخلق شینا

کلمه «کمترین» در برداشت فوق از نکرده بودن «شینا» استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 192 - 1,2,4

1 - مشرکان موجوداتی را می پرستیدند و شریک خدا می پنداشتند که بر یاری رسانی به ایشان ناتوان بودند .

ایشرکون ما . . . لایستطیعون لهم نصرا

ضمیر فاعلی در «لایستطیعون» به «ما»ی موصوله در «ما لایخلق» برمی گردد و «هم» در «لهم» به مشرکان ارجاع می شود. یعنی معبودان اهل شرک توانایی یاری رسانی به پرستش کنندگان خود را ندارند.

2 - معبودان مشرکان حتی قادر به دفاع از خویش نبودند .

ایشرکون ما . . . لا أنفسهم ینصرون

ضمیرهای «أنفسهم» و «ینصرون» به «ما لایخلق»، که همان معبودان اهل شرک است، برمی گردد. یعنی معبودان، خود را یاری نمی کنند. یاری از خود به معنای دفاع از خویشان است.

4 - عاجز بودن معبودان اهل شرک بر دفاع از خود و پرستشگران خویش ، دلیل عدم لیاقت آنها برای ربوبیت و پرستش

ایشرکون ما . . . لایستطیعون لهم نصرا و لا أنفسهم ینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 193 - 1,2,4,5,6

1 - مشرکان هر چند خواستار رهنمودی از معبودانشان شوند ، پاسخی از آنان دریافت نمی کنند .

وإن تدعوهم إلى الهدی لا یتبعوكم

برداشت فوق بر این اساس است که خطاب در «تدعوهم» متوجه مشرکان باشد. بر این مبنا ضمیر «هم» به معبودان برمی گردد و «إلی الهدی» به این معنا خواهد بود: «الی ان یهدیهم اصنامهم». بنابراین آیه چنین معنا می شود: اگر شما مشرکان از بتهای خویش بخواهید که شما را راهنمایی کنند، آنها از شما حرف شنوایی ندارند. جمله بعد، خصوصا کلمه «علیکم»، نه «علیهم»، مؤید این معنا می باشد.

2- معبودان اهل شرک، موجوداتی ناتوان از هدایتگری پرستش کنندگان خویش

وإن تدعوهم إلی الهدی لایتبعوكم

4- ناتوانی معبودان اهل شرک از هدایت آنان و اجابت خواسته هایشان، دلیل بطلان شرک و شایسته نبودن آنها برای پرستش

وإن تدعوهم إلی الهدی لایتبعوكم

5- درخواست کردن از معبودان دروغین برای درخواست کننده بی ثمر و با لب فرو بستن از درخواست مساوی است.

سواء علیکم ادعوتموهم أم أنتم صمتون

6- معبودان اهل شرک از برآوردن خواسته های پرستندگان خویش عاجزند.

سواء علیکم ادعوتموهم أم أنتم صمتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 194 - 5,6,8

5 - توجه دادن اهل شرک به همسانی آنان با معبودانشان در ناتوانی و نیازمندی، زمینه ساز باور آنان به بطلان شرک و شایسته نبودن معبودان برای پرستش

إن الذین تدعون من دون الله عباد أمثالکم

6 - خداوند از مشرکان خواست تا برای آزمون توانایی معبودانشان، نیازهای خود را از آنان درخواست کنند.

فادعوهم فلیستجیبوا لکم

8 - ناتوانی معبودان از اجابت خواسته های پرستشگران خویش، افشاگر پندار باطل و دروغین مشرکان (پندار شریک برای خداوند)

فادعوهم فلیستجیبوا لکم إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 195 - 3,7,8

3 - فقدان اثر مطلوب در اعضای تعبیه شده در بت ها، دلیل ناتوانی بیشتر آنها از عبادتگرا نشان

ألهم أرجل یمشون بها .. أم لهم ءاذان یسمعون بها

جمله «عباد أمثالکم» به همسانی بتها با پرستشگرانشان در نیازمندی و ناتوانی اشاره کرد و آیه مورد بحث با توجه دادن مشرکان به اینکه بتها از اعضای تعبیه شده در آنها هیچ بهره ای نمی برند این نکته را به آنان یادآور می شود که بتها و معبودان دروغین حتی از پرستشگرانشان عاجز تر و ناتوانترند.

7 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) از جانب خدا مأمور شد تا برای اثبات ناتوانی بت ها، مشرکان را به تحدی و مبارزه علیه خویش دعوت کند.

قل ادعوا شرکاءکم ثم کیدون فلا تتظرون

8 - خداوند از مشرکان خواست اگر خدایانشان بر امری توانا هستند با کمک آنها علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) توطئه کنند و برای از میان بردن وی هیچ درنگی رواندارند.

قل ادعوا شرکاءکم ثم کیدون فلا تتظرون

«کیدون» مرکب از فعل امر «کیدوا» (از «کید»، به معنی فکر کردن و توطئه چیدن) و نون وقایه است. کسره نون دلالت بر حذف «یاء»

متکلم دارد. بنابراین «کیدون» (کیدونی) یعنی علیه من توطئه کنید. «انظار» مصدر «لاتنظروا» به معنای مهلت دادن است. «لاتنظرون» نیز مرکب از فعل نهی و نون وقایه است؛ یعنی: فلاتنظرونی، مرا مهلت ندهید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 197 - 3,6,2

2 - معبودان اهل شرک، هرگز توان یاری ایشان را ندارند.

و الذین تدعون من دونه لایستطیعون نصرکم

3 - معبودان مشرکان در برابر حوادث قادر به دفاع از خویشان نیستند.

و لا أنفسمهم ینصرون

6 - ناتوانی معبودان اهل شرک در دفاع از خود و دیگران، دلیلی بر بطلان شرک است.

ص: 140

و لا يستطيعون نصرکم و لا أنفسهم ينصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 198 - 1, 2, 4, 8

1 - معبودان اهل شرک ناتوان از ارائه رهنمون به پرستشگران خود

و إن تدعوهم إلى الهدى لا يسمعوا

«تدعوا» جمع مخاطب از «یدعو» و خطاب در آن متوجه اهل شرک است. «هدی» مصدر و فاعل آن ضمیری است که به «الذین تدعون» در آیه قبل برمی گردد و مفعولش مشرکان می باشد. بنابراین «إلى الهدى» یعنی «إلى أن يهدوكم».

2 - معبودان اهل شرک عاجز از شنیدن سخنان عبادت کنندگان خویش

و إن تدعوهم .. لا يسمعوا

4 - چشم های تعبیه شده در بت ها هرگز بر دیدن اشیا توانا نبودند .

و هم لایبصرون

ضمیرها در جمله «هم لایبصرون» به «الذین تدعون» برمی گردد.

8 - ناتوانی معبودان اهل شرک از اجابت درخواست ها ، شنیدن سخنان و دیدن اشیا ، دلیل بطلان شرک و ناروایی پرستش غیر خدا

و إن تدعوهم إلى الهدى لا يسمعوا .. و هم لایبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 14 - 1

1- انسان ها و معبود های دروغینشان ، ناتوان از آوردن ده سوره هم طراز قرآن

قل فأتوا بعشر سور مثله .. فإلّم يستجيبوا لكم

ظاهر این است که خطاب در «لکم» و «اعملوا» - به قرینه «فهل أنتم مسلمون» - متوجه مشرکان باشد. براین اساس، ضمیر فاعلی در «یستجیبوا» به «من استطعتم» باز می گردد؛ یعنی، [ای پیامبر! به مشرکان بگو:] اگر کسی و از جمله معبودهایتان، برای آوردن همانند قرآن - به خاطر عجزشان - دعوت شما را اجابت نکردند ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 20 - 7

7- هیچ کس (معبودان اهل شرک) توان یاری کردن گرفتاران به عذاب الهی را نخواهد داشت .

و ما كان لهم من دون الله من أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 101 - 8

8- بت ها و خدایان پنداری ، هرگز به فریاد پرستشگران خویش نمی رسند و نمی توانند حتی اندکی از عذاب های الهی را از آنان دور سازند .

فما أغنت عنهم ءالهمم التي يدعون من دون الله من شيء لما جاء أمر ربك

ص: 141

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 109 - 3

3- خدایان ساختگی اهل شرک ، فاقد هر گونه توان و نیرو برای دفاع از پرستشگران خویش

فلاتک فی مریه مما یعبد هؤلاء

تفریع جمله «لاتک ..» بر داستانهای اقوام گذشته، گویای این نکته است که: حال که داستان مشرکان گذشته را شنیدی، این حقیقت برای تو روشن شد که خدایان اهل شرک نتوانستند پرستشگران خویش را از مهلکه ها نجات دهند؛ پس در این نکته شک و تردیدی به دل راه نده که خدایان اهل شرک در زمان تو نیز نمی توانند کاری برای پرستشگران خویش انجام دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 40 - 7

7- معبود های اهل شرک ، فاقد هرگونه اقتدار و سیطره اند .

ما أنزل الله بها من سلطان

برداشت فوق ، بر این مبناست که مراد از «سلطان» سیطره و اقتدار باشد. بر این مبنا ، ضمیر در «بها» به «أسماء» - که مراد از آن معبودهاست - بر می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 14 - 4

4- خدایان دروغین ، از اجابت کردن در خواست ها ناتوانند .

والذین یدعون من دونه لایستجیبون لهم بشیء

مراد از ضمیر «یدعون» و «لهم» مشرکان است و ضمیری که باید به موصول (الذین) باز گردد محذوف می باشد. بنابراین «والذین یدعون ...» ؛ یعنی ، آن چیزه او کسانی که مشرکان آنان را می خوانند، ایشان را اجابت نمی کنند به کمترین اجابتی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 10

10- معبود های اهل شرک حتی از نفع رسانی به خویشان و از دفع ضرر از خود ناتوانند .

لا يملكون لأنفسهم نفعاً ولا ضرراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 9، 6، 5، 1

1- خدایان ادعایی مشرکان ، قدرت آفرینش هیچ چیزی را ندارند .

و الذین یدعون من دون الله لا یخلقون شیئاً

«یدعون» صله «الذین» است و ضمیر صله، ضمیر مفعولی است که حذف گردیده و مرجع آن الذین است. مراد از «الذین» به قرینه آیات قبل - که درباره خدایان ادعایی ناتوان بود - خدایان مشرکان است.

5- مشرکان ، موجودات فاقد قدرت و دست ساز را خدای خویش قرار می دادند .

ص: 142

و الذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً وهم يخلقون

برداشت فوق، بر این اساس است که مراد از «یدعون» خواندن آن موجودات به عنوان خدا باشد.

6- موجودات دست ساز و فاقد هرگونه قدرت آفرینشگری، لیاقت الوهیت ندارند و هرگونه عقیده ای به خدایی آنان، باطل است.

و الذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً وهم يخلقون

9- مشرکان، معبودهایی را می پرستیدند که فاقد هرگونه قدرت بودند.

و الذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً وهم يخلقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 73 - 7

7- خدایان مشرکان، فاقد هرگونه توانایی و قدرت در جهانند.

و يعبدون من دون الله ما لا يملک .. و لا يستطيعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 56 - 9، 2، 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موظف به اعلام خیالی بودن خدایان برگزیده مشرکان و ناتوانی کامل آنها در رفع هرگونه بیچارگی و درماندگی از مشرکان

قل ادعوا الذين زعمتم من دونه فلا يملكون كشف الضر عنكم

2- هر معبودی جز خدا، نیروی خیالی و برای رفع بیچارگی و بدبختی مردم، فاقد قدرت است.

قل ادعوا الذين زعمتم من دونه فلا يملكون كشف الضر عنكم و لا تحويلاً

«الضر» به معنای بدحالی درونی و یا جسمانی است (مفردات راغب).

9- خدایان و معبود های مشرکان، از دفع ضرر و نیز متوجه ساختن آن از فردی به فرد دیگر و یا تبدیل وضعیت محنت زا به حالت دیگر، ناتوانند.

قل ادعوا الذين زعمتم من دونه فلا يملكون كشف الضر عنكم و لا تحويلاً

مراد از «تحویلاً» می تواند رفع گرفتاری از کسی و متوجه ساختن آن به دیگری و یا تبدیل وضعیت ناگوار به وضعیت خوب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 52 - 3,9

3- معبودان و شرکای پنداری مشرکان ، در قیامت ، هیچ پاسخی به کمک خواهی آنان نخواهند داد .

فدعوهم فلم يستجيبوا لهم

9- در قیامت ، کارآمد نبودن معبودان مشرکان و بطلان شرک ، آشکار خواهد شد .

فدعوهم فلم يستجيبوا لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 102 - 12

12- اولیای پنداری کافران (معبودان باطل) از دفع عذاب الهی از آنان ناتوانند .

ص: 143

أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نَزْلًا

همزه استفهام در «أفحسب» گویای آن است که گمان ولایت برای معبودان، گمانی خطا است؛ زیرا، عذاب جهنم مهیا است (إِنَّا أَعْتَدْنَا..) و از معبودان برای دفع آن کاری ساخته نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 82 - 7

7- قیامت ، روز ظهور حقایق و بطلان شرکورزی و بروز ناتوانی معبود های ساختگی مشرکان از عزت بخشیدن به آنها

ليكونوا لهم عزًّا .. سيكفرون بعبادتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 21 - 4

4- عجز و ناتوانی خدایان مشرکان از احیای مردگان

أَمْ اتَّخَذُوا ءَالِهَةً مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنشرون

برداشت یاد شده با توجه به این مطلب است که جمله «هم ینشرون» جمله استثنافیه است و یا در محل نصب و صفت برای «آلهه» می باشد. در هر دو صورت همزه استفهامیه انکاری، پیش از آن در تقدیر است و انکار هم از نوع انکار وقوعی است؛ یعنی، احیای مردگان توسط معبودهای مشرکان محال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 43 - 1,2,3

1- معبود ها و خدایان دروغین ، از ایمن ساختن مشرکان در برابر عذاب الهی ناتوان اند .

أَمْ لَهُمْ ءَالِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا

«أم» در آیه شریفه، از نوع منقطعه و مانند «بل» متضمن معنای استفهام انکاری است. «آلهه» (جمع «إله») نیز به معنای معبودها است.

2- معبود ها و خدایان دروغین مشرکان و هر نیرویی جز خداوند ، در حمایت از خود و حفظ و نگه داری خویش ناتوان اند .

لايستطيعون نصر أنفسهم

جمله «لايستطيعون..» حال برای فاعل «تمنعهم» است که خدایان و معبودها می باشند.

3- معبود های مشرکان از یاری رساندن به خود ناتوان و از یاری خدا محروم اند .

لايستطيعون نصر أنفسهم ولا هم منا يصحبون

«یصحبون» (از ریشه «صَحِبَ») به معنای «عاشَر» است و لازمه این معنا، نصرت و تأیید است؛ زیرا همنشین از دیگر همنشینان حمایت خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 44 - 15

15- ضعف و زبونی کافران و خدایان آنان در برابر اراده خداوند

أفهم الغلبون

ص: 144

همزه در «أَفْهَمُ» برای استفهام انکاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 12 - 3

3 - مشرکان عصر بعثت ، چیزهایی را می پرستیدند که برای آنان نه نفعی داشت و نه ضرری .

يدعوا من دون الله ما لا يضره و ما لا ينفعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 73 - 7,10

7 - عجز و ناتوانی خدایان اهل شرک - هر چند همگی گرد هم آیند - از آفریدن حتی یک مگس ، دلیلی است روشن و غیر قابل انکار بر پوچی اندیشه شرک .

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذَبَابًا

10 - عجز و ناتوانی خدایان از بازپس گرفتن چیز رבוده شده از آنان به وسیله موجود ناتوانی چون مگس ، یکی دیگر از دلایل بدیهی و غیر قابل انکار بر بی اساس بودن اندیشه و مرام مشرکان

وإن يسلبهم الذباب شيئاً لا يستنقذوه منه

«سَلَبَ» (مصدر «يسلب») به معنای ربودن و «إِسْتِنْقَاذَ» (مصدر «يستنقذون») به معنای رهانیدن و بازپس گرفتن است؛ یعنی، اگر همان مگس چیزی را از آنها بریاید، نمی توانند آن را از او بازپس گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 4,5

3 - معبود های برگزیده مشرکان ، نه تنها توانا بر آفرینش هیچ چیزی نبودند ؛ بلکه خود نیز دست ساز دیگران بودند .

ءاللهه لا يخلقون شيئاً و هم يخلقون

4 - معبود های مشرکان ، ناتوان از جلب هرگونه سود و نفعی برای خویش و دفع ضرر و زیان از خود

ءاللهه.. لا يملكون لأنفسهم ضراً و لانفعاً

5 - معبود های مشرکان ، هیچ نقشی در مرگ ، زندگی و برانگیختن پدیده های جهان ندارند .

ءالهه . . . و لایملکون موتاً و لاحیوه و لانشوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 4، 1

1 - مشرکان ، در عصر بعثت ، موجوداتی را می پرستیدند که از رساندن نفع و یا دفع ضرر ، ناتوان بودند .

و یعبدون من دون الله ما لاینفعهم و لایضرهم

4 - معبود های مشرکان ، ناتوان از سودرساندن و یا دور کردن زیان از عبادت کنندگان خویش

و یعبدون من دون الله ما لاینفعهم و لایضرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 145

9- ناتوانی معبود های باطل از حمایت مشرکان در قبال عذاب الهی ، درسی بزرگ برای سایر شرک پیشگان

ءالله خير اما يشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 13 - 8, 1

1 - معبودان مشرکان ، در روز قیامت توان شفاعت مشرکان را ندارند .

و لم یکن لهم من شرکائهم شفعا و كانوا بشرکائهم کفرین

8 - ناتوانی معبودان مشرکان از شفاعت آنها در پیشگاه خداوند ، از عوامل یأس و اندوه آنان در قیامت است .

و یوم تقوم الساعه یبلس المجرمون . و لم یکن لهم من شرکائهم شفعا

ذکر «و لم یکن لهم .. شفعا» پس از بیان ناامیدی مشرکان در قیامت، ممکن است برای اشاره به این نکته باشد که یأس آنان، ناشی از شفیع نداشتن شان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 11 - 5

5 - معبودان مشرکان ، هیچ آفریده ای ندارند .

هذا خلق الله فارونی ماذا خلق الذین من دونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 22 - 1, 3, 4

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور فراخوان مشرکان به آزمودن ناتوانی خدایانشان از طریق دعای خود

قل ادعوا الذین زعمتم من دون الله لایملکون مثقال ذره

3 - خدایان مشرکان ، قادر به پاسخ گویی به خواسته های آنان نیستند .

قل ادعوا الذین زعمتم من دون الله لایملکون مثقال ذره

«لایملکون» در مقام جواب واقع شده است. گویا عبارت این معنا را القا می کند که آنان پس از درخواست چه جوابی می دهند؟ پاسخ این است که جوابی نمی دهند، به دلیل عدم مالکیتشان.

4 - خدایان مشرکان ، مالک هیچ چیزی - حتی به اندازه یک ذره - در عالم نیستند .

قل ادعوا الذین زعمتم من دون الله لایملکون مثقال ذره فی السموت و لا فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 14 - 1

1 - ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان ، از شنیدن دعا و درخواست انسان ها و استجاب آن

إن تدعوهم لایسمعوا دعاءکم و لو سمعوا ما استجابوا لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 146

3 - معبود ها ، ناتوان از شفاعت کردن به درگاه خداوند برای پرستندگان خویش

ءالهه إن یردن الرحمن بضرّ لا تغن عنی شفعتهم شیئاً

4 - معبود ها ، ناتوان از نجات پرستندگان شان از گرفتاری و رنج

ءالهه إن یردن الرحمن بضرّ .. لا ینقذون

11 - ناتوانی معبود ها از شفاعت کردن به پیشگاه خداوند و نجات دادن پرستندگان خویش به هنگام گرفتاری ، دلیل ناشایستگی آنها برای پرستش

ءالهه إن یردن الرحمن بضرّ لا تغن عنی شفعتهم شیئاً و لا ینقذون

برداشت یاد شده به جهت این نکته است که جمله «إن یردن الرحمان ..» در مقام تعلیل برای جمله «ءأآخذ من دونه» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - معبود های ادعایی مشرکان ، از هرگونه نصرت و یاری به آنان ناتوان اند .

لا ینستطیعون نصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - ناتوانی مشرکان و هم فکران و معبود های آنان از یاری یکدیگر

احشروا الذین ظلموا و أزوجهم .. ما لکم لاتناصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - معبود های مورد پرستش مشرکان ، ناتوان از برطرف کردن هر گونه گزند از انسان

قل أفرءیتم ما تدعون من دون الله إن أرادنی الله بضرّ هل هنّ کشفّت ضرّه أو أراد

5 - معبود های مورد پرستش مشرکان ، خود مقهور اراده خدا و ناتوان در برابر قدرت او هستند .

قل أفرءيتم ما تدعون من دون الله إن أرادني الله .. برحمة هل هنّ ممسكت رحمة

6 - ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان ، از رساندن سود به انسان ها و یا دفع گزند از آنان و نیز مقهور بودنشان در برابر اراده و قدرت خداوند ، با اندک تأمل و دقت نظر روشن می شود .

قل أفرءيتم ما تدعون من دون الله إن أرادني الله .. برحمة هل هنّ ممسكت رحمة

طرح مسأله ناتوانی معبودها در قالب استفهام و سؤال، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 43 - 5، 3

3 - معبود ها و شفیعان مشرکان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، فاقد هرگونه توانایی و تعقل

قل أولو كانوا لا يملكون شيئاً ولا يعقلون

ص: 147

5- مأموریت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، برای احتجاج با مشرکان و اثبات ناتوانی مطلق معبود ها و پوچی آیین شرک

قل أولو كانوا لا يملكون شيئاً ولا يعقلون

برداشت یاد شده از تصریح به ابلاغ حقیقت یاد شده (قل) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 20 - 2

2- ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان از هرگونه قضاوت

والذین يدعون من دونه لا يقضون بشيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 43 - 3

3- معبود های ادعایی مشرکان، در دنیا و آخرت از استجاب دعا و درخواست انسان ها ناتوان اند.

لا جرم أنما تدعونني إليه ليس له دعوة في الدنيا ولا في الآخرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 86 - 2

2- معبود های دروغین مشرکان، ناتوان از شفاعت و یاری رساندن به آنان در آخرت

ولا يملك الذين يدعون من دونه الشفعه

«دعا» (مصدر «يدعون») در این آیه به معنای پرستش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 4 - 4, 2

2- قرآن، در صدد تحریک مشرکان، برای اندیشیدن به پوچی و ناتوانی معبود های دروغینشان

قل أرأيتم ما تدعون من دون الله أرؤنى ماذا خلقوا

تعبیر «أرأيتم» چه به معنای «أخبرونی» باشد و چه به معنای سؤال از نگرستن؛ دعوت برای اندیشیدن در ماهیت پوچ بت ها است.

4- ناتوانی بت ها و معبود های مشرکان ، از آفرینش موجودات زمینی و مشارکت در خلقت و تدبیر امور آسمان ها

ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرك في السموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 5 - 2

2- عجز و ناتوانی معبود های مشرکان ، از اجابت خواسته ها و بر آوردن نیاز های ایشان

من دون الله من لا يستجيب له إلى يوم القيمة و هم عن دعائهم غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 148

1- ناتوانی معبود های مشرکان ، از یاری آنان به هنگام نزول عذاب

فلولا نصرهم الذين اتخذوا من دون الله قرباناً الهه

ارتباط این آیه با آیات پیشین - که در زمینه نزول عذاب می باشد - گویای برداشت یاد شده است.

2- توبیخ مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر پرستش موجوداتی ناتوان و بی تأثیر در سرنوشتشان

فلولا نصرهم الذين اتخذوا من دون الله قرباناً الهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 41 - 2

2 - معبود های ادعایی مشرکان ، ناتوان از شفاعت برای مجرمان و یکسان کردن سرنوشت آنان با مسلمانان

أم لهم شركاء فليأتوا بشركائهم إن كانوا صدقین

224- عجز معبودان باطل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 73 - 7

7- خدایان مشرکان ، فاقد هرگونه توانایی و قدرت در جهانند .

و يعبدون من دون الله ما لا يملك . . . ولا يستطيعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 10 - 5

5 - معبود های دروغین مشرکان ، فاقد کارایی و تأثیر در نجات آنان از دوزخ

من ورائهم جهنم ولا يغنی . . . ولا ما اتخذوا من دون الله أولیاء

225- عذاب اخروی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- عذاب و شکنجه مشرکان و معبودهایشان در جهنم شدید خواهد بود .

لهم فیها زفیر و هم فیها لایسمعون برداشت یاد شده بنابر این نکته است که ضمیر «لهم»

ص: 149

226- عذاب استیصال اهل باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 78 - 13

13 - خسارت و زیان باری اهل باطل ، به هنگام نزول عذاب استیصال

و خسر هنالك المبطلون

227- عظمت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 23 - 7

7 - معبود ها ، دارای منزلت و مقام در پیشگاه خداوند ، در نظر مردم انطاکیه

ءالهه . . . لاتغن عنى شفعتهم شیئاً

228- عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 48 - 12، 11

11 - توهم وجود یارانی که آدمی را از عذاب قیامت نجات دهند و یا گناه او را بر عهده بگیرند ، از پندار های باطل بنی اسرائیل

واتقوا یوماً لاتجزى نفس عن نفس شیئاً . . . و لاهم ینصرون

12 - گناه کردن به خیال پذیرش شفاعت و یا پذیرفته شدن عوض و بدل برای رهایی از عذاب قیامت ، از پندار های باطل بنی اسرائیل

واتقوا یوماً . . . ولا یقبل منها شفعه و لایؤخذ منها عدل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 77 - 4

4 - محدود پنداشتن علم خدا به امور آشکار و محسوس ، پنداری است باطل و معتقدان به آن سزاوار توبیخ و سرزنش هستند .

أولایعلمون أن الله یعلم ما یسرون و ما یعلنون

7 - توجه به باور ناردست یهود دربارہ (عذاب نشدن یهود جز روزی چند) ، موجب قطع امید از ایمان آوردن اینان

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم . . . وقالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 94 - 13

13 - اهل بهشت دانستن فرد یا طایفه ای خاص بدون داشتن برهان ، باوری است باطل .

فتمنوا الموت إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 96 - 7

7 - یهودیان خود نیز بر بی پایه بودن ادعایشان (تقدیر بهشت برای آنان) واقفند .

إن كانت لكم الدار الآخرة . . . و لتجدنهم أحرص الناس

جمله های «لتجدنهم . . .» و «یود أحدهم . . .» را می توان ناظر به ادعای یهود (إن كانت . . . در آیه 94) دانست؛ یعنی، شما یهودیان از یکسو مدعی هستید که سرای آخرت از آن شماست و از سوی دیگر آرزوی ماندگار شدن در حیات دنیا را دارید، این نشان می دهد که خود شما نیز آن ادعا را باور ندارید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 111 - 6,7,2

2 - یهودیان ، بهشت را مخصوص یهود و دیگران را از آن محروم می دانند .

وقالوا لن یدخل الجنة إلا من كان هوداً

آیه 113، بیانگر آن است که هر یک از یهود و نصارا دیگری را اهل نجات نمی دانند. بنابراین به اصطلاح اهل ادب، در آیه مورد بحث «لَفَّ اجمالی» وجود دارد و حرف «أو» نیز برای تفصیل است؛ یعنی، جمله «قالوا لن . . .» حاکی از دو جمله است: 1- قالت الیهود: « لن یدخل الجنة إلا من كان هوداً». 2- وقالت النصاری: « لن یدخل الجنة إلا من كان نصری».

6 - محرومیت مسلمانان از بهشت از خیالات واهی و نادرست یهود و نصارا

تلك أمانيهم

«أمانی» جمع امنیه و به معنای آرزوها، خیالات واهی و دروغهای یافته شده است.

7 - عقاید و باور های دینی یهود و نصارا ، آمیخته با خیالات واهی است .

«تلک امانتھم» حاکی از این است که: پندار یهود و نصارا بر محرومیت دیگران از بهشت، از خیالات و آرزوهای آنان است و این در حالی است که یهود و نصارا، آن پندار را یک عقیده و باور دینی می‌شمرند. بنابراین عقاید مذهبی و باورهای دینی یهود با آرزوها و خیالات آمیخته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 123 - 10، 9

9- توهم سودبخشی شفاعت از گنهکاران و یا پذیرفته شدن عوض و بدل برای رهایی از عذاب قیامت، از پندار های بنی اسرائیل است .

بینی اسرائیل . . . و لایقبل منها عدل و لاتنفعها شفعه

فعل «اتقوا» به قرینه آیات پیشین، خطاب به بنی اسرائیل است. این خطاب خود قرینه وجود چنین افکاری در بین آنان است.

ص: 151

10 - توهّم وجود مدافعانی در قیامت که آدمی را از عذاب نجات دهند یا گناه او را بر عهده بگیرند ، از پندار های بنی اسرائیل است .

بینی اسرائیل . . . و اتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس شیئاً . . . و لاهم ینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 134 - 4,9

4 - بهره مند شدن یهود از پاداش فضیلت ها و اعمال شایسته پیامبرانی چون ابراهیم ، اسحاق و . . . از باور های ناصواب یهود

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

از اینکه خداوند در خطاب به یهودیان این حقیقت را یادآور می شود که دستاوردهای پیامبران نصیب دیگران نخواهد شد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

9 - مؤاخذه یهود به خاطر رفتار نادرست نیاکانی از آنان ، از پندار های باطل ایشان *

و لاتستلون عما کانوا یعملون

مخاطب قرار دادن یهودیان و یادآور شدن این حقیقت که شما مسؤول اعمال گذشتگان نیستید، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 141 - 4,9

4 - بهره مند شدن یهود از پاداش فضیلت ها و اعمال شایسته پیامبرانی چون : ابراهیم ، اسحاق و . . . از باور های ناصواب یهود

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

از اینکه خداوند در خطاب به یهودیان این حقیقت را یادآور می شود که دستاورد پیامبران نصیب دیگران نخواهد شد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

9 - مؤاخذه یهود به خاطر رفتار ناصواب نیاکانی از آنان ، از پندار های باطل ایشان *

و لاتستلون عما کانوا یعملون

مخاطب قرار دادن یهودیان و یادآور شدن این حقیقت که شما مسؤول اعمال گذشتگان نیستید، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مشرکان ، خدایان دروغین را دارای قدرت می پندارند .

و لو یری الذین ظلموا إذ یرون العذاب أن القوه لله جميعاً

طرح مسأله قدرت خداوند و انحصار آن به او برای کسانی که غیر خدا را همتای خدا می پندارند، بیانگر این است که: مشرکان به توهم برخوردارى معبودانشان از قدرت، آنها را همانند خداوند پنداشته و بر اساس آن به ایشان محبت میورزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - پندار تحمل آتش دوزخ و بی باک بودن در برابر آن ، امری شگفت و نامعقول است .

فما أصبر هم على النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 214 - 4

4 - تصور پیش نیامدن مشکلات در جامعه به صرف ایمان آوردن ، پنداری باطل است .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما يأتكم

چون وعده بهشت به مؤمنان حتمی است و لازمه ورود به بهشت، صبر در برابر مصائب و آزمایشهای الهی است، بنابراین ابتلاء به مصائب برای جامعه ایمانی قطعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 245 - 11

11 - ایمان به « قبض » و « بسط » الهی ، نفی کننده پندار غلط کاهش مال در اثر قرض دادن و انفاق

و الله يقبض و يبسط

تذکره به «قبض» و «بسط» الهی پس از ذکر انفاق، بیانگر این معنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 247 - 4

4 - پندار غلط بزرگان بنی اسرائیل بر سزاوار بودنشان از طالوت برای زمامداری

و نحن احق بالملك منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 275 - 7,8

7 - پندار نادرست رباخواران ، از همانندی بیع باربا ، دلیل رباخواری آنان

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا .. ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلَ الرِّبَا

بنابراینکه «ذلک» اشاره به «اکل ربا» باشد که از «یاکلون الربوا» به دست می آید.

8 - پندار و باور غلط رباخواران از همگونی بیع و ربا، نشانه عدم تعادل شخصیت آنان

الذین یاکلون .. ذلک بانّهم قالوا انّما البیع مثل الربوا

کلمه «ذلک» علاوه بر اینکه اشاره به «اکل ربا» است، می تواند اشاره به تخبّط و جنون زدگی باشد، البته در این صورت جمله «ذلک بانّهم» تعلیل در مقام اثبات است که در این برداشت به نشانه تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 24 - 9، 8، 4، 2، 1

1 - پایبندی به خرافات، عقاید بی اساس و احساس امنیت واهی، عامل رویگردانی اهل کتاب از اسلام

ثمّ يتولّى فريق .. ذلک بانّهم قالوا لن تمسّنا النار

ص: 153

2 - اعتقاد واهی برخی از اهل کتاب به اینکه چند روزی بیش در آتش دوزخ نخواهند بود .

ثم يتولى فريق . . . ذلك بانهم قالوا لن تمسنا النار

4 - باور های دروغین و خرافی ، مایه فریب و گمراهی

قالوا لن تمسنا النار . . . غرهم فی دینهم

8 - گروهی از اهل کتاب ، قائل به وجود تبعیض در رستاخیز و کیفر های الهی بودند . *

لن تمسنا النار الاّ اياماً

زیرا نسبت به خودشان عذاب اندکی را باور داشتند، ولی نسبت به دیگران چنین پنداری را نداشتند؛ یعنی تبعیض در رستاخیز و کیفرهای آن.

9 - اعتقاد به مصونیت از خلود در عذاب ، دروغی که اهل کتاب ، آن را ساخته و خود را فریب دادند .

و غرهم فی دینهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 25 - 12، 2

2 - باور های خودساخته انسان در زمینه تخفیف عذاب ، کیفر عادلانه خداوند را تغییر نمی دهد .

قالوا لن تمسنا النار الاّ اياماً . . . فكيف اذا جمعناهم

گر چه اهل کتاب می گفتند که: لن تمسنا النار . . . ، ولی خداوند می فرماید این باور نادرست، مجازات آنان را تغییر نخواهد داد.

12 - پندار غلط برخی از اهل کتاب ، نسبت به محو اعمال ناشایست آنان در قیامت

لن تمسنا النار . . . و وقّیت کل نفس ما کسبت

به نظر می رسد جمله «وقّیت کل . . .»، اشاره به علّت پنداری است که اهل کتاب داشتند: لن تمسنا النار.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 62 - 2

2 - هر داستانی درباره پیامبران که منافی با توحید باشد ، ساختگی و باطل است .

انّ هذا لهو القصص الحق و ما من اله الا الله

نفی شرک که از جمله «و ما من اله الا- الله» استفاده می شود، بیان علّتی برای دروغ بودن ادعاهای نصارا در مورد عیسی (ع) است و ملاکی برای همه داستانهای مربوط به پیامبران خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 66 - 3،2

2- احتجاج بحق یهود با نصارا، درباره عدم الوهیت عیسی (ع) و پسر خدا نبودن وی

حاجتتم فیما لکم به علم

احتجاج یهود در موردی که علم داشتند، عبارت بود از عدم الوهیت حضرت عیسی (ع) و .. که این احتجاج، بحق بوده است.

3- سرزنش اهل کتاب (علمای یهود و نصارا) به خاطر محاجّه و انتساب ناآگاهانه ابراهیم (ع) به یهودیت و نصرانیت

فلم تحاجّون فیما لیس لکم به علم

آنچه یهودیان و نصارا بدان علم نداشتند و درباره آن احتجاج می کردند، انتساب ابراهیم به یهودیت و نصرانیت بوده و لذا به خاطر

ص: 154

آن، سرزنش شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 75 - 14

14 - اهل کتاب ، عقاید خودساخته شان را آگاهانه به خدا نسبت می دادند .

و يقولون على الله الكذب و هم يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 76 - 1

1 - ردّ پندار اهل کتاب مبنی بر برتری آنان بر دیگران

ذلك بانهم قالوا .. بلى من اوفى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 79 - 11، 2

2 - نسبت ادعای معبودیت پیامبران برای خود ، از بافته های تحریفگران کتب الهی

و انّ منهم لفریفاً یلون السننهم بالکتاب لتحسیوه من الکتاب .. ما کان لبشر ان یؤ

از ارتباط این آیه با آیه قبل استفاده می شود.

11 - اعتقادات شرک آمیز پیروان ادیان در مورد انبیای خویش ، بر خلاف تعلیمات آنهاست .

ما کان لبشر .. ثم یقول ... کونوا ربّاتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 80 - 4، 3، 2

2 - اعتقاد به ربوبیت انبیا و فرشتگان ، ناسازگار با هدف پیامبران

و لا یامرکم ان تتخذوا الملئکه و التّیین ارباباً

3 - اعتقاد برخی از اهل کتاب ، به ربوبیت فرشتگان و انبیا

و لا یامرکم ان تتخذوا المملکة و التّیین ارباباً

آیه، ناظر به اعتقاد برخی از اهل کتاب است.

4 - اعتقاد به ربوبیت انبیا و فرشتگان (غیر خدا)، کفر است .

و لا یامرکم .. . ایامرکم بالکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 93 - 13، 12

12 - تورات، ناسخ حرمت برخی از خوردنی ها بر بنی اسرائیل

کل الطعام کان حلالاً لبنی اسرائیل الا ما حرم اسرائیل علی نفسه من قبل ان تنزل التوری

بنابراینکه «من قبل» متعلق به «حرم» باشد؛ یعنی حرمت‌های وضع شده برای بنی اسرائیل توسط یعقوب (ع)، تا قبل از نزول

ص: 155

تورات بوده است.

13 - راه نداشتن نسخ در احکام شریعت ، پندار باطل یهود

الا ما حرم اسرائیل علی نفسه من قبل ان تنزل التوریه قل فأتوا بالتوریه فاتلوها

بنابراینکه «من قبل» متعلق به «کان حلا» باشد؛ یعنی برخی طعامها قبل از نزول تورات حلال بوده و تورات آن را حرام کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 142 - 5، 2، 1

1 - گمان دستیابی به سعادت اخروی و بهشت ، به صرف داشتن ایمان ، پنداری باطل است .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما يعلم الله الذين جاهدوا منكم و يعلم الصابرين

2 - پندار غلط ورود به بهشت بدون جهاد و صبر ، در میان مسلمانان صدر اسلام

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما يعلم الله الذين جاهدوا منكم و يعلم الصابرين

5 - بدون مجاهده و صبر ، نمی توان به بهشت دست یافت .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما يعلم الله الذين جاهدوا منكم و يعلم الصابرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 144 - 13، 3، 2

2 - پندار باطل برخی از پیروان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نسبت به فناپذیری آن حضرت

و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افاین مات او قتل

گویا تذکر خداوند به اینکه محمد (صلی الله علیه و آله)، سمتی جز پیامبری ندارد و پیامبرانی پیش از او بودند و از دنیا رفتند، در ردّ چنین پنداری باشد.

3 - پایان پذیری پیام رسولان الهی ، یا با مرگ و یا با شهادت ایشان ، پندار باطل برخی از مسلمانان صدر اسلام

و ما محمد الا رسول .. افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

13 - پندار غلط جاودانگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موجب ارتداد و واپسگرایی برخی از مبارزان احد ، و انکار رسالت آن حضرت

پس از شایعه قتل ایشان

افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

مفسران در شأن نزول آیه گفته اند: آنگاه که خبر قتل پیامبر (صلی الله علیه و آله) در بین مردم شایع شد، برخی از مسلمانان اظهار داشتند که اگر محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبر بود، کشته نمی شد. (مجمع البیان، ذیل آیه.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 151 - 12

12 - عقیده به شریک داشتن خداوند ، پنداری بدون برهان و دلیل

بما اشركوا بالله ما لم ينزل به سلطاناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 156

10 - پندار های جاهلی مسلمانان خودگزین و دنیاطلب احد ، نسبت به خداوند

و طائفه قد اهمّتهم . . . یظنون بالله غیر الحقّ ظنّ الجاهلیّه

11 - بینش جاهلی مسلمانان احد نسبت به خداوند ، برانگیزنده حسّ خودگزینی و دنیاطلبی در وجود ایشان

و طائفه قد اهمّتهم . . . یظنون بالله غیر الحقّ ظنّ الجاهلیّه

به نظر می رسد جمله «یظنون بالله . . .»، به منزله علّتی باشد برای جمله «و طائفه قد اهمّتهم انفسهم».

12 - بینش غلط و جاهلی نسبت به خداوند ، از عوامل خودگزینی و دنیاطلبی

و طائفه قد اهمّتهم انفسهم یظنون بالله غیر الحقّ ظنّ الجاهلیّه

16 - پندار اینکه خداوند نباید مسلمانان را مبتلا به شکست کند ، پنداری جاهلانه و باطل

یظنون بالله غیر الحقّ . . . یقولون هل لنا من الامر من شیء

19 - پندار حاکمیت غیر خداوند (شرک افعالی) در تدبیر امور هستی ، پنداری جاهلانه و باطل

یظنون بالله غیر الحقّ ظنّ الجاهلیّه . . . قل انّ الامر کله لله

«انّ الامر . . .» می رساند که گمان جاهلی، اعتقاد به تأثیر مستقل غیر خداوند در امور هستی است. و این خود نوعی از شرک است.

27 - پندار های جاهلانه نسبت به خداوند ، منشأ تردید در حقیقت اسلام و وعده های خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)

یظنون بالله غیر الحقّ . . . یقولون لو کان لنا من الامر شیء ما قتلنا ههنا

38 - حوادث ایام جنگ ، سختی ها و مصیبت های در راه خدا ، زمینه خالص شدن اندیشه مؤمنان از عقاید جاهلیت و پالایش درون آنان

از خواسته های دنیایی و مادی

یظنون بالله غیر الحقّ . . . و لیبتلی الله ما فی صدورکم و لیمحصّ ما فی قلوبکم

«لیمحصّ» از ماده تمحیص به معنای خالص سازی از عیبها و نقصهاست و این جمله بیانگر هدفی دیگر از اهداف شکست در نبرد احد است.

2 - پندار کفرپیشگان بر این که خانه نشینی و یا پرهیز از حضور در کارزار، مانع مرگ و کشته شدن است .

يا ايها الذين امنوا لا تكونوا كالذين كفروا وقالوا .. ما ماتوا و ما قتلوا

4 - گمانِ حاکمیتِ عواملِ مادی بر مقدرات الهی، پنداری کفرآمیز

لا تكونوا كالذين كفروا وقالوا لاخوانهم .. ما ماتوا و ما قتلوا

خداوند با کفرآمیز خواندن این اندیشه که جنگ و مسافرت (عوامل مادی) تعیین کننده مرگ آدمی است، به مؤمنان تعلیم می دهد که آن عوامل، تعیین کننده مرگ آدمی، که از مقدرات الهی است، نخواهد بود.

8 - اندیشه های جاهلانه درباره مرگ و حیات (حاکمیت عوامل مادی بر اراده خداوند)، موجب حسرت کفرپیشگان، به هنگام قیامت

لو كانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا ليجعل الله ذلك حسره في قلوبهم

برخی از مفسران برآنند که زمان حسرت مطرح شده در آیه، قیامت است.

9- ارزش والاتر ماندگای در دنیا و ثروت اندوزی، بر شهادت و رحمت و آمرزش الهی، در پندار غلط کفرپیشگان

لو کانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا .. لمغفره من الله و رحمه خیر ممّا یجمعون

جمله «لو کانوا ..» شیفتگی کفرپیشگان را نسبت به ماندگاری در دنیا بیان می کند، و جمله «خیر ممّا یجمعون» هدف و یا عاقبت از ماندگاری را توضیح می دهد. یعنی هدف کفرپیشگان از ماندگاری در دنیا به چنگ آوردن منافع دنیوی و ثروت اندوزی است و آنان این منافع گذرا را بالاتر از رحمت و آمرزش الهی می پندارند و لذا بر کشته های در راه خدا تأسف می خورند.

5- گمان باطل برخی از مسلمانان صدر اسلام مبنی بر خیانت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در غنایم جنگی

و ما کان لنبی ان یغلّ

در برخی از شأن نزولهای مربوط به آیه آمده که غنیمتی از غنایم جنگی بدر مفقود شد و عدّه ای چنین پنداشتند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) آن را تصاحب کرده است. (مجمع البیان، ذیل آیه.) و از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: ... الم ینسبوا نبیّنا محمّداً (صلی الله علیه و آله) ... الم ینسبوه یوم بدر الی الله اخذ لنفسه من المغنم قطفیه حمراء حتی اظهره الله عزّ و جلّ علی القطفیه و برء نبیّه من الخیانه و انزل بذالک فی کتابه «و ما کان لنبی ان یغلّ ...».

امالی صدوق، ص 92، مجلس 22، ح 3؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 324، ح 1.

5- پندار ناصواب برخی پیکارگران احد در تحلیل عوامل شکست آن نبرد

انّی هذا قل هو من عند انفسکم

جمله «انّی هذا» به این مطلب اشاره دارد که گویا مجاهدان احد علّت شکست آن نبرد را بیرون از عملکرد خویش می دانستند، که جمله «من عند انفسکم» ریشه صحیح آن را گوشزد می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 166 - 5

5 - نفی اندیشه جبریگری و نیز تفکر تفویض صرف

اصابتکم مصیبه . . . هو من عند انفسکم . . . و ما اصابکم . . . فباذن الله

آیه مورد بحث و آیه قبل، شکست احد را هم وابسته به خود مسلمانان دانسته و هم اذن الهی را در آن شکست دخیل شمرده است ; یعنی افعال بندگان در عین اینکه مستند به خود آنان است، خارج از خواست و اذن الهی نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 167 - 10

ص: 158

10 - منافقان به انگیزه سرباز زدن از پیکار ، مدعی بودند که حضور در میدان احد نوعی انتحار و خودکشی است ، نه پیکار و جنگ .

قالوا لو نعلم قتالاً لا تبعنناکم

برخی برآنند که مراد منافقان از جمله «لو نعلم . . .» این معنا بوده که بیرون شدن شما مسلمانان به سوی احد، پیکار و قتال نیست، بلکه خود را به مهلکه انداختن است؛ چرا که نیروی شما در برابر نیروی دشمن هیچ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 168 - 2،18

2 - ادعای باطل منافقان که اگر جنگاوران احد در آن کارزار شرکت نمی کردند ، به شهادت نمی رسیدند .

لو اطاعونا ما قتلوا . . . ان کنتم صادقین

18 - ناتوانی منافقان از جلوگیری مرگ مقدر نشانگر باطل بودن پندار آنان در تحلیل عوامل به شهادت رسیدن پیکارگران احد

لو اطاعونا ما قتلوا قل فادرؤا عن انفسکم الموت ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 169 - 1

1 - مرده پنداشتن کشته شدگان در راه خدا (شهدا) از سوی برخی ، و نهی خداوند از این پندار

و لا تحسبنّ الذّین قتلوا فی سبیل اللّهِ امواتا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 1

1 - سودبخشی و ثمردهی بخلورزی و انفاق نکردن ، پندار ناصواب بخیلان

و لا یحسبنّ الذّین بیخلون . . . هو خیراً لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 181 - 1،3،18

1 - پندار ناروای یهود به فقر و نیاز خداوند ، و غنا و بنی نیازی خویش

لقد سمع الله قول الذين قالوا ان الله فقير ونحن اغنياء

به گفته بسیاری از مفسرین، مراد از «الَّذِينَ قَالُوا»، یهودیان هستند.

3 - ناروایی احساس و ابراز غنا و بی نیازی، در برابر خدا

لقد سمع الله قول الذين قالوا ان الله فقير ونحن اغنياء

18 - اعتقاد به نیازمندی امام به اموالی که به ایشان پرداخت می شود، در حکم فقیر دانستن خداوند است.

لقد سمع الله قول الذين قالوا ان الله فقير

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: هم الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّ الْإِمَامَ يَحْتَاجُ مِنْهُمْ إِلَى مَا يَحْمِلُونَ إِلَيْهِ.

نورالثقلین، ج 1، ص 416، ح 456؛ بحارالانوار، ج 24، ص 278، ح 4.

ص: 159

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 72 - 5

5 - نعمت شمردن دوری از مصائب و مشکلات جنگ ، بینشی ناپسند

فان اصابکم مصیبه قال قد انعم الله علیّ اذ لم اکن معهم شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 78 - 9،15

9 - دو مبدأ برای جهان هستی و حوادث آن پنداشتن (ثنویت) ، اندیشه ای مردود و واهی

قل کلّ من عند الله

15 - پندار ثنویت و درک نکردن توحید ، ملازم با نفهمیدن هر گونه سخن

فمال هؤلاء القوم لا یکادون یفقهون حدیثا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 82 - 14

14 - پندار وجود اختلاف در قرآن ، نتیجه نگرش سطحی و عدم تدبّر در آن

افلا یتدبّرون القران و لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیہ اختلافاً کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 100 - 4

4 - احتمال سرگردانی و گرفتار شدن به تنگنا ها ، دلیل گروهی از مسلمانان برای ترک هجرت

و من یهاجر ... یجد فی الارض مراغماً کثیراً وسعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 119 - 7

7 - شیطان ، برانگیزنده مردم به قطع کردن و شکافتن گوش چهارپایان برای حرام پنداشتن استفاده از آنها

و لا مرنهم فليبتكن ءاذن الأنعم

«بیتک» از مصدر «تبتیک» به معنای شکافتن و قطع کردن است. در میان مشرکان جاهلی رسم بوده که گوش دام را قطع می کردند و یا می شکافتند تا نشانه حرمت گوشت او یا حرمت بارکشی از آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 123 - 3، 1

1 - پندار باطل گروهی از اهل کتاب و برخی از مسلمانان در مورد نجات از جهنم و ورود به بهشت ، به صرف انتساب به ادیان الهی

لیس بامانیکم و لا امانی اهل الکتب

مراد از اسم «لیس» با توجه به آیات گذشته، رهایی از جهنم و ورود به بهشت است یعنی لیس الجنة و المحیص عن النار . . .

ص: 160

3 - پندار رهایی از کیفر، به صرف انتساب به دین و آیین الهی، تلقینی شیطانی است.

یعدهم و یمنیهم .. لیس بامانیکم و لا امانی اهل الکتب من یعمل سوءاً

با توجه به آیات گذشته (لامنیهم .. یعدهم و یمنیهم)، می توان نتیجه گرفت که پندار رهایی از کیفر اعمال بد، از همان خیالپردازیهای موهومی است که شیطان برای فریب مردم به آنان تلقین می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 134 - 1

1 - نیل به سعادت دنیا با ترک ایمان و تقوا، پندار باطل کفرپیشگان بی تقوا

من کان یرید .. فعند الله ثواب الدنيا و الآخرة

خداوند پس از سفارش به تقوا و ترک کفر (وصینا .. ان اتقوا الله)، پاره ای از زیانهای کفرپیشگی و بی تقوایی را برشمرد و با این آیه به علتی از علل گرایش به کفر و بی تقوایی، یعنی توهم رسیدن به سعادت دنیا، اشاره می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 171 - 23، 24، 25، 32، 34

23 - مسیحیان معتقد به تثلیث، غلو کنندگان در دین هستند.

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم .. و لاتقولوا ثلثه

24 - اعتقاد به تثلیث، اعتقاد و سخنی نابخردانه درباره خداوند

و لاتقولوا علی الله الا الحق .. و لاتقولوا ثلثه

جمله «و لاتقولوا ثلثه» می تواند مصداق مورد نظر برای سخن نابخردانه بر خداوند باشد.

25 - ناسازگاری ایمان به پیامبران با عقیده تثلیث

یاهل الکتب .. فامنوا بالله و رسله و لاتقولوا ثلثه

جمله «و لاتقولوا ثلثه» به منزله بیان و توضیحی است برای جمله «ءامنوا بالله و رسله».

32 - اعتقاد به تثلیث، شرک است.

و لاتقولوا ثلثه .. انما الله اله وحد

34 - اعتقاد به فرزند داشتن خداوند ، پنداری نابحق درباره وی و هتک حرمت اوست .

لاتقولوا على الله الا الحق .. سبحنه ان يكون له ولد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 17 - 11، 7، 2

2 - ادعای الوهیت برای مسیح (ع) ، کفر است و مدعیان آن کافرند .

لقد كفر الذين قالوا إنّ الله هو المسيح ابن مريم

7 - ادعای الوهیت مسیح (ع) ، علی رغم اعتراف به فرزند بودن وی ، تنها یک سخن است و نمی تواند اعتقاد قلبی باشد .

لقد كفر الذين قالوا إنّ الله هو المسيح ابن مريم

از اینکه ادعای آنان با لفظ «قالوا» (گفتند) بیان شده، نه با الفاظی همانند «امنوا» یا «اعتقدوا»، معلوم می شود این ادعا، شایستگی باور و اعتقاد قلبی را ندارد.

ص: 161

11 - ناتوانی مسیح (ع) و مادرش و تمامی اهل زمین در برابر اراده الهی ، دلیل بطلان ادعای الوهیت برای مسیح (ع)

لقد كفر الذين . . . ان اراد ان يهلك المسيح ابن مريم و امه و من فى الأرض جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 18 - 15، 8، 2، 1

1 - یهودیان و مسیحیان خود را پسران خدا و محبوب پیشگاه او می پندارند .

وقالت اليهود و النصرى نحن ابنوا الله و احبوه

2 - فرزند داشتن خدا ، از پندار های باطل یهود و نصارا

وقالت اليهود و النصرى نحن ابنوا الله و احبوه

8 - گرفتاری گنهکاران یهود و نصارا به عذاب الهی ، ردی بر پندار تقرب و محبوب بودنشان نزد خداوند

قل فلم يعذبكم بذنوبكم

15 - همسانی و همگونی یهود و نصارا با دیگر انسان ها ، دلیل نادرستی پندار آنان بر محبوبیت و تقرب در پیشگاه خداوند

نحن ابنوا الله و احبوه . . . بل انتم بشر ممن خلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 24 - 12

12 - برداشت نادرست قوم موسی از امداد های الهی و شرایط و زمینه های آن *

فاذهب انت و ربك فقتلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 52 - 18

18 - تخطئه پندار بیماردلان سست ایمان درباره بی ثباتی و شکست اسلام از سوی خداوند

فعسى الله ان يأتى بالفتح او امر من عنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - ناتوانی خداوند در انفاق و بخشش روزی به موجودات ، از باور های باطل یهود

وقالت اليهود يدالله مغلولة

جمله «ینفق کیف یشاء» می تواند قرینه باشد بر اینکه مراد از بسته بودن دست خدا و نافذ نبودن قدرت وی - در پندار یهود - تنها ناتوانی از اعطای روزی و انفاق به انسانهاست.

3 - بسته بودن دست خداوند ، از گفتار های ناروا و گناه آلود بسیاری از یهودیان

عن قولهم الاثم . . . وقالت اليهود يدالله مغلولة

«وقالت اليهود . . .»، می تواند بیان مصداقی برای «قولهم الاثم» در آیه قبل باشد و به قرینه آیه 62 این سخن، گفته تمامی یهودیان نبوده و گروهی از آنان - همچون ربانیون و احبار - چنین گفتاری نداشته و لذا در برداشت فوق به همه آنان نسبت داده نشد.

ص: 162

8 - سخن ناروای یهود درباره خداوند (نافذ نبودن قدرت او) موجب دوری آنان از رحمت الهی

و لعنوا بما قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 71 - 1,4,6,7,8

1 - مواجه نشدن با آزمایشات الهی ، پندار باطل بنی اسرائیل

و حسبوا الا تكون فتنه

«فتنه» می تواند به معنای آزمون و نیز به معنای عذاب باشد، برداشت فوق بر اساس معنی اول است.

4 - مصونیت از امتحان و عذاب الهی بر اثر انتساب به پیامبران و آیین ایشان ، پنداری موهوم و بی اساس

إنّ الذین ءامنوا و الذین هادوا . . و حسبوا الا تكون فتنه

ارتباط این آیه با آیه 69 می رساند که آسودگی خاطر بنی اسرائیل از امتحان و عذاب الهی برخاسته از انتساب آنان به اسرائیل و دین یهود بوده است و جمله «حسبوا . . .» ، بیانگر پوچی این پندار می باشد.

6 - بی پروایی بنی اسرائیل در شکستن پیمان الهی ، تکذیب انبیا و کشتن آنان ، برخاسته از باور آنان به مصونیت از عذاب

فريقاً کذبوا و فريقاً یقتلون. و حسبوا الا تكون فتنه

7 - پندار رهایی از مجازات نقض میثاق و تکذیب و کشتن انبیا ، از باور های بی اساس بنی اسرائیل

لقد اخذنا میثق بنی اسرئیل . . . و حسبوا الا تكون فتنه

در برداشت فوق «فتنه» به معنای عذاب گرفته شده است.

8 - پندار مصونیت از امتحان و عذاب الهی ، از میان برنده حق شنوی و بصیرت دینی بنی اسرائیل

فعموا و صموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 72 - 1,2,13,14,15,24

1 - اعتقاد گروهی از نصارا به انحصار الوهیت در مسیح (ع)

لقد كفر الذين قالوا إنّ الله هو المسيح ابن مريم

با توجه به اینکه آیه بعد نظر مسیحیان را درباره عیسی و خدایی او را به گونه ای دیگر غیر از انحصار الوهیت به وی مطرح ساخته معلوم می شود اعتقاد یاد شده در این آیه، باور برخی از مسیحیان بوده است نه همه آنان. در مجمع البیان آمده این عقیده فرقه «یعقوبیه» می باشد؛ آنان معتقد بودند که خداوند با مسیح در ذات متحد شد و یک چیز گشتند.

2 - کسانی که مسیح (ع) را خدا می پندارند، بدون تردید کافرند.

لقد كفر الذين قالوا إنّ الله هو المسيح

13 - مسیحیان معتقد به الوهیت مسیح (ع)، رویگردان از تعالیم آن حضرت

لقد كفر الذين قالوا إنّ الله هو المسيح . . . بینی اسرئیل اعبدو الله

14 - مسیحیان معتقد به الوهیت مسیح (ع) مردمی کافر و مشرک

لقد كفر الذين قالوا إنّ الله هو المسيح ابن مريم . . . انه من يشرك بالله

15 - معتقدان به الوهیت و ربوبیت غیر خدا، کافر و مشرکند.

لقد كفر الذين قالوا إنّ الله هو المسيح ابن مريم . . . انه من يشرك بالله

24 - باور به الوهیت مسیح (ع) ظلم است .

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ . . . و ما للظلمين من انصار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 74 - 2

2 - مسیحیان به خاطر پافشاری به عقاید باطل خویش (الوهیت مسیح (ع) و تثلیث) مورد توبیخ خداوند

لقد كفر الذين قالوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ . . . افلا يتوبون إلى الله

استفهام توبیخی در «افلا يتوبون . . .» برای سرزنش مسیحیان بر ترک توبه و استغفار از عقاید کفرآمیز بکار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 75 - 20

20 - اصرار مسیحیان بر تثلیث و الوهیت مسیح (ع) علی رغم استدلال های روشن قرآن بر بطلان عقیده آنان

انظر كيف نبين لهم الايت ثم انظر اني يؤفكون

«یوفکون» از مصدر «افک» به معنای بازگرداندن است. و «انی» به معنای کجا و چگونه است، بنابراین جمله «انظر اني يوفكون» یعنی بنگر آنان - علی رغم بیان دلایلی روشن بر واهی بودن تثلیث و الوهیت مسیح(ع) - چگونه از حق منحرف می شوند و به کجا نگون می گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 76 - 7

7 - پندار قدرت مسیح (ع) و مریم بر سود و زیان رسانی به مردم ، از عوامل پرستش آن دو ، از سوی مسیحیان *

قل اتعبدون من دون الله ما لا يملك لكم ضرراً ولا نفعاً

استدلال بر ناروایی پرستش مسیح(ع) و مادرش مریم به ناتوانی آنان از ضرر رسانی و نفع بخشی، می تواند اشاره به ریشه و عامل پرستش مسیح(ع) و مریم، از سوی نصارا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 77 - 10،12،3،1

1 - اعتقادات دینی اهل کتاب آمیخته با غلو، گزافه‌گویی و اموری باطل

قل یا اهل الکتب لاتغلوا فی دینکم غیر الحق

«غلو» مصدر «لاتغلوا» به معنای خروج از حد اعتدال و گرایش به افراط است که از آن به گزافه‌گویی تعبیر می‌شود.

3 - غلو در دین (آمیختن معارف الهی به گزافه‌هایی باطل) امری نکوهیده و حرام

لاتغلوا فی دینکم

10 - عقاید ناروا و غلوآمیز اهل کتاب برخاسته از افکار باطل گمراهانی مشرک در گذشته تاریخ

قل یا اهل الکتب لاتغلوا فی دینکم .. و لاتتبعوا اهواء قوم قد ضلوا

بدان احتمال که خطاب در «یا اهل الکتب» متوجه تمام یهود و نصارا باشد نه خصوص آنانکه در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند. بر این مبنا مراد از «قوم قد ضلوا» پیشینیان اهل کتاب نخواهند بود بلکه مقصود، پیروان مذاهب شرک می‌باشند.

ص: 164

12 - پیروان ادیان الهی در خطر پیروی از عقاید پوچ و تمایلات هواپرستانه گذشتگان خویش

و لا تتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 88 - 11

11 - ناسازگاری تقوا با بهره گیری از امکانات مادی توهمی بی پایه و نادرست

و كلوا مما رزقكم الله حللا طيباً و اتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 92 - 9

9 - پندار برخی از مسلمانان بر اینکه پیامبران وظیفه دار اجبار مردم به اطاعت از خدا و رسول هستند . *

فاعلموا انما على رسولنا البلغ المبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 93 - 6

6 - توهم حرمت بهره گیری مؤمنان از انواع خوراکی ها و نوشیدنی ها و گمان ناسازگاری آن با مراحل تقوا و ایمان ، توهم و گمانی واهی و نادرست .

ليس على الذين ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فيما طعموا

برداشت فوق بر این اساس است که آیه مورد بحث تکمیل و توضیحی برای آیه 87 از همین سوره باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 116 - 13، 3، 5

3 - مسیح (ع) و مادرش مریم خدایانی همتای خداوند جهان در پندار گروهی از مسیحیان

ءانت قلت للناس اتخذوني و امي الهين من دون الله

5 - پرستش مسیح (ع) و مادرش مریم و اعتقاد به الوهیت آنها ، خواسته حضرت عیسی (ع) ، در پندار باطل مسیحیان *

ءانت قلت للناس اتخذوني و امى الهين

13 - اعتراف عيسى (ع) به شايسته نبودن خویش و مادرش مریم برای خدایی ، دلیل واهی بودن عقیده مسیحیان به الوهیت آنان

ما يكون لى ان اقول ما ليس لى بحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 117 - 8

8 - اعتراف علنی عيسى (ع) به بندگی خداوند ، دلیل وی بر پوچی ادعای مسیحیان مشرک (همتایی وی با خداوند)

ءانت قلت .. ما قلت لهم الا ما امرتنى به ان اعبدوا اللّٰه ربى وربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 165

9 - پندار ربوبیت برای غیر آفریننده هستی، شگفت آور و مورد سرزنش خداوند

ثم الذین کفروا بریهم یعدلون

حرف «ثم» در آیه معنی استبعاد و توییح افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - تعدد منشأ برای خیر و شر، پنداری باطل و موهوم است.

وإن یمسک اللہ بضر فلا کاشف له إلا هو وإن یمسک بخیر فهو علی کل شیء قدیر

9 - توانایی بتها و معبودهای خیالی در دفع شر و رساندن خیر، پندار ناروای مشرکان

وإن یمسک اللہ بضر فلا کاشف له إلا هو وإن یمسک بخیر فهو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شگفت آور بودن اعتقاد به تعدد خدایان، با توجه به بدیهی بودن توحید و شهادت خدا و قرآن بر بطلان شرک

أنتکم لتشهدون أن مع اللہ آلهة أخرى

همزه استفهام در «أنتکم» دال بر شگفتی است.

30 - عن الحسن بن خالد عن الرضا(ع): .. فقلت له: یابن رسول اللہ ان قوما یقولون لم یزل اللہ عالما بعلم و قادرا بقدره و حیاً بحیاه و قدیما بقدم و سمیعا بسمع و بصیرا ببصر فقال: من قال ذلك و دان به فقد اتخذ مع اللہ آلهة أخرى . . .

حسین بن خالد گوید: .. به امام رضا(ع) عرض کردم ای فرزند رسول خدا(صلی الله علیه و آله) گروهی می گویند: خداوند به وسیله علم (زاید بر ذات)، عالم و به وسیله قدرت (زاید بر ذات)، قادر و به وسیله حیات (زاید بر ذات)، زنده و به وسیله قدمت (زاید بر ذات)، قدیم و به وسیله شنوایی (زاید بر ذات)، شنوا و به وسیله بینایی (زاید بر ذات)، بیناست. آن حضرت فرمود: کسی که این را بگوید و به آن ملتزم شود همانا معبودهایی را با خدا انباز گرفته است . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 24 - 8، 2

2 - شرک، باطل و اعتقاد به آن تحمیل دروغ بر خویشتن است.

انظر کیف کذبوا علی أنفسهم

جمله «کذبوا ..» بیان حال مشرکان در دنیا می تواند باشد. یعنی مشرکان در دنیا با عقیده شرک بر خود نیز دروغ بستند. زیرا فطرت و جان آدمی گواه بر توحید است.

8 - شرک، افترا و پنداری باطل و ساختگی است.

و ضل عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 32 - 2

ص: 166

2 - دنیا محوری و دوست داشتن آن، مرام و اندیشه ای کودکانه و نابخردانه است.

و ما الحيوه الدنيا إلا لعب و لهو

با توجه به اینکه لعب و لهو کار کودکان و کسانی است که بلوغ فکری ندارند، مقتضای تشبیه، وجود این ویژگیها در دنیاپرستان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 46 - 9

9 - مشرکان می پنداشتند که معبودهایشان توان نفع رسانی به آنان را دارد.

من إله غير الله يأتیکم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 56 - 4

4 - شرک و پرستش غیر خدا، پنداری مبتنی بر هوا و هوس و تمایلات نفسانی است.

الذین تدعون من دون الله قل لا أتبع أهواءکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 77 - 11

11 - پندار ربوبیت برای غیر خداوند، گمراهی است.

لئن لم یهدنی ربی لأکونن من القوم الضالین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 136 - 10، 5، 3، 2

2 - سنت جاهلی مشرکان در قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای خدا و سهمی برای شریکان خیالی او، بی اساس و بر پایه گمان بوده است.

و جعلو الله مما ذرأاً .. هذا لله بزعمهم

«زعم» به گمان و سخن بی اساس اطلاق می شود. (مصباح اللغه).

3 - قرار دادن سهم برای خداوند، از آنچه خود آفریده، از پندارهای پوچ مشرکان

و جعلوا لله مما ذرأ من الحرث و الأنعم نصيباً فقالوا هذا لله بزعمهم

5 - شرک، عقیده ای برخاسته از پندار و اوهام مشرکان است.

فقالوا هذا لله بزعمهم و هذا لشركائنا فما كان لشركائهم

منتسب کردن «شركاء» به مشرکان و نه به خداوند، گویا اشاره بدین نکته باشد که آنچه را آنان شریک خدا می پندارند به ساخته های ذهنی آنان مربوط است.

10 - داوری زشت و غلط مشرکان جاهلی در مقایسه خدا با بتها و ترجیح بتها بر او

فما كان لشركائهم . . . ساء ما يحكمون

ص: 167

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 138 - 2

2 - اعتقاد بی اساس مشرکان به ممنوعیت خوردن از چهارپایان و کشتی (محصول زراعی) که برای خدا و بتها قرار می دادند.

و جعلو الله .. وقالوا هذه أنعم و حرث حجر لا يطعمها إلا من نشاء بزعمهم

«هذه» اشاره به سهامی است که مشرکان برای خدا و بتها قرار می دادند و در آیه 136 بیان گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 60 - 3

3 - ایمان به یگانگی خداوند و لزوم پرستش او و باور به معاد ، پندارهایی باطل و واهی در دیدگاه اشراف قوم نوح

قال الملائ من قومه إنا لنرىك في ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 63 - 5

5 - ادعای پیامبری ، نشانه گمراهی نوح در پندار ناصواب قوم وی

يقوم ليس بي ضلله .. أو عجبتم أن جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم

جمله «أو عجبتم ..» عطف بر «ليس بي ضلله» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 64 - 1

1 - اکثریت عمده قوم نوح (ع) وی را تکذیب کردند و یگانگی خداوند ، معاد و رسالت را باورهایی دروغین پنداشتند .

فكذبوه

از اینکه خداوند تکذیب نوح(ع) را به همگان نسبت داده (فكذبوه)، در حالی که عده ای از آنان، یعنی همراهانش در کشتی، رسالت وی را تصدیق کردند، معلوم می شود نسبت مؤمنان به کافران بسیار اندک بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - تکذیب کنندگان انبیا به پندار باطل خویشان را از عذاب های الهی مصون می شمردند .

أفأمن أهل القرى أن يأتيهم بأسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - کافران به پنداری نابجا ، خود را از گرفتار شدن به عذاب الهی مصون می شمارند .

أو أمن أهل القرى أن يأتيهم بأسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 30 - 4، 3، 2، 1

1 - یهودیان ، « عزیز » را فرزند خدا خواندند .

وقالت اليهود عزیز ابن الله

2 - نصارا ، « مسیح » (ع) را فرزند خدا خواندند .

وقالت النصرى المسيح ابن الله

3 - فرزند خدا خواندن « عزیز » و « مسیح » ، سخنان نسنجیده و باطلی بود که یهود و نصارا به زبان آوردند .

وقالت .. ذلك قولهم بأفوههم

4 - پندار فرزند خدا بودن « عزیز » و « مسیح » ، پنداری است سابقه دار در تاریخ یهود و نصارا .

يضهئون قول الذين كفروا من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 31 - 4

4 - مسیح (ع) ، برخوردار از ربوبیت و پروردگاری ، در بینش نادرست نصارا

اتخذوا .. أرباباً من دون الله و المسيح ابن مريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 30 - 10

10 - شرک (اعتقاد به وجود مولویت و ربوبیت برای غیر خدا) پنداری باطل و افترا بر خداوند است .

وردوا إلى الله مولیهم الحق و ضل عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 68 - 9

9 - اعتقاد به وجود فرزند برای خدا ، پنداری باطل و فاقد هر گونه دلیل و برهان است .

قالوا اتخذ الله ولداً .. إن عندكم من سلطن بهذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 39 - 10

10- اعتقاد به وجود خدایان مقهور و باور به شایستگی آنها برای پرستش ، اعتقادی سخیف و نادرست است .

ءأرباب متفرقون خیر أم الله الواحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 40 - 15، 16، 6

6- شرک ، پنداری فاقد دلیل عقلی و نقلی ، و پرستش معبودهایی جز خدا ، عاری از هر نوع برهان و حجت

ما أنزل الله بها من سلطان

«سلطان» می تواند به معنای حجت ، اعم از عقلی و نقلی باشد و می تواند به معنای سیطره - که برخاسته از اقتدار است - باشد.

ص: 169

برداشت فوق، ناظر به معنای اول است. گفتنی است که بر این مبنا، ضمیر در «بها» به عبادت - که از «تعبدون» استفاده می شود - باز می گردد.

15- مشرکان به پندار فرمان خدا بر پرستش معبود های خویش ، آنها را عبادت می کنند . *

أمر ألا تعبدوا إلا إياه

16- توحید و یکتاپرستی ، آیینی بدون کمترین انحراف و کجی ، و شرک پنداری منحرف و نادرست است .

أمر ألا تعبدوا إلا إياه ذلك الدين القيم

«قیم» به معنای مستقیم و بدون انحراف و کجی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 42 - 2

2- غافل پنداشتن خداوند از عملکرد ستمگران ، پنداری باطل است .

ولا تحسبنّ الله غفلاً عما يعمل الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 6

6- موجودات دست ساز و فاقد هرگونه قدرت آفرینشگری ، لیاقت الوهیت ندارند و هرگونه عقیده ای به خدایی آنان ، باطل است .

والذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً وهم يخلقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 73 - 5

5- پرستش غیر خدا ، ایمان به باطل و کفران نعمت های الهی است .

أفبالبطل يؤمنون و بنعمت الله هم يكفرون . و يعبدون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 40 - 13

13- عقیده به مطالبی که مستلزم ترجیح خلق بر خدا شود، بسی زشت و نارواست .

أفأصفكم . . . إنكم لتقولون قولاً عظيماً

مشرکان، با انتساب ملائکه به عنوان دختران خدا و پسر دار بودن خود، قصد داشتند که خود را بر خداوند ترجیح دهند. خداوند، چنین اندیشه ای را نفی کرده و خلاف معرفی می کند. چنین برخوردی حاکی است: هر چیزی که بر خداوند ترجیح داده شود، زشت و ناپسند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 4 - 2

2- اعتقاد به فرزندگزینی خدا، پنداری بس ناروا و موجب عذابی شدید است .

لينذر بأساً شديداً . . . وينذر الذين قالوا اتخذ الله ولداً

ص: 170

آیه قبل، یکی از رسالت های قرآن را، بیم به عذاب شدید الهی بیان کرد و این آیه، به یکی از موارد استحقاق آن عذاب اشاره کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 5 - 1

1 - اعتقاد به وجود فرزند برای خدا، عقیده ای جاهلانه و فاقد کمترین دلیل علمی

ما لهم به من علم

«من» در «من علم» زاید و برای تأکید عموم است؛ و ضمیر در «به» قول (پندار) که از «قالوا..» استفاده می شود، بر می گردد؛ یعنی، هیچ گونه آگاهی و دانشی، پشتوانه پندارِ موهوم کسانی که برای خداوند، فرزند می پندارند، نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 14 - 15

15- اعتقاد به ربوبیت و الوهیت برای غیر خدا، پنداری بسیار دور از حق و واقعیت

لن ندعوا من دونه إلهًا لقد قلنا إذا شططًا

«شطط» به معنای دوری از حق و افراط و زیاده روی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 15 - 13

13- خداوند را دارای شریک دانستن، پنداری دروغ و افترا بر او است.

فمن أظلم ممن افتری علی الله کذبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 52 - 10

10- شرک، مبتنی بر پندار و فاقد بنیان و اساس حقیقی است.

شركاءى الذين زعمتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 56 - 0

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 38 - 6

6- گمان فرزندى عيسى (ع) براى خداوند ، پندارى ظالمانه و ضلالتى آشكار است .

ما كان لله أن يتخذ من ولد... لكن الظلمون اليوم فى ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 171

17- شرک و بت پرستی ، مسلکی ناهنجار و نامتعادل است .

لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ . . . فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 18 - 2،5

2- پیروزی عقیده و جهان بینی حق بر عقیده و جهان بینی باطل ، سنت الهی است .

و ما خلقنا السماء . . . لعین . . . بل نقذف بالحق علی البطل فیدمغه

خداوند در آیه قبل، از هدفمند بودن آفرینش جهان و نیز بطلان عقیده به بیهوده بودن خلقت طبیعت سخن به میان آورده است. این سخن قرینه بر این است که مقصود از حق و باطل در آیه شریفه، عقیده و جهان نگری حق و باطل است. گفتنی است که ذیل همین آیه (و لکم الویل ممّا تصفون) که در باره نسبت ناروا به خداوند و توصیف او به امور نادرست است، مؤید برداشت یاد شده است.

5- نابودی باطل و اندیشه های نادرست ، در گرو حضور اهل حق در میدان مبارزه با باطل است .

بل نقذف بالحق علی البطل فیدمغه

«باء» در «بالحق» برای استعانت است. براین اساس معنای آیه چنین می شود: «ما به کمک حق بر باطل می کوبیم و نابودش می سازیم». این معنا می رساند که حق باید در صحنه کارزار با باطل، حضور داشته باشد تا به وسیله آن بتوان باطل و اندیشه های نادرست را نابود کرد. گفتنی است خداوند نابود ساختن باطل را به خود نسبت نداده؛ بلکه حق را نابود کننده باطل دانسته است (فیدمغه)، این نکته مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 24 - 7

7- شرک ، اندیشه و باوری بی دلیل ، پوچ و غیر قابل اثبات است .

قل هاتوا برهنکم

امر «هاتوا» تعجیزی است که نشان می دهد مشرکان، از آوردن دلیل و برهان ناتوان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 43 - 6

6- عقیده کافران، در اعتبار و آبرومندی خدایان دروغینشان در نزد خداوند، پوچ و بی اساس است.

لا یستطیعون نصر أنفسهم ولا هم منّا یصبحون

با توجه به این که مخاطبان آیه شریفه مشرکان هستند و آنان معبودها و خدایان خود را شفیع برای خود می پنداشتند؛ به دست می آید که مقصود این آیه، بیان بطلان چنین پنداری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 44 - 3

3- دخالت معبودها و خدایان، در مقدار عمر و بهره‌وری مادی انسان، پندار باطل مشرکان

ص: 172

أَمْ لَهُمْ ءَالِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ . . . بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وءَابَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعَمْرُ

برداشت یاد شده بر این اساس است که «بل . . .»، اضراب از «أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ...» باشد. از این استفاده می شود که مشرکان به چنین قدرتی برای خدایان خویش اعتقاد داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 3 - 4

4- شرک ، اندیشه ای جاهلانه ، بی اساس و غیر قابل دفاع است .

و من الناس من يجدل في الله بغير علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 71 - 3

3 - وجود خدایان برای تدبیر امور عالم ، پنداری باطل است .

و يعبدون من دون الله ما لم ينزل به سلطاناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 80 - 13

13 - شرک و کفر ، بینشی غیر علمی و مخالف با مبانی عقلی

و هو الذی یحی . . . أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 90 - 5

5 - شرک ، اندیشه ای نادرست ، دروغ و نا منطبق با واقعیت های جهان هستی

بل أتینهم بالحقّ و إنهم لکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 52 - 11

11 - عقیده به شرک ، عقیده ای باطل است .

مثل الذین اتّخذوا من دون الله أولیاء .. . إنّ الله یعلم ما یدعون من دونه ... و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 156 - 4

4 - باور های دینی غیر متکی بر دلیل و حجت روشن ، مردود و محکوم است .

أم لکم سلطن مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 173

23 - تقرب آفرین بودن عبادت معبودها (بت و . . .) عقیده ای است دروغین .

و الذین اتّخذوا من دونه اولیاء ما نعبدهم إلاّ ليقربونا إلى الله زلفی . . . إنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 23 - 1

1 - بی اعتقادی به علم مطلق و فراگیر پروردگار ، پنداری نادرست و هلاکت بار

و ذلکم ظنّکم الذی ظننتم برّبکم اُردیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 24 - 4

4 - تکیه بر پندار و گمان های ناروا درباره خداوند ، درپی دارنده فرجامی شوم در آخرت

ذلکم ظنّکم . . . فالنار مثوی لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 47 - 15

15 - شرک ، باوری پوچ و فاقد هر گونه سند و دلیل

ءاذنّ-ک ما متّا من شهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 59 - 2

2 - اعتقاد به الوهیت عیسی (ع) ، باوری موهون و خرافی و ناسازگار با شخصیت واقعی آن حضرت

إن هو إلاّ عبد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 81 - 4

4 - اعتقاد به وجود فرزند برای خدا ، اعتقادی باطل و بی دلیل

قل إن كان للرحمن ولد فأنا أول العبدین

از آیه شریفه چنین استفاده می شود که اگر خدای رحمان فرزندی می داشت، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نخستین کسی بود که به او احترام می گذاشت؛ ولی چون پیامبر (صلی الله علیه و آله) تنها از خدای یگانه بدون فرزند سخن می گوید، نتیجه می گیریم که خداوند فرزندی ندارد و این استدلالی علیه اعتقاد باطل مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 35 - 4

4 - اعتقاد به فلاح و سعادت خویش به اتکال انجام بخش اندک از اعمال نیک ، باوری واهی *

ص: 174

و أعطى قليلاً و أكدى . أعنده علم الغيب فهو یری

از ارتباط «اعنده. .» با آیات پیشین می توان چنین بیان نمود که: دنیامداران با اعطای مالی اندک، خویش را فلاح یافته می انگاشتند و خداوند با نفی علم غیب از آنان، این اندیشه را تخطئه می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 2 - 10

10 - شرک ، عقیده ای نادرست و ضد رشد

یهدی إلى الرشد . . . و لن نترك برئنا أحداً

تصریح جنیان به این مطلب که ما به خدا شرک نمیورزیم - پس از پی بردن به راهنما بودن قرآن به سوی رشد و درستی - می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 7 - 1

1 - پندار نهان ماندن کردار ها از خداوند و ناظر نبودن او بر انسان ، پنداری باطل و شگفت آور است .

أیحسب أن لم یره أحد

229- عقیده باطل بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 74 - 5

5 - مشرکان و بت پرستان ، معتقد به توانایی بت ها و معبود های خویش برای یاری رسانی

و اتّخذوا من دون الله ءالهه لعلّهم ینصرون

230- عقیده باطل بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 89 - 3

3 - تویخ و سرزنش بنی اسرائیل از سوی خداوند ، به جهت عقیده کور و نسنجیده آنان به معبود بودن گوساله سامری

أفلايرون أليرجع إليهم قولاً

استفهام در «أفلايرون» برای انکار توبيخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 64 - 4

ص: 175

4- وجود باور های افراطی و غلوآمیز درباره عیسی (ع)، در عصر خود آن حضرت *

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبِّكُمْ

تأکید بر تعبیر «رَبِّي»، می تواند در راستای تخطئه گرایش ها و باورهای غلوآمیز مردم آن زمان باشد.

231- عقیده باطل در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 20 - 6

6- جامعه اصحاب کهف، در دفاع از عقاید باطل خویش، تعصب و شدت عمل داشتند.

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ

232- عقیده باطل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 23 - 4

4- قیامت، روز رسوایی مشرکان و آشکار شدن بطلان عقاید شرک آلود آنان

ثم لم تكن فتنتهم... و الله ربنا ما كنا مشركين

233- عقیده باطل درباره خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 100 - 10، 8، 6، 5، 1

1 - برخی مشرکان خداوند را دارای شریکانی از جنیان می دانستند.

و جعلوا لله شركاء الجن

5 - برخی مشرکان خداوند را دارای پسران و دخترانی می پنداشتند.

و خرقوا له بنين و بنت بغير علم

6 - شریک پنداشتن برای خداوند و انتساب فرزند به او، پنداری باطل و از سر نادانی است.

و خرقوا له بنین و بنت بغیر علم

8 - ضرورت پرهیز از پندارهای جاهلانه و به دور از علم درباره خداوند

و خرقوا له بنین و بنت بغیر علم سبحنه

10 - خداوند منزّه و برتر از پندارهایی است که جاهلانه درباره او ابراز می گردد.

بغیر علم سبحنه و تعلی عما یصفون

ص: 176

234- عقیده باطل ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 10

10 - ستمگران با دیدن عذاب الهی در قیامت ، از انتخاب عقیده کفر آلود ، پشیمان شده و آن را مخفی خواهند کرد .

و لو ترى إذ الظالمون موقوفون عند ربهم . . . و أسروا الندامه لَمَّا رأوا العذاب

235- عقیده باطل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 51 - 12

12 - فرعون ، معتقد به حق بی بدیل و بی شریک خود نسبت به حکومت بر مصر

أليس لى ملك مصر

236- عقیده باطل قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 61 - 8

8- قوم ثمود ، مردمی مشرک و معتقد به معبودهایی متعدد

يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 14 - 9

9 - پندار باطل قوم عاد و ثمود ، مبنی بر لزوم فرشته بودن رسولان الهی

قالوا لو شاء ربنا لأنزل ملئکه

237- عقیده باطل قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - مردم سبا ، دلپسته و مفتخر به آداب و عقاید نادرست خود و گرفتار در دسیسه های شیطان

ص: 177

و زین لهم الشیطن أعملهم

238- عقیده باطل قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 14 - 9

9- پندار باطل قوم عاد و ثمود، مبنی بر لزوم فرشته بودن رسولان الهی

قالوا لو شاء ربنا لأنزل ملئکه

239- عقیده باطل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 72 - 10

10- کافران به خاطر باطل گرایی، علی رغم مشاهده آثار و نعمت های الهی در تمام ابعاد زندگی خود، مورد سرزنش خدایند.

والله جعل لکم .. ألباطل یؤمنون و بنعمت الله هم یکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 41 - 1

1 - کافران، محروم از پشتوانه غیبی و گرفتار وهم در اندیشه های باطل خویش

أم یقولون شاعر نتریص به ریب المنون .. أم عندهم الغیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 21 - 1

1 - پندار دروغ بودن قرآن، پنداری موهوم و از اندیشه های باطل کافران است.

فی تکذیب .. بل هو قرآن مجید

حرف «بل»، اضراب از قبل است و اندیشه تکذیب گرانه کافران را تخطئه می کند.

240- عقیده باطل کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 5 - 4

4 - اعتقاد کافران عصر بعثت به معبود های بی شمار

ص: 178

241- عقیده باطل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 137 - 3

3 - اعتقاد مشرکان به بتها و معبودهای پنداری، عامل زیبا جلوه نمودن فرزندکشی در نظر ایشان

و کذلک زین . . . قتل أولدهم شرکاؤهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 19

19 - مشرکان علی رغم سراغ نداشتن مخلوقی برای خدایان خویش، به ولایت و تدبیر آنان معتقد بودند .

أفأخذتم من دونه أولیاء . . . أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشبه الخلق علیهم

جمله «خلقوا كخلقه» صفت برای «شركاء» است. «خلق» در هر دو مورد («كخلقه» و «الخلق») مصدر و به معنای اسم مفعول (مخلوقات) است. «تشابه» (مصدر تشابه) به قرینه کلمه «علی» به معنای مشتبه شدن به خاطر مشابهت است. «أم» در جمله فوق أم منقطعه و حاوی استفهام انکاری است و می رساند که خود مشرکان نیز برای شرکا و معبودهای پنداری، آفرینشی را باور نداشتند تا با آفریده های خدا مشتبه شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 36 - 5

5 - برانگیختن انبیا در میان همه امت ها برای دعوت به توحید عبادی، دلیل بطلان عقیده مشرکان به جبری بودن شرکشان

وقال الذین أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . . . ولقد بعثنا فی کلّ أ

آوردن عبارت «قد بعثنا . . .» پس از بیان کلام مشرکان درباره جبری بودن شرکشان، به منزله جواب برای آن است؛ با این بیان که اگر شرک خواست خداوند بود، نباید انبیا را مبعوث می کرد و حال آنکه آنان را برای هدایت برانگیخته است و این حکایت از بطلان عقیده آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 43 - 8

8- مبعوث شدن انبیا از سوی خداوند ، دلیل بطلان عقیده مشرکان ، در جبری انگاشتن اعتقاداتشان

وقال الذین أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . . . و ما أرسلنا من قبلك

احتمال دارد که آیه در صدد جواب گویی به مشرکان باشد که می پنداشتند مشیت خداوند آنان را به شرک عبادی وا داشته است (لو شاء الله ما عبدنا من دونه) که خداوند به آنان پاسخ می دهد: سنت خداوند در هدایت مردم برانگیختن انسانهایی جهت هدایتگری است و جبری در کار نیست.

ص: 179

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 40 - 1,2,4,6,10

1- مشرکان بر این باور بودند که خداوند برای خود، دخترانی از ملائکه برگزیده است.

أَفَأَصْفَكُمْ رَبِّكُمُ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنثًا

2- مشرکان بر این باور بودند که خداوند، به دختر و جنس زن، بیش از پسر و جنس مرد، علاقه داشته و ارزش می نهد.

أَفَأَصْفَكُمْ رَبِّكُمُ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنثًا

از اینکه مشرکان گفته اند: «خداوند برای خود دخترانی از جنس ملائکه انتخاب کرد» می تواند به این معنا اشاره داشته باشد که آنان، می پنداشتند خداوند، به خاطر تمایل و علاقه به جنس زن، چنین گزینشی کرده است.

4- خداوند، برخلاف پندار واهی مشرکان، هیچ گاه برای آنان، پسر برگزیده و برای خود دختر به فرزندی نگرفته است.

أَفَأَصْفَكُمْ رَبِّكُمُ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنثًا

استفهام در آیه، انکاری و در مقام توییح و سرزنش مشرکان است و این، حکایت از نکته یاد شده می کند.

6- مشرکان، به خاطر عقاید واهی درباره خدا و ملائکه، مورد سرزنش و ملامت قرار گرفتند.

أَفَأَصْفَكُمْ رَبِّكُمُ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنثًا

استفهام در آیه، توییحی است و دلالت بر سرزنش و ملامت مخاطبان (مشرکان) می کند.

10- عقیده مشرکان به دختر داشتن خداوند در مقابل پسر داشتن خودشان، سخنی غیر قابل توجیه و بس بزرگ، ناروا و غیر منطقی است.

أَفَأَصْفَكُمْ رَبِّكُمُ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 43 - 2

2- ساحت قدس خداوند، بسی والاتر و عظیم تر از پندار های واهی مشرکان درباره اوست.

سبحنه و تعلى عما يقولون علواً كبيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 44 - 16

16- مشرکان ، به خاطر عقاید و سخنان ناروا ، مورد تهدید خدا قرار گرفتند .

إنکم لتقولون قولاً عظيماً .. . تعالى عما يقولون ... إنه كان حليماً غفوراً

ذکر جمله «إنه كان حليماً غفوراً» بیانگر این است که سخنان ناروای مشرکان، شایسته مجازات است اگرچه به جهت حلم و غفران خداوند، فعلاً کیفر نشوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 52 - 2

2- مشرکان ، در قیامت ، به پندار توان مندی معبودان شان بر یاری آنان ، عجولانه ، از آنان استمداد خواهند کرد .

و یوم یقول نادوا .. . فدعوهم

«فای تعقیب» در «فدعوهم» بر بی درنگ بودن کار آنان دلالت می کند. کاربرد فعل ماضی، برای کاری که در قیامت انجام می

ص: 180

گیرد (دعوهم) نشانه آن است که - به مجرد فرصت یافتن مشرکان - باید استمداد را انجام یافته تلقی کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 33 - 1

1 - موسی (ع) تسبیح فراوان و تبرئه مکرر خداوند را از پندار های باطل مشرکان ، در گرو همراهی هارون با او می دانست .

کی نسبّحک کثیراً

مراد از تسبیح - به قرینه مأموریت موسی (ع) برای هدایت فرعون - تنزیه خداوند از داشتن شریک و هرگونه محدودیتی در الوهیت و ربوبیت است. فاعل «نسبّحک» موسی و هارون (ع) می باشد و «کی نسبّحک» تعلیل برای جمله های اخیر است که درخواست همراهی هارون را مطرح کرده بود؛ یعنی با پشتیبانی هارون، دعوت به توحید - که متضمن تنزیه خداوند از داشتن شریک است - افزایش خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 21 - 1

1- اعتقاد مشرکان به خدایانی برگرفته شده از مواد و عناصر زمینی

أم اتّخذوا ءالهه من الأرض

«أم» در «أم اتّخذوا» منقطع و متضمن معنای «بل» است، که برای اضراب است می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 26 - 2

2- ملائکه ، فرزندان خداوند در پندار مشرکان

وقالوا اتّخذ الرحمن ولداً

متعلق «اتّخذوا» حذف شده و تقدیر آن به قرینه «بل عباد مکرمون» چنین است: «وقالوا اتّخذ الرحمن من الملائکه ولداً؛ گفتند خداوند از میان فرشتگان فرزندی برگزید.»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 64 - 2

2 - انباز داشتن خدا ، پنداری باطل و ساخته ذهن شرک پیشگان

وقیل ادعوا شرکاء کم

اضافه «شرکاء» به ضمیر «کم» بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 11

11 - مشرکان ، به خاطر انتخاب عقیده شرک آلود ، در قیامت پشیمان شده و آن را پنهان خواهند کرد .

ولو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربهم . . . وأسروا الندامة لما رأوا العذاب

ص: 181

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 74 - 5

5- مشرکان و بت پرستان ، معتقد به توانایی بت ها و معبود های خویش برای یاری رسانی

و اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً لَعَلَّهُمْ يَنْصُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 15 - 3

3- اعتقاد مشرکان به وجود ترکیب و تجزیه در ذات الهی

و جعلوا له من عباده جزءاً

به کار رفتن واژه «جزء» به جای «ولد»، اشاره به باور جاهلانه مشرکان در جسمانی بودن و ترکیب خدا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 16 - 2

2- اعتقاد به دختر داشتن خدا، در عین برتر دانستن پسر، تناقضی آشکار در باور های جاهلی

أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفِيكُمْ بِالْبَنِينَ

آیه شریفه، در مقام نکوهش از مشرکان، به این نکته اشاره می کند که به پندار شما دختر از مقام پایین تر و پست تری برخوردار است؛ پس چگونه خود را بر خدا ترجیح داده و سهم او را دختر و سهم خود را پسر می دانید؟!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 39 - 2،4،1

1- شرک پیشگان، مورد توبیخ الهی، به خاطر اعتقاد به وجود دخترانی برای خداوند

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبَنُونَ

2- فرشتگان، دختران خدا در نظر مشرکان، به رغم بیزاری خودشان از داشتن دختر و افتخارشان به پسران

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبَنُونَ

مشرکان، از داشتن دختر عار داشتند. خداوند براساس همین پندار غلط، با ایشان مواجه کرده است؛ که اگر به راستی دختران ننگ اند، چرا دختران را به خداوند نسبت داده و تنها خود را مالک پسران می دانید؟!

4 - مشرکان ، گرفتار عقایدی خرافی و فاقد هرگونه برهان و دلیل

فلیأت مستمعهم بسلطن مبین . أم له البنت و لکم البنون

از ارتباط این آیه با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود. بدین معنا که این آیه، ارائه دهنده نمودی از بی برهانی کافران در اعتقادات خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 22 - 3، 1

1 - اعتقاد مشرکان مبنی بر دختر داشتن خداوند ، باوری ناروا و ناسازگار با مبانی ارزشی خود آنان

ألكم الذکر و له الأُنثی . تلک إذا قسمه ضیزی

ص: 182

با آن که مشرکان پسر را بر دختر ترجیح می دادند، خداوند تقسیم آنان را در نسبت دادن دختر، به او و برگزیدن پسر برای خویشتن، تقسیمی غیر عادلانه دانسته و آن را نامتناسب با مبانی ارزشی خود آنان معرفی کرده است.

3- استفاده از جدل و به کارگیری مبانی باطل گرایان علیه خود آنان، از روش های قرآن در احتجاج با اهل شرک

أَلْكُمْ الذَّكْرَ وَ لِه الْأُنْثَى . تَلْكَ إِذَا قَسَمَه ضِيزَى

با توجه به این که خداوند مبانی ارزشی مشرکان را در تبعیض بین پسران و دختران علیه خود آنان به کار گرفته است، مطلب بالا استفاده می شود.

242- عقیده باطل مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 16 - 5

5- مشرکان جاهلی، با وجود اعتقاد به مخلوق بودن فرشتگان، آنان را دختر خدا می پنداشتند.

أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ

لحن آیه شریفه نشان می دهد که مشرکان مکه، مخلوق بودن فرشتگان را پذیرفته بودند و خداوند آنان را مورد سرزنش قرار می دهد که چگونه در میان مخلوقات، آنچه را که خود نمی پسندند، به او نسبت می دهند.

243- عقیده باطل مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 21 - 2

2- مشرکان در عصر بعثت، چندگانه پرست و معتقد به خدایان و معبود ها متعدد بودند.

أَمْ اتَّخَذُوا إِلَهًا مِنَ الْأَرْضِ

«إلهه» جمع «إله» به معنای خدایان و معبودها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 24 - 1

1- مشرکان در عصر بعثت، معتقد به خدایان و معبود های متعدد بودند.

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً

«ءالهه» جمع «إله» به معنای خدایان و معبودها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 26 - 1

1- فرزند اختیار کردن خداوند ، عقیده و پندار مشرکان صدر اسلام

ص: 183

وقالوا اتّخذوا الرحمن ولدًا

«إِتْخَاذُ» (مصدر «اتّخذ») و از باب افتعال) به معنای برگرفتن و انتخاب کردن، همراه با قبول و خشنودی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 15 - 1

1 - اعتقاد جاهلانه مشرکان عصر بعثت، به وجود فرزند برای خدا

و جعلوا له من عباده جزءًا

ضمیر فاعلی «جعلوا» - به قرینه آیات پیشین - مربوط به مشرکان معاصر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است و «جزءًا» - با توجه به آیه بعد - کنایه از فرزند می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 16 - 1

1 - مشرکان عصر جاهلی، فرشتگان را دختران خدا می پنداشتند.

و جعلوا له من عباده جزءًا .. أم اتّخذ ممّا یخلق بنات

مراد از «ما یخلق» - به قرینه فرازهای بعد - فرشتگان هستند.

244- عقیده باطل مشرکان مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 81 - 2

2 - مشرکان عصر بعثت، معتقد به وجود فرزند، برای خدای رحمان

قل إن کان للرحمن ولد فأنا أول العبدین

245- عقیده باطل مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 9

9- پندار باطل مردم مصر به پایان یافتن نبوت و نیامدن هیچ پیامبری از جانب خدا، برای انسان های بعد از یوسف (ع)

حتّٰی إذا هلک قلتم لن یبعث الله من بعده رسولا

ص: 184

246- عقیده باطل مکذبان انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 7 - 8

8 - کسانی که انفاق را اتلاف مال می پندارند ، گرفتار پنداری موهوم و مذموم اند .

يقول أهلکت مالا لبدا . أیحسب أن لم یره أحد

247- عقیده باطل مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 17 - 3

3 - منکران معاد ، فرورفته در کفر و در اوج پافشاری بر پندار باطل خویش

ما اکفره

از آیات بعد - که توجّه به مبدأ خلقت انسان را مقدمه توجّه به معاد در «ثمّ إذا شاء أنشره» قرار داده است - استفاده می شود که آیه شریفه بر منکران معاد نیز قابل تطبیق است. مفاد جمله «ما اکفره»، تعجب از رسوخ کفر در کافران است تا آن حد که به هیچ نحو زایل نمی شود. این تعبیر ممکن است، صیغه تعجب و یا استفهام باشد.

248- عقیده باطل یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 76 - 15

15 - آگاه نبودن خدا به اسرار نهانی انسان ها ، از باور ها و پندار های باطل یهود

أتحدّثونهم بما فتح الله علیکم لیحاجوکم به عند ربکم

از جمله «أتحدّثونهم .. لیحاجوکم» چنین بر می آید که یهود آن گاه راه احتجاج علیه خویش را گشوده می دیدند که حقایق و دانسته های خویش را آشکار کنند؛ ولی اگر حقایق را آشکار نکنند علیه آنان احتجاج نمی شود و مؤاخذه نمی گردند. این پندار بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توجه به باور ناردست یهود درباره (عذاب نشدن یهود جز روزی چند) ، موجب قطع امید از ایمان آوردن اینان

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم . . . وقالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 59 - 6

ص: 185

6 - پندار غلبه بر خدا با کفرورزی و تمرد از دستورات او و شکستن پیمان های پیامبر (صلی الله علیه و آله)، پندار یهودیان کفرپیشه و اندیشه ای ناصواب

و لایحسبن الذین کفروا سبقوا

چنانچه در آیه 56 گذشت، مشهور مفسران برآنند که مراد از نقض کنندگان پیمان در این بخش از آیات، یهودیان هستند. بنابراین یهودیان مصداق مورد نظر از «الذین کفروا» هستند.

249- عقیده به امداد معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 25 - 7

7- قوم بت پرست نوح، معتقد به شفاعت و یاری رسانی معبودهایشان در برابر گرفتاری ها و عذاب ها

فلم یجدوا لهم من دون الله أنصارًا

250- عقیده به تدبیر معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 19

19- مشرکان علی رغم سراغ نداشتن مخلوقی برای خدایان خویش، به ولایت و تدبیر آنان معتقد بودند.

أفأخذتم من دونه أولیاء .. أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشبه الخلق علیهم

جمله «خلقوا كخلقه» صفت برای «شركاء» است. «خلق» در هر دو مورد («كخلقه» و «الخلق») مصدر و به معنای اسم مفعول (مخلوقات) است. «تشابه» (مصدر تشابه) به قرینه کلمه «علی» به معنای مشتبه شدن به خاطر مشابهت است. «أم» در جمله فوق ام منقطعه و حاوی استفهام انکاری است و می رساند که خود مشرکان نیز برای شرکا و معبودهای پنداری، آفرینشی را باور نداشتند تا با آفریده های خدا مشتبه شود.

251- عقیده به شعور معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 36 - 10

10 - مشرکان، معتقد به شعورمندی معبود ها و تأثیرگذاری آنها در سرنوشت انسان ها

و یخوفونک بالذین من دونه

اعتقاد به گزند رساندن معبودهایی چون بت، بیانگر مطلب یاد شده است.

ص: 186

252- عقیده به شفاعت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 41 - 5, 1

1 - اعتقاد مشرکان به شفاعت کردن معبود ها و تضمین نمودن سعادت اخروی برای ایشان

أم لهم شركاء فليأتوا بشركائهم

در این که مقصود از «شركاء» چیست، دو احتمال وجود دارد: 1- معبودهای ادعایی مشرکان که آن را شریک خدا می پنداشتند؛ 2- کسانی از عقلای جهان که در عقاید و افکار دینی با مشرکان شریک و همفکراند، مثلاً در این مسأله که سرنوشت مجرمان با مسلمانان یکسان است و... برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

5 - عقیده به شفاعت معبود ها و یکسان بودن سرنوشت مجرمان (مشرکان) با مسلمانان ، عقیده ای منحصر به مشرکان عصر بعثت و فاقد شاهد و تصدیق کننده ای از میان عقلای عالم

أم لهم شركاء فليأتوا بشركائهم إن كانوا صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 25 - 7

7 - قوم بت پرست نوح ، معتقد به شفاعت و یاری رسانی معبودهایشان در برابر گرفتاری ها و عذاب ها

فلم يجدوا لهم من دون الله أنصارًا

253- عقیده به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 80 - 20

20 - شرک ورزی، علی رغم دلایل روشن توحید، امری شگفت انگیز است.

أتحجونني في الله وقد هدين . . أفلا تتذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 137 - 3

3- اعتقاد مشرکان به بتها و معبودهای پنداری، عامل زیبا جلوه نمودن فرزندکشی در نظر ایشان

و کذلک زین . . . قتل اولدهم شرکاؤهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 54 - 4

4- قوم عاد، براین باور بودند که هر بت و معبودی، در بخشی از امور کارایی دارد . *

ص: 187

إن نقول إلاّ اعتریک بعض ءالھتنا بسوء

از اینکه قوم عاد ، ایجاد سوء را به برخی از خدایان نسبت داده اند (بعض ءالھتنا) و نه به همه آنها ، می توان دریافت که آنان ، هرت و معبودی را عهده دار انجام کاری خاص می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 44 - 1

1- عمر طولانی همراه با بهره مندی جوامع شرک پیشه از نعمت های الهی ، موجب دل بستگی آنان به معبود ها و توهم کارساز بودن آنها

بل هم عن ذکر ربهم معرضون . . . بل متّعنا هؤلاء و ءاباءهم حتّی طال علیهم العمر

«بل» در جمله «بل متّعنا. . .» برای اضراب از موضوع پیش (أم لهم آلہہ تمنعہم من دوننا) است؛ یعنی ، توهم این که معبودها از آنان حمایت می کنند، بر اثر زندگی پر نعمت، همراه با مهلت و عمر طولانی است.

254- عقیده به ولایت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 19

19- مشرکان علی رغم سراغ نداشتن مخلوقی برای خدایان خویش ، به ولایت و تدبیر آنان معتقد بودند .

أفأخذتم من دونہ اولیاء . . . أم جعلوا لله شرکاء خلقوا کخلقه فتشبه الخلق علیهم

جمله «خلقوا کخلقه» صفت برای «شرکاء» است. «خلق» در هر دو مورد («کخلقه» و «الخلق») مصدر و به معنای اسم مفعول (مخلوقات) است. «تشابه» (مصدر تشابه) به قرینه کلمه «علی» به معنای مشتبه شدن به خاطر مشابهت است. «أم» در جمله فوق أم منقطعه و حاوی استفهام انکاری است و می رساند که خود مشرکان نیز برای شرکا و معبودهای پنداری، آفرینشی را باور نداشتند تا با آفریده های خدا مشتبه شود.

255- عقیده باطل مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 42 - 3

3- مشرکان مکه ، به وجود خدایانی متعدد در کنار پروردگار جهان معتقد بودند .

قل لو کان معہ ءالہہ کما یقولون

256- علاقه به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 165 - 4,5,6

4 - مشرکان به خدایان دروغین محبت داشته و به آنها علاقه مند هستند .

یحبونهم

5 - مشرکان ، علاوه بر محبت به معبودان پنداری ، به خداوند نیز علاقه مند هستند .

یحبونهم کحب الله

برداشت فوق بر این اساس است که «حب» به مفعول اضافه شود و فاعلش ضمیر محذوفی باشد که به «من الناس» برگردد؛ یعنی: کحبهم الله.

6 - محبت مشرکان به معبودان پنداری ، همطراز محبتشان به خداوند است .

یحبونهم کحب الله

257- عمل باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 139 - 4

4 - اعمال بت پرستان ، اعمالی باطل و بی ثمر در پیشگاه خداوند

و بطل ما كانوا يعملون

258- عنصر معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 21 - 1

1- اعتقاد مشرکان به خدایانی برگرفته شده از مواد و عناصر زمینی

أم اتَّخَذُوا آلِهَهُ مِنَ الْأَرْضِ

«أم» در «أم اتَّخَذُوا» منقطعه و متضمن معنای «بل» است، که برای اضرب است می باشد.

259- عوامل اصرار بر باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 35 - 12

12 - تکبر و تجاوزگری ، موجب پافشاری بر راه باطل ، تردید در حق و ستیزه جویی با آیات الهی (تعالیم دین) است .

ص: 189

من هو مسرف مرتاب . الذين يجدلون في آيت الله ... كذلك يطبع الله على كل قلب

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله «کذلک يطبع الله على كل قلب متکبر جبار» درصدد بیان علت اسراف و تردید در حق و جدال در آیات الهی باشد (که در آیه پیش و صدر این آیه، مورد بحث قرار گرفته است).

260- عوامل انقراض باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 49 - 3،4

3- باطل، پس از ظهور اسلام قابل تجدید حیات و بازگشت نیست .

قل . . . و ما یبدئ البطل و ما یعید

4- با آمدن قرآن، باطل مطلق جایی برای جولان ندارد و نمی تواند بروز و ظهور پیدا بکند .

قل جاء الحق و ما یبدئ البطل و ما یعید

261- عوامل تبیین باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 124 - 9

9- تبیین نهایی حق و باطل و فیصله دادن به اختلافات بشری، مقتضای ربوبیت الهی

وإن ربک لیحکم . . . فیما کانوا فیہ یختلفون

262- عوامل زوال باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 81 - 3

3- اضمحلال و نابودی باطل، تنها در پرتو ظهور و به میدان آمدن حق میسر است .

و قل جاء الحق و زهق البطل

احتمال دارد تقدم «جاء الحق» بر «زهق البطل» از آن جهت باشد که باید با میدان آوردن حق، باطل را از میان برد و جمله «إن الباطل کان زهوقاً» (باطل طبیعتاً نابود شدنی و رفتنی است) مؤید برداشت فوق است.

263- عوامل شکست باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 190

3 - تضمین تحقق حق و محو باطل در پرتو ریشه کن شدن کافران است .

و یقطع دابر الکفرین. لیحقق الحق و یبطل البطل

برداشت فوق بر این اساس است که «لیحقق الحق» متعلق به «یقطع . . .» در آیه قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 82 - 1

1- نزول آیات قرآن از جانب خداوند ، جلوه حق و مایه نابودی باطل

و قل جاء الحقّ و زهق البطل . . . و نزل من القرآن

ذکر «و نزل من القرآن» پس از اعلام پیروزی حق و شکست باطل می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

264- عوامل علاقه به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 165 - 19

19 - پنداشتن قدرت در معبودان دروغین ، عالم محبت مشرکان به آنهاست .

یحبونهم کحب الله . . . و لو یری الذین ظلموا . . . أن القوه لله جميعاً

265- عوامل گرایش به باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 4 - 5

5 - ستمگری ، باطل گرایی و دروغ پردازی ، از نتایج و اثرات کفر به خدا و انکار رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و قال الذین کفروا إن هذا إلاّ افک . . . فقد جاء وظلمًا و زورًا

«زور» به معنای سخن باطل و دروغ است (لسان العرب).

266- عوامل مبارزه غلط با باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 97 - 2

2 - استفاده از شیوه های نادرست در مبارزه با باطل ، نتیجه القائنات شیطانی است .

ادفع بالتي هي أحسن السيئه . . . وقل رب أعوذ بك من همزت الشيطان

ص: 191

267- عوامل نابودی باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 8 - 3

3 - تضمین تحقق حق و محو باطل در پرتوریشه کن شدن کافران است .

و یقطع دابر الکفرین. لیحقق الحق و يبطل البطل

برداشت فوق بر این اساس است که «لیحقق الحق» متعلق به «یقطع . . .» در آیه قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 24 - 12

12 - وحی الهی (قرآن) ، موجب تحکیم حق و نابودی باطل

یمح الله البطل و یحقّ الحقّ بکلمته

«کلمات» می تواند اشاره به وحی و آیات الهی داشته باشد.

268- عوامل نشر عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 77 - 18

18 - گروهی از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، هواپرستان گمراه و ناشر عقاید افراطی و غلوآمیز در میان همکیشان خود

و لاتتبعوا اهواء قوم . . و اضلوا کثیراً و ضلوا عن سواء السبیل

کلمه «ضلوا» در دو بخش از آیه می تواند اشاره به دو طایفه از گمراهان داشته باشد، طائفه ای پیش از بعثت که جمله «قد ضلوا من قبل» بیانگر آن است و طائفه ای معاصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) که جمله «ضلوا عن سواء السبیل» حاکی از آنان می باشد. گفتنی است که آوردن قید «من قبل» در یک بخش و نیامدن آن در بخش بعد، گویای این تفسیر است.

269- غفلت از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- غفلت و فراموشی مشرکان از معبود های خویش ، در مواجهه با واقعیت های سهمگین قیامت

و ضلّ عنهم ما كانوا

بنابر این که «ضلّ عنهم» اشاره به این باشد که صحنه قیامت آن چنان برای مشرکان وحشتناک و دهشت آور است که خاطره بت

ص: 192

ها از نظرشان محو و نابود خواهد شد.

270- فراموشی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 41 - 12

12 - فراموش شدن عقاید شرک آمیز و معبودهای دروغین به هنگام رویارویی با عذاب و مرگ

قل أرءیتکم إن أتیکم عذاب اللّٰه أو أتتکم الساعه . . . و تنسون ما تشرکون

271- فرجام باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 18 - 1

1- در نزاع میان جبهه حق و باطل ، پیروزی نهایی از آن حق مداران است .

بل نقذف بالحقّ علی البطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 98 - 8

8 - پیروزی نهایی در عرصه مبارزه حق و باطل ، از آن جبهه حق خواهد بود .

إذ قال لأییبه و قومہ ماذا تعبدون . . . قالوا ابنوا له بنیناً فألقوه فی الجحیم . ف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 21 - 1

1 - در جنگ حق و باطل ، غلبه با حق است .

کتب اللّٰه لأغلبنّ أنا و رسلی

272- فرجام معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 94 - 2

2 - دوزخ ، فرجام مشترک گمراهان و معبودهایشان

فکبکبوا فیها هم و الغاون

ص: 193

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 161 - 1

1 - مشرکان با معبودهایشان ، دارای سرنوشتی یکسان و مشترک اند .

فإنکم و ما تعبدون

جمله «فإنکم...» از نظر ترکیبی، دو احتمال دارد: 1- جمله ای مستقل باشد؛ مانند «کلّ رجل وضيعته»، (مرد است و کسب و کارش). در این صورت، پیام آیه چنین می شود: شما هستيد و معبودهایتان، که به حال خود واگذاشته شدید و از شما کاری ساخته نیست و سرنوشتی مشترک دارید. 2- «کُم» اسم «إنّ» و «ما تعبدون» عطف بر این اسم و جمله «ما أنتم علیه...» خبر آن باشد بر این اساس، برداشت هایی می شود که در آیات بعد خواهد آمد.

273- فلسفه عبادت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 3 - 6

6 - تقرب به خداوند ، هدف مشرکان از عبادت معبودهایشان

ما نعبدهم إلا ليقربونا إلى الله زلفی

274- قدرت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 165 - 18

18 - مشرکان ، خدایان دروغین را دارای قدرت می پندارند .

و لو یری الذین ظلموا إذ یرون العذاب أن القوه لله جميعاً

طرح مسأله قدرت خداوند و انحصار آن به او برای کسانی که غیر خدا را همتای خدا می پندارند، بیانگر این است که: مشرکان به توهم برخورداري معبودانشان از قدرت، آنها را همانند خداوند پنداشته و بر اساس آن به ایشان محبت میورزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 23 - 8

8 - معبود ها ، برخوردار از توانایی برای نجات دادن از گرفتاری و رنج در نظر مردم انطاکیه

ءالهه إن یردن الرحمن بضرّ لاتغن عتّی . . . و لاینقدون

ص: 194

275- قرآن و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 14 - 3

3 - صفحات قرآن، پاک و منزّه از ثبوت هرگونه ناروا و دروغ و به دور از مطالب باطل

مطهره

276- قضاوت باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 4 - 11

11 - قضاوت کافران درباره غلبه شان بر دین خدا، مبتنی بر وهم و خیال و قضاوت ناشایست بود.

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا سوء ما يحكمون

277- قضاوت بین حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 26 - 2

2 - ربوبیت خداوند، مقتضی جمع انسان ها در قیامت و داوری نهایی بین جریان حق و باطل

قل يجمع بيننا ربنا ثم يفتح بيننا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 110 - 7،8

7- امتناع خداوند از داوری میان حق و باطل در عرصه حیات دنیوی، بر اساس تقدیری است که خود مقرر کرده است.

لولا كلمة سبقت من ربك لقضى بينهم

8- مصالح جوامع بشری و تدبیر امور انسان ها، مایه تقدیر خداوند بر داوری نکردن او میان حق گرایان و باطل اندیشان، در عرصه حیات دنیاست.

لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

برداشت فوق ، از کلمه «رب» - که به معنای مدبر و مربی است - استفاده می شود؛ یعنی ، تقدیر یاد شده (لولا کلمه سبقت ..) در راستای تدبیر امور انسانهاست.

ص: 195

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 17 - 3،4،8

3- هیچ گاه آفرینشگر با غیر آفرینشگر ، قابل مقایسه نیست .

أفمن یخلق کمن لا یخلق

4- قابل قیاس نبودن موجود آفرینشگر با موجود فاقد قدرت خلق ، از بدیهیات عقلی است .

أفمن یخلق کمن لا یخلق

طرح سؤال یاد شده در آیه بی آنکه جوابی برای او بدهد ارشاد به حکم عقل است.

8- بی توجهی به غیر قابل قیاس بودن خالق با غیر خالق ، مذموم و ناپسند است .

أفمن یخلق کمن لا یخلق أفلاتذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 75 - 11،12

11- استقلال مالی و توانگری همراه با انفاق ، غیر قابل مقایسه با وابستگی ، فقر و ناتوانی از انفاق است .

ضرب الله مثلاً عبداً مملوگاً لا یقدر علی شیء و من رزقنه .. هل یستون

12- قابل مقایسه نبودن مخلوقات با خداوند ، امری روشن و به دور از ابهام است .

ضرب الله مثلاً عبداً مملوگاً .. و من ... فهو ینفق منه سرّاً و جهراً هل یستون

پاسخ «هل یستون» به جهت بدهت و وضوح ذکر نشده است که در واقع خداوند می فرماید: همان گونه که برده ای فاقد اختیار، هرگز قابل مقایسه با آزاده ای توانمند و انفاقگر نیست و این موضوعی است بدیهی و بی نیاز از توضیح، مقایسه خلق با خدا نیز این چنین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 76 - 8

8- قابل مقایسه نبودن مخلوقات با خداوند ، امری روشن ، بدیهی و به دور از ابهام است .

و ضرب الله مثلاً رجلين أحدهما أبكم لا يقدر على شيء .. هل يستوي هو و من يأمر بال

برداشت فوق، از حذف جواب استفهام (هل يستوي هو ..) - که می تواند این حذف به خاطر وضوح و بدهاقت آن باشد - استفاده گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 98 - 2

2- هیچ چیز ، قابل مقایسه و برابری با پروردگار جهانیان نیست .

إن كنا لفي ضلل مبين . إذ نسويكم رب العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 61 - 1

ص: 196

1 - مقایسه انسان هدایت شده (هر چند بی بهره از موهبت های دنیوی) با انسان هدایت ناپذیر (اما برخوردار از متاع مادی) قیاسی
نسنجیده و باطل در بینش الهی

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا .. كمن متّعنه

آیه بالا ادامه آیات پیشین و مربوط به کسانی است که به دعوت پیامبر(صلی الله علیه و آله) پاسخ مثبت داده و به هدایت الهی دست یافتند
و نیز در رابطه با کسانی است که از پذیرش دعوت آن حضرت سر باز زدند و به بهانه های مختلف از پیروی هدایت های الهی امتناع
ورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 19 - 4

4 - برابر و هم سنگ نبودن کافران با مؤمنان

و ما یستوی الأعمی و البصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 19

19- فرجام نیک متقین بهشتی ، غیرقابل قیاس با فرجام سخت دوزخیان

مثل الجنة التي وعد المتقون .. كمن هو خلد فی النار

279- کافران و عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 21 - 5

5- کافران ، به پوچی و بی اساس بودن بافته های دروغین و عقاید واهی خویش ، پی خواهند برد .

و ضلّ عنهم ما كانوا یفترون

280- کافران و معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 102 - 2

2- کافران ، اولیای برگزیده خود (معبود های باطل) را به حال خویش سودمند می پندارند .

أفحسب الذين كفروا أن يتّخذوا عبادي من دوني أولياء

درباره معنای این آیه، توجیحات ادبی مختلفی ابراز شده است. از جمله این که «أن يتّخذوا» مفعول یکم برای «حسب» و مفعول دوم آن «نافعاً» محذوف باشد. برداشت بالا بر این وجه ادبی مبتنی است.

ص: 197

281- کتمان عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 11

11 - مشرکان ، به خاطر انتخاب عقیده شرک آلود ، در قیامت پشیمان شده و آن را پنهان خواهند کرد .

و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربهم . . . و أسروا الندامه لما رأوا العذاب

282- کری معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 14 - 1

1 - ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان ، از شنیدن دعا و درخواست انسان ها و استجابت آن

إن تدعوهم لا يسمعوا دعاءكم و لو سمعوا ما استجابوا لكم

283- کفر به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 75 - 9

9 - مستضعفان مؤمن قوم ثمود ، در پاسخ مستکبران ، کفر خویش به معبودان دروغین را اعلان کردند .

قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

حصر اضافی که از تقدیم «بما ارسل» بر «مؤمنون» به دست می آید، بیانگر این است که مستضعفان، علاوه بر اعلان ایمان به صالح و رسالت‌های وی، بی‌زاری خویش را از معبودان دروغین نیز بیان داشتند.

284- کوردلی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 17

17- خداوند ، حقیقتی بصیر و پرفروغ است و معبود های اهل شرک کور و تاریکند .

قل هل يستوى الأعمى والبصير أم هل تستوى الظلمت والنور

برداشت فوق بر این میناست که «أعمى» و «ظلمات» اوصاف معبودهای اهل شرک و «بصیر» و «نور» وصف خداوند باشد.

ص: 198

285- کيفر شعر باطل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - شعراء - 26 - 227 - 14

14 - ترويح باطل و مبارزه با دين در قالب شعر ، ظلم بوده و داراي عقوبتي سخت است .

و الشعراء يتبعهم الغاوان ... و سيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون

286- کيفر عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مانده - 5 - 72 - 21

21 - معتقدان به الوهيت مسيح (ع) محروم از بهشت و گرفتار به آتش دوزخ

قالوا إنّ الله هو المسيح .. فقد حرم الله عليه الجنة مأويه النار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مانده - 5 - 118 - 1

1 - معتقدان و مدعيان الوهيت عيسى (ع) و مادرش مريم ، مستحق عذاب الهی

ان تعذبهم فانهم عبادك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 30 - 12

12 - يهود و نصارا ، به دليل اعتقاد شرك آميزشان (فرزند خدا خواندن عزيز و مسيح) مستحق کيفر مرگ

وقالت اليهود عزيز ابن الله .. قتلهم الله أنى يؤفكون

287- گرایش به باطل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مانده - 5 - 52 - 7

7 - محرومیت از هدایت الهی ، موجب شتاب در انحراف و گرایش به سوی باطل

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. فترى الذين فى قلوبهم مرض يسرعون فيهم

ص: 199

288- گرایش به معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 138 - 18

18 - ناسپاسی در برابر نعمت های خدا با گرایش به معبودانی دروغین ، نشانه جهل آدمی است .

و جوزنا بنی اسرائیل البحر .. قال إنکم قوم تجهلون

289- گرایشها به باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 7 - 31

31 - کج اندیشی و گرایش قلب به باطل ، مانع از ژرفنگری در علم *

فأما الذين في قلوبهم زيغ .. و الراسخون في العلم

از مقابله دو گروه (کج اندیشان و راسخان در علم)، استفاده شده است.

290- گفتگوی مشرکان با معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 96 - 2

2 - امکان سخن گفتن دوزخیان با معبودهایشان در دوزخ

قالوا و هم فیها یختصمون

مخاطب «قالوا» به قرینه آیه «إذ نسويکم ربّ العالمین»، معبودهای مشرکان است و ضمیر «فیها» به «جحیم» بازمی گردد.

291- گمراهگری معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 162 - 1

1 - مشرکان و معبودهایشان ، از فریب دادن و گمراه کردن مردم و جلوگیری از پیشرفت دین خدا (توحید و یگانه پرستی) ناتوان اند .

«فاتن» (اسم فاعل و مفرد «فاتنن») به معنای کسی است که می فریبد و به گمراهی فرا می خواند. گفتنی است طبق نظر بیشتر مفسران ضمیر «علیه» به «اللّه» برمی گردد و مقصود از آن راه خدا و دین او (اسلام) می باشد.

292- مبارزه اجتماعی با باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 14 - 10

10 - لزوم حرکت دسته جمعی برای تقویت جبهه حق و دین الهی و صف آرایی در برابر جبهه باطل و کفر ، به هنگام ضرورت و نیاز

فكذبوهما فعزّزنا بثالث فقالوا إنا إليكم مرسلون

293- مبارزه با باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 251 - 18

18 - دفع فساد از روی زمین ، از آثار پیکار حقّ علیه باطل

ابعث لنا ملكاً نقاتل . . . و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض

294- مبارزه با عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 80 - 8

8 - زدودن پندار های باطل درباره قیامت ، شرطی اساسی برای ایجاد زمینه های ایمان در مردم

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم . . . وقالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة

295- مبارزه با معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 36 - 4

4- مبارزه با شرک و معبود های پنداری و باطل مشرکان ، در رأس برنامه های پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أهذا الذي يذكرء الهتكم

ذکر و یادکردن، هم به خیر است و هم به شر؛ ولی در این آیه - به قرینه مقام - ذکر به شرّ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 112 - 2

2- درگیری حق و باطل در سراسر تاریخ انبیا جریان داشته است.

و كذلك جعلنا لكل نبي عدوا شيطان الإنس و الجن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 18 - 1,4,5

1- در نزاع میان جبهه حق و باطل ، پیروزی نهایی از آن حق مداران است .

بل نقذف بالحقّ علی البطل

4- درگیری و ستیز مداوم حق و باطل در طول تاریخ

و کم قصمنا من قریه کانت ظالمه. .. بل نقذف بالحقّ علی البطل فیدمغه

5- نابودی باطل و اندیشه های نادرست ، در گرو حضور اهل حق در میدان مبارزه با باطل است .

بل نقذف بالحقّ علی البطل فیدمغه

«باء» در «بالحقّ» برای استعانت است. براین اساس معنای آیه چنین می شود: «ما به کمک حق بر باطل می کوییم و نابودش می سازیم». این معنا می رساند که حق باید در صحنه کارزار با باطل، حضور داشته باشد تا به وسیله آن بتوان باطل و اندیشه های نادرست را نابود کرد. گفتنی است خداوند نابود ساختن باطل را به خود نسبت نداده؛ بلکه حق را نابود کننده باطل دانسته است (فیدمغه)، این نکته مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 5 - 8

8 - جامعه بشری ، از دیرباز عرصه درگیری حق و باطل بود .

كذّبت قبلهم قوم نوح . . . و جدلوا بالبطل لیدحضوا به الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 26 - 10

10 - حق و باطل ، جریانی مستمر در تاریخ

فمنهم مهتد و کثیر منهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 186 - 13

13 - رویارویی و برخورد مداوم حق و باطل

ولتسمعن من الذین اوتوا الکتب من قبلکم و من الذین اشركوا اذی کثیراً

ص: 202

297- مبین حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 57 - 18

18 - خداوند بهترین جدا کننده حق از باطل است.

يقص الحق و هو خير الفصلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 1 - 25 - 6

6 - قرآن ، تبیین گر حق و باطل و جدا کننده سره از ناسره است .

تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده

«فرقان» اسم است برای آنچه فارق و جدا کننده حق از باطل باشد (لسان العرب).

298- مثالهای باطل دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 33 - 4

4 - سخنان کافران علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تعالیم قرآن ، متکی بر تمثیل و تشبیه بود و نه برهان و دلیل .

و لایأتونک بمثل إلا جئناک بالحقّ و أحسن تفسیراً

299- مثالهای باطل دشمنان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 33 - 4

4 - سخنان کافران علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تعالیم قرآن ، متکی بر تمثیل و تشبیه بود و نه برهان و دلیل .

و لایأتونک بمثل إلا جئناک بالحقّ و أحسن تفسیراً

300- مثالهای باطل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 33 - 4, 3, 2, 1

1 - کافران ، با استفاده از مثل های باطل و ترسیم غیر واقعی چهره پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مبارزه علیه اسلام برخاسته بودند .

الذین کفروا . . . و لایأتونک بمثل

ص: 203

«مَثَل» هم به معنای «حجت» و «حدیث» (سخنانی در باره اثبات چیزی) و هم به معنای «صفت» (توصیف چیزی) آمده است (قاموس المحيط). مقصود از آن در آیه شریفه، مجموعه سخنانی است که کافران در توصیف پیامبر (صلی الله علیه و آله) و به منظور خدشه دارکردن چهره منور آن حضرت می گفتند که در آیات فوق از آنها یاد شده است. گفتنی است قید باطل بودن مثل ها، از قرینه مقابله جمله «لایأتونک بمثل» و جمله «إلا جننک بالحق» استفاده شده است.

2- خداوند در برابر هر یک از مثل های باطل و توصیف های غیر واقعی کافران علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله)، سخن حق و موضع درست را به آن حضرت می آموخت .

و لایأتونک بمثل إلا جننک بالحق

3- خداوند، در برابر مثل های باطل و توصیف های غیر واقعی کافران علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله)، بهترین راه کشف حقیقت و تفسیر جریان حق و باطل را به آن حضرت ارائه می کرد .

و لایأتونک بمثل إلا جننک بالحق و أحسن تفسیراً

4- سخنان کافران علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تعالیم قرآن، متکی بر تمثیل و تشبیه بود و نه برهان و دلیل .

و لایأتونک بمثل إلا جننک بالحق و أحسن تفسیراً

301- مجادله با معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 86 - 1

1- مشرکان، هنگام مواجه با معبود های دروغین خویش در قیامت، به مشاجره با آنان برمی خیزند .

و إذا رءا الذین أشركوا شركاءهم قالوا ربنا هؤلاء شركاؤنا

302- مجادله باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 56 - 11

11- تمسخر و استهزای آیات الهی و انذار های پیامبر (صلی الله علیه و آله) از روش های جدال باطل بوده است .

و یجدل الذین كفروا بالباطل لیدحضوا به الحق واتخذوا یتی و ما أنذروا هزواً

303- مجسمه معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 195 - 1

1 - مشرکان بت ها و معبودانشان را به صورت مجسمه هایی دارای پا، دست، چشم و گوش می ساختند.

ص: 204

أَلْهَم أَرْجُلَ يَمْشُونَ بِهَا .. أَمْ لَهُمْ أَعْذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا

جمله «یمشون بها» و مانند آن، هم می تواند قید توضیحی باشد و هم می تواند قید احترازی گرفته شود. بنابر اول معنای جمله «أَلْهَم أَرْجُلَ ...» چنین است: آیا پاهای آنها دارند تا با آن راه روند؛ یعنی ندارند. و بنابر فرض دوم معنا چنین خواهد بود: آیا پاهای آنها دارند که با آن راه روند دارند؛ یعنی پاهایی دارند، ولی با آن نمی توانند راه بروند. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 198 - 3، 4، 5

3 - مشرکان برای معبودانشان چشمهایی خیره گر تعبیه می کردند .

و تریهم ینظرون إلیک

ضمیرهای غایب در «تریهم» و «ینظرون» به «الذین تدعون» - که همان معبودان باشد - برمی گردد.

4 - چشم های تعبیه شده در بت ها هرگز بر دیدن اشیا توانا نبودند .

و هم لایبصرون

ضمیرها در جمله «هم لایبصرون» به «الذین تدعون» برمی گردد.

5 - چشم های تعبیه شده در بت ها به گونه ای بود که گویا به شخص مقابل خویش نظاره گر است .

و تریهم ینظرون إلیک

خطاب در «تریهم» و «إلیک» به هر انسانی است که مواجه با بتها قرار می گیرد، یعنی «تریهم ایها الانسان ..» جمله «و هم لایبصرون» (آنها نمی بینند) دلالت می کند که «تریهم ینظرون»، یعنی «تریهم کانهم ینظرون إلیک». (چنین گمان می کنی که بتها تو را می نگرند.)

304- معجول بودن معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 28 - 3، 7

3 - هر معبودی به عنوان شریک برای خداوند گرفته شود، مخلوق است و شایسته معبود شدن نیست .

ضرب لکم مثلاً من أنفسکم هل لکم من ما ملکتم أیمنکم من شرکاء

مثالی که در آیه آمده است، هرگونه شرکتِ برده در اموال مالک برده را نفی می کند. چنین نفی ای به خاطر مملوکیت برده و در نتیجه،

شایسته نبودن وی برای برابری و همسان شدن با مالک است. این مثل، در صدد تفهیم این نکته است که هر معبودی که شریک برای خداوند قرار داده شود، خود، مملوک خدا است و در نتیجه، شایستگی شریک شدن با او را ندارد.

7 - قرآن کریم از شیوه های گوناگون استفاده می کند تا مشرکان را برای دست کشیدن از معبود های ساخته دست خویش قانع کند .

و من آیته أن خلقکم .. و أن خلق لکم ... خلق السموت ... یریکم البرق ... أن تق

پس از اقامه دلیل های روشن برای اثبات وحدانیت خداوند، روی آوردن به بیان تمثیلی و عامیانه کردن مطلب، جهت تفهیم پوچی معبودهای جعلی، حکایت از حقیقت یاد شده می کند.

ص: 205

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 40 - 6

6 - معبودان مشرکان ، جعلی و ساخته دست خود آنان بودند .

هل من شركائكم

اضافه شدن «شركاء» به ضمیر مخاطب «کم» - که مراد از آن، مشرکان اند - نشان دهنده این است که آنان، خود، چنین شریکانی را برای خداوند می ساختند و یا تصور می کردند.

305- محمد (صلی الله علیه و آله) و سخنان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 61 - 7

7 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنوای سخنان نیک و ارزنده و نه سخنان باطل و بیهوده

و يقولون هو اذن قل اذن خیر لکم

برداشت فوق بر این اساس است که: اضافه «اذن» به «خیر» اضافه حقیقی باشد؛ نه از باب اضافه موصوف به صفت یعنی، پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنوای سخنان خیر است نه شنوای هر سخنی هر چند باطل.

306- مخلوق بودن معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 191 - 3

3 - مشرکان ، موجوداتی را شریک خدا می پنداشتند که خود مخلوق بودند .

ایشركون ما .. هم یخلقون

ضمیر «هم»، هم می تواند به «ما»ی موصوله در «ما لایخلق» برگردد و هم می تواند به «مشرکان» ارجاع شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. یعنی چیزی را شریک خدا می پندارند که خود آفریده شده است. آیه بعد این احتمال را تأیید می کند.

307- مخلوقیت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - معبود های برگزیده مشرکان ، نه تنها توانا بر آفرینش هیچ چیزی نبودند ؛ بلکه خود نیز دست ساز دیگران بودند .

ءالهه لایخلقون شیئاً و هم یخلقون

ص: 206

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 2

2- خدایان ادعایی مشرکان، نه تنها خالق نیستند؛ بلکه خود نیز آفریده شده و مخلوقند.

و الذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً وهم يخلقون

309- مراد از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 98 - 6,7

6- « جاء في الحديث إنّ قوماً أتوا رسول الله (صلى الله عليه وآله) فقالوا له: ... أخبرنا عن قوله: « إنكم و ماتعبدون من دون الله حسب جهنم أنتم لها واردون » إذا كان معبودهم معهم في النار فقد عبدوا المسيح (ع) أفقول: إته في النار؟ فقال لهم رسول الله (صلى الله عليه وآله): ... قال الله: « إنكم و ماتعبدون » يريد الإصنام التي عبدوها و هي لاتعقل و المسيح (ع) لا يدخل في جملة ها لأنه يعقل و لو قال: إنكم و من تعبدون لدخل المسيح (ع) في الجملة فقال القوم: صدقت يا رسول الله (صلى الله عليه وآله)؛

در حدیث آمده که گروهی نزد رسول خدا (صلى الله عليه وآله) آمده و به آن حضرت گفتند: ... ما را از گفتار خدا «إنكم و ماتعبدون من دون الله حسب جهنم...» با خبر ساز چنانچه معبودشان در آتش باشد، پس [این که] گروهی مسیح را عبادت کردند؛ آیا تو می گویی او در آتش است. رسول خدا به آنان فرمود: ... خدا فرموده «إنكم و ماتعبدون» و بت هایی را که آنان می پرستیدند اراده کرده و بت ها غیر عاقل هستند و مسیح داخل در آنها نیست؛ زیرا او صاحب عقل است و اگر فرموده بود «إنكم و من تعبدون» مسیح نیز داخل در آن جمله بود. آن گروه گفتند: راست گفتی ای رسول خدا».

7- « عن أبي جعفر (ع) قال: لما نزلت هذه آية ... قال ابن الزبيرى: ... يا محمد أريت آية التي قرأت أنفاً أفينا و في آلهتنا أم في الأمم الماضية و آلهتهم؟ قال (صلى الله عليه وآله): بل فيكم و في آلهتكم و في الأمم الماضية إلا من استثنى الله فقال ابن الزبيرى: ... ألت تنى على عيسى خيراً و قد عرفت أن النصارى يعبدون عيسى و أمه و أن طائفه من الناس يعبدون الملائكة أفليس هؤلاء مع آلهه في النار؟ فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله): « لا ... أما قلت: إلا من استثنى الله و هو قوله » إن الذين سبقت لهم منا الحسنی أولئك عن ها مبعدون »؛

از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: آن گاه که این آیه نازل شد ... ابن زبیری گفت: ... ای محمد! بگو بدانم آیه ای که به تازگی قرائت کردی در باره ما و معبودها ما است یا در مورد امت های گذشته و معبودهای آنها است فرمود: هم در باره شما و معبودهای شما و هم در باره امت های گذشته است؛ مگر کسی که خدا استثنا فرموده است. ابن زبیری گفت: آیا تو عیسی را به خوبی نمی ستایی و حال آن که می دانی نصارا عیسی و مادرش را عبادت می کنند و گروهی از مردم نیز فرشتگان را عبادت می کنند آیا آنان و معبودهای خود در آتش نیستند؟ پس رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: نه ... آیا نگفتم مگر آنان که خدا استثنا فرموده است؟ و آن استثنا همان سخن خدا است که:

«إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحَسَنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ».

ص: 207

310- مردگی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 21 - 1

1- خدایان مشرکان ، موجودات مرده ای اند که سابقه حیات نداشته و شایستگی آن را نیز ندارند .

والذین یدعون من دون الله . . . أموت غیر أحياء

ذکر عبارت «غیر أحياء» پس از «أموات» می تواند به این نکته اشاره داشته باشد که: آنها علاوه بر مرده بودن، نه سابقه حیات دارند و نه حیات پیدا خواهند کرد.

311- مشرکان صدر اسلام و معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 18 - 7، 4، 3

3 - جلب سود و دفع زیان ، انگیزه شرک پیشگان عصر بعثت در پرستش خدایان پنداری خود

و یعبدون من دون الله ما لا یضرهم ولا ینفعهم

4 - شرک پیشگان عصر بعثت برای معبودان پنداری خود ، تندیسهایی می ساختند و در برابر آنها ، به پرستش می پرداختند .

و یعبدون من دون الله ما لا یضرهم ولا ینفعهم

به کارگیری لفظ «ما» - که بیشتر در مورد چیزهای فاقد عقل و اندیشه کاربرد دارد - بیانگر برداشت فوق می باشد.

7 - مشرکان عصر بعثت ، معبودان پنداری خود را واسطه هایی برای شفاعت و پا در میانی ، میان انسان ها و خدا می انگاشتند .

و یعبدون من دون الله . . . ویقولون هؤلاء شفیعونا عند الله

312- مشرکان و ذکر معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 45 - 6

6 - مشرکان نسبت به یاد کردن خدا به همراه یاد دیگر معبود ها و نیز عبادت مشترک خدا و معبود ها ، حساس نبوده و مخالفت نمیورزیدند .

و إذا ذكر الله وحده اشمأزت . . . وإذا ذكر الذين من دونه إذا هم يستبشرون

از آیه شریفه به روشنی استفاده می شود که مشرکان نسبت به یاد کردن خدا به تنهایی حساس بوده و از یاد شدن معبودهای خود بدون یاد شدن خدا خوشحال می شدند؛ ولی در این آیه از واکنش و حساسیت مشرکان در صورتی که نام خدا و معبودها با هم و مشترکاً یاد شوند، سخنی به میان نیامده است. بنابراین یاد نشدن آن، می تواند حاکی از مطلب بالا باشد.

ص: 208

313- مشرکان و معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 165 - 18، 19

18 - مشرکان ، خدایان دروغین را دارای قدرت می پندارند .

و لو یری الذین ظلموا إذ یرون العذاب أن القوه لله جميعاً

طرح مسأله قدرت خداوند و انحصار آن به او برای کسانی که غیر خدا را همتای خدا می پندارند، بیانگر این است که: مشرکان به توهم برخوردار می پندارند از قدرت، آنها را همانند خداوند پنداشته و بر اساس آن به ایشان محبت میورزند.

19 - پنداشتن قدرت در معبودان دروغین ، عالم محبت مشرکان به آنهاست .

یحبونهم کحب الله .. و لو یری الذین ظلموا ... أن القوه لله جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 17 - 9

9 - توانایی بتها و معبودهای خیالی در دفع شر و رساندن خیر، پندار ناروای مشرکان

و إن یمسک الله بضر فلا کاشف له إلا هو و إن یمسک بخیر فهو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 46 - 9

9 - مشرکان می پنداشتند که معبودهایشان توان نفع رسانی به آنان را دارد.

من إله غیر الله یأتیکم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 94 - 4

4 - مشرکان می پنداشتند پس از مرگ مورد شفاعت معبودهای خویش قرار خواهند گرفت.

و ما نری معکم شفاعکم الذین زعمتم أنهم فیکم شرکوا

6 - مشرکان مکه بر این باور بودند که معبودانشان بر یاری آنها علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) توانا هستند .

قل ادعوا شركاءكم ثم كيدون فلاتنظرون

8 - خداوند از مشرکان خواست اگر خدایانشان بر امری توانا هستند با کمک آنها علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) توطئه کنند و برای از میان بردن وی هیچ درنگی روا ندارند .

قل ادعوا شركاءكم ثم كيدون فلاتنظرون

«کیدون» مرکب از فعل امر «کیدوا» (از «کید»، به معنی فکر کردن و توطئه چیدن) و نون وقایه است. کسره نون دلالت بر حذف «یاء» متکلم دارد. بنابراین «کیدون» (کیدونی) یعنی علیه من توطئه کنید. «انظار» مصدر «لاتنظروا» به معنای مهلت دادن است. «لاتنظرون» نیز مرکب از فعل نهی و نون وقایه است؛ یعنی: فلاتنظرونی، مرا مهلت ندهید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 28 - 5

5 - حشر مشرکان در قیامت ، به همراه معبود های مورد پرستش آنان خواهد بود .

ثم نقول للذين أشركوا مكانكم أنتم و شركاءكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 40 - 15

15 - مشرکان به پندار فرمان خدا بر پرستش معبود های خویش ، آنها را عبادت می کنند . *

أمر ألا تعبدوا إلا إياه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 27 - 5

5 - مشرکان ، از معبود های ادعایی خویش به سختی دفاع کرده و با یکتاپرستان درباره آنها به منازعه می پرداختند .

أین شركاءى الذین كنتم تشقون فیهم

«تشافون» (از مصدر شقاق) به معنای مخالفت است به گونه ای که شخصی در یک طرف و شخص دیگری در طرف دیگر باشد. فعل «تشافون» از باب مفاعله است که برای فعلهای دو جانبه استفاده می شود و به قرینه مقام طرف درگیر با مشرکان، کسانی اند که معتقد به خدای واحد بودند و از آنها به موحدان تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 56 - 3

3 - مشرکان ، بخشی از درآمد خود را برای معبود های خود اختصاص می دادند .

و يجعلون لما لا يعلمون نصيبًا مما رزقنهم

برداشت فوق، مبتنی بر این اساس است که فاعل «لا يعلمون» «ما» بوده و مراد از آن بتها باشد که مفعول آن حذف شده است. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: مشرکان قرار می دهند سهمی را بر موجوداتی که چیزی نمی دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- مشرکان ، هنگام مواجهه با معبود های دروغین خویش در قیامت ، به مشاجره با آنان برمی خیزند .

وإذا رءا الذین أشركوا شركاءهم قالوا ربنا هؤلاء شركاؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 52 - 6،7،12

6- در قیامت ، مشرکان ، از معبودان پنداری خویش جدا و دوراند .

و یوم یقول نادوا شركاءى

ص: 210

«نداء» به معنای «بلند کردن آواز و آشکار ساختن آن» است (مفردات راغب) و فعل «نادوا» نشانه زیاد بودن فاصله مشرکان و معبودان است.

7- مشرکان ، حتی در قیامت هم دل بسته یاری معبودان شان اند .

فدعوهم

12- خداوند ، در قیامت ، بین مشرکان و معبودان شان وادی هلاکت باری را قرار خواهد داد و هرگونه ارتباط میان آنها را ناممکن خواهد ساخت .

و جعلنا بینهم موبقاً

«وبوق» به معنای «هلاک شدن» است و «موبق» اسم مکان به معنای «مکان هلاکت» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 53 - 2

2- مکان هلاکت باری که بین مشرکان و معبودان پنداری آنها فاصله می شود ، آتش دوزخ است .

و جعلنا بینهم موبقاً . وراء المجرمون النار

314- معامله باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 29 - 6

6 - مبادله بدون رضایت طرفین ، باطل است .

ألا ان تكون تجاره عن تراض منكم

315- معبودان باطل بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 148 - 6

6 - معبود دست ساز بنی اسرائیل (مجسمه گوساله) نه با آنان سخن می گفت و نه ایشان را به راهی رهنمون می ساخت .

ألم یروا أنه لا یکلمهم ولا یریدهم سیلا

استفهام در «ألم یروا» برای انکار و تعجب است؛ یعنی گوساله پرستان با اینکه می دیدند معبود دست سازشان با آنان سخن نمی گوید و راهی را به آنان نشان نمی دهد، آن را «إله» می پنداشتند و این امری است که به خاطر نابخردانه بودنش هر خردمندی را شگفت زده می کند.

ص: 211

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 98 - 6,7,1

1- کافران و معبود های دروغینشان، آتش گیره جهنم اند .

إِنكُمْ وَمَاتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ

«حصب»؛ یعنی، هر آنچه در آتش افکنند و معنای غالبی آن هیزم است (لسان العرب).

6- « جاء في الحديث إنّ قوماً أتوا رسول الله (صلى الله عليه وآله) فقالوا له: ... أخبرنا عن قوله: « إِنكُمْ وَمَاتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ » إذا كان معبودهم معهم في النار فقد عبدوا المسيح (ع) أفنقول: إله في النار؟ فقال لهم رسول الله (صلى الله عليه وآله): ... قال الله: « إِنكُمْ وَمَاتَعْبُدُونَ » يريد الإصنام التي عبدوها وهي لاتعقل والمسيح (ع) لايدخل في جملة ها لأنه يعقل ولو قال: إِنكُمْ وَمَنْ تَعْبُدُونَ لدخل المسيح (ع) في الجملة فقال القوم: صدقت يا رسول الله (صلى الله عليه وآله)؛

در حدیث آمده که گروهی نزد رسول خدا(صلى الله عليه وآله) آمده و به آن حضرت گفتند: ... ما را از گفتار خدا «إِنكُمْ وَمَاتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ...» با خبر ساز چنانچه معبودشان در آتش باشد، پس [این که] گروهی مسیح را عبادت کردند؛ آیا تو می گویی او در آتش است. رسول خدا به آنان فرمود: ... خدا فرموده «إِنكُمْ وَمَاتَعْبُدُونَ» و بت هایی را که آنان می پرستیدند اراده کرده و بت ها غیر عاقل هستند و مسیح داخل در آنها نیست؛ زیرا او صاحب عقل است و اگر فرموده بود «إِنكُمْ وَمَنْ تَعْبُدُونَ» مسیح نیز داخل در آن جمله بود. آن گروه گفتند: راست گفتی ای رسول خدا».

7- « عن أبي جعفر (ع) قال: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةٌ... قَالَ ابْنُ الزُّبَيْرِ: ... يَا مُحَمَّدُ أَرَأَيْتَ آيَةَ الَّتِي قَرَأْتَ أَنْفَأَ أَفِينَا وَفِي آلِهَتِنَا أَمْ فِي الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ وَآلِهَتِهِمْ؟ قَالَ (صلى الله عليه وآله): بَلْ فِيكُمْ وَفِي آلِهَتِكُمْ وَفِي الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ إِلَّا مَنْ اسْتَشَى اللَّهَ فَقَالَ ابْنُ الزُّبَيْرِ: ... أَلَسْتُ تَشْنِي عَلَيَّ عِيسَى خَيْرًا وَقَدْ عَرَفْتُ أَنَّ النَّصَارَى يَعْبُدُونَ عِيسَى وَأُمَّهُ وَأَنَّ طَائِفَةً مِنَ النَّاسِ يَعْبُدُونَ الْمَلَائِكَةَ أَفَلَيْسَ هَؤُلَاءِ مَعَ آلِهَةٍ فِي النَّارِ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): « لَا... أَمَا قُلْتَ: إِلَّا مَنْ اسْتَشَى اللَّهَ وَهُوَ قَوْلُهُ » إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مَنَا الْحَسَنَى أَوْلَئِكَ عَنْهَا مَبْعُدُونَ »؛

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: آن گاه که این آیه نازل شد .. ابن زبیری گفت: ... ای محمد! بگو بدانم آیه ای که به تازگی قرائت کردی در باره ما و معبودها ما است یا در مورد امت های گذشته و معبودهای آنها است فرمود: هم در باره شما و معبودهای شما و هم در باره امت های گذشته است؛ مگر کسی که خدا استثنا فرموده است. ابن زبیری گفت: آیا تو عیسی را به خوبی نمی ستایی و حال آن که می دانی نصارا عیسی و مادرش را عبادت می کنند و گروهی از مردم نیز فرشتگان را عبادت می کنند آیا آنان و معبودهای خود در آتش نیستند؟ پس رسول خدا(صلى الله عليه وآله) فرمود: نه ... آیا نگفتم مگر آنان که خدا استثنا فرموده است؟ و آن استثنا همان سخن خدا است که: «إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مَنَا الْحَسَنَى أَوْلَئِكَ عَنْهَا مَبْعُدُونَ».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- عجز و ناتوانی معبود های مشرکان در گریز از جهنم ، دلیل عدم الوهیت آنان است .

ماتعبدون من دون الله حصب جهنم . . . لو كان هؤلاء الهه ما وردوها

4- خلود مشرکان و معبودهایشان در آتش دوزخ

و كلُّ فيها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 212

2- عذاب و شکنجه مشرکان و معبودهایشان در جهنم شدید خواهد بود .

لهم فیها زفیر و هم فیها لایسمعون برداشت یاد شده بنابر این نکته است که ضمیر «لهم»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 94 - 3، 1

1 - نگون سار گشتن شرک پیشگان و معبودهایشان در دوزخ ، در پی اثبات پوچی هر معبودی جز خدا

هل ینصرونکم أو ینتصرون . فکبکبوا فیها هم و الغاون

«کبکبه» (مصدر مجهول «کبکبوا») به معنای نگون سار گشتن و نیز افکنده شدن است. ضمیر «هم» نیز به معبودها بازمی گردد. بنابراین «فکبکبوا فیها هم...»؛ یعنی، گمراهان و معبودهایشان به صورت سرنگون در دوزخ افکنده خواهند شد.

3 - معبود های دروغین ، جلودار مشرکان در سقوط به ورطه دوزخ

فکبکبوا فیها هم و الغاون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ضمیر «هم» - که به معبودهای باطل بازمی گردد - مقدم بر «الغاوون» آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 95 - 1

1 - افکنده شدن همه سپاهیان ابلیس در دوزخ ، به همراه گمراهان مشرک و معبود های باطلشان

فکبکبوا فیها . . . و جنود ابلیس أجمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 96 - 2

2 - امکان سخن گفتن دوزخیان با معبودهایشان در دوزخ

قالوا و هم فیها یختصمون

مخاطب «قالوا» به قرینه آیه «إذ نسوٰیکم ربّ العالمین»، معبودهای مشرکان است و ضمیر «فیها» به «جحیم» بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 163 - 4

4 - مشرکان و معبودهایشان و پیروان گمراه آنان ، دوزخی اند .

إلا من هو صال الجحيم

317- معبودان باطل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 22 - 7

ص: 213

7- قیامت، روز استهزای مشرکان و نمایاندن ناتوانی و بطلان خدایان دروغین آنهاست.

و یوم نحشرهم جميعا ثم نقول للذین أشركوا این شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 23 - 2

2- بی پناهی مشرکان در قیامت و ناتوانی معبودهای آنان از کمک رساندن به آنها

این شرکاؤکم .. ثم لم تکن فتنتهم إلا أن قالوا و اللّٰه ربنا ما کنا مشرکین

این آیه و آیه پیش ترسیمی از چهره مشرکان در قیامت است. در آیه پیش خطاب به مشرکان شده که: «این شرکاؤکم»؟ و در این آیه درماندگی و بیچارگی و عجز آنان از پاسخ و دفاع را بیان داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 24 - 3

3- ظهور بطلان شرک و پوچی معبودهای دروغین در قیامت

و ضل عنهم ما کانوا یفترون

از کاربردهای فعل «ضل» جایی است که چیزی از بین رفته است و باطل شود. در لسان العرب آمده است: «ضل الشیء إذا ضاع»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 53 - 13

13- کافران در قیامت هیچ اثری از معبودان دروغین خویش نخواهند یافت .

و ضل عنهم ما کانوا یفترون

با توجه به زمان نزول قرآن که مخالفان اسلام مشرکان و بت پرستان بودند و آنان معبودان دروغین خویش را منشأ اثر در سرنوشت انسانها می پنداشتند، می توان گفت از مصادیق مورد نظر برای «ما کانوا یفترون» معبودان ساختگی و دروغین کفرپیشگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 28 - 5

5- حشر مشرکان در قیامت ، به همراه معبود های مورد پرستش آنان خواهد بود .

ثم نقول للذین أشركوا مکانکم انتم و شرکاؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 52 - 9،12،13،6

6- در قیامت ، مشرکان ، از معبودان پنداری خویش جدا و دوراند .

و یوم یقول نادوا شرکاءى

«نداء» به معنای «بلند کردن آواز و آشکار ساختن آن» است (مفردات راغب) و فعل «نادوا» نشانه زیاد بودن فاصله مشرکان و معبودان است.

9- در قیامت ، کارآمد نبودن معبودان مشرکان و بطلان شرک ، آشکار خواهد شد .

ص: 214

فدعوهم فلم يستجيبوا لهم

12- خداوند ، در قیامت ، بین مشرکان و معبودان شان وادی هلاکت باری را قرار خواهد داد و هرگونه ارتباط میان آنها را ناممکن خواهد ساخت .

وجعلنا بينهم موبقًا

«وبوق» به معنای «هلاک شدن» است و «موبق» اسم مکان به معنای «مکان هلاکت» است.

13- شیاطین و دیگر معبودان دروغین مشرکان ، در صحنه قیامت حضور خواهند داشت .

نادوا شركاءى . . . وجعلنا بينهم موبقًا

به قرینه آیات قبل، مراد از «شركاء» همان ابلیس و ذریه او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 53 - 2

2- مکان هلاکت باری که بین مشرکان و معبودان پنداری آنها فاصله می شود ، آتش دوزخ است .

وجعلنا بينهم موبقًا . وراء المجرمون النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 82 - 3

3- معبود های مشرکان در قیامت ، به ستیز و دشمنی با پرستشگران خود خواهند پرداخت .

ویکونون علیهم ضدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 87 - 2

2- معبود های پنداری مشرکان ، از شفاعت در قیامت ناتوانند .

واتخذوا من دون الله الهةً . . . لایملکون الشفعه

چنان که برخی از مفسران گفته اند، مرجع ضمیر در «لایملکون» می تواند «الهه» در آیات پیشین باشد. در این صورت رد پندار شفاعتی

است که مشرکان آن را از معبودهای خود توقع داشتند. در این وجه استثنا منقطع و مفاد آن چنین خواهد بود: هر کس به عهدی نزد خداوند دست یافته باشد، توان شفاعت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 18 - 5, 4, 3, 1

1 - اعتراف معبود های مشرکان به روز رستاخیز و در پیشگاه خداوند ، به منزله بودن او از داشتن هر گونه شریک

و یوم یحشرهم و ما یعبدون من دون الله .. قالوا سبحنک

3 - معبود های مشرکان در روز رستاخیز ، اظهار می دارند که حق برگفتن سرپرستانی جز خدا را نداشته و سزاوار این کار نبوده اند .

قالوا سبحنک ما کان ینبغی لنا أن نتخذ من دونک من أولیاء

«أولیاء» می تواند از «وَلَا یَت» (به فتح «واو») به معنای سرپرست باشد و هم می تواند از «وَلَا یَت» (به کسر «واو») به معنای

ص: 215

«نصرت» باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای اول است.

4- معبود های مشرکان در قیامت ، خود را از داشتن هر گونه نقشی در گمراهی مشرکان ، تبرئه کرده و آن را تکذیب خواهند کرد .

ءأنتم أضللتم عبادی .. قالوا سبحنک ما کان ینبغی لنا أن نتخذ من دونک من أولیاء

5- اظهار شگفتی و اعلام انزجار معبود های مشرکان در قیامت ، از معبود قرار گرفتن خودشان از سوی مشرکان و یا نقش داشتن آنان در گمراهی دیگران

فیقول ءأنتم أضللتم عبادی هولاء .. قالوا سبحنک

جمله «سبحانک» و یا «سبحان الله» در دو مورد به کار می رود: 1- آن گاه که سخن شگفت آوری شنیده شود و شنونده بخواهد اظهار شگفتی کند. 2- آن گاه که سخنی بسیار زشت و ناروایی شنیده شود و شنونده بخواهد از آن اعلان برائت و اظهار انزجار کند و واکنش منفی از خود نشان دهد (برگرفته از لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 19 - 2، 1

1- ادعای مشرکان در باره وجود معبودهایی جز خداوند ، مورد تکذیب شدید خود معبود های آنها در قیامت

فقد کذبوکم بما تقولون

برداشت فوق با توجه به دو نکته است: 1- فاعل «کذبوا» معبودها و مخاطب «کم» مشرکان اند. 2- آنچه مشرکان ادعای آن را دارند - که مورد تکذیب معبودهایشان قرار خواهد گرفت - ممکن است دو چیز باشد: 1- وجود معبودهای متعدد، به جز خداوند. 2- گمراه شدن آنان به دست معبودهایشان که از سؤال و پاسخ خدا و معبودها - که در آیات قبل آمد - به دست می آید.

2- ادعای مشرکان در باره نقش داشتن معبودهایشان در گمراهی آنان ، مورد تکذیب همان معبود ها در قیامت

فقد کذبوکم بما تقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 92 - 2

2- دست مشرکان در قیامت ، کوتاه از معبود های خیالی خود

وقیل لهم این ما کنتم تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- عناصر مورد اتکای مشرکان ، خود گرفتار در قیامت و ناتوان از یاری رساندن به دیگران و دفاع از خویش

هل ینصرونکم أو ینتصرون

«نصر» (مصدر «ینصرون») برای دفاع از دیگران و «انتصار» (مصدر «ینتصرون») به معنای دفاع از خود به کار می رود. ضمیرهای فاعل در دو فعل یاد شده، به معبودها بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 14 - 4

ص: 216

4- حضور معبود ها در قیامت و انکار و تبری آنان از شرک‌ورزی مشرکان

و یوم القیمه یکفرون بشرکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 73 - 4

4- در قیامت ، اثری از معبود های ادعایی مشرکان نخواهد بود .

ثمّ قیل لهم این ما کنتم تشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 47 - 14

14 - مشرکان ، از حمایت معبود های خویش در قیامت محروم خواهند بود .

و یوم ینادیهم این شرکاءای قالوا ءاذنّ-ک ما منّا من شهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 6 - 4

4- بیزاری معبود های باطل در قیامت ، از پرستش عبادت گران خود

و کانوا بعبادتهم کفرین

ضمیر «کانوا» به معبودها و ضمیر «بعبادتهم» به عبادت گران مشرک بازمی گردد.

318- معبودان باطل قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 61 - 8

8- قوم ثمود ، مردمی مشرک و معتقد به معبودهایی متعدد

یقوم اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

319- معبودان باطل قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - 50 - 11 - هود

8- قوم عاد ، مردمی مشرک و پرستشگر معبود های خود ساخته

ما لکم من إله غیره إن أنتم إلاّ مفترون

ص: 217

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 54 - 4, 3, 1

1- قوم عاد ، پرستشگر معبودهایی متعدد و معتقد به تأثیرگذاری آنها در امور جهان

إن نقول إلاّ اعتریک بعض ءالھتنا بسوء

تعدد معبودها از کلمه «آلهه» که جمع «إلاه» (معبود) است ، استفاده می شود.

3- قوم عاد ، برخی از آلهه خویش را عامل جنون و اغتشاش روانی هود (ع) می پنداشتند .

إن نقول إلاّ اعتریک بعض ءالھتنا بسوء

«إعتراء» به معنای شامل شدن و اصابت کردن است (لسان العرب). و از آن جا که «إعتراء» در آیه شریفه، به وسیله حرف «باء» به مفعول دوم (بسوء) متعدی شده، به معنای رسانیدن و شامل کردن می باشد. بنابراین جمله «إن نقول... یعنی، ما سخنی جز این نمی گوئیم که یکی از خدایان ما، مرض و آفتی بر تو افکنده است».

4- قوم عاد ، براین باور بودند که هر بت و معبودی ، در بخشی از امور کارایی دارد . *

إن نقول إلاّ اعتریک بعض ءالھتنا بسوء

از اینکه قوم عاد ، ایجاد سوء را به برخی از خدایان نسبت داده اند (بعض ءالھتنا) و نه به همه آنها ، می توان دریافت که آنان ، هر بت و معبودی را عهده دار انجام کاری خاص می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 55 - 5

5- عجز و ناتوانی قوم عاد و خدایانشان ، برای از میان بردن هود (ع) ، دلیل و آیتی بر حقانیت رسالت او

فکیدونی جمیعاً ثم لاتنظرون

«فاء» در «فکیدونی» فصيحه و حاکی از جمله ای مقدر است. آن جمله به قرینه «إن نقول إلاّ اعتریک...» چنین است: «إن کان کما تقولون فکیدونی...؛ اگر تنها چنین نیرویی دارند پس شما و آنها با من به مبارزه برخیزید و کار را یکسره کنید».

320- معبودان باطل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- معبود های مشرکان در قیامت ، بطلان و بیهودگی عبادت های مشرکان را برملا کرده و از آن براءت خواهند جست .

سیکفرون بعبادتهم و یکنونون علیهم ضداً

در مورد ضمیرهای موجود در آیه، احتمالاتی ذکر شده است؛ از جمله آن که ضمیر «یکفرون» و «یکنونون» به «ءالهه» بازمی گردد و ضمیر «بعبادتهم» و «علیهم» به مشرکان. برداشت یاد شده مبتنی بر این وجه است. گفتنی است که «کفر» در معانی مختلفی از جمله انکار و براءت استعمال شده است (لسان العرب). در این آیه نیز به قرینه «و یکنونون علیهم ضداً» به معنای براءت جستن و سلب مسؤولیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 218

1- اعتقاد مشرکان به خدایانی برگرفته شده از مواد و عناصر زمینی

أَمْ اتَّخَذُوا مِنَ الْأَرْضِ

«أم» در «أَمْ اتَّخَذُوا» منقطع و متضمن معنای «بل» است، که برای اضراب است می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 71 - 2

2 - مشرکان ، جهان را تحت تدبیر و ربوبیت خدایان (ارباب ها) و خدا را خدای خدایان (رب الأرباب) می پنداشتند .

و يعبدون من دون الله ما لم ينزل به سلطاناً

ضمیر فاعلی در «لم ينزل» به «الله» و ضمیر «به» به «ما» باز می گردد. و «سلطان» به معنای تسلط و اقتدار می باشد. جمله یاد شده، بیانگر جهان بینی غلط مشرکان است؛ آنان جهان را تحت تدبیر و ربوبیت خدایان (ارباب ها) و خدا را ربّ الأرباب و خدای خدایان می پنداشتند. بنابراین به جای پرستش خدا، به عبادت آن خدایان خیالی می پرداختند. در آیه فوق، این پندار مردود شمرده شده و اعلام شده است که خداوند به هیچ موجودی، هیچ گونه سلطه و اقتداری که بتواند با آن به رتق و فتق امور جهان پردازد، عطا نکرده است؛ بلکه همه هستی در قبضیه قدرت و اقتدار او و تحت ربوبیت و تدبیر مستقیم او قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 1

1 - مشرکان ، به جای خدا ، معبود های دیگری برگرفته بودند .

و اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ

«إله» (مفرد «آلهه») به معنای «معبود» است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 84 - 4

4 - اعتقاد مشرکان به تقسیم کار های آسمان و زمین ، میان خدا و فرزندی که برای او تصویر کرده اند . *

قل إن كان للرحمن ولد . . . وهو الذي في السماء إله وفي الأرض إله

برداشت بالا بدان احتمال است که میان این آیه و آیه «إِنَّ كَانِ لِلرَّحْمَانِ وَلَدٌ» (آیه 81) بدین گونه ارتباط باشد که مشرکان علاوه بر اعتقاد به فرزندداری خدا، بر این باور بوده اند که الوهیت آسمان و زمین میان او و فرزندش تقسیم شده است. گفتنی است که این آیات ردی بر هر دو دیدگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جا ئیه - 45 - 10 - 3

3 - توانمندی ها و امکانات مادی ، بت ها و خدایان ساختگی ، تکیه گاه مشرکان در دنیا

و لا یغنی عنهم ما کسبوا شیءاً و لا ما اتّخذوا

تعبیر «ما کسبوا» - که اشاره به امکانات مادی دارد - و نیز «ما اتّخذوا..» - که ناظر به عقاید شرک آلود آنان است - نشان می دهد که آنان تمامی اتکا و امید خویش را به آن دو معطوف داشته اند.

ص: 219

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 20 - 3

3 - مشرکان ، معتقد به بهره مند بودن از سپاهی قدرت مند و نیرویی شکست ناپذیر معنوی همچون معبودان ادعایی در برابر دیگر قدرت ها

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصَرِكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ

321- معبودان باطل و آسمانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 22 - 8

8 - خدایان ادعایی مشرکان ، هیچ گونه سهم و شرکتی در آسمان ها و زمین ندارند .

وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شَرِكٍ

322- معبودان باطل و اجابت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 14 - 4

4- خدایان دروغین ، از اجابت کردن درخواست ها ناتوانند .

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَيْسَتْ جِبُونَ لَهُمْ شَيْءٌ

مراد از ضمیر «یدعون» و «لهم» مشرکان است و ضمیری که باید به موصول (الذین) باز گردد محذوف می باشد. بنابراین «والذین یدعون...» ؛ یعنی ، آن چیزه او کسانی که مشرکان آنان را می خوانند، ایشان را اجابت نمی کنند به کمترین اجابتی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 14 - 3، 1

1 - ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان ، از شنیدن دعا و درخواست انسان ها و استجابات آن

إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دَعَاءَكُمْ وَ لَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ

3 - استجابات دعا و بر آوردن حاجت ، تنها در توان ربّ و مالک حقیقی جهان (الله) است .

ذلكم الله ربكم له الملك و الذين تدعون من دونه . . . إن تدعوهم لا يسمعوا دعاءكم و

ص: 220

323- معبودان باطل و امدادهای مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 22 - 9

9- خدایان ادعایی مشرکان، هیچ گونه نقشی در پشتیبانی و امداد به خدا را ندارند.

و ما له منهم من ظهير

324- معبودان باطل و تأمین نیاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 9

9- مشرکان، معتقد به حاجت دادن معبودهایشان و رساندن سود به انسان ها و برطرف کردن گزند از آنان

أفرئیتم ما تدعون من دون الله إن أرادنی الله بضراً .. برحمه هل هنّ ممسکت رحمت

مقصود از «دعاء» در «ماتدعون»، حاجت بردن و استعانت جستن است.

325- معبودان باطل و تبدیل زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 56 - 9

9- خدایان و معبود های مشرکان، از دفع ضرر و نیز متوجه ساختن آن از فردی به فرد دیگر و یا تبدیل وضعیت محنت زا به حالت دیگر، ناتوانند.

قل ادعوا الذین زعمتم من دونه فلا یملکون کشف الضرّ عنکم و لا تحویلاً

مراد از «تحویلاً» می تواند رفع گرفتاری از کسی و متوجه ساختن آن به دیگری و یا تبدیل وضعیت ناگوار به وضعیت خوب باشد.

326- معبودان باطل و جلب منفعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 4

4- معبود های مشرکان ، ناتوان از جلب هرگونه سود و نفعی برای خویش و دفع ضرر و زیان از خود

ءالهه. .. لا یملکون لأنفسهم ضرراً ولا نفعاً

ص: 221

327- معبودان باطل و خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 1

1- خدایان ادعایی مشرکان ، قدرت آفرینش هیچ چیزی را ندارند .

و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئاً

«یدعون» صله «الذین» است و ضمیر مفعولی است که حذف گردیده و مرجع آن الذین است. مراد از «الذین» به قرینه آیات قبل - که درباره خدایان ادعایی ناتوان بود - خدایان مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 73 - 7

7 - عجز و ناتوانی خدایان اهل شرک - هر چند همگی گرد هم آیند - از آفریدن حتی یک مگس ، دلیلی است روشن و غیر قابل انکار بر پوچی اندیشه شرک .

إنّ الذین تدعون من دون الله لن یخلقوا ذباباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 11 - 7, 5, 4

4 - خداوند ، مشرکان را به ارائه مخلوقات معبودان شان ، فرا می خواند .

فأرونی ماذا خلق الذین من دونه

5 - معبودان مشرکان ، هیچ آفریده ای ندارند .

هذا خلق الله فأرونی ماذا خلق الذین من دونه

7 - مشرکان ، از ارائه مخلوقی برای معبودان خویش ، ناتوان اند .

فأرونی ماذا خلق الذین من دونه بل الظلمون فی ضلل مبین

امر «أرونی» برای تعجیز است و «بل» اضراب، برای انتقال از غرضی به غرض دیگری است. جمله بعد از «بل» اشعار دارد به این که آنان، نه تنها از درخواست ارائه مخلوق برای معبودی، ناتوانند بلکه آن چنان در بیراهه اند که هیچ گاه چنین کاری از آنان ساخته نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 19

19- مشرکان علی رغم سراغ نداشتن مخلوقی برای خدایان خویش ، به ولایت و تدبیر آنان معتقد بودند .

أفأخذتم من دونه أولياء .. أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشبه الخلق عليهم

جمله «خلقوا كخلقه» صفت برای «شركاء» است. «خلق» در هر دو مورد («كخلقه» و «الخلق») مصدر و به معنای اسم مفعول (مخلوقات) است. «تشابه» (مصدر تشابه) به قرینه کلمه «علی» به معنای مشتبه شدن به خاطر مشابَهت است. «أم» در جمله

ص: 222

فوق آم منقطعه و حاوی استفهام انکاری است و می رساند که خود مشرکان نیز برای شرکا و معبودهای پنداری، آفرینشی را باور نداشتند تا با آفریده های خدا مشتبه شود.

329- معبودان باطل و خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 5

5- معبود های مشرکان ، هیچ نقشی در مرگ ، زندگی و برانگیختن پدیده های جهان ندارند .

ءالهه . . . و لایملکون موتاً و لاحیوه و لانشوراً

330- معبودان باطل و دفع زیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 56 - 9

9- خدایان و معبود های مشرکان ، از دفع ضرر و نیز متوجه ساختن آن از فردی به فرد دیگر و یا تبدیل وضعیت محنت زا به حالت دیگر ، ناتوانند .

قل ادعوا الذین زعمتم من دونه فلا یملکون کشف الضر عنکم و لاتحویلاً

مراد از «تحویلاً» می تواند رفع گرفتاری از کسی و متوجه ساختن آن به دیگری و یا تبدیل وضعیت ناگوار به وضعیت خوب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 4

4- معبود های مشرکان ، ناتوان از جلب هرگونه سود و نفعی برای خویش و دفع ضرر و زیان از خود

ءالهه. . . لایملکون لأنفسهم ضرراً و لانفعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 4,6,9

4- معبود های مورد پرستش مشرکان ، ناتوان از برطرف کردن هرگونه گزند از انسان

قل أفرئیتم ما تدعون من دون الله إن الله بضرّ هل هنّ کشف ضرّه أو أراد

6 - ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان ، از رساندن سود به انسان ها و یا دفع گزند از آنان و نیز مقهور بودنشان در برابر اراده و قدرت خداوند ، با اندک تأمل و دقت نظر روشن می شود .

قل أفرءیتم ما تدعون من دون الله إن أرادنی الله . . . برحمة هل هنّ ممسکت رحمتہ

طرح مسأله ناتوانی معبودها در قالب استفهام و سؤال، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

9 - مشرکان ، معتقد به حاجت دادن معبودهایشان و رساندن سود به انسان ها و برطرف کردن گزند از آنان

ص: 223

أفرءيتم ما تدعون من دون الله إن أرادني الله بضرٍ .. برحمه هل هنّ ممسكت رحمت

مقصود از «دعاء» در «ماتدعون»، حاجت بردن و استعانت جستن است.

331- معبودان باطل و رازقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 56 - 1

1- مشرکان ، برای معبود های خویش سهمی در روزی دهی قائل بودند .

یشركون ... و يجعلون لما لا يعلمون نصيبًا مما رزقنهم

آیه، ادامه بیان کارهای خلاف مشرکان است و برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که مراد از «ما» ی موصول، معبودهاست و مفعولُ به فعل «لا يعلمون» محذوف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 73 - 1

1- خدایان مشرکان ، هیچ گونه نقشی در روزی رسانی به انسان ها ندارند .

و يعبدون من دون الله ما لا يملك لهم رزقًا

332- معبودان باطل و عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 42 - 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف شد تا به مشرکان اعلام کند : اگر با خدای واحد ، خدایان دیگری وجود دارد ، باید آنان برای گرفتن عرش چاره اندیشی نموده و وسیله ای فراهم آورند .

قل لو كان معه ءالهه كما يقولون إذًا لآبتغوا إلى ذی العرش سبيلًا

333- معبودان باطل و قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 20 - 2

2 - ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان از هرگونه قضاوت

والذین يدعون من دونه لايقضون بشيء

ص: 224

334- معبودان باطل و مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 22 - 4

4 - خدایان مشرکان ، مالک هیچ چیزی - حتی به اندازه یک ذره - در عالم نیستند .

قل ادعوا الذين زعمتم من دون الله لا يملكون مثقال ذره في السموت ولا في الأرض

335- معبودان باطل و مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 5

5 - معبود های مشرکان ، هیچ نقشی در مرگ ، زندگی و برانگیختن پدیده های جهان ندارند .

ءالهه . . . و لا يملكون موتاً ولا حيوةً ولا نشوراً

336- معبودان باطل و منفعت رسانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 9، 6

6 - ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان ، از رساندن سود به انسان ها و یا دفع گزند از آنان و نیز مقهور بودنشان در برابر اراده و قدرت خداوند ، با اندک تأمل و دقت نظر روشن می شود .

قل أفرئتم ما تدعون من دون الله إن أرادني الله . . . برحمه هل هنّ ممسكت رحمته

طرح مسأله ناتوانی معبودها در قالب استفهام و سؤال، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

9 - مشرکان ، معتقد به حاجت دادن معبودهایشان و رساندن سود به انسان ها و برطرف کردن گزند از آنان

أفرئتم ما تدعون من دون الله إن أرادني الله بضراً . . . برحمه هل هنّ ممسكت رحمت

مقصود از «دعاء» در «ماتدعون»، حاجت بردن و استعانت جستن است.

337- معبودان باطل و نجات از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 101 - 8

8- بت ها و خدایان پنداری ، هرگز به فریاد پرستشگران خویش نمی رسند و نمی توانند حتی اندکی از عذاب های الهی را از آنان دور سازند .

ص: 225

فما أغنت عنهم ءالتهم التي يدعون من دون الله من شيء لما جاء أمر ربك

338- مقایسه حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 26 - 5

5- مقایسه بین عقاید حق و باطل ، روشی برای تشخیص حق و رهنمودی کاربردی برای تعیین مسیر حرکت آدمی است .

مثلاً کلمه طَّيِّبَه کَشَجَرَه طَّيِّبَه أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفِرْعَاهَا فِي السَّمَاءِ . . . و مثل کلمه خبیثه

بی شک منظور از تشبیهات در قرآن، و از جمله موارد یاد شده در آیه های فوق، تبیین دقیق آن دسته از معارفی است که فهم آنها مشکل می باشد و فلسفه چنین روشنگری ای نیز، قطعاً ارائه راه روشن برای انسان است.

339- مکذبان اخروی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 82 - 8

8- مشرکان در قیامت ، پرستش و بندگی معبود های ساختگی را انکار کرده و با آنها به ستیز و دشمنی خواهند پرداخت .

سِیْكَفِرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر «یکفرون» و «یکونون» مشرکان و مرجع ضمیر «بعبادتهم» و «علیهم» الهه دانسته شده و کفر نیز به معنای انکار گرفته شده است.

340- مکر معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 162 - 1

1 - مشرکان و معبودهایشان ، از فریب دادن و گمراه کردن مردم و جلوگیری از پیشرفت دین خدا (توحید و یگانه پرستی) ناتوان اند .

ما أنتم علیه بفتنین

«فاتن» (اسم فاعل و مفرد «فاتنین») به معنای کسی است که می فریبد و به گمراهی فرا می خواند. گفتنی است طبق نظر بیشتر مفسران ضمیر «علیه» به «اللّه» برمی گردد و مقصود از آن راه خدا و دین او (اسلام) می باشد.

341- ملاک ارزیابی باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 25 - 8

8 - فرجام امور، ملاک ارزیابی حق و باطل است؛ نه جلوه های ناپایدار مادی.

قال مترفوها... فانظر كيف كان عقبه المكذبين

342- ملاک تشخیص باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 213 - 16

16 - کتاب های آسمانی، معیار شناخت حق از باطل و قضاوت صحیح

و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 25 - 6

6 - رسولان الهی، پیام آوران عدالت برای جوامع و ارائه دهندگان موازین و معیار های حق و باطل

و أنزلنا معهم الكتب والميزان

«میزان» اسم آلت و ابزار سنجش اشیا است. فرستادن میزان از سوی خداوند، به معنای ارائه معیارها و ملاک ها، برای رعایت حق و عدل می باشد.

343- ملاک سخن باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 29 - 2

2- سخن های ناسازگار با تعالیم الهی، باطل و مردود است.

وقل الحق من ربكم

3 - سخنان ناسازگار با سخن خدا، سخنی باطل و به دور از حقیقت است .

قال فالحقّ والحقّ أقول

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که وقتی تمامی سخنان خداوند بدون استثنا حقّ خالص است، قهراً دیگر سخنان باطل خواهد بود.

ص: 227

344- ملاکهای تشخیص باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 11

11 - قرآن ، حاوی رهنمودها و دلایلی روشن جهت دستیابی به میزانی برای تمییز حق از باطل

الذی أنزل فیہ القرآن .. بینت من الهدی و الفرقان

«فرقان» به چیزی گفته می شود که به وسیله آن می توان حق را از باطل و درست را از نادرست تمییز داد.

345- مملوکیت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 138 - 7

7 - بت پرستان موجود در مسیر قوم موسی معبودهایی را می پرستیدند که خود مالک آنها بودند .

أصنام لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 194 - 3

3 - همگان ، چه معبودان و چه پرستش کنندگان ، بنده خدا و مملوک او هستند .

إن الذین تدعون من دون الله عباد أمثالکم

«عباد»، جمع «عبد»، و به معنای بندگان و مملوکان است.

346- ممیز حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 1 - 9

9- آیات قرآن ، جدا کننده حق از باطل و ملاک تمییز بین آن دو

و قرءان مبین

برداشت فوق، مبتنی بر متعدی بودن «مبین» است که در لغت به معنای جدا کننده بین دو شیء آمده است و به قرینه مقام، مراد از آن ایجاد تمایز حق از باطل می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 228

2- تورات ، جدا کننده حق از باطل

ءاتینا موسی و هرون الفرقان و ضیاء و ذکراً

واژه «فرقان» به هر چیز جدا کننده حق از باطل اطلاق می شود. توصیف کتاب آسمانی تورات به «فرقان» بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 1 - 6

6 - قرآن ، تبیین گر حق و باطل و جدا کننده سره از ناسره است .

تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده

«فرقان» اسم است برای آنچه فارق و جدا کننده حق از باطل باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 2 - 3

3 - فرمان روایی و حکومت خداوند بر آسمان ها و زمین ، خاستگاه نزول کتابی که تبیین کننده حق از باطل برای انسان ها است .

تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده . . . الذی له ملک السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 76 - 5

5 - جداسازی حق از باطل ، سره از ناسره و ارائه بینش صحیح مکتبی از رسالت های قرآن

إنّ هذا القرآن یقصّ علی بنی اسرائیل أكثر الذی هم فیہ یختلفون

مراد از «یقصّ» صرف قصه گویی و گزارش نیست؛ بلکه گزارش همراه با نقد و تبیین و تفکیک سره از ناسره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 48 - 6

6 - قرآن ، معیار شناخت حق و باطل در معارف الهی

فلما جاءهم الحقّ

توصیف قرآن به «حق» می تواند به این خاطر باشد که بشر در شناخت حقایق و معارف الهی (هم چون مبدأ و معاد) دچار خطا نشود و معیاری صحیح در شناخت آنها داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 2 - 5

5 - ارائه حق و شناساندن آن به مردم ، فلسفه نزول قرآن

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

ص: 229

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 7 - 5

5- برقراری میزان و ابزار سنجش حق و باطل در میان مردم از سوی خداوند

و السَّمَاءِ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از «وضع المیزان» برقراری ابزار سنجش در میان مردم باشد - نه آسمان ها - ; آن گونه که در آیه 25 سوره «حدید» آمده است (و أنزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط). گفتنی است آیه بعد - که توصیه به پرهیز از طغیان در میزان می کند - مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 4 - 3,2

2- فرشتگان وحی ، جداکنندگان حق از باطل اند .

فالفرقت فرقا

«فرق» به معنای تمیزدادن میان اشیا است و مقصود از فارق بودن فرشتگان، به این است که آنان اهل بهشت را از اهل دوزخ و اقوام محکوم به عذاب را (مانند قوم نوح و عاد و ..) با غیر اینها جدا کرده، تمیز می دهند و یا این که آنان چیزهایی می آورند که جداکننده حق از باطل است (وحی و کتاب های آسمانی). گفتنی است برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

3- وحی و کتاب های آسمانی ، جداکننده حق از باطل اند .

فالفرقت فرقا

347- منشأ پیروزی باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 19 - 5

5- مالکیت مطلقه الهی بر جهان هستی ، پشتوانه و تضمین کننده تحقق پیروزی حق بر باطل است .

بل نقذف بالحقّ . . . و له من فی السموت والأرض

جمله «و له من فی السماوات . . .» عطف بر جمله «لو أردنا . . . بل نقذف بالحقّ . . .» است و تبیین و تفسیر کننده حق بودن آفرینش جهان و نیز پیروزی حق بر باطل می باشد؛ زیرا وقتی جهان در ملک خدا بود، پیروزدن حق بر باطل، امری ممکن و آسان بر او خواهد بود.

348- منشأ سخن باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 3 - 5

5 - هوای نفس ، منشأ اصلی سخنان باطل و القای مفاهیم گمراه کننده

ص: 230

و ما ينطق عن الهوى

از این که «الهوى» به خصوص نفى گشته و عوامل ديگر ياد نشده است، مطلب بالا استفاده مى شود.

349- منشأ شكست باطل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - صافات - 37 - 116 - 4

4- در صورت يارى خداوند ، پيروزي سپاه دين و جريان حق بر كفر و باطل ، قطعى است .

و نصرنهم فكانوا هم الغلبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - شورى - 42 - 24 - 17

17 - علم و آگاهى گسترده خداوند ، پشتوانه پيروزي دين حق و شكست جبهه كفر و باطل

و يمح الله البطل . . . إنه عليم بذات الصدور

جمله «إنه عليم بذات الصدور» مى تواند علت براى جمله «و يمح الله البطل» باشد.

350- منشأ عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - نساء - 4 - 119 - 9

9- شيطان ، رواج دهنده اندیشه ها و گرايش هاى خرافى در جامعه

و لا مرنهم فليبتكن ءاذن الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 77 - 13,15

13 - پيروي از افكار و عقايد بدون دليل و مبتنى بر تمايلات نفسانى ، امرى نكوهيده و مورد نهى خداوند

و لا تتبعوا هواء قوم قد ضلوا

15 - پی ریزی عقاید دینی بر پایه هواپرستی و تمایلات نفسانی ، موجب گمراهی و گمراه سازی دیگران

و لا تتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل و اضلوا كثيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 100 - 6

6 - شریک پنداشتن برای خداوند و انتساب فرزند به او، پنداری باطل و از سر نادانی است.

ص: 231

و خرقوا له بنین و بنت بغیر علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 40 - 4

4- شرک‌ورزی و اعتقاد به معبودهایی غیر از خدای یکتا، زاییده پندار و توهم آدمیان است .

إِلَّا أَسْمَاءَ سَمِيتُمُوهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 35 - 2

2- توهم فرزند بودن عیسی (ع) برای خداوند، برخاسته از تحلیل نادرست ماجرای تولد و سخن گفتن معجزنمای او بود .

ذَلِكِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ . . . مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ

نقی فرزند از خداوند پس از بیان قصه تولد عیسی(ع) می تواند بیانگر این نکته باشد که گروهی این نوع امور معجزه آسا را دلیل فرزند خدا بودن او قرار داده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 39 - 5

5- جهان بینی غلط و نگرش جاهلانه به هستی، ریشه عملکرد نادرست و مجرمانه انسان در صحنه حیات

إِنَّهُمْ كَانُوا مجرمین . . . و لکن اکثرهم لا یعلمون

از ارتباط این آیه با عبارت «إِنَّهُمْ كَانُوا مجرمین»، استفاده می شود که ناآگاهی نسبت به حقانیت آفرینش، عامل گرایش امت های نابود شده به جرم پیشگی بوده است.

351- منشأ قضاوت باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 104 - 11

11- داوری وارونه و دور از حقیقت درباره عملکردها، از پی آمد های نابسامانی فکری و عقیدتی است .

الذین کانت أعینهم فی غطاء .. یحسبون أنهم یحسنون صنعا

مجموع چند آیه، در آغاز، فقدان بینش را در کافران مطرح ساخت، آنگاه برگزیدن معبودانی جز خدا را به عنوان یکی از دستاوردهای آن مطرح کرد (أفحسب) و در این آیه، آنان را به عنوان (أخسرین) و کسانی که اعمال پوچ خود را کارهایی نیک می بینند، معرفی کرد. مقتضای ربط بین آیات مورد بحث، برداشت بالا، است.

ص: 232

352- منفعت رسانی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 42 - 1

1 - در روز قیامت معبود های مشرکان ، نمی توانند هیچ سود و زیانی را برای کسی عهده دار شوند .

فاليوم لا يملك بعضكم لبعض نفعاً ولا ضرراً

353- موارد باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 33 - 6

6 - شرک و بت پرستی ، خروج از مدار حق و گردش بر مدار باطل است .

فماذا بعد الحق إلا الضلل . . . كذلك حقت كلمت ربك على الذين فسقوا أنهم لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 17 - 16

16- توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فيذهب جفاءً و أما ما ينفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل - که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است - توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 49 - 7

7 - « عن حماد بن عثمان قال : أولم اسماعيل فقال له أبو عبد الله (ع) عليك بالمسكين فأشبعهم . فإن الله عز وجل يقول : « و ما يبدئ الباطل و ما يعيد » ؛

حماد بن عثمان روایت می کند که اسماعیل (فرزند امام صادق(ع)) ولیمه ای ترتیب داده بود. امام صادق(ع) به او فرمودند: بر توباد توجه به مساکین، پس آنان را سیر کن؛ زیرا خداوند عزوجل می فرماید: (و ما یبدئ الباطل و ما یعید)».

354- موارد شکست باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 18 - 8

8- هلاکت و نابودی جوامع ستمگر گذشته ، نمونه ای از پیروزی حق بر باطل

و کم قصمنا من قریه کانت ظالمه. .. بل نقذف بالحق علی البطل فیدمغه فإذا هو زاهق

ص: 233

355- موانع عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 116 - 19

19 - توجه به محدودیت دانش پیامبران (ع) بازدارنده آدمی از باور به الوهیت آنان

و لا اعلم ما فی نفسک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 132 - 17

17 - توجه به نیاز همه بندگان به خداوند در تأمین معاش ، از میان برنده پندار بهره بردن خداوند از عبادت بندگان است .

لانس لک رزقاً نحن نرزقک

در برداشت یاد شده جمله «نحن نرزقک» به منزله تعلیل برای جمله قبل است؛ یعنی، چون رزق تو به دست ما تأمین می شود، پس روشن است که ما در فرمان نماز، در پی کسب روزی از جانب تو نیستیم.

356- موضعگیری علیه باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 108 - 3

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبر جامعه اسلامی ، باید در موضع گیری علیه جریان های باطل (نفاق) پیشگام باشد .

لا تقم فیه أبداً

مخاطب قرار گرفتن شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) در این آیه ظاهراً به خاطر موقعیتی است که آن حضرت داشتند (موقعیت رهبری).

357- نابودی باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 8 - 1

1 - پیاده شدن حق و نابودی باطل ، هدف از تشریح جهاد و مبارزه در اسلام

إذ يعدكم . . . يريد الله .. ليحق الحق ... ولو كره المجرمون

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

13 - شعراء - 26 - 67 - 2

ص: 234

2- ماجرای میان موسی (ع) و فرعونیان، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوب باطل

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

چنان که گفته شد «آیه» به معنای عبرت است و عبرت بودن ماجرای موسی و فرعونیان، در صورتی است که تکرار نظایر آن همواره ممکن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 121 - 2

2- ماجرای میان نوح (ع) و قومش، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوبی باطل

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

آیه و عبرت آموز بودن، مستلزم امکان تحقق دوباره و استمرار یافتن چیزی است که باید از آن درس عبرت گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 139 - 6

6- فرجام هلاکت بار عادیان، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوب باطل

فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

نشانه و مایه عبرت بودن ماجرای هلاکت قوم عاد، مستلزم استمرار داشتن مجازات اقوام در صورت کفرورزی و اصرار بر حق ناپذیری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 158 - 4

4- نزول عذاب مرگبار بر ثمودیان، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

فَأَخَذْنَاهُمُ الْعَذَابَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

نشانه و مایه عبرت بودن ماجرای هلاکت ثمودیان، مستلزم استمرار داشتن مجازات اقوام دیگر، در صورت کفرورزی و اصرار بر حق ناپذیری آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - هلاکت قوم فساد پیشه لوط و نجات وی و خاندانش - به جز همسر وی - نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

نشانه و مایه عبرت بودن سرگذشت قوم لوط، در صورتی است که درباره دیگر امت ها قابل تکرار باشد و به تعبیر دیگر، سنتی مستمر به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- فرجام هلاکت بار مردم ایکه ، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

فأخذهم عذاب يوم الظلّه . . . إنّ في ذلك لآیه

نشانه و مایه عبرت بودن سرگذشت مردم ایکه، در صورتی است که تکرار نظایر آن همواره ممکن باشد.

358- ناپایداری عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 26 - 2

2- اعتقادات ناحق و باطل ، بی ریشه و ناپایدار است .

و مثل کلمه خبیثه کسجیره خبیثه اجتت من فوق الأرض ما لها من قرار

«کلمه خبیثه» در مقابل «کلمه طیبه» است و مراد از آن طبق گفته مفسران و قرینه هایی که در مشبه به آمده است، شرک و عقیده باطل می باشد.

359- ناپسندی ایمان به باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 67 - 12

12 - ایمان به باطل و کفران نعمت های الهی ، اموری نکوهیده اند .

أفبالبطل يؤمنون و بنعمه الله یکفرون

360- ناپسندی مجادله باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 56 - 12

12- جدال به باطل و استهزا و تمسخر ، از روش های ناپسند در برخورد با مسائل فکری و عقیدتی است .

و یجدل الذین کفروا بالبطل لیدحضوا به الحق واتخذوا آیتی و ما أنذروا هزواً

361- نشانه های پوچی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 83 - 9

9- تحریک کافران از سوی شیاطین و گمراهی فزون تر آنان ، نشانه ای روشن از سودمند نبودن معبود ها و ضدیتشان با

ص: 236

پرستشگران خویش

و یکنونون علیهم ضدًا . ألم تر انا أرسلنا الشیطین

استفهام در «آلم تر» برای استشهاد و تأیید محتوای آیه قبل است و دلالت بر واضح بودن شاهد دارد به گونه ای که ندیدن و توجه نکردن به آن تعجب دارد.

362- نفع رسانی معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 1، 4

1 - مشرکان ، در عصر بعثت ، موجوداتی را می پرستیدند که از رساندن نفع و یا دفع ضرر ، ناتوان بودند .

و یعبدون من دون الله ما لاینفعهم و لایضرهم

4 - معبود های مشرکان ، ناتوان از سودرساندن و یا دور کردن زیان از عبادت کنندگان خویش

و یعبدون من دون الله ما لاینفعهم و لایضرهم

363- نفی باطل در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 17 - 14

14 - در تبلیغ ، تنها ، به نفی باطل نباید پرداخت ، بلکه باید راه درست را نیز معرفی کرد .

إنّ الذین تعبدون من دون الله لایملکون لکم رزقًا فابتغوا عند الله الرزق و اعبدوا

364- نقش باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 32 - 5

5 - حق ، مدار هدایت و باطل ، مدار ضلالت است .

فماذا بعد الحق إلا الضلل

جمله «فما بعد الحق . . .» دارای حذف و ایجاز است و تقدیر آن چنین می باشد: «فماذا بعد الحق الذى هو الهدى إلا الباطل الذى هو الضلال».

ص: 237

365- نقش معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 137 - 11، 12، 13

11 - شریکان موهوم خداوند با تزئین اعمال ناروا موجبات هلاکت و سردرگمی و اشتباه در دین را برای مشرکان فراهم می سازند.

و کذلک زین . . . لیردوهم و لیلبسوا علیهم دینهم

«ردی» به معنای هلاکت و «لبس» به معنای اشتباه است.

12 - شریکان پنداری به اذن خداوند مشرکان را به هلاکت و سردرگمی می اندازند.

و لو شاء الله ما فعلوه فذرهم

13 - گمراه شدن مشرکان و به هلاکت افکندن آنان از سوی شریکان موهوم خداوند (جنیان و بتها) در قلمرو مشیت الهی است.

و لو شاء الله ما فعلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 86 - 5

5- تلاش مشرکان در قیامت برای دخیل شمردن معبود های دروغینشان در گمراهی خویش *

و إذا رءا الذین أشركوا شركاءهم قالوا ربنا هؤلاء شركاؤنا الذین كنا ندعوا من دو

برداشت فوق، بر این احتمال استوار است که غرض مشرکان از نمایاندن معبودهای دروغین خویش، کاستن از بار گناه خویش و نهاندن آن بر دوش معبودها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 82 - 4

4- معبود های مشرکان، در قیامت مایه ذلت و خواری مشرکان خواهند شد .

عزاً . . . و یكونون علیهم ضدّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- دخالت معبود ها و خدایان ، در مقدار عمر و بهره‌وری مادی انسان ، پندار باطل مشرکان

أَمْ لَهُمْ ءَالِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ . . . بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وءَابَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعَمْرُ

برداشت یاد شده بر این اساس است که «بل . . .»، اضراب از «أَمْ لَهُمْ ءَالِهَةٌ...» باشد. از این استفاده می شود که مشرکان به چنین قدرتی برای خدایان خویش اعتقاد داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 5

5 - معبود های مشرکان ، هیچ نقشی در مرگ ، زندگی و برانگیختن پدیده های جهان ندارند .

ءَالِهَةٌ . . . و لَآ يَمْلِكُونَ مَوْتًا و لَآ حَيٰوةً و لَآ نَشُورًا

ص: 238

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 17 - 2,3

2 - خداوند به روز رستاخیز ، خواستار پاسخ گویی معبود های مشرکان در باره علت گمراهی مشرکان و نقش آنان در این گمراهی

ویوم یحشرهم و ما یعبدون من دون الله فیقول ءأنتم أضللتم عبادى هولاء

3 - خداوند ، به روز رستاخیز ، خواهان توضیح و پاسخ گویی معبود های باطل در باره نقش خود مشرکان در گمراهی خویش

فیقول ءأنتم أضللتم عبادى هولاء أم هم ضلّوا السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 93 - 5

5 - باور مشرکان ، به یاری رسانی معبودهایشان در سختی ها و هلاکت ها

این ما کنتم تعبدون . من دون الله هل ینصرونکم أو ینتصرون

زیر سؤال رفتن توانایی معبودها بر یاری رسانی، حاکی از این است که مشرکان بر این باور بودند که معبودهایشان به آنان یاری خواهند رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 3 - 7

7 - مشرکان ، معبود های خود را وسیله تقرب به خدا می دانستند .

ما نعبدهم إلا لیقربونا إلى الله زلفی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 43 - 1,2

1 - معبود های ادعایی مشرکان - نه در دنیا و نه در آخرت - هرگز برای انسان ها پیامی نداشته ، آنان را به عبادت خویش فرا نخوانده اند .

لاجرم أنما تدعونى إليه لیس له دعوة فى الدنيا و لا فى الآخره

مقصود از «دعوت» معبودهای ادعایی در آیه شریفه، دو چیز می تواند باشد: 1- داشتن پیام برای انسان ها و فراخواندن به عبادت خود؛ 2-

استجابت دعوت و یا دعای مستجاب شده؛ یعنی، به تقدیر کلمه ای باشد مانند: «استجابہ دعوه أو دعوه مستجابہ». برداشت یادشده مبتنی بر معنای نخست است.

2- مؤمن آل فرعون قومش را از نقش نداشتن معبود های ادعایی در سعادت دنیوی و اخروی و نیز بی ثمر بودن عبادت آنها آگاه ساخت .

لاجرم أنما تدعونني إليه ليس له دعوة في الدنيا ولا في الآخرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 28 - 4

4- اعتقاد مشرکان به نقش معبود های خویش ، در تقرب آنان به خداوند

اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَهُ

ص: 239

366- نوح(ع) و معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 71 - 10

10 - حضرت نوح (ع) همراه با اعلان تحدی ، خدا را تنها کانون قدرت و معبود های قومش را شرکایی ساختگی و فاقد هر گونه توانایی اعلام کرد .

يقوم إن كان كبير . . . فعلى الله توكلت فأجمعوا أمرکم و شركاءکم . . . و لا تنظرون

367- وحدت راه باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 24 - 9

9 - هر یک از حق و باطل ، یک راه بیشتر ندارد .

وإنا أو إياکم لعلى هدى أوفى ضلل مبين

368- ولایت باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 62 - 4

4 - ولایت غیر خداوند، بی اساس و باطل است.

ثم ردوا إلى الله مولیهم الحق

369- ولایت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 13

13 - پذیرش ولایت معبودانی نیازمند و ناتوان از رفع نیاز دیگران، نشانه بی خردی است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

استفهام انکاری همراه با توبیخ و تعجب در «قل أغیر الله» حکایت از آن دارد که پذیرش ولایت غیر خدا توجیه صحیحی ندارد و کاری ست دور از منطق و خرد.

ص: 240

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 41 - 3

3- مشرکان ، معبودان خود را ، به عنوان کارساز و ولیّ برای خود ، انتخاب می کنند .

مثل الذین اتّخذوا من دون الله اولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیئاً

با توجه به آیه بعد - که در آن ، از معبودان مشرکان سخن گفته شده است - احتمال دارد مراد از «أولیاء» همان معبودان مشرکان باشد.

370- ویژگیهای حشر معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 95 - 3

3- معبود های باطل (فرزند پنداشته شدگان خداوند) و پرستندگان آنها ، همه یکه و تنها در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

دعوا للرحمن ولداً .. و کلّهم ءاتیه یوم القیمه فرداً

«کلّهم» شامل تمامی موجودات ذی شعور آفرینش (من فی السموات والأرض) می گردد و از جمله آنها کسانی اند که برخی از مردم: آنان را فرزند خدا می پنداشتند (مانند: ملائکه، حضرت عیسی و عزیر(ع)).

371- ویژگیهای رهبران باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 28 - 37

37- پندار مزیت های بی جا برای خود و ناهنجار دیدن سیمای بی نوایان ، از ویژگی های رهبران نالایق و مایه بی ارزشی رهنمود های آنان است .

و لاتطع من .. کان أمره فرطاً

372- یوسف(ع) و معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 40 - 3

3- یوسف (ع) ، برای هم بندگان زندانی خویش شایسته نبودن معبودهایشان را برای پرستش ، تشریح کرد و بر لزوم یکتاپرستی استدلال

کرد .

ما تعبدون من دونه إلا أسماء .. ذلك الدين القيم

ص: 241

1- آثار نزول بلا بر باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 20 - 1

1 - بوستان باغداران یمنی ، بر اثر نزول بالای الهی سوزانده شد و همچون شب سیاه گردید .

فأصبحت كالصريم

«صريم»، در معانی شب و بریده شده (فعلیل به معنای مفعول) به کار می رود. با توجه به معنای نخست، مقصود از آن سوختن و سیاه شدن تمامی درختان باغ، همچون سیاهی شب است. بر مبنای دوم، مراد از آن، نابود شدن تمامی میوه های باغ است. گفتنی است مطلب یاد شده، با توجه به معنای نخست است.

2- آثار ویرانی باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 29 - 2، 1

1 - توبه و پشیمانی باغداران یمنی ، پس از مشاهده نابودی محصولات از بخلورزی و محروم ساختن بینوایان

قالوا سبحن ربّنا إنا كنا ظلمین

2 - باغداران یمنی ، از مشاهده نابودی محصولات خویش از خواب غفلت بیدار شده و به تسبیح و تنزیه خداوند پرداختند .

قالوا سبحن ربّنا

ص: 242

3- ارزش باغ های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 10 - 7

7- باغ ها و قصر های بهشتی در قیامت ، بهتر از نوع دنیایی آنها است .

إن شاء جعل لك خیرًا من ذلك جنّ-ت . . . و يجعل لك قصورًا

4- ارزش باغ های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 10 - 7

7- باغ ها و قصر های بهشتی در قیامت ، بهتر از نوع دنیایی آنها است .

إن شاء جعل لك خیرًا من ذلك جنّ-ت . . . و يجعل لك قصورًا

5- امکان باغ برای محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 10 - 3

3 - خداوند ، تونا بر مهیا ساختن باغ هایی با نهر های روان برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مراتب بهتر از آنچه که مشرکان توقع آن را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) داشتند .

أو تكون له جنّه يأكل منها . . . تبارک الذی إن شاء جعل لك خیرًا من ذلك جنّ-ت تجری

6- باغ انار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 99 - 8

8 - خداوند با آب باران تاکستانهای انگور و باغهای زیتون و انار را پدیدار می سازد.

و جنت من أعناب و الزیتون و الرمان

7- باغ انگور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 243

5 - انعام - 6 - 99 - 8

8 - خداوند با آب باران تاکستانهای انگور و باغهای زیتون و انار را پدیدار می سازد.

و جنت من أعناب و الزیتون و الرمان

8- باغ زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 99 - 8

8 - خداوند با آب باران تاکستانهای انگور و باغهای زیتون و انار را پدیدار می سازد.

و جنت من أعناب و الزیتون و الرمان

9- برداشت میوه باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 17 - 5

5 - سوگند باغداران یمنی ، به چیدن تمامی میوه های باغ برای خود در صبحگاهان

إذ أقسموا لیصرمنّها مصبحین

10- پیدایش باغ انگور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 141 - 1

1 - پدید آورنده باغهایی که برخی (چون تاک) برافراشته بر پایه ها (داربست) و برخی ایستاده بر ساق و یا نشسته بر زمینند، خداوند است.

و هو الذی أنشأ جنت معروشت و غیر معروشت

«عرش» به معنای سقف است و «جنات معروشات» باغهایی است که با داربست و مانند آن سقفی برای درختان انگور فراهم می آورند. در لسان العرب آمده است: «المعروشات، الكروم و العرش ما عرشته به».

11- تبدیل باغ ها به بیابان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

10 - کہف - 18 - 40 - 6

ص: 244

6- تبدیل شدن بوستان های زیبا و حاصل خیز، به کویری خشک و بی حاصل، با عذاب الهی، در نتیجه کفر و مباهات به دیگران، امری ممکن است.

فَعَسَى رَبِّي .. يَرْسِلُ عَلَيْهَا حِسَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتَصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا

«صعید» یعنی، روی زمین و «زلق» یعنی، بدون گیاه.

12- تعدد باغ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 13

13 - باغ های بهشت، متعدد و دارای نهر های فراوان

أَعْدَ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 9 - 9

9 - بهشت، دارای باغ های متعدد

فی جنت

13- ثمردهی باغ نمونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 33 - 4

4- به بار نشستن و رسیدن میوه ها و کاهش نیافتن محصول (در اثر آفت و یا عوامل دیگر) از نشانه های باغ نمونه است. *

كُلُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَلْمِزُوا لَهُمْ مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَحْسَبُوا أَنَّكُمْ مُسْلِمُونَ

از معانی «أكل» میوه و ثمره درختان است، لذا جمله «ات آكلها» یعنی، میوه داد. «لم تظلم» به معنای «لم تنقص» است، یعنی، ناقص و تباہ نکرد. باغ نمونه، در اصطلاح کشاورزی، به باغی گفته می شود که از نظر محصول و دیگر شرایط مشکلی نداشته باشد.

14- جایگزینی باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - امیدواری باغداران یمنی - پس از توبه و پشیمانی - به جایگزین شدن بوستانی بهتر از بوستان ویران شده خویش ، در پرتو

ص: 245

عسی ربنا أن یبدلنا خیرًا منها

مفسران در توضیح آیه شریفه نوشته اند: آنان با خلوص نیت توبه کردند و خداوند چون این خلوص را دید، بوستانی به جای آن بوستان نابود شده به آنان عطا فرمود که نام آن «حیوان» بود. در این بوستان انگور فراوان و پرباری وجود داشت که هر خوشه از آن، بار یک قاطر می شد. (مجمع البیان و روح المعانی)

2- اشتیاق و امیدواری باغداران یمنی به پروردگار، پس از مشاهده ویرانی باغ خویش و توبه و پشیمانی از کردار خود

إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَغْبُونَ

4- اشتیاق و امیدواری باغداران یمنی به خداوند، سبب دل بستن آنان به جایگزین شدن بوستانی بهتر از باغ ویران شده خود از جانب او

عسی ربنا أن یبدلنا خیرًا منها إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَغْبُونَ

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله «إِنَّا إِلَى رَبِّنَا...» در مقام تعلیل برای جمله پیشین است.

15- خالق باغ ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 16 - 2

2- خداوند، به وجود آورنده بستان ها و آفریننده درختان و منظره های سرسبز و خرم

لنخرج... جنّات ألفافاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 1

1- آب، زمین، دانه ها، انگور، سبزیجات، زیتون، نخل، بوستان، میوه و چراگاه، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است.

متعاً لكم ولأنعمکم

«متاعاً» اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی «تمتعاً» (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

16- درخواست باغ برای محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 8 - 2

2 - داشتن باغی پوشیده از درختان با ثمر برای تأمین نیاز های غذایی و معیشتی خویش ، توقع بی جای مشرکان در باره پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ص: 246

وقالوا.. أو تكون له جنه يأكل منها

17- زمینه پیدایش باغ ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 12 - 10، 3

3 - استغفار و ایمان ، از عوامل ازدیاد اموال و فرزندان و آبادانی شهر ها و روستا ها (پیدایش باغ ها و نهر ها و ...)

استغفروا ربکم .. و یمددکم بأمول و بنین و یجعل لکم جنّـت و یجعل لکم أنهرًا

10 - تأثیر نزول باران فراوان و پی در پی ، در آبادانی (پیدایش باغ ها و نهر ها و ...)

یرسل السماء علیکم مدرارًا .. و یجعل لکم جنّـت و یجعل لکم أنهرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 15 - 1

1 - نزول باران بر زمین ، مایه تولید حبوبات و رویش گیاهان است .

و أنزلنا .. لنخرج به حبّـًا و نباتًا

«باء» در «به»، برای استعانت است و بیانگر نقش باران در رویش دانه ها و گیاهان و نیز میوه هایی است که در بوستان های پوشیده از درخت، حاصل می شود.

18- زمینه نابودی باغ ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 12 - 4

4 - کفر و گناه، از عوامل کم شدن اموال و تعداد فرزندان و خرابی شهر ها و روستا ها (نابودی باغ ها، نهر ها و ...)

استغفروا ربکم .. و یمددکم بأمول و بنین ... و یجعل لکم أنهرًا

19- زیبایی باغ ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- جریان نهر آب از میان باغ و کشتزارها، صحنه ای دل انگیز و تماشایی است .

كلتا الجنتين ءاتت اكلها ولم تظلم منه شيئاً و فجرنا خللهما نهراً

ص: 247

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 17 - 1,5,6,8

1 - اعلام خداوند به کافران برخوردار از ثروت و مکت ، به آزمودنشان همچون آزمودن باغداران یمنی

إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ

مفسران درباره «اصحاب الجنة» (صاحبان باغ) چنین نوشته اند: این باغ در حومه «یمن» در اختیار پیرمرد مؤمنی قرار داشت. او به قدر نیاز از آن برمی گرفت و بقیه را به مستمندان می داد. اما هنگامی که چشم از دنیا پوشید، فرزندانش گفتند: ما خود به محصول این باغ سزاوارتریم؛ چون عیال و فرزندان ما بسیار است و نمی توانیم مانند پدرمان عمل کنیم. آنان سوگند یاد کردند تمام مستمندان را از آن محروم سازند. سرنوشت آنان همان شد که در این آیات از آن یاد شده است. (مجمع البیان و نیز برگرفته از الکشاف زمخشری)

5 - سوگند باغداران یمنی ، به چیدن تمامی میوه های باغ برای خود در صبحگاهان

إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ

6 - آشنایی کافران صدر اسلام ، با داستان باغداران یمنی

إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا

تهدید شدن کافران، به دچار شدن به سرنوشت اصحاب الجنة» - به عنوان نمونه عینی از عملی شدن تهدید خداوند - بیانگر این حقیقت است که آنان، از این داستان کم و بیش با خبر بودند؛ و گرنه این تهدید فایده نمی بخشید.

8 - « عن أبي جعفر (ع) في قوله : « إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ » . . . هي الجنة التي كانت في الدنيا و كانت في اليمن يقال له الرضوان على تسعة أميال من صنعاء ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند (إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ) روایت شده است: .. [مراد از «جَنَّة»] باغی است که در دنیا بوده و در یمن قرار داشت که آن را «رضوان» می گفتند و در فاصله نُه میلی «صنعاء» واقع شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 18 - 1,2

1 - سوگند صاحبان باغ یمنی ، مبنی بر جدا نکردن سهم مستمندان و نیازمندان از میوه های چیده شده

إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ . و لایستخون

«استثنا» به معنای خارج کردن است و «لایستنون» عطف بر «لیصرمن» می باشد.

2 - اطمینان همراه با غرور باغداران یمنی ، به موفقیت خویش در چیدن تمامی محصولات باغ برای خود

إذ أقسموا لیصرمتّها مصبحین . و لایستنون

سوگند باغداران، همراه با تأکید بر این که تمامی محصولات را بدون استثنا برای خود خواهند چید، گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 20 - 1

1 - بوستان باغداران یمنی ، بر اثر نزول بلای الهی سوزانده شد و همچون شب سیاه گردید .

ص: 248

«صريم»، در معانی شب و بریده شده (فعلیل به معنای مفعول) به کار می رود. با توجه به معنای نخست، مقصود از آن سوختن و سیاه شدن تمامی درختان باغ، همچون سیاهی شب است. بر مبنای دوم، مراد از آن، نابود شدن تمامی میوه های باغ است. گفتنی است مطلب یاد شده، با توجه به معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 21 - 2

2 - صاحبان بوستان یمنی، برای عمل به سوگند خویش مبنی بر چین تمامی محصولات باغ خود - بدون کنار گذاشتن سهم مستمندان - به مشورت با یکدیگر پرداختند.

فتنادوا مصبحین

ندای افراد یک گروه به یکدیگر (تنادوا)، به معنای اجتماع و حضور آنان در یک محل و مکان برای مشورت و هم فکری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 22 - 2

2 - پدیدار شدن سستی و کوتاهی در میان برخی از باغداران یمنی، در عمل به سوگند خویش

أن اغدوا علی حرثکم إن کنتم صرمین

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که شرط «إن کنتم صارمین» برای تعلیق حقیقی نیست؛ زیرا آنان از پیش بر انجام آن سوگند یاد کرده بودند؛ بلکه به منظور بیان پدیدار شدن سستی و کوتاهی در وفا به سوگند خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 23 - 2,3

2 - مشاوره و گفتگوی پنهانی باغداران یمنی، درباره کیفیت چین میوه ها و چگونگی انجام سوگند خویش مبنی بر محروم ساختن مستمندان از آنها

فانطلقوا و هم یتخفتون

«تخافت» (مصدر «یتخفتون») به معنای آهسته سخن گفتن و پنهان داشتن آن است و چون این واژه از باب تفاعل است، متضمن معنای مشورت و گفت و گوی پنهانی است.

3 - تلاش باغداران یمنی ، در مخفی نگه داشتن کار برداشت میوه ها از دید دیگران

فانطلقوا و هم يتخفتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 24 - 1،4

1 - توصیه اکید باغداران یمنی به یکدیگر ، مبنی بر اطلاع نیافتن هیچ فردی از بینوایان از عمل برداشت میوه ها

أن لايدخلنَّها اليوم عليكم مسكين

4 - حضور هر ساله بینوایان در بوستان باغداران یمنی ، به وقت برداشت جهت بهره مند شدن از محصولات آن

أن لايدخلنَّها اليوم عليكم مسكين

ص: 249

1 - باغداران یمنی ، صبح هنگام به قصد مانع شدن بینوایان از ورود آنان به بوستان و محروم ساختن آنان از محصولات ، به سوی باغ شتافتند .

و غدوا علی حرد قدرین

«حرد» به معنای قصد و منع است؛ یعنی، صاحبان باغ به قصد اجرای تصمیم خود مبنی بر منع بینوایان و محروم ساختن آنان از محصولات باغ، به سوی آن روان شدند.

2 - باغداران یمنی ، خود را در بر چیدن تمامی محصولات باغ برای خود و محروم ساختن بینوایان از آن ، توانا می پنداشتند .

و غدوا علی حرد قدرین

1 - باغداران یمنی ، با مشاهده باغ خویش هیچ اثری از آن ندیده و گمان بردند که راه راگم کرده اند .

فلما رأوها قالوا إنا لضالون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که در این جا معنای اصلی و لغوی «ضالون» مراد باشد.

2 - شگفت زدگی باغداران یمنی ، هنگام مشاهده باغ خود

فلما رأوها قالوا إنا لضالون

آیه بعد (بل نحن محرومون) قرینه است بر این که این سخن، از روی شگفتی گفته شده است.

3 - ویرانی بوستان باغداران یمنی ، در شب هنگام و ناگهانی بود .

فلما رأوها قالوا إنا لضالون

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که صاحبان باغ در سپیده صبح، آن را ویران دیده اند و اگر این ویرانی مربوط به روزهای پیش بود، دست کم به وسیله دیگر باغداران با خبر می شدند.

4 - باغداران یمنی ، به هنگام مشاهده باغ ویران شده خویش ، بی درنگ به اشتباه خود پی برده و از کار محروم ساختن مستمندان پشیمان

گشتند و خود را مردمی گمراه یافتند .

فلما رأوها قالوا إنا لضالون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که مقصود از «ضالون» گمراهی اصطلاحی (گمراهی از راه حق و حقیقت) باشد. گفتنی است کلمه «لما» در اصطلاح بیانگر اقتران جواب به شرط و افاده کننده فور و بداهت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 27 - 1، 2

1 - توجه و اعتراف باغداران یمنی ، به محروم شدن خویش از تمامی محصولات باغ

بل نحن محرومون

2 - تمامی محصولات باغداران یمنی ، بر اثر نزول بلا نابود شده بود .

بل نحن محرومون

ص: 250

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 28 - 2,3,4,5,6

2 - ترغیب و برانگیخته شدن باغداران یمنی ، به تسبیح و یاد خدا از سوی برادر عاقل و معتدل خود

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

«لولا» برای تحضیض و ترغیب است و تسبیح در این آیه، به معنای یاد خداوند است؛ یعنی، «لولا تذکرون الله».

3 - ترغیب و برانگیخته شدن باغداران یمنی ، از سوی برادر عاقل و معتدل خویش ، بر رعایت حقوق مستمندان و پرهیز از محروم ساختن آنان از محصولات باغ

أن لا يدخلنها اليوم عليكم مسكين . . . قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

4 - مخالفت برادر عاقل و معتدل ، از میان برادران صاحب باغ ، با محروم ساختن مستمندان از محصولات خویش

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

5 - باغداران یمنی ، نصیحت و هشدار برادر عاقل و معتدل خود را درباره حق مستمندان و یاد خداوند نمی پذیرفتند .

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

6 - سرزنش شدن باغداران یمنی از سوی برادر خردمند و معتدل خود ، به سبب فراموش کردن یاد خدا و محروم ساختن مستمندان از محصولات باغ

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که همزه در «الم» برای استفهام توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 29 - 1,2

1 - توبه و پشیمانی باغداران یمنی ، پس از مشاهده نابودی محصولات از بخلورزی و محروم ساختن بینوایان

قالوا سبحن ربنا إنا كنا ظلمین

2 - باغداران یمنی ، از مشاهده نابودی محصولات خویش از خواب غفلت بیدار شده و به تسبیح و تنزیه خداوند پرداختند .

قالوا سبحن ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 30 - 1

1 - باغداران یمنی پس از مشاهده محرومیت خود و مستمندان از محصولات باغ، به سرزنش همدیگر پرداختند.

فأقبل بعضهم على بعض يتلومون

21- کم ارزشی باغ های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 22 - 4

ص: 251

4- بوستان های دنیوی در مقایسه با بوستان های بهشتی ، بی مقدار و ناچیز است .

فی جَنَّةِ عالیه

22- مکان باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 17 - 8

8- « عن أبي جعفر (ع) فی قوله : « إنا بلونا هم كما بلونا أصحاب الجنة » . . . هی الجنة الّتی كانت فی الدنيا و كانت فی الیمن یقال له الرضوان علی تسعه أمیال من صنعاء ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند (إنا بلونا هم كما بلونا أصحاب الجنة) روایت شده است: .. [مراد از «جَنَّة»] باغی است که در دنیا بوده و در یمن قرار داشت که آن را «رضوان» می گفتند و در فاصله نُه میلی «صنعاء» واقع شده بود».

23- منشأ پیدایش باغ ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 141 - 2, 1

1 - پدید آورنده باغهایی که برخی (چون تاک) برافراشته بر پایه ها (داربست) و برخی ایستاده بر ساق و یا نشسته بر زمینند، خداوند است.

و هو الذی أنشأ جنت معروشت و غیر معروشت

«عرش» به معنای سقف است و «جنات معروشات» باغهایی است که با داربست و مانند آن سقفی برای درختان انگور فراهم می آورند. در لسان العرب آمده است: «المعروشات، الكروم و العرش ما عرشته به».

2 - خداوند پدید آورنده باغستانها، درختان خرما و کشتزارهاست.

و هو الذی أنشأ جنت . . و النخل و الزرع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 9 - 4

4- پیدایش بوستان ها و کشتزار ها در پی نزول باران ، درسی برای خداجویان

و نزلنا من السماء ماء مبرکاً فأنبثنا به جنت و حبّ الحصد

24- میوه های باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 252

19 - قلم - 68 - 23 - 1

1 - به راه افتادن تمامی صاحبان بوستان یمنی با عزمی جدی ، برای چیدن میوه ها در سپیده صبح

فانطلقوا و هم یتخفتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 25 - 2

2 - باغداران یمنی ، خود را در بر چیدن تمامی محصولات باغ برای خود و محروم ساختن بینوایان از آن ، توانا می پنداشتند .

و غدوا علی حرد قدرین

25- نابودی باغ باغدار متکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 42 - 1,5

1- امکانات ثروت مند مغرور ، با نزول عذاب فراگیر الهی ، نابود شد و تمامی منافع باغ و کشت زار او از بین رفت .

و أُحیط بثمره

«أُحیط بثمره» عطف بر محذوف است، یعنی، «وقع العذاب و...». احاطه شدن، کنایه از نابود شدن است. مراد از «ثمر»، تمامی دستاوردهای مرد ثروت مند در باغ و کشت زار خود است.

5- سرمایه دار خود پرست ، با تباه شدن حاصل بوستان اش در فصل برداشت و جمع آوری محصول ، غافل گیر شد .

و أُحیط بثمره

تعبیر «أُحیط بثمره» و نیز «ما أنفق» نشان می دهد که کارهای مقدماتی کشت و سرمایه‌گذارهای لازم، قبلاً صورت گرفته بود و دقیقاً، عذاب، هنگامی نازل شد که می بایست از باغ ثمر گرفت.

26- نابودی باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 27 - 2

2 - تمامی محصولات باغداران یمنی ، بر اثر نزول بلا نابود شده بود .

بل نحن محرومون

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

19 - قلم - 68 - 33 - 1

1 - نابود شدن بوستان باغداران یمنی ، کیفر و عذاب الہی بر آنان بود .

کما بلونا أصحاب الجنّہ . . . بل نحن محرومون ... كذلك العذاب

ص: 253

27- نابودی میوه های باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 20 - 2

2 - نابود شدن تمامی محصولات بوستانِ باغداران یمنی، بر اثر نزول بلا

فاصحت کالصریم

28- نزول بلا بر باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 19 - 1

1 - نزول بلای ویرانگر الهی، بر بوستان باغداران یمنی

فطاف علیها طائف من ربک

«طواف» (از ماده «طاف») به معنای حرکت در اطراف و جوانب چیزی است (مانند طواف کعبه) مقصود از «طایف»، بلایی است که تمامی محدوده باغ را دور زده و آن را کاملاً سوزانده و نابود ساخته است.

29- نشانه های باغ نمونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 33 - 4

4- به بار نشستن و رسیدن میوه ها و کاهش نیافتن محصول (در اثر آفت و یا عوامل دیگر) از نشانه های باغ نمونه است. *

كلتا الجنتین ءاتت اكلها ولم تظلم منه شیئاً

از معانی «أكل» میوه و ثمره درختان است، لذا جمله «اتت أكلها» یعنی، میوه داد. «لم تظلم» به معنای «لم تنقص» است، یعنی، ناقص و تباہ نکرد. باغ نمونه، در اصطلاح کشاورزی، به باغی گفته می شود که از نظر محصول و دیگر شرایط مشکلی نداشته باشد.

30- نعمت باغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 134 - 4

4- باغستان های پوشیده از درخت و چشمه سار های روان در میان آنها ، نمودی از نعمت بخشی و امداد الهی به بشر

ص: 254

أمدکم . . . و جنّات و عیون

31- نقش باغ ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 12 - 6

6 - برخورداری از متاع های دنیوی (همچون مال ، اولاد ، باغ های آباد و . . .) ، امری مثبت و پسندیده و ابزار یاری رسانی در زندگی بشر ، از منظر قرآن و دین

و یمدکم بأمول . . . و یجعل لکم أنهرًا

از این که خداوند موارد یاد شده را به مؤمنان بشارت داده و از آنها به عنوان امداد الهی یاد کرده است ، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 16 - 3

3 - باغ ها و جنگل های پوشیده از درخت ، نشان دهنده قدرت خداوند و امکان پذیر بودن معاد

عمّ یتساءلون . . . ألم نجعل . . . جنّات ألفافًا

32- نقش شادابی باغ ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 64 - 4

4 - تأثیر سبزرنگی و طراوت باغ ها (درختان ، گیاهان و . . .) ، در شادابی انسان ها

مدهامّتان

33- واژگونی باغ باغدار متکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 42 - 4

4- مرد ثروت مند ، بادیدن باغ فرو ریخته بر سقف ها و تباهی تمامی محصول و سرمایه های خویش به حسرت شدید فرو رفت .

و أحيط بثمره فأصبح يقلب كفيه.. و هي خاويه على عروشها

«كفّ» یعنی دست و «كفّيه» تشبیه آن و به معنای دو دست او است. جمله «يقلّب كَفّيه» یعنی، دو دست اش را زیر و رو می کرد (گاهی كف يك دست را بر پشت دست ديگر و گاه عكس آن را انجام می داد). این حرکت، بازتابی از اندوه و حسرت شدید

ص: 255

آدمی است. «خاویه» یعنی، فرو ریخته و منهدم شده و «عروش» به معنای سقف ها و یا داربست هایی است که برای برخی درختان میوه برپا می گردد. «خاویه علی عروشها» یعنی: «درختان و یا بناهای باغ، بر سقف های خود فرو ریخته بود.».

34- وقت نزول بلا بر باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 19 - 2

2 - در خواب بودن باغداران یمنی ، به هنگام نزول بلای ویرانگر بر بوستان آنان

فطاف . . . و هم نائمون

35- وقت ویرانی باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 26 - 3

3 - ویرانی بوستان باغداران یمنی ، در شب هنگام و ناگهانی بود .

فلما رأوها قالوا إنا لضالون

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که صاحبان باغ در سپیده صبح، آن را ویران دیده اند و اگر این ویرانی مربوط به روزهای پیش بود، دست کم به وسیله دیگر باغداران با خبر می شدند.

36- ویرانی باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 26 - 1

1 - باغداران یمنی ، با مشاهده باغ خویش هیچ اثری از آن ندیده و گمان بردند که راه را گم کرده اند .

فلما رأوها قالوا إنا لضالون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که در این جا معنای اصلی و لغوی «ضالون» مراد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 32 - 2

2 - اشتیاق و امیدواری باغداران یمنی به پروردگار ، پس از مشاهده ویرانی باغ خویش و توبه و پشیمانی از کردار خود

إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رُغْبُونَ

ص: 256

37- ویژگیهای باغ های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 22 - 4

4- بوستان های دنیوی در مقایسه با بوستان های بهشتی ، بی مقدار و ناچیز است .

فی جتّه عالیّه

38- ویژگیهای نزول بلا بر باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 19 - 3

3- بلای نازل شده بر بوستان باغداران یمنی ، ویژه آنان بود و به دیگر بوستان ها سرایت نکرد .

فطاف علیها طائف

ص: 257

1- آثار بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 137 - 3

3 - اعتقاد مشرکان به بتها و معبودهای پنداری، عامل زیبا جلوه نمودن فرزندکشی در نظر ایشان

و کذلک زین .. قتل أولدهم شرکاؤهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 140 - 5

5 - موسی (ع) تمایل قوم خویش را به بت پرستی، ناسپاسی به نعمت های خداوند دانست .

أغیر الله أبغیکم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 36 - 6

6- شرک و بت پرستی، مظهر گمراهی و انحراف از مسیر حق و حقیقت است .

و اجنبی و بنی أن نعبد الأصنام . ربّ إئنهنّ أضللنّ کثیراً من الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 45 - 3

3- پرستش بت ها و اطاعت شیطان، موجب گرفتاری به عذاب الهی است .

یأبت لاتعبد الشیطن .. إئی أخاف أن یمسک عذاب من الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- شرک و بت پرستی ، مصداقی آشکار از خود بیگانگی انسان است .

أنت فعلت هذا بالهتنا .. فرجعوا إلى أنفسهم فقالوا إنكم أنتم الظلمون

از این که بت پرستان پس از به خود آمدن و متنبه شدن به بطلان شرک پی برده بودند، می توان استفاده کرد که بت پرستان انسان های از خود بیگانه هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 71 - 6

6 - بت پرستی ، نشانه نهایت جهل و نادانی است .

و ما لیس لهم به علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 77 - 1

1 - بت و بت پرستی ، دشمن اندیشه ، سعادت و تکامل انسان در دیدگاه حضرت ابراهیم (ع)

فإنهم عدو لى

ضمیر «هم» در «فإنهم» به «أصنام» بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 74 - 2

2- شرک و بت پرستی ، کفران نعمت های الهی است .

أفلا يشكرون . و اتخذوا من دون الله ءالهه

از ارتباط میان آیه قبل - که از ناسپاسی انسان سخن به میان آورده است - و آیه شریفه، برداشت یاد شده به دست می آید؛ یعنی، شرک و بت پرستی در واقع نوعی ناسپاسی به شمار می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آیین شرک و بت پرستی ، تنها در انسان های بدطینت و حق گریز زمینه تأثیر و نفوذ دارد .

ما أنتم علیه بفتنن . إلا من هو صال الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 24 - 2

2- شرک و بت پرستی و دوری از رهنمود های پیامبران الهی ، گمراهی است .

وقالوا لاتدرنّ ءالهتکم .. وقد أضلّوا کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 259

2- شرک و بت پرستی ، زمینه ساز انواع گوناگون خطاها و گناهان است .

مَمَّا خَطِيءُوا--تَهُمُ أُغْرِقُوا

از این که در آیه شریفه، خطاها و گناهان قوم نوح، عامل هلاکت آنان دانسته شد - با آن که آنان بت پرست و مشرک بودند - می تواند نشانگر مطلب یاد شده باشد.

5- بت پرستی و ارتکاب خطاها و گناهان ، از موجبات عذاب الهی در دنیا و عالم برزخ است .

مَمَّا خَطِيءُوا--تَهُمُ أُغْرِقُوا فَاَدْخَلُوا نَارًا

2- آثار بت پرستی اجداد قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 53 - 1

1- بت پرستی اجداد و نیاکان ، توجیه قوم ابراهیم در شرک و بت پرستی خویش

قالوا وجدنا آباءنا لها عبدین

3- آثار بت پرستی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 95 - 1

1 - ابراهیم (ع) مشرکان را به خاطر پرستش معبود های دست ساز خود سرزنش کرد .

قال أتعبدون ما تتحتون

«نحت» (ماده «تحتون») به معنای تراشیدن شیء سخت (چون سنگ و چوب) است.

4- آثار تبری از بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 27 - 7

7 - اعتقاد راسخ حضرت ابراهیم (ع) ، به برخوردار شدن از هدایت الهی در پرتو برائت از شرک و بت پرستی

إِنِّي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ . . . فَإِنَّهُ سَيَهْدِين

ص: 260

5- آثار عجز بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 56 - 10

10- خالق نبودن بت ها و معبود های مشرکان ، دلیل ناشایستگی آنها برای عبادت و تقدیس انسان ها

ما هذه التماثيل .. قال ربکم رب السموت والأرض الذی فطرهنّ

حضرت ابراهیم (ع)، برای ابطال عقیده مشرکان و بت پرستان و اثبات توحید ربوبی برای خداوند، به خالقیت او تمسک کرد. نکته یاد شده بیانگر این حقیقت است که تنها خالق جهان، شایسته تقدیس و عبادت است، نه چیز دیگر.

6- ابراهیم (ع) و بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 47 - 12

12- برخورد ابراهیم (ع) با بت پرستان ، همراه با شکیبایی و سعه صدر بود .

سلم علیک سأسْتَغْفِرُ لَکَ رَبِّی

7- اجتناب از بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 30 - 14

14 - لزوم اجتناب از بت ها

فاجتنبوا الرجس من الأوثان

«رجس» به هر چیزی گفته می شود که زشت و پلید است «أوثان» (جمع «وثن») به معنای بت ها است. «من» در «من الأوثان» بیانیه می باشد؛ یعنی، «فاجتنبوا الرجس من الأوثان؛ از بت ها که زشت و پلیداند دوری کنید».

8- اجتناب از قربانی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 90 - 16

16 - لزوم پرهیز از حیوانات قربانی شده برای بتها

والانصاب... رجس من عمل الشیطن فاجتنبهوه

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در پاسخ سؤال از معنی انصاب در آیه فوق روایت شده: ما ذبحوا لآلتهم... .

ص: 261

کافی، ج 5، ص 123، ح 2؛ نورالثقلین، ج 1، ص 668، ح 340.

9- احکام بت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 58 - 4

4- بت و سایر ابزار و وسایل گناه، از حرمت و مالکیت ساقط است و شکستن و نابود کردن آنها جایز می باشد.

فجعلهم جذذاً

برداشت یاد شده از شکستن بت ها به وسیله حضرت ابراهیم(ع) و سوگند ایشان بر این کار و نیز لحن تأیید گونه و تمجید آمیز آیه شریفه به دست می آید.

10- استمداد از بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 197 - 1

1 - یاری جستن از بت ها و معبودان، هدف مشرکان از پرستش آنها

و الذین تدعون من دونه لایستطیعون نصرکم

11- استهزای بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 91 - 2

2- استهزای معبود های مشرکان در بتکده از سوی ابراهیم (ع)، با توجه به ناتوانی آنان از خوردن بود.

فراغ إلى ءالهم فقال ألا تأکلون

استفهام در «ألا تأکلون» برای استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 92 - 4, 2, 1

1 - استهزای معبود های مشرکان از سوی ابراهیم (ع) ، با توجه به ناتوانی آنها از سخن و گفتوگو

ما لکم لاتنطقون

2 - گفتوگوی طعن آمیز ابراهیم (ع) ، با معبود های مشرکان در بتکده

فقال ألا تأكلون . ما لکم لاتنطقون

ص: 262

4- تمسخر مظاهر شرک و عقاید باطل و خرافی ، امری جایز است .

فراغ إلى الهتهم فقال ألا تأكلون . ما لكم لاتنطقون

12- اصرار بر بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 6 - 5

5- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، دعوت برخی کافران را به ترک شرک و بت پرستی ، بی ثمر دانست و آنها را به حال خود رها ساخت .

لکم دینکم

13- اضلال بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 36 - 1

1- از دیدگاه حضرت ابراهیم (ع) ، بت ها و بت پرستان عامل گمراهی بسیاری از مردم در عصر او بودند .

اجنبی و بنی آن نعبد الأصنام . ربّ إِنْهَنْ أضللن كثيرا من الناس

14- اضلال بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 36 - 1

1- از دیدگاه حضرت ابراهیم (ع) ، بت ها و بت پرستان عامل گمراهی بسیاری از مردم در عصر او بودند .

اجنبی و بنی آن نعبد الأصنام . ربّ إِنْهَنْ أضللن كثيرا من الناس

15- اعمال بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 139 - 4

4- اعمال بت پرستان ، اعمالی باطل و بی ثمر در پیشگاه خداوند

و بطل ما كانوا يعملون

ص: 263

16- اقرار اخروی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 29 - 4

4 - بت های اهل شرک در قیامت ، بر یگانگی خدا و آگاهی او بر ظاهر و باطن اشیا اعتراف خواهند کرد .

فكفی بالله شهيداً بيننا وبينكم إن كنا عن عبادتكم لغفلين

17- امداد به بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 74 - 6

6 - حمایت و یاری شدن ، انگیزه و دلیل مشرکان و بت پرستان ، برای روی آوردن به آیین شرک و بت پرستی

واتخذوا من دون الله ءالهه لعلهم ينصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این اساس است که «لعلّ» در آیه شریفه برای تعلیل باشد.

18- امداد به بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 68 - 4

4- بت پرستان در جهت یاری به بت پرستی و جلوگیری از نفوذ منطق ابراهیم (ع) ، از طرف گروهی برای کشتن آن حضرت تحریک شده بودند .

قالوا حرّقوه و انصروا ءالهتکم

آهنگ جمله «إن كنتم فاعلين» (اگر بناست کاری بکنید) نوعی تحریک است و ظاهر آیه این است که گویندگان (قالوا) و دستور دهندگان (حرّقوه و انصروا) ، با شنوندگان و دستور گیرندگان دو گروه بودند و گروه اول دسته دوم را تحریک می کردند. از این رو برخی از مفسران، گروه اول را نمرود و عمال او دانسته اند.

19- امیدواری بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مشركان و بت پرستان ، امیدوار به یاری رسانی معبود های خویش

واتخذوا من دون الله ءالهه لعلهم ينصرون

ص: 264

20- انحراف بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 43 - 17

17- شرک و بت پرستی ، مسلکی ناهنجار و نامتعادل است .

لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ . . . فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 9

9 - شرک و بت پرستی ، حرکتی است مخالف جریان طبیعی نظام هستی .

أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ . . . وَكَثِيرٌ حَقٌّ عَلَيْهِ

21- انگیزه بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 5

5- مشرکان به امید جلب منفعت و دفع ضرر از خویش ، به بت پرستی روی آورده بودند .

و يعبدون من دون الله ما لا ينفعهم ولا يضرهم

یادآوری بی تأثیر بودن معبودها از سودرسانی و دفع ضرر از پرستندگانشان، می تواند گویای این حقیقت باشد که مشرکان، به همین انگیزه به بت پرستی و شرک روی آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 43 - 2

2- شفاعت و واسطه شدن معبودها ، هدف و انگیزه مشرکان از عبادت کردن آنها

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ

22- انگیزه بت پرستی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 81 - 3

3- تحصیل عزت و اعتبار ، از انگیزه های مشرکان در پرستش معبود های خویش

واتخذوا... لیکونوا لهم عزا

ص: 265

«عزّاً» مصدر است و می تواند در توصیف مفرد و جمع به کار رود. کلمه یاد شده در این آیه، یا به معنای اسم فاعل «معزّین» است (یعنی پرستش معبودها به انگیزه عزت بخش بودن آنها صورت می گیرد) و یا مراد مبالغه است (یعنی مشرکان معتقد بودند که معبودهایشان، عزّت مجسّم هستند و ارتباط با آنان زمینه ساز دریافت عزت است).

23- انگیزه های بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 74 - 6

6 - حمایت و یاری شدن ، انگیزه و دلیل مشرکان و بت پرستان ، برای روی آوردن به آیین شرک و بت پرستی

و اتّخذوا من دون الله ءالهة لعلّهم ينصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این اساس است که «لعلّ» در آیه شریفه برای تعلیل باشد.

24- اهانت به بت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 59 - 9

9- تعرض به بت ها ، ظلمی بزرگ و گناهی نابخشودنی در پندار قوم بت پرست ابراهیم

قالوا من فعل هذا بالهتنا إنّهم الظلمین

ظالم و ستم پیشه به کسی گویند که بارها به ستم دست بزند. بنابراین توصیف ابراهیم به ستمکار بودن از جانب بت پرستان - در حالی که او تنها یک بار به بت ها تعرض کرده بود - گویای این نکته است که تعرض به بت ها در نظر بت پرستان ظلمی بزرگ محسوب می شد.

25- اهمیت مبارزه با بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 63 - 8

8- صالح (ع) ، موظف به ابلاغ توحید و مبارزه با شرک و بت پرستی بود .

إن كنت علی بیّنه من ربی . . . فمن ینصرنی من الله إن عصيته

جمله «إن عصيته» (اگر خداوند را نافرمانی کنم) می رساند که جمله ای همانند «و امرنی ببلاغ رسالاته» قبل از «فمن ینصرنی» در تقدیر

است. بر این اساس، حاصل معنای «إن كنت...» چنین می شود: [شما خود قضاوت کنید] اگر من پیامبر باشم و خداوند مرا به ابلاغ رسالتهایی فرمان داده باشد، اگر نافرمانی کنم و به ابلاغ رسالتهای الهی همّت نگمارم، چه کسی مرا از عقوبت های الهی نجات خواهد داد؟

ص: 266

26- بازجویی از بت بزرگ قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 63 - 4

4- ابراهیم (ع) با درخواست از بت پرستان برای بازجویی از بت ها ، عجز و ناتوانی آنها را برای آنان به نمایش گذاشت .

فسلوهم إن كانوا ينطقون

27- بت بزرگ قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 58 - 2

2- ابراهیم (ع) تمامی بت ها را در هم شکست و تنها بت بزرگ را سالم باقی گذاشت .

فجعلهم جذذاً لاكبيراً

28- بت پرستان دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 138 - 7,8

7- بت پرستان موجود در مسیر قوم موسی معبودهایی را می پرستیدند که خود مالک آنها بودند .

أصنام لهم

8- بت پرستان موجود در مسیر قوم موسی ، بر پرستش خویش ملازمت داشته و همواره به عبادت آنها مشغول بودند .

يعكفون على أصنام لهم

«عكوف» (مصدر يعكفون) به معنای رو آوردن به چیزی و ملازمت داشتن بر آن است و مراد از آن با توجه به فرائض موجود در آیه، ملازمت بر پرستش است. فعل مضارع (يعكفون) نیز دلالت بر استمرار دارد. بنابراین جمله «يعكفون على ...» می رساند که آستان بتها هیچگاه از پرستشگران خالی نبوده است؛ بدین طریق که عده ای از طرف آن قوم مأمور عبادت بتها بودند و یا خود به طور متناوب به پرستش آنها می آمدند.

29- بت پرستان و بت شکنی ابراهیم(ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

11 - انبیاء - 21 - 60 - 3

ص: 267

3- ابراهیم (ع) تصمیم خود بر حيله و چاره اندیشی علیه بت ها را با برخی از بت پرستان در میان گذاشته بود .

ما هذه التماثيل . . . قالوا سمعنا فتى يذكرهم

از این که بت پرستان گفتند: «شنیده ایم که ابراهیم از بت ها بدگویی می کند»، استفاده می شود که آنان این سخنان را مستقیماً از وی شنیده اند و از سویی دیگر گروهی بودند که مستقیماً سخنان تهدیدآمیز ابراهیم (ع) را شنیده و برای گروه دیگر نقل کرده بودند. دو آیه پیش (تالله لأکیدن أصنامکم بعد أن تولوا...) - که خطاب «أصنامکم» برای مخاطب حاضر است - مؤید همین برداشت است.

30- بت پرستی آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 74 - 5, 6, 1

1 - پدر ابراهیم، آزر و قوم او مردمی بت پرست و گمراه بودند.

و إذ قال إبرهیم لأبيه أزر أتخذ أصناما

5 - بتهای متعددی مورد پرستش آزر و قوم او بودند.

أتخذ أصناما ءالهه إني أرىك و قومك

6 - تلاش ابراهیم (ع) با استفاده از احتجاج و اعتراض برای بازداشتن آزر از بت پرستی

و إذ قال إبرهیم لأبيه أزر أتخذ أصناما ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 42 - 1, 2, 5

1- حضرت ابراهیم (ع) ، به خاطر بت پرستی آزر با او به بحث و گفت وگو پرداخت .

إذ قال لأبيه يأت لم تعبد ما لا يسمع و لا يبصر و لا يغني عنك شيئاً

چنانچه در سوره انعام آمده است، نام مخاطب ابراهیم (ع) «آزر» بوده است.

2- آزر (پدر یا عموی حضرت ابراهیم (ع)) ، مشرک و بت پرست بوده است .

إذ قال لأبيه يأت لم تعبد ما لا يسمع

«آزر» یا پدر حضرت ابراهیم بوده است، چنانچه ظاهر برخی آیات چنین اقتضا دارد و برخی روایات نیز مؤید آن است و یا این که مطابق برخی روایات دیگر عموی او بوده است. واژه «أب» در زبان عرب بر «عمو» نیز اطلاق می گردد. در قرآن نیز در سوره بقره آیه صد و سی و سوم به همین معنا استعمال شده است (نعبد إلهک و إله آبائک ابراهیم و إسماعیل). در این آیه لفظ «أب» در مورد «عمو» نیز به کار رفته، زیرا اسماعیل عموی یعقوب بوده است. گفتنی است که برخی مفسران، آزر را جد مادری ابراهیم دانسته اند.

5- آزر، پرستشگر بت هایی فاقد شنوایی و بینایی و کارآیی و ناتوان از دفع آسیب ها

ما لایسمع و لایبصر و لایغنی عنک شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 268

10 - مریم - 19 - 43 - 12

12- آزر، گرایش خویش به بت پرستی را گرایشی عالمانه می پنداشت .

إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكْ

از تعبیر «ما لم یأتک» معلوم می شود که ابراهیم(ع) در صدد بوده، آزر را به محرومیت از علم واقف سازد، این برخورد گویای مواجه شدن ابراهیم(ع) با کسی است که از جهل خویش بی خبر است و خود را آگاه می پندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 46 - 7

7- آزر، بت های متعددی را معبود خود می دانست و آنها را عبادت می کرد .

قال أراغب أنت عن آلهته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 48 - 4

4- مردم شهر و دیار آزر، هم کیش او بوده و بت ها و اشیایی جز خداوند را می پرستیدند و به درگاه آنها دعا می کردند .

و اعتزلکم و ما تدعون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 49 - 2

2- آزر و مردم شهر و دیار او، پرستشگر بت ها و اشیایی جز خداوند

فلما اعتزلهم و ما يعبدون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 52 - 6، 2

2- حضرت ابراهیم (ع) بت و بت پرستی را به شدت تحقیر کرد و پدر و قومش را به خاطر این کار مورد سرزنش قرار داد .

إذ قال لأبيه وقومه ما هذه التماثيل

اشاره کردن به بت‌ها با اسم اشاره نزدیک (هذه) و نیز تعبیر «تماثیل» (صورت‌ها و مجسمه‌های بی‌جان)، حاکی از تحقیر بت و بت‌پرستی به وسیله ابراهیم(ع) است. گفتنی است استفهام در «ما هذه...» - به قرینه مقام - توییحی است.

6- پدر حضرت ابراهیم مانند قومش، بت و مجسمه‌های بی‌جان را مورد تقدیس و عبادت قرار می‌داد.

إذ قال لأبيه وقومه ما هذه التماثيل التي أنتم لها عكفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 95 - 5

5 - «عن أبي عبد الله (ع) : أخذ ابراهيم القدم فكسر الصنم الذي عمله ، ففزع أبوه من ذلك فزعاً شديداً ، فقال له : أيّ شيء عملت ؟ فقال له ابراهيم (ع) : و ما تصنعون به ؟ فقال آزر : نعبده ، فقال له ابراهيم : « أتعبدون ما تحتون » . . . »

از امام صادق(ع) روایت شده: . . . ابراهیم(ع) تبر را برداشت و بتی را که آزر ساخته بود شکست و آزر فریاد شدیدی از روی ترس

ص: 269

برآورد و به ابراهیم(ع) گفت: چه کاری کردی؟ ابراهیم(ع) در جواب گفت: با بت چه می کنید؟ آزر گفت: آن را می پرستیم. ابراهیم(ع) در جواب گفت: «أتعبدون ما تتحتون؛ آنچه را خود می تراشید، می پرستید؟»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 26 - 3

3- قوم ابراهیم (ع) و فردی که آن حضرت وی را پدر خطاب می کرد، پیرو آیین شرک و بت پرستی بودند.

و إذ قال إبراهيم لأبيه و قومه إئني براء مما تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 27 - 4

4- اعتقاد پدر و قوم ابراهیم (ع) به پرستش خداوند در کنار پرستش بت ها و عناصر بی جان

براء مما تعبدون . إلا الذي فطرني

برداشت یاد شده، براین پایه استوار است که «إلا» در استثنای متصل به کار رفته باشد.

31- بت پرستی اجداد قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 53 - 2

2- شرک و بت پرستی قوم ابراهیم، برهان و دلیل منطقی نداشت و صرفاً متکی بر تقلید کورکورانه از اجداد و نیاکان بود.

قالوا وجدنا آباءنا لها عبدین

از این که مردم در پاسخ سؤال ابراهیم(ع) از علت پرستیدن بت ها، صرفاً پیروی از نیاکان و اجداد خود را مطرح ساختند، برداشت یاد شده به دست می آید.

32- بت پرستی اهل بابل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 74 - 5

5- بت های متعددی مورد پرستش آزر و قوم او بودند.

أَتَّخِذْ أَصْنَامًا ءِالِهَةً إِنِّي أَرِيكَ وَقَوْمِكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 77 - 12

12 - اهل بابل به سبب پندار ربوبیت برای اجرام آسمانی و پرستش بتها، گمراه بودند.

ص: 270

أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا .. كوكبا .. القمر ... القوم الضالين

به گفته بسیاری از مفسران، احتجاج ابراهیم(ع) با مشرکان در سرزمین بابل روی داده است.

33- بت پرستی اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 29 - 6

6- مردم مکه پیش از بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و نزول قرآن، برهه ای طولانی در شرک و بت پرستی بسر می بردند .

بل متّعت هؤلاء و ءآباءهم حتّی جاءهم الحقّ و رسول مبین

34- بت پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 140 - 1

1 - موسی (ع) با انکار شایستگی غیر خدا برای پرستش ، از گرایش قومش به بت پرستی شگفت زده شد .

قال أغير الله أبغیکم إلهاً

همزه در «أغير الله» برای انکار و تعجب و «کم» به تقدیر لام است. «إلهاً» مفعول برای «أبغی» و «غير الله» صفت و یا حال برای «إلهاً» است. یعنی: «أبغی لكم إلهاً غیر الله»

35- بت پرستی پس از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 32 - 5

5- تجدید انحراف و پیدایش شرک و بت پرستی ، پس از نوح (ع)

ثمّ أنشأنا من بعدهم .. فأرسلنا ... رسولاً منهم أن اعبدوا الله

36- بت پرستی در اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - گرایش گروهی از اهل کتاب به بت پرستی و عبادت غیر خدا

و عبد الطغوت

ص: 271

طاغوت از ماده «طغی» به معنای طغیانگر و متجاوز است و اهل لغت آن را بر شیطان، بت و سران کفر و ضلالت اطلاق کرده اند.

37- بت پرستی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 30 - 12

12 - آمیختگی مراسم حج و قربانی ، با مظاهر شرک و بت پرستی در عصر جاهلیت

وَأَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمَ إِلَّا مَا يَتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 71 - 1

1 - بت پرستی ، آیین رایج عرب های پیش از اسلام

ويعبدون من دون الله ما لم ينزل به سلطاناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 73 - 3

3 - شرک و بت پرستی ، اندیشه و مرام عرب جاهلی

يَأْتِيهَا النَّاسُ . . . إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 3 - 23

23 - اعراب جاهلی ، مرمانی شرک پیشه و بت پرست

ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 29 - 2

2 - عرب جاهلی ، مردمی بودند مشرک و بت پرست .

فكفی . . . إن كنا عن عبادتكم لغفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 34 - 2

2- عرب های جاهلی ، مردمانی بودند شرک پیشه و بت پرست .

قل هل من شركائكم من يبدؤا الخلق

ص: 272

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 35 - 2

2 - اعراب جاهلی ، مردمانی بودند شرک پیشه و بت پرست .

قل هل من شركائکم من یهدی إلی الحق

38- بت پرستی در دوران ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 78 - 10

10 - الوهیت بتها در کنار ربوبیت اجرام آسمانی، پندار رایج مردم زمان ابراهیم(ع)

أَتتخذ أصناما .. . کوکبا ... القمر ... الشمس

سخن ابراهیم(ع) با بت پرستان آن بود که «أَتتخذ أصناما ءالهه»، ولی در مورد اجرام آسمانی سخن از ربوبیت آنهاست. تفاوت این دو تعبیر محتملا اشاره ای به تفاوت بتها و اجرام آسمانی در پندار قوم ابراهیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 35 - 14

14- مردم عصر ابراهیم (ع) ، مردمی بت پرست و پرستشگر چند بت بودند .

و إذ قال إبرهیم ربّ .. . اجنبی و بنیّ أن نعبد الأصنام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 48 - 4

4- مردم شهر و دیار آزر، هم کیش او بوده و بت ها و اشیایی جز خداوند را می پرستیدند و به درگاه آنها دعا می کردند .

و أعتزلکم و ما تدعون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 49 - 2

2- آزر و مردم شهر و دیار او، پرستشگر بت‌ها و اشیایی جز خداوند

فلما اعتزلهم و ما یعبدون من دون الله

39- بت پرستی در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 15 - 14

ص: 273

14- جامعه اصحاب کهف ، موجوداتی دارای شعور و خرد را ، معبود خود پنداشته و به پرستش آنها پرداخته بودند .

لولا یأتون علیهم بسطن بین

کاربرد ضمیر «هم» نوعاً در مواردی است که مرجع آن، جمعی از موجودات با شعور باشند. بنابراین مراد از «الهی» که مرجع ضمیر «هم» است، معبودانی از جنس بشر یا فرشتگان و مانند این ها خواهد بود.

40- بت پرستی در دوران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 71 - 9

9- رواج شرک و بت پرستی در بین مردم جزیره العرب مقارن ظهور اسلام

قل أندعوا من دون الله ما لا ینفعنا و لا یضرنا

41- بت پرستی در دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 138 - 5,6

5- وجود آیین بت پرستی در عصر موسی

یعکفون علی أصنام لهم

6- بت پرستانی که قوم موسی بر آنان گذر کردند ، دارای بت های متعدد بودند .

علی أصنام لهم

«أصنام» (جمع «صنم») به معنای بتهاست.

42- بت پرستی در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 54 - 1

1- شرک و بت پرستی در کنار کعبه (خانه توحید) ، نمونه ای بارز از اقدام انسان ها برای تغییر آیین پیامبران و انحراف از طریقه آنان

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ . . . فَذَرَهُمْ فِي غَمْرَتِهِمْ

«وَذُرُّ» (مصدر «ذره») به معنای ترک کردن و وا نهادن است. ضمیر «هم» - به قرینه مقام - کنایه از مردم مکه و پیرامون آن است؛ که سیره یکتاپرستی حضرت ابراهیم (ع) را تغییر دادند و به شرک ورزی روی آوردند و بر آن پافشاری کردند «غمره» به معنای غرقاب است و در این جا استعاره از ورطه جهل و گمراهی می باشد.

ص: 274

43- بت پرستی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 74 - 1

1 - پدر ابراهیم، آزر و قوم او مردمی بت پرست و گمراه بودند.

و إذ قال إبرهیم لأبیه آزر أتتخذ أصناما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 52 - 1,2,4,6,10,11

1- ابراهیم (ع) در حضور پدر و قومش، بت پرستی را زیر سؤال برد و آشکارا با آن به مخالفت برخاست.

إذ قال لأبیه و قومه ما هذه التماثیل

استفهام در «ما هذه التماثیل...» سؤال از حقیقت بت ها است، نه نام آنها. و از آن جایی که ابراهیم(ع) از حقیقت آنها آگاه بود و نیازی به سؤال نداشت، استفهام ایشان به منظور زیر سؤال بردن و محکوم کردن بت پرستی و نوعی اظهار مخالفت با آن بوده است.

2- حضرت ابراهیم (ع) بت و بت پرستی را به شدت تحقیر کرد و پدر و قومش را به خاطر این کار مورد سرزنش قرار داد.

إذ قال لأبیه و قومه ما هذه التماثیل

اشاره کردن به بت ها با اسم اشاره نزدیک (هذه) و نیز تعبیر «تماثیل» (صورت ها و مجسمه های بی جان)، حاکی از تحقیر بت و بت پرستی به وسیله ابراهیم(ع) است. گفتنی است استفهام در «ما هذه...» - به قرینه مقام - توییخی است.

4- بت پرستی، کیش و آیین قوم ابراهیم بود.

إذ قال لأبیه و قومه ما هذه التماثیل

6- پدر حضرت ابراهیم مانند قومش، بت و مجسمه های بی جان را مورد تقدیس و عبادت قرار می داد.

إذ قال لأبیه و قومه ما هذه التماثیل التي أنتم لها عکفون

10- تقدیس و عبادت دائمی مجسمه ها و نقش ها، آیین مردم در آغاز رسالت حضرت ابراهیم (ع)

ما هذه التماثیل التي أنتم لها عکفون

«عکوف» به معنای رویکرد دائمی به چیزی از سر تعظیم و احترام به آن است و مقصود از آن در آیه شریفه، تقدیس و عبادت بت‌ها است. گفتنی است ذیل آیه بعد - که پاسخ سؤال ابراهیم است (... آباثنا لها عابدین) - مؤید همین معنا می‌باشد.

11- شرک قوم ابراهیم، در قالب پرستش مجسمه‌های بی‌جان و صورت‌ها نقش بسته بود.

ما هذه التماثيل التي أنتم لها عكفون

«تمثال» (مفرد «تماثيل») به معنای شیء مصوّر و صورت‌های نقش بسته است (مفردات راغب). یکی از مصادیق بارز آن، مجسمه‌های بی‌جانی بود که بت‌پرستان به شکل‌های گوناگون می‌ساختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 53 - 5

5- شرک و بت‌پرستی در میان قوم ابراهیم، فراگیر و دارای پیشینه طولانی بود.

ص: 275

قالوا وجدنا آباءنا لها عبدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 55 - 3

3- بت پرستی در جان و روان قوم ابراهیم ، رسوخ داشته است .

قالوا أجتنا بالحقّ

از این که مردم بت پرست، دعوت ابراهیم(ع) را جدی ندانسته و از دعوت به توحید تعجب کردند، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 59 - 4,5

4- قوم ابراهیم ، بت ها را معبود های خویش می پنداشتند و آنها را می پرستیدند .

لأکیدنّ أصنمکم . . . قالوا من فعل هذا بالهتنا

«إله» به معنای معبود و جمع آن «آلهه» به معنای معبودها است.

5- قوم ابراهیم ، معتقد به چند معبود و دارای بت های متعدد بودند .

ما هذه التماثیل . . . لأکیدنّ أصنمکم . . . من فعل هذا بالهتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 71 - 1

1 - تصریح قوم ابراهیم ، به پرستش مجسمه ها و بت های بی جان

قالوا نعبد أصنامًا

«صنم» (مفرد «أصنام») معادل «بت» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 75 - 1

1 - اقدام ابراهیم (ع) به سرزنش قوم خود ، به خاطر پرستش کورکورانه بت ها

قال أفرئتم ما كنتم تعبدون

استفهام در «أفرئتم» توییخی است و مفاد آن این است که: چرا در باره آنچه می پرستید، اندیشه نمی کنید و صرفاً متکی به تقلید کورکورانه از نیاکان خود هستید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 17 - 2 - 1

1 - قوم ابراهیم ، مردمی بت پرست و افتراساز بودند .

و ابرهیم إذ قال لقومه .. إئما تعبدون من دون الله أوثناً و تخلقون إفگاً

2 - قوم ابراهیم ، برای پرستش ، بت های متعددی داشتند .

إئما تعبدون من دون الله أوثناً

ص: 276

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 25 - 4، 2

2 - قوم ابراهیم ، به جای خدای واحد ، بت های متعددی برای پرستش داشتند .

إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا

4 - قوم ابراهیم ، بت ها را ، خودشان ، برای پرستش ساخته و پرداخته بودند .

إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 85 - 2

2 - مردم در آغاز بعثت ابراهیم (ع) ، دارای آیین شرک و بت پرستی

إِذْ قَالَ لِأَيُّهُ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 92 - 3

3 - مشرکان عصر ابراهیم ، پرستشگر معبودهایی ناتوان از خوردن و گفتوگو کردن

فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ . مَا لَكُمْ لَا تَنْتَقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 26 - 3

3 - قوم ابراهیم (ع) و فردی که آن حضرت وی را پدر خطاب می کرد ، پیرو آیین شرک و بت پرستی بودند .

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَيُّهُ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 27 - 4

4 - اعتقاد پدر و قوم ابراهیم (ع) به پرستش خداوند در کنار پرستش بت ها و عناصر بی جان

براء ممّا تعبدون . إلاّ الذی فطرنی

برداشت یاد شده، براین پایه استوار است که «إلاّ» در استثنای متصل به کار رفته باشد.

44- بت پرستی قوم الیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 125 - 2، 1

1 - الیاس پیامبر ، قوم خود را به خاطر پرستش معبود های ساختگی و بت ها سرزنش کرد .

ص: 277

أَتَدْعُونَ بَعْلًا

«بعل» در زبان عرب جاهلی به معنای معبود و ربّ است؛ ولی بیشترین کاربرد آن در معنای بت است.

2- قوم الیاس ، مردمی مشرک و بت پرست بودند .

أَتَدْعُونَ بَعْلًا

45- بت پرستی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 62 - 16

16- « عن أبي جعفر (ع) قال : إن رسول الله (صلى الله عليه وآله) سأل جبرئيل : كيف كان مهلك قوم صالح (ع) ؟ فقال : يا محمد (صلى الله عليه وآله) ان صالحاً بعث إلى قومه و هو ابن سته عشره سنه . . . و كان لهم سبعون صنماً يعبدونها من دون الله . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: رسول خدا(صلی الله علیه و آله) از جبرئیل پرسید: هلاکت قوم صالح چگونه بود؟ گفت: ای محمد! همانا صالح به سوی قوم خود مبعوث شد در حالی که شانزده سال داشت . . . و برای آن قوم هفتاد بت بود که آنها را به غیر از خدا می پرستیدند . . .».

46- بت پرستی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 50 - 8

8- قوم عاد ، مردمی مشرک و پرستشگر معبود های خود ساخته

ما لكم من إله غيره إن أنتم إلا مفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 53 - 5,6

5- قوم عاد ، مردمی مشرک و پرستشگر معبودهایی چند

و ما نحن بتاركي ءالهتنا عن قولك

«آلهه» جمع «إلاه» و به معنای معبودهاست.

6- دعوت هود (ع) و سخنان او، بی تأثیر در بازسازی قومش از شرک و پرستش خدایان دروغین

و ما نحن بتارکی ءالہتنا عن قولک

«عن» در «عن قولک» برای تعلیل است. بنابراین معنای جمله «ما نحن...» چنین می شود: سخن و ادعای تو، باعث نخواهد شد که ما خدایان خویش را رها کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 278

1- قوم عاد، پرستشگر معبودهایی متعدد و معتقد به تأثیرگذاری آنها در امور جهان

إن نقول إلاّ اعتریک بعض ءالہتنا بسوء

تعدد معبودها از کلمه «آلهه» که جمع «إلاه» (معبود) است، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 22 - 3

3- دل بستگی عمیق قوم عاد، به خدایان دروغین خویش

قالوا أجتنا لتأفکنا عن ءالہتنا

تأکید قوم عاد، بر انتساب آلهه به خویش (آلهتنا) و این که هدف اصلی هود(ع) را جدا ساختن ایشان از آلهه دانسته اند (لتأفکنا)، مطلب بالا را افاده می کند.

47- بت پرستی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 71 - 7

7- قوم نوح، مردمانی مشرک و بت پرست بودند .

يقوم . . فأجمعوا أمرکم و شرکاءکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 23 - 6

6- قوم نوح، مردمی شرک پیشه و بت پرست بودند .

فقال يقوم اعبدوا اللّٰه ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 13 - 4

4- سرزنش شدن قوم نوح، به خاطر بی توجهی آنان نسبت به عظمت خداوند و روی آوردن به شرک و بت پرستی

ما لکم لاترجون لله وقارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 23 - 2

2- مردم در عصر بعثت نوح (ع)، مردمی مشرک و بت پرست و دارای چند معبود بودند.

وقالوا لاتدرنّ الهتکم و لاتدرنّ وداً . . . و نسرًا

ص: 279

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 26 - 2

2- ناامیدی کامل نوح (ع) از ایمان آوردن قومش و نجات آنان از گمراهی شرک و بت پرستی

وقال نوح ربّ لا تذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

48- بت پرستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 6 - 5

5- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دعوت برخی کافران را به ترک شرک و بت پرستی، بی ثمر دانست و آنها را به حال خود رها ساخت.

لکم دینکم

49- بت پرستی مردم جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 20 - 1

1- «لات»، «عزی» و «منات» مهم ترین خدایان مورد پرستش مردم جزیره العرب

و منوه الثالثه الأخری

از یاد کردن نام این سه بت، می توان مطلب بالا را به دست آورد.

50- بت پرستی مردم دوران ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 36 - 5

5- بسیاری از مردم در عصر حضرت ابراهیم (ع)، گمراه و بت پرست بودند.

و اجنبی و بنی أن نعبد الأصنام . ربّ إنّهنّ أضللن کثیرًا من الناس

51- بت پرستی مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 42 - 4

4 - مشرکان ، به هنگام طلوع خورشید اسلام ، به معبود های متعددی اعتقاد داشتند .

ص: 280

«إله» مفرد «آلهه» به معنای معبود است و جمع آمدن آن حاکی است که مشرکان به چند معبود اعتقاد داشتند.

52- بت پرستی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 117 - 2

2- مشرکان ، پرستنده بت ها و مجسمه هایی با نام های زنانه

ان يدعون من دونه الا انثاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 56 - 1

1 - پرستش بتها و سازش در اصول اعتقادی، خواسته نابجای مشرکان صدر اسلام از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل لا أتبع أهواءكم قل إني نهيت أن أعبد الذين تدعون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 81 - 11

11 - مشرکان می پنداشتند امنیت آنان با پرستش بتها و دیگر معبودها تأمین می گردد.

فأى الفريقين أحق بالآمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 136 - 10، 6

6 - مشرکان در کنار اعتقاد به بتها به «الله» نیز معتقد بودند.

فقالوا هذا لله بزعمهم و هذا لشركائنا

10 - داوری زشت و غلط مشرکان جاهلی در مقایسه خدا با بتها و ترجیح بتها بر او

فما كان لشركائهم . . . ساء ما يحكمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 66 - 6

6 - مشرکان ، به درگاه بت ها نیایش کرده ، دست نیاز به سوی آنها برمی داشتند .

و ما يتبع الذين يدعون من دون الله شركاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 10 - 3

ص: 281

3- توانمندی ها و امکانات مادی ، بت ها و خدایان ساختگی ، تکیه گاه مشرکان در دنیا

و لا یغنی عنهم ما کسبوا شیءا و لا ما اتّخذوا

تعبیر «ما کسبوا» - که اشاره به امکانات مادی دارد - و نیز «ما اتّخذوا..» - که ناظر به عقاید شرک آلود آنان است - نشان می دهد که آنان تمامی اتکا و امید خویش را به آن دو معطوف داشته اند.

53- بت پرستی مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 81 - 1

1- مشرکان عصر بعثت ، معبودهایی متعدد را به عنوان « الهه » می پرستیدند .

واتّخذوا من دون الله ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 54 - 2

2- تعصب و جمود سخت شرک پیشگان عصر بعثت بر مرام بت پرستی

کلّ حزب بما لیدهم فرحون . فذرهم فی غمرتهم

54- بت پرستی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 19 - 1

1 - سرزنش مشرکان مکه از سوی خداوند ، به خاطر پرستش خدایان (لات ، عزی ، و منات) بدون هیچ برهان و پشتوانه علمی

أفرءیتم اللّٰت و العزّٰی . و منوه الثّالّثه الأخری

آیات پیشین - به ضمیمه استفهام انکاری در «أرأیتم» - اشاره به آن دارد که رهنمودهای پیامبر (صلی الله علیه و آله) متکی به شهود بود؛ اما مشرکان در دعاوی خویش از هرگونه دلیل و برهان بی بهره بودند.

55- بت پرستی نیاکان قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - بت پرستی ، امری سابقه دار در میان نیاکان قوم ابراهیم

قالوا بل وجدنا ءاباءنا كذلك يفعلون

ص: 282

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 76 - 3

3 - بت پرستی ، دارای سابقه دیرینه در نیاکان قوم ابراهیم

أفرئتم ما كنتم تعبدون . أنتم وءاباؤكم الأقدمون

56- بت تراشی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 95 - 3,5,1

1 - ابراهیم (ع) مشرکان را به خاطر پرستش معبود های دست ساز خود سرزنش کرد .

قال أتعبدون ما تتحتون

«نحت» (ماده «تحتون») به معنای تراشیدن شیء سخت (چون سنگ و چوب) است.

3 - معبود های قوم ابراهیم (ع) ، مصنوع و تراشیده دست خود آنان بود .

قال أتعبدون ما تتحتون

5 - « عن أبي عبد الله (ع) : أخذ ابراهيم القدوم فكسر الصنم الذي عمله ، ففزع أبوه من ذلك فزعاً شديداً ، فقال له : أئى شىء عملت ؟

فقال له ابراهيم (ع) : و ما تصنعون به ؟ فقال أزر : نعبده ، فقال له ابراهيم : « أتعبدون ما تتحتون » . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده: . . . ابراهیم(ع) تبر را برداشت و بتی را که آزر ساخته بود شکست و آزر فریاد شدیدی از روی ترس برآورد و

به ابراهیم(ع) گفت: چه کاری کردی؟ ابراهیم(ع) در جواب گفت: با بت چه می کنید؟ آزر گفت: آن را می پرستیم. ابراهیم(ع) در جواب

گفت: «أتعبدون ما تتحتون؛ آنچه را خود می تراشید، می پرستید؟»

57- بت تراشی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 195 - 1

1 - مشرکان بت ها و معبودانشان را به صورت مجسمه هایی دارای پا ، دست ، چشم و گوش می ساختند .

ألهم أرجل يمشون بها . . . أم لهم أذان يسمعون بها

جمله «یمشون بها» و مانند آن، هم می تواند قید توضیحی باشد و هم می تواند قید احترازی گرفته شود. بنابر اول معنای جمله «ألهم أرجل ...» چنین است: آیا بتها پا دارند تا با آن راه روند؛ یعنی پا ندارند. و بنابر فرض دوم معنا چنین خواهد بود: آیا بتها پایی که با آن راه روند دارند؛ یعنی پاهایی دارند، ولی با آن نمی توانند راه بروند. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 198 - 3

ص: 283

3- مشرکان برای معبودانشان چشمهایی خیره گر تعبیه می کردند .

و تریهم ينظرون إلیک

ضمیرهای غایب در «تریهم» و «ینظرون» به «الذین تدعون» - که همان معبودان باشد - برمی گردد.

58- بت شکنی ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 57 - 1,3,7

1- سوگند مؤکد ابراهیم (ع) بر حيله و تدبیر کردن ، برای ضربه زدن به بت ها در غیاب بت پرستان

و تالّله لأکیدنّ أصنمکم بعد أن تولّوا مدبرین

«کید» به معنای حيله و تدبیری پنهانی برای ضربه زدن به غیر است.

3- تصمیم ابراهیم (ع) بر نابودی بت و بت پرستی ، پس از یک سلسله کار فرهنگی و فکری او برای هدایت و اصلاح اندیشه مردمان بود .

لقد کنتم .. فی ضلل مبین ... ربکم ربّ السموت ... و تالّله لأکیدنّ أصنمکم بعد

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که حضرت ابراهیم(ع) در آغاز مخالفت با بت پرستی، پدر و قومش را مخاطب قرار داد و یک سلسله دلایل روشن بر اثبات توحید و نفی شرک به آنان ارائه کرد. سپس در مرحله دوم تهدید نمود که بت ها را نابود خواهد کرد و در نهایت به تهدید خود عمل کرد و همه بت ها را نابود ساخت.

7- «عن أبی جعفر (ع) : . . . فلما تولّوا عنه مدبرین إلی عید لهم دخل إبراهیم (ع) إلی آلهم بقدم فکسرهما إلاً کبیراً لهم ;

از امام باقر(ع) روایت شده: چون نمرودیان از ابراهیم(ع) دور شدند و به طرف محل جشن ویژه خود رفتند، آن حضرت با تیشه داخل بتخانه شد و غیر از بت بزرگ، همه بت ها را شکست. «..».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 58 - 1,2

1- حضرت ابراهیم (ع) در غیاب مردم و دور شدن آنان از بت ها ، به شکستن بت ها پرداخت .

بعد أن تولّوا مدبرین . فجعلهم جدّاً

«جذاذ» فعال به معنای مفعول و از ماده «جذّ» (قطع و شکستن) است. «فا» در «فجعلهم» - به اصطلاح اهل ادب - فصیحه و حاکی از

تقدیر جمله ای است و تقدیر آن چنین است: «فولوا فأتی ابراهیم الأصنام فجعلهم جذاذاً؛ مردم به بت ها پشت کردند، پس ابراهیم نزد بت ها آمد و آنها را شکست».

2- ابراهیم (ع) تمامی بت ها را در هم شکست و تنها بت بزرگ را سالم باقی گذاشت .

فجعلهم جذاذاً إلكیبرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 59 - 2،8

2- ابراهیم (ع)، در نبود مردم، بت ها را در هم شکست و هیچ کس از آن با خبر نشد .

ص: 284

قالوا من فعل هذا بالهتنا

پرسوجوی بت پرستان از یکدیگر در باره شکننده بت ها و نیز پاسخ برخی از آنان به این که ابراهیم(ع) از بت ها بدگویی می کرد، (فتی یذکرهم) - به جای این که بگویند: ما دیدیم چه کسی شکسته است - گویای برداشت یاد شده است.

8- قوم ابراهیم ، هنگام دیدن بت های شکسته خود برآشفته شدند .

قالوا من فعل هذا بالهتنا إته لمن الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 60 - 2

1- ابراهیم (ع) در نظر قوم خود ، مظنون به شکستن بت ها بود .

قالوا سمعنا فتى يذکرهم يقال له ابرهيم

2- ابراهیم (ع) در دوران جوانی ، بت ها را در هم شکست و مبارزه با بت پرستی را آغاز کرد .

قالوا سمعنا فتى يذکرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 62 - 1

1- بت پرستان ، حضرت ابراهیم (ع) را شکننده بت ها می دانستند .

قالوا أنت فعلت هذا بالهتنا يا ابرهيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 65 - 6

6- بت پرستان ، استدلال های ابراهیم (ع) بر بطلان شرک را نادرست انگاشته و او را به خاطر شکستن بت ها مجرم دانستند .

فسلوهم إن كانوا ينطقون .. ثم نكسوا على رؤوسهم لقد علمت ما هؤلاء ينطقون

جمله «لقد علمت ما هؤلاء ينطقون» پاسخ مشرکان به کلام ابراهیم(ع) (فسئلوهم إن كانوا ينطقون) است؛ یعنی، تو می دانی که بت ها از سخن گفتن عاجزاند، پس چرا ما را به سؤال کردن از بت ها حواله می دهی. لابد سؤال تو برای فرار از اتهام بت شکنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 76 - 1

1 - اقدام ابراهیم (ع) به شکستن بت سنت گرایى و تقلید بی چون و چرا از نیاکان

أفرءیتم . . . أنتم وءاباؤکم الأقدمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 90 - 3

3 - « عن حجر عن أبى عبد الله (ع) قال : خالف ابراهيم (ع) قومه و عاب آلهتهم . . . قال أبو جعفر (ع) : عاب آلهتهم « فنظر نظره فى النجوم فقال إنى سقيم » . . . والله ما كان سقيماً و ما كذب فلماً تولوا عنه مدبرين إلى عيد لهم ، دخل ابراهيم إلى

ص: 285

آلهتهم فکسر ها إلا کبیراً لهم . . . ؛

از حجر نقل شده که از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: ابراهیم با قومش مخالفت کرد و خدایان آنها را مورد عیب جویی خود قرار داد . . . امام باقر(ع) فرمود: از معبودهای آنان خرده گرفت «فَنظَرَ نَظْرَهُ فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ»... به خدا سوگند ابراهیم مریض نبود و دروغ هم نگفت. پس چون قومش برای عیدی که داشتند از پیش ابراهیم(ع) رفتند، او [با تبر] به سوی معبودهای آنان رفت و آنها را شکست مگر بزرگ ترین بت آنان را...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 91 - 1

1 - رفتن مخفیانه ابراهیم (ع) ، به جانب معبود های مشرکان پس از خروج آنان از شهر

فراغ إلى ءالہتهم

«روغ» (مصدر «راغ») در اصل به معنای تمایل به چیزی به صورت سرّی و پنهانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 93 - 4,5

3 - شدت غضب و خشم ابراهیم (ع) ، به هنگام شکستن بت ها و معبودها

فراغ علیہم ضرباً بالیمین

گفتگوی ابراهیم(ع) با بت ها - با آن که آن حضرت می دانست که آنها از سخن گفتن ناتوان اند - می تواند به منظور تقویت روح غضب و خشم خود نیست به آنها باشد تا عمل شکستن آنها خشمگینانه انجام گیرد.

4 - سوگند ابراهیم (ع) ، بر شکستن بت های مشرکان

فراغ علیہم ضرباً بالیمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که «یمین» به معنای قسم باشد. بر این اساس «با» به معنای سببیت است؛ یعنی، ابراهیم(ع) به سبب سوگندی که یاد کرده بود، ضربه ای محکم بر بت ها فرود آورد.

5 - وفای ابراهیم (ع) ، به سوگند خویش در شکستن بت ها

فراغ علیہم ضرباً بالیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حرکت شتابان مشرکان به سوی ابراهیم (ع) ، پس از آگاهی از شکسته شدن بت ها

فَأَقْبِلُوا إِلَيْهِ يَرْفُونَ

«فا» برای تفریع «فأقبلوا..» بر جمله ای مقدر است و تقدیر آن چنین است: «فبَلَّغْ قَوْمَهُ مِنْ رَأْيِ فَأَقْبِلُوا إِلَيْهِ؛ کسی که شکسته شدن بت ها را دید، به مردم اطلاع داد. سپس آنان شتابان به جانب ابراهیم(ع) روی آوردند». گفتنی است: «زف» (مصدر «یزفون») به معنای حرکت شتابان است.

2 - شدت خشم و نگرانی قوم ابراهیم ، از شکسته شدن بت های شان

فَأَقْبِلُوا إِلَيْهِ يَرْفُونَ

حرکت شتابان قوم ابراهیم به جانب آن حضرت پس از شکسته شدن بت ها، می تواند گویای برداشت بالا باشد.

ص: 286

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 95 - 5

5 - « عن أبي عبدالله (ع) : أخذ ابراهيم القدم فكسر الصنم الذي عمله ، ففزع أبوه من ذلك فزعاً شديداً ، فقال له : أيّ شيء عملت ؟ فقال له ابراهيم (ع) : و ما تصنعون به ؟ فقال أزر : نعبده ، فقال له ابراهيم : « أتعبدون ما تنحتون » . . . » ;

از امام صادق(ع) روایت شده: .. ابراهیم(ع) تبر را برداشت و بتی را که آزر ساخته بود شکست و آزر فریاد شدیدی از روی ترس برآورد و به ابراهیم(ع) گفت: چه کاری کردی؟ ابراهیم(ع) در جواب گفت: با بت چه می کنید؟ آزر گفت: آن را می پرستیم. ابراهیم(ع) در جواب گفت: «أتعبدون ما تنحتون؛ آنچه را خود می تراشید، می پرستید؟»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 26 - 2,7

2 - داستان مبارزه حضرت ابراهیم (ع) با شرک و بت پرستی ، داستانی زنده و درس آموز برای همیشه تاریخ

و إذ قال إبراهيم

کلمه «إذ» در محل نصب و مفعول به برای فعل محذوف است؛ یعنی، «واذکر إذ قال. . .».

7 - ابراهیم (ع) ، نماد شجاعت و اسوه مبارزه با شرک و بت پرستی

و إذ قال إبراهيم لأبيه وقومه

از یادآوری داستان ابراهیم(ع)، اسوه بودن آن حضرت در مبارزه با بت پرستی و از موضع گیری ایشان در برابر جامعه خویش - حتی نزدیک ترین خویشاوندان خود - شجاعت آن حضرت استفاده می شود.

59- بت شکنی در قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 59 - 9

9- تعرض به بت ها ، ظلمی بزرگ و گناهی نابخشودنی در پندار قوم بت پرست ابراهیم

قالوا من فعل هذا بالهتئا إته لمن الظلمين

ظالم و ستم پیشه به کسی گویند که بارها به ستم دست بزند. بنابراین توصیف ابراهیم به ستمکار بودن از جانب بت پرستان - در حالی که او تنها یک بار به بت ها تعرض کرده بود - گویای این نکته است که تعرض به بت ها در نظر بت پرستان ظلمی بزرگ محسوب می شد.

60- بت شکنی قصه ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 59 - 1

ص: 287

1- پس از در هم شکسته شدن بت ها به وسیله ابراهیم (ع) ، بت پرستان به پرسوجو از یکدیگر در مورد شکننده آنها پرداختند .

فجعلهم جذذاً .. قالوا من فعل هذا بالهتنا

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «مَن» اسم استفهام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 63 - 3

3- ابراهیم (ع) در یک شگرد عالمانه ، از بت پرستان خواست تا از خود بت ها در باره شکننده آنها پرسوجو کنند .

فسلوهم إن كانوا ينطقون

ابراهیم(ع) با نسبت دادن شکستن بت ها به بت بزرگ و درخواست از بت پرستان به پرس و جو کردن از بت ها برای شناسایی بت شکن، شگردی عالمانه را در مبارزه با بت پرستی برگزید؛ زیرا بت پرستان از این طریق به آسانی به بطلان راه خویش پی بردند؛ چنان که آیه بعد (فرجعوا إلی أنفسهم ..) گویای همین حقیقت است.

61- بت ها در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 98 - 6

6- « جاء فی الحدیث إن قوماً أتوا رسول الله (صلی الله علیه و آله) فقالوا له : . . . أخبرنا عن قوله : « إنکم و ماتعبدون من دون الله حسب جهنم أنتم لها واردون » إذا كان معبودهم معهم فی النار فقد عبدوا المسیح (ع) أفقول : إنه فی النار ؟ فقال لهم رسول الله (صلی الله علیه و آله) : . . . قال الله : « إنکم و ما تعبدون » یرید الإصنام التي عبدوها و هی لاتعقل و المسیح (ع) لا یدخل فی جملتها لآنه یعقل و لو قال : إنکم و من تعبدون لدخل المسیح (ع) فی الجملة فقال القوم : صدقت یا رسول الله (صلی الله علیه و آله) ؛

در حدیث آمده که گروهی نزد رسول خدا(صلی الله علیه و آله) آمده و به آن حضرت گفتند: . . . ما را از گفتار خدا «إنکم و ماتعبدون من دون الله حسب جهنم...» با خبر ساز چنانچه معبودشان در آتش باشد، پس [این که] گروهی مسیح را عبادت کردند؛ آیا تو می گویی او در آتش است. رسول خدا به آنان فرمود: . . . خدا فرموده «إنکم و ماتعبدون» و بت هایی را که آنان می پرستیدند اراده کرده و بت ها غیر عاقل هستند و مسیح داخل در آنها نیست؛ زیرا او صاحب عقل است و اگر فرموده بود «إنکم و من تعبدون» مسیح نیز داخل در آن جمله بود. آن گروه گفتند: راست گفتی ای رسول خدا».

62- بت ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - معبودها (بت ها) در قیامت ، از مورد پرستش واقع شدن خود اظهار بی اطلاعی کرده و آن را انکار خواهند کرد .

و یوم نحشرهم جميعاً .. وقال شركاؤهم ما كنتم إيانا تعبدون

10 - بت ها ، در قیامت با مشرکان سخن خواهند گفت .

ص: 288

ثم تقول للذين أشركوا .. قال شركاؤهم ما كنتم إيانا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

7 - یونس - 10 - 29 - 1

1 - بت ها در قیامت ، خدا را شاهد می گیرند که از عبادت اهل شرک بی خبر بوده اند .

فکفی باللّٰه شهيداً بيننا وبينکم ان کنا عن عبادتکم لغفلين

63- بت ها و اقرار به توحيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

7 - یونس - 10 - 29 - 4

4 - بت های اهل شرک در قیامت ، بر یگانگی خدا و آگاهی او بر ظاهر و باطن اشیا اعتراف خواهند کرد .

فکفی باللّٰه شهيداً بيننا وبينکم ان کنا عن عبادتکم لغفلين

64- بت ها و اقرار به علم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

7 - یونس - 10 - 29 - 4

4 - بت های اهل شرک در قیامت ، بر یگانگی خدا و آگاهی او بر ظاهر و باطن اشیا اعتراف خواهند کرد .

فکفی باللّٰه شهيداً بيننا وبينکم ان کنا عن عبادتکم لغفلين

65- بت ها و تکلم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

11 - انبياء - 21 - 63 - 5

5- بت ها ، فاقد قدرت نطق و کلام ، حتی در اعتقاد بت پرستان

فسلوهم ان کانوا ينطقون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

1- قوم بت پرست ابراهیم ، پس از آگاه شدن از ناتوانی بت ها از سخن گفتن ، به خود آمده و به تفکر و اندیشه در عقیده خویش فرورفتند .

ص: 289

فرجعوا إلى أنفسهم

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از «فرجعوا إلى أنفسهم» به خود آمدن و رجوع هر یک از بت پرستان به وجدان و ضمیر خود و به فکر فرورفتن آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 65 - 5

5- اعتراف قوم بت پرست ابراهیم ، به بی بهرگی بت ها از نطق ، کلام ، علم و عقل

لقد علمت ما هؤلاء ينطقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 92 - 3

3 - مشرکان عصر ابراهیم ، پرستشگر معبودهایی ناتوان از خوردن و گفتوگو کردن

فقال ألا تأكلون . ما لكم لا تنطقون

66- بت ها و خوردن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 91 - 2

2 - استهزای معبود های مشرکان در بتکده از سوی ابراهیم (ع) ، با توجه به ناتوانی آنان از خوردن بود .

فراغ إلىء الهتهم فقال ألا تأكلون

استفهام در «ألا تأكلون» برای استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 92 - 3

3 - مشرکان عصر ابراهیم ، پرستشگر معبودهایی ناتوان از خوردن و گفتوگو کردن

فقال ألا تأكلون . ما لكم لا تنطقون

67- بت ها و شفابخشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 80 - 3

3 - تذکر ابراهیم (ع) به نقش نداشتن بت ها در بیماری و شفایابی انسان

و إذا مرضت فهو يشفين

ص: 290

تعبیر «فهو یسفین» تأکید بر این حقیقت است که تنها خدا در بهبود و شفای انسان مؤثر است. و چون مخاطب این تأکید بت پرستانند، در حقیقت تأکید ابراهیم(ع) بر سلب هرگونه تأثیر بت ها در سلامتی انسان است.

68- بت ها و نجات از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 101 - 8

8- بت ها و خدایان پنداری ، هرگز به فریاد پرستشگران خویش نمی رسند و نمی توانند حتی اندکی از عذاب های الهی را از آنان دور سازند .

فما أغت عنهم ءالتهم التي يدعون من دون الله من شيء لما جاء أمر ربك

69- بطلان بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 80 - 5

5- استدلالهای ابراهیم(ع) بر ابطال شرک و پرستش بتها و اجرام آسمانی به هدایت خداوند بود.

أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا .. . قَالَ لِأَحِبِّ الْأَفْلِينَ ... وَقَدْ هَدِين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 33 - 6

6- شرک و بت پرستی ، خروج از مدار حق و گردش بر مدار باطل است .

فماذا بعد الحق إلا الضلال .. . كذلك حقت كلمت ربك على الذين فسقوا أنهم لايؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 17 - 5

5- حضرت ابراهیم (ع) برای بیداری قوم اش ، ناتوانی بت ها را تبیین می کرده است .

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ .. . أَوْثَانًا .. . إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ... لا يملكون

70- بعل

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

15 - صافات - 37 - 125 - 3

ص: 291

3- « بعل » نام بت قوم الیاس

أُتَدْعُونَ بَعْلًا

برخی از مفسران و اهل لغت «بعل» را اسم و عَلَم برای بت قوم الیاس دانسته اند (چون «مناه» و «هبل»).

71- بنی اسرائیل و بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 138 - 4,6,9,10

4- بنی اسرائیل در پی عبور از دریا با مردمی بت پرست مواجه شدند .

فَأَتُوا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ

«أتوا» چون به «علی» متعدی شده، متضمن معنای مرور است، یعنی «اتوا قوما مارین علیهم».

6- بت پرستانی که قوم موسی بر آنان گذر کردند، دارای بت های متعدد بودند .

علی أصنام لهم

«أصنام» (جمع «صنم») به معنای بتهاست.

9- بنی اسرائیل از موسی خواستند تا خدایی مانند خدایان بت پرستان برای آنان قرار دهد .

اجعل لنا إلهاً كما لهم ءالهه

10- بنی اسرائیل با مشاهده بت پرستان و کرنش آنان در برابر معبودهایی محسوس، خواستار معبودی ملموس و محسوس شدند .

فَأَتُوا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَمُوسَىٰ اجعل لنا إلهاً كما لهم ءالهه

72- بی احترامی بت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 58 - 4

4- بت و سایر ابزار و وسایل گناه، از حرمت و مالکیت ساقط است و شکستن و نابود کردن آنها جایز می باشد .

فجعلهم جذذاً

برداشت یاد شده از شکستن بت ها به وسیله حضرت ابراهیم(ع) و سوگند ایشان بر این کار و نیز لحن تأیید گونه و تمجید آمیز آیه شریفه به دست می آید.

73- بی تأثیری بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 3 - 23

ص: 292

23 - تقرب آفرین بودن عبادت معبودها (بت و...) عقیده ای است دروغین .

و الذین اتّخذوا من دونه اولیاء ما نعبدهم إلاّ ليقربونا إلى الله زلفی . . . إنّ

74- بی ثمری بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 139 - 1

1 - بت پرستی آیینی فاسد و پرستش بت ها کرداری بیهوده و بی نتیجه است .

إن هؤلاء متبر ما هم فیه و بطل ما كانوا یعملون

مراد از «ما هم فیه» به قرینه آیه قبل، آیین بت پرستی است و منظور از «ما كانوا یعملون» پرستش بتها و اعتکاف بر آستان آنهاست. «متبر» اسم مفعول از مصدر «تتبر» و به معنای هلاک شده می باشد و هلاکت آیین به فاسد بودن آن است.

75- بی ثمری بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 19 - 3

3 - نماد های شرک و بت پرستی ، فاقد هر گونه خاصیت و کارایی

أفرء یتم اللّٰت و العزّٰی . و منوه الثالثه الأخری

سیاق سرزنش آمیز «أفرأیتم»، نشانگر مطلب یاد شده است.

76- بی حرمتی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 96 - 7

7 - مظاهر شرک و عقاید خرافی ، فاقد تقدس و حرمت

فقال ألا تأکلون . . . فراغ علیهم ضرباً بالیمین ... و الله خلقکم و ما تعملون

77- بی عقلی بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 199 - 5

5 - بت پرستان و مشرکان ، مردمی بی خرد و نادانند .

ص: 293

از مصادیق مورد نظر برای «الجاهلین»، به قرینه آیات قبل، مشرکان و بت پرستان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 2

2 - مشرکان و بت پرستان ، مردمی ساده اندیش و بی خرد

و یعبدون من دون الله ما لا ینفعهم ولا یضرهم

یادآوری ناتوانی معبودها از رسانیدن نفع و یا دفع ضرر، در مقام محکومیت شرک و بت پرستی، می تواند اشاره به این حقیقت عقلایی داشته باشد که عملی که هیچ سودآور نباشد و یا زیانی را دور نسازد، عملی به دور از خرد و سرزنش آمیز است و هیچ عاقلی دست به چنین کاری نخواهد زد.

78- بی منطقی بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 71 - 3

3 - ناتوانی بتها از رساندن نفع و ضرر، نشانه خردمندانه نبودن پرستش آنهاست.

قل أندعوا من دون الله ما لا ینفعنا ولا یضرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 34 - 3

3 - شرک و بت پرستی ، آیینی است بی پایه ، غیر قابل دفاع و ساخته اوهام نابخردان .

قل هل من شرکائکم . . . فانی توفکون

اضافه «شرکاء» به ضمیر «کم» حاکی از ساختگی بودن شرک است. و استفهام تعجیبی در جمله «أنی توفکون» نشانگر نابخردی معتقدان به آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 67 - 7

7- بت پرستی ، عملی بی خردانه و ابلهانه است .

أَفْ لَكُمْ وَلِمَاتِعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 117 - 2

2- شرک و بت پرستی ، آیینی فاقد دلیل و برهان

و من يدع مع الله إلهاء آخر لا برهن له به

ص: 294

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 97 - 3

3 - ناتوانی مشرکان از مقابله با منطق و استدلال ابراهیم (ع) بر بطلان شرک و بت پرستی

79- فی الجحیم

تصمیم مشرکان بر نابودی ابراهیم(ع) با سوزاندن آن حضرت - پس از شنیدن سخن منطقی و خردبرانگیزش - گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 125 - 11

11 - پرستش بت به جای عبادت نیکوترین آفریدگار ، عملی نابخردانه و سرزنش آمیز

أتدعون بعلاً و تذرون أحسن الخلقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 4 - 9

9- شرک و پرستش غیر خدا ، فاقد کمترین دلیل معتبر نقلی و برهان علمی

اتتونی بکتب من قبل هذا أو أثره من علم

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از «کتاب» مطلق نوشته ها و نقل هایی باشد که قابل اتکاء است و «اثره من علم» ناظر به هرگونه دلیل علمی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 19 - 1

1 - سرزنش مشرکان مکه از سوی خداوند ، به خاطر پرستش خدایان (لات ، عزی ، و منات) بدون هیچ برهان و پشتوانه علمی

أفرءیتم اللّٰت و العزّٰی . و منوه الثالثه الأخری

آیات پیشین - به ضمیمه استهفام انکاری در «أرأیتم» - اشاره به آن دارد که رهنمودهای پیامبر(صلی الله علیه و آله) متکی به شهود بود؛ اما مشرکان در دعاوی خویش از هرگونه دلیل و برهان بی بهره بودند.

4- شرک و بت پرستی ، برخاسته از خیال پردازی و موهوم گرایی بشر و فاقد هر گونه پشتوانه منطقی

سمّیتموها أنتم وءاباؤکم ما أنزل اللّٰه بها من سلطن

از تأکید خداوند بر این که بت ها، جز نام های ساخته و پرداخته بشر، چیزی نیستند؛ می توان به دست آورد که خیال پردازی و موهوم گرایی انسان، او را به وادی شرک کشانیده است.

80- بی منطقی بت پرستی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 53 - 2

2- شرک و بت پرستی قوم ابراهیم، برهان و دلیل منطقی نداشت و صرفاً متکی بر تقلید کورکورانه از اجداد و نیاکان بود.

قالوا وجدنا آباءنا لها عبدین

از این که مردم در پاسخ سؤال ابراهیم(ع) از علت پرستیدن بت ها، صرفاً پیروی از نیاکان و اجداد خود را مطرح ساختند، برداشت یاد شده به دست می آید.

81- بینش بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 63 - 5

5- بت ها، فاقد قدرت نطق و کلام، حتی در اعتقاد بت پرستان

فسلوهم إن كانوا ینطقون

82- پرسش از بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 52 - 1،3

1- ابراهیم (ع) در حضور پدر و قومش، بت پرستی را زیر سؤال برد و آشکارا با آن به مخالفت برخاست.

إذ قال لأئیه و قومه ما هذه التماثل

استفهام در «ما هذه التماثل...» سؤال از حقیقت بت ها است، نه نام آنها. و از آن جایی که ابراهیم(ع) از حقیقت آنها آگاه بود و نیازی به سؤال نداشت، استفهام ایشان به منظور زیر سؤال بردن و محکوم کردن بت پرستی و نوعی اظهار مخالفت با آن بوده است.

3- ابراهیم (ع)، از پدر و قومش در باره علت تقدیس و عبادتشان در برابر مجسمه های بی جان، توضیح خواست.

إذ قال لأئیه و قومه ما هذه التماثل التی أنتم لها عکفون

از پاسخ قوم ابراهیم، که کارشان را به خاطر پیروی از اجداد خود معرفی کردند (قالوا وجدنا آباءنا لها عبدین)، به دست می آید که سؤال

ابراهیم(ع) مربوط به علت و چرایی تقدیس و عبادتشان در برابر بت ها بوده است.

83- پرسش از بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 296

3- ابراهیم (ع) در یک شگرد عالمانه، از بت پرستان خواست تا از خود بت ها در باره شکننده آنها پرسوجو کنند.

فسلوهم إن كانوا ينطقون

ابراهیم(ع) با نسبت دادن شکستن بت ها به بت بزرگ و درخواست از بت پرستان به پرس و جو کردن از بت ها برای شناسایی بت شکن، شگردی عالمانه را در مبارزه با بت پرستی برگزید؛ زیرا بت پرستان از این طریق به آسانی به بطلان راه خویش پی بردند؛ چنان که آیه بعد (فرجعوا إلی أنفسهم.. ..) گویای همین حقیقت است.

84- پرسش از شنوایی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 72 - 1

1 - پرسش بیدارگر ابراهیم از قوم بت پرست خویش درباره شنوایی بت ها

قال هل یسمعونکم إذ تدعون

85- پلیدی بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 30 - 15

15 - بت پرستان، مردمی پلیداند.

فاجتنبوا الرجس من الأوثان

86- پلیدی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 90 - 1

1 - شراب، قمار، بت ها و چوب های مخصوص برد و باخت، به تمامی پلید و ناپاک اند.

انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلیم رجس

«انصاب» جمع کلمه نصب است، برخی آن را به معنای بت گرفته اند و برخی گفته اند «انصاب» سنگهایی بوده که بر آستان بتها نصب

می شده و جایگاه ذبح قربانی برای بتها بوده است و بدان جهت مشرکان آنها را مایه تبرک می پنداشتند و محترم می شمردند. «ازلام» جمع زلم (تیرقمار) از انواع وسائل قمار و بردو باخت به شمار می رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 297

13 - بت ، مظهر رجس و پلیدی است .

فاجتنبوا الرجس من الأوثن

87- پوچی بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 48 - 18

18- کسانی که بت و هر چیزی غیر خدا را عبادت می کنند ، خود را بی نتیجه به رنج و زحمت انداخته اند .

عسی ألا أكون بدعاء ربّي شقیّاً

از جمله معانی «شقا» سختی و زحمت است. جمله «عسی...» که نقل گفته حضرت ابراهیم به آزر و دیگر بت پرستان است، دربردارنده تعریضی به آنان است؛ یعنی من امیدوارم که با عبادت پروردگارم شقی نباشم، ولی شما با پرستش موجودات فاقد شعور، خود را به زحمت بی نتیجه انداخته و در زمره شقاوت مندان خواهید بود.

88- پیشنهاد بت پرستی به محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 1 - 5

5 - « سأل [الأحول] أباعبدالله (ع) عن ذلك فقال : كان سبب نزولها و تكرارها أنّ قريشاً قالت لرسول الله تعبد آلهتنا سنه و نعبد إلهك سنه و تعبد آلهتنا سنه و نعبد إلهك سنه فأجابهم الله بمثل ما قالوا ;

[ابوجعفر احول] از امام صادق(ع) درباره سبب تکرار آیات [در سوره کافرون] پرسید؛ امام فرمود: سبب نزول آن آیه ها و تکرار آن، این بود که قریش به رسول خدا(صلی الله علیه و آله) گفتند: یک سال تو خدایان ما را عبادت کن و یک سال ما خدای تو را عبادت می کنیم. [دوباره] تو یک سال خدایان ما را عبادت کن و ما یک سال خدای تو را عبادت می کنیم. خداوند نیز به آنان مانند سخنشان جواب داد.»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 3 - 1,6

1 - برخی از کافران عصر بعثت ، مدعی آمادگی برای عبادت خداوند ، در صورت اظهار آمادگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای عبادت معبود های آنان

و لا أنتم عبدون ما أعبد

خبر دادن پیامبر(صلی الله علیه و آله) از سر سختی کافران - پس از نفی کوتاه آمدن خود - بیانگر آن است که کافران در صورت سازش پیامبر(صلی الله علیه و آله) خود را برای عبادت خداوند آماده می خواندند.

6 - کافران ، خود را در اقدام به خداپرستی - در صورت سازش پیامبر (صلی الله علیه و آله) با آنان - پیش قدم معرفی کرده و زمان پیوستن

ص: 298

پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آنان را، پس از مرحله پیوستن خود به پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار داده بودند.

لا أعبد ما تعبدون . ولا أنتم عبدون ما أعبد

در آیه قبل، پیامبر (صلی الله علیه و آله) عبادت آینده خود از معبودهای مشرکان را منتفی دانست؛ ولی در این آیه، عبادت کنونی مشرکان از خداوند را نفی کرد. می توان گفت: اختلاف دو تعبیر - که از فعلی بودن آیه قبل و اسمی بودن این آیه استفاده می شود - ناظر به ترتیبی است که مشرکان برای توافق با پیامبر (صلی الله علیه و آله)، پیشنهاد کرده بودند. آنان گفته بودند: یک سال ما بنده خدای تو می شویم؛ مشروط به این که سال بعد تو خدایان ما را پذیرا باشی.

89- تاریخ بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 15 - 14

14- جامعه اصحاب كهف، موجوداتی دارای شعور و خرد را، معبود خود پنداشته و به پرستش آنها پرداخته بودند.

لولا یأتون علیهم بسلطن ینین

کاربرد ضمیر «هم» نوعاً در مواردی است که مرجع آن، جمعی از موجودات با شعور باشند. بنابراین مراد از «الالهه» که مرجع ضمیر «هم» است، معبودانی از جنس بشر یا فرشتگان و مانند این ها خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 48 - 4

4- مردم شهر و دیار آزر، هم کیش او بوده و بت ها و اشیایی جز خداوند را می پرستیدند و به درگاه آنها دعا می کردند.

واعتزلکم و ما تدعون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 49 - 2

2- آزر و مردم شهر و دیار او، پرستشگر بت ها و اشیایی جز خداوند

فلما اعتزلهم و ما یعبدون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- شرک و بت پرستی در میان قوم ابراهیم، فراگیر و دارای پیشینه طولانی بود.

قالوا وجدنا آباءنا لها عبدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 71 - 1

1 - بت پرستی، آیین رایج عرب های پیش از اسلام

ص: 299

و يعبدون من دون الله ما لم ينزل به سلطاناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 23 - 6

6 - قوم نوح ، مردمی شرک پیشه و بت پرست بودند .

فقال يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 32 - 5

5 - تجدید انحراف و پیدایش شرک و بت پرستی ، پس از نوح (ع)

ثم أنشأنا من بعدهم ... فأرسلنا ... رسولا منهم أن اعبدوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 42 - 4

4 - مشرکان ، به هنگام طلوع خورشید اسلام ، به معبود های متعددی اعتقاد داشتند .

ليضلنا عن الهتنا

«إله» مفرد «آلهه» به معنای معبود است و جمع آمدن آن حاکی است که مشرکان به چند معبود اعتقاد داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 74 - 4

4 - بت پرستی ، امری سابقه دار در میان نیاکان قوم ابراهیم

قالوا بل وجدنا آباءنا كذلك يفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 76 - 3

3 - بت پرستی ، دارای سابقه دیرینه در نیاکان قوم ابراهیم

أفرءيتم ما كنتم تعبدون . أنتم وءاباؤكم الأقدمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - صافات - 37 - 85 - 2

2 - مردم در آغاز بعثت ابراهيم (ع) ، داراي آيين شرك و بت پرستي

إذ قال لأبيه وقومه ماذا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - صافات - 37 - 125 - 2

ص: 300

2- قوم الیاس ، مردمی مشرک و بت پرست بودند .

أُتَدْعُونَ بَعْلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 23 - 2

2- شرک و بت پرستی ، دارای پیشینه تاریخی در میان مردم عرب جاهلی

سَمِّتُمْوهَا أَنتُمْ وَاَبَاؤُكُمْ

90- تبری از بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 67 - 1

1- اظهار تنفر و انزجار شدید ابراهیم (ع) از بت پرستان و معبود های آنان

أَفَّ لَكُمْ وَلَمَّا تَعْبُدُونَ

«أَفَّ» کلمه ای است که به هنگام تنفر و انزجار از چیزی و یا شخصی، به کار می رود. تنوین «أَفَّ» برای تعظیم است؛ یعنی، انزجار قوی و شدید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 48 - 2، 1

1- ابراهیم (ع) ، زندگی در میان هم کیشان آزر را هم سان زندگی در خانه او، مانعی در راه خداپرستی خویش دیده و از همه آنها کناره گیری کرد .

وَأَعْتَزَلَكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

2- حضرت ابراهیم (ع) در پاسخ به تهدید های آزر ، تصمیم خود را بر دوری گزیدن از بت پرستان و بت ها ، اعلام کرد .

وَأَعْتَزَلَكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- حضرت ابراهیم (ع) از محیط شرک و بت پرستی هجرت کرد و از بت پرستان و معبود های آنان کناره گیری کرد .

فلما اعتزلهم و ما یعبدون من دون الله وهبنا له إسحق و یعقوب

91- تبری از بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 301

1- حضرت ابراهیم (ع) از محیط شرک و بت پرستی هجرت کرد و از بت پرستان و معبود های آنان کناره گیری کرد .

فلما اعتزلهم و مايعبدون من دون الله وهبنا له إسحق و يعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 89 - 2

2 - اعتقاد به یگانگی خدا و بیزارى از شرک و بت پرستی ، نشانه بهره مندی از قلب سلیم

إلا من أتى الله بقلب سليم

در آیات پیشین، سخن درباره مبارزه حضرت ابراهیم(ع) با شرک و بت پرستی است. با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل، می توان گفت که مراد آن حضرت از قلب سلیم، قلب خالی از شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 26 - 1

1 - اعلان برائت حضرت ابراهیم (ع) از شرک و بت پرستی قوم خود

و إذ قال إبراهيم لأبيه و قومه إئني براء مما تعبدون

92- تبلیغ بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 71 - 10

10 - مشرکان صدر اسلام با تبلیغات خود در صدد بازگرداندن مسلمانان به آیین شرک و بت پرستی بودند.

قل أندعوا من دون الله .. و نرد على أعقابنا

93- تبیین پوچی بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 73 - 1

1- تبیین بی اساس بودن اندیشه شرک و بت پرستی در اسلوبی زیبا، مختصر، بدیع و روشن همچون مَثَل، از سوی خداوند

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبٌ مِثْلٌ

خطاب در «یا ایها الناس» متوجه مشرکان است. «إِستماع» (مصدر «استمعوا») به معنای گوش فرا دادن و «دعا» (مصدر «یدعون») به معنای ندا کردن و فریاد استغاثه برداشتن است. گفتنی است: «مَثَل» جمله ای است مختصر و مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه که بسبب روانی لفظ، روشنی معنا و لطف ترکیب، شهرت عام یافته و همگان آن را بدون تغییر در محاوره به کار برند. در آیه یاد شده، سستی بنیان شرک و بت پرستی، با اسلوبی چنان زیبا، مختصر، بدیع و روشن بیان شده که سزاوار است

ص: 302

همچون مثلی، شهرت عام یافته و دهان به دهان گردد. و بدین جهت خدا از آن به مثل تعبیر کرده است. بدان جهت است که خدا از آن به مثل تعبیر کرده است.

94- تحصیل عزت از بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 81 - 3

3- تحصیل عزت و اعتبار، از انگیزه های مشرکان در پرستش معبود های خویش

واتخذوا... لیکونوا لهم عزا

«عزاً» مصدر است و می تواند در توصیف مفرد و جمع به کار رود. کلمه یاد شده در این آیه، یا به معنای اسم فاعل «معزین» است (یعنی پرستش معبودها به انگیزه عزت بخش بودن آنها صورت می گیرد) و یا مراد مبالغه است (یعنی مشرکان معتقد بودند که معبودهایشان، عزت مجسم هستند و ارتباط با آنان زمینه ساز دریافت عزت است).

95- تحقیر بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 52 - 2

2- حضرت ابراهیم (ع) بت و بت پرستی را به شدت تحقیر کرد و پدر و قومش را به خاطر این کار مورد سرزنش قرار داد.

إذ قال لأبيه وقومه ما هذه التماثيل

اشاره کردن به بت ها با اسم اشاره نزدیک (هذه) و نیز تعبیر «تماثیل» (صورت ها و مجسمه های بی جان)، حاکی از تحقیر بت و بت پرستی به وسیله ابراهیم (ع) است. گفتنی است استفهام در «ما هذه...» - به قرینه مقام - توییخی است.

96- تحقیر بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 17 - 3

3 - حضرت ابراهیم (ع) برای بیداری قوم خویش، بت ها را به حقارت و پستی یاد می کرده است.

إنما تعبدون من دون الله آوثناً

نکره آوردن «اوثان» می تواند به منظور بیان حقارت شأن بت ها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 96 - 4

ص: 303

4 - شکستن اُبّهت و تقدس بت ها ، در مرحله نخست و سپس گفتگوی خردبرانگیز ، شیوه مبارزه ابراهیم (ع) با مشرکان و مظاهر شرک

فقال ألا تأكلون . . . فراغ عليهم ضرباً باليمين ... قال أتعبدون ما تنحتون . و اللّ

برداشت یاد شده از آن جا است که ابراهیم(ع) در آغاز مبارزه با شرک و بت پرستی، ابتدا به سراغ بتکده رفته و ضمن به تمسخر گرفتن بت ها، آنها را درهم شکست. سپس با مخاطب قرار دادن مردم، آیین آنان را زیر سؤال برد (أتعبدون ما تنحتون) و به تأمل و اندیشه واداشت.

97- تداوم بت پرستی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 71 - 2

2 - توجه به درگاه بت ها و اعتکاف در آستان آنها ، از کار های مستمر قوم ابراهیم

فنظّل لها عكفین

«ظّل و ظلّول» (مصدر «نظّل») به معنای دوام و استمرار و «عكوف» (مصدر «عاکفین») به معنای ملازم بودن است.

98- تعقل در بطلان بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 75 - 4

4 - روشن بودن بطلان بت پرستی ، تنها با اندکی تأمل و خردورزی

قال أفرءیتم ما کنتم تعبدون

برداشت یاد شده با توجه به توییخی بودن استفهام در آیه بالا استفاده می شود؛ زیرا مفاد آن این است که اگر شما درباره آنچه می پرستید (بت ها) قدری می اندیشیدید، هرگز به آن اقدام نمی کردید.

99- تکلم بت ها با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 28 - 10

10 - بت ها ، در قیامت با مشرکان سخن خواهند گفت .

ثم نقول للذین أشركوا . . . قال شركاؤهم ما کنتم إیانا تعبدون

100- تکلم بت ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 28 - 9

9- بت های مورد پرستش اهل شرک در آخرت ، دارای شعور و توانا بر نطق

و یوم نحشرهم جميعاً . .. وقال شرکاؤهم ما کنتم ایانا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 29 - 3

3 - بت های اهل شرک در جهان آخرت ، دارای شعور و آگاهی و توانا بر نطق

وقال شرکاؤهم . . . فکفی باللّٰه شهیداً بیننا و بینکم إن کنا عن عبادتکم لغفلین

101- قنیه بت پرستان قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 66 - 4

4- حضرت ابراهیم (ع) برای اثبات توحید و بطلان شرک از شیوه آگاه کردن بت پرستان به ناتوانی بت ها و به اعتراف واداشتن آنان بر این حقیقت استفاده کرد .

فسلوهم إن کانوا ینطقون . . . لقد علمت ما هؤلاء ینطقون . قال أفتعبدون من دون الل

102- توصیه به ترک بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 12 - 4

4 - توصیه خدا به اهل شرک ، به دست برداشتن از بت پرستی و روی آوردن به توحید و نیایش به درگاه او

یدعوا من دون اللّٰه ما لایضرّه و ما لاینفعه

103- جوارح بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 195 - 3، 2، 1

1 - مشرکان بت ها و معبودانشان را به صورت مجسمه هایی دارای پا، دست، چشم و گوش می ساختند.

أَلْهَم أَرْجُلَ يَمْشُونَ بِهَا .. أَمْ لَّهُمْ أَعْيُنٌ يَرَوْنَ بِهَا

ص: 305

جمله «یمشون بها» و مانند آن، هم می تواند قید توضیحی باشد و هم می تواند قید احترازی گرفته شود. بنابر اول معنای جمله «ألهم أرجل ...» چنین است: آیا بتها پا دارند تا با آن راه روند؛ یعنی پا ندارند. و بنابر فرض دوم معنا چنین خواهد بود: آیا بتها پایی که با آن راه روند دارند؛ یعنی پاهایی دارند، ولی با آن نمی توانند راه بروند. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

2- اعضای تعبیه شده در بت ها، فاقد کمترین توان و اثر مطلوب

ألهم أرجل یمشون بها .. أم لهم اذان یسمعون بها

3- فقدان اثر مطلوب در اعضای تعبیه شده در بت ها، دلیل ناتوانی بیشتر آنها از عبادتگرا نشان

ألهم أرجل یمشون بها .. أم لهم اذان یسمعون بها

جمله «عباد أمثالکم» به همسانی بتها با پرستشگرا نشان در نیازمندی و ناتوانی اشاره کرد و آیه مورد بحث با توجه دادن مشرکان به اینکه بتها از اعضای تعبیه شده در آنها هیچ بهره ای نمی برند این نکته را به آنان یادآور می شود که بتها و معبودان دروغین حتی از پرستشگرا نشان عاجزتر و ناتوانترند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 198 - 3,4,5

3- مشرکان برای معبودانشان چشمهایی خیره گر تعبیه می کردند .

و تریهم ینظرون إلیک

ضمیرهای غایب در «تریهم» و «ینظرون» به «الذین تدعون» - که همان معبودان باشد - برمی گردد.

4- چشم های تعبیه شده در بت ها هرگز بر دیدن اشیا توانا نبودند .

و هم لایبصرون

ضمیرها در جمله «هم لایبصرون» به «الذین تدعون» برمی گردد.

5- چشم های تعبیه شده در بت ها به گونه ای بود که گویا به شخص مقابل خویش نظاره گر است .

و تریهم ینظرون إلیک

خطاب در «تریهم» و «إلیک» به هر انسانی است که مواجه با بتها قرار می گیرد، یعنی «تریهم ایها الانسان ..» جمله «و هم لایبصرون» (آنها نمی بینند) دلالت می کند که «تریهم ینظرون»، یعنی «تریهم کانهم ینظرون إلیک». (چنین گمان می کنی که بتها تو را می نگرند.)

4- بت و سایر ابزار و وسایل گناه، از حرمت و مالکیت ساقط است و شکستن و نابود کردن آنها جایز می باشد.

فجعلهم جذذاً

برداشت یاد شده از شکستن بت ها به وسیله حضرت ابراهیم(ع) و سوگند ایشان بر این کار و نیز لحن تأیید گونه و تمجید آمیز آیه شریفه به دست می آید.

ص: 306

105- چشمهای بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 198 - 3،4،5

3 - مشرکان برای معبودانشان چشمهایی خیره گر تعبیه می کردند .

و تریهم ينظرون إلیک

ضمیرهای غایب در «تریهم» و «ینظرون» به «الذین تدعون» - که همان معبودان باشد - برمی گردد.

4 - چشم های تعبیه شده در بت ها هرگز بر دیدن اشیا توانا نبودند .

و هم لایبصرون

ضمیرها در جمله «هم لایبصرون» به «الذین تدعون» برمی گردد.

5 - چشم های تعبیه شده در بت ها به گونه ای بود که گویا به شخص مقابل خویش نظاره گر است .

و تریهم ينظرون إلیک

خطاب در «تریهم» و «إلیک» به هر انسانی است که مواجه با بتها قرار می گیرد، یعنی «تریهم ایها الانسان . . .» جمله «و هم لایبصرون» (آنها نمی بینند) دلالت می کند که «تریهم ينظرون»، یعنی «تریهم کانهم ينظرون إلیک»، (چنین گمان می کنی که بتها تو را می نگرند.)

106- حقیقت بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 44 - 2

2- بت پرستی ، در حقیقت شیطان پرستی است .

يَأْت لِمَ تَعْبُد مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ . . . يَأْت لَاتَعْبُد الشَّيْطَانَ

آنچه مسلم و مصرح است، آن است که آزر بت بوده است؛ نه شیطان پرست، ولی حضرت ابراهیم، بت پرستی را به منزله شیطان پرستی دانسته و با تعبیر «لاتعبد» از آن یاد کرده است؛ بنابراین در دیدگاه ابراهیم(ع)، بت پرستی در حقیقت خضوع و انقیاد در برابر شیطان و نوعی پرستش او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- بت پرستی و شرک ، ضلالت و گمراهی آشکار است .

ما هذه التماثيل . . . أنتم وءاباؤکم فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 9

ص: 307

9- شرک و بت پرستی ، حرکتی است مخالف جریان طبیعی نظام هستی .

أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ .. وَكَثِيرٌ حَقٌّ عَلَيْهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 117 - 11

11- شرک و بت پرستی ، کفران نعمت های خدا و ناسپاسی در برابر ربوبیت او است .

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ .. إِنَّهُ لَا يَفْلَحُ الْكُفْرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 26 - 5

5- بت پرستی ، کفر به خداوند است و بت پرستان از کافران اند .

لَا تَذَرُ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكُفْرِينَ دِيَارًا

برادشت بالا، به سبب این است که از بت پرستان، به کافران یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 28 - 14

14- شرک ، بت پرستی و گمراه گری ، ظلم است .

وَلَا تَزِدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا

مطلب یاد شده، از تعبیر «ظالمان» درباره بت پرستان و گمراه کنندگان به دست می آید.

107- خبائث قربانی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 3

3- مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

كلوا من طيبات .. . إنما حرم عليكم الميتة ... و ما أهل به لغير الله

108- درخواست از بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 48 - 4

4- مردم شهر و دیار آزر، هم کیش او بوده و بت ها و اشیایی جز خداوند را می پرستیدند و به درگاه آنها دعا می کردند .

ص: 308

و اعتزلکم و ما تدعون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 17 - 10

10 - قوم ابراهیم ، نیاز های مادی شان را از بت ها ، طلب می کردند .

إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ

109- درخواست مصونیت از بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 35 - 10

10- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار مصونیت خویش و فرزندانش از گرایش به بت پرستی شد .

و إذ قال إبراهيم ربّ .. اجنبنی و بنی أن نعبد الأصنام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 36 - 3

3- گمراه شدن مردم بسیاری به وسیله بت ها و بت پرستان ، انگیزه حضرت ابراهیم (ع) برای درخواست از خداوند جهت مصونیت خود و خاندانش از گرایش به آن آیین

و اجنبنی و بنی أن نعبد الأصنام . ربّ إنّهنّ أضلّلن كثيراً من الناس

جمله «ربّ إنّهنّ ..» در مقام تعلیل برای جمله «و اجنبنی و بنی ...» است؛ یعنی، چون بت پرستان موجب گمراهی اغلب مردم شدند از تو درخواست مصونیت دارم.

110- دشمنی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 77 - 1

1 - بت و بت پرستی ، دشمن اندیشه ، سعادت و تکامل انسان در دیدگاه حضرت ابراهیم (ع)

فإنّهم عدوّ لی

ضمیر «هم» در «فَاتِّهِمْ» به «أَصْنَام» بازمی گردد.

ص: 309

111- دعوت به بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 64 - 1

1 - درخواست تهدیدآمیز و آمرانه مشرکان از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به عبادت معبودهایی جز الله

قل أغير الله تأمروني أعبد

112- دفاع از بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 68 - 6

6- سوزاندن کامل ابراهیم (ع)، تنها راه دفاع از عقیده بت پرستان و معبود های ادعایی در دید قوم او بود.

قالوا حرّقوه و انصروا الهتكم إن كنتم فعلين

113- دلایل بت پرستی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 81 - 11

11 - مشرکان می پنداشتند امنیت آنان با پرستش بتها و دیگر معبودها تأمین می گردد.

فأى الفريقين أحق بالأمن

114- دلایل بطلان بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 42 - 6

6- فقدان ادراک بت ها و ناتوانی آنها در برآورده ساختن نیاز ها و جلوگیری از گزند ها، استدلال ابراهیم (ع) بر نارو بودن بت پرستی

يأبى لِمَ تعبد ما لا يسمع و لا يبصر و لا يغنى عنك شيئاً

«إغناء» (مصدر «لا يغنى») به معنای کفایت کردن و بازداشتن است. (برگرفته از «لسان العرب») و جمله «لا يغنى عنك شيئاً»، یعنی از تو

چیزی را دفع نکرده و تورا از آن کفایت نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 96 - 3

ص: 310

3- مخلوق و مصنوع بودن بت ها ، دلیل عدم شایستگی آنها برای پرستش

قال أتعبدون ما تحتون . و الله خلقكم و ما تعملون

115- دلایل پوچی بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 5 - 3

3- ناتوانی بت ها از شنیدن و اجابت نیایش مشرکان ، دلیلی واضح بر بیهودگی عبادت آنها

و من أضلّ ممّن يدعوا ... من لا يستجيب ... و هم عن دعائهم غفلون

116- دلایل مقهوریت بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 39 - 9

9- تصور خدایان متعدد در قبال خداوند ، مساوق و هم عنان با تصور مقهوریت آنان است .

ءأرباب متفرقون خیر أم الله الواحد القهار

از آن جا که یوسف(ع) خداوند را به «قهار» بودن توصیف کرد معلوم می شود وی «مقهور بودن» معبودان دروغین را نیز قصد کرده است ولی آن را در عبارت ذکر نکرد تا به این نکته اشاره کند که تصور متفرق بودن آنان کافی است در اینکه آدمی بداند خدایان متعدد در برابر خدای یگانه همواره مقهورند و شایسته خدایی نیستند.

117- رنجهای بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 48 - 18

18- کسانی که بت و هر چیزی غیر خدا را عبادت می کنند ، خود را بی نتیجه به زحمت انداخته اند .

عسی ألا أكون بدعاء ربّي شقیّاً

از جمله معانی «شقا» سختی و زحمت است. جمله «عسی...» که نقل گفته حضرت ابراهیم به آزر و دیگر بت پرستان است، دربردارنده تعریضی به آنان است؛ یعنی من امیدوارم که با عبادت پروردگارم شقی نباشم، ولی شما با پرستش موجودات فاقد شعور، خود را به زحمت

بی نتیجه انداخته و در زمره شقاوت مندان خواهید بود.

ص: 311

118- رهبران بت پرست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 124 - 26

26 - « قال ابو عبد الله (ع) : في قوله تعالى : . . . « لا ينال عهدى الظالمين » من عبد صنماً او وثناً لا يكون إماماً . . . »

از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند تعالی که می فرماید: . . . «لاینال عهدی الظالمین» روایت شده: کسی که بت پرستیده باشد نمی تواند امام شود...».

119- رهبران بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 44 - 3

3- شیطان ، سرمدمدار دعوت مردم به شرک و بت پرستی است .

لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ . . . لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ

120- رهبران شرک و بطلان بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 30 - 4

4- سازندگان آیین شرک و بت پرستی به یگانگی خداوند و بطلان آیین بت پرستی آگاه بودند .

و جعلوا لله أنداداً ليضلوا عن سبيله قل تمتّعوا فإن مصيركم إلى النار

از تعبیر «جعلوا لله أندادا» (برای خدا شریک قرار دادند)، و همچنین با توجه به اینکه این کار مربوط به سران و سازندگان اصلی آیین شرک است، استفاده می شود که آنان آگاهانه و از روی عمد به چنین عملی دست زدند.

121- زمینه بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 43 - 3

3- آگاهی های ویژه ابراهیم (ع) محدود بود .

قد جاءني من العلم

چنانچه «من» در «من العلم» برای تبعیض باشد و «من العلم»، حال برای «ما»، نکته یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 312

12 - بی تقوایی، زمینه ساز انحراف از مسیر حق و افتادن در دام آیین شرک و بت پرستی

إذ قال لقومه أَلَا تَتَّقُونَ . أَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَلْقِينَ

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که الیاس(ع)، پیش از سرزنش قوم خود به جهت گرویدن آنان به آیین شرک، آنان را به دلیل بی تقوایی سرزنش کرده است و این مطلب می رساند که بی تقوایی، زمینه ساز گرایش به آیین های باطل (همچون بت پرستی) است.

122- زیان بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 70 - 6

6- بت پرستی و موضع گیری در مقابل حق و رهبران الهی، از زیان بارترین کارها است .

و أَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 13 - 2

2- بت پرستی، پیش از آن که برای اهل شرک سودمند باشد، برای آنان زیان آور است .

يَدْعُوا لِمَنْ ضَرَّهُ أَقْرَبَ مِنْ نَفْعِهِ

123- زیان رسانی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 73 - 1

1 - یادآوری ابراهیم (ع) به قوم خویش، مبنی بر ناتوانی بت ها در رساندن سود یا زیان به انسان ها

أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يُضَرُّونَ

124- سرزنش بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - روی برتافتن از توحید و یکتاپرستی و گرایش به شرک و بت پرستی ، کاری شگفت و در پی دارنده نکوهش سخت خداوند

فذلکم اللّٰه ربکم الحق .. فأنی تصرفون

ص: 313

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 66 - 6

6 - شرک و بت پرستی و سرباز زدن از توحید ، اوج ناسپاسی انسان در برابر خدا

و هو الذی أحیاکم . . . إنّ الإنسان لکفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 125 - 11

11 - پرستش بت به جای عبادت نیکوترین آفریدگار ، عملی نابخردانه و سرزنش آمیز

أتدعون بعلاً و تذرون أحسن الخلقین

125- سرزنش درخواست از بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 12 - 1

1 - نکوهش اهل شرک ، به خاطر ترک نیایش به درگاه خدا و بردن عرض حاجت پیش بت ها

یدعوا من دون الله ما لایضرنه و ما لاینفعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 13 - 1

1 - نکوهش اهل شرک ، به خاطر نیایش و عرض حاجت کردن به درگاه بت ها

یدعوا لمن ضربه أقرب من نفعه

126- شعور بت ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 28 - 9

9 - بت های مورد پرستش اهل شرک در آخرت ، دارای شعور و توانا بر نطق

و یوم نحشرهم جمیعاً. .. وقال شرکاؤهم ما کنتم ایانا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 29 - 3

3 - بت های اهل شرک در جهان آخرت ، دارای شعور و آگاهی و توانا بر نطق

ص: 314

وقال شركاؤهم .. فكفى بالله شهيداً بيننا وبينكم إن كنا عن عبادتكم لغفلين

127- شفاعت بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - يونس - 10 - 18 - 18

18 - از امام صادق (ع) روايت شده كه فرمود: «... قالت بنو اسماعيل: «هؤلاء شفعاؤنا عند الله» فكفرت ولم تعبد الأصنام;

فرزندان اسماعيل مي گفتند: بتها شفيعان ما نزد خدا هستند پس كافر شدند; ولي بت را پرستش نكردند».

128- شگفتی بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - فاطر - 35 - 3 - 11

11 - روي گرداني از عبادت خداوند و گرويدن به شرك و بت پرستي، در عين مشاهده نشانه هاي قدرت و يگانگي خداوند، عملي شگفت آور و بدون توجيه است.

يزيد في الخلق ما يشاء .. هل من خلق غير الله... لا إله إلا هو... فأتى توفك

«آئی» اسم استفهام و به معنای کجا و چگونه است و در این آیه برای تعجب می باشد. «إفك» (مصدر «توفكون») به معنای «صرف» (برگرداندن) است؛ یعنی، «فأنتی تصرفون». گفتنی است که به قرینه مقام معنای این جمله چنین می شود: پس به کدامین سو برده می شوید و چگونه از حق و توحید ربوبی برگردانده می شوید؟

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - غافر - 40 - 62 - 7

7 - روي گرداني از عبادت خداوند و گرويدن به شرك و بت پرستي، در عين مشاهده آيات و نشانه هاي قدرت و يگانگي خداوند، عملي شگفت آور و بدون توجيه

خلق كل شيء لا إله إلا هو فأنتی توفكون

«آئی» (اسم استفهام) به معنای کجا و چگونه است و در این آیه برای تعجب می باشد و «إفك» (مصدر «توفكون») به معنای «صرف» (برگرداندن) است؛ یعنی، «فأنتی تصرفون». به قرینه مقام معنای این جمله چنین می شود: پس به کدامین سوی می روید و چگونه از حق و توحید ربوبی برگردانده می شوید؟

129- شومی مولای بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 315

11 - حج - 22 - 13 - 3

3 - بت پرستان با پذیرش خداوندگاری بت ها ، سرپرست و دمساز بدی برای خود برگزیدند .

لبس المولى و لبس العشير

130- شومی همدم بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 13 - 3

3 - بت پرستان با پذیرش خداوندگاری بت ها ، سرپرست و دمساز بدی برای خود برگزیدند .

لبس المولى و لبس العشير

131- ظلم بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 64 - 5

5- بت پرستی و شرک ، از دید فطرت انسانی ، ظلم و ستم است .

فرجعوا إلى أنفسهم فقالوا إنكم أتم الظلمون

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از «أنفسهم» به خود آمدن و ضمیر و وجدان آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 71 - 8

8 - شرک و بت پرستی ظلم است .

و يعبدون من دون الله... و ما للظلمين من نصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 28 - 14

14 - شرک ، بت پرستی و گمراه گری ، ظلم است .

و لا تزد الظلمين إلا تبارًا

مطلب یاد شده، از تعبیر «ظالمان» درباره بت پرستان و گمراه کنندگان به دست می آید.

ص: 316

132- عجز بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 162 - 4

4- آیین شرک و بت پرستی ، آیینی ایستا و ناتوان از پیشرفت و توسعه و فراگیر شدن

ما أنتم علیه بفتنن

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که خداوند در صدد بیان آینده آیین شرک و سرنوشت این آیین ساختگی است؛ نه این که تنها در صدد بیان وضعیت مشرکان در صدر اسلام باشد.

133- عجز بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 71 - 3

3- ناتوانی بتها از رساندن نفع و ضرر، نشانه خردمندانه نبودن پرستش آنهاست.

قل أندعوا من دون الله ما لا ينفعنا و لا يضرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 195 - 4, 3, 2

2- اعضای تعبیه شده در بت ها ، فاقد کمترین توان و اثر مطلوب

ألهم أرجل يمشون بها .. أم لهم اذان يسمعون بها

3- فقدان اثر مطلوب در اعضای تعبیه شده در بت ها ، دلیل ناتوانی بیشتر آنها از عبادتگراشان

ألهم أرجل يمشون بها .. أم لهم اذان يسمعون بها

جمله «عباد أمثالکم» به همسانی بتها با پرستشگراشان در نیازمندی و ناتوانی اشاره کرد و آیه مورد بحث با توجه دادن مشرکان به اینکه بتها از اعضای تعبیه شده در آنها هیچ بهره ای نمی برند این نکته را به آنان یادآور می شود که بتها و معبودان دروغین حتی از پرستشگراشان عاجزتر و ناتوانترند.

4- خداوند با تشریح ناتوانی بت ها ، مشرکان را به بطلان شرک و باورهایشان رهنمون ساخت .

أَلْهَم أَرْجُلَ يَمْشُونَ بِهَا .. أَمْ لَهُمْ أِذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا

7- پیامبر (صلی الله علیه و آله) از جانب خدا مأمور شد تا برای اثبات ناتوانی بت ها ، مشرکان را به تحدی و مبارزه علیه خویش دعوت کند .

قل ادعوا شركاءكم ثم كيدون فلاتنظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 55 - 4,5,6

4- آشکار شدن عجز بت ها و تأثیر نداشتن آنها در امور آدمیان و نیز روشن شدن ناتوانی قوم عاد در برابر خواست خداوند ، هدف هود (ع) از فراخوانی مردم ، به مبارزه و توطئه علیه خویش

فكيدونى جميعاً ثم لاتنظرون

ص: 317

«کیدوا» فعل امر از مصدر «کَیْد» (مکر کردن) است. امر در جمله فوق - به تناسب مورد - امر تعجیزی است؛ یعنی ، درخواستی است برای نشان دادن عجز و ناتوانی مخاطب از انجام کار.

5- عجز و ناتوانی قوم عاد و خدایانشان ، برای از میان بردن هود (ع) ، دلیل و آیتی بر حقانیت رسالت او

فکیدونی جمیعاً ثم لاتنظرون

«فاء» در «فکیدونی» فصیحه و حاکی از جمله ای مقدر است. آن جمله به قرینه «إن نقول إلاّ-اعتریک ...» چنین است: «إن کان کما تقولون فکیدونی ...»؛ اگر بتها چنین نیرویی دارند پس شما و آنها با من به مبارزه برخیزید و کار را یکسره کنید».

6- ناتوانی بت ها برای از میان بردن هود (ع) ، علی رغم بیزاری جستن علنی او از آنها ، نشانه حقیقت نداشتن ادعای قوم عاد (ابتلای هود به جنون از ناحیه بت ها)

إن نقول إلاّ اعتریک بعض ءالهتنا بسوء ... فکیدونی جمیعاً ثم لاتنظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 101 - 8

8- بت ها و خدایان پنداری ، هرگز به فریاد پرستشگران خویش نمی رسند و نمی توانند حتی اندکی از عذاب های الهی را از آنان دور سازند .

فما أغنت عنهم ءالهتهم التي يدعون من دون الله من شیء لما جاء أمر ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 42 - 5,6

5- آزر ، پرستشگر بت هایی فاقد شنوایی و بینایی و کارآیی و ناتوان از دفع آسیب ها

ما لایسمع و لایبصر و لایغنی عنک شیئاً

6- فقدان ادراک بت ها و ناتوانی آنها در برآورده ساختن نیاز ها و جلوگیری از گزند ها ، استدلال ابراهیم (ع) بر نارو بودن بت پرستی

یأبت لِمَ تعبد ما لایسمع و لایبصر و لایغنی عنک شیئاً

«إغناء» (مصدر «لایغنی») به معنای کفایت کردن و بازداشتن است. (برگرفته از «لسان العرب») و جمله «لایغنی عنک شیئاً»، یعنی از تو چیزی را دفع نکرده و تورا از آن کفایت نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- باقی ماندن بت بزرگ به وسیله ابراهیم (ع)، برای مراجعه بت پرستان به آن و درک عجز بت ها بود.

فجعلهم جذذاً إلاکبیراً لهم لعلمهم إلیه یرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- قوم ابراهیم، پس از مشاهده در هم شکسته شدن بت ها، به عجز و ناتوانی آنها پی بردند.

إلاکبیراً .. إلیه یرجعون . قالوا من فعل هذا بالهتنا

از این که قوم ابراهیم، بت‌ها را مورد سؤال قرار ندادند و به دنبال عاملی غیر از آنها بودند، می‌توان برداشت یاد شده را به دست آورد. به ویژه اگر ضمیر در «إليه» به «كبيراً» (بت بزرگ) بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 63 - 5

5- بت‌ها، فاقد قدرت نطق و کلام، حتی در اعتقاد بت پرستان

فسلوهم إن كانوا ينطقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 64 - 1، 2

1- قوم بت پرست ابراهیم، پس از آگاه شدن از ناتوانی بت‌ها از سخن گفتن، به خود آمده و به تفکر و اندیشه در عقیده خویش فرو رفتند.

فرجعوا إلى أنفسهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از «فرجعوا إلى أنفسهم» به خود آمدن و رجوع هر یک از بت پرستان به وجدان و ضمیر خود و به فکر فرو رفتن آنان باشد.

2- قوم بت پرست ابراهیم پس از آگاه شدن از ناتوانی بت‌ها از سخن گفتن، به یک دیگر مراجعه کرده و به سرزنش هم پرداختند.

فرجعوا إلى أنفسهم فقالوا إنكم الظلمون

برداشت، براساس این احتمال است که مقصود از «أنفسهم» رجوع هر یک از بت پرستان به یک دیگر باشد که با مخاطب قرار دادن هم دیگر (فقالوا إنكم أئتم..) به ملامت هم پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 65 - 5

5- اعتراف قوم بت پرست ابراهیم، به بی‌بهرگی بت‌ها از نطق، کلام، علم و عقل

لقد علمت ما هؤلاء ينطقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 66 - 4

4- حضرت ابراهیم (ع) برای اثبات توحید و بطلان شرک از شیوه آگاه کردن بت پرستان به ناتوانی بت ها و به اعتراف واداشتن آنان بر این حقیقت استفاده کرد .

فسلوهم إن كانوا ينطقون .. لقد علمت ما هؤلاء ينطقون . قال أفتعبدون من دون الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 72 - 2

2- یادآوری ابراهیم (ع) به قوم خویش مبنی بر ناتوانی بت ها حتی از شنیدن دعای آنان

ص: 319

قال هل يسمعونكم إذ تدعون

استفهام در «هل يسمعونكم» انکاری است. بنابراین مفاد سؤال ابراهیم(ع) چنین می شود: با این که بت ها درخواست های شما را نمی شنوند، چگونه به درگاه آنها نیایش می کنید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 73 - 1

1 - یادآوری ابراهیم (ع) به قوم خویش ، مبنی بر ناتوانی بت ها در رساندن سود یا زیان به انسان ها

أو ينفعونكم أو يضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 80 - 3

3 - تذکر ابراهیم (ع) به نقش نداشتن بت ها در بیماری و شفایابی انسان

وإذا مرضت فهو يشفين

تعبیر «فهو يشفين» تأکید بر این حقیقت است که تنها خدا در بهبود و شفای انسان مؤثر است. و چون مخاطب این تأکید بت پرستانند، در حقیقت تأکید ابراهیم(ع) بر سلب هرگونه تأثیر بت ها در سلامتی انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 91 - 2

2 - استهزای معبود های مشرکان در بتکده از سوی ابراهیم (ع) ، با توجه به ناتوانی آنان از خوردن بود .

فراغ إلى الهتهم فقال ألا تأكلون

استفهام در «ألا تأكلون» برای استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 92 - 3، 1

1 - استهزای معبود های مشرکان از سوی ابراهیم (ع) ، با توجه به ناتوانی آنها از سخن و گفتگو

ما لکم لاتنطقون

3- مشرکان عصر ابراهیم ، پرستشگر معبودهایی ناتوان از خوردن و گفتوگو کردن

فقال ألا تأکلون . ما لکم لاتنطقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 4 - 4

4- ناتوانی بت ها و معبود های مشرکان ، از آفرینش موجودات زمینی و مشارکت در خلقت و تدبیر امور آسمان ها

ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرك في السموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 320

3- ناتوانی بت ها از شنیدن و اجابت نیایشِ مشرکان ، دلیلی واضح بر بیهودگی عبادت آنها

و من أضلّ ممّن يدعوا... من لا يستجيب... و هم عن دعائهم غفلون

134- عدم ادراک بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 42 - 6

6- فقدان ادراک بت ها و ناتوانی آنها در برآورده ساختن نیازها و جلوگیری از گزندها ، استدلال ابراهیم (ع) بر نارو بودن بت پرستی

يأبت لِمَ تعبد ما لا يسمع و لا يبصر و لا يغني عنك شيئاً

«إغناء» (مصدر «لا يغني») به معنای کفایت کردن و بازداشتن است. (برگرفته از «لسان العرب») و جمله «لا يغني عنك شيئاً»، یعنی از تو چیزی را دفع نکرده و تو را از آن کفایت نمی کند.

135- عذاب بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 45 - 1

1- ابراهیم (ع) در اندرز خود به آزر ، عذاب سخت الهی را در کمین پرستشگران بت ها خواند و وی را به آن هشدار داد .

إني أخاف أن يمسك عذاب من الرحمن

نکره آوردن «عذاب» بر عظمت آن دلالت دارد. و «مسّ» (مصدر «يمسك») - چنانچه در مفردات راغب آمده است - در باره هرگونه آزاری که به انسان برسد، استعمال می شود.

136- عقیده باطل بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 74 - 5

5 - مشرکان و بت پرستان ، معتقد به توانایی بت ها و معبود های خویش برای یاری رسانی

واتخذوا من دون الله ءالهة لعلهم ينصرون

137- عقیده به بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 81 - 4

4- قوم ابراهیم علاوه بر عقیده و تأثیر و نقش بتها و اجرام آسمانی در تدبیر و ربوبیت جهان، به خداوند نیز معتقد بودند.

و لاتخافون انکم اشرکتکم بالله

احتجاج ابراهیم(ع) با مشرکان در جمله «ولاتخافون...» در صورتی تام است که آنها عقیده به «الله» داشته باشند.

138- علاقه به بت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 22 - 3

3- دل بستگی عمیق قوم عاد، به خدایان دروغین خویش

قالوا اجئتنا لتأفکنا عن الہتنا

تأکید قوم عاد، بر انتساب آلهه به خویش (آلهتنا) و این که هدف اصلی هود(ع) را جدا ساختن ایشان از آلهه دانسته اند (لتأفکنا)، مطلب بالا را افاده می کند.

139- عوامل بت پرستی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 53 - 1

1- بت پرستی اجداد و نیاکان، توجیه قوم ابراهیم در شرک و بت پرستی خویش

قالوا وجدنا اباؤنا لها عبدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 80 - 6

6- نیازهای ضروری و مداوم زندگی، از عوامل گرایش قوم ابراهیم به بت پرستی *

و الذی هو یطعمنی و یسقین . و إذا مرضت فهو یشفین

تأکید ابراهیم(ع) بر نقش خداوند در روزی دادن به انسان ها (یطعمنی) و فرو فرستادن باران (یسقین) و شفا بخشی به انسان (یشفین)، می تواند از آن جهت باشد که قوم او، به انگیزه همین امور به بت ها رو آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 25 - 6

6 - عواطف قومی ، قوم ابراهیم را به بت پرستی و پایبندی به آن ، کشیده بود .

ص: 322

إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ

«مودّه» مفعولٌ له «اتَّخَذْتُمْ» است. بنابراین، مفاد آیه، چنین می شود: تنها چیزی که شما، به خاطر آن، بت پرستی را انتخاب کردید، مودت بین خودتان بود.

140- فرجام بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 152 - 5

5- گرفتار شدن به غضب الهی و عجز شدن زندگانی دنیا به ذلت و خواری، فرجام پرستشگران غیر خدا

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذَلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 45 - 11

11- بت پرستان، هم سو با شیطانند و سرنوشت آنان هم سان فرجام او است.

فَتَكُونُ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا

«ولئ» از ماده «ولئ» (نزدیک شدن یا درپی درآمدن) مشتق است و جمله «فتكون...» حاکی از آن است که سرنوشت بت پرستان و شیطان، نزدیک به هم و در یک ردیف است.

141- فرزندان ابراهیم (ع) و بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 35 - 16

16- «عن أبي عبد الله (ع) ... قال: ... إن الله أمر إبراهيم (ع) أن ينزل إسماعيل بمكة ففعل فقال إبراهيم: «رب اجعل هذا البلد آمناً واجنبى وبنى أن نعبد الأصنام» فلم يعبد أحد من ولد إسماعيل صنماً قط...»

امام صادق(ع) ... فرمود: ... همانا خداوند به ابراهیم(ع) امر کرد که اسماعیل را به مکه اسکان دهد. پس ابراهیم(ع) بعد از انجام آن گفت: «رب اجعل هذا البلد آمناً و اجنبى و بنى أن نعبد الأصنام». پس هیچ یک از فرزندان اسماعیل هرگز بتی را نپرستیدند...».

142- فساد بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 139 - 1,3

1 - بت پرستی آیینی فاسد و پرستش بت ها کرداری بیهوده و بی نتیجه است .

ص: 323

إن هؤلاء متبر ما هم فيه وبطل ما كانوا يعملون

مراد از «ما هم فيه» به قرینه آیه قبل، آیین بت پرستی است و منظور از «ما كانوا يعملون» پرستش بتها و اعتکاف بر آستان آنهاست. «متبر» اسم مفعول از مصدر «تتبر» و به معنای هلاک شده می باشد و هلاکت آیین به فاسد بودن آن است.

3- موسی (ع) با تبیین فساد آیین بت پرستی، بنی اسرائیل را که آرزومند آن آیین بودند، بر جهلشان واقف ساخت.

قال إنکم قوم تجهلون. إن هؤلاء متبر ما هم فيه وبطل ما كانوا يعملون

143- فلسفه ابقای بت بزرگ قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 58 - 6, 5

5- باقی ماندن بت بزرگ به وسیله ابراهیم (ع)، برای مراجعه بت پرستان به آن و درک عجز بت ها بود.

فجعلهم جذذاً إلاّ کبیراً لهم لعلّهم إلیه یرجعون

6- اقدام ابراهیم (ع) به شکستن بت ها و سالم باقی گذاشتن بت بزرگ، تدبیری از سوی آن حضرت برای جلب نظر مردم و توجه دادن آنان به بطلان بت پرستی بود.

و تالّله لأکیدنّ أصنمکم .. فجعلهم جذذاً إلاّ کبیراً لهم لعلّهم إلیه یرجعون

«فاء» در «فجعلهم» یا برای ترتیب است و یا برای تعقیب. در هر دو صورت گویای این است که عمل حضرت ابراهیم (ع) مصداق همان حیل و تدبیری بود که بر آن سوگند یاد کرده بود.

144- فلسفه بت پرستی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 74 - 1

1 - تقلید از نیاکان، تنها پاسخ قوم ابراهیم در توجیه بت پرستی خود

قالوا بل وجدنا آباءنا کذلک یرفعون

145- فلسفه بت پرستی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - یاری جستن از بت ها و معبودان ، هدف مشرکان از پرستش آنها

والذین تدعون من دونه لایستطیعون نصرکم

ص: 324

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 18 - 10

10 - مشرکان به امید شفاعت بت ها ، آنها را می پرستیدند .

و يعبدون من دون الله . . . و يقولون هؤلاء شفعاؤنا عند الله

146- فلسفه بت پرستی مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 81 - 2

2- مشرکان عصر بعثت ، عزت و اعتبار خود را در پرستش معبودان ساختگی خود می دانستند .

ليكونوا لهم عَزًّا

147- قربانی بت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 3 - 37، 12، 9، 6

6 - حرمت استفاده از حیوانی که بر آستان بت ها ذبح شود ، هر چند نام غیر خدا بر او برده نشود .

حرمت . . . و ما ذبح على النصب

چون عنوان «ما ذبح . . .» عنوان مستقلی است در مقابل «ما اهل . . .»، معلوم می شود که ذبح حیوان برای تقرب به بتها، اگر چه نام غیر خدا بر آن برده نشود، حرام است.

9 - خوردن مردار ، خون و گوشت خوک ، بردن غیر نام خدا در ذبح ، قربانی برای بت ها و تقسیم گوشت حیوانات با قمار ، از اعمال مردم در جاهلیت

حرمت علیکم . . . و ما ذبح على النصب و إن تستقسموا بالآلزم

12 - قسمت بندی گوشت به حکم قمار و استفاده از آن و خوردن گوشت حیوانی که به نام غیر خدا و یا بر آستان بت ها ذبح شود ، فسق است .

حرمت علیکم . . . و ما ذبح على النصب و إن تستقسموا بالآلزم ذلکم فسق

37 - استفاده از حیوان قربانی شده بر آستان بت ها و گوشت های سهمبندی شده با تیر های قمار ، در حال اضطرار جایز است .

و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلیم .. . فإِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

148- قربانی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 325

4 - مشرکان ذبایحی را برای بت ها و به نام آنها قربانی می کردند .

و ما اهل به لغیر الله

آوردن فعل ماضی «اهل» حکایت از وقوع ذبح برای غیر خدا و به نام غیر او داشته و به ذبح حیوانات برای بتها و به نام آنها - که در جاهلیت مرسوم بوده - اشاره دارد.

149- قیاس بت ها با عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 58 - 6، 1

1 - مجادله مشرکان مکه با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در مقایسه معبود های خویش با عیسی (ع)

وقالوا ألهتنا خیر أم هو

6 - مقایسه میان بت ها و عیسی بن مریم (ع) ، حرکتی جدلی از سوی مشرکان مکه

ما ضربوه لك إلا جدلاً

در مکتب پیامبر (صلی الله علیه و آله) سخن از الوهیت عیسی (ع) به میان نیامده بود تا مشرکان او را با آلهه خود مقایسه کنند.

150- کری بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 72 - 2

2 - یادآوری ابراهیم (ع) به قوم خویش مبنی بر ناتوانی بت ها حتی از شنیدن دعای آنان

قال هل یسمعونکم إذ تدعون

استفهام در «هل یسمعونکم» انکاری است. بنابراین مفاد سؤال ابراهیم (ع) چنین می شود: با این که بت ها درخواست های شما را نمی شنوند، چگونه به درگاه آنها نیایش می کنید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 5 - 3

3- ناتوانی بت ها از شنیدن و اجابت نیایشِ مشرکان ، دلیلی واضح بر بیهودگی عبادت آنها

و من أضلّ ممّن يدعو... من لا يستجيب... و هم عن دعائهم غفلون

ص: 326

151- کفر بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 26 - 5

5 - بت پرستی ، کفر به خداوند است و بت پرستان از کافران اند .

لاتذر على الأرض من الكافرين ديارًا

برادشت بالا، به سبب این است که از بت پرستان، به کافران یاد شده است.

152- کیفر بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 152 - 5

5 - گرفتار شدن به غضب الهی و عجزین شدن زندگانی دنیا به ذلت و خواری ، فرجام پرستشگران غیر خدا

إن الذين اتخذوا العجل سينالهم غضب من ربهم و ذله فى الحيوه الدنيا

153- کیفر بت شکنی ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 61 - 3

3- بت پرستان ، حضرت ابراهیم (ع) را به منظور نشان دادن کیفر بت شکنی او به عموم مردم ، احضار کردند .

فأتوا به ... لعلهم يشهدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «یشهدون» به معنای «یحضرون» (حضور پیدا کنند) باشد. بر اساس این احتمال، مقصود از

حضور مردم - به تناسب مورد آیه - حضور برای دیدن کیفر و عقوبت ابراهیم(ع) خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 68 - 1

1- ابراهیم (ع) ، از سوی بت پرستان محکوم به سوزانده شدن در آتش شد .

قالوا حرّقوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 97 - 2، 1

1 - توصیه دسته جمعی مشرکان به یکدیگر ، مبنی بر ساختن بنایی برای سوزاندن ابراهیم (ع)

قالوا ابنوا له بنیناً فألقوه فی الجحیم

2 - تصمیم دسته جمعی مشرکان بر سوزاندن ابراهیم (ع) در آتشی پر حرارت و پرشعله

ص: 327

«جحیم» (از ماده «جحمه») به معنای شدت شعله و حرارت آتش است.

154- کیفراجتنب از بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 46 - 8

8- مجازات روی گردانی از بت پرستی در عصر آزر سنگسار کردن بود .

لئن لم تنته لأرجمنک

آزر به دو صورت ابراهیم(ع) را تحت فشار قرار داد 1- تهدید به سنگسار کردن 2- راندن و طرد او از خانمان؛ از این دو، آنچه که جنبه اجتماعی دارد همان سنگسار کردن است، زیرا چنین کاری با تصمیم فردی و بدون پایگاه و پشتوانه قانونی، قاعدتاً قابل اجرا نیست، برخلاف طرد از خانواده که امری فردی و داخلی است. بنابراین می توان گفت که مجازات رجم برای کسانی که علیه بت ها اقدامی انجام دهند در آن زمان وجود داشته است.

155- کیفیت بت شکنی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 93 - 1,2

1 - ابراهیم (ع) ، با دست راست ضربه ای محکم بر بت ها و معبود های مشرکان وارد ساخت .

فراغ علیهم ضرباً بالیمین

برداشت یاد شده از مقید شدن «ضرباً» به «بالیمین» (دست راست) به دست می آید که ضربه ابراهیم(ع) محکم بود؛ زیرا دست راست نیرومندتر از دست چپ است و مردم نوعاً از دست راست خود برای ضربه شدید استفاده می کنند.

2 - ضربه ابراهیم (ع) به بت ها و شکستن آنها، به صورت سری و پنهانی بود .

فراغ علیهم ضرباً بالیمین

برداشت یاد شده با توجه به معنای لغوی «راغ» است؛ زیرا «روغ» (مصدر «راغ») به معنای تمایل به چیزی به صورت سری و پنهانی است.

156- گمراهی بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 74 - 12

12 - بت پرستی گمراهی آشکار است.

ص: 328

ینی اُرَیک و قومک فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 75 - 3

3 - ابراهیم(ع) به دلیل مشاهده ملکوت آسمانها و زمین بت پرستی را گمراهی آشکاری می دید.

ینی اُرَیک و قومک فی ضلل مبین. و کذلک نری ابرهیم

جمله «و کذلک نری» احتمالا در صدد بیان سبب و زمینه گفته های ابراهیم(ع) در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 32 - 4

4 - شرک (اعتقاد به ربوبیت غیر خدا) آیینی باطل و بت پرستی ضلالت و گمراهی است .

فذلکم اللّٰه ربکم الحق فماذا بعد الحق إلا الضلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 12 - 5

5 - شرک و بت پرستی ، بدترین و عمیق ترین نوع گمراهی

ذلک هو الضلل البعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 67 - 8

8 - شرک و بت پرستی ، گمراهی و انحراف از صراط مستقیم است .

فلا ینزعنک فی الأمر و ادع إلی ربک إناک لعلی هدّی مستقیم

157- گناه بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 118 - 8

8- شرک و بت پرستی ، عصیان از بندگی خداوند و پذیرش سلطه شیطان است .

ان يدعون من دونه الا اثناً .. قال لاتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 45 - 4

4- بت پرستی و اطاعت از شیطان ، گناهی بزرگ است .

لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ . . . لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ ... إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمْسَكَ عَذَابَ مِنَ الرَّحْمَنِ

ص: 329

نسبت دادن «عذاب» به خدای رحمان - که دارای رحمت وسیع است - می تواند بیانگر این نکته باشد که گناه بت پرستی به قدری شدید است که مظهر رحمت و مهربانی را نیز به خشم می آورد.

158- گواهان بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 29 - 1

1 - بت ها در قیامت ، خدا را شاهد می گیرند که از عبادت اهل شرک بی خبر بوده اند .

فكفی باللّٰه شهيداً بيننا و بينكم ان كنا عن عبادتكم لغفلين

159- مالکیت بت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 58 - 4

4- بت و سایر ابزار و وسایل گناه ، از حرمت و مالکیت ساقط است و شکستن و نابود کردن آنها جایز می باشد .

فجعلهم جذدًا

برداشت یاد شده از شکستن بت ها به وسیله حضرت ابراهیم(ع) و سوگند ایشان بر این کار و نیز لحن تأیید گونه و تمجید آمیز آیه شریفه به دست می آید.

160- مبارزه با بت پرستان دوران ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 56 - 5

5- برخورد و مبارزه ابراهیم(ع) با بت پرستان و مشرکان ، متکی بر استدلال و برهان بود .

قال ما هذه التماثيل .. قال بل ربکم ... فطرهنّ

161- مبارزه با بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 58 - 6

6 - اقدام ابراهیم (ع) به شکستن بت ها و سالم باقی گذاشتن بت بزرگ ، تدبیری از سوی آن حضرت برای جلب نظر مردم و توجه دادن آنان به بطلان بت پرستی بود .

ص: 330

و تالله لأكيدن أصنمكم . . . فجعلهم جذذاً إلكبيراً لهم لعلهم إليه يرجعون

«فاء» در «فجعلهم» یا برای ترتیب است و یا برای تعقیب. در هر دو صورت گویای این است که عمل حضرت ابراهیم(ع) مصداق همان حيله و تدبیری بود که بر آن سوگند یاد کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 5

5 - مبارزه اسلام با مظاهر شرک و بت پرستی

إنما حرم . . . و ما أهل به لغير الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 3 - 5 - 10

10 - مبارزه اسلام با مظاهر شرک و بت پرستی و فرهنگ جاهلیت

حرمت علیکم . . . و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالالزم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 74 - 6

6 - تلاش ابراهیم(ع) با استفاده از احتجاج و اعتراض برای بازداشتن آزر از بت پرستی

و إذ قال إبرهیم لأبیه ءازر أتتخذ أصناما ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 42 - 7

7 - مبارزه با شرک و بت پرستی ، در رأس رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

إن کاد لیضلننا عن ءالهتنا لولا أن صبرنا علیها

162 - مخلوقیت بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - مخلوق و مصنوع بودن بت ها ، دلیل عدم شایستگی آنها برای پرستش

قال أتعبدون ما تنحتون . و الله خلقكم و ما تعملون

ص: 331

163- مراتب بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 19 - 4

4- «لات» و «عزی» در مرتبه بالاتر از «منات»، در نزد عرب جاهلی *

أفرءیتم اللّٰت و العزّٰی

از تقدیم «لات و عزی» و توصیف منات به «الثالته» (سومی)، مطلب بالا به استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 20 - 3

3- «منات»، در مرتبه ای پایین تر از «لات» و «عزی» در نزد عرب جاهلی

أفرءیتم اللّٰت و العزّٰی . و منوه الثالته الأخری

از تأخیر «منات» و توصیف آن به «الثالته» (سومی)، مطلب بالا استفاده می شود.

164- مشرکان و بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 113 - 5

5 - تلاش بی ثمر برخی از مشرکان برای متقاعد کردن پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در جهت تجویز ادامه بت پرستی به مدت یک سال

و لولا فضل الله . . . لهمت طائفه منهم ان یضلوك

برخی از مفسران با توجه به شأن نزول گفته اند مراد از «طائفه»، مشرکانی بودند که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) تقاضای تجویز بت پرستی تا یک سال را داشتند.

165- مغضوبیت بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 86 - 15

15 - خشم الهی بر مرتدان و بازگشت کنندگان به شرک و بت پرستی ، مقتضای ربوبیت او است .

أضلّهم السامريّ . . . أم أردتم أن يحلّ عليكم غضب من ربكم

166- منشأ بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 332

8 - اطاعت از شیطان ، خاستگاه بت پرستی

ان يدعون من دونه الا اثناً و إن يدعون شيطناً مريداً

چون دو جمله «ان يدعون . . .» و «ان يدعون الا شيطناً» دارای حصر است و مفهوم هر یک منطوق دیگر را نفی می کند، برای رفع تنافی می توان گفت جمله دوم بیانگر علت مضمون جمله اول است، یعنی بت پرستی برخاسته از اطاعت شیطان می باشد. گفتنی است بنابراین مبنا «یدعون» در جمله دوم به معنای اطاعت است نه پرستش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 3 - 21

21 - شرک و بت پرستی ، برخاسته از غفلت و بی توجهی انسان نسبت به ربوبیت مطلق و بی همتای خدا بر کران تا کران هستی است .

الذی خلق السموت و الأرض . . . ذلکم اللّٰه ربکم فاعبدوه أفلا تذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 43 - 2

2 - هواپرستی ، منشأ گرایش مشرکان به شرک و بت پرستی است .

أرءیت من اتّخذ إلهه هویه

جمله «أرءیت من اتّخذ إلهه هواه» استینافیه بیانیه است و در مقام بیان منشأ و علت گرایش مشرکان به معبودهای متعدد و مقاومت آنان بر این عقیده باطل می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 87 - 2

2 - شرک و بت پرستی ، ناشی از درک نادرست از ربوبیت خدا بر جهان هستی است .

أنتفکاً ءالهه دون اللّٰه تریدون . فما ظنکم برّب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 23 - 4

4- شرک و بت پرستی ، برخاسته از خیال پردازی و موهوم گرایی بشر و فاقد هر گونه پشتوانه منطقی

سَمِّتُمُوهَا أَنْتُمْ وَاَبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ

از تأکید خداوند بر این که بت ها، جز نام های ساخته و پرداخته بشر، چیزی نیستند؛ می توان به دست آورد که خیال پردازی و موهوم گرایی انسان، او را به وادی شرک کشانیده است.

ص: 333

167- منشأ بت پرستی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 35 - 1

1- مشرکان مکه ، بت پرستی خود و پدرانشان را برخاسته از مشیت خداوند می دانستند .

وقال الذین أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء نحن و لا ءاباؤنا

با توجه به مکی بودن سوره نحل و نیز قرینه «كذلك فعل الذین من قبلهم» مراد از «الذین أشركوا» مشرکان مکه است.

168- منفعت رسانی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 73 - 1

1 - یادآوری ابراهیم (ع) به قوم خویش ، مبنی بر ناتوانی بت ها در رساندن سود یا زیان به انسان ها

أو ینفعونکم أو ینصرون

169- موجبات اجتناب از بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 141 - 5

5- توجه به نعمت های الهی ، موجب پایداری انسان بر توحید و پرهیز وی از گرایش به شرک و بت پرستی است .

قال أغیر الله أبغیکم إلهاً .. وإذ أنجینکم

170- موجبات بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 74 - 6

6 - حمایت و یاری شدن ، انگیزه و دلیل مشرکان و بت پرستان ، برای روی آوردن به آیین شرک و بت پرستی

و اتخذوا من دون الله ءالهة لعلهم ینصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این اساس است که «لعلّ» در آیه شریفه برای تعلیل باشد.

ص: 334

171- نشانه های بی ثمری بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 86 - 3

3- رانده شدن ذلیلانه مشرکان به سوی دوزخ ، نمودی از بی ثمر بودن شرک و ضدیت معبودهایشان با آنهاست .

و یکنونون علیهم ضداً .. یوم نحشر ... و نسوق المجرمین

در آیات پیشین، سخن از بی ثمر بودن پرستش های شرک آلود مشرکان و تأثیر منفی آن بر فرجام اخروی آنان بود؛ در این آیه نیز می تواند بیان مصداقی از همان معنا باشد؛ خصوصاً اگر «یوم» در «یوم نحشر» متعلق به «یکنون» باشد.

172- نفرین بر بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 26 - 3,4

3 - کافران و بت پرستان حق ناپذیر ، مستحق نفرین و نابودی اند .

وقال نوح رب لاتذر علی الأرض من الکفرین دیاراً

4 - نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر - پس از ناامیدی از هدایت آنان - امری پسندیده و روا

وقال نوح رب لاتذر علی الأرض من الکفرین دیاراً

173- نقش بت بزرگ قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 63 - 1,6

1- ابراهیم (ع) در پاسخ سؤال از شکننده بت ها ، ابتدا شکستن بت ها را به بت بزرگ نسبت داد .

قال بل فعله کبیرهم

6- «عن الصادق (ع) : واللّه ما فعله کبیرهم و ما کذب ابراهیم ققیل : و کیف ذلک ؟ قال : إنّما قال : فعله کبیرهم هذا إنّ نطق و إنّ لم ینطق فلم یفعل کبیرهم هذا شیئاً ؛

از امام صادق(ع) روایت شده: به خدا سوگند بت بزرگ آن کار را نکرده بود و ابراهیم نیز دروغ نگفت. به امام صادق(ع) گفته شد: چگونه

این ممکن است [در حالی که ابراهیم گفت این کار را بت بزرگ کرده است؟] امام فرمود: ابراهیم(ع) گفت: اگر بت بزرگ سخن بگوید، این کار را کرده است و اگر سخن نگوید آن بت بزرگ کاری نکرده است».

174- نقش بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 335

6 - تدبیر حیات بشر ، به دست آفریدگار او است و نه بت های ناتوان .

هل یسمعونکم .. فإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي ... الذی خلقنی فهو یهدین

«فاء» تفریحه در «فهو یهدین» می رساند که تدبیر و هدایت، مترتب بر خلقت است و کار تدبیر از آفرینش جدا نیست تا این که خدا خالق باشد؛ ولی تدبیر امور انسان ها به دست موجودات دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - تذکر ابراهیم (ع) به قوم بت پرست خود، مبنی بر نبود کمترین نقش برای بت ها در مرگ و حیات آدمی

والذی یمیتنی ثمّ یحیی

175- نگرانی از گسترش بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 36 - 4

4- نگرانی حضرت ابراهیم (ع) از انحراف فرزندان خود و از گسترش کامل و نفوذ بی رقیب آیین شرک و بت پرستی در میان مردم عصر خویش

واجنبنی و بنیّ أن نعبد الأصنام . ربّ إنّهنّ أضلّلنّ کثیراً من الناس

176- نوح(ع) و بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 71 - 3

3 - قیام حضرت نوح (ع) ، علیه شرک و بت پرستی و دعوت به توحید و یکتا پرستی ، برای قومش سنگین و غیر قابل تحمل بود .

إن کان کبر علیکم مقامی و تذکیری بأیت اللّٰه

کلمه «مقام» مشترک بین سه صیغه است: مصدر میمی، اسم زمان و اسم مکان. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است؛ یعنی، اگر قیام من برای دعوت به توحید و یادآوری آیات و نشان های خداوند، بر شما سنگین و دشوار است و

177- نهی از بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 17 - 19، 11

ص: 336

11 - دعوت ابراهیم (ع) از قوم اش به پرستش خداوند پس از نهي آنان از بت پرستی

و ابراهيم إذ قال لقومه .. إنمّا تعبدون من دون الله أوثناً... و اعبدوه

19 - نفي بت پرستی ، توحيد عبادی ، توحيد افعالی ، شکر پروردگار ، عقیده به معاد ، بازگشت نهایی انسان ها به سوی خدا ، از تعالیم حضرت ابراهیم (ع)

و ابراهيم إذ قال لقومه .. إنمّا تعبدون من دون الله أوثناً... فابتغوا عند الل

178- وضوح بطلان بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 75 - 4

4 - روشن بودن بطلان بت پرستی ، تنها با اندکی تأمل و خردورزی

قال أفرئتم ما كنتم تعبدون

برداشت یاد شده با توجه به توییخی بودن استفهام در آیه بالا استفاده می شود؛ زیرا مفاد آن این است که اگر شما درباره آنچه می پرستید (بت ها) قدری می اندیشیدید، هرگز به آن اقدام نمی کردید.

179- ویژگیهای بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 162 - 4

4 - آیین شرک و بت پرستی ، آیینی ایستا و ناتوان از پیشرفت و توسعه و فراگیر شدن

ما أنتم علیه بفتنن

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که خداوند در صدد بیان آینده آیین شرک و سرنوشت این آیین ساختگی است؛ نه این که تنها در صدد بیان وضعیت مشرکان در صدر اسلام باشد.

180- هدایت بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 78 - 2

2- اشاره ابراهیم (ع) به آفریدگاری و هدایت گری خدا، برای معرفی پروردگار جهان برای بت پرستان

إلّا ربّ العلمین . الذی خلقنی فهو یهدین

ص: 337

181- هلاکت بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 26 - 3

3 - کافران و بت پرستان حق ناپذیر ، مستحق نفرین و نابودی اند .

وقال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

182- هواپرستی بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 43 - 1

1 - مشرکان و بت پرستان ، مردمانی هواپرست

أرءیت من اتّخذ إلهه هویه

183- یأس از هدایت بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 26 - 4

4 - نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر - پس از ناامیدی از هدایت آنان - امری پسندیده و روا

وقال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

184- یوسف (ع) و بت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 77 - 16

16- « عن النبی (صلی الله علیه و آله) فی قوله : « إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل » قال : سرق یوسف (ع) صنماً لجدّه أبی أمّه من ذهب و فضّه ، فکسره و ألقاه فی الطریق ، فعیرّه بذلک إخوته ؛

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره سخن خدا [که به نقل از برادران یوسف] فرموده: «إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل»: روایت شده است: یوسف، بتی از طلا و نقره را که از جدّ مادریش بود، دزدید و آن را شکست و در راه انداخت، پس برادران یوسف او را برای این

کار سرزنش کردند».

ص: 338

{بت پرستان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 3 - 23

23 - اعراب جاهلی ، مردمانی شرک پیشه و بت پرست

ذلکم اللہ ربکم فاعبدوه أفلا تذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 29 - 2

2 - عرب جاهلی ، مردمی بودند مشرک و بت پرست .

فکفی . . . إن کنا عن عبادتکم لغفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 34 - 2

2 - عرب های جاهلی ، مردمانی بودند شرک پیشه و بت پرست .

قل هل من شرکائکم من یدؤا الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 35 - 2

2 - اعراب جاهلی ، مردمانی بودند شرک پیشه و بت پرست .

قل هل من شرکائکم من یهدی إلى الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 71 - 7

7 - قوم نوح ، مردمانی مشرک و بت پرست بودند .

يقوم . . فأجمعوا أمركم و شركاءكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - هود - 11 - 53 - 6

6- دعوت هود (ع) و سخنان او ، بی تأثیر در بازداري قومش از شرک و پرستش خدايان دروغين

و ما نحن بتاركي ءالھتنا عن قولك

«عن» در «عن قولك» برای تعليل است. بنابراین معنای جمله «ما نحن ...» چنین می شود: سخن و ادعای تو ، باعث نخواهد شد که ما خدايان خویش را رها کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 339

1- قوم عاد ، پرستشگر معبودهایی متعدد و معتقد به تأثیرگذاری آنها در امور جهان

إن نقول إلاّ اعتریک بعض ءالہتنا بسوء

تعدد معبودها از کلمه «آلهه» که جمع «إلاه» (معبود) است ، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 35 - 14

14- مردم عصر ابراهیم (ع) ، مردمی بت پرست و پرستشگر چند بت بودند .

و إذ قال إبرہیم ربّ . . . اجنبی و بنیّ أن نعبد الأصنام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 36 - 5

5- بسیاری از مردم در عصر حضرت ابراهیم (ع) ، گمراه و بت پرست بودند .

و اجنبی و بنیّ أن نعبد الأصنام . ربّ إنّهنّ أضللن کثیراً من الناس

186- ابراهیم (ع) و بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 47 - 12

12- برخورد ابراهیم (ع) با بت پرستان ، همراه با شکیبایی و سعه صدر بود .

سلم علیک سأسْتَغْفِر لک ربّی

187- اضلال بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 36 - 1

1- از دیدگاه حضرت ابراهیم (ع) ، بت ها و بت پرستان عامل گمراهی بسیاری از مردم در عصر او بودند .

اجنبى وبنى أن نعبء الأصنام . ربّ إئنهنّ أضللن كئئراً من الناس

188- أعمال بت پرستان

جلء - نام سورء - سورء - آئء - فئش

ص: 340

4- اعمال بت پرستان ، اعمالی باطل و بی ثمر در پیشگاه خداوند

و بطل ما کانوا یعملون

189- امداد به بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 74 - 6

6- حمایت و یاری شدن ، انگیزه و دلیل مشرکان و بت پرستان ، برای روی آوردن به آیین شرک و بت پرستی

و اتّخذوا من دون الله ءالهه لعلّهم ینصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این اساس است که «لعلّ» در آیه شریفه برای تعلیل باشد.

190- امیدواری بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 74 - 4

4- مشرکان و بت پرستان ، امیدوار به یاری رسانی معبود های خویش

و اتّخذوا من دون الله ءالهه لعلّهم ینصرون

191- انگیزه های بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 74 - 6

6- حمایت و یاری شدن ، انگیزه و دلیل مشرکان و بت پرستان ، برای روی آوردن به آیین شرک و بت پرستی

و اتّخذوا من دون الله ءالهه لعلّهم ینصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این اساس است که «لعلّ» در آیه شریفه برای تعلیل باشد.

192- بت پرستان دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 138 - 7،8

7 - بت پرستان موجود در مسیر قوم موسی معبودهایی را می پرستیدند که خود مالک آنها بودند .

ص: 341

8- بت پرستان موجود در مسیر قوم موسی، بر پرستش خویش ملازمت داشته و همواره به عبادت آنها مشغول بودند.

يعكفون علی أصنام لهم

«عکوف» (مصدر يعكفون) به معنای رو آوردن به چیزی و ملازمت داشتن بر آن است و مراد از آن با توجه به قرائن موجود در آیه، ملازمت بر پرستش است. فعل مضارع (يعكفون) نیز دلالت بر استمرار دارد. بنابراین جمله «يعكفون علی ...» می رساند که آستان بتها هیچگاه از پرستشگران خالی نبوده است؛ بدین طریق که عده ای از طرف آن قوم مأمور عبادت بتها بودند و یا خود به طور متناوب به پرستش آنها می آمدند.

193- بت پرستان و بت شکنی ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 60 - 3

3- ابراهیم (ع) تصمیم خود بر حيله و چاره اندیشی علیه بت ها را با برخی از بت پرستان در میان گذاشته بود.

ما هذه التماثيل .. قالوا سمعنا فنتی یدکرهم

از این که بت پرستان گفتند: «شنیده ایم که ابراهیم از بت ها بدگویی می کند»، استفاده می شود که آنان این سخنان را مستقیماً از وی شنیده اند و از سویی دیگر گروهی بودند که مستقیماً سخنان تهدیدآمیز ابراهیم (ع) را شنیده و برای گروه دیگر نقل کرده بودند. دو آیه پیش (تالله لأکیدن أصنامکم بعد أن تولوا...) - که خطاب «أصنامکم» برای مخاطب حاضر است - مؤید همین برداشت است.

194- بنی اسرائیل و بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 138 - 4,6,9,10

4- بنی اسرائیل در پی عبور از دریا با مردمی بت پرست مواجه شدند.

فأتوا علی قوم يعكفون علی أصنام لهم

«أتوا» چون به «علی» متعدی شده، متضمن معنای مرور است، یعنی «أتوا قوما مارین علیهم».

6- بت پرستانی که قوم موسی بر آنان گذر کردند، دارای بت های متعدد بودند.

علی أصنام لهم

«أصنام» (جمع «صنم») به معنای بتهاست.

9- بنی اسرائیل از موسی خواستند تا خدایی مانند خدایان بت پرستان برای آنان قرار دهد.

اجعل لنا إلهاً كما لهم ءالهه

10- بنی اسرائیل با مشاهده بت پرستان و کرنش آنان در برابر معبودهایی محسوس ، خواستار معبودی ملموس و محسوس شدند .

فأتوا على قوم يعكفون على أصنام لهم قالوا يموسى اجعل لنا إلهاً كما لهم ءالهه

ص: 342

195- بی عقلی بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 199 - 5

5 - بت پرستان و مشرکان ، مردمی بی خرد و نادانند .

و أعرض عن الجهلین

از مصادیق مورد نظر برای «الجاهلین»، به قرینه آیات قبل، مشرکان و بت پرستان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 2

2 - مشرکان و بت پرستان ، مردمی ساده اندیش و بی خرد

و یعبدون من دون الله ما لاینفعهم و لایضرهم

یادآوری ناتوانی معبودها از رسانیدن نفع و یا دفع ضرر، در مقام محکومیت شرک و بت پرستی، می تواند اشاره به این حقیقت عقلایی داشته باشد که عملی که هیچ سودآور نباشد و یا زیانی را دور نسازد، عملی به دور از خرد و سرزنش آمیز است و هیچ عاقلی دست به چنین کاری نخواهد زد.

196- بیش بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 63 - 5

5- بت ها ، فاقد قدرت نطق و کلام ، حتی در اعتقاد بت پرستان

فسلوهم ان كانوا ینطقون

197- پلیدی بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 30 - 15

15 - بت پرستان ، مردمی پلیداند .

فاجتنبوا الرجس من الأوثان

ص: 343

198- تبری از بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 67 - 1

1- اظهار تنفر و انزجار شدید ابراهیم (ع) از بت پرستان و معبود های آنان

أَفْ لَكُمْ و لَمَا تَعْبُدُونَ

«أَفْ» کلمه ای است که به هنگام تنفر و انزجار از چیزی و یا شخصی، به کار می رود. تنوین «أَفْ» برای تعظیم است؛ یعنی، انزجار قوی و شدید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 48 - 2، 1

1- ابراهیم (ع)، زندگی در میان هم کیشان آزر را هم سان زندگی در خانه او، مانعی در راه خداپرستی خویش دیده و از همه آنها کناره گیری کرد.

وَأَعْتَزَلَكُمْ و مَا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ

2- حضرت ابراهیم (ع) در پاسخ به تهدید های آزر، تصمیم خود را بر دوری گزیدن از بت پرستان و بت ها، اعلام کرد.

وَأَعْتَزَلَكُمْ و مَا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 49 - 1

1- حضرت ابراهیم (ع) از محیط شرک و بت پرستی هجرت کرد و از بت پرستان و معبود های آنان کناره گیری کرد.

فَلَمَّا أَعْتَزَلَهُمْ و مَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ و يَعْقُوبَ

199- تنبه بت پرستان قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 66 - 4

4- حضرت ابراهیم (ع) برای اثبات توحید و بطلان شرک از شیوه آگاه کردن بت پرستان به ناتوانی بت ها و به اعتراف واداشتن آنان بر این

حقیقت استفاده کرد .

فسلوهم إن كانوا ينطقون . . . لقد علمت ما هؤلاء ينطقون . قال أفتعبدون من دون الل

200- دفاع از بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 68 - 6

ص: 344

6- سوزاندن کامل ابراهیم (ع)، تنها راه دفاع از عقیده بت پرستان و معبود های ادعایی در دید قوم او بود.

قالوا حرّقوه و انصروا الهتکم ان کنتم فعلین

201- رنجهای بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 48 - 18

18- کسانی که بت و هر چیزی غیر خدا را عبادت می کنند، خود را بی نتیجه به رنج و زحمت انداخته اند.

عسی الا اکون بدعاء ربی شقیّاً

از جمله معانی «شقا» سختی و زحمت است. جمله «عسی...» که نقل گفته حضرت ابراهیم به آزر و دیگر بت پرستان است، در بردارنده تعریضی به آنان است؛ یعنی من امیدوارم که با عبادت پروردگارم شقی نباشم، ولی شما با پرستش موجودات فاقد شعور، خود را به زحمت بی نتیجه انداخته و در زمره شقاوت مندان خواهید بود.

202- شومی مولای بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 13 - 3

3 - بت پرستان با پذیرش خداوندگاری بت ها، سرپرست و دمساز بدی برای خود برگزیدند.

لبس المولی و لبس العشیر

203- شومی همدم بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 13 - 3

3 - بت پرستان با پذیرش خداوندگاری بت ها، سرپرست و دمساز بدی برای خود برگزیدند.

لبس المولی و لبس العشیر

204- عذاب بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- ابراهیم (ع) در اندرز خود به آزر، عذاب سخت الهی را در کمین پرستشگران بت ها خواند و وی را به آن هشدار داد.

ص: 345

إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابُ مِنَ الرَّحْمَنِ

نکره آوردن «عذاب» بر عظمت آن دلالت دارد. و «مَسَّ» (مصدر «بمسک») - چنانچه در مفردات راغب آمده است - در باره هرگونه آزاری که به انسان برسد، استعمال می شود.

205- عقیده باطل بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 74 - 5

5- مشرکان و بت پرستان ، معتقد به توانایی بت ها و معبود های خویش برای یاری رسانی

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يَنْصُرُونَ

206- فرجام بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 152 - 5

5- گرفتار شدن به غضب الهی و عجزین شدن زندگانی دنیا به ذلت و خواری ، فرجام پرستشگران غیر خدا

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذَلُّوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 45 - 11

11- بت پرستان ، هم سو با شیطانند و سرنوشت آنان هم سان فرجام او است .

فَتَكُونُ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا

«ولیی» از ماده «وَلَّى» (نزدیک شدن یا درپی درآمدن) مشتق است و جمله «فتکون ..» حاکی از آن است که سرنوشت بت پرستان و شیطان، نزدیک به هم و در یک ردیف است.

207- کفر بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 26 - 5

5- بت پرستی، کفر به خداوند است و بت پرستان از کافران اند.

لاتذر علی الأرض من الکفرین ديارًا

برادشت بالا، به سبب این است که از بت پرستان، به کافران یاد شده است.

ص: 346

208- کیفر بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 152 - 5

5- گرفتار شدن به غضب الهی و عجین شدن زندگانی دنیا به ذلت و خواری ، فرجام پرستشگران غیر خدا

إن الذين اتخذوا العجل سينالهم غضب من ربهم و ذله فى الحیوه الدنيا

209- مبارزه با بت پرستان دوران ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 56 - 5

5- برخورد و مبارزه ابراهیم (ع) با بت پرستان و مشرکان ، متکی بر استدلال و برهان بود .

قال ما هذه التماثیل . . . قال بل ربکم ... فطرهنّ

210- مغضوبیت بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 86 - 15

15 - خشم الهی بر مرتدان و بازگشت کنندگان به شرک و بت پرستی ، مقتضای ربوبیت او است .

أضلّهم السامریّ . . . أم أردتم أن یحلّ علیکم غضب من ربکم

211- نفرین بر بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 26 - 3,4

3- کافران و بت پرستان حق ناپذیر ، مستحق نفرین و نابودی اند .

وقال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین ديارًا

4- نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر - پس از ناامیدی از هدایت آنان - امری پسندیده و روا

وقال نوح ربّ لاتذر على الأرض من الكافرين ديارًا

ص: 347

212- هدایت بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 78 - 2

2 - اشاره ابراهیم (ع) به آفریدگاری و هدایت گری خدا، برای معرفی پروردگار جهان برای بت پرستان

إلّا ربّ العلمین . الذی خلقنی فهو یهدین

213- هلاکت بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 26 - 3

3 - کافران و بت پرستان حق ناپذیر، مستحق نفرین و نابودی اند .

وقال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

214- هواپرستی بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 43 - 1

1 - مشرکان و بت پرستان، مردمانی هواپرست

أرءیت من اتّخذ إلهه هویه

215- یأس از هدایت بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 26 - 4

4 - نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر - پس از ناامیدی از هدایت آنان - امری پسندیده و روا

وقال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

بت پرستی

216- آثار بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 348

3- اعتقاد مشرکان به بتها و معبودهای پنداری، عامل زیبا جلوه نمودن فرزندکشی در نظر ایشان

و کذلک زین . . . قتل اولدهم شرکاؤهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 140 - 5

5- موسی (ع) تمایل قوم خویش را به بت پرستی، ناسپاسی به نعمت های خداوند دانست .

أغیر الله أبغیکم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 36 - 6

6- شرک و بت پرستی، مظهر گمراهی و انحراف از مسیر حق و حقیقت است .

و اجنبی و بنی أن نعبد الأصنام . ربّ إنّهنّ أضللنّ کثیراً من الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 45 - 3

3- پرستش بت ها و اطاعت شیطان، موجب گرفتاری به عذاب الهی است .

یأبت لاتعبد الشیطن . . . إتی أخاف أن یمسک عذاب من الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 64 - 8

8- شرک و بت پرستی، مصداقی آشکار از خود بیگانگی انسان است .

ءأنت فعلت هذا بالهتنا . . . فرجعوا إلی أنفسهم فقالوا إنکم أنتم الظلمون

از این که بت پرستان پس از به خود آمدن و متنبه شدن به بطلان شرک پی برده بودند، می توان استفاده کرد که بت پرستان انسان های از خود بیگانه هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 71 - 6

6 - بت پرستی ، نشانه نهایت جهل و نادانی است .

و ما لیس لهم به علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 77 - 1

1 - بت و بت پرستی ، دشمن اندیشه ، سعادت و تکامل انسان در دیدگاه حضرت ابراهیم (ع)

فَاتَّهَم عَدُو لِي

ص: 349

ضمیر «هم» در «فإنهم» به «أصنام» بازمی‌گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 74 - 2

2- شرک و بت پرستی ، کفران نعمت های الهی است .

أفلا يشكرون . و اتخذوا من دون الله ءالهه

از ارتباط میان آیه قبل - که از ناسپاسی انسان سخن به میان آورده است - و آیه شریفه، برداشت یاد شده به دست می آید؛ یعنی، شرک و بت پرستی در واقع نوعی ناسپاسی به شمار می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 163 - 2

2- آیین شرک و بت پرستی ، تنها در انسان های بدطینت و حق گریز زمینه تأثیر و نفوذ دارد .

ما أنتم عليه بفتنن . إلا من هو صال الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 24 - 2

2- شرک و بت پرستی و دوری از رهنمود های پیامبران الهی ، گمراهی است .

وقالوا لا تذرنا الهتكم . . . وقد أضلوا كثيرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 25 - 5، 2

2- شرک و بت پرستی ، زمینه ساز انواع گوناگون خطاها و گناهان است .

مما خطى--تهم أغرقوا

از این که در آیه شریفه، خطاها و گناهان قوم نوح، عامل هلاکت آنان دانسته شد - با آن که آنان بت پرست و مشرک بودند - می تواند نشانگر مطلب یاد شده باشد.

5- بت پرستی و ارتکاب خطاها و گناهان، از موجبات عذاب الهی در دنیا و عالم برزخ است.

مَمَّا خَطِيءُوا--تَهُمُ أُغْرِقُوا فَاَدْخَلُوا نَارًا

217- آثار بت پرستی اجداد قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 53 - 1

1- بت پرستی اجداد و نیاکان، توجیه قوم ابراهیم در شرک و بت پرستی خویش

قالوا وجدنا آباءنا لها عبدین

ص: 350

218- آثار بت پرستی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 95 - 1

1 - ابراهیم (ع) مشرکان را به خاطر پرستش معبود های دست ساز خود سرزنش کرد .

قال أتعبدون ما تتحتون

«نحت» (ماده «تتحتون») به معنای تراشیدن شیء سخت (چون سنگ و چوب) است.

219- آثار تبری از بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 27 - 7

7 - اعتقاد راسخ حضرت ابراهیم (ع) ، به برخوردار شدن از هدایت الهی در پرتو برائت از شرک و بت پرستی

إِنِّي براء مما تعبدون . . . فَإِنَّهُ سَيَهْدِين

220- اصرار بر بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 6 - 5

5 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، دعوت برخی کافران را به ترک شرک و بت پرستی ، بی ثمر دانست و آنها را به حال خود رها ساخت .

لکم دینکم

221- انحراف بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 43 - 17

17- شرک و بت پرستی ، مسلکی ناهنجار و نامتعادل است .

لِمَ تَعْبُدُونَ مَا لَا يَسْمَعُ . . . فَاتَّبِعْنِي أَهْدِك صِرَاطًا سَوِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 9

ص: 351

9- شرک و بت پرستی، حرکتی است مخالف جریان طبیعی نظام هستی.

أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ... وَكَثِيرٌ حَقٌّ عَلَيْهِ

222- انگیزه بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 55 - 5

5- مشرکان به امید جلب منفعت و دفع ضرر از خویش، به بت پرستی روی آورده بودند.

و يعبدون من دون الله ما لا ينفعهم ولا يضرهم

یادآوری بی تأثیر بودن معبودها از سودرسانی و دفع ضرر از پرستندگانشان، می تواند گویای این حقیقت باشد که مشرکان، به همین انگیزه به بت پرستی و شرک روی آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 43 - 2

2- شفاعت و واسطه شدن معبودها، هدف و انگیزه مشرکان از عبادت کردن آنها

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ

223- انگیزه بت پرستی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 81 - 3

3- تحصیل عزت و اعتبار، از انگیزه های مشرکان در پرستش معبود های خویش

وَ اتَّخَذُوا... لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا

«عِزًّا» مصدر است و می تواند در توصیف مفرد و جمع به کار رود. کلمه یاد شده در این آیه، یا به معنای اسم فاعل «مَعْرِزِينَ» است (یعنی پرستش معبودها به انگیزه عزت بخش بودن آنها صورت می گیرد) و یا مراد مبالغه است (یعنی مشرکان معتقد بودند که معبودهایشان، عزت مجسم هستند و ارتباط با آنان زمینه ساز دریافت عزت است).

224- اهمیت مبارزه با بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 63 - 8

8- صالح (ع) ، موظف به ابلاغ توحید و مبارزه با شرک و بت پرستی بود .

ص: 352

إن كنت علی بیته من ربی . . . فمن ینصرنی من الله إن عصيته

جمله «إن عصيته» (اگر خداوند را نافرمانی کنم) می رساند که جمله ای همانند «و امرنی یابلاغ رسالاته» قبل از «فمن ینصرنی» در تقدیر است. بر این اساس، حاصل معنای «إن كنت ...» چنین می شود: [شما خود قضاوت کنید] اگر من پیامبر باشم و خداوند مرا به ابلاغ رسالتهایی فرمان داده باشد، اگر نافرمانی کنم و به ابلاغ رسالتهای الهی همّت نگمارم، چه کسی مرا از عقوبت های الهی نجات خواهد داد؟

225- بت پرستی آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 74 - 5، 6، 1

1 - پدر ابراهیم، آزر و قوم او مردمی بت پرست و گمراه بودند.

و إذ قال إبرهیم لأبیه آزر أتتخذ أصناما

5 - بتهای متعددی مورد پرستش آزر و قوم او بودند.

أتتخذ أصناما ءالهه إنی أریک و قومک

6 - تلاش ابراهیم(ع) با استفاده از احتجاج و اعتراض برای بازداشتن آزر از بت پرستی

و إذ قال إبرهیم لأبیه آزر أتتخذ أصناما ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 42 - 1، 2، 5

1- حضرت ابراهیم (ع)، به خاطر بت پرستی آزر با او به بحث و گفت وگو پرداخت .

إذ قال لأبیه یأبت لِمَ تعبد ما لا یسمع و لا یبصر و لا یغنی عنک شیئاً

چنانچه در سوره انعام آمده است، نام مخاطب ابراهیم(ع) «آزر» بوده است.

2- آزر (پدر یا عموی حضرت ابراهیم (ع))، مشرک و بت پرست بوده است .

إذ قال لأبیه یأبت لِمَ تعبد ما لا یسمع

«آزر» یا پدر حضرت ابراهیم بوده است، چنانچه ظاهر برخی آیات چنین اقتضا دارد و برخی روایات نیز مؤید آن است و یا این که مطابق

برخی روایات دیگر عموی او بوده است. واژه «أب» در زبان عرب بر «عمو» نیز اطلاق می‌گردد. در قرآن نیز در سوره بقره آیه صد و سی و سوم به همین معنا استعمال شده است (نعبد إلهک و إله آبائک ابراهیم و اسماعیل). در این آیه لفظ «أب» در مورد «عمو» نیز به کار رفته، زیرا اسماعیل عموی یعقوب بوده است. گفتنی است که برخی مفسران، آزر را جد مادری ابراهیم دانسته‌اند.

5- آزر، پرستشگر بت‌هایی فاقد شنوایی و بینایی و کارآیی و ناتوان از دفع آسیب‌ها

ما لایسمع و لایبصر و لایغنی عنک شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 43 - 12

ص: 353

12- آزر، گرایش خویش به بت پرستی را گرایشی عالمانه می پنداشت .

إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكْ

از تعبیر «ما لم یأتک» معلوم می شود که ابراهیم(ع) در صدد بوده، آزر را به محرومیت از علم واقف سازد، این برخورد گویای مواجه شدن ابراهیم(ع) با کسی است که از جهل خویش بی خبر است و خود را آگاه می پندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 46 - 7

7- آزر، بت های متعددی را معبود خود می دانست و آنها را عبادت می کرد .

قال أراغب أنت عن آلهته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 48 - 4

4- مردم شهر و دیار آزر، هم کیش او بوده و بت ها و اشیایی جز خداوند را می پرستیدند و به درگاه آنها دعا می کردند .

و اعتزلکم و ما تدعون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 49 - 2

2- آزر و مردم شهر و دیار او، پرستشگر بت ها و اشیایی جز خداوند

فلما اعتزلهم و ما يعبدون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 52 - 2,6

2- حضرت ابراهیم (ع) بت و بت پرستی را به شدت تحقیر کرد و پدر و قومش را به خاطر این کار مورد سرزنش قرار داد .

إذ قال لأبيه و قومه ما هذه التماثيل

اشاره کردن به بت ها با اسم اشاره نزدیک (هذه) و نیز تعبیر «تماثیل» (صورت ها و مجسمه های بی جان)، حاکی از تحقیر بت و بت

پرستی به وسیله ابراهیم(ع) است. گفتنی است استفهام در «ما هذه...» - به قرینه مقام - توییحی است.

6- پدر حضرت ابراهیم مانند قومش، بت و مجسمه های بی جان را مورد تقدیس و عبادت قرار می داد.

إذ قال لأبيه وقومه ما هذه التماثيل التي أنتم لها عكفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 95 - 5

5 - « عن أبي عبد الله (ع) : أخذ ابراهيم القدم فكسر الصنم الذي عمله ، ففزع أبوه من ذلك فزعاً شديداً ، فقال له : أيّ شيء عملت ؟ فقال له ابراهيم (ع) : و ما تصنعون به ؟ فقال أزر : نعبده ، فقال له ابراهيم : « أتعبدون ما تحتون » ... » ;

از امام صادق(ع) روایت شده: ... ابراهیم(ع) تبر را برداشت و بتی را که آزر ساخته بود شکست و آزر فریاد شدیدی از روی ترس برآورد و به ابراهیم(ع) گفت: چه کاری کردی؟ ابراهیم(ع) در جواب گفت: با بت چه می کنید؟ آزر گفت: آن را می پرستیم.

ص: 354

ابراهیم(ع) در جواب گفت: «تعبدون ما تحتون؛ آنچه را خود می تراشید، می پرستید؟»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 26 - 3

3- قوم ابراهیم (ع) و فردی که آن حضرت وی را پدر خطاب می کرد، پیرو آیین شرک و بت پرستی بودند.

و إذ قال إبراهيم لأبيه و قومه إئني براء مما تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 27 - 4

4- اعتقاد پدر و قوم ابراهیم (ع) به پرستش خداوند در کنار پرستش بت ها و عناصر بی جان

براء مما تعبدون . إلا الذي فطرني

برداشت یاد شده، براین پایه استوار است که «إلا» در استثنای متصل به کار رفته باشد.

226- بت پرستی اجداد قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 53 - 2

2- شرک و بت پرستی قوم ابراهیم، برهان و دلیل منطقی نداشت و صرفاً متکی بر تقلید کورکورانه از اجداد و نیاکان بود.

قالوا وجدنا آباءنا لها عبدین

از این که مردم در پاسخ سؤال ابراهیم(ع) از علت پرستیدن بت ها، صرفاً پیروی از نیاکان و اجداد خود را مطرح ساختند، برداشت یاد شده به دست می آید.

227- بت پرستی اهل بابل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 74 - 5

5- بتهای متعددی مورد پرستش آزر و قوم او بودند.

أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا ءِالِهَةً إِنِّي أُرِيكَ وَقَوْمِكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 77 - 12

12 - اهل بابل به سبب پندار ربوبیت برای اجرام آسمانی و پرستش بتها، گمراه بودند.

أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا .. كَوْكَبًا ... الْقَمَرَ ... الْقَوْمِ الضَّالِّينَ

ص: 355

به گفته بسیاری از مفسران، احتجاج ابراهیم(ع) با مشرکان در سرزمین بابل روی داده است.

228- بت پرستی اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 29 - 6

6 - مردم مکه پیش از بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و نزول قرآن، برهه ای طولانی در شرک و بت پرستی بسر می بردند .

بل متّعت هؤلاء و ءاباءهم حتّی جاءهم الحقّ و رسول مبین

229- بت پرستی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 140 - 1

1 - موسی (ع) با انکار شایستگی غیر خدا برای پرستش ، از گرایش قومش به بت پرستی شگفت زده شد .

قال أغير الله أبغیکم إلهاً

همزه در «أغير الله» برای انکار و تعجب و «کم» به تقدیر لام است. «إلهاً» مفعول برای «أبغی» و «غير الله» صفت و یا حال برای «إلهاً» است. یعنی: «أبغی لكم إلهاً غیر الله»

230- بت پرستی پس از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 32 - 5

5 - تجدید انحراف و پیدایش شرک و بت پرستی ، پس از نوح (ع)

ثمّ أنشأنا من بعدهم .. فأرسلنا ... رسولاً منهم أن اعبدوا الله

231- بت پرستی در اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 7

7- گرایش گروهی از اهل کتاب به بت پرستی و عبادت غیر خدا

و عبد الطغوت

طاغوت از ماده «طغی» به معنای طغیانگر و متجاوز است و اهل لغت آن را بر شیطان، بت و سران کفر و ضلالت اطلاق کرده اند.

ص: 356

232- بت پرستی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 30 - 12

12 - آمیختگی مراسم حج و قربانی ، با مظاهر شرک و بت پرستی در عصر جاهلیت

وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْاَنْعَمَ اِلَّا مَا يَتْلُو عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْاَوْثَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 71 - 1

1 - بت پرستی ، آیین رایج عرب های پیش از اسلام

ويعبدون من دون الله ما لم ينزل به سلطاناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 73 - 3

3 - شرک و بت پرستی ، اندیشه و مرام عرب جاهلی

يَأْتِيهَا النَّاسُ . . . اِنَّ الَّذِيْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 3 - 23

23 - اعراب جاهلی ، مرمانی شرک پیشه و بت پرست

ذَلِكُمْ اللّٰهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوْهُ اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 29 - 2

2 - عرب جاهلی ، مردمی بودند مشرک و بت پرست .

فَكَفَى . . . اِنَّ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لِغٰفِلِيْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 34 - 2

2 - عرب های جاهلی ، مردمانی بودند شرک پیشه و بت پرست .

قل هل من شركائكم من يبدؤا الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 357

7 - یونس - 10 - 35 - 2

2- اعراب جاهلی ، مردمانی بودند شرک پیشه و بت پرست .

قل هل من شركائكم من يهدى إلى الحق

233- بت پرستی در دوران ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 35 - 14

14- مردم عصر ابراهیم (ع) ، مردمی بت پرست و پرستشگر چند بت بودند .

و إذ قال إبراهيم ربّ .. اجنبنی و بنی أن نعبد الأصنام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 48 - 4

4- مردم شهر و دیار آزر ، هم کیش او بوده و بت ها و اشیایی جز خداوند را می پرستیدند و به درگاه آنها دعا می کردند .

و اعتزلکم و ما تدعون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 49 - 2

2- آزر و مردم شهر و دیار او ، پرستشگر بت ها و اشیایی جز خداوند

فلما اعتزلهم و ما یعبدون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 78 - 10

10 - الوهیت بتها در کنار ربوبیت اجرام آسمانی، پندار رایج مردم زمان ابراهیم(ع)

أنتخذ أصناما ... کوکبا ... القمر ... الشمس

سخن ابراهیم(ع) با بت پرستان آن بود که «أنتخذ أصناما ءالهه»، ولی در مورد اجرام آسمانی سخن از ربوبیت آنهاست. تفاوت این دو

تعبیر محتملا اشاره ای به تفاوت بتها و اجرام آسمانی در پندار قوم ابراهیم است.

234- بت پرستی در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 15 - 14

14- جامعه اصحاب کهف ، موجوداتی دارای شعور و خرد را ، معبود خود پنداشته و به پرستش آنها پرداخته بودند .

ص: 358

لولا یأتون علیهم بسلطن بین

کاربرد ضمیر «هم» نوعاً در مواردی است که مرجع آن، جمعی از موجودات با شعور باشند. بنابراین مراد از «ءالهه» که مرجع ضمیر «هم» است، معبودانی از جنس بشر یا فرشتگان و مانند این ها خواهد بود.

235- بت پرستی در دوران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 71 - 9

9- رواج شرک و بت پرستی در بین مردم جزیره العرب مقارن ظهور اسلام

قل أندعوا من دون الله ما لا ینفعنا و لا یضرنا

236- بت پرستی در دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 138 - 5,6

5 - وجود آیین بت پرستی در عصر موسی

یعکفون علی أصنام لهم

6 - بت پرستانی که قوم موسی بر آنان گذر کردند ، دارای بت های متعدد بودند .

علی أصنام لهم

«أصنام» (جمع «صنم») به معنای بتهاست.

237- بت پرستی در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 54 - 1

1 - شرک و بت پرستی در کنار کعبه (خانه توحید) ، نمونه ای بارز از اقدام انسان ها برای تغییر آیین پیامبران و انحراف از طریقه آنان

فتقطّعوا أمرهم بینهم . . . فذرهم فی غمرتهم

«وَذُرُّ» (مصدر «ذره‌م») به معنای ترک کردن و وا نهادن است. ضمیر «هم» - به قرینه مقام - کنایه از مردم مگه و پیرامون آن است؛ که سیره یکتاپرستی حضرت ابراهیم(ع) را تغییر دادند و به شرک ورزی روی آوردند و بر آن پافشاری کردند «غمره» به معنای غرقاب است و در این جا استعاره از ورطه جهل و گمراهی می باشد.

ص: 359

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 74 - 1

1 - پدر ابراهیم، آزر و قوم او مردمی بت پرست و گمراه بودند.

و إذ قال إبرهیم لأبیه آزر أتتخذ أصناما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 52 - 1, 2, 4, 6, 10, 11

1- ابراهیم (ع) در حضور پدر و قومش، بت پرستی را زیر سؤال برد و آشکارا با آن به مخالفت برخاست.

إذ قال لأبیه و قومه ما هذه التماثیل

استفهام در «ما هذه التماثیل...» سؤال از حقیقت بت ها است، نه نام آنها. و از آن جایی که ابراهیم(ع) از حقیقت آنها آگاه بود و نیازی به سؤال نداشت، استفهام ایشان به منظور زیر سؤال بردن و محکوم کردن بت پرستی و نوعی اظهار مخالفت با آن بوده است.

2- حضرت ابراهیم (ع) بت و بت پرستی را به شدت تحقیر کرد و پدر و قومش را به خاطر این کار مورد سرزنش قرار داد.

إذ قال لأبیه و قومه ما هذه التماثیل

اشاره کردن به بت ها با اسم اشاره نزدیک (هذه) و نیز تعبیر «تماثیل» (صورت ها و مجسمه های بی جان)، حاکی از تحقیر بت و بت پرستی به وسیله ابراهیم(ع) است. گفتنی است استفهام در «ما هذه...» - به قرینه مقام - توییخی است.

4- بت پرستی، کیش و آیین قوم ابراهیم بود.

إذ قال لأبیه و قومه ما هذه التماثیل

6- پدر حضرت ابراهیم مانند قومش، بت و مجسمه های بی جان را مورد تقدیس و عبادت قرار می داد.

إذ قال لأبیه و قومه ما هذه التماثیل التي أنتم لها عکفون

10- تقدیس و عبادت دائمی مجسمه ها و نقش ها، آیین مردم در آغاز رسالت حضرت ابراهیم (ع)

ما هذه التماثیل التي أنتم لها عکفون

«عکوف» به معنای رویکرد دائمی به چیزی از سر تعظیم و احترام به آن است و مقصود از آن در آیه شریفه، تقدیس و عبادت بت‌ها است. گفتنی است ذیل آیه بعد - که پاسخ سؤال ابراهیم است (... آبائنا لها عبدین) - مؤید همین معنا می‌باشد.

11- شرک قوم ابراهیم، در قالب پرستش مجسمه‌های بی‌جان و صورت‌ها نقش بسته بود.

ما هذه التماثيل التي أنتم لها عكفون

«تمثال» (مفرد «تماثيل») به معنای شیء مصور و صورت‌های نقش بسته است (مفردات راغب). یکی از مصادیق بارز آن، مجسمه‌های بی‌جانی بود که بت پرستان به شکل‌های گوناگون می‌ساختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 53 - 5

5- شرک و بت پرستی در میان قوم ابراهیم، فراگیر و دارای پیشینه طولانی بود.

قالوا وجدنا آباءنا لها عبدین

ص: 360

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 55 - 3

3- بت پرستی در جان و روان قوم ابراهیم ، رسوخ داشته است .

قالوا أجتنا بالحقّ

از این که مردم بت پرست، دعوت ابراهیم(ع) را جدی ندانسته و از دعوت به توحید تعجب کردند، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 59 - 4,5

4- قوم ابراهیم ، بت ها را معبود های خویش می پنداشتند و آنها را می پرستیدند .

لأکیدنّ أصنمکم . . . قالوا من فعل هذا بالهتنا

«إله» به معنای معبود و جمع آن «آلهه» به معنای معبودها است.

5- قوم ابراهیم ، معتقد به چند معبود و دارای بت های متعدد بودند .

ما هذه التماثل . . . لأکیدنّ أصنمکم . . . من فعل هذا بالهتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 71 - 1

1 - تصریح قوم ابراهیم ، به پرستش مجسمه ها و بت های بی جان

قالوا نعبد أصنامًا

«صنم» (مفرد «أصنام») معادل «بت» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 75 - 1

1 - اقدام ابراهیم (ع) به سرزنش قوم خود ، به خاطر پرستش کورکورانه بت ها

قال أفرءیتم ما کنتم تعبدون

استفهام در «أفرئیتم» توییخی است و مفاد آن این است که: چرا در باره آنچه می پرستید، اندیشه نمی کنید و صرفاً متکی به تقلید کورکورانه از نیاکان خود هستید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 17 - 2 - 1

1 - قوم ابراهیم ، مردمی بت پرست و افتراساز بودند .

و ابرهیم إذ قال لقومه .. إنا تعبدون من دون الله أوثاناً و تخلقون إفكاً

2 - قوم ابراهیم ، برای پرستش ، بت های متعددی داشتند .

إنا تعبدون من دون الله أوثاناً

ص: 361

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 25 - 4، 2

2 - قوم ابراهیم ، به جای خدای واحد ، بت های متعددی برای پرستش داشتند .

إِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا

4 - قوم ابراهیم ، بت ها را ، خودشان ، برای پرستش ساخته و پرداخته بودند .

إِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 85 - 2

2 - مردم در آغاز بعثت ابراهیم (ع) ، دارای آیین شرک و بت پرستی

إِذْ قَالَ لِأَيِّهِمْ وَمَاذَا تَعْبُدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 92 - 3

3 - مشرکان عصر ابراهیم ، پرستشگر معبودهایی ناتوان از خوردن و گفتگو کردن

فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ . مَا لَكُمْ لَا تَنْتَقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 26 - 3

3 - قوم ابراهیم (ع) و فردی که آن حضرت وی را پدر خطاب می کرد ، پیرو آیین شرک و بت پرستی بودند .

و إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَيِّهِمْ وَمَا تَعْبُدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 27 - 4

4 - اعتقاد پدر و قوم ابراهیم (ع) به پرستش خداوند در کنار پرستش بت ها و عناصر بی جان

براء ممّا تعبدون . إلاّ الذی فطرنی

برداشت یاد شده، براین پایه استوار است که «إلاّ» در استثنای متصل به کار رفته باشد.

239- بت پرستی قوم الیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 125 - 2، 1

1 - الیاس پیامبر ، قوم خود را به خاطر پرستش معبود های ساختگی و بت ها سرزنش کرد .

أتدعون بعلاً

ص: 362

«بعل» در زبان عرب جاهلی به معنای معبود و ربّ است؛ ولی بیشترین کاربرد آن در معنای بت است.

2- قوم الیاس، مردمی مشرک و بت پرست بودند.

أتدعون بعلًا

240- بت پرستی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 62 - 16

16- «عن أبي جعفر (ع) قال: إن رسول الله (صلى الله عليه وآله) سأل جبرئيل: كيف كان مهلك قوم صالح (ع)؟ فقال: يا محمد (صلى الله عليه وآله) ان صالحاً بعث إلى قومه و هو ابن سته عشره سنه . . . و كان لهم سبعون صنماً يعبدونها من دون الله . . .»

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: رسول خدا(صلی الله علیه و آله) از جبرئیل پرسید: هلاکت قوم صالح چگونه بود؟ گفت: ای محمد! همانا صالح به سوی قوم خود مبعوث شد در حالی که شانزده سال داشت . . . و برای آن قوم هفتاد بت بود که آنها را به غیر از خدا می پرستیدند . . .»

241- بت پرستی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 50 - 8

8- قوم عاد، مردمی مشرک و پرستشگر معبود های خود ساخته

ما لكم من إله غير إن أنتم إلا مفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 53 - 5,6

5- قوم عاد، مردمی مشرک و پرستشگر معبودهایی چند

و ما نحن بتاركي ءالھتنا عن قولك

«آلهه» جمع «إلاه» و به معنای معبودهاست.

6- دعوت هود (ع) و سخنان او، بی تأثیر در بازداري قومش از شرک و پرستش خدایان دروغین

و ما نحن بتارکی ءالہتنا عن قولک

«عن» در «عن قولک» برای تعلیل است. بنابراین معنای جمله «ما نحن ...» چنین می شود: سخن و ادعای تو، باعث نخواهد شد که ما خدایان خویش را رها کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - ہود - 11 - 54 - 1

ص: 363

1- قوم عاد ، پرستشگر معبودهایی متعدد و معتقد به تأثیرگذاری آنها در امور جهان

إن نقول إلاّ اعتراض بعض الهتنا بسوء

تعدد معبودها از کلمه «آلهه» که جمع «إلاه» (معبود) است ، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 22 - 3

3- دل بستگی عمیق قوم عاد ، به خدایان دروغین خویش

قالوا أجتنا لتأفكنا عن الهتنا

تأکید قوم عاد، بر انتساب آلهه به خویش (آلهتنا) و این که هدف اصلی هود(ع) را جدا ساختن ایشان از آلهه دانسته اند (لتأفکنا)، مطلب بالا را افاده می کند.

242- بت پرستی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 71 - 7

7- قوم نوح ، مردمانی مشرک و بت پرست بودند .

يقوم . . فأجمعوا أمرکم و شرکاءکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 23 - 6

6- قوم نوح ، مردمی شرک پیشه و بت پرست بودند .

فقال يقوم اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 13 - 4

4- سرزنش شدن قوم نوح ، به خاطر بی توجهی آنان نسبت به عظمت خداوند و روی آوردن به شرک و بت پرستی

ما لكم لاترجون لله وقارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 23 - 2

2- مردم در عصر بعثت نوح (ع)، مردمی مشرک و بت پرست و دارای چند معبود بودند .

وقالوا لاتذرنّ الهتکم و لاتذرنّ وداً . . . و نسرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 364

19 - نوح - 71 - 26 - 2

2- ناامیدی کامل نوح (ع) از ایمان آوردن قومش و نجات آنان از گمراهی شرک و بت پرستی

وقال نوح ربّ لا تذر علی الأرض من الکفرین ديارًا

243- بت پرستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 6 - 5

5- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دعوت برخی کافران را به ترک شرک و بت پرستی، بی ثمر دانست و آنها را به حال خود رها ساخت.

لکم دینکم

244- بت پرستی مردم جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 20 - 1

1- «لات»، «عزی» و «منات» مهم ترین خدایان مورد پرستش مردم جزیره العرب

و منوه الثالثه الأخری

از یاد کردن نام این سه بت، می توان مطلب بالا را به دست آورد.

245- بت پرستی مردم دوران ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 36 - 5

5- بسیاری از مردم در عصر حضرت ابراهیم (ع)، گمراه و بت پرست بودند.

واجنبنی و بنیّ أن نعبد الأصنام . ربّ إنّهنّ أضللن کثیرًا من الناس

246- بت پرستی مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مشرکان ، به هنگام طلوع خورشید اسلام ، به معبود های متعددی اعتقاد داشتند .

ليضلنا عن الهتنا

ص: 365

«إله» مفرد «آلهه» به معنای معبود است و جمع آمدن آن حاکی است که مشرکان به چند معبود اعتقاد داشتند.

247- بت پرستی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 117 - 2

2 - مشرکان ، پرستنده بت ها و مجسمه هایی با نام های زنانه

ان يدعون من دونه الا اثناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 56 - 1

1 - پرستش بتها و سازش در اصول اعتقادی، خواسته نابجای مشرکان صدر اسلام از پیامبر(صلی الله علیه و آله)

قل لا أتبع أهواءكم قل إني نهيت أن أعبد الذين تدعون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 81 - 11

11 - مشرکان می پنداشتند امنیت آنان با پرستش بتها و دیگر معبودها تأمین می گردد.

فأى الفريقين أحق بالآمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 136 - 10، 6

6 - مشرکان در کنار اعتقاد به بتها به «الله» نیز معتقد بودند.

فقالوا هذا لله بزعمهم وهذا لشركائنا

10 - داوری زشت و غلط مشرکان جاهلی در مقایسه خدا با بتها و ترجیح بتها بر او

فما كان لشركائهم . . . ساء ما يحكمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 66 - 6

6 - مشرکان ، به درگاه بت ها نیایش کرده ، دست نیاز به سوی آنها برمی داشتند .

و ما يتبع الذين يدعون من دون الله شركاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 10 - 3

3 - توانمندی ها و امکانات مادی ، بت ها و خدایان ساختگی ، تکیه گاه مشرکان در دنیا

ص: 366

و لا یغنی عنهم ما کسبوا شیءاً و لا ما اتّخذوا

تعبیر «ما کسبوا» - که اشاره به امکانات مادی دارد - و نیز «ما اتّخذوا..» - که ناظر به عقاید شرک آلود آنان است - نشان می دهد که آنان تمامی اتکا و امید خویش را به آن دو معطوف داشته اند.

248- بت پرستی مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 81 - 1

1- مشرکان عصر بعثت ، معبودهایی متعدد را به عنوان « الهه » می پرستیدند .

واتّخذوا من دون الله ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 54 - 2

2- تعصب و جمود سخت شرک پیشگان عصر بعثت بر مرام بت پرستی

كلّ حزب بما لديهم فرحون . فذرهم فی غمرتهم

249- بت پرستی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 19 - 1

1 - سرزنش مشرکان مکه از سوی خداوند ، به خاطر پرستش خدایان (لات ، عزی ، و منات) بدون هیچ برهان و پشتوانه علمی

أفرءیتم اللّٰت و العزّٰی . و منوه الثالثه الأخری

آیات پیشین - به ضمیمه استفهام انکاری در «أرأیتم» - اشاره به آن دارد که رهنمودهای پیامبر (صلی الله علیه و آله) متکی به شهود بود؛ اما مشرکان در دعای خویش از هرگونه دلیل و برهان بی بهره بودند.

250- بت پرستی نیاکان قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 74 - 4

4- بت پرستی ، امری سابقه دار در میان نیاکان قوم ابراهیم

قالوا بل وجدنا آباءنا كذلك يفعلون

ص: 367

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 76 - 3

3 - بت پرستی ، دارای سابقه دیرینه در نیاکان قوم ابراهیم

أفرئیتم ما کنتم تعبدون . أنتم وءاباؤکم الأقدمون

251- بطلان بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 80 - 5

5 - استدلالهای ابراهیم(ع) بر ابطال شرک و پرستش بتها و اجرام آسمانی به هدایت خداوند بود.

أنتخذ أصناما .. قال لأحب الأفلین ... وقد هدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 33 - 6

6 - شرک و بت پرستی ، خروج از مدار حق و گردش بر مدار باطل است .

فماذا بعد الحق إلا الضلل .. کذلک حقت کلمت ربک علی الذین فسقوا أنهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 17 - 5

5 - حضرت ابراهیم (ع) برای بیداری قوم اش ، ناتوانی بت ها را تبیین می کرده است .

إنّما تعبدون .. أوثنأ .. إنّ الذین تعبدون... لایملکون

252- بی تأثیری بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 3 - 23

23 - تقرب آفرین بودن عبادت معبودها (بت و ...) عقیده ای است دروغین .

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ . . . إِنَّ

253- بی ثمری بت پرستی

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 368

1 - بت پرستی آیینی فاسد و پرستش بت ها کرداری بیهوده و بی نتیجه است .

إن هؤلاء متبر ما هم فيه و بطل ما كانوا يعملون

مراد از «ما هم فيه» به قرینه آیه قبل، آیین بت پرستی است و منظور از «ما كانوا يعملون» پرستش بتها و اعتکاف بر آستان آنهاست. «متبر» اسم مفعول از مصدر «تتبر» و به معنای هلاک شده می باشد و هلاکت آیین به فاسد بودن آن است.

254- بی منطقی بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 71 - 3

3 - ناتوانی بتها از رساندن نفع و ضرر، نشانه خردمندانه نبودن پرستش آنهاست.

قل أندعوا من دون الله ما لا ينفعنا و لا يضرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 34 - 3

3 - شرک و بت پرستی ، آیینی است بی پایه ، غیر قابل دفاع و ساخته اوهام نابخردان .

قل هل من شركائكم... فأنى تؤفكون

اضافه «شركاء» به ضمیر «کم» حاکی از ساختگی بودن شرک است. و استفهام تعجبی در جمله «أنى تؤفكون» نشانگر نابخردی معتقدان به آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 67 - 7

7 - بت پرستی ، عملی بی خردانه و ابلهانه است .

أف لكم و لماتعبدون من دون الله أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 117 - 2

2- شرک و بت پرستی ، آیینی فاقد دلیل و برهان

و من يدع مع الله إلهًا آخر لا برهن له به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 97 - 3

3- ناتوانی مشرکان از مقابله با منطق و استدلال ابراهیم (ع) بر بطلان شرک و بت پرستی

فی الجحیم

ص: 369

تصمیم مشرکان بر نابودی ابراهیم(ع) با سوزاندن آن حضرت - پس از شنیدن سخن منطقی و خردبرانگیزش - گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 125 - 11

11 - پرستش بت به جای عبادت نیکوترین آفریدگار ، عملی نابخردانه و سرزنش آمیز

أتدعون بعلاً و تذرون أحسن الخلقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 4 - 9

9- شرک و پرستش غیر خدا ، فاقد کمترین دلیل معتبر نقلی و برهان علمی

اثتونی بکتب من قبل هذا أو اثره من علم

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از «کتاب» مطلق نوشته ها و نقل هایی باشد که قابل اتکاء است و «اثره من علم» ناظر به هرگونه دلیل علمی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 19 - 1

1 - سرزنش مشرکان مکه از سوی خداوند ، به خاطر پرستش خدایان (لات ، عزی ، و منات) بدون هیچ برهان و پشتوانه علمی

أفرءیتم اللّٰت و العزّٰی . و منوه الثالثه الأخری

آیات پیشین - به ضمیمه استفهام انکاری در «أرأیتم» - اشاره به آن دارد که رهنمودهای پیامبر(صلی الله علیه و آله) متکی به شهود بود؛ اما مشرکان در دعاوی خویش از هرگونه دلیل و برهان بی بهره بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 23 - 4

4- شرک و بت پرستی ، برخاسته از خیال پردازی و موهوم گرایی بشر و فاقد هرگونه پشتوانه منطقی

سمّیتموها أنتم وءاباؤکم ما أنزل اللّٰه بها من سلطن

از تأکید خداوند بر این که بت ها، جز نام های ساخته و پرداخته بشر، چیزی نیستند؛ می توان به دست آورد که خیال پردازی و موهوم گرای انسان، او را به وادی شرک کشانیده است.

255- بی منطقی بت پرستی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 53 - 2

2- شرک و بت پرستی قوم ابراهیم، برهان و دلیل منطقی نداشت و صرفاً متکی بر تقلید کورکورانه از اجداد و نیاکان بود.

ص: 370

قالوا وجدنا آباءنا لها عبدین

از این که مردم در پاسخ سؤال ابراهیم(ع) از علت پرستیدن بت ها، صرفاً پیروی از نیاکان و اجداد خود را مطرح ساختند، برداشت یاد شده به دست می آید.

256- پرسش از بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 52 - 3, 1

1- ابراهیم (ع) در حضور پدر و قومش ، بت پرستی را زیر سؤال برد و آشکارا با آن به مخالفت برخاست .

إذ قال لأبيه وقومه ما هذه التماثيل

استفهام در «ما هذه التماثيل...» سؤال از حقیقت بت ها است، نه نام آنها. و از آن جایی که ابراهیم(ع) از حقیقت آنها آگاه بود و نیازی به سؤال نداشت، استفهام ایشان به منظور زیر سؤال بردن و محکوم کردن بت پرستی و نوعی اظهار مخالفت با آن بوده است.

3- ابراهیم (ع) ، از پدر و قومش در باره علت تقدیس و عبادتشان در برابر مجسمه های بی جان ، توضیح خواست .

إذ قال لأبيه وقومه ما هذه التماثيل التي أنتم لها عكفون

از پاسخ قوم ابراهیم، که کارشان را به خاطر پیروی از اجداد خود معرفی کردند (قالوا وجدنا آباءنا لها عابدین)، به دست می آید که سؤال ابراهیم(ع) مربوط به علت و چرایی تقدیس و عبادتشان در برابر بت ها بوده است.

257- پوچی بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 48 - 18

18- کسانی که بت و هر چیزی غیر خدا را عبادت می کنند ، خود را بی نتیجه به رنج و زحمت انداخته اند .

عسى ألا أكون بدعاء ربى شقيًا

از جمله معانی «شقا» سختی و زحمت است. جمله «عسى...» که نقل گفته حضرت ابراهیم به آزر و دیگر بت پرستان است، در بردارنده تعریضی به آنان است؛ یعنی من امیدوارم که با عبادت پروردگارم شقی نباشم، ولی شما با پرستش موجودات فاقد شعور، خود را به زحمت بی نتیجه انداخته و در زمره شقاوت مندان خواهید بود.

258- پیشنهاد بت پرستی به محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

20 - کافرون - 109 - 1 - 5

5 - « سأل [الأحول] أباعبدالله (ع) عن ذلك فقال : كان سبب نزولها و تكرارها أن قريشاً قالت لرسول الله تعبد آلهتنا سنه و

ص: 371

نَعْبُدُ إِلَهَكَ سَنَةً وَتَعْبُدُ آلِهَتَنَا سَنَةً وَنَعْبُدُ إِلَهَكَ سَنَةً فَأَجَابَهُمُ اللَّهُ بِمِثْلِ مَا قَالُوا؛

[ابوجعفر احول] از امام صادق (ع) درباره سبب تکرار آیات [در سوره کافرون] پرسید؛ امام فرمود: سبب نزول آن آیه ها و تکرار آن، این بود که قریش به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گفتند: یک سال تو خدایان ما را عبادت کن و یک سال ما خدای تو را عبادت می کنیم. [دوباره] تو یک سال خدایان ما را عبادت کن و ما یک سال خدای تو را عبادت می کنیم. خداوند نیز به آنان مانند سخنشان جواب داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 3 - 1,6

1 - برخی از کافران عصر بعثت، مدعی آمادگی برای عبادت خداوند، در صورت اظهار آمادگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای عبادت معبود های آنان

و لا أنتم عبدون ما أعبد

خبر دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سر سختی کافران - پس از نفی کوتاه آمدن خود - بیانگر آن است که کافران در صورت سازش پیامبر (صلی الله علیه و آله) خود را برای عبادت خداوند آماده می خواندند.

6 - کافران، خود را در اقدام به خداپرستی - در صورت سازش پیامبر (صلی الله علیه و آله) با آنان - پیش قدم معرفی کرده و زمان پیوستن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آنان را، پس از مرحله پیوستن خود به پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار داده بودند.

لا أعبد ما تعبدون . و لا أنتم عبدون ما أعبد

در آیه قبل، پیامبر (صلی الله علیه و آله) عبادت آینده خود از معبودهای مشرکان را منتفی دانست؛ ولی در این آیه، عبادت کنونی مشرکان از خداوند را نفی کرد. می توان گفت: اختلاف دو تعبیر - که از فعلی بودن آیه قبل و اسمی بودن این آیه استفاده می شود - ناظر به ترتیبی است که مشرکان برای توافق با پیامبر (صلی الله علیه و آله)، پیشنهاد کرده بودند. آنان گفته بودند: یک سال ما بنده خدای تو می شویم؛ مشروط به این که سال بعد تو خدایان ما را پذیرا باشی.

259- تاریخ بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 15 - 14

14- جامعه اصحاب کهف، موجوداتی دارای شعور و خرد را، معبود خود پنداشته و به پرستش آنها پرداخته بودند.

لولا یأتون علیهم بسلطن ین

کاربرد ضمیر «هم» نوعاً در مواردی است که مرجع آن، جمعی از موجودات با شعور باشند. بنابراین مراد از «الاهه» که مرجع ضمیر

«هم» است، معبودانی از جنس بشر یا فرشتگان و مانند این ها خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 48 - 4

4- مردم شهر و دیار آزر، هم کیش او بوده و بت ها و اشیایی جز خداوند را می پرستیدند و به درگاه آنها دعا می کردند .

و أعتزلکم و ما تدعون من دون اللّٰه

ص: 372

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 49 - 2

2- آزر و مردم شهر و دیار او ، پرستشگر بت ها و اشیایی جز خداوند

فلما اعتزلهم و مايعبدون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 53 - 5

5- شرک و بت پرستی در میان قوم ابراهیم ، فراگیر و دارای پیشینه طولانی بود .

قالوا وجدنا اباؤنا لها عبدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 71 - 1

1 - بت پرستی ، آیین رایج عرب های پیش از اسلام

و يعبدون من دون الله ما لم ينزل به سلطاناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 23 - 6

6- قوم نوح ، مردمی شرک پیشه و بت پرست بودند .

فقال يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 32 - 5

5- تجدید انحراف و پیدایش شرک و بت پرستی ، پس از نوح (ع)

ثم أنشأنا من بعدهم... فأرسلنا... رسولا منهم أن اعبدوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مشرکان ، به هنگام طلوع خورشید اسلام ، به معبود های متعددی اعتقاد داشتند .

ليضَلَّنَا عَنْ آلِهَتِنَا

«إله» مفرد «آلهه» به معنای معبود است و جمع آمدن آن حاکی است که مشرکان به چند معبود اعتقاد داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 74 - 4

4 - بت پرستی ، امری سابقه دار در میان نیاکان قوم ابراهیم

ص: 373

قالوا بل وجدنا آباءنا كذلك يفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 76 - 3

3 - بت پرستی ، دارای سابقه دیرینه در نیاکان قوم ابراهیم

أفرئتم ما كنتم تعبدون . أتمم وءاباؤكم الأقدمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 85 - 2

2 - مردم در آغاز بعثت ابراهیم (ع) ، دارای آیین شرک و بت پرستی

إذ قال لأبيه وقومه ماذا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 125 - 2

2 - قوم الیاس ، مردمی مشرک و بت پرست بودند .

أتدعون بعلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 23 - 2

2 - شرک و بت پرستی ، دارای پیشینه تاریخی در میان مردم عرب جاهلی

سمّیتموها أتمم وءاباؤكم

260- تبری از بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 49 - 1

1- حضرت ابراهیم (ع) از محیط شرک و بت پرستی هجرت کرد و از بت پرستان و معبود های آنان کناره گیری کرد .

فلَمَّا أَعْتَزَلَهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 89 - 2

2- اعتقاد به یگانگی خدا و بیزاری از شرک و بت پرستی ، نشانه بهره مندی از قلب سلیم

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

در آیات پیشین، سخن درباره مبارزه حضرت ابراهیم(ع) با شرک و بت پرستی است. با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل، می

ص: 374

توان گفت که مراد آن حضرت از قلب سلیم، قلب خالی از شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 26 - 1

1 - اعلان برائت حضرت ابراهیم (ع) از شرک و بت پرستی قوم خود

و إذ قال إبرهیم لأبیه و قومه إننی براء ممّا تعبدون

261- تبلیغ بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 71 - 10

10 - مشرکان صدر اسلام با تبلیغات خود در صدد بازگرداندن مسلمانان به آیین شرک و بت پرستی بودند.

قل أندعوا من دون الله .. و نرد علی أعقابنا

262- تبیین پوچی بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 73 - 1

1- تبیین بی اساس بودن اندیشه شرک و بت پرستی در اسلوبی زیبا، مختصر، بدیع و روشن همچون مَثَل، از سوی خداوند

يأئها الناس ضرب مثل

خطاب در «یا ایها الناس» متوجه مشرکان است. «إستماع» (مصدر «استمعوا») به معنای گوش فرا دادن و «دعا» (مصدر «یدعون») به معنای ندا کردن و فریاد استغاثه برداشتن است. گفتنی است: «مَثَل» جمله ای است مختصر و مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه که بسبب روانی لفظ، روشنی معنا و لطف ترکیب، شهرت عام یافته و همگان آن را بدون تغییر در محاوره به کار برند. در آیه یاد شده، سستی بنیان شرک و بت پرستی، با اسلوبی چنان زیبا، مختصر، بدیع و روشن بیان شده که سزاوار است همچون مَثَلی، شهرت عام یافته و دهان به دهان گردد. و بدین جهت خدا از آن به مَثَل تعبیر کرده است. بدان جهت است که خدا از آن به مثل تعبیر کرده است.

263- تحصیل عزت از بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- تحصیل عزت و اعتبار، از انگیزه های شرکان در پرستش معبود های خویش

ص: 375

وَاتَّخَذُوا... لِيَكُونُوا لَهُمْ عَزًّا

«عَزًّا» مصدر است و می تواند در توصیف مفرد و جمع به کار رود. کلمه یاد شده در این آیه، یا به معنای اسم فاعل «مَعْرَّين» است (یعنی پرستش معبودها به انگیزه عزت بخش بودن آنها صورت می گیرد) و یا مراد مبالغه است (یعنی مشرکان معتقد بودند که معبودهایشان، عزت مجسم هستند و ارتباط با آنان زمینه ساز دریافت عزت است).

264- تحقیر بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 52 - 2

2- حضرت ابراهیم (ع) بت و بت پرستی را به شدت تحقیر کرد و پدر و قومش را به خاطر این کار مورد سرزنش قرار داد .

إِذْ قَالَ لِأَيُّهِمْ قَوْمَهُ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ

اشاره کردن به بت ها با اسم اشاره نزدیک (هذه) و نیز تعبیر «تماثیل» (صورت ها و مجسمه های بی جان)، حاکی از تحقیر بت و بت پرستی به وسیله ابراهیم (ع) است. گفتنی است استفهام در «ما هذه...» - به قرینه مقام - توییخی است.

265- نداوم بت پرستی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 71 - 2

2 - توجه به درگاه بت ها و اعتکاف در آستان آنها ، از کار های مستمر قوم ابراهیم

فَنظَلَّ لَهَا عَكْفِينَ

«ظَلَّ و ظلل» (مصدر «نظَّل») به معنای دوام و استمرار و «عكوف» (مصدر «عاكفين») به معنای ملازم بودن است.

266- تعقل در بطلان بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 75 - 4

4- روشن بودن بطلان بت پرستی ، تنها با اندکی تأمل و خردورزی

قال أفرءیتم ما کنتم تعبدون

برداشت یاد شده با توجه به توییخی بودن استفهام در آیه بالا استفاده می شود؛ زیرا مفاد آن این است که اگر شما درباره آنچه می پرسید (بت ها) قدری می اندیشیدید، هرگز به آن اقدام نمی کردید.

ص: 376

267- توصیه به ترک بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 12 - 4

4- توصیه خدا به اهل شرک، به دست برداشتن از بت پرستی و روی آوردن به توحید و نیایش به درگاه او

یدعوا من دون الله ما لا یضره و ما لا ینفعه

268- حقیقت بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 44 - 2

2- بت پرستی، در حقیقت شیطان پرستی است.

یأبت لِمَ تعبد ما لا یسمع و لا یبصر . . . یأبت لاتعبد الشیطن

آنچه مسلم و مصرح است، آن است که آزر بت بوده است؛ نه شیطان پرست، ولی حضرت ابراهیم، بت پرستی را به منزله شیطان پرستی دانسته و با تعبیر «لاتعبد» از آن یاد کرده است؛ بنابراین در دیدگاه ابراهیم(ع)، بت پرستی در حقیقت خضوع و انقیاد در برابر شیطان و نوعی پرستش او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 54 - 3

3- بت پرستی و شرک، ضلالت و گمراهی آشکار است.

ما هذه التماثیل . . . أنتم وءاباؤکم فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 18 - 9

9- شرک و بت پرستی، حرکتی است مخالف جریان طبیعی نظام هستی.

أَنَّ الله یسجد له من فی السموت و من فی الأرض . . . و کثیر حقّ علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 117 - 11

11 - شرک و بت پرستی ، کفران نعمت های خدا و ناسپاسی در برابر ربوبیت او است .

و من يدع مع الله . . . إنه لا يفلح الكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 26 - 5

5 - بت پرستی ، کفر به خداوند است و بت پرستان از کافران اند .

ص: 377

لا تذر على الأرض من الكافرين ديارًا

برادشت بالا، به سبب این است که از بت پرستان، به کافران یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 28 - 14

14 - شرک، بت پرستی و گمراه گری، ظلم است.

و لا تزد الظالمين إلا تبارًا

مطلب یاد شده، از تعبیر «ظالمان» درباره بت پرستان و گمراه کنندگان به دست می آید.

269- درخواست مصونیت از بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 35 - 10

10- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار مصونیت خویش و فرزندانش از گرایش به بت پرستی شد.

و إذ قال إبراهيم ربّ .. اجنّبي و بنىّ أن نعبد الأصنام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 36 - 3

3- گمراه شدن مردم بسیاری به وسیله بت ها و بت پرستان، انگیزه حضرت ابراهیم (ع) برای درخواست از خداوند جهت مصونیت خود و خاندانش از گرایش به آن آیین

و اجنّبي و بنىّ أن نعبد الأصنام . ربّ إنّهم أضلّلن كثيرًا من الناس

جمله «ربّ إنّهم ..» در مقام تعلیل برای جمله «و اجنّبي و بنىّ ...» است؛ یعنی، چون بت پرستان موجب گمراهی اغلب مردم شدند از تو درخواست مصونیت دارم.

270- دعوت به بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 64 - 1

1 - درخواست تهدیدآمیز و آمرانه مشرکان از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به عبادت معبودهایی جز الله

قل أفعیر الله تأمرونی أعبد

ص: 378

271- دلایل بت پرستی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 81 - 11

11 - مشرکان می پنداشتند امنیت آنان با پرستش بتها و دیگر معبودها تأمین می گردد.

فأى الفریقین أحق بالآمن

272- دلایل بطلان بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 42 - 6

6- فقدان ادراک بت ها و ناتوانی آنها در بر آورده ساختن نیازها و جلوگیری از گزندها ، استدلال ابراهیم (ع) بر نارو بودن بت پرستی

يأبى لِمَ تعبد ما لا يسمع و لا يبصر و لا يغنى عنك شيئاً

«إغناء» (مصدر «لا يغنى») به معنای کفایت کردن و بازداشتن است. (برگرفته از «لسان العرب») و جمله «لا يغنى عنك شيئاً»، یعنی از تو چیزی را دفع نکرده و تو را از آن کفایت نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 96 - 3

3 - مخلوق و مصنوع بودن بت ها ، دلیل عدم شایستگی آنها برای پرستش

قال أتعبدون ما تحتون . و الله خلقكم و ما تعملون

273- دلایل پوچی بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 5 - 3

3- ناتوانی بت ها از شنیدن و اجابت نیایش مشرکان ، دلیلی واضح بر بیهودگی عبادت آنها

و من أضلّ ممّن يدعوا .. من لا يستجيب ... و هم عن دعائهم غفلون

274- رهبران بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 44 - 3

ص: 379

3- شیطان، سردمدار دعوت مردم به شرک و بت پرستی است.

لَمْ تَعْبُدْ مَا لَا يَسْمَعُ... لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ

275- رهبران شرک و بطلان بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 30 - 4

4- سازندگان آیین شرک و بت پرستی به یگانگی خداوند و بطلان آیین بت پرستی آگاه بودند.

و جعلوا لله أنداداً ليضلوا عن سبيله قل تمتعوا فإن مصيركم إلى النار

از تعبیر «جعلوا لله أندادا» (برای خدا شریک قرار دادند)، و همچنین با توجه به اینکه این کار مربوط به سران و سازندگان اصلی آیین شرک است، استفاده می شود که آنان آگاهانه و از روی عمد به چنین عملی دست زدند.

276- زمینه بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 43 - 3

3- آگاهی های ویژه ابراهیم (ع) محدود بود.

قد جاءني من العلم

چنانچه «من» در «من العلم» برای تبعیض باشد و «من العلم»، حال برای «ما»، نکته یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 125 - 12

12 - بی تقوایی، زمینه ساز انحراف از مسیر حق و افتادن در دام آیین شرک و بت پرستی

إذ قال لقومه ألا تتقون . أتدعون بعلاً و تذرّون أحسن الخلقين

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که الیاس(ع)، پیش از سرزنش قوم خود به جهت گرویدن آنان به آیین شرک، آنان را به دلیل بی تقوایی سرزنش کرده است و این مطلب می رساند که بی تقوایی، زمینه ساز گرایش به آیین های باطل (همچون بت پرستی) است.

277- زیان بت پرستی

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

11 - انبیاء - 21 - 70 - 6

ص: 380

6- بت پرستی و موضع گیری در مقابل حق و رهبران الهی ، از زیان بارترین کارها است .

و أرادوا به کیداً فجعلنهم الأخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 13 - 2

2- بت پرستی ، پیش از آن که برای اهل شرک سودمند باشد ، برای آنان زیان آور است .

یدعوا لمن ضرّه أقرب من نفعه

278- سرزنش بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 32 - 7

7- روی برتافتن از توحید و یکتاپرستی و گرایش به شرک و بت پرستی ، کاری شگفت و در پی دارنده نکوهش سخت خداوند

فذلکم اللّٰه ربکم الحق .. فأنی تصرفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 66 - 6

6- شرک و بت پرستی و سرباز زدن از توحید ، اوج ناسپاسی انسان در برابر خدا

وهو الذی أحیاکم .. إنّ الإنسن لکفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 125 - 11

11- پرستش بت به جای عبادت نیکوترین آفریدگار ، عملی نابخردانه و سرزنش آمیز

أتدعون بعلاً و تذرون أحسن الخلقین

279- شگفتی بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - روی گردانی از عبادت خداوند و گرویدن به شرک و بت پرستی ، در عین مشاهده نشانه های قدرت و یگانگی خداوند ، عملی شگفت آور و بدون توجیه است .

يزيد في الخلق ما يشاء .. هل من خلق غير الله... لا إله إلا هو... فأتى توفك

«آئی» اسم استفهام و به معنای کجاو چگونه است و در این آیه برای تعجب می باشد. «إفک» (مصدر «تؤفکون») به معنای

ص: 381

«صرف» (برگرداندن) است؛ یعنی، «فأنتی تصرفون». گفتنی است که به قرینه مقام معنای این جمله چنین می شود: پس به کدامین سو برده می شوید و چگونه از حق و توحید ربوبی برگردانده می شوید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 62 - 7

7 - روی گردانی از عبادت خداوند و گرویدن به شرک و بت پرستی، در عین مشاهده آیات و نشانه های قدرت و یگانگی خداوند، عملی شگفت آور و بدون توجیه

خلق کلّ شیء لا إله إلاّ هو فأنتی تؤفکون

«آئی» (اسم استفهام) به معنای کجا و چگونه است و در این آیه برای تعجب می باشد و «إفک» (مصدر «تؤفکون») به معنای «صرف» (برگرداندن) است؛ یعنی، «فأنتی تصرفون». به قرینه مقام معنای این جمله چنین می شود: پس به کدامین سوی می روید و چگونه از حق و توحید ربوبی برگردانده می شوید؟

280- ظلم بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 64 - 5

5- بت پرستی و شرک، از دید فطرت انسانی، ظلم و ستم است.

فرجعوا إلى أنفسهم فقالوا إنکم أتم الظلمون

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از «أنفسهم» به خود آمدن و ضمیر و وجدان آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 71 - 8

8 - شرک و بت پرستی ظلم است.

و یعبدون من دون الله... و ما للظلمین من نصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 28 - 14

14 - شرک ، بت پرستی و گمراه گری ، ظلم است .

و لا تزدد الظلمین الا تباراً

مطلب یاد شده، از تعبیر «ظالمان» درباره بت پرستان و گمراه کنندگان به دست می آید.

ص: 382

281- عجز بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 162 - 4

4- آیین شرک و بت پرستی ، آیینی ایستا و ناتوان از پیشرفت و توسعه و فراگیر شدن

ما أنتم علیه بفتنن

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که خداوند در صدد بیان آینده آیین شرک و سرنوشت این آیین ساختگی است؛ نه این که تنها در صدد بیان وضعیت مشرکان در صدر اسلام باشد.

282- عقیده به بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 81 - 4

4- قوم ابراهیم علاوه بر عقیده و تأثیر و نقش بتها و اجرام آسمانی در تدبیر و ربوبیت جهان، به خداوند نیز معتقد بودند.

و لاتخافون أنکم أشرکتکم بالله

احتجاج ابراهیم(ع) با مشرکان در جمله «و لاتخافون . . .» در صورتی تام است که آنها عقیده به «الله» داشته باشند.

283- عوامل بت پرستی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 53 - 1

1- بت پرستی اجداد و نیاکان ، توجه قوم ابراهیم در شرک و بت پرستی خویش

قالوا وجدنا ءاباءنا لها عبدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 80 - 6

6- نیاز های ضروری و مداوم زندگی ، از عوامل گرایش قوم ابراهیم به بت پرستی *

و الذی هو یطعمنی و یسقین . و إذا مرضت فهو یشفین

تأکید ابراهیم(ع) بر نقش خداوند در روزی دادن به انسان ها (یطعمنی) و فرو فرستادن باران (یسقین) و شفا بخشی به انسان (یشفین)، می تواند از آن جهت باشد که قوم او، به انگیزه همین امور به بت ها رو آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 25 - 6

6 - عواطف قومی ، قوم ابراهیم را به بت پرستی و پایبندی به آن ، کشیده بود .

ص: 383

إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ

«مودّه» مفعولٌ له «اتَّخَذْتُمْ» است. بنابراین، مفاد آیه، چنین می شود: تنها چیزی که شما، به خاطر آن، بت پرستی را انتخاب کردید، مودت بین خودتان بود.

284- فرزندان ابراهیم (ع) و بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 35 - 16

16- «عن أبي عبد الله (ع) . . . قال . . . : إن الله أمر إبراهيم (ع) أن ينزل إسماعيل بمكة ففعل فقال إبراهيم : «رب اجعل هذا البلد آمناً واجنبى وبنى أن نعبد الأصنام» فلم يعبد أحد من ولد إسماعيل صنماً قط . . . ;

امام صادق (ع) . . . فرمود: . . . همانا خداوند به ابراهیم (ع) امر کرد که اسماعیل را به مکه اسکان دهد. پس ابراهیم (ع) بعد از انجام آن گفت: «رب اجعل هذا البلد آمناً واجنبى وبنى أن نعبد الأصنام». پس هیچ یک از فرزندان اسماعیل هرگز بتی را نپرستیدند...».

285- فساد بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 139 - 1,3

1- بت پرستی آیینی فاسد و پرستش بت ها کرداری بیهوده و بی نتیجه است .

إن هؤلاء متبر ما هم فيه وبطل ما كانوا يعملون

مراد از «ما هم فيه» به قرینه آیه قبل، آیین بت پرستی است و منظور از «ما كانوا يعملون» پرستش بتها و اعتکاف بر آستان آنهاست. «متبر» اسم مفعول از مصدر «تتبر» و به معنای هلاک شده می باشد و هلاکت آیین به فاسد بودن آن است.

3- موسی (ع) با تبیین فساد آیین بت پرستی، بنی اسرائیل را که آرزومند آن آیین بودند، بر جهلشان واقف ساخت .

قال إنكم قوم تجهلون. إن هؤلاء متبر ما هم فيه وبطل ما كانوا يعملون

286- فلسفه بت پرستی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13- شعراء - 26 - 74 - 1

1 - تقلید از نیاکان ، تنها پاسخ قوم ابراهیم در توجیه بت پرستی خود

قالوا بل وجدنا آباءنا كذلك يفعلون

ص: 384

287- فلسفه بت پرستی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 197 - 1

1 - یاری جستن از بت ها و معبودان ، هدف مشرکان از پرستش آنها

و الذین تدعون من دونه لایستطیعون نصرکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 18 - 10

10 - مشرکان به امید شفاعت بت ها ، آنها را می پرستیدند .

و یعبدون من دون الله . . . و یقولون هؤلاء شفیعونا عند الله

288- فلسفه بت پرستی مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 81 - 2

2- مشرکان عصر بعثت ، عزت و اعتبار خود را در پرستش معبودان ساختگی خود می دانستند .

لیکونوا لهم عزاً

289- کیفر اجتناب از بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 46 - 8

8- مجازات روی گردانی از بت پرستی در عصر آزر سنگسار کردن بود .

لئن لم تنته لأرجمک

آزر به دو صورت ابراهیم(ع) را تحت فشار قرار داد 1- تهدید به سنگسار کردن 2- راندن و طرد او از خانمان؛ از این دو، آنچه که جنبه اجتماعی دارد همان سنگسار کردن است، زیرا چنین کاری با تصمیم فردی و بدون پایگاه و پشتوانه قانونی، قاعدتاً قابل اجرا نیست، برخلاف طرد از خانواده که امری فردی و داخلی است. بنابراین می توان گفت که مجازات رجم برای کسانی که علیه بت ها اقدامی انجام

دهند در آن زمان وجود داشته است.

290- گمراهی بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 385

5 - انعام - 6 - 74 - 12

12 - بت پرستی گمراهی آشکار است.

ینی اریک و قومک فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 75 - 3

3 - ابراهیم(ع) به دلیل مشاهده ملکوت آسمانها و زمین بت پرستی را گمراهی آشکاری می دید.

ینی اریک و قومک فی ضلل مبین. و کذلک نری ابرهیم

جمله «و کذلک نری» احتمالا در صدد بیان سبب و زمینه گفته های ابراهیم(ع) در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 32 - 4

4 - شرک (اعتقاد به ربوبیت غیر خدا) آیینی باطل و بت پرستی ضلالت و گمراهی است .

فذلکم الله ربکم الحق فماذا بعد الحق إلا الضلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 12 - 5

5 - شرک و بت پرستی ، بدترین و عمیق ترین نوع گمراهی

ذلک هو الضلل البعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 67 - 8

8 - شرک و بت پرستی ، گمراهی و انحراف از صراط مستقیم است .

فلا ینزعنک فی الأمر و ادع إلى ربک إناک لعلی هدی مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 118 - 8

8 - شرک و بت پرستی ، عصیان از بندگی خداوند و پذیرش سلطه شیطان است .

ان يدعون من دونه الا انثاً .. قال لاتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 45 - 4

ص: 386

4- بت پرستی و اطاعت از شیطان ، گناهی بزرگ است .

لَمْ تَعْبُدْ مَا لَا يَسْمَعُ .. لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ ... إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمْسَكَ عَذَابَ مِنَ الرَّحْمَنِ

نسبت دادن «عذاب» به خدای رحمان - که دارای رحمت وسیع است - می تواند بیانگر این نکته باشد که گناه بت پرستی به قدری شدید است که مظهر رحمت و مهربانی را نیز به خشم می آورد.

292- مبارزه با بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 5

5 - مبارزه اسلام با مظاهر شرک و بت پرستی

إنما حرم .. و ما أهل به لغير الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 3 - 5 - 10

10 - مبارزه اسلام با مظاهر شرک و بت پرستی و فرهنگ جاهلیت

حرمت علیکم .. و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالآلزم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 74 - 6

6 - تلاش ابراهیم(ع) با استفاده از احتجاج و اعتراض برای بازداشتن آزر از بت پرستی

و إذ قال إبرهیم لأبیه ءآزر أتتخذ أصناما ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 42 - 7

7 - مبارزه با شرک و بت پرستی ، در رأس رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

إن کاد لیضلننا عن ءالهتنا لولا أن صبرنا علیها

6 - اقدام ابراهیم (ع) به شکستن بت ها و سالم باقی گذاشتن بت بزرگ ، تدبیری از سوی آن حضرت برای جلب نظر مردم و توجه دادن آنان به بطلان بت پرستی بود .

و تَاللّٰهِ لَا كَيْدَ لَاصْنَمِكُمْ .. فَجَعَلَهُمْ جُذُءًا اِلًا كَبِيْرًا لِّهَمْ لَعْلَهُمْ اِلِيْهِ يَرْجِعُوْنَ

«فاء» در «فجعلهم» یا برای ترتیب است و یا برای تعقیب. در هر دو صورت گویای این است که عمل حضرت ابراهیم(ع) مصداق همان حيله و تدبیری بود که بر آن سوگند یاد کرده بود.

293- مشرکان و بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 113 - 5

5 - تلاش بی ثمر برخی از مشرکان برای متقاعد کردن پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در جهت تجویز ادامه بت پرستی به مدت یک سال

و لولا فضل الله .. لهمت طائفه منهم ان یضلوك

برخی از مفسران با توجه به شأن نزول گفته اند مراد از «طائفه»، مشرکانی بودند که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) تقاضای تجویز بت پرستی تا یک سال را داشتند.

294- منشأ بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 117 - 8

8 - اطاعت از شیطان، خاستگاه بت پرستی

ان یدعون من دونه الا اثناً و ان یدعون شیطاناً مریداً

چون دو جمله «ان یدعون ..» و «ان یدعون الا شیطاناً» دارای حصر است و مفهوم هر یک منطوق دیگر را نفی می کند، برای رفع تنافی می توان گفت جمله دوم بیانگر علت مضمون جمله اول است، یعنی بت پرستی برخاسته از اطاعت شیطان می باشد. گفتنی است بنابراین مبنا «یدعون» در جمله دوم به معنای اطاعت است نه پرستش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 3 - 21

21 - شرک و بت پرستی، برخاسته از غفلت و بی توجهی انسان نسبت به ربوبیت مطلق و بی همتای خدا بر کران تا کران هستی است.

الذی خلق السموت و الأرض .. ذلکم الله ربکم فاعبدوه أفلا تذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 43 - 2

2 - هواپرستی، منشأ گرایش مشرکان به شرک و بت پرستی است.

أرءیت من اتّخذ إلهه هویه

جمله «أرءیت من اتّخذ إلهه هواه» استینافیه بیانیه است و در مقام بیان منشأ و علت گرایش مشرکان به معبودهای متعدد و مقاومت آنان بر این عقیده باطل می باشد.

ص: 388

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 87 - 2

2- شرک و بت پرستی ، ناشی از درک نادرست از ربوبیت خدا بر جهان هستی است .

أَنْفَكَاءِ الْهَاهُ دُونَ اللَّهِ تَرِيدُونَ . فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 23 - 4

4- شرک و بت پرستی ، برخاسته از خیال پردازی و موهوم گرایی بشر و فاقد هر گونه پشتوانه منطقی

سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَاَبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ

از تأکید خداوند بر این که بت ها، جز نام های ساخته و پرداخته بشر، چیزی نیستند؛ می توان به دست آورد که خیال پردازی و موهوم گرایی انسان، او را به وادی شرک کشانیده است.

295- منشأ بت پرستی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 35 - 1

1- مشرکان مکه ، بت پرستی خود و پدرانشان را برخاسته از مشیت خداوند می دانستند .

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا

با توجه به مکی بودن سوره نحل و نیز قرینه «كذلك فعل الذين من قبلهم» مراد از «الذين أشركوا» مشرکان مکه است.

296- موجبات اجتناب از بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 141 - 5

5- توجه به نعمت های الهی ، موجب پایداری انسان بر توحید و پرهیز وی از گرایش به شرک و بت پرستی است .

قال أغیر الله أبغیکم إلهاً . . . واذ أنجینکم

297- موجبات بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - 6 - 74 - 36 - 6

6 - حمایت و یاری شدن ، انگیزه و دلیل مشرکان و بت پرستان ، برای روی آوردن به آیین شرک و بت پرستی

ص: 389

و اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً لَعَلَّهُمْ يَنْصُرُونَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این اساس است که «لعلّ» در آیه شریفه برای تعلیل باشد.

298- نشانه های بی ثمری بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 86 - 3

3- رانده شدن ذلیلانه مشرکان به سوی دوزخ ، نمودی از بی ثمر بودن شرک و ضدیت معبودهایشان با آنهاست .

و یكونون علیهم ضنّاً .. یوم نحشر ... و نسوق المجرمین

در آیات پیشین، سخن از بی ثمر بودن پرستش های شرک آلود مشرکان و تأثیر منفی آن بر فرجام اخروی آنان بود؛ در این آیه نیز می تواند بیان مصداقی از همان معنا باشد؛ خصوصاً اگر «یوم» در «یوم نحشر» متعلق به «یکونون» باشد.

299- نگرانی از گسترش بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 36 - 4

4- نگرانی حضرت ابراهیم (ع) از انحراف فرزندان خود و از گسترش کامل و نفوذ بی رقیب آیین شرک و بت پرستی در میان مردم عصر خویش

و اجنبی و بنیّ ان نعبد الأصنام . ربّ إنّهم أضلّلن کثیراً من الناس

300- نوح(ع) و بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 71 - 3

3- قیام حضرت نوح (ع) ، علیه شرک و بت پرستی و دعوت به توحید و یکتا پرستی ، برای قومش سنگین و غیر قابل تحمل بود .

إن کان کبر علیکم مقامی و تذکیری بأیت الله

کلمه «مقام» مشترک بین سه صیغه است: مصدر میمی، اسم زمان و اسم مکان. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است؛ یعنی، اگر قیام من برای دعوت به توحید و یادآوری آیات و نشان های خداوند، بر شما سنگین و دشوار است و ...

301- نهی از بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 390

11 - دعوت ابراهیم (ع) از قوم اش به پرستش خداوند پس از نهی آنان از بت پرستی

و ابرهیم إذ قال لقومه .. إنا تعبدون من دون الله آوثناً... و اعبده

19 - نفی بت پرستی ، توحید عبادی ، توحید افعالی ، شکر پروردگار ، عقیده به معاد ، بازگشت نهایی انسان ها به سوی خدا ، از تعالیم حضرت ابراهیم (ع)

و ابرهیم إذ قال لقومه .. إنا تعبدون من دون الله آوثناً... فابتغوا عند الله

302- وضوح بطلان بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 75 - 4

4 - روشن بودن بطلان بت پرستی ، تنها با اندکی تأمل و خردورزی

قال أفرءیتم ما کنتم تعبدون

برداشت یاد شده با توجه به توییخی بودن استفهام در آیه بالا استفاده می شود؛ زیرا مفاد آن این است که اگر شما درباره آنچه می پرستید (بت ها) قدری می اندیشیدید، هرگز به آن اقدام نمی کردید.

303- ویژگیهای بت پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 162 - 4

4 - آیین شرک و بت پرستی ، آیینی ایستا و ناتوان از پیشرفت و توسعه و فراگیر شدن

ما أنتم علیه بفتنین

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که خداوند در صدد بیان آینده آیین شرک و سرنوشت این آیین ساختگی است؛ نه این که تنها در صدد بیان وضعیت مشرکان در صدر اسلام باشد.

بت ها

304- آثار عجز بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 56 - 10

10- خالق نبودن بت ها و معبود های مشرکان ، دلیل ناشایستگی آنها برای عبادت و تقدیس انسان ها

ما هذه التماثيل . . قال ربكم رب السموت والأرض الذى فطرهنّ

ص: 391

حضرت ابراهیم(ع)، برای ابطال عقیده مشرکان و بت پرستان و اثبات توحید ربوبی برای خداوند، به خالقیت او تمسک کرد. نکته یاد شده بیانگر این حقیقت است که تنها خالق جهان، شایسته تقدیس و عبادت است، نه چیز دیگر.

305- اجتناب از بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 30 - 14

14 - لزوم اجتناب از بت ها

فاجتنبوا الرجس من الأوثان

«رجس» به هر چیزی گفته می شود که زشت و پلید است «أوثان» (جمع «وثن») به معنای بت ها است. «من» در «من الأوثان» بیانیه می باشد؛ یعنی، «فاجتنبوا الرجس من الأوثان؛ از بت ها که زشت و پلیداند دوری کنید».

306- اجتناب از قربانی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 90 - 16

16 - لزوم پرهیز از حیوانات قربانی شده برای بتها

و الانصاب . . . رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در پاسخ سؤال از معنی انصاب در آیه فوق روایت شده: ما ذبحوا لآلتهم . . .

کافی، ج 5، ص 123، ح 2؛ نورالثقلین، ج 1، ص 668، ح 340.

307- استمداد از بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 197 - 1

1 - یاری جستن از بت ها و معبودان، هدف مشرکان از پرستش آنها

و الذین تدعون من دونه لایستطیعون نصرکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 392

2- استهزای معبود های مشرکان در بتکده از سوی ابراهیم (ع)، با توجه به ناتوانی آنان از خوردن بود .

فراغ إلى الهتهم فقال ألا تأكلون

استفهام در «ألا تأكلون» برای استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - استهزای معبود های مشرکان از سوی ابراهیم (ع)، با توجه به ناتوانی آنها از سخن و گفتوگو

ما لكم لاتنطقون

2- گفتوگوی طعن آمیز ابراهیم (ع)، با معبود های مشرکان در بتکده

فقال ألا تأكلون . ما لكم لاتنطقون

4- تمسخر مظاهر شرک و عقاید باطل و خرافی، امری جایز است .

فراغ إلى الهتهم فقال ألا تأكلون . ما لكم لاتنطقون

309- اضلال بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- از دیدگاه حضرت ابراهیم (ع)، بت ها و بت پرستان عامل گمراهی بسیاری از مردم در عصر او بودند .

اجنبی و بنی أن نعبد الأصنام . ربّ إنهنّ أضللن كثيراً من الناس

310- اقرار اخروی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- بت های اهل شرک در قیامت، بر یگانگی خدا و آگاهی او بر ظاهر و باطن اشیا اعتراف خواهند کرد .

فكفى بالله شهيداً بيننا وبينكم إن كنا عن عبادتكم لغفلين

311- امداد به بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - انبياء - 21 - 68 - 4

ص: 393

4- بت پرستان در جهت یاری به بت پرستی و جلوگیری از نفوذ منطق ابراهیم (ع)، از طرف گروهی برای کشتن آن حضرت تحریک شده بودند .

قالوا حرّقوه و انصروا الهتکم

آهنگ جمله «إن کنتم فاعلین» (اگر بناست کاری بکنید) نوعی تحریک است و ظاهر آیه این است که گویندگان (قالوا) و دستور دهندگان (حرّقوه و انصروا)، با شنوندگان و دستور گیرندگان دو گروه بودند و گروه اول دسته دوم را تحریک می کردند. از این رو برخی از مفسران، گروه اول را نمرود و عمال او دانسته اند.

312- بت ها در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 98 - 6

6- « جاء فی الحدیث إنّ قوماً أتوا رسول الله (صلی الله علیه و آله) فقالوا له : . . . أخبرنا عن قوله : « إنکم و ماتعبدون من دون الله حسب جهنم أنتم لها واردون » إذا كان معبودهم معهم فی النار فقد عبدوا المسیح (ع) أفقول : إته فی النار؟ فقال لهم رسول الله (صلی الله علیه و آله) : . . . قال الله : « إنکم و ماتعبدون » یرید الإصنام التي عبدوها و هی لاتعقل و المسیح (ع) لا یدخل فی جملة ها لأنه یعقل و لو قال : إنکم و من تعبدون لدخل المسیح (ع) فی الجملة فقال القوم : صدقت یا رسول الله (صلی الله علیه و آله) ;

در حدیث آمده که گروهی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمده و به آن حضرت گفتند: . . . ما را از گفتار خدا «إنکم و ماتعبدون من دون الله حسب جهنم...» با خبر ساز چنانچه معبودشان در آتش باشد، پس [این که] گروهی مسیح را عبادت کردند؛ آیا تو می گویی او در آتش است. رسول خدا به آنان فرمود: . . . خدا فرموده «إنکم و ماتعبدون» و بت هایی را که آنان می پرستیدند اراده کرده و بت ها غیر عاقل هستند و مسیح داخل در آنها نیست؛ زیرا او صاحب عقل است و اگر فرموده بود «إنکم و من تعبدون» مسیح نیز داخل در آن جمله بود. آن گروه گفتند: راست گفتمی ای رسول خدا».

313- بت ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 28 - 10، 8

8 - معبود ها (بت ها) در قیامت ، از مورد پرستش واقع شدن خود اظهار بی اطلاعی کرده و آن را انکار خواهند کرد .

و یوم نحشرهم جمیعاً . . . و قال شرکاؤهم ما کنتم ایانا تعبدون

10 - بت ها ، در قیامت با مشرکان سخن خواهند گفت .

ثم نقول للذین أشركوا . . . قال شرکاؤهم ما کنتم ایانا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 29 - 1

1 - بت ها در قیامت ، خدا را شاهد می گیرند که از عبادت اهل شرک بی خبر بوده اند .

ص: 394

فكفی باللہ شہیداً بیننا و بینكم إن كنا عن عبادتكم لغفلین

314- بت ها و اقرار به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 29 - 4

4- بت های اهل شرک در قیامت ، بر یگانگی خدا و آگاهی او بر ظاهر و باطن اشیا اعتراف خواهند کرد .

فكفی باللہ شہیداً بیننا و بینكم إن كنا عن عبادتكم لغفلین

315- بت ها و اقرار به علم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 29 - 4

4- بت های اهل شرک در قیامت ، بر یگانگی خدا و آگاهی او بر ظاهر و باطن اشیا اعتراف خواهند کرد .

فكفی باللہ شہیداً بیننا و بینكم إن كنا عن عبادتكم لغفلین

316- بت ها و تکلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 63 - 5

5- بت ها ، فاقد قدرت نطق و کلام ، حتی در اعتقاد بت پرستان

فسلوهم إن كانوا ینطقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 64 - 1

1- قوم بت پرست ابراهیم ، پس از آگاه شدن از ناتوانی بت ها از سخن گفتن ، به خود آمده و به تفکر و اندیشه در عقیده خویش فرو رفتند .

فرجعوا إلى أنفسهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از «فرجعوا إلى أنفسهم» به خود آمدن و رجوع هر یک از بت پرستان به وجدان و ضمیر

خود و به فکر فرورفتن آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 395

5- اعتراف قوم بت پرست ابراهیم، به بی بهرگی بت ها از نطق، کلام، علم و عقل

لقد علمت ما هؤلاء ينطقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 92 - 3

3 - مشرکان عصر ابراهیم، پرستشگر معبودهایی ناتوان از خوردن و گفتوگو کردن

فقال ألا تأكلون . ما لكم لا تنطقون

317- بت ها و خوردن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 91 - 2

2- استهزای معبود های مشرکان در بتکده از سوی ابراهیم (ع)، با توجه به ناتوانی آنان از خوردن بود .

فراغ إلى ءالهم فقال ألا تأكلون

استفهام در «ألا تأكلون» برای استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 92 - 3

3 - مشرکان عصر ابراهیم، پرستشگر معبودهایی ناتوان از خوردن و گفتوگو کردن

فقال ألا تأكلون . ما لكم لا تنطقون

318- بت ها و شفابخشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 80 - 3

3 - تذکر ابراهیم (ع) به نقش نداشتن بت ها در بیماری و شفایابی انسان

تعبیر «فهو يشفين» تأکید بر این حقیقت است که تنها خدا در بهبود و شفای انسان مؤثر است. و چون مخاطب این تأکید بت پرستانند، در حقیقت تأکید ابراهیم(ع) بر سلب هرگونه تأثیر بت ها در سلامتی انسان است.

319- بت ها و نجات از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 101 - 8

8- بت ها و خدایان پنداری ، هرگز به فریاد پرستشگران خویش نمی رسند و نمی توانند حتی اندکی از عذاب های الهی را از آنان دور سازند .

فما أغنت عنهم آلهتهم التي يدعون من دون الله من شيء لما جاء أمر ربك

320- بی ثمری بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 19 - 3

3- نماد های شرک و بت پرستی ، فاقد هر گونه خاصیت و کارایی

أفرءیتم اللّٰت والعزّٰی . و منوه الثالثه الأخری

سیاق سرزنش آمیز «أفرأیتم»، نشانگر مطلب یاد شده است.

321- بی حرمتی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 96 - 7

7- مظاهر شرک و عقاید خرافی ، فاقد تقدس و حرمت

فقال ألا تأکلون . . . فراغ علیهم ضرباً بالیمین . . . و اللّٰه خلقکم و ما تعملون

322- پرسش از بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 63 - 3

3- ابراهیم (ع) در یک شگرد عالمانه ، از بت پرستان خواست تا از خود بت ها در باره شکننده آنها پرسوجو کنند .

ابراهیم(ع) با نسبت دادن شکستن بت ها به بت بزرگ و درخواست از بت پرستان به پرس و جو کردن از بت ها برای شناسایی بت شکن، شگردی عالمانه را در مبارزه با بت پرستی برگزید؛ زیرا بت پرستان از این طریق به آسانی به بطلان راه خویش پی بردند؛ چنان که آیه بعد (فرجعوا إلی أنفسهم..) گویای همین حقیقت است.

323- پرسش از شنوایی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 72 - 1

1 - پرسش بیدارگر ابراهیم از قوم بت پرست خویش درباره شنوایی بت ها

قال هل يسمعونكم إذ تدعون

324- پلیدی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 90 - 1

1 - شراب ، قمار ، بت ها و چوب های مخصوص برد و باخت ، به تمامی پلید و ناپاک اند .

انما الخمر و الميسر و الانصاب و الازلم رجس

«انصاب» جمع کلمه نصب است، برخی آن را به معنای بت گرفته اند و برخی گفته اند «انصاب» سنگهایی بوده که بر آستان بتها نصب می شده و جایگاه ذبح قربانی برای بتها بوده است و بدان جهت مشرکان آنها را مایه تبرک می پنداشتند و محترم می شمردند. «ازلام» جمع زلم (تیر قمار) از انواع وسائل قمار و برد و باخت به شمار می رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 30 - 13

13 - بت ، مظهر رجس و پلیدی است .

فاجتنبوا الرجس من الأوثان

325- تحقیر بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 17 - 3

3 - حضرت ابراهیم (ع) برای بیداری قوم خویش ، بت ها را به حقارت و پستی یاد می کرده است .

إِثْمًا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا

نکره آوردن «اوثان» می تواند به منظور بیان حقارت شأن بت ها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 96 - 4

ص: 398

4 - شکستن اَبَهِت و تقدس بت ها ، در مرحله نخست و سپس گفتگوی خردبرانگیز ، شیوه مبارزه ابراهیم (ع) با مشرکان و مظاهر شرک

فقال ألا تأكلون . . . فراغ عليهم ضرباً باليمين . . . قال أتعبدون ما تنحتون . والّ

برداشت یاد شده از آن جا است که ابراهیم(ع) در آغاز مبارزه با شرک و بت پرستی، ابتدا به سراغ بتکده رفته و ضمن به تمسخر گرفتن بت ها، آنها را درهم شکست. سپس با مخاطب قرار دادن مردم، آیین آنان را زیر سؤال برد (أتعبدون ما تنحتون) و به تأمل و اندیشه واداشت.

326- تکلم بت ها با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 28 - 10

10 - بت ها ، در قیامت با مشرکان سخن خواهند گفت .

ثم نقول للذين أشركوا . . . قال شركاؤهم ما كنتم إيانا تعبدون

327- تکلم بت ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 28 - 9

9 - بت های مورد پرستش اهل شرک در آخرت ، دارای شعور و توانا بر نطق

و یوم نحشرهم جميعاً . . . وقال شركاؤهم ما كنتم إيانا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 29 - 3

3 - بت های اهل شرک در جهان آخرت ، دارای شعور و آگاهی و توانا بر نطق

وقال شركاؤهم . . . فكفى بالله شهيداً بيننا وبينكم إن كنا عن عبادتكم لغفلين

328- جوارح بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 195 - 1,2,3

1 - مشركان بت ها و معبودانشان را به صورت مجسمه هايي داراي پا ، دست ، چشم و گوش مي ساختند .

أَلْهَمْ أَرْجُلَ يَمْشُونَ بِهَا .. أَمْ لَهْمَ أِذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا

ص: 399

جمله «یمشون بها» و مانند آن، هم می تواند قید توضیحی باشد و هم می تواند قید احترازی گرفته شود. بنابر اول معنای جمله «ألهم أرجل ...» چنین است: آیا بتها پا دارند تا با آن راه روند؛ یعنی پا ندارند. و بنابر فرض دوم معنا چنین خواهد بود: آیا بتها پایی که با آن راه روند دارند؛ یعنی پاهایی دارند، ولی با آن نمی توانند راه بروند. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

2- اعضای تعبیه شده در بت ها، فاقد کمترین توان و اثر مطلوب

ألهم أرجل یمشون بها .. أم لهم اذان یسمعون بها

3- فقدان اثر مطلوب در اعضای تعبیه شده در بت ها، دلیل ناتوانی بیشتر آنها از عبادتگراشان

ألهم أرجل یمشون بها .. أم لهم اذان یسمعون بها

جمله «عباد أمثالکم» به همسانی بتها با پرستشگراشان در نیازمندی و ناتوانی اشاره کرد و آیه مورد بحث با توجه دادن مشرکان به اینکه بتها از اعضای تعبیه شده در آنها هیچ بهره ای نمی برند این نکته را به آنان یادآور می شود که بتها و معبودان دروغین حتی از پرستشگراشان عاجزتر و ناتوانترند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 198 - 3,4,5

3- مشرکان برای معبودانشان چشمهایی خیره گر تعبیه می کردند .

و تریهم ینظرون إلیک

ضمیرهای غایب در «تریهم» و «ینظرون» به «الذین تدعون» - که همان معبودان باشد - برمی گردد.

4- چشم های تعبیه شده در بت ها هرگز بر دیدن اشیا توانا نبودند .

و هم لایبصرون

ضمیرها در جمله «هم لایبصرون» به «الذین تدعون» برمی گردد.

5- چشم های تعبیه شده در بت ها به گونه ای بود که گویا به شخص مقابل خویش نظاره گر است .

و تریهم ینظرون إلیک

خطاب در «تریهم» و «إلیک» به هر انسانی است که مواجه با بتها قرار می گیرد، یعنی «تریهم ایها الانسان ..» جمله «و هم لایبصرون» (آنها نمی بینند) دلالت می کند که «تریهم ینظرون»، یعنی «تریهم کانهم ینظرون إلیک». (چنین گمان می کنی که بتها تو را می نگرند.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 198 - 3,4,5

3 - مشرکان برای معبودانشان چشمهایی خیره گر تعبیه می کردند .

و تریهم ينظرون إلیک

ضمیرهای غایب در «تریهم» و «ینظرون» به «الذین تدعون» - که همان معبودان باشد - بر می گردد.

4 - چشم های تعبیه شده در بت ها هرگز بر دیدن اشیا توانا نبودند .

و هم لایبصرون

ص: 400

ضمیرها در جمله «هم لایبصرون» به «الذین تدعون» برمی گردد.

5- چشم های تعبیه شده در بت ها به گونه ای بود که گویا به شخص مقابل خویش نظاره گر است .

و تریهم ینظرون إلیک

خطاب در «تریهم» و «إلیک» به هر انسانی است که مواجه با بتها قرار می گیرد، یعنی «تریهم ایها الانسان . . .» جمله «وهم لایبصرون» (آنها نمی بینند) دلالت می کند که «تریهم ینظرون»، یعنی «تریهم کانهم ینظرون إلیک». (چنین گمان می کنی که بتها تورا می نگرند.)

330- خبثت قربانی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 3

3- مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

کلوا من طیب . . . إنما حرم علیکم المیتة . . . و ما أهل به لغير الله

331- درخواست از بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 48 - 4

4- مردم شهر و دیار آزر ، هم کیش او بوده و بت ها و اشیایی جز خداوند را می پرستیدند و به درگاه آنها دعا می کردند .

و أعتزلکم و ما تدعون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 17 - 10

10 - قوم ابراهیم ، نیاز های مادی شان را از بت ها ، طلب می کردند .

إنّ الذین تعبدون من دون الله لایملکون لکم رزقاً فابتغوا عند الله الرزق

332- دشمنی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بت و بت پرستی ، دشمن اندیشه ، سعادت و تکامل انسان در دیدگاه حضرت ابراهیم (ع)

ص: 401

ضمیر «هم» در «فَاتِّهِمَّ» به «أصنام» بازمی گردد.

333- دلایل مقهوریت بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 39 - 9

9- تصور خدایان متعدد در قبال خداوند ، مساوق و هم عنان با تصور مقهوریت آنان است .

أرباب متفرقون خیر أم الله الواحد القهار

از آن جا که یوسف(ع) خداوند را به «قهار» بودن توصیف کرد معلوم می شود وی «مقهور بودن» معبودان دروغین را نیز قصد کرده است ولی آن را در عبارت ذکر نکرد تا به این نکته اشاره کند که تصور متفرق بودن آنان کافی است در اینکه آدمی بداند خدایان متعدد در برابر خدای یگانه همواره مقهورند و شایسته خدایی نیستند.

334- زیان رسانی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 73 - 1

1 - یادآوری ابراهیم (ع) به قوم خویش ، مبنی بر ناتوانی بت ها در رساندن سود یا زیان به انسان ها

أو ينفعونكم أو يضرون

335- سرزنش درخواست از بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 12 - 1

1 - نکوهش اهل شرک ، به خاطر ترک نیایش به درگاه خدا و بردن عرض حاجت پیش بت ها

يدعوا من دون الله ما لا يضره و ما لا ينفعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 13 - 1

1 - نکوهش اهل شرک ، به خاطر نیایش و عرض حاجت کردن به درگاه بت ها

یدعوا لمن ضرّه أقرب من نفعه

ص: 402

336- شعور بت ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 28 - 9

9- بت های مورد پرستش اهل شرک در آخرت ، دارای شعور و توانا بر نطق

و یوم نحشرهم جميعاً . . . وقال شرکاوهم ما کنتم ایانا تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 29 - 3

3- بت های اهل شرک در جهان آخرت ، دارای شعور و آگاهی و توانا بر نطق

وقال شرکاوهم . . . فکفی باللّه شهیداً بیننا و بینکم إن کنا عن عبادتکم لغفلین

337- شفاعت بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 18 - 18

18 - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود : « . . . قالت بنو اسماعیل : « هؤلاء شفعاؤنا عند الله » فکفرت و لم تعبد الأصنام ;

فرزندان اسماعیل می گفتند: بتها شفیعان ما نزد خدا هستند پس کافر شدند ; ولی بت را پرستش نکردند».

338- عجز بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 71 - 3

3- ناتوانی بتها از رساندن نفع و ضرر، نشانه خردمندانه نبودن پرستش آنهاست.

قل أندعوا من دون الله ما لا ینفعنا و لا یضرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 195 - 3,4,7,2

2 - اعضای تعبیه شده در بت ها ، فاقد کمترین توان و اثر مطلوب

أَلْهَمْ أَرْجُلَ يَمْشُونَ بِهَا .. أَمْ لَهْمَ أَعْذَانَ يَسْمَعُونَ بِهَا

3 - فقدان اثر مطلوب در اعضای تعبیه شده در بت ها ، دلیل ناتوانی بیشتر آنها از عبادتگرانشان

أَلْهَمْ أَرْجُلَ يَمْشُونَ بِهَا .. أَمْ لَهْمَ أَعْذَانَ يَسْمَعُونَ بِهَا

ص: 403

جمله «عباد أمثالکم» به همسانی بتها با پرستشگرانشان در نیازمندی و ناتوانی اشاره کرد و آیه مورد بحث با توجه دادن مشرکان به اینکه بتها از اعضای تعبیه شده در آنها هیچ بهره ای نمی برند این نکته را به آنان یادآور می شود که بتها و معبودان دروغین حتی از پرستشگرانشان عاجز تر و ناتوانترند.

4 - خداوند با تشریح ناتوانی بت ها ، مشرکان را به بطلان شرک و باورهایشان رهنمون ساخت .

ألهم أرجل یمشون بها .. أم لهم اذان یسمعون بها

7 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) از جانب خدا مأمور شد تا برای اثبات ناتوانی بت ها ، مشرکان را به تحدی و مبارزه علیه خویش دعوت کند .

قل ادعوا شركاءكم ثم کیدون فلا تنظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 55 - 6, 4, 5

4- آشکار شدن عجز بت ها و تأثیر نداشتن آنها در امور آدمیان و نیز روشن شدن ناتوانی قوم عاد در برابر خواست خداوند ، هدف هود (ع) از فراخوانی مردم ، به مبارزه و توطئه علیه خویش

فکیدونی جمیعاً ثم لاتنظرون

«کیدوا» فعل امر از مصدر «کَیْدٌ» (مکر کردن) است. امر در جمله فوق - به تناسب مورد - امر تعجیزی است؛ یعنی ، درخواستی است برای نشان دادن عجز و ناتوانی مخاطب از انجام کار.

5- عجز و ناتوانی قوم عاد و خدایانشان ، برای از میان بردن هود (ع) ، دلیل و آیتی بر حقانیت رسالت او

فکیدونی جمیعاً ثم لاتنظرون

«فاء» در «فکیدونی» فصیحه و حاکی از جمله ای مقدر است. آن جمله به قرینه «إن نقول إلاّ - اعتریک ...» چنین است: «إن کان کما تقولون فکیدونی ...؛ اگر بتها چنین نیرویی دارند پس شما و آنها با من به مبارزه برخیزید و کار را یکسره کنید».

6- ناتوانی بت ها برای از میان بردن هود (ع) ، علی رغم بیزاری جستن علنی او از آنها ، نشانه حقیقت نداشتن ادعای قوم عاد (ابتلای هود به جنون از ناحیه بت ها)

إن نقول إلاّ اعتریک بعض ءالھتنا بسوء .. فکیدونی جمیعاً ثم لاتنظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- بت ها و خدایان پنداری ، هرگز به فریاد پرستشگران خویش نمی رسند و نمی توانند حتی اندکی از عذاب های الهی را از آنان دور سازند .

فما أغنت عنهم ءالهمم التي يدعون من دون الله من شيء لما جاء أمر ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 42 - 5,6

5- آزر ، پرستشگر بت هایی فاقد شنوایی و بینایی و کارآیی و ناتوان از دفع آسیب ها

ما لا يسمع ولا يبصر ولا يغني عنك شيئاً

6- فقدان ادراک بت ها و ناتوانی آنها در برآورده ساختن نیاز ها و جلوگیری از گزند ها ، استدلال ابراهیم (ع) بر نارو بودن بت پرستی

ص: 404

يَأْت لِمَ تَعْبُد مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا

«إِغْنَاء» (مصدر «لايغنى») به معنای کفایت کردن و بازداشتن است. (برگرفته از «لسان العرب») و جمله «لايغنى عنك شيئاً»، یعنی از تو چیزی را دفع نکرده و تو را از آن کفایت نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 58 - 5

5- باقی ماندن بت بزرگ به وسیله ابراهیم (ع)، برای مراجعه بت پرستان به آن و درک عجز بت ها بود.

فَجَعَلَهُمْ جُذُذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يُرْجَعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 59 - 3

3- قوم ابراهیم، پس از مشاهده در هم شکسته شدن بت ها، به عجز و ناتوانی آنها پی بردند.

إِلَّا كَبِيرًا .. إِلِيهِ يُرْجَعُونَ . قَالُوا مِنْ فَعَلِ هَذَا بِالْهَيْتَانَا

از این که قوم ابراهیم، بت ها را مورد سؤال قرار ندادند و به دنبال عاملی غیر از آنها بودند، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد. به ویژه اگر ضمیر در «إليه» به «كبيراً» (بت بزرگ) بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 63 - 5

5- بت ها، فاقد قدرت نطق و کلام، حتی در اعتقاد بت پرستان

فَسَلُوهُمْ إِن كَانُوا يَنْطِقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 64 - 1,2

1- قوم بت پرست ابراهیم، پس از آگاه شدن از ناتوانی بت ها از سخن گفتن، به خود آمده و به تفکر و اندیشه در عقیده خویش فرو رفتند.

فَرَجِعُوا إِلَىٰ أَنْفُسِهِمْ

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از «فرجعوا إلی أنفسهم» به خود آمدن و رجوع هر یک از بت پرستان به وجدان و ضمیر خود و به فکر فرورفتن آنان باشد.

2- قوم بت پرست ابراهیم پس از آگاه شدن از ناتوانی بت ها از سخن گفتن ، به یک دیگر مراجعه کرده و به سرزنش هم پرداختند .

فرجعوا إلی أنفسهم فقالوا إنکم أتم الظلمون

برداشت، براساس این احتمال است که مقصود از «أنفسهم» رجوع هر یک از بت پرستان به یک دیگر باشد که با مخاطب قرار دادن هم دیگر (فقالوا إنکم أتم.. ..) به ملامت هم پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 405

5- اعتراف قوم بت پرست ابراهیم ، به بی بهرگی بت ها از نطق ، کلام ، علم و عقل

لقد علمت ما هؤلاء ينطقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- حضرت ابراهیم (ع) برای اثبات توحید و بطلان شرک از شیوه آگاه کردن بت پرستان به ناتوانی بت ها و به اعتراف واداشتن آنان بر این حقیقت استفاده کرد .

فسلوهم إن كانوا ينطقون .. لقد علمت ما هؤلاء ينطقون . قال أفتعبدون من دون الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- یادآوری ابراهیم (ع) به قوم خویش مبنی بر ناتوانی بت ها حتی از شنیدن دعای آنان

قال هل يسمعونكم إذ تدعون

استفهام در «هل يسمعونكم» انکاری است. بنابراین مفاد سؤال ابراهیم(ع) چنین می شود: با این که بت ها درخواست های شما را نمی شنوند، چگونه به درگاه آنها نیایش می کنید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- یادآوری ابراهیم (ع) به قوم خویش ، مبنی بر ناتوانی بت ها در رساندن سود یا زیان به انسان ها

أو ينفعونكم أو يضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- تذکر ابراهیم (ع) به نقش نداشتن بت ها در بیماری و شفایابی انسان

و إذا مرضت فهو يشفين

تعبیر «فهو يشفين» تأکید بر این حقیقت است که تنها خدا در بهبود و شفای انسان مؤثر است. و چون مخاطب این تأکید بت پرستانند، در حقیقت تأکید ابراهیم(ع) بر سلب هرگونه تأثیر بت ها در سلامتی انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 91 - 2

2- استهزای معبود های مشرکان در بتکده از سوی ابراهیم (ع)، با توجه به ناتوانی آنان از خوردن بود .

فراغ إلى الهتهم فقال ألا تأكلون

استفهام در «ألا تأكلون» برای استهزا است.

ص: 406

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 92 - 1,3

1 - استهزای معبود های مشرکان از سوی ابراهیم (ع)، با توجه به ناتوانی آنها از سخن و گفتوگو

ما لکم لاتتلقون

3 - مشرکان عصر ابراهیم، پرستشگر معبودهایی ناتوان از خوردن و گفتوگو کردن

فقال ألا تأکلون . ما لکم لاتتلقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 4 - 4

4- ناتوانی بت ها و معبود های مشرکان، از آفرینش موجودات زمینی و مشارکت در خلقت و تدبیر امور آسمان ها

ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرك في السموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 5 - 3

3- ناتوانی بت ها از شنیدن و اجابت نیایش مشرکان، دلیلی واضح بر بیهودگی عبادت آنها

و من أضلّ ممّن يدعوا... من لا يستجيب... و هم عن دعائهم غفلون

339- عدم ادراک بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 42 - 6

6- فقدان ادراک بت ها و ناتوانی آنها در بر آورده ساختن نیاز ها و جلوگیری از گزند ها، استدلال ابراهیم (ع) بر نارو بودن بت پرستی

يأبت لِمَ تعبد ما لا يسمع و لا يبصر و لا يغني عنك شيئاً

«إغناء» (مصدر «لا يغني») به معنای کفایت کردن و بازداشتن است. (برگرفته از «لسان العرب») و جمله «لا يغني عنك شيئاً»، یعنی از تو چیزی را دفع نکرده و تو را از آن کفایت نمی کند.

340- قربانی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 4

4 - مشرکان ذبایحی را برای بت ها و به نام آنها قربانی می کردند .

و ما اهل به لغیر الله

ص: 407

آوردن فعل ماضی «أهل» حکایت از وقوع ذبح برای غیر خدا و به نام غیر او داشته و به ذبح حیوانات برای بتها و به نام آنها - که در جاهلیت مرسوم بوده - اشاره دارد.

341- قیاس بت ها با عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 58 - 6، 1

1 - مجادله مشرکان مکه با پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در مقایسه معبود های خویش با عیسی (ع)

وقالوا ألهتنا خیر أم هو

6 - مقایسه میان بت ها و عیسی بن مریم (ع) ، حرکتی جدلی از سوی مشرکان مکه

ما ضربوه لک إلاّ جدلاً

در مکتب پیامبر (صلی الله علیه و آله) سخن از الوهیت عیسی (ع) به میان نیامده بود تا مشرکان او را با آلهه خود مقایسه کنند.

342- کری بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 72 - 2

2 - یادآوری ابراهیم (ع) به قوم خویش مبنی بر ناتوانی بت ها حتی از شنیدن دعای آنان

قال هل یسمعونکم إذ تدعون

استفهام در «هل یسمعونکم» انکاری است. بنابراین مفاد سؤال ابراهیم (ع) چنین می شود: با این که بت ها درخواست های شما را نمی شنوند، چگونه به درگاه آنها نیایش می کنید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 5 - 3

3- ناتوانی بت ها از شنیدن و اجابت نیایش مشرکان ، دلیلی واضح بر بیهودگی عبادت آنها

و من أضلّ ممّن یدعوا... من لا یتجیب... و هم عن دعائهم غفلون

343- گواهان بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 29 - 1

1 - بت ها در قیامت ، خدا را شاهد می گیرند که از عبادت اهل شرک بی خبر بوده اند .

ص: 408

فكفى بالله شهيداً بيننا وبينكم إن كنا عن عبادتكم لغفلين

344- مخلوقیت بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 96 - 3

3 - مخلوق و مصنوع بودن بت ها ، دلیل عدم شایستگی آنها برای پرستش

قال أتعبدون ما تتحتون . و الله خلقكم و ما تعملون

345- مراتب بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 19 - 4

4 - « لات » و « عزی » در مرتبه بالاتر از « منات » ، در نزد عرب جاهلی *

أفرءیتم اللّٰت و العزّٰی

از تقدیم «لات و عزی» و توصیف منات به «الثالته» (سومی)، مطلب بالا به استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 20 - 3

3 - « منات » ، در مرتبه ای پایین تر از « لات » و « عزی » در نزد عرب جاهلی

أفرءیتم اللّٰت و العزّٰی . و منوه الثالته الأخری

از تأخیر «منات» و توصیف آن به «الثالته» (سومی)، مطلب بالا استفاده می شود.

346- منفعت رسانی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 73 - 1

1 - یادآوری ابراهیم (ع) به قوم خویش ، مبنی بر ناتوانی بت ها در رساندن سود یا زیان به انسان ها

أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يُضَرُّونَ

ص: 409

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 78 - 6

6 - تدبیر حیات بشر ، به دست آفریدگار او است و نه بت های ناتوان .

هل یسمعونکم . . . فإتّهم عدوُّ لی . . . الذی خلقنی فهو یهدین

«فاء» تفریحیه در «فهو یهدین» می رساند که تدبیر و هدایت، مترتب بر خلقت است و کار تدبیر از آفرینش جدا نیست تا این که خدا خالق باشد؛ ولی تدبیر امور انسان ها به دست موجودات دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 81 - 2

2 - تذکر ابراهیم (ع) به قوم بت پرست خود ، مبنی بر نبود کمترین نقش برای بت ها در مرگ و حیات آدمی

والذی یمیتنی ثمّ یحیی

ص: 410

1- آثار بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 13، 12، 18

12 - دارایی های بخیلان در قیامت ، به صورت طوقی به گردنشان آویخته خواهد شد .

سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمه

13 - آویخته شدن دارایی های بخیلان در قیامت بر گردن آنان ، تبلور شرّ و زیان بخلورزی ایشان

بل هو شرّ لهم سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمه

جمله «سیطوقون ما بخلوا . . .» ، تفسیر کلمه «شرّ» است: یعنی به دوش کشی تمام داراییها در قیامت شرّی است که دامنگیر بخیلان خواهد شد. برداشت فوق بر این اساس است که معنای ظاهری «سیطوقون . . .» مراد باشد.

18 - بخیلان در قیامت ، بار سنگین گناه بخل خویش را به دوش خواهند کشید .

سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمه

برخی برآنند که معنای ظاهری «سیطوقون . . .» اراده نشده است، بلکه کلمه ای همانند وبال و گناه، قبل از «ما بخلوا» مقدر است. یعنی وبال گناه بخل خویش را به دوش خواهند کشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 37 - 17، 12

12 - بخیلان و دعوت کنندگان مردم به بخل ، کافر هستند .

الذین یبخلون و یأمرون الناس بالبخل . . . و اعتدنا للكافرين

17 - بخلورزی ، کفران نعمت های الهی است .

الذین یبخلون . . . و اعتدنا للكافرين عذاباً مهیناً

با توجه به معنای لغوی کافر (ناسپاس)، می توان گفت مراد از کفران، ناسپاسان هستند که مصداق آن در آیه، همان بخیلانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 39 - 3

3 - بخل و ریاکاری ، نشانه کفر به خدا و قیامت است .

الذین یبخلون . . . و ماذا علیهم لو امنوا باللّٰه و الیوم الآخر و انفقوا

ضمیر در «علیهم» به «الذین یبخلون» برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 128 - 12

12 - بخل و آزمندی ، از عوامل مهم ناهمسازی و مانع عمده صلح و آشتی است .

و الصلح خیر و احضرت الانفس الشح

«شح»، بخل همراه با حرص و آزمندی است. ظاهراً عنوان کردن بخل پس از صلحی که مستلزم گذشت از حقوق است، بیانگر این معناست که اگر صلح را نپذیرفتید، بدانید که بخل مانع آن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 77 - 1

1 - پیامد بخل ورزی منافقان از پرداخت صدقات ، گرفتار شدن آنان به نفاقی مزمن تا دم مرگ

فأعقبهم نفاقاً فی قلوبهم إلی یوم یلقونه

«فأعقبهم» تفریع بر فراز پیشین است؛ یعنی، منافقان در پی امتناع از پرداخت صدقات - علی رغم پیمانی که با خدا بسته بودند - مبتلا به نفاقی شدند که تا دم مرگ آنان را رها نخواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 29 - 6

6- بخل ، باعث سرزنش و زیاده روی در انفاق ، عامل ناتوانی و حسرت انسان در زندگی است .

و لاتجعل یدک . . . و لاتبسطها کلّ البسط فتتعد ملوماً محسوراً

برداشت فوق بنابرین نکته است که «ملوماً» به «لاتجعل یدک مغلوله» و «محسوراً» به «لاتبسطها» نظر داشته باشد و نیز بنابرین است که «محسوراً» به معنای جدا شدن شخص از امکانات خویش باشد و مایه حسرت او گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 19 - 2

2 - کم شرکت کردن منافقان در جبهه جهاد مسلمانان ، به خاطر بخل آنان به مسلمانان بود .

لایأتون البأس .. أشحه علیکم

«أشحه» جمع «شحیح» است. «شح» - ریشه أشحه - در لغت، به معنای «بخل حریصانه» است (مفردات راغب). لازم به ذکر است که «أشحه» حال برای ضمیر فاعلی فعل «یأتون» در آیه پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 412

3- بخلورزی مردم از انفاق داوطلبانه ، گواه ناخشنودی عمیق آنان از موظف شدن به پرداخت قهری اموال *

إن یسئلكموها فیحفکم . . . و یخرج أضغثکم . هأنتم هؤلاء تدعون لتنفقوا فی سبیل ال

از ارتباط این آیه با آیه قبل ، این معنا استفاده می شود که خداوند ، بخل مردم را از انفاق داوطلبانه در راه او ، نمونه ای از موضع گیری مردم در برابر پرداخت مال از روی ناگزیری و در پی اصرار دانسته است . در این صورت واژه «تدعون» اشاره به دعوت و ارشاد خواهد بود و «یسئلكموها فیحفکم» اشاره به طلب مصرانه و قهری .

7- بخل از انفاق در راه خدا ، مایه خسارت خود انسان

و من یبخل فإتما یبخل عن نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 16 - 17

17 - انفاق ، عامل مهم رستگاری و بخل و حرص ، مانع از آن است .

أنفقوا . . . و من یوق شح نفسه فأولئك هم المفلحون

از ارتباط میان موضوع انفاق و بخل و حرص و نیز مسأله رستگاری - که همراه با قصر (فأولئك هم) ادا شده است - می توان مطلب بالا را به دست آورد .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 27 - 3

3 - بخل و محروم کردن بینوایان از اموال خویش ، از عوامل زوال نعمت و محرومیت صاحبان ثروت و مکت

أن لا یدخلنَّها الیوم علیکم مسکین . . . بل نحن محرومون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 29 - 1،4

1 - توبه و پشیمانی باغداران یمنی ، پس از مشاهده نابودی محصولات از بخلورزی و محروم ساختن بینوایان

قالوا سبحن ربنا إنا كنا ظلمین

4- اعتراف باغداران یمنی ، به ستمکار بودن خویش بر اثر بخل ورزی و محروم ساختن بینوایان

إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 30 - 3

3- بخلورزی و نپرداختن سهم بینوایان از اموال خویش ، در پی دارنده سرنوشتی ملامت آور

فَأَقْبِلْ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتْلُمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 31 - 3

ص: 413

3 - بخلورزی و محروم ساختن بینوایان از اموال خویش ، طغیان و تجاوز از حدود الهی است .

أَن لَّيَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ . . . إِنَّا كُنَّا طٰغِيْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 33 - 2

2 - بخل و محروم ساختن بینوایان از اموال خویش ، زمینه ساز کیفر و عذاب الهی در دنیا و آخرت

أَن لَّيَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ . . . كَذٰلِكَ الْعَذَابُ وَلِ الْعَذَابِ الْآخِرِ اَكْبَرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 9 - 3

3 - بخلورزی ، ترک انفاق و احساس بی نیازی از پاداش های الهی ، نشانه بی اعتمادی به وعده های خداوند است .

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ وَكَذَّبَ بِالْحَسَنَىٰ

از عطف این آیه بر آیه قبل - چه عطف سبب بر مسبب باشد و چه عکس آن - برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 10 - 6,9

6 - بخلورزی و احساس بی نیازی از پاداش های الهی و تکذیب آن ، مایه محرومیت از امداد های خداوند در دنیا و گرفتاری به فرجامی

سخت در آخرت است .

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ . وَكَذَّبَ بِالْحَسَنَىٰ . فَسَنِيْسِرُهُ لِّلْعَسْرَىٰ

مراد از «عسری» - به قرینه آیه بعد - زمان سقوط و هلاکت است و بر دنیا و آخرت تطبیق می کند. آیه «وَأَنَّ لَنَا الْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ» نیز مؤید

تعمیم به آن دو است.

9 - «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ « . . . فَسَنِيْسِرُهُ لِّلْعَسْرَىٰ » قَالَ : لَا يَرِيدُ شَيْئًا مِنَ الشَّرِّ إِلَّا يَسِرُّهُ لَهُ ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدای عزوجل «فَسَنِيْسِرُهُ لِّلْعَسْرَىٰ»، روایت شده که فرمود: [هرکه بخل ورزد و خود را از خدا بی نیاز بیند و

نیکوترین پاداش الهی را تکذیب کند]، درباره انجام دادن هیچ شری تصمیم نمی گیرد؛ جز آن که خداوند آن را برای او آسان می سازد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 11 - 2

2 - بخلورزی ، و زراندوزی و تکذیب وعده های خداوند ، زمینه ساز سقوط و هلاکت

و أمّا من بخل . . . إذا تردّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 13 - 4

4 - خداوند ، بی نیاز از انفاق ، تقوا و ایمان مردم و مصون از آسیب بخلورزی و تکذیب گری ثروت اندوزان *

فأما من أعطى . . . و أمّا من بخل . . . وإنّ لنا للأخره والأولى

ص: 414

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 14 - 3

3 - بخل و ثروت اندوزی حاصل از آن و تکذیب وعده های خداوند ، زمینه ساز گرفتاری به آتش برافروخته دوزخ

و أمّا من بخل و استغنی . و کذب ... فأنذرتکم نارًا تلظى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 16 - 3

3 - بخل و ثروت اندوزی حاصل از آن و تکذیب پاداش های الهی ، زمینه ساز تکذیب حکم انفاق و خودداری از صرف مال در راه تزکیه نفس

و أمّا من بخل .. الذی کذب و تولّى

ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر اتحاد «من بخل..» با «الذی کذب...» است و ارتباط آن با آیات بعد - که از اعطای مال به قصد تزکیه سخن گفته است - قرینه بر این است که علاوه بر تکذیب هدایت و انذار؛ تکذیب حکم انفاق نیز مراد است.

2- آثار بخل منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 76 - 7

7 - بخل ورزی منافقان صدر اسلام از پرداخت صدقات ، روی گردانی از تعهد و اعراض از قرار گرفتن در صف صالحان بود .

و منهم من عهد الله . . . و تولوا و هم معرضون

3- آثار ترک بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 16 - 14

14 - پاک ساختن نفس از آلودگی به بخل و حرص ، موجب رستگاری بشر

و من یوق شح نفسه فأولئک هم المفلحون

4- آمران به بخل

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

18 - حدید - 57 - 24 - 3

ص: 415

3- انسان های خودپسند فخر فروش ، نه تنها خود بخیل اند ؛ بلکه دیگران را نیز به بخلورزی فرمان می دهند .

كَلِّمْتَالْفَخْر . الذین یبخلون و یأمرون الناس بالبخل

5- اجتناب از بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 29 - 2

2- مؤمنان ، وظیفه دار پرهیز از بخل و خودداری از ادای حق خویشان و مستمندان

و ءات ذالقربی حقّه . . . و لاتجعل یدک مغلوله الی عنقک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 24 - 5

5- توصیه خداوند به انسان ها ، مبنی بر انفاق کردن و پرهیز از بخل

الذین یبخلون و یأمرون الناس بالبخل

نکوهش صفت بخل از سوی خداوند، در واقع توصیه به این است که همگان، باید خود را به صفت انفاق گری و دستگیری از نیازمندان آراسته سازند.

6- اعلام بخل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 100 - 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، وظیفه دار متذکر شدن و به رخ کشیدن خصلت بخل مشرکان به آنان

قل لو أنتم تملکون خزائن رحمة ربی إذا لأمسکتهم خشیه الإنفاق

این برداشت، مبتنی بر این است که مخاطبان آیه، با توجه به آیات قبل، کافران باشند.

7- بخل اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 24 - 3

3 - مال دوستی و بخل شدید باغداران یمنی

أن لا یدخلتها الیوم علیکم مسکین

ص: 416

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 29 - 1،4

1 - توبه و پشیمانی باغداران یمنی ، پس از مشاهده نابودی محصولات از بخلورزی و محروم ساختن بینوایان

قالوا سبحن ربنا إنا كنا ظلمین

4 - اعتراف باغداران یمنی ، به ستمکار بودن خویش بر اثر بخل ورزی و محروم ساختن بینوایان

إنا كنا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 31 - 1

1 - تأسف شدید باغداران یمنی از کردار خویش (بخلورزی و نپرداختن سهم بینوایان از محصولات)

قالوا یویلنا

8- بخل انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 128 - 11

11 - جان آدمیان ، عجین با بخل و آزمندی

واحضرت الانفس الشح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 100 - 14،13،10،5،4

4- انسان ها ، حتی با مالک بودن تمامی خزاین رحمت پروردگار ، باز هم گرفتار بخل و نگران تهی دستی خویشند .

قل لو أنتم تملکون خزائن رحمة ربی إذا لأمسکتهم خشية الإنفاق

با توجه به اینکه خداوند، خصلت بخل را برای تمامی انسانها دانسته است (و کان الإنسان قتوراً) احتمال دارد که مخاطب (لو أنتم تملکون) تمامی انسانها باشند.

5- انسان ها ، هر چند دارای ثروت و مکنت فراوان باشند ، باز هم گرفتار بخل بوده و دست از آن برنمی دارند .

قل لو أنتم تملكون خزائن رحمة ربِّي إذا لمسكتم خشية الإنفاق

10- کثرت مال ، تأثیری در گرایش انسان به انفاق و پرهیز از روحیه بخلورزی ندارد .

لو أنتم تملكون . . . لأمسكتم خشية الإنفاق

13- انسان ها ، دارای روحیه خست و بخلند .

و كان الإنسن قتورًا

«قتور» صیغه مبالغه از «قتر» به معنای خودداری از پرداخت نفقه و اکتفا کردن به حداقل و قوت ناچیز است (مفردات راغب).

14- بخل ، دارای ریشه در نهاد بشر و خصلتی نیرومند در نوع انسانها

و كان الإنسن قتورًا

ص: 417

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 37 - 2

2- بخل و امتناع انسان ها از انفاق تمامی اموال ، حتی در صورت تأکید خداوند به انفاق آن

إن یسئلکموا فیحکم تبخلوا

بنابراین که مراد از «أموالکم» در آیه قبل - که مرجع ضمیر «ها» در «إن یسئلکموا» است - تمامی اموال باشد، برداشت یاد شده استقاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 16 - 15

15 - بخل و حرص ، عجین شده در جان بشر و برخاسته از طبیعت او است .

و من یوق شح نفسه

مطلب یاد شده، از اضافه «شح» به «نفسه» به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 21 - 2، 1

1 - انسان ، به هنگام دستیابی به خیر و خوبی ، از بهره مند شدن دیگران از آن به شدت منع می کند .

و إذا مسَّه الخیر منوعاً

2- بخلورزی و خودداری از رسیدن خیر به دیگران ، از ویژگی های انسان

و إذا مسَّه الخیر منوعاً

9- بخل ثعلبه بن حاطب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 76 - 9

9 - از امام باقر (ع) درباره آیه « و منهم من عاهد الله . . . » روایت شده : « هو ثعلبه بن حاطب بن عمرو بن عوف کان محتاجاً فعاهد الله

فلما آتاه الله بخل به ;

کسی که در زمان نیازمندی با خدا پیمان بست [که اگر از فضل خدا برخوردار شود صدقه دهد . . .] و آن گاه که خدا به او عطا کرد بخل ورزید، ثعلبه بن خاطب عمرو بن عوف بود».

10- بخل در انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 418

5- بخلورزی انسان از انفاق های اندک ، گواه بخلورزی عمیق تر وی از انفاق کل اموال حتی با فرمان اُکید الهی

إِنْ يَسْئَلْكُمْ مَوَالِيكُمْ فَبِحِفْظِكُمْ تَبَخَّلُوا .. تَدْعُونَ لَتَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ

برداشت بالا- بنابراین نکته است که تمایز «تدعون لتنفقوا» با «إن يسئلكمواها» در این باشد که در اولی، بعضی از اموال، مورد نظر و در تعبیر دوم کل اموال لحاظ شده باشد.

6- بخل از انفاق در راه خدا ، دامنگیر برخی از مؤمنان و مورد نکوهش الهی

هَأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَدْعُونَ لَتَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ

از لحن نکوهش آمیز این آیه، مطلب بالا برداشت می شود.

7- بخل از انفاق در راه خدا ، مایه خسارت خود انسان

وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلُ عَنِ نَفْسِهِ

11- بخل در خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 19 - 19

19 - منافقان مدینه در کار خیر ، بخیل بودند .

أَشْحَه عَلَى الْخَيْرِ

12- بخل دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 8 - 5

5 - دشمنان دین ، به دلیل علاقه وافر به مال ، گرفتار بخل و امساک حقوق خداوند

وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ

کلمه «شدید» - چنان که در قاموس آمده - گاه به معنای «بخیل» است. در صورتی که این معنا در آیه مراد باشد، حرف «لام» در «لحبّ الخیر» لام تعلیل خواهد بود؛ یعنی، به خاطر حبّ مال.

13- بخل فخر فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 24 - 3

3- انسان های خودپسند فخر فروش ، نه تنها خود بخیل اند ؛ بلکه دیگران را نیز به بخلورزی فرمان می دهند .

ص: 419

14- بخل قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 77 - 8

8- « عن أبي جعفر (ع) عن رسول الله (صلى الله عليه وآله) قال جبرئيل : ان قوم لوط كانوا اهل قريه لا يتنظفون من الغائط و لا يتطهرون من الجنابه بخلاء أشحاء على الطعام و ان لوطاً لبث فيهم ثلاثين سنه و إنما كان نازلاً عليهم و لم يكن منهم ... » ;

از امام باقر(ع) از رسول خدا(صلى الله عليه وآله) روایت شده که جبرئیل گفت: قوم لوط اهل قریه ای بودند که خود را از غائط پاک نمی کردند و برای جنابت غسل نمی کردند. مردمی بخیل و بر خوردن حریص بودند. لوط در بین آنان سی سال درنگ کرد. او وارد بر آنان بود و از آنان نبود...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 78 - 24

24- « عن أبي جعفر (ع) : إن قريه قوم لوط كانت على طريق السيّاره إلى الشام و مصر فكانت السيّاره تنزل بهم فيضيّقونهم . . . فدعاهم البخل إلى أن كانوا إذا نزل بهم الضيف فضحوه . . . و إنما كانوا يفعلون ذلك بالضيف حتى ينكل النازل عنهم . . . فأورثهم البخل بلاء لا يستطيعون دفعه عن أنفسهم . . . حتى صاروا يطلبونه من الرجال في البلاد و يعطونهم عليه الجعل . . . » ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که آبادی لوط بر سر راه مسافرانی بود که به شام و مصر می رفتند. کاروانیان بر آن قوم وارد می شدند و مهمانشان می شدند. بخل آنان سبب شد که هر گاه مهمان بر آنان وارد می شد [با انجام عمل زشت] رسوایشان می کردند... و این کار را بدین جهت انجام می دادند که مهمان از آنان بهراسد و باز گردد. پس بخل سبب شد که آنان مبتلا به بلایی شدند (مرض ابنه) نمی توانستند آن را از خود دور کنند... تا آن جا که از مردان شهر هادفع آن بلا را درخواست می کردند و به آنها اجرت می پرداختند...».

15- بخل متکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 24 - 3

3 - انسان های خودپسند فخر فروش ، نه تنها خود بخیل اند ؛ بلکه دیگران را نیز به بخلورزی فرمان می دهند .

16- بخل مدعیان انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 14 - 2

2 - مدعیان دروغین انفاق ، با پیدایش گرسنگی های فراگیر ، از اطعام بخل ورزیده ، مواد غذایی را احتکار می کنند .

يقول أهلكت مالا لبداً .. فلاقتحم العقبه ... أو إطعم في يوم ذي مسغبه

17- بخل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 100 - 3

3- مشرکان از ترس گرفتار شدن به فقر و فلاکت ، هر چند ثروت اختصاصی انبوه هم داشته باشند ، از آن انفاق نمی کنند .

قل لو أنتم تملكون خزائن رحمة ربّي إذا لمسكتم خشية الإنفاق

18- بخل منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 67 - 10

10 - منافقان ، مردمی دارای خصلت بخل و امتناع از انفاق در راه خدا

المنفقون والمنفقت . . . و يقبضون أيديهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 76 - 1

1 - بخل ورزی منافقان از پرداخت صدقات به هنگام برخوردار شدن از مال و فضل الهی ، علی رغم تعهدشان با خدا

و منهم من عهد الله . . . فلما آتاهم من فضله بخلوا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 77 - 1

1 - پیامد بخل ورزی منافقان از پرداخت صدقات ، گرفتار شدن آنان به نفاقى مزمن تا دم مرگ

فَأَعْقِبَهُمْ نِفَاقًا فِى قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ

«فَأَعْقِبَهُمْ» تفریع بر فراز پیشین است؛ یعنی، منافقان در پی امتناع از پرداخت صدقات - علی رغم پیمانی که با خدا بسته بودند - مبتلا به نفاقى شدند که تا دم مرگ آنان را رها نخواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 421

6 - منافقان ، خود بخیلند و انفاق دیگران را هم به استهزا می گیرند .

فلما آتیهم من فضله بخلوا به .. الذين يلمزون المطوعين من المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 19 - 2، 1

1 - منافقان ، از هر نوع کمکی به جهاد مسلمانان ، خودداری می کردند .

و لایأتون .. أشحّه علیکم

«أشحّه» اگر چه در لغت، به معنای بخل آمده است، اما استعمال مجازی آن در منع از کمک و یاری و اعانت نیز آمده است. برداشت بالا، با عنایت به استعمال مجازی آن است.

2 - کم شرکت کردن منافقان در جبهه جهاد مسلمانان ، به خاطر بخل آنان به مسلمانان بود .

لایأتون البأس .. أشحّه علیکم

«أشحّه» جمع «شحیح» است. «شح» - ریشه أشحّه - در لغت، به معنای «بخل حریصانه» است (مفردات راغب). لازم به ذکر است که «أشحّه» حال برای ضمیر فاعلی فعل «یأتون» در آیه پیشین است.

19- بخل منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 19 - 14، 19

14 - منافقان مدینه ، در سختی و آسایش ، به مسلمانان ، بخل میورزیدند .

و لایأتون البأس إلاّ قليلاً . أشحّه علیکم ... فإذا ذهب الخوف سلقوكم بألسنه حداد

19 - منافقان مدینه در کار خیر ، بخیل بودند .

أشحّه علی الخیر

20- بخل یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - بخل شدید و انحصار طلبی یهودیان

فاذاً لا یؤتون الناس نقیراً

ظاهراً منظور از کلمه «النَّاس»، غیر یهودیان هستند؛ به قرینه آیه بعد: «ام یحسدون النَّاس»، بنابر این معنای جمله «فاذاً ..» چنین می شود: یهودیان منافع دنیا را از دیگر مردمان دریغ می دارند و در انحصار خویش ننگه می دارند.

ص: 422

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 64 - 5.6

5 - گرفتاری یهودیان به بخل و خودداری آنان از انفاق و یاری دیگران ، نفرین خداوند بر آنان

غلت ایدیه‌م

جمله «ینفق کیف یشاء» دلالت می‌کند که از مصادیق مورد نظر در نفرین الهی بر یهود (غلت ایدیه‌م) بسته بودن دست آنها از انفاق و بخیل گشتن آنهاست.

6 - یهود ، مردمی ناتوان ، در مانده و بخیل

غلت ایدیه‌م

جمله «غلت ایدیه‌م» چه اخبار باشد و چه نفرین، در هر صورت دلالت بر تحقق ناتوانی و یا بخل ورزی یهودیان دارد.

21- تنزیه از بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 16 - 16

16 - انفاق ، مبارزه با بخل و حرص است و انفاق گران مبرّا از آن هستند .

و أنفقوا . . . و من یوق شح نفسه

این مطلب از ارتباط میان موضوع انفاق و مسأله بخل و حرص، به دست می‌آید.

22- تهمت بخل به محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 26 - 3

3 - تصور وحی نبودن قرآن و تراوش آن از مغزی مجنون و یا شیطانی مطرود و پندار بخلورزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در بیان حقایق ، کژاندیشی و گم کردن راه حقیقت است .

فأین تذهبون

ممکن است استفهام در آیه شریفه، ناظر به توهمات باشد که مخالفان درباره قرآن و شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) داشتند. در این

صورت پرسش آیه این است که: فکر شما به کجا می رود و چه می پندارید؟! قرآن غیر آنچه گفته شد، نیست.

23- حرمت بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 17

ص: 423

17 - حرمت بخلورزی و نکوهش شدید خداوند از بخیلان

و لا يحسبنّ .. سيطوّقون ما بخلوا به يوم القيمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 37 - 13

13 - حرمت بخل ورزی و دعوت مردم به آن

الذين يبخلون و يأمرّون النّاس بالبخل .. و اعتدنا للكافرين عذاباً مهيناً

24- دعوت به بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 37 - 2،3،8،10،12،13

2 - خداوند ، کسانی را که مردم را به بخلورزی دعوت کنند ، دوست ندارد .

انّ الله لا يحبّ .. الذين يبخلون و يأمرّون النّاس بالبخل

3 - بخلورزی و دعوت دیگران به بخل ، از آثار تکبر و فخرفروشی

انّ الله لا يحبّ من كان مختالاً فخوراً. الذين يبخلون و يأمرّون النّاس بالبخل

8 - عذاب خوارکننده ، کیفر بخیلان و دعوت کنندگان به بخل

الذين يبخلون .. و اعتدنا للكافرين عذاباً مهيناً

مراد از کافران در آیه، یا خصوص بخیلان و آمران به بخل است و یا مصداق مورد نظر از آن.

10 - بخلورزی و دعوت دیگران به بخل و پنهان نمودن نعمت های خدادادی ، زمینه کفرورزی

الذين يبخلون .. و اعتدنا للكافرين

اطلاق کافر بر بخیل و .. یا بدین جهت است که بخیل در حقیقت کافر است، و یا هشدار به این است که سرانجام بخلورزی کفر است.

12 - بخیلان و دعوت کنندگان مردم به بخل ، کافر هستند .

الذين يبخلون و يأمرّون النّاس بالبخل .. و اعتدنا للكافرين

13 - حرمت بخل ورزی و دعوت مردم به آن

الذین یبخلون و یأمرون الناس بالبخل . . . و اعتدنا للكافرين عذاباً مهیناً

25- روش درمان بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 10,27

10 - درک صحیح انسان از خیر و شرّ خویش ، زمینه بخشش و انفاق از دارایی های خدادادی و پرهیز از بخل

ص: 424

و لا يحسبنّ الذين يبخلون بما اتيهم الله من فضله هو خيراً لهم بل هو شرّ لهم

27 - توجه به مالکیت مطلق خداوند و توجه به آگاهی او از اعمال آدمی ، آسان کننده انفاق و زمینه ساز پرهیز از بخلورزی

و لا يحسبنّ الذين يبخلون . . . و لله ميراث السموات و الارض و الله بما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 39 - 6

6 - توجه به خدادادی بودن دارایی ها ، تسهیل کننده انفاق و درمان کننده بخل

الذين يبخلون . . . و انفقوا مما رزقهم الله

هدف از بیان این حقیقت که اموال آدمی داده های خداوند است (رزقهم الله)، این است که انسان را به انفاق در راه خدا ترغیب کند و بخل را از وی بزدايد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 40 - 12

12 - توجه به آگاهی خداوند بر کوچکترین انفاق ، و پاداش عظیم خداوند به انفاقگران ، درمان بخل و ترک احسان

و انفقوا . . . و كان الله بهم عليماً. انّ الله لا يظلم مثقال ذره و ان تك حسنه

26- زشتی بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 37 - 7

7 - توجه به نقش فضل الهی در بهره مندی انسان از نعمت ها ، بیانگر زشتی بخل و پنهان ساختن داراییها

الذين يبخلون و يأمرون الناس بالبخل و يكتمون ما اتيهم الله من فضله

27- زمینه اجتناب از بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 30 - 5

5- توجه به نقش اصلی مشیت و تقدیر خدا در روزی انسان ها ، زمینه ساز اجتناب از بخل و افراط در انفاق به بخشش همه اموال و داراییهاست .

و لاتجعل یدک مغلوله إلی عنقک . . . إن ربک یبسط الرزق لمن یشاء

جمله «إن ربک . . .» در مقام تعلیل برای جمله «و لاتجعل یدک...» است. بنابراین مفهوم آیه چنین می شود: خداوند روزی رسان است، پس نباید از ترس تهیدستی، بخل ورزید و انفاق نکرد.

ص: 425

28- زمینه بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 37 - 3

3 - بخلورزی و دعوت دیگران به بخل ، از آثار تکبر و فخر فروشی

انّ الله لا يحبّ من كان مختالاً فخوراً. الذين يبخلون و يأمرون الناس بالبخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 8 - 92 - 4

4 - احساس بی نیازی از پاداش های موعود خداوند ، زمینه بخل ورزی و ترک انفاق

فأما من أعطى . . . و أمّا من بخل و استغنى

در برداشت یاد شده، عطف «استغنى» بر «بخل»، عطف سبب بر مسبب دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ماعون - 7 - 107 - 5

5 - بی اعتنایی به نماز ، زمینه ساز بازماندن انسان از کمک به مردم

عن صلاتهم ساهون . . . و يمنعون الماعون

29- زیان بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 13

13 - آویخته شدن دارایی های بخیلان در قیامت بر گردن آنان ، تبلور شرّ و زیان بخلورزی ایشان

بل هو شرّ لهم سیطوّقون ما بخلوا به یوم القیمه

جمله «سیطوّقون ما بخلوا . . .»، تفسیر کلمه «شرّ» است: یعنی به دوش کشی تمام داراییها در قیامت شرّی است که دامنگیر بخیلان خواهد شد. برداشت فوق بر این اساس است که معنای ظاهری «سیطوّقون ...» مراد باشد.

30- سرزنش بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 17، 25، 5

5 - توجه به از جانب خدا بودن دارایی ها ، آسان کننده انفاق و بخشش و بیانگر زشتی و شناعة بخلورزی

ص: 426

و لا يحسبنّ الذين يبخلون بما آتاهم الله من فضله

تذکر خداوند به اینکه داراییهای شما، فضلی از جانب اوست (بما آتاهم الله من فضله)، برای این هدف است که انفاق را بر آدمی آسان کند و زشتی بخل را بر او آشکار سازد.

17 - حرمت بخلورزی و نکوهش شدید خداوند از بخیلان

و لا يحسبنّ ... سيطوّقون ما بخلوا به يوم القيمة

25 - توجّه به خارج شدن تمام دارایی ها از دست انسان ، مایه شناخت زشتی بخل و ترک انفاق

و لا يحسبنّ الذين يبخلون ... و لله ميراث السموات و الارض

جمله «و لله ميراث السموات ...» ، بیانگر این نکته است که اموال از دست شما خارج و به خدا باز خواهد گشت. بنابراین چرا انفاق نمی کنید و خود را از ثواب و پاداش انفاق محروم می سازید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 100 - 11

11- بخل از انفاق ، به خاطر ترس از فقر و تهی دستی ، امری مذموم و نکوهیده است .

لو أنتم تملكون ... لأمسكتم خشية الإنفاق

از اینکه آیه در مقام مذمت و توبیخ انسانها و یا مشرکان به خاطر داشتن روحیه خست و بخل است؛ نکته فوق قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 38 - 6

6- بخل از انفاق در راه خدا ، دامنگیر برخی از مؤمنان و مورد نکوهش الهی

هأنتم هؤلاء تدعون لتنفقوا في سبيل الله فمنكم من يبخل

از لحن نکوهش آمیز این آیه، مطلب بالا برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 24 - 4

4- بخلورزی و توصیه مردم به آن ، امری بس ناپسند و نکوهیده

والله لا یحبّ .. الذین یبخلون و یأمرون الناس بالبخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 12 - 4

4- مانع خیر شدن و بخل ، صفتی مذموم و ناپسند

و لاتطع کلّ .. متّاع للخیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 8 - 2

2- حالت بخلورزی و ثروت اندوزی ، ناپسند و نقطه مقابل تقوا است .

ص: 427

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ . . . وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ

صاحب «العین» گفته است: فعل «استغنی»، به معنای «به ثروت رسید» است. براساس این معنا، «استغناء»؛ یعنی، ثروت اندوزی و باب استفعال بودن آن، بر مبالغه در ثروت مندی دلالت دارد.

31- سرزنش بخل در صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 76 - 6

6 - بخل ورزیدن از پرداخت صدقات پس از برخورداری از مال و فضل الهی ، خصلتی است منفی و منافقانه .

فلما آتاهم من فضله بخلوا به

32- سرزنش دعوت به بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 24 - 4

4 - بخلورزی و توصیه مردم به آن ، امری بس ناپسند و نکوهیده

والله لا يحبّ . . . الذین یبخلون و یأمرون الناس بالبخل

33- عوامل بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 9

9 - بخلورزی آدمی ، معلول شناخت نادرست وی از خیر و شرّ خویش

و لا یحسبنّ الذّین یبخلون . . . هو خیراً لهم بل هو شرّ لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 38 - 12

12 - تکبر ، بخل و ریاکاری ، پیامد همراهی شیطان با آدمی

مختلاً فخوراً. الذين يخلصون ... و الذين ينفقون اموالهم رياء الناس ... و من يكن ا

ظاهراً جمله «من يكن . . .» بیان ریشه و علت صفات ذکر شده در این آیه و آیات قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 428

9- ترس از تهی دستی ، ریشه بخل و خست است .

إذا لأمسکتکم خشیه الإنفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 19 - 20

20 - بخل ، ناشی از انگیزه ضربه زدن به طرف مقابل است .

و لایأتون البأس .. أشحّه علیکم ... سلقوکم بألسنه حداد أشحّه علی الخیر

«أشحّه» نخست، حال برای ضمیر فاعلی «لایأتون البأس» و «أشحّه» دوم، حال برای ضمیر فاعلی «سلقوکم» است. بنابراین، دلالت می کند که نیامدن منافقان به جهاد، به خاطر بخل به آنان بوده و زبان درازی آنان به مؤمنان، به هنگام بر طرف شدن خطر جنگ نیز به همان خاطر بوده است. چنین رفتاری، چیزی جز قصد آسیب زدن به مؤمنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 47 - 5

5- کفر ، موجب بخل و مانع از انفاق به مستمندان و دستگیری از آنان است .

أنفقوا ممّا رزقکم اللّٰه قال الذین کفروا للذین ءامنوا أنطعم من لو یشاء اللّٰه أطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ماعون - 107 - 7 - 2

2- بی اعتقادی به معاد و پاداش و کیفر الهی ، مایه بی تفاوتی انسان در برابر ضروریات زندگی مردم

أرءیت الذی یکذّب بالذین .. و یمنعون الماعون

34- عوامل زوال بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 38 - 8

8- توجّه به تقدیر روزی انسان ها از سوی خداوند، از بین برنده روحیه بخل و تنگ نظری است .

أولم يروا أنّ الله... فأت ذا القربى حقه

35- کيفر بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 30

ص: 429

30 - عذاب سخت الهی در قیامت، فرجام بخلورزی و عدم انفاق از دارایی های فزون بر نیاز

و لا یحسبنّ الذّین یبخلون بما اتیهم اللّٰه من فضله

رسول الله (صلی الله علیه و آله): ما من ذی رحم یأتی ذا رحمه فیسأله من فضل ما اعطاه الله ایاه فیبخل علیه الا یرج له یوم القیامه من جهنّم شجاع یتلمّظ حتی یطوّقه. ثم قرأ «و لا یحسبنّ ...».

الدر المنثور، ج 2، ص 395.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 77 - 12

12 - بخل، روی گردانی از حق، پیمان شکنی و دروغ، گناه و دارای کیفر

فلما ءاتیهم ... بخلوا به و تولوا ... بما أخلفوا اللّٰه ... و بما كانوا یكذبون

36- گناه بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 18

18 - بخیلان در قیامت، بار سنگین گناه بخل خویش را به دوش خواهند کشید.

سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمه

برخی بر آنند که معنای ظاهری «سیطوقون ..» اراده نشده است، بلکه کلمه ای همانند وبال و گناه، قبل از «ما بخلوا» مقدر است. یعنی وبال گناه بخل خویش را به دوش خواهند کشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 77 - 12

12 - بخل، روی گردانی از حق، پیمان شکنی و دروغ، گناه و دارای کیفر

فلما ءاتیهم ... بخلوا به و تولوا ... بما أخلفوا اللّٰه ... و بما كانوا یكذبون

37- مبارزه با بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 16 - 16

16 - انفاق ، مبارزه با بخل و حرص است و انفاق گران مبرّا از آن هستند .

وأنفقوا .. و من یوق شح نفسه

این مطلب از ارتباط میان موضوع انفاق و مسأله بخل و حرص، به دست می آید.

ص: 430

38- مبعوضیت آمران به بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 24 - 1

1 - خداوند ، انسان های بخیل و نیز کسانی که مردم را به بخلورزی فرمان می دهند ، دوست ندارد .

والله لا یحبّ کلّ مختال فخور . الذین یبخلون

«الذین یبخلون...» بدل برای «کل مختال» و مرتبط با فعل «لا یحبّ» است. تقدیر آن چنین می شود: «والله لا یحبّ الذین یبخلون...».

39- محمد (صلی الله علیه و آله) و بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 24 - 3,5

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در ابلاغ پیام الهی و آموختن قرآن به مردم ، بخل نمیورزید .

و ما هو علی الغیب بضنین

مراد از «الغیب»، معارف قرآن است که فرشته وحی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) می آورد و دیگران به آن، جز از طریق پیامبر (صلی الله علیه و آله) دست رسی نداشتند. کلمه «بضنین» از ریشه «ضنَّه» (بخلورزی به چیزی ارزشمند) گرفته شده است. (مفردات راغب)

3 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، معارف غیبی را در انحصار خود قرار نمی داد و از آموختن آن به دارندگان شرایط ، امتناع نمیورزید .

و ما هو علی الغیب بضنین

5 - بخیل نبودن و امتناع نورزیدن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ابلاغ تمام آیات قرآن به مردم ، ضامن مخفی نماندن هیچ آیه ای از آن است .

و ما هو علی الغیب بضنین

40- مصونیت از بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 22 - 3

3 - نمازگزاران ، منزه از بخلورزی و امساک از رساندن خیر و خوبی به دیگران

وإذا مسّه الخیر منوعًا . إلاّ المصلّین

41- معرضان از بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 431

12 - دوری گزیدگان از بخل و حرص ، رستگاران واقعی اند .

و من یوق شح نفسه فأولئك هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 16 - 13

13 - کسانی که روح و جانشان از آلودگی به بخل و حرص پاک است ، قطعاً رستگارانند .

و من یوق شح نفسه فأولئك هم المفلحون

«شح» به معنای بخل و حرص و یا بخل همراه حرص است (برگرفته از قاموس المحيط و مفردات راغب).

42- منشأ بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 39 - 2

2 - ترغیب آدمیان به تأمل کردن در ریشه بی ایمانی و بخلورزی خویش *

ماذا علیهم لو امنوا بالله و الیوم الآخر و انفقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 17 - 11

11 - شکرگزاران، رهپویان صراط مستقیم الهی هستند.

لأقعدن لهم صرطک المستقیم . . . لاتجد أكثرهم شکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 100 - 14

14 - بخل ، دارای ریشه در نهاد بشر و خصلتی نیرومند در نوع انسانها

و کان الإنسن قنورا

2- بخلورزی و توصیه دیگران به آن، زاییده کبر و خودپسندی است .

کلّ مختال فخور . الذین یبخلون و یأمرون الناس بالبخل

تقدیم «کلّ مختال» بر «الذین یبخلون..»، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که عجب و خودپسندی، ریشه بخل است و انسان های بخیل، در ابتدا گرفتار عجب می شوند. سپس آن صفت ناپسند، باعث می شود که آنان از دستگیری دیگران و انفاق برای آنان، امساک ورزند.

ص: 432

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 21 - 3

3 - بخلورزی و دریغ داشتن از رسیدن خیر به دیگران، برخاسته از خصلت حرص و آزمندی است.

إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلْقٌ هَلُوعًا... وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 8 - 6

6 - مال دوستی، از ریشه های بخل است.

لِحَبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٍ

43- منشأ دعوت به بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 24 - 2

2 - بخلورزی و توصیه دیگران به آن، زاییده کبر و خودپسندی است.

كُلٌّ مَخْتَالٌ فَخُورٌ. الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبَخْلِ

تقدیم «کُلٌّ مَخْتَالٌ» بر «الَّذِينَ يَبْخُلُونَ...»، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که عجب و خودپسندی، ریشه بخل است و انسان های بخیل، در ابتدا گرفتار عجب می شوند. سپس آن صفت ناپسند، باعث می شود که آنان از دستگیری دیگران و انفاق برای آنان، امساک ورزند.

44- موارد بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 7

7 - پرداخت نکردن هزینه جهاد، از موارد بخل است.

وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ

چون آیه مورد بحث پس از آیات جهاد آمده، بیانگر این نکته است که از مصادیق مورد نظر برای «الَّذِينَ يَبْخُلُونَ...»، کسانی هستند که

از پرداخت هزینه جهاد امتناع کرده و بخل ورزیده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 24 - 7

7 - امساک دانش از دیگران و کتمان علوم الهی ، بخل است .

ص: 433

45- موانع بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 47 - 6

6 - توجّه و اعتقاد به خدادادی بودن اموال و دارایی ها ، برانگیزاننده انسان به انفاق و دوری از بخل است .

و إذا قیل لهم أنفقوا ممّا رزقکم اللّٰه

برداشت یاد شده براساس این نکته است که آیه شریفه، درصدد ترغیب و تشویق به انفاق است. گفتنی است که تصریح به منشأ خدایی داشتن اموال انسان، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 9 - 13

13 - ایمان و امداد های معنوی خداوند ، بازدارنده انسان از بخل و آز *

و من یوق شحّ نفسه

از مجهول آمدن «یوق»، استفاده می شود که عامل بازدارنده، عاملی است ورای خود انسان و احتمال می رود آن عامل، ایمان و امدادهای معنوی حق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 28 - 9، 7

7 - خردمندی و اعتدال ، برانگیزاننده آدمی به دستگیری از مستمندان و مانع از بخل و مال دوستی است .

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبّحون

از این که برادر عاقل و معتدل، دیگر برادرانش را به انفاق و دستگیری از مستمندان ترغیب کرد، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

9 - تسبیح و یاد خدا ، برانگیزاننده آدمی به انفاق و دستگیری از مستمندان و مانع بخل و مال دوستی

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبّحون

توصیه به تسبیح و یاد خداوند، درباره ادای سهم فقیران (لولا تسبیحون)، می رساند که آن دو در برانگیختن آدمی به انفاق و دوری از بخل، مؤثر است و نقش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 33 - 7

7 - آگاهی و ایمان به قیامت و عظمت عذاب و کیفر الهی در آن روز، بازدارنده آدمی از گناه (بخل ، محروم ساختن بینویان از اموال خویش و...)

كذلك العذاب .. لو كانوا يعلمون

ص: 434

خداوند، در پایان نقل ماجرای «اصحاب الجَنَّة»، مردم کافر را به عذاب و پیامد هلاکت بار دنیوی و اخروی تهدید کرد. از این بیان، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 4 - 24 - 70

4 - انفاق و اختصاص دادن مقدار معینی از اموال خویش به نیازمندان جامعه، تعدیل کننده غرایز و تأثیرگذار در اخلاق بشر (حرص، بخل، ناشکیبایی و...)

إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلْقٌ هَلُوعًا... إِلَّا الْمَصْلِينَ... وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 2 - 26 - 70

2 - اعتقاد به روز جزا، تعدیل کننده غرایز و تأثیرگذار در خُلق و خوی بشر (حرص، بخل، ناشکیبایی و...)

إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلْقٌ هَلُوعًا... إِلَّا الْمَصْلِينَ... وَالَّذِينَ يَصَّدَّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 2 - 27 - 70

2 - هراس و نگرانی از عذاب الهی، تعدیل کننده غرایز و تأثیرگذار در خلق و خوی بشر (حرص، بخل، ناشکیبایی و...)

إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلْقٌ هَلُوعًا... إِلَّا الْمَصْلِينَ... وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 2 - 29 - 70

2 - تأثیر پاکدامنی و دوری از آلودگی های جنسی، در تعدیل غرایز و تأثیرگذار در خلق و خوی بشر (بخل، آزمندی، ناشکیبایی و...)

إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلْقٌ هَلُوعًا... إِلَّا... وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَفِظُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 3 - 9 - 100

3 - لحظه خروج مردگان از قبرها در قیامت، وحشت انگیز و توجه به آن، بازدارنده انسان از کفران نعمت، بخلورزی و دل‌بستگی شدید به ثروت است.

لکنود... أفلا يعلم إذا بعثر ما فی القبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 10 - 4

4 - توجه به بر ملا شدن خصلت‌ها و علاقه‌ها در قیامت، بازدارنده انسان از خوی ناسپاسی، بخل و دل‌بستگی به ثروت

لکنود... أفلا يعلم إذا... و حصل ما فی الصدور

ص: 435

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 11 - 4

4 - توجه به آگاهی دقیق خداوند از اسرار درونی انسان ، بازدارنده او از خوی ناسپاسی ، بخل و دل بستگی به مال

لکنود ... لحبّ الخیر لشدید . أفلا یعلم ... إنّ ربّهم بهم یومئذ لخبیر

46- مؤاخذه بر بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 11 - 5

5 - انسان ها در قیامت ، بر کفران نعمت ، بخلورزی و علاقه شدید به ثروت ، مؤاخذه خواهند شد .

لکنود ... لحبّ الخیر لشدید . أفلا یعلم ... إنّ ربّهم بهم یومئذ لخبیر

هشدار به آگاهی خداوند از افکار، اسرار و نیت ها، اشاره به مؤاخذه و حسابرسی است.

47- مؤمنان و بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 38 - 6، 1

1- دعوت الهی از مؤمنان ، به انفاق ، مواجهه با بخلورزی برخی از آنان

هأنتم هؤلاء تدعون لتنفقوا .. فمنکم من یبخل

6- بخل از انفاق در راه خدا ، دامنگیر برخی از مؤمنان و مورد نکوهش الهی

هأنتم هؤلاء تدعون لتنفقوا فی سبیل اللّٰه فمنکم من یبخل

از لحن نکوهش آمیز این آیه، مطلب بالا برداشت می شود.

48- ناپسندی بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 34 - 6

6- امساک و بخل در ايثار مال ، از صفات نکوهيده برای انسان

و أعطى قليلاً و أكدى

واژه «أكدى» از «كُذِّيه» به معنای صلابت و سختی زمین است (مفردات راغب). و در مورد افراد ممسک و بخيل به کار می رود با توجه به این مطلب برداشت بالا استفاده می شود.

ص: 436

49- بخیل

{بخیل}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 181 - 10

10 - زراندوزان بخیل ، در خطر تقابل و برخورد با انبیا و احکام الهی

و لا يحسبنّ الذين يبخلون ... لقد سمع الله قول الذين قالوا ... ونحن اغنياء

نقل کلام یهود و پندار آنان، پس از بیان شرّ بودن بخل و ترک انفاق، هشدارى به بخیلان است که بخلورزی و ترک انفاق، آدمی را به ورطه ای می کشاند که یهودیان را به آن کشاند. (قالوا انّ الله فقير).

50- انفاق بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 38 - 6

6 - انفاق بخیلان از روی ریاکاری است .

الذين يبخلون .. و الذين ينفقون اموالهم رياء الناس

توصیف «مختالاً- فخوراً» از یکسو به بخلورزی و از سوی دیگر به انفاق ریائی، حاکی از آن است که بخیلان اگر انفاق کنند، از روی ریاکاری است.

51- بخیل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 12، 13، 18

12 - دارایی های بخیلان در قیامت ، به صورت طوقی به گردنشان آویخته خواهد شد .

سيطوون ما بخلوا به يوم القيمة

13 - آویخته شدن دارایی های بخیلان در قیامت بر گردن آنان ، تبلور شرّ و زیان بخلورزی ایشان

بل هو شرّ لهم سيطوون ما بخلوا به يوم القيمة

جمله «سیطوقون ما بخلوا . . .»، تفسیر کلمه «شرّ» است: یعنی به دوش کشی تمام داراییها در قیامت شری است که دامنگیر بخیلان خواهد شد. برداشت فوق بر این اساس است که معنای ظاهری «سیطوقون ...» مراد باشد.

18 - بخیلان در قیامت ، بار سنگین گناه بخل خویش را به دوش خواهند کشید .

سیطوقون ما بخلوا به يوم القيمة

ص: 437

برخی برآنند که معنای ظاهری «سَيَطْوِقُونَ . . .» اراده نشده است، بلکه کلمه ای همانند وبال و گناه، قبل از «ما بخلوا» مقدر است. یعنی وبال گناه بخل خویش را به دوش خواهند کشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 41 - 4

4 - رسوایی و وخامت حال بخیلان، ریاکاران و کافران به خدا و قیامت در صحنه قیامت

الذین یبخلون . . . فکیف اذا جئنا من کل امه بشهید

52- بخیل و شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 38 - 11

11 - شیطان، همراه با ریاکاران، بخیلان و متکبران

الذین یبخلون . . . و الذین ینفقون اموالهم رءاء الناس . . . و من یکن الشیطان له قرین

مراد از «من یکن . . .» تمام کسانی هستند که در این آیه و آیه قبل مورد مذمت قرار گرفتند.

53- تهدید بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 28

28 - تهدید و هشدار الهی نسبت به بخیلان

والله بما تعملون خبیر

54- نروتمندان بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 181 - 10

10 - زراندوزان بخیل، در خطر تقابل و برخورد با انبیا و احکام الهی

و لا يحسبنّ الذين يبخلون . . لقد سمع الله قول الذين قالوا ... و نحن اغنياء

نقل کلام یهود و پندار آنان، پس از بیان شرّ بودن بخل و ترک انفاق، هشدارى به بخیلان است که بخلورزی و ترک انفاق، آدمی را به ورطه ای می کشاند که یهودیان را به آن کشاند. (قالوا انّ الله فقير).

ص: 438

55- رسوایی بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 41 - 4

4 - رسوایی و وخامت حال بخیلان، ریاکاران و کافران به خدا و قیامت در صحنه قیامت

الذین یبخلون .. فکیف اذا جئنا من کل امه بشهید

56- ریاکاری بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 38 - 6

6 - انفاق بخیلان از روی ریاکاری است .

الذین یبخلون .. و الذین ینفقون اموالهم رثاء الناس

توصیف «مختالاً- فخوراً» از یکسو به بخلورزی و از سوی دیگر به انفاق ریائی، حاکی از آن است که بخیلان اگر انفاق کنند، از روی ریاکاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 39 - 8

8 - آگاهی کامل خداوند به مؤمنان انفاق کننده، ریاکاران و بخیلان کفرپیشه

و کان الله بهم علیماً

57- زراندوزان بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 181 - 10

10 - زراندوزان بخیل، در خطر تقابل و برخورد با انبیا و احکام الهی

و لا یحسبن الذین یبخلون .. لقد سمع الله قول الذین قالوا ... و نحن اغنیاء

نقل کلام یهود و پندار آنان، پس از بیان شرّ بودن بخل و ترک انفاق، هشدارى به بخیلان است که بخلورزى و ترک انفاق، آدمى را به ورطه
ای مى کشاند که یهودیان را به آن کشاند. (قالوا انّ الله فقير).

ص: 439

58- سرزنش بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 17

17 - حرمت بخلورزی و نکوهش شدید خداوند از بخیلان

و لا یحسبنّ . . . سیطوّقون ما بخلوا به یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 53 - 7

7 - بخیلان ، مورد نکوهش و مذمت خداوند هستند .

فاذا لا یؤتون الناس نقیراً

59- سرزنش نمازگزاران بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ماعون - 7 - 107 - 6

6 - مضایقه کردن نمازگزاران غافل و ریاکار ، از عاریه دادن لوازم زندگی خود به نیازمندان ، نکوهیده تر از یتیم آزاری و بی توجهی به فقیران است .

الذی یدعّ الیتیم . . . و لایحصّ . . . فویل للمصلّین . الذین . . . و یمنعون الماعون

با آن که تعبیر «فویل للمصلّین»، ادامه بیان اوصاف کسانی است که جزای الهی را تکذیب کردند؛ ولی حرف «فاء» و تغییر سیاق، نشانگر تفاوت درجه آن با دو وصف قبل است. بنابراین وصفی که در این آیه، از ویژگی های همان «مصلّین» شمرده شده است، نارواتر از اوصافی است که در آیه دوم و سوم آمده بود.

60- سرمایه بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 12، 13

12 - دارایی های بخیلان در قیامت ، به صورت طوقی به گردنشان آویخته خواهد شد .

13 - آویخته شدن دارایی های بخیلان در قیامت بر گردن آنان ، تبلور شرّ و زیان بخلورزی ایشان

بل هو شرّ لهم سیطوقون ما بخلوا به يوم القيمة

جمله «سیطوقون ما بخلوا . . .»، تفسیر کلمه «شرّ» است: یعنی به دوش کشی تمام داراییها در قیامت شرّی است که دامنگیر بخیلان خواهد شد. برداشت فوق بر این اساس است که معنای ظاهری «سیطوقون ...» مراد باشد.

ص: 440

61- صفات بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 37 - 5

5 - فقرنمایی و پنهان سازی نعمت های الهی ، دستاویز بخیلان برای ترک احسان

الذین یبخلون . . . و یکتُمون ما اتیهم اللّٰه من فضله

62- عذاب بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 40 - 4

4 - کیفر بخیلان و ریاکاران (عذاب ، محرومیت از محبت خداوند ، همراهی با شیطان) ، بازتاب عمل خود آنان است ، نه سستی از جانب خداوند .

انّ اللّٰه لا یحبّ . . . الذین یبخلون . . . و الذین ینفقون اموالهم رتاء النّاس . . . و

جمله «انّ اللّٰه . . .» می تواند پاسخی باشد برای این سؤال که چرا خداوند مردم را به عذاب و . . . مبتلا می کند. خداوند می فرماید این عذابها ناشی از ستم او نیست، بلکه دستاورد خود بخیلان است.

63- عقیده بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 1

1 - سودبخشی و ثمردهی بخلورزی و انفاق نکردن ، پندار ناصواب بخیلان

و لا یحسبنّ الذّین یبخلون . . . هو خیراً لهم

64- فرجام بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 30

30 - عذاب سخت الهی در قیامت ، فرجام بخلورزی و عدم انفاق از دارایی های فزون بر نیاز

و لا يحسبنّ الذين يبخلون بما اتيهم الله من فضله

رسول الله (صلى الله عليه و آله): ما من ذى رحم يأتى ذا رحمه فيسأله من فضل ما اعطاه الله اياه فييخل عليه الا خرج له يوم القيامة من جهنم شجاع يتلمّظ حتى يطوّقه. ثم قرأ «و لا يحسبنّ ...».

ص: 441

الدر المنثور، ج 2، ص 395.

65- کفر بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 37 - 10

10 - بخلورزی و دعوت دیگران به بخل و پنهان نمودن نعمت های خدادادی ، زمینه کفرورزی

الذین یبخلون .. اعتدنا للكافرين

اطلاق کافر بر بخیل و .. یا بدین جهت است که بخیل در حقیقت کافر است، و یا هشدار به این است که سرانجام بخلورزی کفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 39 - 8

8 - آگاهی کامل خداوند به مؤمنان انفاق کننده ، ریاکاران و بخیلان کفرپیشه

و کان الله بهم علیماً

66- کیفر بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 182 - 7

7 - عدالت خداوند و دوری ساحت وی از ظلم ، مقتضی مجازات بخیلان و قاتلان انبیا

و لا یحسبن الذّین یبخلون .. ذوقوا عذاب الحریق ... و انّ الله لیس بظلام للعرب

جمله «و انّ الله ..» عطف بر «ما قدّمت» می باشد. بنابراین دلیل دیگری برای گرفتار شدن بخیلان و قاتلان انبیا به دوزخ است. یعنی عدالت خداوند اقتضا می کند که ستمگران را عذاب کند، ورنه به ستمدیده ظلم شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 37 - 8

8 - عذاب خوارکننده ، کیفر بخیلان و دعوت کنندگان به بخل

الذین یبخلون . . . واعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً

مراد از کافران در آیه، یا خصوص بخیلان و آمران به بخل است و یا مصداق مورد نظر از آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 39 - 9

ص: 442

9 - خداوند ، کیفردهنده بخیلان و ریاکاران و پاداش دهنده انفاق کنندگان مخلص

الذین یبخلون . . . و انفقوا ... و کان الله بهم علیماً

هدف از بیان علم و آگاهی خداوند پس از بیان ایمان و بخل، تهدید بخیلان و ریاکاران به کیفر، و پاداش دهی به مؤمنان انفاق کننده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 40 - 4

4 - کیفر بخیلان و ریاکاران (عذاب ، محرومیت از محبت خداوند ، همراهی با شیطان) ، بازتاب عمل خود آنان است ، نه ستمی از جانب خداوند .

انّ الله لا یحبّ . . . الذین یبخلون ... و الذین ینفقون اموالهم رثاء الناس ... و

جمله «انّ الله . . .» می تواند پاسخی باشد برای این سؤال که چرا خداوند مردم را به عذاب و ... مبتلا می کند. خداوند می فرماید این عذابها ناشی از ستم او نیست، بلکه دستاورد خود بخیلان است.

67- کیفر منافقان بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 77 - 2

2 - ابتلای قلب منافقان عهدشکن و بخیل به نفاقی مزمن ، کیفر خداوند برای آنان

فأعقبهم نفاقاً فی قلوبهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در «أعقب» به «الله» در فراز پیشین بازگردد؛ یعنی، خداوند منافقان را در پی شکستن عهدشان با او و امتناع ورزیدن از پرداخت زکات، به نفاق مزمنی گرفتار کرد که تا روز قیامت از آن رهایی نخواهند یافت.

68- محرومیت بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 37 - 1

1 - بخیلان ، محروم از محبت خداوند

انّ الله لا یحبّ . . . الذین یبخلون

{بخیلان}

ص: 443

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 64 - 5.6

5 - گرفتاری یهودیان به بخل و خودداری آنان از انفاق و یاری دیگران ، نفرین خداوند بر آنان

غلت ایدیه‌م

جمله «ینفق کیف یشاء» دلالت می کند که از مصادیق مورد نظر در نفرین الهی بر یهود (غلت ایدیه‌م) بسته بودن دست آنها از انفاق و بخیل گشتن آنهاست.

6 - یهود ، مردمی ناتوان ، در مانده و بخیل

غلت ایدیه‌م

جمله «غلت ایدیه‌م» چه اخبار باشد و چه نفرین، در هر صورت دلالت بر تحقق ناتوانی و یا بخل ورزی یهودیان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 67 - 10

10 - منافقان ، مردمی دارای خصلت بخل و امتناع از انفاق در راه خدا

المنفقون و المنفقت . . . و یقبضون ایدیه‌م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 79 - 6

6 - منافقان ، خود بخیلند و انفاق دیگران را هم به استهزا می گیرند .

فلما ءاتیهم من فضله بخلوا به . . . الذین یلمزون المطوعین من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 24 - 3

3 - انسان های خودپسند فخر فروش ، نه تنها خود بخیل اند ؛ بلکه دیگران را نیز به بخلورزی فرمان می دهند .

کلّ مختال فخور . الذین یبخلون و یأمرون الناس بالبخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 8 - 92 - 1

1 - دسته ای از مردم ، از صرف اموال خود در موارد لازم ، بخل ورزیده و همواره درصدد ثروت اندوزی و غنی ساختن خویش اند .

و أمّا من بخل و استغنی

«بخل»؛ یعنی، دور نگه داشتن اندوخته ها، از مصارفی که منع آنها از آن شایسته نیست (مفردات).

70- اتمام حجت با بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 444

3 - خداوند ، با آگاه ساختن ثروتمندان بخیل از آینده دشوارشان ، بر آنان اتمام حجت کرده است .

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى

مفاد آیه شریفه این است که نشان دادن راه، وظیفه ما است و پیامد بی اعتنایی بخیلان به هدایت ها، بر عهده خود آنان است.

71- بی تأثیری ثروت بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - ثروت بخیلان و زراندوزان ، هنگام سقوط و هلاکتشان ، کارساز نبوده و خطری را برطرف نمی سازد .

و ما یغنی عنه ماله إذا تردّی

«أغنی عنه»؛ یعنی، او را کافی بود (مفردات راغب) و «أغن عنی شدّک»؛ یعنی، شرّ خود را برگردان و بازدار (نهایه ابن اثیر). براساس این دو معنا جمله «ما یغنی عنه ماله»؛ یعنی، ثروتش او را بی نیاز نمی سازد و از او [خطری را] باز نمی دارد. «تردّی» به معنای در معرض هلاکت قرار گرفتن است (مفردات راغب) و فعل «تردّی»؛ یعنی، سقوط کرد. (قاموس)

72- بی لیاقتی بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18- شرافت پاسداری از دین ، شایسته ملت های مجاهد و انفاقگر و نه بخلورزان دنیاگرا

و إن تتولّوا یستبدل قومًا غیرکم ثمّ لایکونوا أمثلکم

با توجه به این که آیات پیشین در زمینه جهاد و انفاق و نیز روی گردانان از جهاد و انفاق بود؛ این آیه می تواند خطاب به جامعه مسلمین عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد که اگر آنان از جهاد و انفاق روی گردانند، خداوند شرافت پاسداری از دین را از آنان سلب کرده و به امتی خواهد داد که این چنین نباشند.

73- تشبیه بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- انسان بخیل ، همانند انسانی دست بسته به گردن است .

و لاتجعل یدک مغلوله إلی عنقک

«و لاتجعل یدک مغلوله إلی عنقک» کنایه از امساک و پرهیز از انفاق (بُخل) است. اینکه از بُخل و امساک به «دستت را به گردن

ص: 445

مبند» تعبیر شده، نشان می دهد که انسان بخیل، همانند شخص دست بسته است.

74- حتمیت هلاکت بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 11 - 1

1 - ثروت بخیلان و زراندوزان ، هنگام سقوط و هلاکتشان ، کارساز نبوده و خطری را برطرف نمی سازد .

و ما یعنی عنه ماله إذا تردّی

«أغنی عنه»؛ یعنی، او را کافی بود (مفردات راغب) و «أغن عنی شَرک»؛ یعنی، شرّ خود را برگردان و بازدار (نهایه ابن اثیر). براساس این دو معنا جمله «ما یعنی عنه ماله»؛ یعنی، ثروتش او را بی نیاز نمی سازد و از او [خطری را] باز نمی دارد. «تردّی» به معنای در معرض هلاکت قرار گرفتن است (مفردات راغب) و فعل «تردّی»؛ یعنی، سقوط کرد. (قاموس)

75- رد خواسته های بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 12 - 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های افراد بخیل و خسیس

و لا تطع کلّ . . . منّاع للخیر

برخی از مفسران، احتمال داده اند که «خیر» در این آیه، به معنای مال است و مقصود از «منّاع للخیر» کسانی اند که از دادن مال خود به دیگران خودداری می کنند؛ یعنی، بخیل و خسیس اند.

76- سرزنش بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 38 - 6

6- بخل از انفاق در راه خدا، دامنگیر برخی از مؤمنان و مورد نکوهش الهی

هأنتم هؤلاء تدعون لتنفقوا فی سبیل اللّٰه فممنکم من یبخل

از لحن نکوهش آمیز این آیه، مطلب بالا برداشت می شود.

11 - « وروی أنه سئل النبي (صلى الله عليه وآله) عن « العتَلِّ الزنيم » فقال : هو الشديدُ الخُلُق ، الشحيح ، الأكل ، الشروب ، الواجد للطعام و

ص: 446

الشَّرَاب ، الظُّلُوم لِلنَّاس ، الرِّحِيبِ الْجُوف ؛

روایت شده که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره معنای «عتلّ زنیماً» سؤال شد فرمود: او تندخو، بخیل، پرخور و پرنوش است؛ همواره دارای خوراکی و نوشیدنی است بسیار به مردم ستم می کند و شکم بزرگ است (به آسانی شکمش از غذا پر نمی شود)».

77- فرجام بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 10 - 8

8 - خداوند ، در تأکید بر تفاوت فرجام انفاق گران با تقوا و بخیلان زراندوز ، به سیطره شب و جلوه روز و به ذات خویش ، سوگند یاد کرده است .

و الیل . . . إنّ سعیکم لشتی . فأما من أعطی . . . لیسری . و أمّا من بخل . . . فسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ماعون - 107 - 7 - 1

1 - کسانی که از عاریه دادن لوازم منزل ، دریغ ورزیده ، احتیاجات مردم را نادیده می گیرند ، گرفتار نفرین خدایند و عذاب جهنم ، فرجام آنان است .

فویل . . . و یمنعون الماعون

«ماعون»، عنوان عامی برای اثاثیه منزل، از قبیل دیگ، تبر، و کاسه است (مصباح). این کلمه به معنای کار خیر و باران و آب و هر چیز نافع نیز می آید (قاموس). ریشه آن «مَعْن» (چیزی که کم و آسان باشد) است و برخی اصل آن را «معونه» (بزار کمک دهنده) دانسته اند. (صحاح اللغه)

78- فرجام سخت بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 10 - 1

1 - خداوند ، بخیلان و زراندوزانی را که تکذیب گر پاداش های الهی اند ، به آینده ای سخت دچار و راه گرفتاری به آن را برایشان هموار می سازد .

فسنیّره للعسری

تعبیر «آسان ساختن» در این آیه، لزوماً تعبیری استهزاآمیز نیست؛ زیرا می توان گفت: مراد مهیّا ساختن زمینه درافتادن به فرجام سخت است.

ص: 447

79- فرجام شوم بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 12 - 3

3 - خداوند ، با آگاه ساختن ثروتمندان بخیل از آینده دشوارشان ، بر آنان اتمام حجت کرده است .

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى

مفاد آیه شریفه این است که نشان دادن راه، وظیفه ما است و پیامد بی اعتنایی بخیلان به هدایت ها، بر عهده خود آنان است.

80- مبعوضیت بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 24 - 1

1 - خداوند ، انسان های بخیل و نیز کسانی که مردم را به بخلورزی فرمان می دهند ، دوست ندارد .

وَاللّٰهُ لَا يَحِبُّ كَلَّ مَخْتَالٍ فَخُورٍ . الَّذِينَ يَبْخُلُونَ

«الذین ببخلون...» بدل برای «کل مختال» و مرتبط با فعل «لایحب» است. تقدیر آن چنین می شود: «واللّٰه لایحبّ الذین ببخلون...».

81- محرومیت بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 9 - 4

4 - وجود زمینه محرومیت از پاداش های نیکوی الهی ، برای بخیلان و زراندوزان

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى . وَكَذَّبَ بِالْحَسَنَى

جمله «كذّب بالحسنی»، بخل و ثروت اندوزی را «تکذیب حسنی» نامیده است؛ یعنی، کسی که «حسنی» (فرجام نیک) را باور دارد، این دوراه را انتخاب نمی کند؛ زیرا در این صورت، خود را در معرض محرومیت از آن قرار داده است.

82- منشأ سختی بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - فراهم ساختن آسانی برای انفاق گران با تقوا و سختی برای ثروتمندان بخیل ، وعده تخلف ناپذیر خداوند و نمونه ای از هدایت گری او است .

فسنیسره لیسری . . . فسنیسره للعسری ... إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى

ص: 448

جمله «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى»، به منزله تعلیل برای آیات پیشین است؛ یعنی، چون هدایت را بر خویش لازم شمرده ایم، برای هر یک از آن دو دسته فرجام مناسب برخوردارشان با هدایت را فراهم می‌سازیم.

83- منشأ فرجام شوم بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 12 - 2

2 - فراهم ساختن آسانی برای انفاق گران با تقوا و سختی برای ثروتمندان بخیل، وعده تخلف ناپذیر خداوند و نمونه ای از هدایت گری او است.

فَسَنِيْسِرُهُ لِّلْيَسْرِى . . . فَنَسِيْرُهُ لِّلْعَسْرِى ... إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى

جمله «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى»، به منزله تعلیل برای آیات پیشین است؛ یعنی، چون هدایت را بر خویش لازم شمرده ایم، برای هر یک از آن دو دسته فرجام مناسب برخوردارشان با هدایت را فراهم می‌سازیم.

84- نفرین بر بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ماعون - 107 - 7 - 1

1 - کسانی که از عاریه دادن لوازم منزل، دریغ ورزیده، احتیاجات مردم را نادیده می‌گیرند، گرفتار نفرین خدایند و عذاب جهنم، فرجام آنان است.

فَوَيْلٌ لِّلْمَاعُوْنِ . . . وَيَمْنَعُوْنَ الْمَاعُوْنَ

«ماعون»، عنوان عامی برای اثاثیه منزل، از قبیل دیگ، تبر، و کاسه است (مصباح). این کلمه به معنای کار خیر و باران و آب و هر چیز نافع نیز می‌آید (قاموس). ریشه آن «مَعْن» (چیزی که کم و آسان باشد) است و برخی اصل آن را «معونه» (ابزار کمک دهنده) دانسته‌اند. (صحاح اللغه)

85- هلاکت اخروی بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 11 - 4

4 - سقوط و هلاکت ثروتمندان بخیل در دنیا و آخرت، گواه بی‌ثمر بودن ثروت و واهی بودن احساس بی‌نیازی آنان از پاداش های الهی

است .

استغنى . . و ما يغنى عنه ماله إذا تردى

ص: 449

86- هلاکت دنیوی بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 11 - 4

4 - سقوط و هلاکت ثروتمندان بخیل در دنیا و آخرت ، گواه بی ثمر بودن ثروت و واهی بودن احساس بی نیازی آنان از پاداش های الهی است .

استغنی . . . و ما یغنی عنه ماله إذا تردی

ص: 450

1- بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 78 - 1

1- تحریف تورات و انجیل و بدعت در دین ، توسط گروهی از اهل کتاب (عالمان آنان)

و انّ منهم لفریقاً یلون السننهم بالکتاب لتحسیوه من الکتاب

2- آثار بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- بقره - 2 - 79 - 1,2

1- تحریر و نوشتن افکار و اندیشه ها به عنوان کتاب الهی و قوانین دینی ، جرم و گناهی بزرگ ، و در پی دارنده عذاب الهی است .

فویل للذین یکتبون .. فویل لهم ممّا کتبت ایدیهم

کلمه «ویل» کلمه ای است که انسان به هنگام گرفتار شدن به عذاب، آن را بر زبان جاری می کند. بنابراین مراد از «فویل للذین ...» گرفتار شدن بدعتگذاران به عذاب است.

2- ارائه و نشر افکار و اندیشه ها به عنوان کتاب آسمانی و فرمان های الهی ، حرام و گناهی بزرگ و در پی دارنده عذاب الهی است .

فویل للذین .. ثم یقولون هذا من عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 75 - 16

16- بدعتگذاری ، وسیله ای برای توجیه ستم و نقض تعهدات اجتماعی

و منهم من ان تأمنه بدینار لا یؤده الیک . . و یقولون علی الله الکذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 21 - 9

9 - بدعت در دین، از بزرگترین ظلمها و مانع سعادت و رستگاری است.

و من أظلم ممن افتری علی الله کذبا أو کذب بایته إنه لا یفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 9

9 - جعل احکام و انتساب آنها به خداوند موجب گمراه شدن مردم ناآگاه می شود.

افتری علی الله کذبا لیضل الناس بغير علم

«بغير علم» می تواند حال یا وصف برای یکی از سه مورد باشد: «افتری»، «لیضل» و «الناس». برداشت فوق بر اساس احتمال سوم است.

لذا معنی جمله چنین می شود: تا گمراه کند مردم را در حالی که آنان جاهل هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 69 - 2

2 - بدعت گذاری در دین و افترا بر خداوند ، مانع از رستگاری است .

الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 116 - 7

7 - بدعت در دین و نسبت دادن احکام به خداوند بدون دلیل ، موجب محرومیت از رستگاری است .

و لا تقولوا . . هذا حلال و هذا حرام ... إن الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون

3- آگاهی از عمل بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - آگاهی دقیق از اهل بدعت در دین و متجاوزان به حدود الهی، جلوه ای از ربوبیت خداوند

إن ربك هو أعلم بالمعتدين

ص: 452

4- احکام بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 18 - 2

2- حرمت بدعت گذاری در دین و انتساب امری خود بافته و دروغین به خداوند

و من أظلم ممن افتری علی الله کذباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 1 - 4

4 - عدم جواز حکم کردن به چیزی ، قبل از رسیدن حکم آن از سوی خدا و رسول او

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ

تعبیر «لا تقدّموا بین...» هم شامل حکم کردن قبل از حکم خدا و رسول او و هم شامل حکم کردن در قبال فرمان آن دو می شود. برداشت بالا براساس معنای نخست است.

5- اضلال بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 11

11 - افترازندگان به خدا و جعل کنندگان احکام دروغین، ندانسته توده های مردم را به گمراهی می افکنند.

افتری علی الله کذبا لیضل الناس بغير علم

«ل» در «لیضل» می تواند لام عاقبت باشد، و چنانچه «بغير علم» نیز حال برای فاعل «لیضل» باشد، نتیجه آن معنا و برداشت فوق است.

6- اعراض از بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 4 - 16

16 - بایسته است که انسان ها ، به جای حکم های ساختگی خود ، به احکام الهی پایبند باشند .

ذلكم قولكم بأفوهكم والله يقول الحقّ وهو يهدى السبيل

7- بدعت در پيشينيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 453

13 - احکام ویژه بحیره، سائبه، وصیله و حامی بدعت‌هایی دیرینه و میراثی به جا مانده از مردمانی نادان و گمراه.

ما جعل الله من بحیره... قالوا حسبنا ما وجدنا علیه اباؤنا

8- بدعت در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 76 - 8,9

8 - خیانت در امانت و بدعت‌گذاری در دین از سوی اهل کتاب، برخاسته از بی تقوایی آنان

و منهم من ان تأمنه بدینار... و یقولون علی الله الکذب... بلی من اوفی بعهده و

9- تقوا، عامل بازدارنده انسان از خودبرتربینی و بدعت‌گذاری در دین

قالوا لیس علینا... و یقولون علی الله الکذب... بلی... و اتقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 78 - 1

1 - تحریف تورات و انجیل و بدعت در دین، توسط گروهی از اهل کتاب (عالمان آنان)

و انّ منهم لفریقاً یلون السننهم بالکتاب لتحسیوه من الکتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- نساء - 4 - 119 - 8

8- شیطان، دعوت کننده آدمی به حرام کردن حلال های خداوند

و لا مرنهم فلیبتکن اذن الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مانده - 5 - 87 - 2

2- حرمت بدعت در دین و تغییر حلال و حرام های الهی

يايها الذين ءامنوا لاتحرموا طيبات ما احل الله لكم ولا تعتدوا

بدان احتمال كه تحريم حلال، به معنای حرام دانستن حلالهای الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 103 - 9

9 - هیچ گونه توجیهی نمی تواند مجوز بدعتگذاری در دین شود

ما جعل الله من بحيره... و لكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب

با توجه به خصوصیات یاد شده برای بحیره و... به دست می آید که بدعت گذاران با توجیهاتی نظیر حمایت از حیوانات و یا دارا

ص: 454

بودن نوعی تقدس به دلیل ثمردهی فراوان، احکامی را جعل می کردند و به خداوند نسبت می دادند ابطال اینگونه احکام از سوی خداوند بیانگر این است که بدعتها و افتراها گرچه به توجیهاتی زیبا، آراسته شده باشد، احکامی ناروا و کفرآمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 142 - 4,5

4 - تحریم و ممنوعیت استفاده از نعمتهای الهی به دلایل واهی مجاز نیست.

كلوا مما رزقكم الله ولا تتبعوا خطوت الشیطن

5 - حرام شمردن نعمتهای خداوند، بدون دلیل و یا به دلایل واهی، پیروی از راه و گام شیطان است.

ولا تتبعوا خطوت الشیطن

9- بدعت در مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 157 - 22

22 - یهود و نصارا در قبل از اسلام، مبتلا به تکالیفی مشقتبار و گرفتار در دام خرافات و بدعت های فراوان دینی بودند .

ويضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم

جمع آوردن «اغلال» حکایت از گستردگی بدعتها و خرافات دارد.

10- بدعت در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 157 - 22

22 - یهود و نصارا در قبل از اسلام، مبتلا به تکالیفی مشقتبار و گرفتار در دام خرافات و بدعت های فراوان دینی بودند .

ويضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم

جمع آوردن «اغلال» حکایت از گستردگی بدعتها و خرافات دارد.

11- بدعت رسوم ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 80 - 9

9 - ابداع کنندگان سنت های ناروا و اعمال زشت ، مرتکب گناهی بزرگتر و مستحق ملامتی بیشتر

أتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

ص: 455

12- بدعت رهبانیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 27 - 16، 15

15 - رهبانیت ، ابداع و نوآوری خود مسیحیان است ؛ نه دستورالعملی ابتدائی از جانب خداوند .

و رهبانیه ابتدعوها

16 - رهبانیت ابداعی مسیحیان در ادیان آسمانی پیشین سابقه نداشت .

و رهبانیه ابتدعوها

13- بدعت ظهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 4 - 8

8 - ظهار ، از بدعت های عصر جاهلی بود و منشأ الهی نداشت .

و ما جعل أزواجكم الّـی تظهرون منهنّ أمهتکم .. ذلکم قولکم بأفوهکم

این که خداوند ظهار را از خود نفی کرده، حاکی است که چنین امری، از بدعت های دوران جاهلیت بوده است.

14- بدعت علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 31 - 12

12 - از امام صادق (ع) درباره سخن خدا که فرمود : « اتخذوا أحبارهم ورهبانهم أرباباً من دون اللّٰه » روایت شده که فرمود : « واللّٰه ما

صلّوا لهم ولا صاموا ولكنهم أحلّوا لهم حراماً و حرّموا عليهم حلالاً فاتّبعوهم ؛

به خدا سوگند آنان برای احبار و راهبان نه نماز خواندند و نه روزه گرفتند ؛ ولی آن علما و صومعه داران، برای مردم حرام را حلال و حلال را

حرام کردند و آنان پیروی کردند».

15- بدعت علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - از امام صادق (ع) درباره سخن خدا که فرمود: « اتخذوا أحبارهم ورهبانهم أرباباً من دون الله » روایت شده که فرمود: «

ص: 456

و الله ما صلّوا لهم ولا صاموا ولكنهم أحلّوا لهم حراماً و حرّموا عليهم حلالاً فاتّبِعوهم ;

به خدا سوگند آنان برای احبار و راهبان نه نماز خواندند و نه روزه گرفتند ; ولی آن علما و صومعه داران، برای مردم حرام را حلال و حلال را حرام کردند و آنان پیروی کردند».

16- بدعت عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 80 - 9

9- ابداع کنندگان سنت های ناروا و اعمال زشت ، مرتکب گناهی بزرگتر و مستحق ملامتی بیشتر

أتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

17- بدعت فرزندخواندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 4 - 12

12 - فرزند حقیقی تلقی شدن فرزند خوانده شدگان ، در عصر جاهلیت ، خودساخته بود و منشأ الهی نداشت .

و ما جعل ادعیاءکم أبناءکم ذلکم قولکم بأفوهکم

18- بدعت لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 28 - 8

8 - قوم لوط ، بدعتگذار عمل لواط بودند .

إنکم لتأتون الفحشه ما سبقکم بها من أحد من العلمین

19- بی ارزشی منافع بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 117 - 1

1- سود به دست آمده از راه بدعت گذاری در دین ، در مقایسه با زیان های آن ، بسیار ناچیز است .

و لاتقولوا .. هذا حلال و هذا حرام لتفتروا علی الله الکذب ... لایفلحون . متع

آیه شریفه ممکن است پاسخ به سؤالی مقدر باشد بدین صورت که: چرا کافران و بدعت گذاران در دین، از متاعهای دنیوی

ص: 457

برخوردارند و چرا دنیا از آنان ستانده نمی شود.

20- بی اعتباری بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 150 - 6،7

6 - اگر مدعیان تحریمهای بی اساس، گواه و شاهی ساختگی نیز بر مدعی خود اقامه کنند، نباید مورد تصدیق قرار گیرند.

قل هلم... فإن شهدوا فلا تشهد معهم

7 - تحریمهای بی جای مشرکان برخاسته از هواپرستی و فاقد ارزش و اعتبار است.

فإن شهدوا فلا تشهد معهم ولا تتبع أهواء الذين كذبوا

21- بی منطقی بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 150 - 6

6 - اگر مدعیان تحریمهای بی اساس، گواه و شاهی ساختگی نیز بر مدعی خود اقامه کنند، نباید مورد تصدیق قرار گیرند.

قل هلم... فإن شهدوا فلا تشهد معهم

22- تجاوزگری بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 119 - 16

16 - بدعتگذاران در دین و گمراه کنندگان مردم، تجاوزگرند.

وما لكم ألا تأكلوا... وإن كثيرا... إن ربك هو أعلم بالمعتدين

23- تشخیصی بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 119 - 17

17 - تنها خداوند بهتر از هر کس متجاوزان به حدود الهی و اهل بدعت در احکام الهی را می شناسد و معرفی می کند.

إن ربك هو أعلم بالمعتدين

ضمیر فصل «هو»، که بین اسم و خبر «إن» قرار گرفته، بیانگر حصر است.

ص: 458

24- تشویق به بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 169 - 8

8 - تلاش برای واداشتن مردم به بدعتگذاری و افترا بر خدا، کاری شیطانی و ملاکی برای تشخیص دشمنان انسان است.

إِنَّ لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا. إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ... أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

25- تهدید بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 60 - 4

4 - خداوند، مشرکان صدر اسلام را به خاطر افترا بستن و تحریم حلال ها، به کیفر سخت قیامت تهدید کرد.

فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا... وَ مَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

26- جرم بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 79 - 1

1 - تحریر و نوشتن افکار و اندیشه ها به عنوان کتاب الهی و قوانین دینی، جرم و گناهی بزرگ، و در پی دارنده عذاب الهی است.

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ... فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ

کلمه «ویل» کلمه ای است که انسان به هنگام گرفتار شدن به عذاب، آن را بر زبان جاری می کند. بنابراین مراد از «فویل للذین...» گرفتار شدن بدعتگذاران به عذاب است.

27- جهل در بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 119 - 7

7- گناه حلال و حرام شمردن امور (بدعت گذاری)، اگر از سر جهل و نقصان علم باشد - در صورت توبه و اصلاح گذشته ها - مورد غفران و بخشش الهی است.

لا تقولوا .. هذا حلال وهذا حرام ... وعلى الذين هادوا حرمنا ... ولكن كانوا

ص: 459

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 79 - 3,2

2 - ارائه و نشر افکار و اندیشه ها به عنوان کتاب آسمانی و فرمان های الهی ، حرام و گناهی بزرگ و در پی دارنده عذاب الهی است .

فویل للذین . . . ثم يقولون هذا من عند الله

3 - ارائه و نشر افکار خود به عنوان کتاب آسمانی ، دارای حرمتی شدیدتر نسبت به تحریر و نوشتن آن

ثم يقولون هذا من عند الله

جمله «فویل للذین . . .» بیانگر حرمت نوشتن بافته های خویش به عنوان کتاب آسمانی است و جمله «يقولون . . .» بیانگر حرمت نشر و ارائه آنهاست. از آن جا که جمله دوم با حرف «ثم» آمده و «ثم» در این جا برای تراخی رتبه ای است نه زمانی، دلالت می کند که: حرمت نشر و ارائه، از حرمت اصل کتابت شدیدتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 87 - 2

2 - حرمت بدعت در دین و تغییر حلال و حرام های الهی

يا ايها الذين ءامنوا لاتحرموا طيبات ما احل الله لكم ولا تعتدوا

بدان احتمال که تحریم حلال، به معنای حرام دانستن حلالهای الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 103 - 9

9 - هیچ گونه توجیهی نمی تواند مجوز بدعتگذاری در دین شود

ما جعل الله من بحيره . . . و لكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب

با توجه به خصوصیات یاد شده برای بحیره و . . . به دست می آید که بدعت گذاران با توجیهاتی نظیر حمایت از حیوانات و یا دارا بودن نوعی تقدس به دلیل ثمردهی فراوان، احکامی را جعل می کردند و به خداوند نسبت می دادند ابطال اینگونه احکام از سوی خداوند بیانگر این است که بدعتها و افتراها گرچه به توجیهاتی زیبا، آراسته شده باشد، احکامی ناروا و کفرآمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 33 - 15

15 - فتوا و نسبت دادن حکمی به خداوند بدون علم به صدورش از ناحیه او، حرام است.

إنما حرم . . . وأن تقولوا على الله ما لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 59 - 4

ص: 460

4- هیچ کس ، بی اذن خداوند حق تحریم رزق او ، بر خود یا بر دیگران را ندارد .

قل أرءیتم ما أنزل اللّٰه لکم من رزق فجعلتم منه حراماً و حلالاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 18 - 2

2- حرمت بدعت گذاری در دین و انتساب امری خود بافته و دروغین به خداوند

و من أظلم ممن افتری علی الله کذباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 116 - 2

2- حلال یا حرام شمردن امور بدون دلیل قطعی شرعی ، مورد نهی خدا و حرام است .

و لا تقولوا .. هذا حلل و هذا حرام

29- حقیقت بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 116 - 4

4- بدعت (نسبت دادن حکم بی اساس و ساختگی به دین) ، تهمتی است دروغین به خدا .

و لا تقولوا .. هذا حلل و هذا حرام لتفتروا علی الله الکذب

برداشت فوق ، بنابراین نکته است که «لام» در «لتفتروا» برای بیان نتیجه باشد .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16- شوری - 42 - 21 - 5

5- بدعت در دین و تشریح قوانین خارج از اذن خدا ، شرک به او است .

أم لهم شركؤا شرعوا لهم من الدین ما لم یأذن به اللّٰه

30- خطر پیروی از بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 150 - 9

9 - خطر پیروی از تمایلات منحرفان و بدعتگذاران در کمین مؤمنان است.

و لا تتبع أهواء الذين كذبوا بآيتنا

گر چه «لا تتبع . . .» خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، ولی روی سخن در حقیقت با همه مؤمنان است.

ص: 461

31- دنیاطلبی بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 79 - 13

13 - جلب منافع مادی و دنیوی ، انگیزه بدعتگذاران و دین سازان

لیشتروا به ثمناً قليلاً

32- دوستان بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 73 - 15

15- کافران ، بدعت گزاران در دین را صمیمانه دوست دارند .

لتفتري علينا غيره و إذا لاتخذوك خليلاً

33- زمینه اجتناب از بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 1 - 2

2- ایمان واقعی ، مستلزم تبعیت کامل از دستورات دین و پرهیز از بدعت و خودرایی

يأيتها الذين ءامنوا لاتقدموا بين يدي الله ورسوله

34- زیان بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 117 - 1

1- سود به دست آمده از راه بدعت گذاری در دین ، در مقایسه با زیان های آن ، بسیار ناچیز است .

و لاتقولوا... هذا حلال و هذا حرام لتفتروا على الله الكذب... لايفلحون . متع

آیه شریفه ممکن است پاسخ به سؤالی مقدر باشد بدین صورت که: چرا کافران و بدعت گزاران در دین، از متاعهای دنیوی برخوردارند و

چرا دنیا از آنان ستانده نمی شود.

ص: 462

35- سرزنش بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 28 - 11

11 - انتساب حکمی به خداوند بدون یقین به صدور آن از جانب او، امری نکوهیده و ناپسند

أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

36- سرزنش بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 32 - 2

2 - تحریم کنندگان زیباییها و زینتهای خدادادی و روزیهای پاکیزه، مورد نکوهش و توبیخ خداوند هستند.

قل من حرم .. والطیبت من الرزق

استفهام در جمله «من حرم ..» استفهام انکار توییخی است. یعنی خداوند علاوه بر این که تحریم طیبات را صحیح نمی داند، تحریم کننده را نیز سرزنش می کند.

37- شرایط آمرزش بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 119 - 7

7- گناه حلال و حرام شمردن امور (بدعت گذاری)، اگر از سر جهل و نقصان علم باشد - در صورت توبه و اصلاح گذشته ها - مورد غفران و بخشش الهی است .

لَا تَقُولُوا ... هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ ... وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا ... وَلَكِنْ كَانُوا

38- ظلم بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 21 - 9

9 - بدعت در دین، از بزرگترین ظلمها و مانع سعادت و رستگاری است.

و من أظلم ممن افترى على الله كذبا أو كذب بايته إنه لايفلح الظلمون

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 10

ص: 463

10 - گمراه ساختن مردم ناآگاه با جعل احکام دروغین، از بزرگترین ستمهاست.

فمن أظلم .. لیضل الناس بغير علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 37 - 2

2 - بدعت در دین الهی، همانند تکذیب آیات خداوند، بزرگترین ستم است.

فمن أظلم ممن افتري على الله كذبا أو كذب بأيته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 162 - 8

8 - بدعت و تحریف حقایق دینی ظلم است .

فبدل الذين ظلموا منهم قولاً غير الذي قيل لهم فأرسلنا .. بما كانوا يظلمون

از مصادیق «ما كانوا يظلمون» تبدیل و تحریف سخنی است که خداوند به بنی اسرائیل آموخت تا به هنگام ورود به بیت المقدس آن را به زبان جاری کنند (قولوا حطه). خداوند آن تبدیل و تحریف را ظلم شمرده است. بنابراین تحریف و تبدیل سخنان الهی که همان حقایق دینی است، از مصادیق ظلم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 21 - 8

8 - دنیامداری، شرک، بدعت در دین، ظلم و سیاه کاری است .

أم لهم شركؤا .. وإن الظلمين لهم عذاب أليم

39- ظلم بدعت گذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 94 - 2

2 - افترا و دروغ بستن آگاهانه به خداوند (بدعت)، ظلمی است بزرگ .

فمن افتري . . . فاولئك هم الظالمون
ضمير فصل، دلالت بر بزرگی ظلم می کند.

40- ظلم بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 13

ص: 464

13 - کسانی که با افترا به خداوند احکام دروغین جعل می کنند، ستمگر و محروم از هدایت خداوندند.

إن الله لا يهدي القوم الظالمين

«ال» در «القوم» عهد است و با توجه به آیات قبل مراد از «قوم» همان کسانی هستند که با افترا به خداوند موجبات گمراهی مردم را فراهم می سازند.

41- عذاب بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 79 - 1,2

1 - تحریر و نوشتن افکار و اندیشه ها به عنوان کتاب الهی و قوانین دینی ، جرم و گناهی بزرگ ، و در پی دارنده عذاب الهی است .

فویل للذین یکتبون .. فویل لهم ممّا کتبت أیدیهم

کلمه «ویل» کلمه ای است که انسان به هنگام گرفتار شدن به عذاب، آن را بر زبان جاری می کند. بنابراین مراد از «فویل للذین ...» گرفتار شدن بدعتگذاران به عذاب است.

2 - ارائه و نشر افکار و اندیشه ها به عنوان کتاب آسمانی و فرمان های الهی ، حرام و گناهی بزرگ و در پی دارنده عذاب الهی است .

فویل للذین .. ثم یقولون هذا من عند الله

42- عذاب بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 117 - 4

4- ابتلای بدعت گزاران به عذاب دردناک ، پس از بهره‌وری اندک از دنیا ، گواه عدم رستگاری آنان است .

إن الذین یفترون علی الله الکذب لایفلحون . متع قلیل و لهم عذاب ألیم

43- عوامل بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 169 - 2,6

2 - شیطان ، ترغیب کننده آدمیان به افترا بستن به خداوند (بدعت گذاری و تحریف احکام دین)

إنما يأمرکم . . . أن تقولوا علی اللّٰه ما لاتعلمون

«قول» و مشتقات آن هرگاه با «علی» متعدی شود به معنای نسبت دادن و افترا بستن است.

6 - دعوتگری شیطان به بدی ها و بدعتگذاری ها ، نمودی از شیطنت او و دلیل دشمنی وی با انسانهاست .

ص: 465

إنه لكم عدو مبين. إنما يأمركم بالسوء والفحشاء و أن تقولوا على الله ما لا تعلمون

جمله «إنما يأمركم ..» دلیلی است برای «إنه لكم عدو»; یعنی، نشانه و دلیل دشمنی شیطان با شما انسانها این است که او شما را به کارهای ناروا ترغیب می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 121 - 10

10 - شیاطین عامل بدعت و گناه و مبارزه با ادیان الهی و احکام آن هستند.

و إن الشیطن لیوحون إلی أولیائهم لیجدلوکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 150 - 7

7 - تحریمهای بی جای مشرکان برخاسته از هواپرستی و فاقد ارزش و اعتبار است.

فإن شهدوا فلا تشهد معهم ولا تتبع أهواء الذین کذبوا

44- عوامل بدعت در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 103 - 14

14 - جهالت و نارسائی عقل و اندیشه، عامل رواج بدعت ها و افترا ها در جامعه کفرپیشه عصر جاهلی

ولکن الذین کفروا یفترون علی الله الکذب و اکثرهم لایعقلون

45- کسب با بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 79 - 11، 12

11 - درآمد های به دست آمده از راه دین سازی و بدعتگذاری، حرام و موجب عذاب الهی خواهد شد.

وویل لهم مما یکسبون

مراد از «ما»ی موصوله در «مما یکسبون» می تواند درآمدهایی باشد که عبارت «لیشتروا به ثمناً قلیلاً» آن را بیان داشت و نیز می تواند منظور از آن مطلق اعمال و رفتار ناپسند باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

12 - هر درآمدی که از طریق بدعتگذاری و دین سازی به دست آید - هر چند فراوان باشد - ناچیز و بی ارزش است .

لیشتروا به ثمناً قلیلاً

ظاهر این است که «قلیلاً» صفت توضیحی برای «ثمناً» باشد. بنابراین «ثمناً قلیلاً» به این معناست که: هر ثمنی در قبال دین سازی گرفته شود، ناچیز است هر چند به ظاهر فراوان باشد.

ص: 466

46- کفران بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 60 - 10

10 - تحریم حلال خدا ، ناسپاسی در برابر فضل اوست .

فجعلتم منه حراماً و حلالاً .. إن الله لذو فضل على الناس و لكن أكثرهم لا يشكرون

47- کیفر اخروی بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 81 - 8

8 - بدعتگذاری و دین سازی از سیئاتی است که در صورت توبه نکردن از آن ، عذاب همیشگی دوزخ را در پی خواهد داشت .

فویل للذین یکتبون الکتب .. من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

از مصادیق مورد نظر برای «سیئه» به دلیل «فویل للذین ..» بدعتگذاری است که اصرار بر آن موجب احاطه خطیئه بر بدعتگذار خواهد شد.

48- کیفر بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 139 - 6,7

6 - کیفر الهی در انتظار مشرکانی است که توصیفهای ناروا و احکام ساخته خود را به خدا نسبت می دادند.

سی -- جزیهما بما کانوا یف -- ترون . و قالوا ما فی بطون ... سیجزیهما و صفهم

7 - افترا به خداوند و انتساب احکام ساختگی به او، کیفر او را در پی دارد.

و قالوا ما فی بطون ... سیجزیهما و صفهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 117 - 3

3- بدعت گذاری ، و در پی دارنده عذاب دردناک اخروی است .

ولا تقولوا .. هذا حلال و هذا حرام ... متع قليلا و لهم عذاب أليم

ص: 467

49- کيفر بدعت گذارى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - آل عمران - 3 - 106 - 15,16

15 - هواپرستان و بدعتگزاران در جامعه اسلامي ، روسياهان در قيامت

فأما الذين اسودت وجوههم

اميرالمؤمنين (ع): «فأما الذين اسودت وجوههم .. .»، انهم اهل البدع و الاهواء من هذه الامه.

مجمع البيان، ج 2، ص 809؛ نورالثقلين، ج 1، ص 382، ح 325.

16 - در قيامت عمل کنندگان به سنت رسول الله (صلى الله عليه و آله)، روسفيد و بدعتگزاران روسياهند .

يوم تبيض وجوه و تسود وجوه

رسول خدا (صلى الله عليه و آله) درباره آيه «يوم تبيض وجوه .. .»، فرمود: تبيض وجوه اهل السنه و تسود وجوه اهل البدع

الدّر المنثور، ج 2، ص 291.

50- گمراهی بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - شوری - 42 - 21 - 8

8 - دنيامداري، شرک، بدعت در دين، ظلم و سياه کاری است .

أم لهم شركؤا .. . وإن الظلمين لهم عذاب أليم

51- گناه بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 79 - 1,2

1 - تحریر و نوشتن افکار و اندیشه ها به عنوان کتاب الهی و قوانین دینی ، جرم و گناهی بزرگ ، و در پی دارنده عذاب الهی است .

فویل للذین یکتبون .. فویل لهم ممّا کتبت ایدیهم

کلمه «ویل» کلمه ای است که انسان به هنگام گرفتار شدن به عذاب، آن را بر زبان جاری می کند. بنابراین مراد از «فویل للذین ...» گرفتار شدن بدعتگذاران به عذاب است.

2 - ارائه و نشر افکار و اندیشه ها به عنوان کتاب آسمانی و فرمان های الهی ، حرام و گناهی بزرگ و در پی دارنده عذاب الهی است .

فویل للذین .. ثم یقولون هذا من عند اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 468

8 - بدعتگذاری و دین سازی از سیئاتی است که در صورت توبه نکردن از آن، عذاب همیشگی دوزخ را در پی خواهد داشت.

فویل للذین یکتبون الکتب . . . من کسب سیئه . . . هم فیها خلدون

از مصادیق مورد نظر برای «سیئه» به دلیل «فویل للذین . . .» بدعتگذاری است که اصرار بر آن موجب احاطه خطیئه بر بدعتگذار خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 138 - 9

9 - جعل قانون و منتسب کردن آن به خداوند از گناهان بزرگ است.

وقالوا . . . سیجزیهم بما كانوا یفترون

52- گناه بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 27 - 11

11 - «عن ابی جعفر (ع) فی قوله «والذین کسبوا السیئات . . .» قال : هؤلاء أهل البدع و الشبهات و الشهوات . . .» ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا که می فرماید: «کسانی که کسب سیئات کرده اند . . .» روایت شده است: اینان اهل بدعتها، شبهه ها و شهوتهایند . . .».

53- مبارزه با بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 32 - 8

8 - پیامبر(صلی الله علیه و آله) مأمور مبارزه با بدعتها و تحریمهای ناشی از اوهام بشری

قل من حرم زینه الله التي أخرج لعباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 157 - 20

20 - برداشتن تکالیف شاق ، گسستن زنجیر های جهل و خرافه و زدودن بدعت های دینی از وظایف پیامبر (صلی الله علیه و آله) در انجام رسالت خویش

و یضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم

«إصر» به معنای عهد و پیمان سنگین و نیز به هر چیز دشوار و طاقت شکن گفته می شود. در آیه شریفه بدین مناسبت که در مقام بیان تشریح احکام از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، مراد از آن تکالیف مشقتباری است که امتهای گذشته بدانها پایبند بوده اند. غُلّ

ص: 469

(مفرد اغلال) به معنای طوق و زنجیری است که به گردن و یا دستها بسته می شود و مراد از آن جهل و خرافه و بدعت و مانند اینهاست.

54- محرومیت بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 69 - 3

3 - بدعت گزاران در دین ، محروم از رستگاری اند .

الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 117 - 4

4- ابتلای بدعت گزاران به عذاب دردناک ، پس از بهره‌وری اندک از دنیا ، گواه عدم رستگاری آنان است .

إن الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون . متع قلیل و لهم عذاب أليم

55- معبودان دروغین بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 37 - 16

16 - بدعتگزاران و تکذیب کنندگان، در بند معبودهایی دروغین هستند.

فمن أظلم ممن افتری . . . این ما کنتم تدعون من دون الله

56- منشأ بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 150 - 10

10 - تحریمهای بی دلیل (بدعتگذاری)، تحت تأثیر تمایلات نفسانی است.

الذین یشهدون أن الله حرم . . . و لا تتبع أهواء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- ریشه بدعت گذاری در دین ، آرا و گفته های بی اساس و دروغین است .

ص: 470

و لا تقولوا لما تصف ألسنتكم الكذب هذا حلال و هذا حرام لتفتروا على الله الكذب

57- موارد بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 33 - 17

17 - حرام شمردن زینتها و روزیهای حلال و پاکیزه، افترا بر خداوند است.

قل من حرم زینه الله . . . أن تقولوا على الله ما لا تعلمون

از مصادیق مورد نظر برای افترا، به قرینه آیه قبل، تحریم زینتها و روزیهای پاکیزه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 59 - 6

6 - حرام کردن حلال خدا بی اذن او، افترا و بدعت است .

فجعلتم منه حراماً . . . قل ءالله أذن لكم أم على الله تفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 70 - 7

7 - انتساب فرزند به خدا، بدعت در دین و افترا و دروغ بستن به او، کفر و موجب عذاب شدید اخروی است .

الذين يفترون على الله الكذب . . . إلينا مرجعهم ثم نذيقهم العذاب الشديد بما كانوا

58- موانع بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 103 - 16

16 - تعقل اکثریت مردم هر جامعه مانع رواج بدعت ها و خرافات در آن جامعه خواهد شد .

ولكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب و اكثرهم لا يعقلون

59- نهی از بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 116 - 2

2- حلال یا حرام شمردن امور بدون دلیل قطعی شرعی ، مورد نهی خدا و حرام است .

ص: 471

و لاتقولوا .. هذا حلال و هذا حرام

60- هشدار به بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 119 - 18

18 - هشدار خداوند به تجاوزگران به محدوده شرایع و احکام الهی و بدعتگذاران در دین

إن ربك هو أعلم بالمعتدين

61- بدعت گذاری

{بدعت گذاری}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 24 - 10

10 - دروغپردازی و بدعتگذاری در دین ، شیوه اهل کتاب

و غرهم فی دینهم ما كانوا یفترون

از ماضی استمراری «ما كانوا» چنین استفاده شده است که بدعتگذاری شیوه مستمر آنان شده بود.

62- ظلم بدعت گذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 94 - 2

2- افترا و دروغ بستن آگاهانه به خداوند (بدعت) ، ظلمی است بزرگ .

فمن افتری ... فاولئك هم الظالمون

ضمیر فصل، دلالت بر بزرگی ظلم می کند.

63- کیفر بدعت گذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - هواپرستان و بدعتگزاران در جامعه اسلامی ، روسیاهان در قیامت

فأما الذين أسودت وجوههم

ص: 472

امیرالمؤمنین (ع): «فأما الذين أسودت وجوههم ..»، انهم اهل البدع و الاهواء من هذه الامه.

مجمع البيان، ج 2، ص 809؛ نورالثقلين، ج 1، ص 382، ح 325.

16 - در قیامت عمل کنندگان به سنت رسول الله (صلی الله علیه و آله)، روسفید و بدعتگزاران روسیاهند .

يوم تبيض وجوه وتسود وجوه

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره آیه «يوم تبيض وجوه ..»، فرمود: تبيض وجوه اهل السنه و تسود وجوه اهل البدع

الدر المنثور، ج 2، ص 291.

64- بدعت گزاران

{بدعت گزاران}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 76 - 8

8 - خیانت در امانت و بدعتگذاری در دین از سوی اهل کتاب، برخاسته از بی تقوایی آنان

و منهم من ان تأمنه بدینار .. و یقولون علی الله الکذب ... بلی من اوفی بعهده و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 159 - 13

13 - إن رسول الله (صلی الله علیه و آله) قال: .. «إن الذين فرقوا دينهم و كانوا شيعا»، هم اصحاب البدع و اصحاب الأهواء و اصحاب الضلاله من هذه الأمه

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پس از تلاوت آیه «إن الذين فرقوا ..» فرمود: آنان همان بدعتگزاران و هواپرستان و گمراهان از این امت هستند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - بدعتگذاران در دین، عناصری پیرو شیطان و تحت ولایت او هستند.

إنا جعلنا الشيطان أولياء للذين لا يؤمنون .. الله أمرنا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 35 - 8

8 - مشرکان، برخی اشیای مباح را بدون دلیل تحریم می کردند.

ولا حرّمنا من دونه من شیء

ص: 473

آگاهی از عمل بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 119 - 19

19 - آگاهی دقیق از اهل بدعت در دین و متجاوزان به حدود الهی، جلوه ای از ربوبیت خداوند

إن ربك هو أعلم بالمعتدين

65- اضلال بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 11

11 - افترازندگان به خدا و جعل کنندگان احکام دروغین، ندانسته توده های مردم را به گمراهی می افکنند.

افتري على الله كذبا ليضل الناس بغير علم

«ل» در «ليضل» می تواند لام عاقبت باشد، و چنانچه «بغير علم» نیز حال برای فاعل «ليضل» باشد، نتیجه آن معنا و برداشت فوق است.

66- بی منطقی بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 150 - 6

6 - اگر مدعیان تحریمهای بی اساس، گواه و شاهدهی ساختگی نیز بر مدعای خود اقامه کنند، نباید مورد تصدیق قرار گیرند.

قل هلم... فإن شهدوا فلا تشهد معهم

67- تجاوزگری بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 119 - 16

16 - بدعتگذاران در دین و گمراه کنندگان مردم، تجاوزگرند.

وما لكم ألا تأكلوا... و إن كثيرا... إن ربك هو أعلم بالمعتدين

68- تشخیص بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 474

17 - تنها خداوند بهتر از هر کس متجاوزان به حدود الهی و اهل بدعت در احکام الهی را می شناسد و معرفی می کند.

إن ربك هو أعلم بالمعتدين

ضمیر فصل «هو»، که بین اسم و خبر «إن» قرار گرفته، بیانگر حصر است.

69- تهدید بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 60 - 4

4 - خداوند، مشرکان صدر اسلام را به خاطر افترا بستن و تحریم حلال ها، به کیفر سخت قیامت تهدید کرد.

فجعلتم منه حراماً و حلالاً... و ما ظن الذين يفترون على الله الكذب يوم القيمة

70- خطر پیروی از بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 150 - 9

9 - خطر پیروی از تمایلات منحرفان و بدعتگذاران در کمین مؤمنان است.

و لا تتبع أهواء الذين كذبوا بآيتنا

گر چه «لا تتبع...» خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، ولی روی سخن در حقیقت با همه مؤمنان است.

71- دنیاطلبی بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 79 - 13

13 - جلب منافع مادی و دنیوی، انگیزه بدعتگذاران و دین سازان

ليشتروا به ثمناً قليلاً

72- دوستان بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 73 - 15

15- کافران ، بدعت گذاران در دین را صمیمانه دوست دارند .

ص: 475

لتفتري علينا غيره و إذا لاتخذوك خلیلاً

73- سرزنش بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 32 - 2

2- تحریم کنندگان زیباییها و زینتهای خدادادی و روزیهای پاکیزه، مورد نکوهش و توبیخ خداوند هستند.

قل من حرم .. والطیبت من الرزق

استفهام در جمله «من حرم ..» استفهام انکار توییخی است. یعنی خداوند علاوه بر این که تحریم طبیات را صحیح نمی داند، تحریم کننده را نیز سرزنش می کند.

74- ظلم بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 13

13 - کسانی که با افترا به خداوند احکام دروغین جعل می کنند، ستمگر و محروم از هدایت خداوندند.

إن الله لا یهدی القوم الظلمین

«ال» در «القوم» عهد است و با توجه به آیات قبل مراد از «قوم» همان کسانی هستند که با افترا به خداوند موجبات گمراهی مردم را فراهم می سازند.

75- عذاب بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 117 - 4

4- ابتلای بدعت گزاران به عذاب دردناک، پس از بهره‌وری اندک از دنیا، گواه عدم رستگاری آنان است.

إن الذین یفترون علی الله الکذب لایفلحون . متع قلیل و لهم عذاب ألیم

76- گناه بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - « عن ابى جعفر (ع) فى قوله « والذين كسبوا السيئات ... » قال : هؤلاء أهل البدع والشبهات والشهوات ... » ;

ص: 476

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا که می فرماید: «کسانی که کسب سیئات کرده اند . . .» روایت شده است: اینان اهل بدعتها، شبهه ها و شهوتهايند ...».

77- محرومیت بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 69 - 3

3- بدعت گزاران در دین ، محروم از رستگاری اند .

الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 117 - 4

4- ابتلای بدعت گزاران به عذاب دردناک ، پس از بهره‌وری اندک از دنیا ، گواه عدم رستگاری آنان است .

إن الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون . متع قليل و لهم عذاب أليم

78- معبودان دروغین بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 37 - 16

16 - بدعتگزاران و تکذیب کنندگان، در بند معبودهایی دروغین هستند.

فمن أظلم ممن افتری . . . این ما کنتم تدعون من دون الله

79- هشدار به بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 119 - 18

18 - هشدار خداوند به تجاوزگران به محدوده شرایع و احکام الهی و بدعتگزاران در دین

إن ربک هو أعلم بالمعتدین

9- بدکاران

1- بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 4 - 5

5 - کافران ، مردمی بدکارند .

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا

2- آموزش بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 119 - 1

1- وعده قطعی خداوند به بخشش گناه بدکاران ، در صورت روی آوردن آنان به توبه و صلاح

ثم إن ربك للذین عملوا السوء بجهله ثم تابوا من بعد ذلك و أصلحوا إن ربك من بع

3- اتمام حجت با بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 47 - 10

10- تهدید کردن بدکاران ، پس از استدلال منطقی ، از شیوه های تبلیغی قرآن کریم

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً نوحی إليهم فسلوا أهل الذکر . . . وأنزلنا إليك ا

ص: 478

4- استهزاگری بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 10 - 1

1 - فرجام حتمی بدکاران ، تکذیب و تمسخر آیات خداوند است .

ثمَّ كان عقبه الذين أسأوا السوأي أن كذبوا بأيت الله و كانوا

برداشت فوق مبتنی بر این است که «عاقبه» خبر مقدم «کان»، و «السوأي» مفعول مطلق «أسأوا» و «أن كذبوا» اسم مؤخر فعل «کان» باشد. بنابراین، جمله، چنین می شود: «ثمَّ كان التکذیبُ عاقبةَ الذين أسأوا». لازم به ذکر است که آورده شدن جمله با فعل ماضی «کان»، دلالت بر حتمیت آن می کند.

5- القای بدکاران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 90 - 1

1 - سرنگون شدن و به روی افتادن در آتش دوزخ ، کیفر و فرجام بدکاران

و من جاء بالسيئة فكبت وجوههم في النار

«كَبَّ» (مصدر مجهول «كَبَّت») به معنای سرنگون شدن است. بنابراین «فكبت وجوههم في النار»؛ یعنی، آنان با صورت [توسط مأموران الهی] در آتش سرنگون خواهند شد.

6- انذار بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 46 - 2

2- بدکاران ، از سوی خداوند به هلاکت و عذاب استیصال تهدید شدند .

أفأمن الذين مكروا السيئات .. أو يأخذهم في تقلبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 47 - 10، 2

2- بدکاران ، به هلاکت در حال وحشت و هراس تهدید شدند .

أفأمن الذين مكروا السيئات . . . أو يأخذهم على تخوِّف

10- تهدید کردن بدکاران ، پس از استدلال منطقی ، از شیوه های تبلیغی قرآن کریم

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً نوحى إليهم فسنلوا أهل الذكر . . . وأنزلنا إليك ا

ص: 479

7- بدکاران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 36 - 4

4 - کردار بدکاران در قیامت ، به صورت کیفر برای آنان ظاهر خواهد شد . *

هل تَوْبُ الكَفَّار ما كانوا يفعلون

«ما» در «ما كانوا ..» مفعول دوم برای «تَوْبُ» است؛ یعنی، کافران با همان کردار خود، کیفر داده شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 8 - 1

1 - بدکاران در قیامت ، کیفر دیده و با کردار ناروای خود ، روبه رو خواهند شد .

و من يعمل مثقال ذرّة شرّاً يره

8- بدکاران کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 28 - 1

1 - زشتکاران بی ایمان، پیروی از شیوه پدرانشان را توجیه کننده کردار خویش می شمردند.

لذین لا یؤمنون. و إذا فعلوا فحشه قالوا وجدنا علیها ءاباءنا

9- بینش بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 4 - 2

2 - پندار بدکاران در سیطره و غلبه بر دین خدا ، پنداری خام و باطل است .

أم حسب الذین یعملون السیئات أن یسبقونا

بنابراین احتمال که مراد از «سبقت از خدا»، پشت سر نهادن دین خدا باشد که کنایه از مغلوب ساختن آن است، نکته بالا قابل استفاده

است.

10- پندار بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 4 - 1

ص: 480

1 - پندار بدکاران در گریز از مجازات الهی ، پنداری باطل است .

أم حسب الذین یعملون السيئات أن یسبقونا

«أم» در «أم حسب» منقطعه و به معنای «بل اضراب» است و معنای انتقال را می هد. انتقال، از «انکار پندار آزموده نشدن، به مجرد ایمان» به «انکار عدم مجازات»، است. مراد از «سبقت از خدا» یا کنایه از «مغلوب ساختن دین خدا» است و یا «گریز از خدا». به قرینه این که در آیه، سخن از گناه است، «گریز از عذاب خدا» مراد است و برداشت بالا، مبتنی بر همین احتمال است.

11- ترس بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 47 - 2

2- بدکاران ، به هلاکت در حال وحشت و هراس تهدید شدند .

أفأمن الذین مکروا السيئات . . . أو یأخذهم علی تخوّف

12- تکذیبگری بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 10 - 1

1 - فرجام حتمی بدکاران ، تکذیب و تمسخر آیات خداوند است .

ثمّ کان عقبه الذین أسؤا السؤای أن کذبوا بأیت الله و کانوا

برداشت فوق مبتنی بر این است که «عاقبه» خبر مقدم «کان»، و «السؤای» مفعول مطلق «أسؤوا» و «أن کذبوا» اسم مؤخر فعل «کان» باشد. بنابراین، جمله، چنین می شود: «ثمّ کان التکذیبُ عاقبه الذین أسؤوا». لازم به ذکر است که آورده شدن جمله با فعل ماضی «کان»، دلالت بر حتمیت آن می کند.

13- تهدید بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 4 - 16

16 - تهدید بدکاران ، به کیفر اعمال از سوی خداوند

و الله بما تعملون بصير

یادآوری این حقیقت که خداوند، بر اعمال مردم آگاهی کامل دارد، دربردارنده تهدید بدکاران و نیز متضمن تشویق نیکوکاران است.

ص: 481

14- حتمیت عذاب بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 45 - 4

4- بدکاران ، هیچ گاه نباید از عذاب های الهی احساس امنیت بکنند .

أفأمن الذين مكروا السيئات أن يخسف الله بهم الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 46 - 5

5- بدکاران ، هیچ گاه از عذاب استیصال و هلاکت بار خداوند ، در امان نیستند .

أفأمن الذين مكروا السيئات .. أو يأخذهم في تقلبهم

15- سرزنش بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 66 - 21

21- یادکرد از عناصر صالح یک امت به هنگام سرزنش از ناصالحان ایشان ، امری لازم و پسندیده

و لو انهم اقاموا التوریه .. منهم امه مقتصده و کثیر منهم ساء ما يعملون

16- سوزاندن صورت بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 90 - 4

4- سوختن چهره بدکاران به وسیله آتش دوزخ ، جزای روی گردانی آنان از آیات الهی

فكبت وجوههم في النار هل تجزون إلا ما كنتم تعملون

از تعبیر «هل تجزون ..» تناسب کیفر با گناه استفاده می شود و این تناسب، در مورد آنان که با صورت در آتش افکنده می شوند، می

تواند بدان جهت باشد که آنان روی از حق بر می تافتند (ولوا مدبرین).

17- عذاب بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 45 - 14

14- مرتکبان کار های زشت و توطئه گران علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دین ، در معرض عذاب های گوناگونند .

ص: 482

أفأمن الذين مكروا السيئات أن يخسف الله بهم الأرض أو يأتيهم العذاب

18- عذاب دنیوی بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 47 - 9

9- بدکاران و توطئه کنندگان علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در معرض انواع عذاب های دنیوی اند .

أفأمن الذين مكروا السيئات أن يخسف الله بهم الأرض أو يأتيهم العذاب . . . أو يأخذه

19- عمل ناپسند بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 8 - 1

1 - بدکاران در قیامت ، کیفر دیده و با کردار ناروای خود ، روبه رو خواهند شد .

و من يعمل مثقال ذره شراً يره

20- فرجام بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 14

14 - بیان سرنوشت شوم بدکاران و تحلیل تاریخ گذشتگان ، از روش های قرآن برای هدایت بشر و بازداری آنان از رفتار های ناپسند

قل هل انبئكم بشر من ذلك مثوبه عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 90 - 1

1 - سرنگون شدن و به روی افتادن در آتش دوزخ ، کیفر و فرجام بدکاران

و من جاء بالسيئه فكبت وجوههم في النار

«كَبَّ» (مصدر مجهول «كَبَّت») به معنای سرنگون شدن است. بنابراین «فكبت وجوههم في النار»؛ یعنی، آنان با صورت [توسط مأموران

الهی] در آتش سرنگون خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 483

1 - فرجام حتمی بدکاران ، تکذیب و تمسخر آیات خداوند است .

ثمَّ كان عقبه الذين أسوأ السوای أن كذبوا بأیت الله و كانوا

برداشت فوق مبتنی بر این است که «عاقبه» خبر مقدم «کان»، و «السوای» مفعول مطلق «أسأوا» و «أن كذبوا» اسم مؤخر فعل «کان» باشد. بنابراین، جمله، چنین می شود: «ثمَّ كان التکذیبُ عاقبه الذين أسأوا». لازم به ذکر است که آورده شدن جمله با فعل ماضی «کان»، دلالت بر حتمیت آن می کند.

21- کیفر اخروی بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 90 - 4، 1

1 - سرنگون شدن و به روی افتادن در آتش دوزخ ، کیفر و فرجام بدکاران

و من جاء بالسیئه فکبت وجوههم فی النار

«کَبَّ» (مصدر مجهول «كَبَّت») به معنای سرنگون شدن است. بنابراین «فکبت وجوههم فی النار»؛ یعنی، آنان با صورت [توسط مأموران الهی] در آتش سرنگون خواهند شد.

4 - سوختن چهره بدکاران به وسیله آتش دوزخ ، جزای روی گردانی آنان از آیات الهی

فکبت وجوههم فی النار هل تجزون إلا ما كنتم تعملون

از تعبیر «هل تجزون..» تناسب کیفر با گناه استفاده می شود و این تناسب، در مورد آنان که با صورت در آتش افکنده می شوند، می تواند بدان جهت باشد که آنان روی از حق بر می تافتند (ولوا مدبرین).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 8 - 1

1 - بدکاران در قیامت ، کیفر دیده و با کردار ناروای خود ، روبه رو خواهند شد .

و من يعمل مثقال ذره شراً یره

22- کیفر بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 4 - 7

7 - بدکاران ، مجازات خواهند شد .

أم حسب الذين يعملون السيئات أن يسبقونا

در صورتی که مراد از «سبقت از خدا»، گریز از کیفر خدا باشد، آیه، دلالت می کند که آنان، کیفر دارند.

ص: 484

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 31 - 9

9- جزای عادلانه به بدکرداران و پاداش برتر و افزون بر استحقاق به نیکوکاران ، عملی ارزشمند و خداپسندانه

ليجزى الذين أسـوا بما عملوا ويجزى الذين أحسنوا بالحسنى

23- کیفر عمل بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففين - 83 - 36 - 4

4- کردار بدکاران در قیامت ، به صورت کیفر برای آنان ظاهر خواهد شد . *

هل تَوْبُ الكَفَّار ما كانوا يفعلون

«ما» در «ما كانوا ..» مفعول دوم برای «تَوْبُ» است؛ یعنی، کافران با همان کردار خود، کیفر داده شدند.

24- منشأ کیفر بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 46 - 2

2- بدکاران ، گرفتار پیامد اعمال ناشایست خویش اند .

من أساء فعلیها

25- هلاکت بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 47 - 2

2- بدکاران ، به هلاکت در حال وحشت و هراس تهدید شدند .

أفأمن الذين مكروا السيئات .. أو يأخذهم على تخوِّف

26- هلاکت تدریجی بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 47 - 8

8- به هلاکت رساندن تدریجی بدکاران و توطئه گران ، جلوه ای از رحمت و رأفت خداوند است .

ص: 485

أفأمن الذين مكروا السيئات . . . أو يأخذهم على تخوف فإن ربكم لرهوف رحيم

«فا» در «فإن . . .» برای تعلیل است و ممکن است درصدد ذکر علت تدریجی بودن هلاکت بدکاران باشد.

27- یأس اخروی بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 12 - 7

7- بدکاران دروغ انگار آیات الهی ، در روز قیامت ، ناامید و اندوه ناک اند .

ثم كان عقبه الذين أسئوا السوءى أن كذبوا بأيت الله . . . و يوم تقوم الساعة ي

ص: 486

1- اعراض از بدگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 10 - 9

9 - مؤمنان ، می توانند با دوشیوه در برابر مخالفان بدگو موضع گیری کنند : حفظ ارتباط و تحمل پیامد های سخت آن ؛ دوری کردن از آنان همراه با اقدام برای هدایت آنان .

و اصبر علی ما یقولون و اهجرهم هجرًا جمیلًا

توصیه به «صبر» اشاره به حفظ ارتباط با مخالفان و تحمل سختی های آن دارد و «دوری کردن» ناظر به قطع ارتباط با آنان در عین تلاش برای هدایت آنان است؛ زیرا هیچ گاه تکلیف هدایت مردمان از دوش مؤمنان برداشته نخواهد شد. چنان که آیه 63 سوره «نساء» به این حقیقت اشاره دارد: «فأعرض عنهم و عظمهم و قل لهم فی أنفسهم قولاً بلیغاً».

2- بدگویان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - همزه - 104 - 4 - 3

3 - عیب جویان ، غیبت کنندگان ، سخن چینان ، بدگویان ، تمسخرکنندگان مردم و زراندوزان ، در آتش جهنم افکنده خواهند شد .

لینبذن فی الحطمه

آیات بعد، بیانگر آن است که مراد از «حطمه»، آتش جهنم است.

ص: 487

3- بشارت شکست بدگویان محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 11 - 7

7 - نوید خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مبنی بر شکست قریب الوقوع تکذیب کنندگان و بدگویان

و مهلهم قليلاً

4- روش برخورد با بدگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 10 - 9

9 - مؤمنان، می توانند با دوشیوه در برابر مخالفان بدگو موضع گیری کنند: حفظ ارتباط و تحمل پیامد های سخت آن؛ دوری کردن از آنان همراه با اقدام برای هدایت آنان.

و اصبر علی ما یقولون و اهجرهم هجرًا جمیلًا

توصیه به «صبر» اشاره به حفظ ارتباط با مخالفان و تحمل سختی های آن دارد و «دوری کردن» ناظر به قطع ارتباط با آنان در عین تلاش برای هدایت آنان است؛ زیرا هیچ گاه تکلیف هدایت مردمان از دوش مؤمنان برداشته نخواهد شد. چنان که آیه 63 سوره «نساء» به این حقیقت اشاره دارد: «فأعرض عنهم و عظمهم و قل لهم فی أنفسهم قولاً بلیغاً».

5- عذاب بدگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - همزه - 104 - 1 - 1

1 - کسانی که درباره دیگران سخن چینی و بدگویی کرده، آنان را با کنایه و اشاره مسخره می کنند، گرفتار عذاب الهی خواهند شد.

ویل لکلّ همزه لمزه

«هُمَزَةٌ»، به معنای شخصی است که با چشم و پلک و ابرو، به دیگران اشاره کرده و برای رساندن شرّ به آنان، سعایت و سخن چینی کند (قاموس). این وزن برای مبالغه به کار می رود و دلالت دارد که آن کار به صورت عادت درآمده است. (مجمع البیان)

6- مهلت به بدگویان محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 11 - 6

6 - توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آغاز رسالت ، مبنی بر دادن مهلتی اندک به تکذیب گران و بدگویان دین ستیز

ص: 488

و اصبر علی ما یقولون . . . و ذرنی و المکذبین . . . و مهلهم قلیلاً

بدگویی

7- بدگویی از ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 148 - 6,8,15

6 - مظلوم، مجاز به هتک حرمت ظالم و آشکار ساختن خصلت های ظالمانه وی، برای مردم

لا یحب الله الجهر بالسوء من القول إلا من ظلم

مناسبت حکم و موضوع اقتضا می کند که گفته شود مراد از اظهار عیوب ظالم گفتاری است که مظلوم به وسیله آن ستمگری ظالم را نسبت به خودش بیان کند، بنابراین مظلوم حق ندارد بدیهای ظالم را که هیچ رابطه ای با وی ندارد، افشا کند.

8 - تبلیغ و بدگویی آشکار، از روش های مجاز برای مبارزه علیه ظلم و ظالم است .

لا یحب الله الجهر بالسوء من القول إلا من ظلم

15 - توجه به علم و آگاهی خداوند، مانع سوء استفاده انسان، از خصلت های الهی به مظلومان در بدگویی ظالمان

لا یحب الله الجهر بالسوء من القول إلا من ظلم و كان الله سمیعاً علیماً

جمله «كان الله . . .»، می تواند هشدار به مظلومان باشد که مبدا از حکم الهی سوء استفاده کنند و در بدگویی و غیبت ظالم از حد تجاوز نمایند و یا هشدار به کسانی باشد که مظلوم نیستند و به بهانه این که مظلومند، علیه بی گناهی افشاگری کنند.

8- ترک بدگویی با دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 10 - 5

5 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مرحله نخست بعثت (در مکه)، از هرگونه تعرض به دشمنان بدگو (پاسخ گفتن به بدگویی های آنان و مقابله به مثل) منع شد .

و اهجروهم هجرًا جمیلًا

آیه بعد (ذرنی و المکذبین . . .) شاهد این است که این «هجر»، به معنای عدم تعرض و مقابله به مثل نکردن است.

9- زشتی بدگویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 65 - 16

16 - عن أبي جعفر (ع) في قوله: «.. عذابا من فوقكم» هو الدخان و الصيحه «او من تحت ارجلكم» و هو الخسف «او يلبسكم

ص: 489

شیعا» و هو اختلاف فی الدین و طعن بعضکم علی بعض «و یذیق بعضکم بأس بعض» و هو ان یقتل بعضکم بعضا و کل هذا فی اهل القبله ...

از امام باقر(ع) روایت شده است: مراد از «عذابا من فوقکم»، دود و صیحه آسمانی و مراد از «أو من تحت أرجلکم»، فرورفتن در زمین و مراد از «یلبسکم شیعا»، اختلاف در دین و بدگویی بعضی از شما نسبت به بعض دیگر می باشد، و مراد از «و یذیق بعضکم بأس بعض» این است که گروهی از شما گروه دیگر را بکشد و تمام اینها مربوط به اهل قبله است ...

10- سرزنش بدگویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 148 - 10، 2، 1

1 - ناخشنودی خداوند از سخنی که افشا کننده بدی ها و زشتی های دیگران باشد .

لا یحب الله الجهر بالسوء من القول إلا من ظلم

در برداشت فوق، «من القول»، بیان برای «الجهر» گرفته شده است و با توجه به استثنای «الا من ظلم» معلوم می شود مراد، افشای بدیهای دیگران است.

2 - ناخشنودی خداوند از بدزبانی و زشت گویی مردم نسبت به یکدیگر

لا یحب الله الجهر بالسوء من القول إلا من ظلم

برداشت فوق بر این اساس است که «من القول» قید برای «السوء» باشد که با توجه به استثنای «الا من ظلم»، معلوم می شود مراد از «سوء من القول»، سخنان ناروایی است که درباره دیگری گفته شود.

10 - خداوند، شنوای سخنانی که بدی ها و زشتی های مردم را آشکار می کند و موجب هتک حرمت آنان گردد .

لا یحب الله الجهر بالسوء ... و كان الله سمیعاً علیماً

ص: 490

11- بدن

1- آثار تلاشی اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 11 - 2

2 - از هم پاشیده شدن اجزای بدن انسان پس از مرگ ، مایه استبعاد معاد در دیدگاه منکران آن

أءذا كُنا عظمًا نخره

2- آثار عقیده به نظارت اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 22 - 6

6 - اعتقاد انسان ها ، به نظارت اعضا و جوارح بر اعمال و رفتار آنان ، بازدارنده ایشان از گناه و معصیت

و ما کنتم تستترون أن یشهد علیکم سمعکم و لا أبصرکم و لا جلودکم

3- استتار زشتی بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 26 - 4

4 - مستور داشتن شرمگاه و زشتیهای بدن، امری لازم و ضروری

قد أنزلنا علیکم لباسا یوری سوءتکم و ریشا و لباس التقوی ذلک خیر

توصیف کلمه «لباسا» به «یواری سوءاتکم» می رساند که از اهداف آفرینش لباس، پوشانیدن شرمگاه است. و این معنا با وجهی

ص: 491

بلیغ حکایت از ضرورت پوشش شرمگاه دارد.

4- استحکام بدن انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 28 - 2

2- وجود انسان و مفاصل اندام او، دارای استحکام و استواری

و شددنا أصرهم

«أصر» در اصل به معنای بستن با بند است (مفردات راغب); ولی مراد از «شددنا أصرهم» - در نظر برخی از اهل لغت - استحکام وجود انسان است (لسان العرب). در دیدگاه برخی دیگر، منظور از آن استحکام مفاصل و بندهای اندام آدمی است. (قاموس المحيط)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 27 - 1

1 - آسمان، پدیده ای مقاوم تر از جسم انسان ها و آفرینش آن با عظمت تر از آفرینش آنها است.

ءأنتم أشدّ خلقاً أم السماء

استفهام در «ءأنتم» تقریری است و برای اعتراف گرفتن از مخاطب به کار می رود. «السماء» ممکن است اشاره به آسمان مشهود باشد و نیز ممکن است اسم جنس بوده و بر تمام آسمان ها قابل تطبیق باشد. «شدّت»، به معنای صلابت و استحکام است. این وصف درباره جسم و غیر جسم به کار می رود. بنابراین تعبیر «أشدّ خلقاً» به معنای استحکام بیشتر در خلقت و یا دشوارتر بودن آفرینش [در نظر مخاطبان] است.

5- استعداد های بدن انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 11 - 7

7- سیستم بدن انسان، برای زندگی طولانی و بدون تغذیه در خواب، قابلیت دارد. *

فضربنا علی ءاذانهم فی الكهف سنین عدداً

از ظاهر آیات سوره کهف، برمی آید که اصحاب کهف، در آن سال های متمادی، زنده، ولی در خواب بودند.

6- اضرار به بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 492

13 - عن أبي عبدالله(ع): .. إنما الاسراف فيما اتلف المال و أضرب بالبدن.

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. اسراف تنها در جائی است که باعث از بین رفتن مال و زیان رساندن به بدن باشد.

7- اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 4 - 2

2- علم الهی ، به سازمان و اجزای وجودی انسان ، علمی ازلی است .

قد علمنا ما تنقص الأرض منهم

ماضی آمدن فعل «قد علمنا»، اشاره به ازلیت علم الهی دارد.

8- اهمیت بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 19 - 3

3 - نطفه در مقایسه با جسم کامل انسان ، ناچیز و غیر قابل توجه است .

من نطفه خلقه

نکره بودن «نطفه» مفید تحقیر است. بی اهمیت خواندن نطفه - با وجود حیرت آور بودن بافت آن - بیانگر اهمیت جسم کامل انسان است که در مقایسه با آن، تمام ویژگی های نطفه هیچ انگاشته می شود.

9- بدن اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 17 - 6

6- بدن اصحاب کهف ، در غار ، از تابش مستقیم نور آفتاب ، در امان بود .

تزرور عن كهفهم ذات اليمين .. تقرضهم ذات الشمال و هم فی فجوه منه

«فجوه» به مکان و فضای وسیعی که در بین دو چیز قرار گرفته باشد، گفته می شود. قرار داشتن محل استراحت اصحاب کهف در «فجوه» و فضای وسیع غار و ذکر آن پس از بیان نحوه تابش آفتاب، چنین می نماید که به مصون بودن بدن های آنان از تابش نور مستقیم، اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 493

10 - كهف - 18 - 18 - 4

4- خداوند ، پيكر هاى اصحاب كهف را در زمان چيرگى خواب بر آنان ، به راست و چپ گردش مى داد .

و نقلبهم ذات اليمين و ذات الشمال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 19 - 21، 6

6- وضعيت جسمانى اصحاب كهف ، پس از بيدارى ، با حالت آنان در زمانى كه تازه به خواب رفته بودند ، تفاوتى نداشت .

قالوا لبثنا يوماً أو بعض يوم

21- حافظه و قدرت تفكر و تصميم گيرى اصحاب كهف و جهاز هاضمه آنان - پس از خواب طولانى ايشان - باز ، باقى و سالم مانده بود .

فابعثوا أحدكم بورقكم

10- بدن انسان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - حجر - 15 - 29 - 7

7- انسان ، موجودى مركب از جسم و روح

إني خلق بشراً من صلصل .. فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - ص - 38 - 72 - 4

4 - انسان ، موجودى مركب از جسم و روح

خلق بشراً من طين . فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - غافر - 40 - 67 - 11

11 - انسان ، موجودی است مرکب از جسم و روح .

و منکم من یتوفّی

«توفّی» (مصدر «یتوفّی») به معنای دریافت تام و کامل شیء است و آنچه از انسان به وقت مرگ دریافت می شود، روح او است نه جسم وی. پس انسان از دو عنصر جسم و روح تشکیل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 77 - 8

8 - انسان ، موجودی است مرکب از جسم و روح .

ص: 494

«توفی» (مصدر «توفینک») به معنای دریافت تام و کامل شیء است و آنچه از انسان به وقت مرگ دریافت می شود، روح او است نه جسم وی. پس انسان از دو عنصر جسم و روح تشکیل شده است.

11- بدن پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 50 - 5

5- امکان تبدیل شدن جسم انسان پس از مرگ به سنگ و آهن یا جسم سخت تر از آن *

قل کونوا حجاره أو حديدًا

با این احتمال که «کونوا حجاره ..» تحدی نباشد؛ بلکه بیانگر فرض محتمل و ممکن باشد، برداشت فوق استفاده می شود.

12- بدن جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 23

23- فانی نشدن کالبد دوزخیان و نمردن آنان ، با وجود شکنجه ها و قطعه قطعه شدن

خلد فی النار . . . فقطع أمعاءهم

13- بدن در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 47 - 4

4- حضور انسان ها در بهشت ، جسمانی است .

ونزعنا ما فی صدورهم من غلّ إخواناً علی سرر متقبلین

14- برتری بدن اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- انسان ها در قیامت، در جسم و جانی برتر از دنیا و مناسب حیات اخروی، محشور خواهند شد. *

علی أن یندَل خیراً منهم . و ما نحن بمسبوقین

ص: 495

15- تبدیل بدن به آهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 50 - 4,5

4- خداوند، قادر بر زنده ساختن مجدد انسان ها، حتی اگر به سنگ و آهن مبدل شوند.

قل کونوا حجاره أو حديدًا

5- امکان تبدیل شدن جسم انسان پس از مرگ به سنگ و آهن یا جسم سخت تر از آن *

قل کونوا حجاره أو حديدًا

با این احتمال که «کونوا حجاره..» تحدی نباشد؛ بلکه بیانگر فرض محتمل و ممکن باشد، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 1

1- تبدیل انسان به سخت ترین اجسام و ماده بسیار دور از حیات، پس از مرگ، مانع رستاخیز و حیات دوباره او نیست.

قل کونوا حجاره أو حديدًا. أو خلقًا ممًا یکبر فی صدورکم

16- تبدیل بدن به سنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 50 - 4,5

4- خداوند، قادر بر زنده ساختن مجدد انسان ها، حتی اگر به سنگ و آهن مبدل شوند.

قل کونوا حجاره أو حديدًا

5- امکان تبدیل شدن جسم انسان پس از مرگ به سنگ و آهن یا جسم سخت تر از آن *

قل کونوا حجاره أو حديدًا

با این احتمال که «کونوا حجاره..» تحدی نباشد؛ بلکه بیانگر فرض محتمل و ممکن باشد، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- تبدیل انسان به سخت ترین اجسام و ماده بسیار دور از حیات ، پس از مرگ ، مانع رستاخیز و حیات دوباره او نیست .

قل کونوا حجاره أو حدیداً. أو خلقاً ممّا یکبر فی صدورکم

ص: 496

17- تجزیه بدن ثروت اندوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - همزه - 104 - 6 - 3

3 - خداوند ، مالک و صاحب اختیار آتشی است که در قیامت ، زراندوزان غیبت کننده و عیب جو را درهم می شکند .

و ما أدریک ما الحطمه . نار الله

«نار الله»، خبر است برای ضمیر محذوف که به «الحطمه» برمی گردد.

18- تجزیه بدن جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 16 - 3، 2، 1

1 - آتش دوزخ ، به شدت اندام دوزخیان را جدا کرده و پوست سر آنان را برمی کند .

نَزَّاعَهُ لِّلشَّوٰی

«نَزَّاعَهُ» به چیزی می گویند که پی در پی جدا و قطع می کند. «شوی» در معنای دست ها، پاها، اطراف و هر عضوی از بدن که قطع آن موجب مرگ نشود، استعمال می شود و ممکن است جمع «شواه» (پوست سر) باشد.

2 - اندام مجرمان ، در آتش دوزخ به شدت جدا و پوست سر آنان برکنده می شود .

نَزَّاعَهُ لِّلشَّوٰی

3 - دوزخیان ، در عین سوختن و جدا شدن اندامشان ، هرگز نمی میرند .

نَزَّاعَهُ لِّلشَّوٰی

تصریح به این که اندام ها و یا پوست سرها سوخته و جدا می شود؛ می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - همزه - 104 - 4 - 5

5 - آتش جهنم ، دوزخیان را در هم شکسته ، آنان را به شدت خرد خواهد کرد .

«حَطْم» (ریشه «حطمه»)، به معنای شکستن چیزی مانند هیزم است. این کلمه - با گذشت زمان - در مورد ریز ریز کردن کامل استعمال شده است (مفردات). وزن «فُعَلَّه»، برای مبالغه به کار می رود و دلالت دارد که کار، به صورت عادت در آمده است. (مجمع البیان)

19- تجزیه بدن در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - همزه - 104 - 4 - 10

ص: 497

10 - درهم شکسته شدن در آتش جهنم ، کیفری مناسب برای درهم شکستن شخصیت مردم

همزه لمزه .. لینبذن فی الحطمه

20- تجزیه بدن عیب جویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - همزه - 104 - 6 - 3

3 - خداوند ، مالک و صاحب اختیار آتشی است که در قیامت ، زراندوزان غیبت کننده و عیب جو را درهم می شکند .

و ما أدریک ما الحطمه . نار الله

«نار الله»، خبر است برای ضمیر محذوف که به «الحطمه» برمی گردد.

21- تجزیه بدن غیبت کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - همزه - 104 - 6 - 3

3 - خداوند ، مالک و صاحب اختیار آتشی است که در قیامت ، زراندوزان غیبت کننده و عیب جو را درهم می شکند .

و ما أدریک ما الحطمه . نار الله

«نار الله»، خبر است برای ضمیر محذوف که به «الحطمه» برمی گردد.

22- تشبیه بدن اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 5 - 3,4

3 - بارش سنگ های پرندگان بر اصحاب فیل ، آنان را مانند کاه و خاشاک مرغزاری ساخت که حیوانات در آن چرانده شده و ساقه های نرم شده گیاهان آن ، بر زمین مانده باشد .

فجعلهم كعصف مأكول

«عصف»؛ یعنی، خاشاک گیاهی که خرد شده است (مفردات). توصیف آن به مأكول، به اعتبار خورده شدن مقداری از آن، در چرای حیوانات است.

4 - تشبیه « جنازه های اصحاب فیل » ، به برگ هایی که حیوانات ، آن را خورده و تفاله آن را بیرون داده باشند .

فجعلهم كعصف مأكول

در «قاموس» آمده است: «عصف مأكول»، ممکن است به معنای برگی باشد که چارپایان آن را خورده باشند. بر این اساس، مراد تشبیه اجساد فیل داران به سرگین خواهد بود که از آن، با تعبیری لطیف تر یاد شده است.

ص: 498

23- تکلم اخروی اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 65 - 5

5- اعضای بدن انسان (پا، دست و . . .) در قیامت به قدرت خدا، به سخن در خواهند آمد .

تکلمنا ایدیهیم و تشهد أرجلهم بما کانوا یکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 21 - 1

1 - گفتگوی آدمی با اعضا و جوارح خویش ، در قیامت

وقالوا لجلودهم . . . قالوا أنطقنا الله

24- تلاشی بدن در قبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 3 - 50 - 5

5- متلاشی شدن اجزای بدن در خاک ، محور اشکال کافران در مسأله معاد

و کنا ترابًا ذلک رجع بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 4 - 50 - 5

5- اضمحلال بخشی از اجزای وجود انسان در خاک و نه همه آن *

قد علمنا ما تنقص الأرض منهم

برداشت بالا در صورتی است که «منهم» برای تبعیض باشد که احتمال می رود منظور از جمله «علمنا ما تنقص . . .» این باشد که: «شما گمان می کنید همه وجود آدمی در خاک مضمحل می شود؛ در حالی که چنین نیست و ما مقداری را که اضمحلال پذیر است و جذب خاک می شود، می دانیم».

25- تلاشی بدن قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 14 - 16

ص: 499

16 - بدن های قوم ثمود در اثر عذاب فراگیر الهی ، متلاشی گشت و جنازه های آنان ، مدفون و با خاک یکسان شد .

فدمدم علیهم .. فسوئها

حرف «فاء» در «فسوئها»، ممکن است جمله بعد را مفسّر جمله قبل قرار داده باشد. هم چنین می تواند بر ترتیب دلالت کند. در صورت دوم - که برداشت یاد شده ناظر به آن است - قوم ثمود نخست با عذاب «دمدمه» قطعه قطعه شدند; آن گاه مدفون و با خاک یکسان شدند. جمله «فسوئها» در این برداشت، به معنای «فسوئهم بالأرض» گرفته شده است.

26- حقیقت بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 42 - 5

5 - جسم و روح آدمی ، دو حقیقت بوده و به هنگام مرگ از هم جدا می شوند .

اللّٰه یتوفّی الأنفس حین موتها

27- خدانشناسی اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 21 - 14، 8

8 - اعضا و جوارح آدمی ، آگاه به وجود خداوند و قدرت و اقتدار او

قالوا أنطقنا الله الذي أنطق كل شيء

14 - آگاهی و شهادت اعضا و جوارح آدمی در قیامت به آفریدگاری خداوند و بازگشت همگان به سوی او

قالوا .. و هو خلقكم أول مرّة و إليه ترجعون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله «و هو خلقکم ..» ادامه گفتار اعضا و جوارح انسان باشد.

28- خلقت بدن انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 29 - 5

5- خلقت بدن انسان ، مقدم بر روح اوست .

إني خلق بشرًا من صلصل من حمًا مسنون . فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحى

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که ذکر «نفخت» پس از ذکر تسویه بدن، ممکن است اشاره به تقدم خلقت بدن بر روح داشته باشد.

ص: 500

29- خون بدن ذبیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 145 - 8

8 - عدم حرمت خون باقیمانده در بدن حیوان پس از ذبح

إلا أن یکون میتة أو دما مسفوحا

«مسفوح» به معنای ریخته شده است. ذکر این قید در مورد خون، بنا به گفته مفسران، بدان جهت است که خون باقی مانده در رگها و اعضای بدن حیوان ذبح شده را از شمول حکم حرمت خارج سازد.

30- روش استفاده از اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 50 - 5

5 - خداوند، هر موجودی را با شیوه بهره گیری از اعضا و ویژگی های خویش، آشنا ساخته و مصلحت ها و راه رسیدن به آن را به او آموخته است.

أعطی کلّ شیء خلقه ثمّ هدی

متعلق «هدی» به قرینه جمله قبل، ویژگی های خلقت و نحوه به کارگیری آن در جهت منافع است.

31- سفیدی بدن حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 54 - 4

4- همسران بهشتی تقواییشان (حوریان)، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجنهم بحور عین

«حور» (جمع «حوراء»); یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. «عین» (جمع «عیناء»); یعنی، زنان فراخ چشم.

32- سفیدی بدن همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 54 - 4

4- همسران بهشتی تقوایندگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

ص: 501

«حور» (جمع «حوراء»); یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. «عین» (جمع «عیناء»); یعنی، زنان فراخ چشم.

33- سلامت بدن اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 18 - 3,5

3- پیکر و اعضای بدن اصحاب کهف، در تمام مدتی که در خواب بودند، آسیبی ندید و تغییر چشم گیری نیافت.

و تحسبهم أيقاظًا و هم رقود

مفاد جمله «تحسبهم..» این است که هر بیننده ای، اگر در دوران خواب اصحاب کهف، به آنان نظر می افکند، نه تنها آن ها را اجسادی از هم گسیخته نمی یافت، بلکه انسان هایی به خواب رفته نیز نمی دید؛ یعنی، آن ها، افرادی بیدار به نظر می آمدند که حیات عادی خود را می گذرانند.

5- گردیدن اصحاب کهف به چپ و راست، از عوامل مصونیت آنان در برابر آسیب های جسمی بود.*

و نقلبهم ذات اليمين و ذات الشمال

اسناد «نقلب» (گرداندن) به خداوند، در جمله «نقلبهم..» گویای این است که این تغییر حالت، از الطاف الهی بوده است. بیان این نکته، پس از اشاره به خواب اصحاب کهف، می تواند ناظر به برخی از علل سالم ماندن بدن آنان باشد.

34- شعور اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 65 - 4

4 - اعضای بدن انسان، دارای نوعی درک و شعور است.

تكلّمنا أیدیههم و تشهد أرجلهم بما كانوا يكسبون

برداشت یاد شده براساس این نکته است که لازمه گواهی دادن بر هر چیزی، آگاهی و درک نسبت به آن چیز است. بنابراین گواهی اعضای بدن بر رفتار آدمی، دلیل وجود نوعی درک و شعور در آنها است.

35- عوامل مؤثر در بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 58 - 2

2- حالات روانی انسان ، بر جسم و چهره او تأثیر می گذارد .

ص: 502

و إذا بشر أحدهم بالأثني ظلّ وجهه

اگر چه در آیه تنها یک مورد ذکر شده است که خبری، باعث تغییر درونی و دگرگونی در چهره شده است، اما همین مورد هم برای ادعای یاد شده کافی است و این قضیه را ثابت می کند.

36- غفلت از گواهی اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 22 - 2

2- غفلت انسان از شهادت اعضا و جوارح ، عامل جرأت وی بر گناه و معصیت

و ما كنتم تستترون أن يشهد عليكم سمعكم ولا أبصرکم ولا جلودكم

37- فناپذیری بدن انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 8 - 5

5- فناپذیری و احتیاج به خوراک ، از عوارض جسم انسان است .

و ما جعلنهم جسداً لا يأكلون الطعام و ما كانوا خالدين

آمدن لفظ «جسد» و آن گاه توصیف کردن پیامبران به این که آنان خوراک می خوردند و می مردند؛ بیانگر این نکته است که این دو صفت مربوط به جسمانی بودن وجود انبیا است؛ زیرا این جسم آدمی است که نیاز به خوراک دارد و فناپذیر است، نه روح آدمی.

38- گردش بدن اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 18 - 4

4- خداوند ، پیکر های اصحاب کهف را در زمان چیرگی خواب بر آنان ، به راست و چپ گردش می داد .

و نقلّهم ذات اليمين و ذات الشمال

39- گواهی اخروی اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- تهدید شدن سازندگان « افک » به محاکمه ای سخت در قیامت و آشکار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر قابل

ص: 503

انکار اعضا و جوارح خود آنها

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْسِنَاتِ . . . يَوْمَ تُشْهِدُ عَلَيْهِمُ أَلْسِنَتُهُمْ . . . بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده، بر این اساس است که این آیه از جمله آیات مربوط به ماجرای «افک» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 25 - 13

13 - گواهی اعضا و جوارح بر گفتار و رفتار انسان ها و جزای کامل و عادلانه خدا به آنان ، موجب آگاهی آنان به حقانیت خداوند است .

یَوْمَ تُشْهِدُ عَلَيْهِمُ أَلْسِنَتُهُمْ . . . يَوْمَئِذٍ يُؤْفِقُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ ه

جمله «و يعلمون. . .» عطف بر «یوفیهم» است و مقصود از «یومئذ» - به قرینه آیه قبل (یوم تشهد...) - همان روزی است که اعضای بدن علیه انسان گواهی می دهند. بنابراین معنای آیه چنین می شود: روزی که اعضای بدن انسان، بر رفتار وی گواهی می دهند و مردم به جزای کامل و عادلانه خود می رسند، در چنین روزی است که مردم خواهند فهمید که خدا حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 21 - 14

14 - آگاهی و شهادت اعضا و جوارح آدمی در قیامت به آفریدگاری خداوند و بازگشت همگان به سوی او

قالوا . . . وَ هُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تَرْجَعُونَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله «و هو خلقکم . . .» ادامه گفتار اعضا و جوارح انسان باشد.

40- گواهی اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 24 - 10

10 - «عن أبي جعفر (ع) . . . قال الله عز وجل . . . يَوْمَ تُشْهِدُ عَلَيْهِمُ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» و لیست تشهد الجوارح علی مؤمن ، إنما تشهد علی من حَقَّتْ علیه کلمه العذاب . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . . . خدای - عزوجل - فرمود: «یوم تشهد علیههم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم بما كانوا يعملون» [و توضیح آن که: این گونه نیست که جوارح علیه مؤمنی شهادت بدهد؛ همانا شهادت جوارح علیه کسی است که عذاب او حتمی شده باشد].

1 - کفرپیشگان و گنه کاران ، غافل از آگاهی و نظارت اعضا و جوارح بر اعمالشان

و ما کنتم تستترون أن یشهد علیکم سمعکم و لا أبصرکم و لا جلودکم

«أن یشهد» به تقدیر «مخافه» (برای ترس) است. بنابراین مفاد «ما کنتم...» این است که شما برای ترس از شهادت گوش، چشم

و پوستتان خود را مخفی نمی کردید؛ زیرا غافل بودید و نمی دانستید که آنها شاهد بر اعمال شما هستند.

41- منشأ تجزیه بدن اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 5 - 1

1 - خداوند ، رقم زند ه فرجام اصحاب فیل و متلاشی کننده اعضا و جوارح آنان

فجعلهم كعصف مأكول

ه فرجام اصحاب فیل و متلاشی کننده اعضا و جوارح آنان

42- منشأ تکلم اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 21 - 13، 10، 4

4 - اعطای قدرت نطق و سخن گویی ، به اعضای انسان در قیامت ، به اراده خداوند

قالوا أنطقنا الله

10 - آفرینش انسان به وسیله خداوند ، دلیل قدرت او بر اعطای نطق به اعضا و جوارح آدمی

قالوا أنطقنا الله . . . و هو خلقكم أول مره

13 - آفریدگار جهان و برپادارنده قیامت ، قادر به ایجاد نطق و شعور در اعضا و جوارح انسان

قالوا أنطقنا الله . . . و هو خلقكم أول مره و إليه ترجعون

جمله «و هو خلقکم» به منزله دلیلی بر قدرت خداوند در ایجاد نطق و سخن در اعضا و جوارح است.

43- نقش اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 22 - 3

3 - اعضا و جوارح آدمی ، ناظر و مراقب عملکرد او هستند .

و ما كنتم تستترون أن يشهد عليكم سمعكم ولا أبصركم ولا جلودكم

44- نقش بدن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 505

9- نقش اساسی جسم در حقیقت انسان

من نطفه خلقه . . . ثم أماته فأقبره

تشریح مراحل وجودی انسان، با بیان پیدایش او از نطفه و مردن و دفن او و نیز محدود دانسته شدن حرکت تکاملی او در فاصله شکل گیری از نطفه تا لحظه مرگ، گویای نقش اساسی جسم انسان در مراحل وجودی او است.

45- ویژگیهای اخروی بدن انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 24

24- کالبد مادی بشر در آخرت ، دارای ویژگی های جدید

هو خلد فی النار . . . فقطع أمعاءهم

بدن انسان در دنیا، نه در آتش باقی می ماند و نه پس از متلاشی شدن به زندگی ادامه می دهد؛ ولی در آخرت با وجود عوامل گدازنده و نابودکننده، او همچنان زنده می ماند.

ص: 506

1- اهمیت تأمین بدهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 60 - 16، 2

2 - وجوب صرف صدقات بر تألیف قلوب، آزادی بردگان، بدهکاران، راه خدا و در راه ماندگان

إنما الصدقات .. والمؤلفه قلوبهم وفي الرقاب والغرمين وفي سبيل الله وابن ال

16 - صرف صدقات در مورد بردگان، بدهکاران، راه و در راه ماندگان، فقط برای تأمین نیاز های آنان است، نه تملیک به ایشان.

وفي الرقاب .. وابن السبيل

با توجه به اینکه برای چهار مورد اخیر، به جای لام ملکیت، حرف «فی» - که بیانگر جهت صرف صدقات است - به کار گرفته شده، برداشت فوق استفاده می شود.

2- پرداخت بدهی بدهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 60 - 24، 25

24 - از امام صادق (ع) روایت شده که رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمود: « ایما مؤمن أو مسلم مات و ترک دیناً لم یکن فی فساد و لا اسراف فعلى الامام ان یقضیه ... هو من الغارمین و له سهم عند الامام ... »؛

هر مؤمن یا مسلمانی بمیرد و از او قرضی بماند - که آن را در راه فساد هزینه نکرده و اسراف نکرده باشد - بر عهده امام است که آن را بپردازد ... آن بدهکار از «غارمین» است و سهمی نزد امام دارد ... ».

25 - عبدالرحمان بن حجاج گوید: « ان محمد بن خالد سأل ابا عبد الله عن الصدقات قال: اقسامها فیمن قال الله: و لا یعطى من سهم الغارمین الذین ینادون نداء الجاهلیه قلت: و ما نداء الجاهلیه؟ قال: الرجل یقول: یا آل بنی فلان فیقع فیهم القتل و الدماء فلا یؤدی ذلک من سهم الغارمین و الذین یغرمون من مهوور النساء ... و لا الذین لا یبالون بما صنعوا من اموال الناس؛

محمد بن خالد از امام صادق (ع) درباره [مصرف] صدقات سؤال کرد، حضرت فرمود: آن را بین کسانی که خداوند فرموده تقسیم کن ولی از سهم غارمین به آنان که مانند زمان جاهلیت ندا می دهند داده نمی شود. من پرسیدم: ندای جاهلیت چه بوده است؟ فرمود: شخصی ندا می کرد: «یا آل فلان» [وقبله خود را به کمک می طلبید]. و در بین آنان کشتار و خونریزی واقع می شد. این خسارتها از سهم «غارمین» داده نمی شود و نیز بدهکاریهای اشخاص بابت مهرهای زنان و بدهی افرادی که در مصرف اموال مردم بی باک هستند [از آن سهم پرداخت نمی گردد].».

3- صدقه به بدهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 60 - 2

2- وجوب صرف صدقات بر تألیف قلوب، آزادی بردگان، بدهکاران، راه خدا و در راه ماندگان

إنما الصدقات .. و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب و الغرمین و فی سبیل اللّٰه و ابن ال

بدهی

4- احکام بدهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 188 - 16

16 - سماعه می گوید: «قلت لأبی عبداللّٰه (ع) : الرجل یكون عنده الشی تبّٰغ به و علیه الدین أیطعمه عیاله . . . فقال : یقضی بما عنده دینه و لایأكل أموال الناس إلا و عنده ما یؤدی إلیهم حقوقهم إن اللّٰه یقول : لاتأكلوا أموالکم بینکم بالباطل ;

به امام صادق (ع) عرض کردم: شخصی نزدش مقدار مالی است که کفاف زندگانی او را می کند و در عین حال مقروض است; آیا می تواند با آن مال، مخارج اهل و عیال خود را تأمین کند؟ .. حضرت فرمود: با آن چیزی که در نزد اوست دین خورا ادا نماید و اموال مردم را نخورد مگر آنکه دارای مالی باشد که بتواند به وسیله آن حقوق مردم را ادا نماید. خداوند می فرماید: لاتأكلوا أموالکم بینکم بالباطل».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 280 - 1,4,5,6

1 - لزوم مهلت دادن به بدهکار تنگدست، تا هنگام پرداخت بدهی خویش به سهولت

و ان كان ذو عسره فنظرة الی میسره

4- لزوم مهلت دادن رباخوار تائب به بدهکار تنگدست ، به هنگام باز پس گیری اصل سرمایه اش

و ان تبتم .. فنظره الی میسره

5- توقیف بدهکار تنگدست و دارایی های وی - که بیش از گذران زندگی متعارفش نباشد - جایز نیست .

و ان کان ذو عسره فنظره الی میسره

ص: 508

6 - جواز اجبار بدهکار متمکن از سوی طلبکار ، برای پرداخت بدهی

و ان کان ذو عسره فنظره الی میسره

برداشت فوق از مفهوم جمله شرطیه «و ان کان . . .» به دست آمده، چون لازمه مهلت ندادن، اجبار به پرداخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 -

2,3,4,6,8,11,12,16,21,22,52

2 - وجوب تنظیم سند برای دین مدت دار بر طرفین

یا ایّها الذین امنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمّی فاکتبوه

جمله «تداینتم بدین» شامل هر نوع طلبی می شود؛ چه در فروش کالایی به نسیه و یا خرید کالایی تحویل نشده به نقد (سلف) و یا قرض دادن به شخصی.

3 - لزوم تعیین مدّت برای دیون و مطالبات *

اذا تداینتم بدین الی اجل مسمّی

احتمال اینکه لزوم کتابت مخصوص مطالبات و دیون مدّت دار باشد، احتمالی ضعیف است؛ بنابراین باید «الی اجل» را توضیحی برای دیون مورد امضاء قرآن دانست. یعنی دیونی که بدون ذکر مدّت صحیح نیست.

4 - وجوب مراعات عدالت در تنظیم اسناد دین و مطالبات

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل

بنابراینکه کلمه «بالعدل» متعلق به جمله «ولیکتب» باشد.

6 - تنظیم و ثبت اسناد دین ، باید در حضور طرفین قرارداد باشد . *

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل

کلمه «بینکم» بیانگر مطلب فوق است. چون مراد از مخاطب، خریدار و فروشنده و وام دهنده و گیرنده آن است.

8 - تنظیم و ثبت اسناد دیون ، باید به گونه ای باشد که خداوند تعلیم داده است . (طبق موازین شرع)

و لا يَأْب كَاتِبُ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ

بنابراینکه «کما علمه الله» متعلق به «آن یکتب» باشد.

11 - تنظیم و ثبت اسناد دین ، باید به املاى مدیون باشد .

و ليممل الذى عليه الحق

12 - وجوب رعایت تقوای الهی از سوی مدیون و کم و کاست نکردن چیزی در تنظیم اسناد مبادلاتی

و ليممل الذى . . . وليتق الله ربه ولا يبغس منه شيئاً

16 - وجوب املاى اسناد دین و مبادلات نسیه ای با رعایت عدالت ، از سوی ولی مدیون سفیه یا ضعیف و یا ناتوان از املاى اسناد

فان كان الذى عليه الحق سفياً او ضعيفاً او لا يستطيع ان يملّ هو فليمل وليه ب

21 - وجوب شاهد گرفتن دو مرد مسلمان و در صورت نبودن آنان ، یک مرد و دوزن مسلمان در ثبت و تنظیم اسناد دیون و مبادلات

و استشهادوا شهيدین من رجالکم فان لم یكونا رجلین فرجل و امراتان

22 - بلوغ ، شرط گواهان بر دین و مبادلات

و استشهادوا شهيدین من رجالکم

کلمه «رجل» (مرد) و «امرأه» (زن) ظهور در افراد بالغ دارد.

ص: 509

52 - نویسنده قرارداد دین ، باید شخص ثالثی غیر از متعاملین باشد . *

و لیکن بینکم کاتب بالعدل ... و لا یأب کاتب ... و لا یضار کاتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 283 - 1,2

1 - در صورت نیافتن کاتب ، رهن (وثیقه) ، جایگزین تنظیم سند برای مطالبات و دیون

و ان کنتم علی سفر و لم تجدوا کاتباً فرهان مقبوضه

ظاهراً جمله «و لم تجدوا کاتباً» بیان «علی سفر» است. یعنی مسافر بودن، خصوصیت و شرطیت ندارد؛ چون سفر بیان مورد غالب برای یافت نشدن کاتب است. بنابراین آنچه موضوعیت دارد، همان نیافتن کاتب است، چه در سفر و چه در حضر.

2 - در صورت اعتماد بر مدیون ، گرفتن رهن لازم نیست .

فان امن بعضکم بعضاً فلیؤد الذی اوتمن امانته

جمله «فان امن ...» اشاره به حکمت تشریح رهن دارد. یعنی فلسفه تشریح رهن، رفع نگرانی از هدر رفتن دیون است؛ اما اگر اطمینانی باشد که نگرانی مرتفع شود، دیگر موردی برای دریافت رهن نیست. البته این معنا در صورتی است که جمله «فان امن ...» استثنا و استدرافی باشد از لزوم ارتهان و مقصود از امانت، همان دین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 11 - 22,24

22 - پیش از تقسیم ارث ، اموال مورد وصیت میت و دین او ، باید از اصل مالش جدا شود .

یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین ... من بعد وصیه یوصی بها او دى

«من بعد» متعلق به جمله «یوصیکم الله» است ؛ یعنی تا بعد از تنفیذ وصیت میت و پرداخت دیون او، خداوند سفارش و دستوری به تقسیم میراث ندارد.

24 - در پرداخت دیون میت ، نیازی به وصیت از جانب او نیست .

من بعد وصیه یوصی بها او دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - صرف موجودی کمتر و یا مساوی بدهی در مخارج زندگی و نپراختن دین ، اکل مال به باطل است .

لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل

امام صادق (ع) در مورد کسی که مالی دارد و باید آن را یا خرج زندگی کند یا قرض خود را پردازد، فرمود: يقضى بما عنده دينه و لا يأكل أموال الناس إلا و عنده ما يؤدى اليهم حقوقهم: انّ الله عزّ و جل يقول: «لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل . . .».

کافی، ج 5، ص 95، ح 2؛ نورالثقلین، ج 1، ص 471، ح 197؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 236، ح 101؛ من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 112، ح 12، ب 60.

ص: 510

5- اهمیت پرداخت بدهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 188 - 16

16 - سماعه می گوید: « قلت لأبي عبدالله (ع): الرجل يكون عنده الشيء تبلى به و عليه الدين أيطعمه عياله . . . فقال: يقضى بما عنده دينه و لا يأكل أموال الناس إلا و عنده ما يؤدي إليهم حقوقهم إن الله يقول: لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل؛

به امام صادق (ع) عرض کردم: شخصی نزدش مقدار مالی است که کفاف زندگانی او را می کند و در عین حال مقروض است؛ آیا می تواند با آن مال، مخارج اهل و عیال خود را تأمین کند؟ .. حضرت فرمود: با آن چیزی که در نزد اوست دین خورا ادا نماید و اموال مردم را نخورد مگر آنکه دارای مالی باشد که بتواند به وسیله آن حقوق مردم را ادا نماید. خداوند می فرماید: لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 19 - 3

3 - ادای دین و پرداخت حقوق مالی دیگران و پاسخ احسان آنان - هر چند اندک باشد - بر جود و انفاق مقدم است .

یؤتی ماله . . . و ما لأحد عنده من نعمه تجزی

نکره آوردن «نعمه» همراه با «من» زاید - که برای عموم است - آن را بر هر احسانی، هر چند اندک، تعمیم داده است. جمله حالیه «و ما لأحد...» بیانگر آن است که باید این حالت، حاصل شده باشد تا انفاق نشانه تقوا باشد.

6- بدهی میت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 11 - 45

45 - لزوم پرداخت بدهی های میت، قبل از انجام وصیت وی

من بعد وصیه یوصی به او دین

امام صادق (ع) فرمود: إِنَّ الدَّيْنَ قَبْلَ الوصِيه . . .

3 - نساء - 4 - 12 - 8،10،13،14،16،17،19

8 - پیش از تقسیم ارث ، اموال مورد وصیت و دین او ، باید از اصل اموال به جا مانده از او ، جدا شود .

من بعد وصیّه یوصین بها او دین . . . من بعد وصیّه توصون بها او دین . . . من بعد وصیّ

10 - لزوم اهتمام به وصیت میت و پرداخت دیون او

من بعد وصیّه یوصین بها او دین . . . من بعد وصیّه توصون بها او دین . . . من بعد وصیّ

تکرار مسأله وصیت و دین ، دلالت بر اهمّیت ویژه آن دارد.

13 - دین نباید به گونه ای باشد که به ضرر وارث تمام شود .

او دین غیر مضارّ

14 - دیون میت در صورتی که به ضرر وارث باشد ، پرداخت آن لازم نیست .

من بعد وصیّه یوصی بها او دین غیر مضارّ

مراد از دیون معنایی است عام که شامل معاملات نسیه ای نیز می شود ; بنابراین اگر میت معامله ای نسیه انجام داده، ولی این معامله ضرری بوده است، وارثان می توانند دیون را نپردازند. یعنی معامله را فسخ کنند.

16 - احکام و حدود ارث ، عمل به وصیّت میت و پرداخت دیون وی ، وصیّت و سفارش اکید خداوند به مردم

و لکم نصف ما ترک . . . وصیّه من اللّٰه

«وصیّه»، مفعول مطلق است و می تواند تأکیدی بر کلیّه قوانین و احکامی باشد که در آیات پیشین بیان شد.

17 - سفارش اکید خداوند مبنی بر ضرر نرساندن به وارثان به واسطه دین و وصیّت

من بعد وصیّه یوصی بها او دین غیر مضارّ وصیه من اللّٰه

برداشت فوق بر این اساس است که «وصیّه»، تأکید بر آخرین بخش آیه باشد که ضرر نزدن به وارث به واسطه وصیّت و دین است.

19 - هشدار خداوند به مؤمنان در مورد مقررات ارث ، وصیّت و دین میت

و لکم نصف ما ترک من بعد وصیّه . . . و اللّٰه علیم حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 13 - 1

1 - لزوم عمل به وصیّت میت ، ادای دین او ، احکام و قوانین ارث ، حدود الهی است .

تلک حدود اللّٰه

«تلک»، اشاره به تمامی احکامی است که در آیات ارث بیان شده است.

7- پرداخت بدهی بدهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

24 - از امام صادق (ع) روایت شده که رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمود: « ایما مؤمن أو مسلم مات و ترک دیناً لم یکن فی فساد و لا اسراف فعلى الامام ان یقضیه . . . هو من الغارمین و له سهم عند الامام . . . » ;

هر مؤمن یا مسلمانی بمیرد و از او قرضی بماند - که آن را در راه فساد هزینه نکرده و اسراف نکرده باشد - بر عهده امام است که آن را بپردازد . . . آن بدهکار از «غارمین» است و سهمی نزد امام دارد . . . ».

25 - عبدالرحمان بن حجاج گوید: « ان محمد بن خالد سأل ابا عبد الله عن الصدقات قال : اقسامها فیمن قال الله : و لا یعطى من سهم الغارمین الذین ینادون نداء الجاهلیه قلت : و ما نداء الجاهلیه ؟ قال : الرجل یقول : یا آل بنی فلان فیقع فیهم القتل و الدماء فلا یؤدی ذلک من سهم الغارمین و الذین یغرمون من مهور النساء . . . و لا الذین لا یبالون بما صنعوا من اموال الناس ;

محمد بن خالد از امام صادق (ع) درباره [مصرف] صدقات سؤال کرد، حضرت فرمود: آن را بین کسانی که خداوند فرموده تقسیم کن ولی از سهم غارمین به آنان که مانند زمان جاهلیت ندا می دهند داده نمی شود. من پرسیدم: ندای جاهلیت چه بوده است؟

فرمود: شخصی ندا می کرد: «یا آل فلان» [وقبيله خود را به کمک می طلبید]. و در بین آنان کشتار و خونریزی واقع می شد. این خسارتها از سهم «غارمین» داده نمی شود و نیز بدهکارهای اشخاص بابت مهرهای زنان و بدهی افرادی که در مصرف اموال مردم بی باک هستند [از آن سهم پرداخت نمی گردد].».

8- سند در بدهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 2،4،5،6،7،8،16،33،52

2 - وجوب تنظیم سند برای دین مدت دار بر طرفین

یا ایها الذین امنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمی فاکتبه

جمله «تداینتم بدین» شامل هر نوع طلبی می شود؛ چه در فروش کالایی به نسیه و یا خرید کالایی تحویل نشده به نقد (سلف) و یا قرض دادن به شخصی.

4 - وجوب مراعات عدالت در تنظیم اسناد دین و مطالبات

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل

بنابراینکه کلمه «بالعدل» متعلق به جمله «ولیکتب» باشد.

5 - عدالت در نویسنده گی ، شرط گزینش نویسنده برای ثبت اسناد دین و مطالبات

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل

بنابراینکه کلمه «بالعدل» قیدی برای نویسنده سند باشد.

6 - تنظیم و ثبت اسناد دین ، باید در حضور طرفین قرارداد باشد . *

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل

کلمه «بینکم» بیانگر مطلب فوق است. چون مراد از مخاطب، خریدار و فروشنده و وام دهنده و گیرنده آن است.

7 - کسانی که توان نویسنده گی دارند ، هرگز نباید از نوشتن اسناد دین امتناع کنند .

و لا یأب کاتب ان یکتب کما علمه الله فلیکتب

جمله «فلیکتب» تأکید امری است که از «ولا یأب . . .» استفاده می شود. بنابراین لزوم نوشتن بر توانای به نویسنده گی، امری مؤکد است.

8 - تنظیم و ثبت اسناد دیون ، باید به گونه ای باشد که خداوند تعلیم داده است . (طبق موازین شرع)

و لا یأب کاتب ان یتب کما علّمه الله

بنابراینکه «کما علّمه الله» متعلق به «آن یکتب» باشد.

16 - وجوب املائی اسناد دین و مبادلات نسبیّه ای با رعایت عدالت ، از سوی ولیّ مدیونِ سفیه یا ضعیف و یا ناتوان از املائی اسناد

فان کان الذی علیه الحقّ سفیهاً او ضعیفاً او لا یستطیع ان یملّ هو فلیملل ولیّه ب

33 - کمی و زیادی بده بستان های طرفین ، نباید موجب ملول شدن از وظیفه نوشتن و ثبت دیون و حقوق و مدّت آن گردد .

و لا تسموا ان تکتبوه صغیراً او کبیراً الی اجله

52 - نویسنده قرارداد دین ، باید شخص ثالثی غیر از متعاملین باشد . *

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل . . . و لا یأب کاتب . . . و لا یضارّ کاتب

ص: 513

9- عفو بدهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 280 - 7,8,10,12,14

7 - ارجمندی والاتر گذشت طلبکار از بدهی وامداران تنگدست ، نسبت به مهلت دادن آنان

و ان تصدقوا خیر لکم

بنابراین احتمال که بهتر بودن گذشت، نسبت به مهلت دادن باشد؛ یعنی ثواب گذشت بیشتر از ثواب مهلت دادن است.

8 - ارزش والای گذشت طلبکار از بدهی وامدار تنگدست ، به جای بازپس گیری وام از وی

و ان تصدقوا خیر لکم

بنابراینکه بهتر بودن گذشت، در مقایسه با بازپس گیری وام باشد؛ یعنی گذشت از آن مال بهتر است از به دست آوردن آن ؛ چون ثواب صدقه خواهد ماند، ولی مال به دست آمده بقایی ندارد.

10 - گذشت از بدهی وامداران تنگدست ، نمونه ای از صدقه

و ان تصدقوا خیر لکم ان کنتم تعلمون

گذشت از بدهی وامداران به صدقه تعبیر شده است.

12 - آگاهی به فرجام اعمال نیک (صدقه ، گذشت از وامداران تنگدست و . . .) برانگیزنده آدمی برای انجام آن اعمال

و ان تصدقوا خیر لکم ان کنتم تعلمون

مفعول «تعلمون» در برداشت فوق خیر بودن صدقه گرفته شده است؛ و جواب شرط (ان کنتم تعلمون) محذوف می باشد یعنی: اگر به نیکی صدقه آگاه باشید صدقه خواهید داد.

14 - ارزش والاتر گذشت از بدهی وامداران تنگدست ، در صورت توجه و آگاهی به تنگدستی آنان

خیر لکم ان کنتم تعلمون

امام صادق (ع): «و ان کان ذو عسرہ . . .»، ان کنتم تعلمون انه معسر فتصدقوا علیه بما لکم علیه فهو خیر لکم

کافی، ج 4، ص 35، ح 4؛ نورالثقلین، ج 1، ص 295، ح 1182.

10- کتابت بدھی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 35

35 - ثبت دیون و مدّت آن و ثبت حقوق - کم باشد و یا زیاد - ، از عادلانه ترین اعمال نزد خداوند و استوارترین و مددکارترین چیز برای اقامه شهادت

ذلکم اقسط عند اللّٰه و اقوم للشّهاده

ص: 514

11- گواهی در بدهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 24

24 - گواهان بر دین و مبادلات باید مورد قبول و رضایت طرفین باشند .

و استشهدوا شهیدین من رجالکم . . . ممّن ترضون من الشّهداء

12- وصیت به بدهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 11 - 24

24 - در پرداخت دیون میت ، نیازی به وصیت از جانب او نیست .

من بعد وصیه یوصی بها او کین

ص: 515

1- آثار بدی فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 113 - 9

9- بدی و نااهلی فرزندان، تأثیری در سرنوشت پدران و مادران نداشته و از شخصیت و شرافت آنان نمی کاهد.

و برکنا علیه و علی إسحق و من ذریتهما محسن و ظالم لنفسه مبین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که برخی از فرزندان ابراهیم و اسحاق (علیهما السلام) افرادی کافر و نااهل شدند؛ ولی در عین حال این دو پیامبر از الطاف و برکات الهی به طور کامل برخوردار بودند.

2- آداب تبیین بدی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 7 - 4

4- تفصیل و تأکید در بیان نیکی ها و ارزش ها و اشاره و خلاصه گویی در بیان بدی ها و ضد ارزش ها، امری شایسته و روشی پسندیده است.

إن أحسنتم أحسنتم لأنفسکم و إن أسأتم فلها

تعبیر تفصیلی «إن أحسنتم أحسنتم لأنفسکم» در قبال تعبیر خلاصه تر «وإن أسأتم فلها» می تواند به مطلب فوق اشاره داشته باشد.

ص: 516

3- افشای بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 149 - 5

5 - مجاز نبودن انسان در آشکار ساختن بدی های مردم و مخیر بودن او در اظهار و مخفی کردن خوبی های آنان

لايحب الله الجهر بالسوء .. إن تبدوا خيراً أو تخفوه

با توجه به آیه قبل که درباره حرمت افشا و ابراز کارهای بد دیگران بود، می توان گفت این آیه نیز درباره ابراز و اخفای کارهای نیک دیگران است. البته بر این مبنا جواب شرط باید جمله ای همانند «فلا جناح علیکم» در تقدیر باشد.

4- امکان بدی فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 113 - 7

7 - بد و نااهل شدن فرزند از هر خانواده ای - حتی پیامبران - امری است ممکن .

و من ذرّیتهما .. ظالم لنفسه مبین

5- بدی آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 46 - 10

10 - خاندان فرعون ، از بدترین مردمان جهان

أدخلوا آل فرعون أشدّ العذاب

مجازات خاندان فرعون به شدیدترین مجازات ها، گویای حقیقت یاد شده است.

6- تعلیم بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 10 - 1

1 - خداوند ، راه های نیک و بد را به انسان ها شناسانده است .

و هدینه النجدین

«نَجْد» به معنای راه آشکاری است که در ارتفاع باشد. (قاموس)

ص: 517

7- خوبی در مقابل بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 22 - 14

14- خوبی کردن در پاسخ به بدی ها و ستم های دیگران ، خصلتی ارزشمند و از ویژگی های خردمندان است .

إنما يتذكر أولوا الألباب .. الذين ... يدروون بالحسنه السيئه

برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است که در توضیح برداشت شماره 12 آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 54 - 13، 7

7 - دفع بدی دیگران با خوبی کردن به آنان ، رفتاری ارزشمند و توصیه خداوند به اهل ایمان

و يدروون بالحسنه السيئه

«درء» (مصدر «یدروون») به معنای دفع کردن است.

13 - در پاسخ بدی ، خوبی کردن و انفاق بخشی از دارایی ها ، باید برنامه همیشگی اهل ایمان باشد و نه مقطعی .

و يدروون بالحسنه .. و ممّا رزقنهم ینفقون

برداشت یاد شده با توجه به فعل های «یدروون» و «ینفقون» - که حکایت از تجدد و استمرار دارد - استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 40 - 6

6 - عفو و اغماض از خطای دیگران و اصلاح بدی آنان با نیکی و گذشت ، موجب اجر و پاداش ویژه خداوند است .

و جزوا سیئه سیئه مثلها فمن عفا و أصلح فأجره علی الله

8- دعوت به بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 6 - 5

5- نقش شیطان، فریب کاری و فراخواندن به بدی است.

إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ

برداشت یاد شده، از آن جا است که در این آیه نسبت به تلاش شیطان، تعبیر «دعوت» به کار رفته است.

9- سختی بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 10 - 2

ص: 518

2- راه نیک و بد ، هر دو برجسته و آشکار و پیمودن هر یک ، دارای دشواری هایی خاص است .

و هدینه النجدین

قرار داشتن راه خیر و شر در ارتفاعات، کنایه از آشکار بودن آن برای همگان و نیز صعب العبور بودن آن است. دشواری راه خیر، ممکن است به لحاظ ویژگی های خود آن و دشواری راه شرّ به لحاظ عواقب آن باشد.

10- عفو از بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 40 - 7

7- در مقابله با بدی ، تنها عفو و گذشت کارساز نیست ؛ بلکه باید درصدد هدایت خطاکار برآمد . *

فمن عفا و أصلح

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «أصلح» توضیح و نتیجه «عفی» نباشد بلکه حامل پیام مستقل باشد.

11- قیاس خوبی با بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 34 - 1

1 - مساوی نبودن خوبی و بدی ، امری روشن و آشکار

و لا تستوی الحسنه و لا السيئه

12- کیفی بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 40 - 1

1 - جزای بدی و کیفی خطاها در حد مقابله به مثل ، مجاز و مشروع است .

و الذين إذا أصابهم البغي . . . و جزؤا سيئه سيئه مثلها

13- نعمت شناخت بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 10 - 6

6 - شناخت راه های نیک و بد ، نعمتی الهی و غفلت از آن ، شگفت آور و ملامت بار است .

ص: 519

14- وضوح بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 10 - 90 - 2

2- راه نیک و بد ، هر دو برجسته و آشکار و پیمودن هر یک ، دارای دشواری هایی خاص است .

و هدینه النجدین

قرار داشتن راه خیر و شر در ارتفاعات، کنایه از آشکار بودن آن برای همگان و نیز صعب العبور بودن آن است. دشواری راه خیر، ممکن است به لحاظ ویژگی های خود آن و دشواری راه شرّ به لحاظ عواقب آن باشد.

15- وضوح تفاوت خوبی و بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 34 - 1

1 - مساوی نبودن خوبی و بدی ، امری روشن و آشکار

و لا تستوی الحسنه و لا السيئه

بدی ها

16- آداب تبیین بدی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 7 - 4

4- تفصیل و تأکید در بیان نیکی ها و ارزش ها و اشاره و خلاصه گویی در بیان بدی ها و ضد ارزش ها ، امری شایسته و روشی پسندیده است .

إن أحسنتم أحسنتم لأنفسكم وإن أسأتم فلها

تعبیر تفصیلی «إن أحسنتم أحسنتم لأنفسكم» در قبال تعبیر خلاصه تر «وإن أسأتم فلها» می تواند به مطلب فوق اشاره داشته باشد.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

